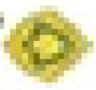
# اعتکاف

محمدعلی جلالی مطلب



بسم الله الرحمن الرحیم

# اعتکاف

نویسنده:

محمدعلی جلالی طلب

ناشر چاپی:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود ( علیه السلام )

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

# اعتکاف

## مشخصات کتاب

سرشناسه:جلالی طلب، محمدعلی، ۱۳۵۴ -

عنوان و نام پدیدآور:اعتکاف/ محمدعلی جلالی طلب.

مشخصات نشر:قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود( عج)، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری:۴۲۳ص.؛ ۵/۱۴×۵/۲۱س م.

شابک:۹۷۸-۶۰۰-۷۱۲۰-۰۲-۶

وضعیت فهرست نویسی:فیپا

موضوع:اعتکاف

رده بندی کنگره:BP۱۸۸/۲/ج۸الف۶ ۱۳۹۲

رده بندی دیویی:۲۹۷/۳۵۴

شماره کتابشناسی ملی: ۳۲۴۱۶۰۱

ص: ۱

## اشاره

اعتکاف

مؤلف: محمدعلی جلالی طلب

ناشر: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج)

نوبت چاپ: اول/ تابستان ۱۳۹۲

شابك: ۹۷۸- ۶۰۰-۷۱۲۰-۰۲-۶

شمارگان: هزار نسخه

قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان



* قم: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج)، مرکز تخصصی مهدویت/ خیابان شهدا/ کوچه آمار (۲۲)/ بن بست شهید علیان/ ص.پ: ۱۱۹– ۳۷۱۳۵/ همراه: ۰۹۱۰۹۶۷۸۹۱۱/ تلفن: ۳۷۷۴۹۵۶۵ و ۳۷۷۳۷۸۰۱ (داخلی ۱۱۷و۱۱۶)/۳۷۸۴۱۱۳۰ (فروش)/ ۳۷۸۴۱۱۳۱ (مدیریت)/ فاکس:۳۷۷۳۷۱۶۰ و ۳۷۷۴۴۲۷۳

* تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود۴/ تلفن: ۸۸۹۵۹۰۴۹/ فاکس: ۸۸۹۸۱۳۸۹/ ص.پ:۳۵۵-۱۵۶۵۵

www.mahdi۳۱۳.com

با قدردانی و تشکر از همکارانی که در تولید این اثر نقش داشته اند:

اعضای محترم شورای کتاب حجج اسلام مجتبی کلباسی، محمدصابر جعفری، مهدی یوسفیان، محمدرضا فؤادیان و آقایان احمد مسعودیان (مدیر داخلی)، عبدا... شریفی (مدیر فروش)، مرتضی دانش طلب (مدیر مالی)، عباس فریدی (طراح جلد و صفحه آرا) و کلیه کسانی که ما را یاری نمودند.

مدیر مسئول انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج)

حسین احمدی

۰۹۲۷۸-۴

**فهرست**

فصل چهارم:آداب،احکام و شرایط اعتکاف

وجوب به جا آوردن اعتکاف

۱)نذر، عهد، و قسم

۲)شرط ضمن عقد

۳)اجاره

۴)سومین روز اعتکاف

اقسام اعتکاف

۱-اقسام اعتکاف از لحاظ مستحب و واجب بودن

۱-۱-واجب معیّن

۱-۲-واجب غیر معیّن(موسّع)

۱-۳-مستحّب

۲-اقسام اعتکاف از لحاظ اصالتی و نیابتی بودن

۲-۱-اصالتاً(برای خود)

۲-۲-نیابتاً

۲-۲-۱-به نیابت از مردگان

۲-۲-۲-به نیابت از زندگان

شرایط صحّت اعتکاف

۱-ایمان

۲-عقل

۱-۵-اعتکاف ناپیوسته

۲-۵-شروع اعتکاف پس از طلوع فجر

۳-۵-محدوده روز در اعتکاف

۴-۵-اضافه نمودن بخشی از روز، به اعتکاف

۵-۵-اعتکاف به صورت تلفیقی

۶-۵-اعتکاف یک ماهه

۶-حضور در مسجد جامع

۱-۶-تعدد مساجد جامع

۲-۶-غیر عادل بودن امام جماعت مسجد جامع

۳-۶-اعتکاف در غیر مسجد جامع

۴-۶-اعتکاف در غیر مسجد

۵-۶- تعریف مسجد جامع

۱)مساجد جامع متروک

۲)اعتکاف در مسجد جمکران

۳)تشخیص عدم داشتن شرایط مسجد، پس از اعتکاف

۴)احراز جامعیت مسجد

۶-۶-اعتکاف در دو مسجد

۷-۶-اعتکاف در محل یا فرش غصبی

۸-۶-اعتکاف در مکان معینی از مسجد

۹-۶-محدوده مسجد

۷-اجازه از صاحب اجازه

۱-۷-اجازه والدین

۲-۷-اجازه زن از شوهر

۳-۷-اجازه صاحب کار

۸-پیوستگی توقف

۱-۸-موارد مجاز خروج معتکف از مسجد

۱)اداء شهادت و گواهی دادن در دادگاه

۲)عیادت مریض

۳)تشییع جنازه

۴)انجام سایرکارهای ضروری یاشرعی که مصلحتی درآن نهفته باشد

۵)بدرقه و استقبال مسافر

۲-۸-حکم خروج معتکف جهت :

۱) شرکت در نمازجمعه بعنوان امام یا ماموم

۲) شرکت در نمازجماعت به عنوان امام یا ماموم(غیر مسجدالحرام)

۳) رفتن سر کلاس

۴) رفتن محل کار

۵) برای وضو و غسل مستحّبی و مسواک زدن

۶) تلفن زدن به خانواده در موارد غیر ضروری و امور متعارف

۷) دیدار با خانواده در بیرون و در حیاط مسجد

۸) استحمام درسرویس بهداشتی مسجدخارج ازمسجد

۹) برای شستن دندانها و دستها

۱۰)جهت وضوی مستحّبی،شستن ظرف یادست ومسواک زدن درمسجد

۱۱) زیارت حضرت رضا و معصومه علیهما السلام جهت معتکف نزدیک حرم

۱۲) صرف غذا در سالن غذاخوری محوطه مسجد

۱۳) خرید نیازمندیهای سایر معتکفین مثل افطاری و سحری

۱۴) خرید و فروش

۱۵)شرکت درمراسم و راهپیمائی های مهّم مانند روز قدس، ۲۲بهمن

۱۶)آوردن غذا و وسایل و شستن لباس و ظروف

۱۷)ازاله خون از بدن

۱۸)گرفتن وضوی واجب

۱۹)متفرقه

۳-۸-ملاک ضرورت و میزان خروج مجاز از مسجد

۴-۸-مواردی که واجب است، معتکف ازمسجد خارج شود

۱-۴-۸-انجام غسل واجب مانند جنابت

۱-۱-۴-۸-محل انجام غسل واجب

۱)اگر غسل کردن در مسجد مانع داشته باشد

۲) اگر غسل کردن در مسجد مانع نداشته باشد

۲-۴-۸-پرداخت بدهی

۳-۴-۸-انجام کار واجب دیگری که لازم باشد از مسجد خارج شود

۵-۸-خارج نشدن از مسجد در صورت وجوب خروج

۶-۸-اموری که معتکف در بیرون از مسجد باید رعایت کند

۷-۸-طولانی شدن خروج از مسجد در موارد مجاز

محرّمات اعتکاف

۱-لذّت های جنسی

۲-بوئیدن عطر و هر بوی خوش و گیاه معطر

قطع اعتکاف

۱)واجب معین ۱۲۲

۲)واجب موسع

۳)مستحب

تکلیف معتکف پس از قطع یا باطل شدن اعتکاف

قطع روزه

قضای اعتکاف

۱)زمان ادای قضای اعتکاف

۲)قضای اعتکاف معتکف فوت شده

فضیلت ماه رجب

اعمال مشترک ماه رجب

۱-غسل

۲-نماز

۱-۲-شصت رکعت نماز

۲-۲-ده رکعت نماز

۳-۲-دو رکعت نماز

۴-۲-نماز حضرت سلمان

۵-۲-چهار رکت نماز

ص:۱۱

وقایع روز پانزدهم

۱-وفات حضرت زینب علیها السلام

۱-۱-فضائل حضرت زینب علیها السلام

۱)علم

۲)حلم و صبر وصف ناشدنی

۳)شجاعت

۴)فصاحت و بلاغت

۲-شهادت حضرت امام صادق علیه السلام

۳-تغییر قبله

۴-ازدواج حضرت علی با حضرت فاطمه علیهما السلام

فصل هشتم-توصیه هایی به معتکفین

مراقبتهای قبل از اعتکاف

۱-آمادگی درونی و بیرونی معتکف

۱-۱-گرفتن حلالیّت از اطرافیان و رفع کدورتها

۲-۱-اداء حقوق مالی و دینی

۲-داشتن حضور قلب

۳-آگاهی کامل از احکام اعتکاف و مطالعه دقیق آنها

۴-تنظیم برنامه

۵-گذاشتن شرط رجوع

۶-آماده کردن وسائل مورد نیاز در اعتکاف

۷-هدیه کردن ثواب اعتکاف

۸-گذراندن مرحله اوّل سیر عرفانی اعتکاف(سیر من الخلق الی الحق)

۸-۱-منزل بیداری(یقظه یا توجّه)

۸-۲-منزل توبه

۸-۲-۱-چگونگی توبه

۸-۳-منزل تقوا

۸-۴-منزل تخلیه

۸-۵-منزل تحلیه

۱۷-گنجاندن برنامه های آموزشی، مطالعه و جلسات علمی

۱۸-رعایت حال دیگر معتکفین

۱۹-احسان و همکاری در اعتکاف

۲۰-صرف افطار و سحری به صورت دسته جمعی

۲۱-چگونگی اطلاع از اخبار جامعه

۲۲-سادگی در انتخاب نوع غذا

۲۳-انجام نرمش صبحگاهی

۲۴-تمرین حضور در مسجد

۲۵-رعایت پاکی

۲۶-توصیه های بهداشتی ویژه معتکفین

۲۷-رعایت اصول تغذیه در اعتکاف

۲۸-پرهیز از امور دنیوی

۲۹-پرهیز از زیاده روی در شوخی

۳۰-عدم انجام کارهای لغو

۳۱-پرهیز از زیاده روی در خواب

۳۲-حتی الامکان استفاده نکردن از تلفن همراه

۳۳-خاطره نویسی

۳۴-مطالعه شرح حال بزرگان معنوی

۳۵-انس با خوبان و مشورت با علما در این فرصت مناسب

۳۶-تصمیم گیری برای مسائل کلان زندگی

۳۷-شکرگذاری به درگاه خداوند

۳۸-شناخت آسیب شناسی اعتکاف

۳۹-رعایت آداب اعتکاف مهدوی و معتکفین منتظر

۴۰-گذراندن مرحله دوّم سیر عرفانی اعتکاف(سیر من الحق الی الحق) ۴۰-۱-صُمت و دوری از پرگویی و کلام لغو

۴۰-۲-جوع

۴۰-۳-سحرخیزی

۴۰-۴-عُزلت

۵-۴۰-ذکر و تسبیح

۱)مرتبه اوّل: ذکر لفظی

۲)مرتبه دوّم: ذکر قلبی

۳)مرتبه سوّم: ذکر عملی

۶-۴۰-دعا

۱-۶-۴۰-از خدا چه بخواهیم؟

مراقبتهای بعد از اعتکاف

۱-ارزشیابی و جمع بندی

۲-آوردن یادگاری و سوغاتی

۳-شکر گذاری

۴-حفظ انس خود با مسجد

۵-حفظ دوستان

۶-گذراندن مرحله سوّم سیر عرفانی اعتکاف(سیر من الحق الی الخلق)

۱-۶-حفظ آثار و دستاوردهای معنوی

۲-۶-خدمت به خلق

۳-۶-تبلیغ عملی و گسترش فرهنگ اعتکاف

۴-۶-دیگرسازی، بعد از خودسازی

فصل نهم-توصیه هائی به متولیان اعتکاف

۱-آموزه های بهداشتی

ص:۱۵

۱-۲-تمرین عملگرایی

۱-۳-تمرین انقطاع از غیر

۱-۴-ایجاد آرامش روانی در معتکف

۱-۵-پیشگیری از بدی ها و دوری از آتش جهنم

۱-۶-زمینه ساز اخلاص و انس با خدا

۱-۷-زمینه ساز توجه قلبی به خدا

۱-۸-زمینه ساز خودشناسی و دستیابی به توانایی و کمال

۱-۹-زمینه ساز پاکی و عاقبت نیکو

۱-۱۰-زمینه ساز توبه و بخشش گناهان

۱-۱۱-زمینه ساز استقامت در عبادت و تفکّر

۱-۱۲-فراهم نمودن زمینه برای تامّل و تفکّر در درون

۱-۱۳-رسیدن به آثار خلوتگزینی و پرهیز از اجتماع زدگی

۱-۱۴-تقویت اراده

۱-۱۵-تحوّل درونی و فرصتی برای خدایی شدن

۱-۱۶-رهایی از تعلقات مادّی

۱-۱۷-تنظیم کننده حقوق اجتماعی معتکف

۱-۱۸-انس با خوبان و یافتن دوستانی اهل معنا

۱-۱۹-بهره گیری از اندیشه ها و تجربیات معنوی و اخلاقی بزرگان

۱-۲۰-تضعیف مادّی گرایی و تعلقات مادی

۲۱-۱-دستیابی به گنجینه هایی از رحمت خاصّ خدا

۲۲-۱-توفیق تلاوت بیشتر قرآن و بهره مندی از برکات آن

۲۳-۱-ذکر و یاد خدا و چشیدن شیرینی آن

۲۴-۱-جلب محبّت خدا و تحصیل بهشت الهی و تقرب به او

۲۵-۱-انس با معنویات

۲۶-۱-دوری از غفلت

۲۷-۱-افزایش تواضع و فروتنی

۲۸-۱-تجمیع ثواب اعمال عبادی و دریافت پاداش بسیار

۲۹-۱-میهمان شدن بر خدا درخانه اش

ص:۱۷



چکیده

سیر مطالعاتی کتاب براساس فرصت زمانی مطالعه

ص:۱

## راهنما

۱-معنی کلماتی که ذیل آن خط کشیده شده، در لغت نامه آمده است.

۲-در پایان کتاب، چکیده ای آورده شده است که توصیه می‌شود در صورت کمبود وقت، حتماً مطالعه شود.

۳-لوح فشرده این کتاب در اختیار خوانندگان عزیز قرار می گیردتا در زمینه فعالیّتهای پژوهشی، انشاءاللهبتواند راه گشا باشد.

۴-چاپ و تکثیر مطالب، با ذکر منبع بدون اشکال است.

۵-کلیه مطالبی که راجع به احکام اعتکاف از آیات عظام امام خمینی، بهجت، تبریزی، خامنه ای، سیستانی، صافی، فاضل، مکارم و نوری همدانی در دسترس بوده است، در این مجموعه گردآوری شده است.

۶-متن اصلی این کتاب، براساس نظرات حضرت امام خمینی است و در هر موردی که نظر یکی از مراجع با نظر ایشان مغایر باشد، روی همان مورد شماره ای قرار گرفته و در پاورقی طبق همان شماره، عبارتِ مغایر، ذکر شده است.

۷-در این کتاب به ناچار نام مراجع به اختصار، ذکر گردیده است؛ لذا از ارواح مقدّسهٔ مراجع گذشته رضوان اللّه علیهم و ساحت مقدّس مراجع حاضر أدام اللّه ظلّهم عذرخواهی می شود.

۸-غالباًاز ویرایش فتاوا و نقل به معنی آنها،خودداری شده است مگر در بعضی موارد که مضرّ به معنی نبوده است.

## مقدمه

اعتکاف، دارویی شفابخش

ما در قرنی زندگی می کنیم که عصر شکوفایی علم و صنعت، عصر رایانه و... نامیده شده؛ امّا برخلاف همه پیشرفت ها، بشر مضطرب و سرگردان است، حتّی مسلمانان نیز آرامش را در غیر آنچه خدا قرار داده، می‌جویند. مردم به دنبال دارویی شفابخش هستند که بتوانند ازاضطراب نجات یابند. آرامش را تنها در دستورات الهی و سنّت های معصومین باید جُست.

هرچند در بین مسلمانان افرادی، عرفان دینی را با ریاضت های هندی و

توصیه های روح شناسی اروپایی، آمیخته اند و معجونی مسموم درست کرده و به خورد جوانان مضطرب می‌دهند. این خود، دردی است که به دردهای اجتماع ما اضافه شده و آنان را از خدا و دیندور کرده است. چرا به جای روی آوردن به این مسایل، گمشده خود را در قرآن و مسیر اهل بیت علیهم السلام نمی‌جوییم؟

چند عبادت داریم که خود جامع عبادات هستند. معتکف، توفیق انجام چندین عمل صالح را توأماً دارد. اینراه، راه میانبُر در رسیدن به خداست.

از سنّت های اسلامی که پس از پیروزی انقلاب احیا گردید، اعتکاف است. اعتکاف از سنّت های پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه و بسیاری از پیامبران پیش از اسلام بوده است که دارای اهمیّتو آثار فردی - اجتماعی بسیاری است.

برخی گمان می کنند که اعتکاف، گوشه گیری از اجتماع و نوعی انزوا و فرار ازمسئولیت های اجتماعی است و معتکف وارد عالم بیخیالی درمورد اطرافش می‌شود. در صورتی که اسلام سکونت طولانی درعبادتگاه ها و دوری ازجوامع را نفی، و مسلمانان را به شرکت درفعالیّت های اجتماعی تشویق کرده

است. اعتکاف، سنّت همان پیامبرانی است که طلایه دار

مسئولیت های اجتماعی بودند.

در اعتکـاف می‌توان خـدایی بودن در همه کارها را تمرین کرد و فرصت مناسبی است تا انسانی که در پیـچ و خم مادیّات گم شده، وجودش را باز یابد و دل از غیر خدا رها کند و روح بندگی را درخود زنده کند.

اعتکـاف یـک ضـرورت است زیرا هر مسـلمان بایـد حـداقل در هر سـال یک نوبت، محیطی را فراهم نمایـد تا درآن به فکر و محاسبه اعمال خود بپردازد.

اشـتغال انسان به کار و زندگی، گاه موجب غفلت و سـبب فراموشـی توجّه به خودسازی می‌شود. کسانی که پُرمشغله هستند و غرق دنیای اقتصاد و سیاست و غیره هسـتند، باید گاهی از کار، زندگی و دلبسـتگی های مادّی، فاصـله بگیرند و تنظیم فکر و عمل، با معیارهای الهی را تمرین کنند.

آنها که مسؤولیتهای بزرگتری دارند، بیش ازدیگران، به اعتکاف و خودسازی نیاز دارند؛ لذا می‌بینیم که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پس از هجرت، همه ساله معتکف می‌شود و به همه رجل سیاسی-اجتماعی درس معنویت گرایی می‌دهد.

در ایران سالیـانه صـدها هزار نفر در مساجـد معتکف میشونـد و لازم است جهت مسائل مختلف اعتکاف، کتب و جزوات لازم در اختیـار متولیـان امر اعتکـاف و معتکفیـن قرار گیرد. هرچنـد خوشـبختانه ده هـا کتـب در ایـن زمینـه چـاپ شـده است لکن هیچکدام جامعیت لازم را نداشته است. لذا حقیر را بر آن داشت، تا به گردآوری این مجموعه اقدام نمایم.

لازم میـدانم از مراجع تقلیـد آیات عظام خامنه ای، جوادی آملی، سیسـتانی، صافی، مظاهری، مکارم و نوری همـدانی و دفاتر آیات عظام امام خمینی، بهجت، تبریزی،فاضل لنکرانی تقدیر به عمل آید.

## فصل اول: تعریف اعتکاف

### ۱- مفهوم لغوی اعتکاف

اقبال به چیزی، به صورتی که چهره از آن برنگردد. اقبال به چیزی به طوری که از آن منصرف نشد.(۱)

رویارویی و زندانی کردن، اقبال به چیزی به طوری که از آن منصرف نشد.(۲)

اقبال به چیزی، به صورتی که مواظبت می‌شود تا چهره از آن برنگردد. ماندگار شدن بر چیزی یا مکانی و پایبند شدن به آن مکان. حبس شدن و ماندن در اطراف چیزی و دور زدن حول آن.(۳)

روی آوردن بر چیزی و ثبات بر آن به صورت بزرگداشت و تعظیم.(۴)

نگه داشتن خود از کارهای عادی روزمره.(۵)

دور زدن حول چیزی، زندانی کردن، نگه داشتن و توقف کردن.(۶)

اقبال به چیزی، به صورتی که چهره از آن برنگردد. ماندن اطراف چیزی.(۷)

بازداشتن از چیزی، بند نمودن کسی برکاری، دور چیزی را گرفتن، کناره گیری از مردم، منزوی شدن، مشغول کاری شدن، سرگرم شدن، خود را بند کردن و بازداشتن و گوشه نشین شدن، مقیم شدن در جایی، اقبال و روی

---

۱- کتاب العین، ج۱، ص۲۰۵.

۲- معجم المقاییس اللغه، ج۴، ص۱۰۸.

۳- لسان العرب، ج۹، ص۲۵۵.

۴- راغب الاصفهانی، مفردات الفاظ القرآن الکریم، ج۲، ص۶۳۲.

۵- المصباح المنیر، ج۲، ص۴۲۴.

۶- مجمع البحرین، ج۵، ص۱۰۳.

۷- التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج۸، ص۲۰۱.

آوردن، ملازمت نمودن به چیزی برسبیل تعظیم، ملازم مکانی شدن، اقامت در مسجد، محبوس کردن.(۱)

ماندن در جایی و گوشه گیری نمودن.(۲)

اقبال به چیزی و پایبند بودن بر آن، همراه با احترام به آن.(۳)

اقامت و ملازمت جایی، حبس و وقف خود در مکانی، در مسجد مقیم شدن برای عبادت و بازداشتن خود را از خروج به غیر ضرورت از مسجد، اقامت داشتن و احتباس، مصدر باب افتعال از عکف، پیوستگی بر چیزی داشتن و حبس کردن، درنگ کردن و ادامه دادن. پیوستگی کردن بر چیزی (زمخشری). انتظار چیزی کشیدن، خود را بازداشتن، گوشه نشین شدن (منتهی الارب، ناظم الاطبا). باز ایستادن از چیزی، گوشه نشینی در مسجد (غیاث اللغات).(۴)

## ۲- مفهوم اصطلاحی اعتکاف

اقامت سه روز یا بیشتر در مسجد به قصد عبادت یا قربت با شرایط مخصوص.(۵)

## ۳- مفهوم اعتکاف از دیدگاه علما

امام خمینی رحمه الله: ماندن در مسجد و درنگ در آن به قصد اینکه با آن، بندگی خدا نماید و نیّت عبادت دیگری غیر از ماندن در مسجد لازم نیست به آن ضمیمه شود، اگرچه احتیاط مستحّب است.(۶)

---

۱- ترجمه المنجد، ج۲، ص۱۳۲۷.

۲- فرهنگ ابجدی، ص ۶۲۰.

۳- قاموس قرآن، ج۵، ص۲۹.

۴- لغت نامه دهخدا.

۵- نجفی، محمّد حسن، جواهر الکلام، ج۱۷، ص ۱۵۹/راغب الاصفهانی، مفردات الفاظ القرآن الکریم، ماده عکف/طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، ماده عکف.

۶- ترجمه تحریر الوسیله، ج۱، ص۳۴۴ .

آیت الله العظمی صافی: توقّف در مسجد با این قید که در این توقّف قصد و نیّت تعبّد و بندگی را داشته باشد. احوط آن است که نیّت عبادت دیگری مانند نماز و روزه و... غیر از اعتکاف را نیز، ضمیمه کند.

آیت الله العظمی مکارم: توقّف و ماندن در مسجد به قصد قربت. تنها، ماندن در مسجد، بدون قصد، اعتکاف محسوب نمی‌شود.(۱)

شهید مطهّری: نوعی عبادت که انسان سه روز یا بیشتر در مسجد مقیم می‌شود و پا بیرون نمی‌گذارد و هر سه روز، روزه می‌گیرد.(۲)

## ۴- اعتکاف در قرآن

کلمه اعتکاف از ریشه «عَکَف» است که با عناوینی چون: عاکفون، عاکفین، عاکف به معنای عبادت کنندگان در راه خدا و مقیمان در خانه او و کسانی که در عبادت و پرستش بت ها توقّف نموده اند، در ۹ آیه قرآن آمده است:

بقره ۱۲۵ و ۱۸۷، اعراف ۱۳۸، طه ۹۱ و ۹۷، انبیاء ۵۲، حجّ ۲۵، شعرا ۷۱، فتح ۲۵

۱) بقره ۱۲۵: «و (به خاطر بیاورید) هنگامی که خانه کعبه را محل بازگشت و مرکز امن و امان برای مردم قرار دادیم. و (برای تجدید خاطره،) از مقام ابراهیم، عبادتگاهی برای خود انتخاب کنید. و ما به ابراهیم و اسماعیل امر کردیم که: خانه مرا برای طواف کنندگان و مجاوران و رکوع کنندگان و سجده کنندگان، پاک و پاکیزه سازید».

۲) بقره ۱۸۷: «...در حالی که در مساجد به اعتکاف پرداخته اید، با زنان آمیزش نکنید».

---

۱- استفتاءات جدید، مکارم شیرازی،ج ۲، ص ۱۵۷س ۴۵۱/تفسیر نمونه، ج ۱، ص۶۵۳ (بقره: ۱۸۷) .

۲- مطهری مرتضی، کتاب علوم اسلامی، ص۹۴.

۳) اعراف ۱۳۸: «و بنی اسرائیل را (سالم) از دریا عبور دادیم؛ (ناگاه) در راه خود به گروهی رسیدند که اطراف بت هایشان، با تواضع و خضوع، گرد آمده بودند[اعتکاف کرده بودند]. (در این هنگام، بنی اسرائیل) به موسی گفتند: «تو هم برای ما معبودی قرار ده، همان گونه که آنها معبودان (و خدایانی) دارند. [موسی] گفت: شما جمعیّتی جاهل و نادان هستید».

۴) طه ۹۱: «ولی آنها گفتند: [بر آن معتکف می‌شویم] ما همچنان گرد آن

می گردیم (و به پرستش گوساله ادامه می‌دهیم) تا موسی به سوی ما بازگردد».

۵) طه ۹۷: « (موسی) گفت: برو، که بهره تو در زندگی دنیا این است که (هرکس به تو نزدیک شود) بگویی: با من تماس نگیر! و تو میعادی (از عذاب خدا) داری، که هرگز تخلّف نخواهد شد. (اکنون) بنگر به این معبودت که پیوسته آنرا پرستش می کردی[بر او اعتکاف داشتی]؛ و ببین ما آن را نخست می‌سوزانیم؛ سپس ذرّات آن را به دریا می‌پاشیم».

۶) انبیاء ۵۲: «آن هنگام که به پدرش (آزر) و قومش گفت: «این مجسمه های بی روح چیست که شما همواره آنها را پرستش می کنید[برای آنها، معتکف شده ید]؟!».

۷) حجّ۲۵: «...مسجد الحرام، که آن را برای همه مردم، برابر قرار دادیم، چه کسانی که درآنجا زندگی می کنند[عاکفین] یا از نقاط دور وارد می‌شوند...».

۸) شعرا ۷۱: «[پدر و قوم حضرت ابراهیم در پاسخش] گفتند: بت هایی را

می‌پرستیم، و همه روز ملازم عبادت آنهاییم [بر آنها معتکف میشویم]».

۹) فتح۲۵: «آنان کسانی هستند که کافر شدند و شما را از (زیارت) مسجدالحرام و رسیدن قربانی هایتان به قربانگاه، بازداشتند».

چند نکته از آیات نه گانه فوق:

۱-اعتکاف در ۲ آیه، در معنای مثبت و در ۷ آیه در معنای منفی به کار رفته است.

۲-در آیات فوق، اعتکاف به معنای عبادت و پرستش همراه با مجاورت و تداوم است و شامل پرستشی که ویژگی فوق را نداشته باشد، نمی‌شود.

۳-فقط در یک مورد از آیات فوق (آیه ۱۸۷ سوره بقره)، اعتکاف در معنای اصطلاح شرعی به کار رفته و به یکی از احکام فقهی آن اشاره شده است.(۱)

## ۵- اعتکاف در معنای لغوی در متون ادب فارسی

بر بالین یحیی

معتکف بودم.

(گلستان سعدی)

بتی داشت بانوی مصر از رخام

بر او معتکف بامدادان و شام

(بوستان سعدی)

زین دامگه اعتکاف بگشای

بر عجز خود اعتراف بنمای

(نظامی)

رستنی در کشیده سر به زمین

نامیه گشته اعتکاف نشین

(نظامی)

گه نعره زنان معتکف صومعه بودیم

گه رقص کنان گوشه خمار گزیدیم

(عطار)

عشق تو کاندر میان من شد معتکف

کی فراموشش کنم گر من فراموش آمدم

(عطار)

گربه در سوراخ ار آن شد معتکف

که از آن سوراخ او شد معتلف

(مولوی)

کعبه همچون شاه زنبوران میان جا معتکف

عالمی گردش چو زنبوران غریوان آمده

کعبه که قطب هدی است، معتکف است ازسکون

خودنبودهیچ قطب منقلب ازانقلاب

پسری کارزوی جان پدر بود، گذشت

تا ابد، معتکف خاک پسر باد، پدر

این ابر بین که معتکف اوست آفتاب وین

آفتاب کابر کرم سایبان اوست

گر ز درت غایب است جسم طبیعت پذیر

معتکف صدر تست جان طریقت گزین

---

۱- برخی فقها همچون صاحب جواهر رحمه الله و صاحب حدائق رحمه الله معتقدند که اعتکاف در آیه ۱۲۵ سوره بقره نیز در معنای مصطلح به کار رفته است. (جواهر الکلام، ج ۱۷، ص ۱۶۰ و نیز تفسیر شریف لاهیجی، اطیب البیان، مواهب الرحمن) . برخی آن را به «مقیمین» و «ساکنین» (معنای لغوی) تفسیر کرده اند مانند: تفسیرهای مخزن العرفان، عاملی، نمونه، جوامع الجامع و التبیان. برخی، هر دو را در آیه احتمال داده اند مانند: منهاج الصادقین و الجوهر الثمین.

سالهاشد تا دل جان پاش از رق پوش من

معتکف وار اندر آن زلف سیه دارد وطن

وآن عمرخواردریا وآن روزه دارآتش

چون معتکف برهمن،نه قوت ونه منالش

معتکفان حرم غیب را

نیست به از خامه تو، دیده بان

(خاقانی)

هرکه با نرگس سرمست تو درکار آید

روز وشب، معتکف خانه خمار آید

حبل الله است معتکفان را دو زلف او

هم روز عید و هم شب قدر اندر او نهان

(خواجوی کرمانی)

تا کی به تمنای وصال تو یگانه

اشکم شود از هر مژه، چون سیل روانه

خواهد به سرآید شب هجران تو یا نه

ای تیر غمت را دل عشاق نشانه

جمعی به تو مشغول تو غایب ز میانه

رفتم به در صومعه عابد و زاهد

دیدم همه را پیش رُخت، راکع و ساجد

در میکده، رهبانم و در صومعه عابد

گه معتکف دیرم و گه ساکن مسجد

یعنی که ترا میطلبم خانه به خانه

(شیخ بهایی)

صبح امید که بد معتکف پرده غیب

گو برون آی که کار شب تار آخر شد

آن پریشانی شب های دراز و غم دل

همه در سایه گیسوی نگار آخر شد

باورم نیست ز بد عهدی ایّام، هنوز

قصه غصه که در دولت یار آخر شد

ساقیا لطف نمودی قدحت پر می، باد

که به تدبیر تو، تشویش خمار آخر شد

در شمار ارچه نیاوردکسی حافظ را

شکرکان محنت بی حد وشمار آخرشد

(حافظ)

کسی به زیر فلک دست برقضا دارد

که اعتکاف به سر منزل رضا دارد

مریض شوق، کی اندیشه دوا دارد

شهید عشق، کجا فکر خون بها دارد

(بسطامی)

## فصل دوم:اعتکاف در سیره انبیاء و اولیاء الله قبل از اسلام

### اشاره

اعتکـاف در ادیـان دیگر هم وجـود داشـته است و آیه ۱۲۵سوره مبـارکه بقره را به آن اشـاره گرفته انـد.(۱) مراسـمی شبیه به اعتکاف در میان بعضی از مومنان به شرایع سابق بوده است و در زندگی حضرت مریم علیها السلام و زکریا علیه السلام آثاری از آن دیده می‌شود.(۲)

برخی از بزرگان دین، مانند علّامه حلی رحمه الله به مشـروعیت اعتکاف در ادیان پیشـین تصریح نموده اند.(۳) مشخص نیست که این عبادت، از چه زمانی آغاز و کیفیّت و شرایط آن در بدو شکل گیری چگونه بوده است.

اصـل اعتکـاف در مفهوم عـام آن، یعنی خلوت گزینی برای عبادت خداونـد، سـیره انبیا و اولیاء الهی قبل از اسـلام بوده است، اگرچه ممکن است در اسلام،

پاره ای از احکام و شرایط آن تغییر کرده باشد. در کتب مقدّسی چون تورات و انجیل، می‌توان علامات و اشاراتی بر مراسم یا عباداتی ملازم با خلوت نشینی و جدایی از اجتماع، پیدا کرد. قرآن کریم نیز به رهبانیّت و اعتزال انبیاء اشاره کرده است.(۴)

در ذیل این فصل، اشاره ای به اعتکاف در سیره پیامبران و مومنین قبل از اسلام می‌شود:

---

۱- آیت الله بهجت (استفتاءات، ج ۲ ص ۴۳۷) .

۲- آیت الله مکارم (استفتاءات جدید، ج ۲، ص ۱۵۷) .

۳- تذکره الفقها، ج۱، ص۲۸۴.

۴- ذلِک بِاَنَّ مِنهُم قِسّیسِنَ وَ رُهباناً وَ اَنَّهُم لا یَستَکبِرونَ (سوره مائده، آیه ۸۲) .

## ۱-حضرت ابراهیم علیه السلام

حضرت ابراهیم و حضرت اسماعیل علیهما السلام مامور شدند تا خانه خداوند را برای طواف کنندگان و نمازگزاران و معتکفین پاک کنند.(۱) این آیه بیانگر وجود عبادتی به نام اعتکاف، در شریعت ابراهیم علیه السلام و نیز اهمیّت اعتکاف می‌باشد.

## ۲-حضرت سلیمان علیه السلام

حکومت برای حضرت سلیمان علیه السلام وسیله ای برای خدمت به خلق بوده و هیچگاه نتوانست آن بنده خالص خدا را فریب دهد.

«ایشان با وجود مُلک عظیمش، لباس پشمی می‌پوشید و شب ها تا صبح به عبادت و گریه می‌پرداخت. مرحوم طبرسی میگوید: حضرت سلیمان علیه السلام در مسجد بیت المقدس اعتکاف می کرد و آب و خوراک برای آن حضرت فراهم میشد و او درآنجا به عبادت می‌پرداخت. حتّی مرگ سلیمان علیه السلام در همانجا و در حال اعتکاف اتفاق افتاد».(۲)

## ۳-حضرت موسی علیه السلام

حضرت موسی علیه السلام با آنکه مسؤولیت سنگین رهبری امّت را به دوش داشت، برای مدتی آنان را ترک و برای خلوت با خدا به کوه طور شتافت. او در پاسخ به پرسش خدا که فرمود: «ای موسی! چه چیز سبب شد که از قومت پیشی گیری، و (برای آمدن به کوه طور) عجله کنی؟ گفت: «پروردگارا! آنان در پی من هستند؛ و من به سوی تو شتاب کردم، تا از من خشنود شوی» (طه۸۳ و ۸۴).

«و با موسی، سی شب وعده گذاشتیم، سپس آن را با ده شب (دیگر) تکمیل نمودیم...» (اعراف۱۴۲). از این آیه فهمیده می‌شود که حضرت موسی علیه السلام ۴۰

---

۱- سوره بقره آیه ۱۲۵.

۲- بحارالانوار (ط-بیروت) ، ج۱۴، ص۸۳ و ۱۴۱.

شب از قومش دوری کرده است و پس از مناجات، به سوی قوم خود بر گشته است که حکایت از نوعی اعتکاف در کوه طور می‌باشد.

ابن ادریس حلّی از علمای شیعه معتقد است که حضرت موسی علیه السلام در مدّت چهل روزی که برای گرفتن کتاب آسمانی به کوه طور عزیمت کرده بود، روزه گرفته و در حال اعتکاف بود.(۱) همچنین در تورات بر عباداتی همراه با خلوت نشینی و جدایی ازاجتماع اشاره شده است.

## ۴-حضرت الیاس علیه السلام

داستانی از اعتکاف حضرت الیاس در ماه مبارک رمضان، در بیت المقدس در جلد۱۳بحارالانوار (ط-بیروت)، صفحه۴۰۳ نقل شده است.

## ۵-حضرت زکریا علیهما السلام

حضرت زکریا علیه السلام از کسانی بود که سرپرستی معتکفین در بیت المقدس را به عهده داشت. حضرت مریم علیها السلام از جمله معتکفینی بود که تحت سرپرستی حضرت زکریا علیه السلام قرار داشت.

## ۶-حضرت مریم علیه السلام

### اشاره

بیت المقدس از جاهایی بود که همواره عده زیادی از مردم، در آن معتکف می‌شدند. بزرگ این گروه، زکریا علیه السلام بود.

«...[خداوند] کفالت او [مریم] را به زکریا سپرد. هر زمان زکریا وارد محراب او می‌شد، غذای مخصوصی درآنجا می‌دید. از او پرسید:«ای مریم! این را از کجا آورده ای؟!» گفت: «این از سوی خداست. خدا به هرکس بخواهد، بی حساب روزی می‌دهد».(۲)

---

۱- بحارالانوار (ط-بیروت) ، ج۸۶، ص۳۸.

۲- سوره آل عمران ،آیه۳۷.

رزقی که همواره نزد مریم بوده، رزق معمولی و عادی نبوده است. چنانکه بعضـی گفته اند: هر وقت زکریا به مریم سر می‌زد، میوه زمستانی را در تابستان و میوه تابستانی را در زمستان نزد او می‌دید.(۱)

«[مریم] در مکـانی در طرف شـرقی مسـجد (بیت المقـدس) از کسـان خود کنـاره گرفت. میـان خود و آنهـا حجابی (پرده ای) افکنـد[تـا خلوتگـاهش از هرنظر برای عبادت آماده باشـد]. پس ما روح خود را به سوی او فرسـتادیم و او در شـکل انسانی بی عیب و نقص، بر مریم ظاهر شد».(۲)

کلمه حجـاب به معنای هرچیزی است که چیزی را از غیر بپوشانـد و از این کلمه چنین بر می‌آیـد که گویا مریم خود را از اهل خویش پوشـیده داشت تا قلبش برای اعتکاف و عبادت فارغ تر باشـد.(۳) طبق آیات فوق، حضـرت مریم علیها السـلام آن گاه که به افتخار ملاقات با فرشـته الهی نایل آمـد، از مردم بریـده بود و در خلوت به سـر می‌برد تا فارغ از هرگونه دغدغه به راز و نیاز با خدا بپردازد.

### ۱-۶-رهبانیّت

«راهب» به کسی می‌گویند که از خدا می‌ترسد و در اصطلاح به

صومعه نشینان مسیحی گفته می‌شود. جمع عربی آن «رهبان» و «رهابین» و مصدرش «رهبانیّت»، به معنای ترس است.(۴) معادل فارسی «راهب»، ترسا بوده است که بعد به عموم مسیحیان گفته می‌شده است.

---

۱- طباطبایی، سید محمّد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج۳، ص۱۸۴ ذیل آیه ۳۷ سوره آل عمران.

۲- سوره مریم ،آیات۱۶و۱۷.

۳- طباطبایی، سید محمّد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج۱۴، ص ۳۴.

۴- مجمع البحرین.

«رهبانیّت» در اصطلاح، به معنی خلوت نشینی، گوشه گیری و پرهیز از دنیا و به دنبال کار نرفتن، سرکوب تمایلات جسمانی مثل میل جنسی و تحریم ازدواج و تمام اوقات را صرف پرداختن به عبادت و امور اخروی، همچون خدمت به مریضان صعب العلاج است.

گرچه در مذاهب مختلف، رهبانیّت وجود دارد؛ امّا راهبان بودایی و مسیحی شناخته شده تر هستند. رهبانیّت در مسیحیت، در ظاهر، شبیه به اعتکاف است. قرآن در آیه ۲۷ سوره حدید به طور ضمنی آن را تأیید می‌نماید: «در دل پیروانش (عیسی علیه السلام) رأفت و رحمت و رهبانیّتی قرار دادیم که خود آنان بدعتش را نهاده بودند (ابداع کرده بودند) و ما بر آنان واجب نکرده بودیم، امّیا منظور آنان هم جز رضای خدا نبود، امّا آنطور که باید، رعایت آن رهبانیّت [خود ساخته] را نکردند و در نتیجه کسانی که از ایشان ایمان آورده بودند، اجرشان را دادیم و بسیاری از ایشان فاسق شدند».

در این گفتار، اشاره ای است به اینکه آن رهبانیّتی که یاران مسیح از پیش خود ساختند، هر چند خداوند تشریعش نکرده بود، ولی مورد رضایت خدای تعالی بوده است، ولی آن طور که باید همان رهبانیّت خود ساخته را حفظ نکردند و از حدود آن تجاوز کردند.(۱)

از جمله بدعت های مسیحیان در زمینه رهبانیّت، تحریم ازدواج برای مردان و زنان تارک دنیا و منشور انزوای اجتماعی و انتخاب صومعه های دور افتاده برای عبادت و زندگی در محیط دور از اجتماع است.

روزی پیامبر به ابن مسعود فرمودند: «می‌دانی رهبانیّت از کجا پیدا شد؟» عرض کرد: خدا و پیامبرش آگاه ترند. فرمودند: «بعد از عیسی علیه السلام، جمعی از

---

۱- طباطبایی، سید محمّد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ذیل آیه ۲۷ سوره حدید.

جبّاران ظهور کردنـد و مؤمنان سه مرتبه با آنها پیکار کردنـد ولی شـکست خوردنـد. پس به بیابان ها متواری شدند و به انتظار ظهور پیامبری که عیسـی علیه السلام وعده اش را داده بود، در غارها به عبادت مشغول گشتند. بعضی از آنها بر دین خود باقی ماندنـد و بعضــی راه کفر پیش گرفتنـد». ســپس فرمودنـد: «آیـا می‌دانی رهبـانیّت مردم مـن چیسـت؟» عرض کرد: خداونـد و رسولش آگاه ترنـد. فرمودنـد: «هجرت و جهاد و نماز و روزه و حـجّ و عمره».(۱) باید توجّه داشت که زهد اسـلامی به معنای سادگی زنـدگی و حذف تجملات و اسارت نیافتن در چنگال مال و مقام است و هیچ ارتباطی با رهبانیّت ندارد؛ زیرا رهبانیّت به معنای جدایی و بیگانگی از اجتماع است و زهد به معنای آزادگی و وارستگی، در عین اجتماعی زیستن است».(۲)

### ۲-۶-تفاوت رهبانیّت و اعتکاف

#### ۱)اعتکاف خاستگاه شرعی دارد نه سلیقه ای

از آیه فوق معلوم می‌شود که رهبـانیّت عبـادتی است که پـایه گـذاری آن از سوی مسـیحیان بوده که برای قرب به خـدا به آن عمل می‌کردند و از تعالیم حضرت مسیح علیه السلام نبوده است و حال آنکه اعتکاف یک عبادت در دین می‌باشد.

در اسلام رهبانیّت نهی شده است و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در این رابطه فرمودند: «لا رهبانیه فی الاسلام».(۳)

اسـلام، رهبـانیّت را نوعی انحراف و تلقی عوامانه از خـدایی شـدن معرفی کرده است؛ امّا اعتکاف را فرصتی برای بازگشت به خویش و خدای خویش قرار داد

---

۱- بحارالانوار (ط-بیروت) ، ج۱۴، ص۲۷۷.

۲- تفسیر نمونه، ج۲۳ص۳۸۴/آیت الله مکارم شیرازی، قرآن وشرح آیات منتخب، ص۵۴۱.

۳- مستدرک الوسائل، ج۱۴، ص۱۵۵.

تا کسانی که از جنجالهای زندگی مادّی خسته می‌شوند، بتوانند چند صباحی با خدا خلوت کنند و جان خود را با خالق هستی ارتباط دهند و خود را برای صحنه های جهاد در راه خدا آماده سازند و همیشه با یاد خدا تلاش کنند و خود را در محضر پروردگار ببینند.

### ۲)اعتکاف متفاوت با تحریم طیّبات

از طرف خداوند دستور داریم مبنی بر اینکه باید همّت انسان صرف امور اخروی باشد و به اموری بپردازد که درآخرت به کارش بیاید و از طرفی به مسلمانان توصیه شده است که بهره خود را از دنیا فراموش نکنند و خانه مناسب تهیّه کنند و دنبال کسب حلال بروند، لباس خوب بپوشند و غذای مناسب بخورند. تحصیل مکارم اخلاق، راز نبوّت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، و عبادت، اساس دین اسلام شمرده شده است. امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «از ما نیست کسی که دنیا را برای آخرت ترک کند و آخرتش را برای دنیا».(۱)

گروهی از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تصمیم گرفتند برای تقرّب و نزدیک شدن به خدا، از برخی از امور حلال مانند خوابیدن در شب، خوردن گوشت، خوردن غذا در روز، زناشویی و... خودداری کنند. هنگامی که این خبر به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم رسید، ایشان ناراحت شدند و فرمودند: «چرا برخی از مردم چیزهای حلال و پاکیزه را بر خود حرام کرده اند؟ آگاه باشید که من شب ها می‌خوابم و زناشویی می کنم و در روز غذا می‌خورم. پس هرکس از سنّت من روی گرداند، از من نیست». خداوند نیز آیه «کُلوا مِمّا رَزَقَکُمُ اللهُ حَلالاً طَیِّباً»(۲) را نازل فرمود. بدینوسیله خداوند و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به همه اعلام فرمودند که اسلام، دین

---

۱- من لا یحضره الفقیه، ج۳، ص۱۵۶.

۲- از نعمتهای حلال و پاکیزه ای که خداوند به شما روزی داده است، بخورید. ( مائده ۸۷) .

رهبانیّت و انزوا نیست؛ بلکه تمام امیال و خواسته های بشر بر اساس حکمت و مصلحت است و خداوند از طریق دین، این امیال و خواسته ها را تعدیل کرده و در راه درست و صحیح قرار داده است.(۱)

### ۳)اعتکاف متفاوت با انزوا

اعتکاف نوعی آمادگی برای تلاش و کوشش اجتماعی در مسیر رضایت الهی است، در حالی که رهبانیّت، چنین اهدافی ندارد.

حضور در میان اجتماع بزرگی از مسلمانان که هدفی جز نزدیکی پروردگار و خودسازی اخلاقی ندارند، باعث ایجاد روحیه تعاون و دعوت به خودسازی همگانی دارد.

از دیگر ابعاد اجتماعی این اتّفاق بزرگ، این است که سعی در افزایش قدرت رویارویی مومنین با فرهنگ های تحریف شده بیگانه دارد؛ درحالی که قوام رهبانیّت به انزوا و گوشه گیری و دور بودن از مردم است.

### ۴)اعتکاف و جایگاه محوری مسجد

در اسلام، مسجد جایگاه خاصّی دارد و از تفاوت های رهبانیّت و اعتکاف حضور در مسجد جامع است؛ برخلاف رهبانیّت که گاه دور از مردم انجام

می گیرد.

### ۵)اعتکاف، عمل پسندیده امّا موقّت

اسلام، اعتکاف را عملی پسندیده می شمارد، اما به طور موقّت، نه دایم؛ یعنی مستحب می داند که فرد چند روز از سال را به اعتکاف بپردازد و از مسجد جامع شهر بیرون نیاید؛ امّا موافق آن نیست که فردی بیشتر عمر خود را در مسجد به

---

۱- قرآن کریم و شرح آیات منتخب، ترجمه حضرت آیت الله مکارم شیرازی ص۱۲۲.

سر برد و از آن بیرون نیاید؛ همچنین موافق نیست فردی به جای تلاش برای تأمین معاش و حیات مادّی و معنوی، شبانه روز به اعتکاف بنشیند.

از این رو در رهبانیّت این شرایط حالت دایمی پیدا می کند و هدف متعالی در آن منظور نمی شود.

### ۳-۶-مفاسد رهبانیّت از دیدگاه آیت الله مکارم شیرازی

۳-۶-مفاسد رهبانیّت از دیدگاه آیت الله مکارم شیرازی(۱)

رهبانیّت به حکم اینکه برخلاف اصول فطرت و طبیعت انسان است مفاسد زیادی به بار می‌آورد؛ از جمله:

۱) رهبانیّت با روح مدنی بالطبع بودن آدمی، می‌جنگد و جوامع انسانی را به انحطاط و عقب گرد می کشاند.

۲) رهبانیّت نه تنها سبب کمال نفس و تهذیب روح و اخلاق نیست؛ بلکه گاه منجر به انحرافات اخلاقی، تنبلی، بدبینی، غرور، عُجب و خود برتربینی و مانند آن می‌شود و به فرض که انسان بتواند در حال انزوا به فضیلت اخلاقی برسد، فضیلت محسوب نمی‌شود، فضیلت آن است که انسان در دل اجتماع بتواند خود را از آلودگی های اخلاقی برهاند.

۳) ترک ازدواج که از اصول رهبانیّت است، نه فقط کمالی نمی‌آفریند؛ بلکه موجب پیدایش عقده ها و بیماری های روانی می گردد.

### ۷-دوران جاهلیّت و قبل از بعثت

پیش از بعثت، در میان گروهی از مردم حجّاز از جمله پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اجداد بزرگوارشان که معتقد به دین حنیف حضرت ابراهیم علیه السلام بودند؛ اعتکاف به عنوان یک عبادت، رایج بود و آنها گاهی در جاهای خلوت دور از

---

۱- سلوک (ویژه نامه اعتکاف) / احمد یوسفی صراف، آستان قدس رضوی، تیرماه ۱۳۸۸.

مردم مانند کوه ها و بیابان ها به عبادت خدا می‌پرداختند و جز جهت نیازهای ضروری، از آن خارج نمی شدند.(۱) محل اعتکاف پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، غار حرا بود.

عمر بن خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم گفت: «در دوران جاهلیّت نذر کرده بودم شبی را در مسجد الحرام اعتکاف کنم، حضرت فرمودند: «به نذر خود وفا کن».(۲)

امیرالمومنین علیه السلام می‌فرماید: «پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در هر سال مدّتی را [جهت عبادت] در غار حراء(۳) می گذراند. تنها من او را مشاهده می کردم و کسی جز من او را

نمی دید».(۴)

در تاریخ آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم قبل از تولد حضرت فاطمه علیها السلام، موظف شد، مدّت چهل روز از حضرت خدیجه علیها السلام فاصله بگیرد و به اعتکاف بپردازد.

شبی در حالی که محمّد صلی الله علیه و آله و سلم معتکف کوی دوست بود، صدایی شنید. آری جبرئیل از آسمان ها جواب همه پرسش های پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را در دفتری از نور به زمین آورده بود. دفتری که نسخه شفا بخش همه بود: «ای مردم! اندرزی از سوی پروردگارتان برای شما آمده است؛ و درمانی برای آنچه در

سینه هاست».(۵)

---

۱- دکتر جواد علی، کتاب المفصل فی تاریخ العرب، ج۶، ص۵۰۹

۲- صحیح بخاری، ج۲، ص۲۵۶/سنن دارقطنی، ج۲، ص۱۷۹باب الاعتکاف.

۳- کوه حراء یا جبل النور در شش کیلومتری شمال شرقی مکّه است. در ارتفاع ۱۶۰ متری دامنه جنوبی آن غاری وجود دارد که محل عبادت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بوده و ایشان روزهایی از سال، به ویژه ماه رمضان را در آنجا به سر می‌بردند و آیات آغازین قرآن درآنجا بر حضرت نازل شد.

۴- نهج البلاغه (ترجمه دشتی) ، ص ۳۹۹، خطبه قاصعه.

۵- سوره یونس، آیه۵۷.

## فصل سوّم: اعتکاف در سیره و کلام معصومین و علما

### ۱- سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیه السلام

#### اشاره

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و جانشینان آن حضرت، الگوی مسلمانان هستند و کردار و گفتارشان، برای پیروانشان حجّت است. باید دید این بزرگواران با اعتکاف و خلوت با خداوند چگونه برخوردکرده اند. در برخی نقل های ذیل، مقصود اعتکاف مصطلح نیست؛ بلکه مراد خلوت نمودن، جهت عبادت است.

#### ۱-۱-حضرت محمّد صلی الله علیه و آله و سلم

##### اشاره

بعد از هجرت، پیامبر فرصتی دوباره می‌یابد تا به اعتکاف روی آورد.

این بار اعتکاف را در مسجد النبی پی می گیرد. محل اعتکاف ایشان نزدیک یکی از ستون ها به نام اسطوانه السّرِیر (ستون تخت) بود که این نقطه هنوز هم وجود دارد. در کنار این ستون، تختی برای استراحت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم قرار می‌دادند.(۱)

ظاهراً اعتکاف در بدو ورود پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به مدینه تشریع شد. از بعضی روایات استفاده می‌شود که این عبادت در مکّه تشریع شده بود، زیرا جنگ بدر در سال دوم هجرت رخ داد و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به خاطر حضور در جنگ موفق به اعتکاف نشد و در سال بعد یعنی ماه رمضان سال سوم هجرت، بیست روز معتکف شد که ده روز آن قضای سال قبل و ده روز دیگر برای همان سال بود و در حدیثی که در ذیل از حضرت علی علیه السلام نقل خواهد شد، ذکر می‌شود که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دو سال قبل از جنگ بدر معتکف می‌شده است.(۲)

---

۱- سمهودی، علی بن احمد وفاء الوفاء باخبار المصطفی، ج۲، ص ۴۴.
۲- در برخی روایات اهل سنّت، اعتکاف آن حضرت در دهه اول ماه شوّال نیز نقل شده است. (السنن الکبری، ج ۴، ص۳۱۸ ، ۳۱۵،۳۲۲/صحیح بخاری، ج۲، ص۲۵۹) . برخی معتقدند قضای اعتکافی بوده که در ماه رمضان موفق بر انجام آن نشده است (تفسیر القاسمی، ج ۳، ص ۴۶۳) . امّا در منابع شیعه، اعتکاف رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم تنها در ماه رمضان، نقل شده است. حتّی در سال وقوع جنگ بدر که موفق بر اعتکاف نشدند، قضای آن در ماه رمضان سال بعد به جا آورده شد.

امیرالمومنین علیه السلام : «چون دهه آخر ماه رمضان فرا می‌رسید، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برای عبادت مهیّا می‌شد و از خانه بیرون می آمد و در مسجد اعتکاف می‌نمود و شب ها را تا صبح بیدار بود و عبادت می کرد و هرشب بین نماز مغرب و عشا غسل مینمود».(۱)

امیرالمومنین علیه السلام : «پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سالی در دهه اوّل ماه مبارك رمضان و در سال بعد در دهه دوّم ماه رمضان معتکف شد و در سال سوّم [اعتکاف] وقتی از جنگ بدر بازگشت، اعتکافش را قضا کرد، پس درخواب دید که شب قدر در دهه آخر ماه مبارك رمضان است وگویا حضرت در آب و گل سجده کرده است. وقتی بیدار شد، به خانه بازگشت و مردم هم با او بودند. شب بیست و سوّم ماه رمضان باران آمد. وقتی صبح شد، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نماز خواند و مردم در صورت آن حضرت گِل مشاهده کردند. از آن هنگام پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم همیشه در دهه آخر ماه رمضان معتکف می‌شد، تا اینکه رحلت فرمود».(۲)

امیرالمومنین علیه السلام: «در هنگام اعتکاف، از سقف مسجد باران بر سر و روی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌ریخت، به طوری که آثار گِل و لای، در جایگاه سجده پیامبر

---

۱- علّامه طباطبایی، سنن النبی صلی الله علیه و آله و سلم با ترجمه فارسی، ص ۲۳۰/اقبال بالاعمال الحسنه، ج ۱، ص ۷۲ .

۲- مستدرك الوسائل، ج ۷، ص ۴۶۶/مشابه این روایت درصحیح بخاری ج ۲ص ۷۵۶ آمده است.

آشکار می‌شد. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در تمام شرایط سخت و علیرغم امکانات اندکی که مسلمانان داشتند، هر ساله مراسم اعتکاف را به جای می‌آوردند».(۱)

امام صادق علیه السلام: «رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در ماه رمضان سال اوّل هجرت، در دهه اوّل در مسجد اعتکاف کرد و سال بعد در دهه دوّم اعتکاف نمود ولی پس از آن همیشه در دهه سوّم ماه رمضان اعتکاف نمود».(۲)

امام صادق علیه السلام: «وقتی دهه آخر ماه رمضان فرا می‌رسید، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در مسجد معتکف می‌شد. در مسجد، خیمه ای مویین (پشم شتر یا بز) برای ایشان برپا می‌شد تا در آن به عبادت بپردازد. حضرت کمرش را برای عبادت می‌بست. عبادتی فراتر از عبادت های روزهای قبل، و بستر خوابش را بر می چید[ایشان چنان مشتاق اعتکاف بود که هنگام اعتکاف با بستر خواب خداحافظی می کرد تا هر چه بیشتر با خدا راز و نیاز کند]. پرسیدند: از زنان نیز کناره گیری می کرد؟ امام علیه السلام فرمود: از زنان، عزلت (مصاحبت و همنشینی) اختیار نمی‌فرمود».(۳)

---

۱- بحارالانوار (ط-بیروت) ، ج۳۳، ص ۵۵۰ (جواب امیرالمومنین علیه السلام به محمّد بن ابی بکر در زمانی که والی ایشان در مصر بود.)

۲- دعائم الاسلام، ج۱، ص۲۸۶/کافی (ط-اسلامیه) ، ج۴، ص۱۷۵/من لا یحضره الفقیه، ج۲، ص۱۸۹/وسائل الشیعه (ط-آل البیت) ، ج ۱۰، ص۵۳۴کتاب الاعتکاف/مستدرک الوسائل، ج۷، ص ۵۶۰/بحارالانوار (ط-بیروت) ، ج۱۶، ص۲۷۴.

۳- کافی (ط-اسلامیه) ، ج۴، ص ۱۷۵/من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص۱۸۴/وسائل الشیعه (ط-آل البیت) ، ج ۱۰، ص۵۴۵/شبیه این روایت در بحارالانوار (ط-بیروت) ، ج۱۶، ص۲۷۳ و الاستبصار، ج۲، ص ۱۳۰ آمده است.

امام صادق علیه السلام: «جنگ بدر در ماه رمضان سال دوّم هجرت اتفاق افتاد، لذا پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در آن سال اعتکاف ننمود. لذا، در سال بعد ۲۰ روز اعتکاف نمودند، ۱۰ روز برای همان سال و ۱۰ روز برای قضای سال قبل».(۱)

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «ده روز اعتکاف، در ماه رمضان، معادل دو حجّ و دو عمره است».(۲)

### ۱-۱-۱-روایاتی از اهل سنّت

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «معتکفی که کلیه گناهان را ترک کند، به او همچون کسی که همه کارهای پسندیده را انجام داده، پاداش می‌دهند».(۳)

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «هرکس از روی ایمان و حسابگری (به خاطر خدا) معتکف شود، گناهان گذشته او بخشیده می‌شود».(۴)

---

۱- کافی (ط-اسلامیه) ، ج۴، ص ۱۷۵/مستدرک الوسائل، ج۷، ص ۵۶۰/من لا یحضره الفقیه، ج۲، ص۱۸۴/وسائل الشیعه (ط- آل البیت) ، ج ۱۰، ص۵۳۳ کتاب الاعتکاف/بحارالانوار (ط-بیروت) ، ج۱۶، ص۲۷۴.
۲- .من لا یحضره الفقیه، ج۲، ص۱۸۸/عوالی اللئالی، ج۳، ص۱۴۶/بحارالانوار (ط-بیروت) ، ج۹۴، ص۱۲۹/در مستدرک الوسائل جلد ۷، ص۵۵۹ و دعائم الاسلام، ج۱، ص۲۸۶ همان فضیلت در مورد اعتکاف در دهه آخر ماه رمضان، از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است و در روایات سومی همان فضیلت برای اعتکاف یک ماه کامل ماه رمضان بیان شده است. شاید تفاوت در میزان ثواب به دلیل میزان اخلاص و آگاهی انجام دهندگان آن متفاوت است، شخصی که از اخلاص بالاتر و آگاهی و معرفت بیشتری برخوردار است، ارزش و ثواب عبادت او نیز افزونتر خواهد بود.
۳- کنزالعمّال، ج۸، ص۵۳۱، ح۲۴۰۱۲.
۴- کنزالعمّال، ج ۸، ص ۵۳۰، ح ۲۴۰۰۷.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «هرکس به نیّت قرب الهی معتکف شود، خداوند بین او و آتش، سه خندق ایجاد میکند که فاصله هر یک از دیگری بیش از مسافت بین مشرق و مغرب است».(۱)

ابی کعب: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در دهه آخر ماه رمضان اعتکاف می‌نمود، ایشان یک سال به خاطر مقارن شدن مسافرت با اعتکاف موفق به اعتکاف نشد، لذا سال بعد ۲۰ روز معتکف شد.(۲)

ابوهریره: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در هر ماه رمضان ده روز معتکف می‌شد و در آخرین ماه رمضان عمر شریفش ۲۰ روز معتکف بود.(۳)

زهری: از هنگام هجرت به مدینه، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هرگز اعتکاف را ترک نکرد تا وفات نمود.(۴)

عایشه: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم همواره در دهه آخر ماه رمضان معتکف می‌شد تا جان به جان آفرین تسلیم کرد.(۵)

عایشه: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم وقتی می‌خواست معتکف شود، نماز صبح را می‌خواند، سپس وارد محل اعتکافش می‌شد و در حال اعتکاف از مریض عیادت می‌کرد. زمانی که دهه آخر ماه رمضان فرا می‌رسید، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دامن همّت به کمرمی بست [به تعبیری کنایه است از دوری گزیدن از زن ها] و شب های آنرا احیا می‌کرد و اهل

---

۱- کنزالعمّال، ج۸، ص۵۳۲، ح۲۴۰۱۹.

۲- السنن الکبری (البیهقی) ، ج۴، ص۳۱۴/ مشابه این روایت درکنزالعمّال، ج۷، روایت ۱۸۰۹۱ آمده است.

۳- السنن الکبری (البیهقی) ج۴ص۳۱۴/صحیح بخاری، ج۲، ص ۷۶۰.

۴- درر المنثور، ج۱، ص۲۰۲.

۵- السنن الکبری (البیهقی) ، ج۴، ص۳۱۵/صحیح بخاری، ج۲، ص۲۵۵/سنن دارالقطنی، ج۲، ص۱۷۹به نقل از ابوهریره.

خانه را نیز بیدار می نمود. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در دهه آخر ماه مبارک رمضان چنان تلاشی [در عبادت] می کرد که در غیر آن چنین تلاشی نمی کرد.(۱)

انس بن مالک: پیامبراکرم صلی الله علیه و آله و سلم زمانی که مقیم بود، ده روزآخر رمضان را معتکف می‌شد و زمانی که دهه آخر رمضان را مسافر بود، سال آینده بیست روز معتکف می‌شد.(۲)

### ۲-۱-امیرالمومنین علی علیه السلام

راز و نیاز او با خدا در خلوت، حقیقتی انکارناپذیر است. صدای مناجات عاشقانه و ناله های جانسوز شبانه اش، درگوش تاریخ پیچیده است.

امیرالمومنین علیه السلام : «معتکف باید همیشه درمسجد باشد و به ذکر خدا، تلاوت قرآن و خواندن نماز مشغول باشد و در مورد دنیا به سخن نپردازد و مشغول سرودن و خواندن شعر نشود و از خرید و فروش پرهیز کند. در تشییع جنازه حاضر نشود و بیماری را عیادت نکند و با زنی خلوت نکند. از گفتار زشت و ناسزا بپرهیزد و با کسی مجادله نکند و هرقدر ازگفتگو با مردم دوری کند، برایش بهتر است».(۳)

### ۳-۱-امام حسن علیه السلام

ایشان به جدّ خویش، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، تأسی می کردند و معتکف می‌شدند.

---

۱- کنزالعمّال، ج۷، ص۸۶ و ۸۷، روایت ۱۸۰۸۸تا ۱۸۰۹۲.

۲- السنن الکبری (البیهقی) ، ج۴، ص۳۱۴/مشابه این روایت در کنزالعمّال، ج۷، ح۱۸۰۹۱ آمده است.

۳- بحارالانوار (ط-بیروت) ، ج۹۴، ص ۱۳۰/دعائم الاسلام، ج۱، ص۲۸۷/مستدرک الوسائل، ج۷، ص۵۶۴ و ۵۶۷.

امام حسن علیه السلام در مسجد معتکف بودند که مردی به حضور حضرت رسید و عرض کرد: ای فرزند رسول خدا! فردی طلبی از من دارد که می‌خواهد به خاطر آن مرا زندانی کند، کمکم کن. حضرت فرمود: به خدا قسم، پولی که بتوانم با آن بدهی تو را بپردازم در اختیار ندارم. عرض کرد: پس با او صحبت کنید [تا مهلت دهد و مرا زندانی نکند]. حضرت کفش های خود را پوشید که همراه او برود. عرض شد: ای فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آیا فراموش کرده ای که در حال اعتکاف هستی؟ فرمود: فراموش نکرده ام؛ لکن از پدرم شنیدم که از جدّم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده که ایشان فرمودند: «هر کس در راه برآورده شدن حاجت برادر دینی اش تلاش کند، گویا نه هزار سال خداوند را عبادت کرده است در حالی که روزها، روزه بوده و شب ها به نماز ایستاده است».(۱)

### ۴-۱-امام حسین علیه السلام

ایشان نیز، به سنّت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تاسی جسته و معتکف می‌شدند.(۲)

شایسته است در اینجا از فضیلت زیارت سیدالشهداء علیه السلام ذکری به میان آید. امام رضا علیه السلام می‌فرمایند:«هرکس که [قبر مطهر] امام حسین علیه السلام را در دهه آخر ماه رمضان زیارت کند و در جوار قبر آن حضرت معتکف شود، گویا در جوار قبر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم معتکف شده است و کسی که در کنار قبر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم اعتکاف کند، این کار ارزشمندتر از حجّ و عمره ای است که بعد از حجّ واجب انجام میشود».(۳) (به صفحه جایگزین اعتکاف مراجعه شود).

---

۱- وسائل الشیعه (ط-آل البیت) ، ج ۱۰، ص ۵۵۰/شبیه این روایت در مستدرک الوسائل، ج۷، ص ۵۶۵ آمده است.

۲- کافی (ط-اسلامیه) ، ج ۲، ص۱۹۸.

۳- .اقبال بالاعمال الحسنه، ج ۱، ص۳۵۸/بحارالانوار (ط-بیروت) ، ج۹۵، ص ۱۵۱.

### ۵-۱-امام سجّاد علیه السلام

ایشان الگوی کاملی برای افراد خواستار عبادت خالصانه، می‌باشند.

امام سجّاد علیه السلام به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «هر کس ده روز آخر ماه رمضان را معتکف شود، گویا حجّ و عمره ای به جا آورده است».(۱)

### ۶-۱-امام صادق علیه السلام

ایشان مانند نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در مسجد النبی معتکف می‌شدند.

امام صادق علیه السلام به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «ده روز اعتکاف در ماه رمضان، برابر با دو حجّ و دو عمره است».(۲)

امام صادق علیه السلام: «اعتکافی نیست، مگر در بیستم ماه رمضان».(۳)

امام صادق علیه السلام: «اعتکاف جز در مسجد جامع نیست».(۴)

امام صادق علیه السلام: «اعتکاف نیست مگر در هر مسجد جامعی که امام عادل، نماز را اقامه کند».(۵)

امام صادق علیه السلام: «در مسجدی که نماز جمعه با امامت و خطبه اقامه می گردد، اعتکاف جایز است».(۶)

### ۷-۱-امام کاظم علیه السلام

---

۱- درر المنثور، ج ۱، ص ۲۰۲/تفسیر ثعلبی، ج ۲، ص ۸۲.
۲- من لایحضره الفقیه، ج ۲ص ۱۸۸ (۲۱۰۱) /وسائل الشیعه (ط-آل البیت) ج ۱۰، ص ۵۳۴.
۳- وسائل الشیعه (ط-آل البیت) ، ج ۱۰، ص ۵۳۴ (کتاب الاعتکاف) .
۴- وسائل الشیعه (ط-آل البیت) ، ج ۱۰، ص ۵۳۸ (کتاب الاعتکاف) .
۵- وسائل الشیعه (ط-آل البیت) ، ج ۱۰، ص ۵۳۸ (کتاب الاعتکاف) .
۶- وسائل الشیعه (ط-آل البیت) ، ج ۱۰، ص ۵۳۸ (کتاب الاعتکاف) .

امام کـاظم علیه السـلام مشـتاقانه از خـدا درخواست می کرد که جایگـاهی خلوت، جهت راز و نیـاز به او عطا شود. در زنـدان عبادت های او، همه را تحت تأثیر قرار می‌داد و همیشه مشغول خواندن قرآن و نماز و سجده های طولانی بود.(۱)

امام کاظم علیه السـلام به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «اعتکاف در ماه مبارك رمضان، ثوابش برابر با دو حجّ و دو عمره می‌باشد».(۲)

### ۸-۱-امام رضا علیه السلام

امام رضا علیه السلام: «هر شب اعتکاف در مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، معادل یک حجّ و یک عمره است».(۳)

امام رضا علیه السلام: «هر شب اعتکاف در ماه رمضان، معادل یک حجّ است... ».(۴)

## ۲- سیره عارفان و عالمان

### ۱-۲-سیّد بن طاووس رحمه الله (۵۸۹-۶۶۴ق)

۱-۲-سیّد بن طاووس رحمه الله (۵۸۹-۶۶۴ق)(۵)

---

۱- ایشان درسـجده دعا می کرد: «قَبُحَ الذّنبُ مِن عَبدِك فَلیَحسُنِ العَفوُ وَ التَّجاوُزُ مِن عِندِك» و دعای دیگر «اللهُمَّ اِنّی اسـئَلُكَ الرّاحَةَ عِنـدَ المَوت وَ العَفوَ عِنـدَ الحِسابِ». (ابن شـهر آشوب، منـاقب آل ابی طـالب، ج۳، ص ۴۳۳/بحارالانوار (ط-بیروت) ، ج۴۸، ص ۱۰۸) .

۲- من لایحضره الفقیه، ج۲، ص۱۸۸/بحارالانوار (ط-بیروت) ، ج۹۴، ص۱۲۹.

۳- بحارالانوار (ط-بیروت) ، ج۹۵، ص ۱۵۱.

۴- اقبال بالاعمال الحسنه، ج۱، ص۳۵۸/بحارالانوار (ط-بیروت) ، ج۹۵، ص ۱۵۱.

۵- ایشان از دانشـمندانی است که در اثر پرهیزکاری، بارها توفیق شرفیابی به محضر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را داشـته است. کتاب اقبال الاعمال از آثار ایشان است. آیت الله حسینقلی همدانی درباره ایشان، می‌فرمایند: «در میان امّت محمّد صلی الله علیه و آله و سـلم و از رهپویـان معصـومین علیهم السـلام کسـی چـون او در علم مراقبه به دنیـا نیامـده است». آیت الله بهجت می‌فرماینـد: «طلبه ای که کتاب های سیّد را ندیـده باشـد، مثل این است که هیـچ ندیـده است». «هرکس اقبال سیّد بن طاووس را نـداشت، اساتید ما او را رفیق خود نمی‌شـمردند. هر مقدار از اقبال را که مطالعه کردنی است مطالعه و هر مقدار که عمل کردنی است، به هر اندازه حال دارید، عمل کنید». «در هر حال به نظر بنده، سیّد بن طاووس در معنویات و تعبّدیات، اوّل اوّل است». هرگـاه از آیت الله بهجت درخواست دسـتورالعمل می‌شـد، می‌فرمودنـد: «اقبـال، اقبال، اقبال. مطالعه و عمل به اقبال سیّد کافی است و انسب از کتاب اقبال سراغ ندارم».

سیّد بن طاووس خطاب به معتکفان می‌فرماید: «بدان که کمال اعتکاف آن است که انسان، عقل و دل و اعضایش را وقف اعمال صالح کند. معتکف باید فکر و جان و اعضای خود را با مراقبه، مهار، و کارهایی که روزه دار را به کمال روزه می‌رساند، به جا آورد؛ بلکه دقّت و مراقبت معتکف، باید به مراتب بیشتر از روزه دار باشد زیرا او هم روزه دار است و هم معتکف. هر معتکفی خود را ملزم نموده است که با تمام وجود به خدا روی آورد و رویگردانی و غفلت از حق را یکسره کنار نهد. بنابراین هر گاه معتکف، نور عقل و جانش را به غیر خدا مشغول کند، یا عضوی از اعضای بدنش را در کاری که طاعت پروردگار نیست به کار گیرد، به همان میزانی که غفلت نموده یا کوتاهی کرده، از حقیقت و کمال اعتکاف خود کاسته است».(۱)

## ۲-۲-مقدّس اردبیلی رحمه الله (م۹۹۳ق)

عالم بزرگ مولی احمد بن محمد اردبیلی مشهور به مقدّس اردبیلی نیز با تأسی از معصومین علیهم السلام اعتکاف را برپا می‌داشت.(۲)

---

۱- اقبال بالاعمال الحسنه، ج۱، ص ۳۵۷/بحارالانوار (ط-بیروت) ، ج۹۵، ص ۱۵۰.

۲- ایشان سخاوتی مثال زدنی داشت، حتی خوراک منزل خود را بین فقرا تقسیم می‌کرد و برای خود سهمی مثل آنها بر می‌داشت. در یکی از سال های قحطی و گرانی که چنین کرد، همسرش به او اعتراض کرد و با تندی به او گفت: در چنین سالی تو اولاد خود را فقیر می‌گذاری تا ناچار شوند از دیگران کمک بخواهند ولی ایشان چیزی نفرمود و برای اعتکاف به مسجد کوفه رفت و معتکف شد. روز دوّم اعتکاف بود که شخصی مقداری گندم و آرد اعلا به خانه ایشان آورد و گفت: صاحب منزل اینها را برای شما فرستاده و خودش در مسجد کوفه معتکف است. مقدس اردبیلی رحمه الله بعد از اعتکاف که به خانه آمد. همسرش گفت: آذوقه ای که به وسیله آن مرد عرب برای ما فرستاده بودی، بسیار عالی بود. مقدس اردبیلی رحمه الله که چیزی نفرستاده بود، متوجه شد که این عنایتی از جانب خداوند و از اثر اعتکاف در مسجد کوفه و اعمال آن بوده است. پس حمد و ثنای الهی را به جای آورد و خداوند را از این لطف و عنایتش سپاسگزاری کرد. خداوند با این عمل به دیگران فهماند، کسی که برای مریم علیها السلام در حال اعتکاف و برای فاطمه زهرا علیها السلام آذوقه می‌فرستد، مؤمن به درگاه خویش را هم فراموش نمی‌کند و با او نیز همان معامله را می‌کند که با این بزرگواران نموده است. (قمی، شیخ عباس، فوائد الرضویه، ص ۲۳)

ایشان می‌فرمایند: « مبادا کسی گمان کند که اعتکاف، مقدّمه است برای عبادتی دیگر. کسی که با طهارت وارد مسجد می شود و روزه می گیرد و قصد می کند که قربهً الی الله اعتکاف کند این خود، عبادت است؛ نه اینکه اعتکاف شرط و مقدّمه برای عبادتی دیگر باشد. اعتکاف عبادت مستقلّ است. همان گونه که هر یک از حجّ، عمره، روزه و نماز عباداتی مستقل هستند». (۱)

### ۳-۲-شیخ بهایی رحمه الله (۹۵۳-۱۰۳۰ق)

ایشان اهتمام ویژه ای به امر اعتکاف، در ایران داشت. او در کنار شیخ لطف الله به ترویج این سنّت همت گمارد. شیخ لطف الله، درباره شیخ بهایی

می گوید: «شیخ بهایی نیز در برپایی مراسم اعتکاف، نقش داشته است». شیخ لطف الله در پاسخ به شبهه ای که پیرامون خیمه زدن در مسجد برای اعتکاف، مطرح شده به روش شیخ بهایی، که برجسته ترین عالم آن زمان بوده استناد کرده و می گوید: «شیخ اجل اعظم اکرم، خاتمه المجتهدین، شیخ بهاء المله و

---

۱- مجمع الفائده و البرهان، ج۵، باب اعتکاف، ص ۳۵۱.

الدین، در اصـفهان و غیر اصفهان این کار را انجام داده است». شیخ بهایی که خود از عالمان عامل و دلداده معنویت و معرفت بود، بـا شور و عشق به این سنّت روی آورد و از خلوت اعتکـاف بهره هـا جست. شـعر معروف «گه معتکف دیرم و گه ساکن مسجد» هم از اوست. (به صفحه ۱۰ مراجعه شود.)

## ۴-۲-شیخ لطف الله میسی عاملی اصفهانی رحمه الله (م۱۰۳۲ق)

۴-۲-شیخ لطف الله میسی عاملی اصفهانی رحمه الله (م۱۰۳۲ق)(۱)

این عـالم سـخت کوش به برپـایی سنّت اعتکاف، اهتمامی ویژه داشت. چنان که بر اثر تلاشـهای خسـتگی ناپـذیر او، اعتکاف سنتی رایج و زنده گردید.

کوشـش هـای فراوان ایشان در زمینه اعتکاف با عکس العمل منفی برخی روبرو می‌شود. آنان شـبهاتی پیرامون اقـدامات شـیخ مطرح کردنـد. شـیخ به تدوین رساله ای عربی به نام «رساله ماءِ الحیاه و صافی الفرات فی رفع التوهمات و دفع واهی الشـبهات» دست می‌زننـد که از آن به «رسـاله الاعتکـافیه» یـاد میشود. شـیخ در این رساله آورده است: «من پیرو آثار پیامبر و عترت پاک اویم و در گفتار و کردار، دنباله رو آنها هستم. یکی از سنّت های اسلامی که نزد همگان اعم از شیعه و سنی معروف و مشهور است، اعتکـاف است. برپایی آن به ویژه در دهه آخر ماه مبارک رمضان، یک عبادت است. من به این سـنّت اسـلامی در همه جـا و به ویژه در قزوین و اصـفهان، عمـل کردم و برادران دینی را نسـبت به برپـا داشـتن آن تشویـق نمـودم، تـا اینکه به یـاری خداوند، اعتکاف به صورت سنتی رایج و زنده در آمد و حسنه ای جاریه در میان اهل ایمان شد».(۲)

---

۱- ایشان هم عصر عالم بزرگ، شیخ بهایی است. شاه عباس اول، مسجد شیخ لطف الله را در اصفهان به نام این عالم بزرگ و برای اقامه نماز توسط ایشان ساخت.

۲- مجله اشارات، تیر۱۳۸۷،شماره۱۱۰/میراث اسلامی ایران (دفتر اول) ،رساله الاعتکافیه، ص۳۱۶.

## ۵-۲-ملّا حسینقلی همدانی رحمه الله (۱۲۳۹-۱۳۱۱ق)

۵-۲-ملّا حسینقلی همدانی رحمه الله (۱۲۳۹-۱۳۱۱ق)(۱)

ایشـان مردی زاهـد و متصوف و متوجه بودنـد... ایشـان و نیز شاگردانشـان غالبـاً در شب هـای تابسـتان، شب هـای چهارشـنبه، پنجشنبه و جمعه در خدمت آن جناب در مسجد سهله اعتکاف می‌کردند و در قنوت نماز، صدای ایشان به تضرّع و ابتهال بلند می‌شد.(۲)

## ۶-۲-آیت الله حاج میرزا حسین خلیلی تهرانی رحمه الله (۱۲۳۰-۱۳۲۶)

۶-۲-آیت الله حاج میرزا حسین خلیلی تهرانی رحمه الله (۱۲۳۰-۱۳۲۶)(۳)

ایشان هر سال، دهه آخر ماه رمضان را در مسجد کوفه معتکف بودند.(۴)

## ۷-۲-حاج شیخ حسنعلی نخودکی اصفهانی رحمه الله (۱۲۷۹-۱۳۶۱ق)

ایشان در اصفهان متولد شد و در آنجا هرساله چند اربعین، درکوه های زفره به ریاضت و تزکیه نفس می‌پرداختند.

همچنین در مساجد و بقاع متبرك مانند مسـجد لنبان و مقبره علی بن سـهل اصفهانی و محمّد بن یوسف معدان بناء و بابا رکن الـدین و مزار اسـتاد خود، حـاجی محمّـد صـادق و همچنین کوه صـفه که محـل عبادت اسـتاد ایشان بود، به اعتکاف و عبادت مشغول می‌شدند.(۵)

---

۱- میرزا جواد آقا ملکی تبریزی درباره ایشان می‌فرماید : «اسـتادی بزرگ، اهل عمل و اخلاق داشتم و مانند او را در وصول به مقامات ندیده ام». (مجله خلق، مهر و آبان، سال۱۳۸۶، شماره ۱)

۲- امین الشرع خویی، میرزا ابوالقاسم، تذکره المعاصرین.

۳- ایشـان از شـاگردان شـیخ انصـاری رحمه الله و صـاحب جواهر رحمه الله و یکی از رهبران سه گانه جنبش مشـروطه بود که پس از میرزای شـیرازی از مراجع بزرگ به شمار می‌رفت. آیت الله محمد علی شاه آبادی (۱۳۶۳-۱۲۹۲ق) استاد امام خمینی، سیّد علی قاضی و شیخ احمد کاشف الغطاء (م۱۳۴۴ق) از شاگردان ایشان می‌باشند.

۴- مختاری، رضا، سیمای فرزانگان، ص۱۶۲ و ۲۴۹.

۵- مقدادی اصفهانی، علی، نشان از بی نشانها، ص ۲۴.

### ۸-۲- آیت الله سیّد ابوالحسن اصفهانی رحمه الله (۱۲۷۷-۱۳۶۵ق)

۸-۲- آیت الله سیّد ابوالحسن اصفهانی رحمه الله (۱۲۷۷-۱۳۶۵ق)(۱)

آیت الله بهجت می‌فرمایند: «سیره آیت الله العظمی اصفهانی رحمه الله بر این بود که در ایّام البیض ماه رجب، به مسجد کوفه تشریف می‌بردند و عمل «امّ داود» را به جا می‌آوردند». (۲)

### ۹-۲-آیت الله سیّد علی قاضی طباطبایی رحمه الله (۱۲۸۵-۱۳۶۶ق)

ایشان در مسجد کوفه و مسجد سهله حجره داشت و بعضی از شب ها را به تنهایی در آن بیتوته می کرد و به شاگردان خود نیز توصیه می‌فرمود که بعضی از شب ها را به عبادت در مسجد کوفه و یا مسجد سهله به سر برند.(۳)

### ۱۰-۲-آیت الله شیخ علی قمی رحمه الله (۱۲۸۳-۱۳۷۱ق)

۱۰-۲-آیت الله شیخ علی قمی رحمه الله (۱۲۸۳-۱۳۷۱ق)(۴)

ایشان با وجود اشتغالات علمی، در مسجد کوفه معتکف می‌شدند.(۵)

### ۱۱-۲-کاشف الغطا رحمه الله (۱۲۹۴-۱۳۷۳ق)

ایشان می‌فرمایند: «در اعتکاف، مستحّب است بر عبادات، مانند تلاوت قرآن، دعا، نماز، تعلیم و تعلّم، ذکر، تعزیه، مدح اهل الله، قضای حوایج مومنین، خدمت به معتکفین، اصلاح بنای مسجد، جارو نمودن مسجد...».(۶)

---

۱- از اساتید ایشان می‌توان آخوند خراسانی را نام برد. ایشان حدود ۲۵ سال مرجعیت مطلق عالم تشیّع را به عهده داشت. آیات عظام حکیم، میلانی، میرزا هاشم آملی ازشاگردان ایشان بوده اند.

۲- .اقتباس از درس معظم له، تاریخ ۲۴/۹/۸۱ به نقل از استادشان.

۳- حسینی تهرانی، سید محمّد حسین، مهر تابان، ص۱۹.

۴- ایشان پس ازگذراندن مقدمات حوزوی به نجف هجرت کرد و از محضر آخوند خراسانی، میرزا حسین خلیلی، ملا حسینقلی همدانی، آقارضا همدانی و سید مرتضی کشمیری و. . . بهره گرفت. از شاگردان ایشان می‌توان آیت الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی را نام برد.

۵- .امین، محسن، مستدرکات اعیان الشیعه، ج۳، ص ۱۵۳.

۶- الجناحی جعفر، معروف به کاشف الغطاء، کشف الغطاء، ص۳۳۷.

### ۱۲-۲-آیت الله ناصری

ایشان از سال ۱۳۵۵ ه. ش. در ایّام البیض ماه رجب از اصفهان به قم می‌آمد و در مسجد امام معتکف می‌شد. آن زمان تعداد اندکی معتکف بودند، امّا شور و حال معنوی عجیبی موج می‌زد. یکی از معتکفان، آیت الله اصفیایی، پدر آقای فاطمی نیا بود. بعد ازچند سال، از طرف آیت الله گلپایگانی رحمه الله برای دیدار با معتکفان آمده بودند. وقتی افراد شمارش شدند، ۳۱۳ نفر حضور داشتند. این تفألی به خیر بود و به معتکفان، از اینکه تعدادشان به تعداد اصحاب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بود، نشاطی وصف ناشدنی دست داد.

### ۱۳-۲-علمای تاثیر گذار در ترویج اعتکاف در ایران معاصر

مساجد شهرهای مشهد، قم، اصفهان، شیراز و بسیاری دیگر از شهرها، خاطره حضور پر نور نیایش گران و معتکفان «ایام البیض» ماه رجب و دهه آخر ماه رمضان را در سینه دارد. سنّت اعتکاف در طول تاریخ کم و بیش در ایران اسلامی، برپا می‌شده ولی از پیشینه آن در ایران، قبل از دوران صفویه، چیز زیادی در دست نیست. آن چه به صورت مستند وجود دارد برپایی این سنّت الهی در دوران صفویه می‌باشد که به همّت بلند شیخ لطف الله میسی و شیخ بهایی، در دو پایتخت صفویه، یعنی قزوین و اصفهان صورت گرفته است. پس از آمدن آیت الله عبد الکریم حائری یزدی به شهر مقدس قم و تأسیس حوزه علمیه قم توسط ایشان، سنّت الهی اعتکاف، رنگ و بوی دیگری به خود گرفت. این سنّت الهی که در طی چند قرن، بعد از دوران شیخ لطف الله و شیخ بهایی، نوساناتی به خود گرفته بود، تولدی جدید یافت.

عالم ربّانی میرزا مهـدی بروجردی (۱۳۰۰-۱۳۸۹ق) در سده اخیر پایه گذار این سـنّت حسـنه در شـهر قم بود. او از ملازمان و کـارپردازان و مشـاوران آیت الله العظمی شـیخ عبـدالکریم حائری یزدی بود. وی به علت ایجاد جو خفقان رضاخانی به تنهایی در مسجد امام حسن عسکری علیه السلام معتکف می‌شد و هیچ کس همراه او نبود. بعدها یکی دیگر از علما به او ملحق شد و پس از چندی، پای دیگران نیز به این سـنّت کشـیده شد؛ به حدی که آیت الله بروجردی درس هایی از حوزه علمیه را جهت شرکت طلاب در مراسم اعتکاف، تعطیل کردنـد. رفته رفته این سـنّت محمـدی صـلی الله علیه و آله و سـلم به دیگر شـهرهای ایران سرایت کرد.(۱)

تأکیـد کننـده به احیـای اعتکـاف در قم، پس از آیت الله العظمی حـائری یزدی شـاگردان آن بزرگـوار، مثـل آیت الله العظمی گلپایگانی بودند. از آن زمان همه ساله در مسـجد امام حسن عسـکری علیه السلام قم، اعتکاف برپا می‌شود. اعتکاف به همین صورت بین خواصّ برگزار می‌شـد و بیشتر بر محور طلّـاب دور می‌زد و مردم تقریبـاً از این موهبت یا بی خبر بودنـد یا حـدّاقل اینکه استقبال نداشتند.

در سـال های قبل از انقلاب، مراسم اعتکاف، قـدری رنگ و بوی سیاسـی هم به خود گرفته بود؛ زیرا در اعتکاف، از آیت الله میرزا علی مشکینی که از شخصیت های انقلابی و طرفدار امام خمینیV بود، دعوت می‌شد. در

سخنرانی هـا گاه مطالبی علیه رژیم پهلوی مطرح می‌شـد و معتکفان برای امام خمینی که در آن زمان، از سوی رژیم، به نجف اشـرف تبعید شده بود، دعا می‌کردند که این برای رژیم، بسیار ناخوشایند بود. (۲)ولی به برکت انقلاب اسـلامی، اعتکاف از حالت قشری درآمد و همگانی شد. اینکه بعد از انقلاب از

---

۱- تبریزی، محمّد زمان، فرائد الفوائد، ص ۶۳.

۲- مجله اشارات، تیر۱۳۸۷شماره ۱۱۰/. www.Hawzah.com.

قم به سایر شهرهای کشور توسعه پیدا کرد، به پیشنهاد خدمتگزاران اعتکاف قم و به ابتکار مقام معظم رهبری مدظله العالی بود.(۱)

---

۱- ابتکار مقام معظم رهبری چه بود؟«ستاد امکاناتی نداشت و مردم نیز از وجود آن بی اطلاع بودند یک نامه ساده نوشته شد به مقام معظم رهبری و در جیب حقیر بود. من همیشه در اندیشه بودم که امکان دارد، اعتکاف فراگیر بشود؟ نشستم این را ترسیم کردم روی کاغذ و از محضر مبارک آقا، بعد از اینکه ولایت امری مسلمین را به عهده گرفتند، خواهش کردم با توجّه به اینکه اعتکاف دارای برکات متکثّر است و نیاز جامعه است و شما نگران شبیخون فرهنگی هستید، از موهبت اعتکاف خیلی باید بهره برد. آنجا پیشنهاد کردم که اعتکاف به سر انگشت مبارک شما توسعه پیدا کند و سه تا پیشنهاد خاص کردم: یکی اینکه صدا و سیما دراین رابطه مردم را آشنا بکند، یکی اینکه ائمه جمعه از تریبون های نماز جمعه تبلیغ بفرمایند و یکی اینکه خودشان به نحوی از اعتکاف یاد کنند و دستی بر سر معتکفین بکشند. این نامه در جیبم بود. یک روز جلو حرم حضرت معصومه علیها السلام برخورد کردم با مسوول دفتر مقام معظم رهبری، ایشان مرا نمی‌شناخت. ولی من به ایشان عرض کردم که نامه ای برای مقام معظم رهبری در مورد گسترش اعتکاف نوشته ام. فرمودند: پیشنهادی داری؟ گفتم: «بله». فرمودند: «می‌شود، بنویسی» گفتم: «در جیبم حاضر است». فرمودند: «بده به من، دادم به ایشان». همانجا مطالعه کردند و شاید با ذهنیتی که از قبل داشتند، فرمودند که مطمئن باش اقدام خواهد شد. خیلی برای من جالب بود یک هفته بعد، از صدا و سیمای تهران مرا خواستند جهت راهکارهای تبیین اعتکاف. من وقتی رفتم صدا و سیما، مسوولین چهار شبکه عرایض بنده را شنیدند و همگی برآن شدند که در رابطه با اعتکاف وظیفه شان را انجام بدهند. در همین اثنا مسوول دبیرخانه ائمه جمعه، آیت الله رسولی محلاتی، مرا خواستند و گفتند که ما از طرف آقا مأمور شدیم، که طرح اعتکاف قم را بررسی کنیم و پیشنهاد شما را کاربردی کنیم. مقاله ای آماده شد و توسط دبیرخانه به ائمه جمعه سراسر کشور ارسال شد و این کم کم نهادینه شد و همه ائمه جمعه همه ساله قبل از اعتکاف، به اشاره مقام معظم رهبری، اعتکاف را تبلیغ می‌کنند و خود مقام معظم رهبری در پیام نوروزی همان سال وقتی که خواستند ازجبهه معنوی کشور یاد کنند، مثال خاصّ‌شان اعتکاف بود و حتی سال بعد در بین معتکفین مسجد جمکران قم حاضر شدند و با معتکفین نماز صبح اقامه فرمودند و این سرآغاز توسعه اعتکاف و فرهنگ اعتکاف بود». (گزیده ای از مصاحبه با مسوول ستاد اعتکاف قم، خادم المعتکفین سیّد علیرضا تکیه ای)

این عبادت که قبل از پیروزی انقلاب اسلامی حالت فراگیر و عمومی نداشت، در چند ساله اخیر در میان جمع کثیری از صالحان و نیکان از اقشار گوناگون اجتماعی به ویژه دانشجویان و طلاب، متداول گردیده است و مساجد بسیاری از شهرهای ایران و جهان اسلام پذیرای مهمانان خدا در ایام البیض ماه رجب و ماه رمضان است.

### ۱۴-۲-آیت الله العظمی خامنه ای

«در سال گذشته دیدیم که جوانان، حتّی جوانان دانشجو، اعتکاف می‌کنند و تعداد اعتکاف کنندگان، زیاد بود. بنابراین جوانان ما به معنویات توجّه

کرده اند.(۱) در ایام اعتکاف در ماه مبارک رجب، در بسیاری از مساجد سراسر کشور، جوانان ما، زنان و مردان از قشرها و سنین مختلف، رفتند و در مسجد ماندند؛ سه روز روزه گرفتند و با خدا مأنوس شدند. بعد از آن هم با گریه و اشک و آه، مسجد را وداع گفتند و بیرون آمدند، تا برای سال آینده آماده شوند. عزیزان من! این برای یک جامعه، علامت خوبی است. «الّذینَ إنْ مَکّنّا هُمْ فِی الأرْضِ أقامُوا الصّلوهَ» علامت یک حکومت الهی، علامت یک حرکت صحیح و دارای جهت گیری صحیح است. این را جدّی بگیرید و تقویت کنید.(۲)

بهترین جوانان، آنهایی هستند که صاحب فکر و با اندیشه باشند. همین دانشگاه تهران ما، همین مسجد دانشگاه، شاهد عبادت و راز و نیاز و نماز جماعت و اعتکاف و روزه داریِ برجسته ترین جوانان این مملکت است... قاعدتاً و غالباً در

---

۱- پیام به مناسبت آغاز سال۱۳۷۵.

۲- دیدار با طلاب و مردم قم به مناسبت ۱۹ دی ماه ۱۹/۱۰/۱۳۷۵.

میان دانشجویان، این طور کسانی به صورت وافر پیدا می‌شوند؛ البته در بین غیر دانشجویان هم اینطور جوانان خوب هستند، ولی در زمان قدیم، زمان ما که جوان بودیم، در میان دانشجویان، در دانشگاه تهران و بعضی دانشگاه های دیگر و در همه ایران، شاید هزار نفر اعتکاف نمی‌کردند. در قم که مرکز دین و عبادت بود، شاید چند صد نفر طلبه اعتکاف می کردند. معمول نبود؛ مردم دور بودند.(۱)

رجب، ماه خودسازی است. رجب، ماه صفا دادن به دل و طراوت بخشیدن به جان است؛ ماه توسّل، خشوع، ذکر، توبه، خودسازی و پرداختن به زنگارهای دل و زدودن سیاهی ها و تلخی ها، از جان است. دعای ماه رجب، اعتکاف ماه رجب، نماز ماه رجب، همه، وسیله ای است برای اینکه ما بتوانیم دل و جان خود را صفا و طراوتی ببخشیم؛ سیاهی ها، تاریکی ها و گرفتاری ها را از خود دور کنیم و خودمان را روشن سازیم. این فرصت بزرگی است برای ما؛ به خصوص برای کسانی که توفیق پیدا می کنند در این ایّام اعتکاف کنند.(۲)

خوشا به حالتان معتکفین عزیز! پدیده اعتکاف یکی از رویش های انقلابی است. ما اوّل انقلاب این چیزها را نداشتیم. اعتکاف همیشه بود. زمان جوانی ما وقتی ایّام ماه رجب فرا می‌رسید، در مسجد امام قم، آن هم فقط قم؛ در مشهد من اصلاً اعتکاف ندیده بودم، شاید پنجاه نفر، صد نفر فقط طلبه، اعتکاف می کردند. این پدیده عمومی؛ اینکه ده ها هزار نفر در مراسم اعتکاف شرکت کنند، آن هم اغلب، همه جوان، جزو رویش های انقلاب است. من یک وقت عرض کردم که انقلاب ما ریزش دارد، امّا رویش هم دارد؛ رویش ها بر ریزش ها غلبه

---

۱- .نماز جمعه تهران ۱۲/۱۰/۷۶.

۲- نماز جمعه تهران ۲۸/۵/۱۳۸۴.

دارند. پس خوشا به حالتان معتکفین عزیز! توصیه من این است که در این سه روزی که شما در مسجد هستید، تمرین مراقبت از خود بکنید. حرف که می‌زنید، غذا که می‌خورید، معاشرت که می کنید، کتاب که می‌خوانید، فکر که می کنید، نقشه که برای آینده می کشید، در همه این چیزها مراقب باشید رضای الهی و خواست الهی را بر هوای نفستان مقدم بدارید؛ تسلیم هوای نفس نشوید. تمرین این چیزها در این سه روز، می‌تواند درسی باشد برای خود آن عزیزان و برای ماها که اینجا نشسته ایم و با غبطه نگاه می کنیم به حال جوانان عزیزمان که در حال اعتکاف هستند. با عملِ خودتان به ما هم یاد بدهید.(۱)

اگر یک انسان سطحی و ظاهربین، آن پسر یا آن دختر را با آن لباس، فرض بفرمایید، مشاهده کند، خیال می کند این اصلاً خدا را نمی‌شناسد، نه، اینطور نیست. جوانهای ما دل در گرو حقیقت دارند، دلهایشان نرم و نورانی است. هیچ وقت در این کشور در طول سال های گذشته، از دوران جوانی و نوجوانی، ما به یاد نداریم که در ماه رمضان، در مساجد کشور یا در مسجد گوهرشاد مشهد، مردم بیایند اعتکاف بکنند. در ایام البیض سه روزِ متعارف ماه رجب یا ماه شعبان، ما تعداد معدودی در قم دیده بودیم که اعتکاف می کردند؛ آن هم غالباً طلبه ها. در غیر آن معمول نبود. امروز در ایّام اعتکاف، دانشگاه ها و مساجد و سرتاسر کشور و مساجد جامع، مملوّ از معتکفین است؛ علاوه برآن، در دهه آخر ماه رمضان، جمعیت عظیمی مشغول اعتکاف بودند. چه کسانی؟ پیرمردها؟ پیرزنها؟ نه، همین جوان ها، جوانترین ها. این دیگر در دنیا

---

۱- .نمازجمعه تهران ۲۸/۵/۱۳۸۴.

نظیر ندارد. این نسل جوان امروز ماست. امروز گرایش به دین و ارزش های انقلابی، وجه غالب جامعه است.(۱)

ما اهل معنویتیم، اهل توسّلیم، اهل توجّهیم، اهل ذکریم؛ خدا را شکر. فضای جامعه ی ما، مالامال از توجه به خداست.... این جوان های عزیز ما در جلسات قرآن، در جلسات ذکر و دعا، در جلسات توسل، آنچنان حضور نورانی ای دارند که انسان لذّت می‌برد. در روزهای آینده، همین مراسم اعتکافی که جوانان ما راه می اندازند، پدیده ی شگفت آوری است.(۲)

من همین جا به مسوولین مربوط- در این امور اعتکاف ها- یک سفارشی بکنم: اگرچه که اجتماع هزاران نفر در جاهای مختلف یک فرصت خوبی است و شنیده ایم بعضی از مسوولین مساجد، در این فرصت ها برنامه های جمعی ای می گذارند که مثلًا افراد، بیشتر استفاده بکنند؛ لکن من می‌خواهم عرض بکنم این برنامه های جنبی مراکز اعتکاف، جوری نباشد که با خلوت هرکدام از معتکفین منافات پیدا کند. این اعتکافی که جوان ها انجام می دهند، در واقع دارند با خدا خلوت می کنند. اعتکاف بیشتر یک کار فردی است؛ ایجاد یک ارتباط با خداست. جوری نشود که برنامه های جمعی این مراکز اعتکاف، حال خلوت و حال ارتباط فردی و قلبی با خدا را در افراد ضعیف بکند یا بگیرد. مجال بدهند؛ وقت بگذارند؛ بگذارند این جوان ها قرآن بخوانند، نهج البلاغه بخوانند، صحیفه ی سجادیّه بخوانند. به خصوص من در این ایام اعتکاف، صحیفه سجادیه را توصیه می کنم. این صحیفه سجادیه واقعاً کتاب معجزنشانی است...از این معارف موجود در دعاهای حضرت علی بن حسین علیه السلام در صحیفه

---

۱- دیدار با مردم گرمسار ۲۱/۸/۸۵.

۲- از بیانات ایشان در بیست و دومین سالگرد امام خمینی رحمه الله ۱۴/۳/۱۳۹۰

سجادیه، استفاده کنند؛ بخوانند؛ تأمل کنند. ماه رجب است، ماه عبادت است، ماه توسل به پروردگار است، ماه تضرع است؛ و در این راه، ماه تشبه به

امیرالمؤمنین است. با خدا ارتباطمان را قوی کنیم تا در میدان های زندگی بتوانیم با اراده ی محکم، با قدم استوار و با ذهن روشن، وارد هر میدانی بشویم.(۱)

[خطاب به معتکفین] شایسته است که مؤمنان بدین نکته توجّه داشته باشند که دایم و در همه حالات در محضر خداوند هستند، لذا هیچیک از اوامر و نواهی الهی را عصیان نکنند. خداوند همه را به مرضات خود موفق بدارد».(۲)

### ۱۵-۲-آیت الله العظمی میرزا جواد تبریزی

ایشان در سنین جوانی هنگامی که در قم مشغول تحصیل بودند، علاوه بر شب زنده داری و توسل، با عده ای از طلاب معتکف می شدند، و شیرینی آن روزها را تا آخرین لحظات عمر خود احساس می کردند و آن روزها را بهترین دوران زندگی خود می دانستند و می فرمودند:

«قبل از رفتن به نجف، در قم ساکن بودیم، طلاب مقید به شرکت در اعتکاف بودند و بسیاری از موفقیت ها ثمره همان شب زنده داری، توسل و دعا بود. اشخاص... در این مدت برای سازندگی و غلبه بر نفس اماره خود تلاش کنند. اعتکاف، فرصتی است الهی جهت رسیدن به کمال و کسب درجات معنوی... انسان اگر خالصانه در اعتکاف و شب زنده داری، چند روزی را بگذراند و خود را از لذّت های دنیوی دور کند احساس سبکی و آرامش خواهد کرد. عزیزانی که موفق به حضور در مراسم اعتکاف، شب زنده داری می شوند،

---

۱- دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت میلاد حضرت علی  علیه السلام۲۶/۴/۸۷.

۲- توصیه ایشان به معتکفین ۲۷/۳/۹۰.

زیاد توسل کنند، در این مجالس بیشتر حالت التماس و گریه داشته باشید و مجالس را با ذکر، دعا، و بیان فضایل اهل بیت علیهم السلام بگذرانید».

با توجه به اینکه ایشان ایام بیض [ماه رجب جهت اعتکاف]، سه روز را تعطیل می کردند، بعضی دوستان به ایشان عرض می کردند: همه طلاب که به اعتکاف نمی روند، سه روز درس را تعطیل نکنید! معظم له می فرمودند: «این سنت حسنه اعتکاف باید ترویج و تقویت شود و ما درس را تعطیل می کنیم تا علاوه بر روشن شدن اهمیت این روزها، خود هم ثوابی برده باشیم و ان شاء الله این کار در نامه اعمال ثبت شود».(۱)

### ۱۶-۲-آیت الله العظمی صافی گلپایگانی

«معتکف از خط لذّت حضور در درگاه پروردگار، بیشتر بهره می‌برد و سراسر وجودش سرشار از روحانیّت و معنویّت گشته و در اقیانوس های بیکران رحمت و لطف خدا شناور گردیده و در این ضیافت الهی از موائد رحمانی و خوان گسترده آسمانی بهره مند می‌شود.

گوارا باد برکسانی که با خلوص نیّت و شعور به فقر و نیاز به خداوند متعال، این برنامه مقدّس را انجام می‌دهند و سلام برمعتکفین که با دلی پاک برای سلامتی و تعجیل فرج موفور السرور بقیه الله الاعظم ارواحنا فداه دعا می کنند و رضایت و خشنودی قلب مقدّس آن عزیز دوران را برهمه دنیا و لذات آن مقدم می‌دارند. طوبی لهم».

---

۱- اعتکاف، شب زنده داری و توسل از دیدگاه فقیه مقدس آیت الله العظمی، میرزا جوادتبریزی۱.

سلام بر ماه مبارک رجب، سلام بر رجبیّون،...سلام بر شما عزیزانی که ندای «أین الرجبیّون» را لبیک گفته، و بر سر سفره رحمت خداوند متعال نشسته و از نعمت های بیکران آن بهره مند می‌شوید. بر خود ببالید و به این سعادت بزرگ افتخار نمایید، و شکر خدای منّان را به جا آورید. کدام لذّت دنیایی را می‌توان با این لذّات حالات خوش معنوی، مقایسه نمود؟ کجایند آنان که به فکر عیش و نوش مادّی و تفریح های غیر سالم همراه با گناه و لذّات زودگذر دنیا هستند. اَینَ المُلوك و این ابناء المُلوك؟...آیا می‌توان لحظه های پرفیض و با نشاط سحر و افطار شما معتکفین را با زمان دیگران مقایسه نمود؟...«ای کسانی که به خدا و پیامبر ایمان آورده اید، به خداوند و پیامبر او پاسخ بگویید آنگاه که شما را می‌خوانند تا حیات و زندگی واقعی را به شما هدیه کنند».(۱)

آری، این است حیات حقیقی و این است زندگی سرشار از معنویّت و روح پاك و تهذیب نفس و تقرّب به خداوند متعال، خود را برای انجام وظایف و تکالیف الهی آماده می‌کنیم...عزیزان! این اوقات گرانبها را غنیمت داشته و برای خود و دیگران و برای نجات ممالك اسلامی از دشمنان اسلام و سربلندی مسلمانان جهان دعا کنید، و فرج حضرت بقیه الله الأعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف را از خداوند متعال مسالت نمایید... از همه شما التماس دعا دارم.»(۲)

### ۱۷-۲-آیت الله العظمی مکارم شیرازی

«سه روز به خانه خدا پناه بردن، از همه چیز و همه کار دل بریدن و روزه داشتن و شب و روز به یاد خدا بودن، عبادت کردن و تلاوت قرآن و سرانجام در خویشتن فرو رفتن و خودسازی کردن و به اصلاح امور خود و رفع کاستی

---

۱- سوره انفال، آیه ۲۴.

۲- پیام آیت العظمی صافی گلپایگانی به مناسبت ایام اعتکاف در ماه مبارک رجب.

ها پرداختن، برنامه سازنده عجیبی است برای آنها که قدر آن را بشناسند و حق آن را ادا کنند.(۱)

در دنیای پر غوغای مادّی، که جاذبه ها به سوی مادیّت است، بر قلب و روح انسان زنگار می‌نشیند. زنگاری از غفلت و دوری از خدا که اگر با نیایش و عبادت برطرف نگردد، ممکن است روحانیّت و معنویّت را از وجود انسان برچیند و اینکه در روایات اسلامی نماز تشبیه به نهر آب پاکیزه ای شده که انسان در هر شبانه روز پنج بار خود را در آن شستشو می‌دهد، اشاره به همین نکته است. در میان عبادات، «اعتکاف» ویژگی خاصی دارد و از جهاتی شبیه به مراسم حجّ و احرام است که انسان را به جهانی مملوّ از روحانیّت و معنویّت سوق می‌دهد. در محیط یک مسجد جامع سه روز ماندن، روزه گرفتن و به عبادت پرداختن و در خودسازی کوشیدن و به غیر خدا نیندیشیدن، تحوّل عظیمی در روح انسان پدید می‌آورد که صفا و نورانیّت آن بی نظیر است. به حمدالله در سال های اخیر اعتکاف از سوی قشر جوان و مخصوصاً دانشجویان عزیز مورد استقبال واقع شده و لذّت و آثار این عبادت روحانی را دریافته اند و ما این استقبال عظیم را به آنها تبریک می گوییم. امیدواریم جوانان عزیز ما، مخصوصاً دانشجویان، در این امر که وسیله مؤثری برای قرب پروردگار است، نیز نسبت به دیگران پیشگام باشند و از نتایج معنوی آن کاملاً بهره مند شوند.

اعتکاف یک برنامه مهّم خودسازی است که انسان را در مدّت چند روز به کلّی از مظاهر مادّی دنیا جدا می‌سازد، و در یک عالَم روحانی و معنوی غرق می کند و او را به نگریستن مجدد به برنامه های اخلاقی و خودسازی و توبه از گناه و محاسبه و مراقبه وا می‌دارد و در مجموع یک تولّد ثانوی محسوب

---

۱- سایت معظم له (بیانیه ایشان به مناسبت فرارسیدن ایام اعتکاف۱۳۸۴) .

می‌شود و شایسته است، مسلمانان از آن بهره گیرند و این سنّت اسلامی را زنده نگه دارند».(۱)

### ۱۸-۲-آیت الله العظمی جوادی آملی

«در فضیلت اعتکاف همین بس که معادل طواف خانه خدا قرار گرفته و همتای رکوع و سجود به شمار آمده است، همچنین در فضیلت دو تن از انبیاء آمده که آنان مأمور شدند تا کعبه و حریم آنرا از لوث وجود بت و بت پرستی تطهیر کنند تا عبادت کنندگان درکنار قبله و حرم الهی به طواف، اعتکاف، رکوع و سجود بپردازند.(۲)

شخص روزه داری که براساس آیه شریفه «و لا تباشروهن و انتم عاکفون فی المساجد» از لذایذ جنسی حلال و مانند آن پرهیز کند، یقیناً از حرام نیز

چشم پوشی می‌کند، کسی که به فکر آن نیست تا غرایز خود را از هر راهی هر چند حلال ارضاء کند، قهراً صفای ضمیر و طهارت روحی، بهره او می‌شود. این انسان با صافی ضمیر و طهارت روح، توان آن را دارد که با ذات اقدس اِله، مناجات کند، چون هم نماز دارد، هم روزه دارد و هم در مسجد و در خانه کسی است که میهمانان خود را ناامید برنمی‌گرداند. پس دعای بنده روزه دار نمازگزار و معتکف، یقیناً مستجاب است. خداوند متعال به همگان نزدیک است، امّا به روزه داران، داعیان، نمازگزاران و میهمانان خود که

ضیوف الرحمان هستند، نزدیکتر است. پس انسان معتکف از چند جهت به خدا نزدیک است. روزه اش مایه قرب اوست، چون آن را قربه الی الله انجام می‌دهد، نمازش مایه قرب اوست چون «الصّلاه قربان کلّ تقیّ»، حضورش در مسجد مایه

---

۱- استفتاءات جدید، ج ۲، ص ۱۵۷.

۲- جوادی آملی، عبدالله، حکمت عبادات، ص ۱۸۱.

تقرّب اوست، چون در خانه کسی است که بندگان روزه دار و صالح خود را ناامید بر نمی‌گرداند. اعتکاف او هم به خودی خود، ابزار تقرّب اوست.

خداوند متعال معتکفان آستان قدس و ساحت جلال و جبروت خود را ناامید بر نمی‌گرداند و اگر معتکف، به دعا هم مشغول باشد، این هم سبب تقرّب او به خداوند است. این عناصر محوری پنجگانه (نماز، روزه، دعا، حضور در مسجد، اعتکاف) را دارد و بهترین حال را برای دعا پیدا می‌کند.

شایسته است که معتکف در چنین حالی، اوّلاً ظهور ولیّ ذات اقدس اله، بقیه الله ارواحنا فداه را مسالت دارد، آنگاه بقا و دوام نظام، صیانت و عظمت مقام معظم رهبری، بقای حوزه و دوام آن، رشد و تعالی روحی حوزه و صیانت و عظمت مراجع تقلید و صیانت و عظمت امّت اسلامی و نجات مسلمانان محروم در شرق و غرب عالم را از ذات اقدس اله درخواست کند....

دعاهای کلّی همیشه مستجاب نیست، چون استجابت آنها متوقّف بر وجود شرایطی است. دعاهای کلّی و وسیع از روح وسیع، سرچشمه می‌گیرد. روح

وسیعی که نه تنها به بارگاه عرش الهی رسیده باشد، بلکه از آن نیز گذشته باشد.

قلب مومن عرش خداست و قلب ولیّ خدا، کرسی خداست. چنین

قلب هایی اگر دعا کنند، قطعاً مستجاب است زیرا آن عناصر پنجگانه که گذشت، به خوبی زمینه استجابت دعا را فراهم می‌کند.

خواهران و برادران در پیشگاه ذات اقدس پروردگار، دعای کلّی و وسیع و جامع داشته باشند تا سراسر جهان اسلام از گزند استکبار و دیگران نجات پیدا

کند. هم نظام اسلامی از شرّ ابرقدرت ها رهایی یابد و هم ملل اسلامی از سلطه ستمگران نجات یابند».(۱)

انسـان در حال اعتکاف، وقتی خلوت کرد و او را عبادت کرد و با او مـذاکره و زمزمه کرد، می یابـد که آنچه در جهان خلقت است همه اش حجـاب است؛ یـا حجـاب درون و یا حجاب بیرون و این حجاب ها آیت و علامت و نشانه انـد. هم حجاب های ظلمانی را و هم حجاب های نورانی را بایـد برطرف کرد. این همان تقرب الی اللّه است. وقتی که یک معتکف به خود آمـد و جهـان را بـا ایـن منظر دیـد و عینـک قرآن را بر چشـم گـذاشت، و از منظر قرآن بـه عـالَم و آدم نگـاه کرد، می بینـد همـه این میناگری ها کار اوست. ما سعی و کوشش و هدف

والای مان در اعتکاف این باشد که به دل آرام و دل آرایمان برسـیم، آنگاه بسـیاری از مسایل برای ما حل می شود. اولاً لذت مـا، فوق لـذت هـای دیگران خواهـد بود، ثانیـاً هرگز از آلودگی لـذت نمی بریم، ثالثـاً دیگر کسـی به ما نخواهـد گفت رانت خواری نکن، ربا خواری نکن، دروغ نگو، غیبت نکن، چون بوی بد این عَفِن ها را استشمام می کنیم، این ها فایده ی اعتکاف است».(۲)

---

۱- مجله خیمه، شهریور ۸۳، شماره۱۵.www.Hawzah.com

۲- برگرفته از پیام سال ۱۳۸۵ آیه اللّه جوادی (دامت برکاته) به دانشجویان معتکف.

## فصل چهارم: آداب، احکام و شرایط اعتکاف

### اشاره

اعتکاف در اصل شرع اسلام، مستحب است و گاهی انجام آن واجب

می شود.(۱) در اعتکاف، انجام برخی کارها حرام است. عدم آگاهی از مسایل اعتکاف، چه بسا سبب شود فرد در انجام عملی مستحب، دچار گناه شود.

### وجوب به جا آوردن اعتکاف

به جا آوردن اعتکاف با داخل شدن تحت یکی از عناوین ذیل، از حالت مستحبی خارج شده و واجب می‌شود:(۲)

۱)نذر، عهد و قسم: شخصی نذر کند یا با خدا عهد ببندد یا قسم بخورد که چند روز معتکف شود.

۲)شرط ضمن عقد: مثلاً هنگام قرارداد اجاره منزل، صاحبخانه شرط کند که مستاجر هر سال، سه روز معتکف شود و مستاجر نیز این شرط را بپذیرد.(۳)

۳)اجاره:(۴) مثلاً فردی اجیر شود، با دریافت مزد، از طرف میّت، معتکف شود.

---

۱- امام خمینی (ترجمه تحریر الوسیله، ج۱، ص۳۴۵) /سیستانی (دفتر) /صافی (دفتر) /نوری (دفتر) / العروه الوثقی (ج۲، ص۲۴۶) .

۲- امام خمینی (ترجمه تحریر الوسیله، ج۱، ص۳۴۵) /بهجت (وسیله النجاه، ص ۳۳۰) / فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص۱۳) /مکارم (استفتائات جدید، ج ۲، ص۱۶۱، س۴۷۶) /العروه الوثقی (ج۲، ص۲۴۶) .

۳- امام خمینی (التعلیقه علی العروه الوثقی، ص۵۸۵) .

۴- مکارم (استفتائات جدید، ج ۲، ص۱۶۱س۴۷۶) : ظاهراً مانعی ندارد، هرچند عبادات استیجاریّه غیر از حجّ در روایات اسلامی وارد نشده است.

۴)سومین روز اعتکاف: کسی که دو روز، اعتکاف کند، اعتکاف روز سوّم بر او واجب است.

## اقسام اعتکاف

### ۱-اقسام اعتکاف از لحاظ مستحب یا واجب بودن

۱-۱-واجب معیّن: وقت مشخص داشته باشد؛ مثلاً فرد نذر کند از ۱۳ تا ۱۵ ماه رجب، معتکف شود.

۱-۲-واجب غیر معیّن (موسّع): وقت انجام آن وسعت دارد؛ مثلاً فرد نذر کند که امسال، سه روز معتکف شود.

۱-۳-مستحب

### ۲-اقسام اعتکاف از لحاظ اصالتی یا نیابتی بودن

#### اشاره

۲-۱-اصالتاً (برای خود)

۲-۲-نیابتاً

اعتکاف را تنها به نیابت از یک نفر می‌توان انجام داد و اعتکاف به نیابت از بیش از یک نفر، صحیح نیست ولی می‌توان اعتکاف را به نیّت خود به جا آورد و ثواب آن را به چند نفر [زنده یا مرده] هدیه نمود.(۱)

#### اقسام اعتکاف نیابتی

---

۱- امام خمینی (التعلیقه علی العروه الوثقی، ص۵۸۷، م۳) /بهجت (استفتائات، ج ۲، ص ۴۴۰/جامع المسائل، ج ۲، ص۴۴و۴۶) /تبریزی (استفتائات جدید، ج۱، ص۱۵۲) /خامنه ای (دفتر) / سیستانی (التعلیقه علی العروه الوثقی، ص۴۸۳) /صافی (هدایه العباد، ج۱،م۱۴۰۰) /فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص۴۳) /مکارم (استفتائات جدید، ج ۲، ص ۱۶۰س۴۷۰) /نوری (التعلیقه علی العروه الوثقی) /العروه الوثقی (ج۲، کتاب الاعتکاف، م۳) .

۱-۲-۲-به نیابت از مردگان: انسان می تواند اعتکاف را به نیابت از میّت، انجام دهد.(۱)

۲-۲-۲-به نیابت از زندگان: اعتکاف به نیابت از فرد زنده، بنابراحتیاط، به قصد رجاء صحیح است.(۲)

در نیابت از زندگان که رجائاً انجام می شود، آیا می‌توانند روزه اعتکاف را به نیابت از همان شخص بگیرند؟

مثل خود اعتکاف، رجائاً می‌توانند به نیابت از همان شخص روزه بگیرند.(۳)

---

۱- امام خمینی (التعلیقه علی العروه الوثقی، ص۵۸۷، م۳) /بهجت (استفتائات، ج ۲، ص۴۴۰/جامع المسائل، ج ۲، ص۴۴و۴۶) /تبریزی (استفتائات جدید، ج۱، ص۱۵۲) /خامنه ای (دفتر) / سیستانی (التعلیقه علی العروه الوثقی، ص۴۸۳) /صافی (هدایه العباد، ج۱،م۱۴۰۰/دفتر) / فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص۴۳) /مکارم (استفتائات جدید، ج ۲، ص ۱۶۰س ۴۷۰) / نوری (التعلیقه علی العروه الوثقی) /العروه الوثقی (ج۲، کتاب الاعتکاف، م۳) .

۲- امام خمینی (التعلیقه علی العروه الوثقی، ص۵۸۵) /سیستانی (التعلیقه علی العروه الوثقی، ج۲، ص۴۷۸) /نوری (التعلیقه علی العروه الوثقی) بهجت (استفتائات، ج ۲، ص۴۴۰، م۳۱۲۵) : صحت اعتکاف به نیابت از فرد زنده محل تأمل است تبریزی (رساله احکام بانوان، ص۱۷۸) /نوری (دفتر) : اعتکاف به نیابت از فرد زنده اشکال دارد. صافی (دفتر) /فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص۴۳) : اعتکاف به نیابت از فرد زنده، محل اشکال است. بلی به قصد رجاء اشکال ندارد. مکارم (استفتائات جدید، ج۲ص ۱۶۰س ۴۷۰/اعتکاف عبادتی کامل، ص۷۰) : می‌توان اعتکاف را به نیابت از شخص زنده انجام داد ولی احتیاط این است که قصد اهدای ثواب کند. اعتکاف از سوی معصومین علیهم السلام دلیل معتبری ندارد مگر اینکه به قصد رجاء انجام گیرد.

۳- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص۵۰) : و همان گونه که در طواف به نیابت احیاء، نماز طواف را نیز به نیابت از همان احیاء می خوانند (چون به تبع طواف و نماز طواف است و مستقل نیست) و صحیح است.[گرچه روزه به نیابت از انسان زنده صحیح نیست ولی روزه گرفتن در اعتکاف مانند نماز برای طواف است که به تبع عمل دیگر لازم می‌شود و مستقل نیست.همچنان که طواف و نماز آن، به نیابت از زنده صحیح است (با آنکه نماز هم به نیابت از زنده مشروع نیست) اعتکاف و روزه آن نیز صحیح است زیرا که اعتبار روزه در آن تبعی است.]

آیا شخص می تواند برای اعتکاف، اجیر شود؟ اگر صحیح است، روزه اعتکاف را به نیّت چه کسی بگیرد؟

اجیر شـدن برای اموات اشـکالی نـدارد و روزه آن را طبق اجاره، می تواند به نیابت همان میّت که به نیابتش معتکف می شود، بگیرد. اجیر شـدن به نیابت زندگان مشـکل است هرچند رجائاً مانعی ندارد. بنابراین روزه آن را نیز رجائاً و به نیابت او بگیرد، اشکال ندارد.(۱)

چنـانچه به نیابت از غیر، معتکف بشونـد، آیا بایـد روزه اعتکاف را به نیابت از همان شـخص که به نیابتش اعتکاف کرده انـد، بگیرند یا لازم نیست؟

بلی لازم است.(۲)

## شرایط صحّت اعتکاف

### اشاره

برای صحّت اعتکاف، «هشت» شرط ذکر شده است: (۳)

۱-ایمان؛ ۲-عقل؛ ۳-نیّت و قصـد قربت؛ ۴-روزه؛ ۵-مدّت اعتکاف؛ ۶-مکـان اعتکاف ؛ ۷-اجـازه صاحب اجازه؛ ۸-ماندن مستمر در مسجد.

### ۱-ایمان

۱-ایمان:(۴) اعتکاف غیر مسلمان باطل است.(۵) گذشته از اینکه وقوف غیر مسلمان در مسجد اشکال دارد.

---

۱- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص۴۹) .

۲- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص۴۹) .

۳- .امـام خمینی (التعلیقـه علی العروه الـوثقی، ص۵۸۵/ترجمه تحریرالوسیله، ج۱، ص۳۴۵) / بهجت (وسـیله النجاه، ص۳۳۰) /مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص۷۰) /نوری (دفتر) . سیسـتانی (دفتر/منهاج الصالحین، ج۱، ص۳۴۱) : به جای ایمان، اسلام ذکر شده است.

۴- امام خمینی (التعلیقه علی العروه الوثقی، ص۵۸۶) /فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص۱۷) . بهجت (جامع المسائل، ج ۲، ص ۳۸و۵۶) : ایمان شرط صحت اعتکاف است. اگرمعتکف مرتد شود اعتکاف باطل می‌شود، اعتکاف وقتی معتبر است که همراه با اسلام باشد. سیستانی (دفتر/منهاج الصالحین، ج۱، ص۳۴۱) : [ایمان شرط صحت اعتکاف نیست، هرچند در استحقاق ثواب مـؤثر است]. شـرط صـحت اعتکـاف، مسـلمان بودن معتکف است. مکـارم (العروه الوثقی مع التعلیقـات، ج۲، ص۸۲/اعتکاف عبادتی کامل، ص۷۱) : ایمان شـرط صحّت اعتکاف نیست، هرچند شرط قبول اعتکاف است. اگر معتکف مرتد شود اعتکاف

باطل می‌شود گرچه توبه کند.

۵- خامنه ای (سایت) .

## ۲-عقل

### اشاره

اعتکاف فرد مجنون [یا دیوانه] باطل است.(۱) آنان که دارای جنون ادواری هستند[بعضی اوقات در حال جنون و دیگر اوقات سالم هستند] اگر در حال سلامت معتکف باشند، اعتکافشان صحیح است ولی در وقت جنون باطل است و اعتکاف شخص مست و مانند او از افراد فاقد عقل، صحیح نیست.(۲)

هر عاملی مانند بیهوشی و مستی که موجب از کار افتادگی عقل شود، اعتکاف را باطل می کند.(۳)

هرگاه معتکف به هر علّتی از هوش برود یا بنابر ضرورت وی را بیهوش کنند، اعتکافش چه حکمی دارد؟

---

۱- سیستانی (دفتر) .

۲- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ج۱، ص۳۴۵) /بهجت (جامع المسائل، ج۲، ص۳۸/وسیله النجاه، ص۳۳۰) /خامنه ای (سایت) /صافی (استفتائات، ج۲، ص۲۳۶/دفتر) /مکارم (العروه الوثقی مع التعلیقات، ج۲، ص۸۲/اعتکاف عبادتی کامل، ص۷۱) /العروه الوثقی (ج۲، ص۲۴۷) .

۳- بهجت (جامع المسائل، ج۲، ص۳۸) /خامنه ای (سایت) . مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص۷۲) : اعتکاف کسی که مست شده یا به هر دلیل از نعمت بی بدیل عقل محروم است، صحیح نمی‌باشد.

گرچه بسیاری از فقها اغما را با جنون یکسان دانسته اند ولی با توجّه به تفاوت مهمی که این دو با هم دارد حکم جنون بر اغماء جاری نمی شود.(۱)

### ۱-۲-اعتکاف کودک ممیّز

اعتکاف کودك ممیّز صحیح است و بلوغ شرط اعتکاف نیست.(۲)

## ۳-نیّت و قصد قربت

### ۱-۳-قصد قربت

۱-۳-قصد قربت:(۳) اعتکاف از اعمال تعبّدی است. اگر بدون قصد قربت و اخلاص و با انگیزه های غیر الهی، مانند خودنمایی و ریا انجام شود، باطل

می شود.(۴)

بعد از مشخص کردن اینکه می خواهد اعتکاف نماید، قصد قربت و اخلاص لازم است. از آغاز تا پایان اعتکاف، باید با نیّت و قصد قربت باشد.(۵)

اگر در قطع کردن اعتکاف تردید کنم، آیا نیّت آن از بین می‌رود و در نتیجه اعتکاف باطل می شود؟ آیا لازم است که نیّت مستمر باشد؟

---

۱- مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص۱۰۶) .

۲- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ج۱، ص۳۴۷) /بهجت (استفتائات، ج ۲، ص۴۴۹، س۳۱۶۵/وسیله النجاه، ص۳۳۲) /تبریزی (دفتر) /خامنه ای (سایت) /سیستانی (التعلیقه علی العروه الوثقی، ج۲، ص۴۸۷، م۲۷) /صافی (استفتائات، ج۲، ص۲۳۸، م۱۴۰۴/دفتر) /فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص۴۳) /مکارم (استفتائات جدید، ج ۲، ص۱۶۱س۴۷۲/سایت) /نوری (العروه الوثقی، ج۲، کتاب الاعتکاف، م۲۷) /العروه الوثقی (ج۲، کتاب الاعتکاف، م۲۷) .

۳- امام خمینی (نجاه العباد، ص۱۷۱) /بهجت (جامع المسائل، ج۲، ص۳۸/وسیله النجاه، ص ۳۳۰) / فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص۱۷) /مکارم (العروه الوثقی مع التعلیقات، ج۲، ص۸۲/اعتکاف عبادتی کامل، ص۷۲) .

۴- خامنه ای (سایت) .

۵- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ج۱، ص ۳۴۵) /خامنه ای (سایت) /سیستانی (دفتر) .

نیّت اعتکاف باید تا پایان روز سوّم ادامه پیدا کند.(۱)

اگر از معتکف سوال شود که آیا جزو معتکفین است، بهتر است پنهان کند یا آشکار کند؟

آشکار کردن مانعی ندارد، مگر اینکه برای ریا باشد.(۲)

آیا اعلام عمومی اعتکاف در محافل، با اخلاص منافات دارد؟

اعلام اعتکاف اگر برای تشویق مردم باشد، مانعی ندارد.(۳)

### ۲-۳-قصدِ وجه

یعنی فرد در موقع نیّت، تعیین می کند که عمل را به صورت واجب یا مستحب به جا می‌آورد.

مانند سایر عبادات لازم نیست که در اعتکاف واجب، قصد وجوب کند و در اعتکاف مستحب قصد استحباب نماید [یعنی لازم نیست در نیّت خود واجب یا مستحب بودن اعتکافی که به جا می‌آورد، را تصریح کند].(۴)

اگر چه سومین روز در اعتکاف مستحبی، واجب می شود و بهتر است که از آغاز نیّت، ملاحظه وجوب روز سوّم را بکند بلکه در روز سوّم نیّتش را [به قصد وجوب] تجدید نماید.(۵)

---

۱- خامنه ای (سایت) .
۲- خامنه ای (سایت) .
۳- خامنه ای (سایت) .
۴- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ج۱، ص ۳۴۵) /بهجت (وسیله النجاه، ص۳۳۰) / خامنه ای (سایت) /صافی (دفتر) /مکارم (استفتائات جدید، ج ۲، ص۱۶۰، س۴۶۷) /نوری (دفتر) .
۵- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ج۱، ص ۳۴۵) . بهجت (وسیله النجاه، ص ۳۳۰) /صافی (استفتائات، ج۲، ص۲۳۷) /مکارم (العروه الوثقی مع التعلیقات، ج۲، ص۸۲) /نوری (دفتر) : و تجدید نیّت روز سوم احتیاط مستحب است.

کسی که بخواهد در نیّت اعتکاف، قصد وجه کند، در اعتکاف واجب، نیّت واجب بودن و در اعتکاف مستحب نیّت مستحب بودن می کند.

آیا روز سوّم اعتکاف واجب یا مستحب، نیّتی غیر از نیّت دو روز اوّل دارد؟ روز سوّم، کامل کردن اعتکاف است و نیّت خاصی ندارد.(۱)

اگر از روی اشتباه جهت اعتکاف واجب، نیّت مستحبی نماید یا بالعکس، تکلیف چیست؟

اشکال ندارد.(۲)

در صورتی که اعتکاف های متعددی بر عهده داشته باشد، باید علاوه بر قصد قربت، در نیّت خود معیّن کند که کدام یک از اعتکاف ها را به جا می‌آورد.(۳)

### ۳-۳-وقت نیّت

در آغاز اعتکاف، قبل از طلوع فجر روز اوّل است [یعنی آغاز روزه] و تأخیرش جایز نیست(۴) [لذا کسی که دیرتر از آن زمان به مسجد برسد، آن روز نمی تواند اعتکاف را شروع کند]. جایز است که از اوّل شب یا در بین شب، به مسجد برود و اعتکاف را شروع کند و از همان زمان نیّت اعتکاف

---

۱- خامنه ای (سایت) .

۲- بهجت (استفتائات، ج ۲، ص۴۴۱، م۳۱۲۸/جامع المسائل، ج ۲، ص ۵۱) /تبریزی (رساله احکام بانوان، ص۱۷۹، م۲۷۹) /صافی (دفتر) /فاضل (اعتکاف واحکام آن، ص۵۰) / مکارم (استفتائات جدید، ج ۲، ص۱۶۰، س۴۶۹/اعتکاف عبادتی کامل، ص۷۳) / نوری (دفتر) /العروه الوثقی (ج۲، ص۲۴۷) .

۳- مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص۷۲) .

۴- خامنه‌ای (سایت) /فاضل (اعتکاف واحکام آن، ص۱۷) /مکارم (استفتائات جدید، ج ۲، ص ۱۶۰س۴۶۸) .

کند،(۱) بلکه احتیاط مستحب آن است که شب اوّل را نیز در اعتکاف داخل کند و از اوّل شب نیّت کند.(۲)

کسی که به قصد معتکف شدن وارد مسجد می شود، امّا تا اذان صبح خواب بوده و نیّت اعتکاف نکرده، آیا اعتکافش صحیح است؟ بلی.(۳)

### ۴-۳-ماندن در مسجد

برای تحقق اعتکاف، ماندن در مسجد، به قصد اینکه با آن، بندگی خدا نماید، به تنهایی کافی است و لازم نیست نیّت عبادت دیگری [مانند قرائت قرآن و دعا] غیر از ماندن در مسجد، به آن ضمیمه شود،(۴) اگر چه احتیاط مستحب است.(۵)

---

۱- تبریزی (رساله احکام بانوان، ص۱۷۹، م۲۷۸) /سیستانی (منهاج الصالحین، ج۱، ص۳۴۱، م۱۰۶۸/التعلیقه علی العروه الوثقی، ج۲، ص۴۸۰) /نوری (التعلیقه علی العروه الوثقی/استفتائات) / العروه الوثقی (ج۲، ص۲۴۷) . مکارم (استفتائات جدید، ج ۲، ص ۱۶۰س۴۶۸) : وقت نیّت قبل از اذان صبح است ولی مانعی ندارد که نیّت در قلب از قبل بوده باشد (می توان شب، قبل از خواب نیّت کند. مشروط به آنکه این نیّت در اعماق ذهنش باقی بماند) .

۲- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ج۱، ص۳۴۵) /بهجت (استفتائات، ج ۲، ص ۴۴۰، م۳۱۲۷/وسیله النجاه، ص ۳۳۱) /صافی (استفتائات، ج۲، ص ۲۳۷) صافی (دفتر) : و اکتفا به نیّت اول شب مشکل است مگر اینکه نیّت اول شب تا فجر ادامه داشته باشد.

۳- خامنه ای (دفتر) /فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص۴۲) /نوری (دفتر) .

۴- بهجت (استفتائات، ج ۲، ص۴۳۹، م۳۱۲۲/وسیله النجاه، ص۳۳۰) : قصد عبادت هم لازم است.

۵- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ج۱، ص۳۴۵/نجاه العباد، ص۱۷۰/التعلیقه علی العروه الوثقی، ص۵۸۵) /تبریزی (رساله احکام بانوان، ص۱۷۸و۲۷۳) /خامنه ای (دفتر) /سیستانی (منهاج الصالحین، ج۱، ص۳۴۱/دفتر) /صافی (هدایهالعباد، ج۱، ص۲۳۶، م۱۴۰۰/دفتر) /مکارم (استفتائات جدید، ج۲، ص۱۵۷، م۴۵۱) /نوری (دفتر) /العروه الوثقی (ج۲، ص۲۴۵) .

آیا عبادات بر معتکف واجب است یا صِرف ماندن در مسجد کافی است؟

عبادات مستحب، فی نفسه بر معتکف واجب نیست.(۱)

### ۵-۳-شرط رجوع یا عُدول

#### اشاره

۵-۳-شرط رجوع یا عُدول:(۲) معتکف می توانـد هنگام نیّت کردن [یا خواندن صـیغه نذر در اعتکاف نذری]، شـرط کند که اگر برایش عـذری [عرفی یا شـرعی] پیش آیـد، حتی در روز سوّم، بتواند دست از اعتکاف بردارد، اگر چه عذرش معمولی یا بی اهمیّت باشد. اگر به طور عموم هر عذری را شرط کند در تمام موارد می تواند بیرون رود و اگر عذر خاصّی را شرط کند، در خصوص همان مورد می تواند بیرون برود.(۳)

---

۱- خامنه ای (سایت) .

۲- روایات: امام صادق علیه السلام: «شایسته است معتکف هم هنگام نیّت، مانند مُحرِم که شـرط و استثنا می گذارد، شـرط و استثنا بگـذارد. تـا آنجـا که برایت حادثه ای از جانب خداونـد نسبت به تو نازل شـد، خداونـد تو را از اعتکافت آزاد نمایـد». (الاستبصار، ج۲، ص۱۲۹/وسائل الشیعه (ط-آل البیت) ، ج۱۰، ص۵۵۳) امام صادق علیه السلام: «پدرم فرمودند سزاوار است معتکف اعتکاف خود را استثنا کند، پس بگوید «اَللّهُمَ اِنّی اُریدُ الِاعتِکافُ فِی شَهری هذا فَاِعَنِّی عَلَیهِ فَاِن اِبتَلَیتَنِی فِیهِ بِمَرَضٍ او خَوفٍ فَاَنَا فِی حِلٍّ مِن الِاعتِکافِ» (خـدایا من اعتکاف در این ماه را قصد کردم پس کمکم کن و اگر در این ماه مرا به بیماری یا ترسی مبتلا کردی، من بتوانم اعتکافم را رها کنم) پس فرمود اگر از این موارد به او چیزی برسد، قطع اعتکاف حلال است». (مستدرک الوسائل، ج۷، ص۵۶۷)

۳- .امـام خمینی (ترجمـه تحریرالوسـیله، ج۱، ص۳۴۹) /بهجـت (اسـتفتائات، ج ۲، ص ۴۴۰، م۳۱۲۳/وسـیله النجاه، ص ۳۳۵ /تبریزی (منهاج الصالحین، ج۱، ص۲۹۵، م۱۰۷۴) / خامنه ای (دفتر) /سیستـانی (دفتر) /صافی (دفتر) /فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص۱۵) / مکـارم (اعتکـاف عبادتی کامل، ص۸۶/استفتاءات جدید، ج ۲، ص ۱۶۴) /نـوری (دفـتر) / العروه الوثقی (ج۲، الاعتکاف، م۴۰) .

با چنین شرطی، افراد هر وقت مایل بودند می توانند اعتکاف خود را به هم بزنند و روزه خود را افطار نمایند و اگر خواستند، از مسجد خارج شوند، هر چند روز سوّم باشد؛ و در این صورت، قضا نیز واجب نمی باشد.

کسی شرط کند، اگر کاری برایش پیش آمد اعتکاف را به هم بزند، آیا می تواند در روز سوّم اعتکاف را به هم بزند؟ آیا قضای آن لازم است؟

بلی برای او جایز بوده [و قضا لازم نیست] و گناه مرتکب نشده است.(۱)

شرط دست برداشتن از اعتکاف، بدون هیچ پیشامد (عذری)، ممنوع است.(۲)

اگر این شرط را قبل از نیّت [یا نذر] یا بعد از نیّت ذکر کند، اعتبار ندارد.(۳)

---

۱- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ج۱، ص۳۴۹) /خامنه ای (دفتر) /سیستانی (دفتر) / مکارم (استفتائات جدید، ج ۲، ص۱۶۴، س۴۹۲) /نوری (دفتر) .

۲- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ج۱، ص۳۴۹) /خامنه ای (دفتر) . سیستانی (منهاج الصالحین الاعتکاف، م۱۰۷۴/دفتر/التعلیقه علی العروه الوثقی، ص۴۹۰، م۴۰) / مکارم (العروه الوثقی مع التعلیقات، ج۲، ص۹۳/اعتکاف عبادتی کامل، ص۸۶/سایت) : بنابر احتیاط واجب ممنوع است. بهجت (استفتائات، ج ۲، ص ۴۴۰، م۳۱۲۳/وسیله النجاه، ص۳۳۵، م۱۲۰۷) /تبریزی (منهاج الصالحین، ج۱، ص۲۹۵، م۱۰۷۴) /صافی (دفتر/هدایه العباد، ج۱، ص۲۴۰، م۱۴۱۶) /فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص۱۵/التعلیقه علی العروه الوثقی، ج۲، ص ۸۰، م ۴۰) / نوری (التعلیقه علی العروه الوثقی، الاعتکاف، م۴۰/ (دفتر) : جایز است.

۳- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ج۱، ص ۳۵۰) /بهجت (وسیله النجاه، ص ۳۳۵) / سیستانی (التعلیقه علی العروه الوثقی، ج۲، ص ۴۹۰) /صافی (استفتائات، ج۲، ص ۲۴۰، م۱۴۱۶) / فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص۱۵) /مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص۸۷) /نوری (دفتر) .

اگر شرط رجوع را در وقت نیّت شرط کند و بعد از آن، شرط را ساقط کند، [شرط رجوع] علی الظاهر ساقط نمی شود.(۱)

در چه مواردی می‌توان در نیّت، شرط شکستن اعتکاف نمود؟

برای معتکف جایز است شرط کند، هر چند که [آن] عارض از عذرهای عرضی و عادی باشد. می تواند به خاطر پیش آمدهای عادی [از قبیل آمدن شوهر از سفر] اعتکافش را بشکند.(۲)

اینکه «معتکف می تواند در نیّت خود شرط کند که اگر عذری برایش پیش آمد، از اعتکاف دست بکشد حتّی در روز سوم»، عذر در اینجا کدام عذرها را شامل می شود؟ آیا عذر فقط عذر شرعی و عقلانی است؟ هر عذری که حین شرط مدّ نظر بوده است یا عرفاً عذر، مانع از استمرار اعتکاف شود.(۳)

براساس روایات، گذاشتن این شرط مستحب است.(۴)

معتکف نمی تواند شرط کند که منافیات اعتکاف[آنچه با اعتکاف منافات دارد] مانند همبستر شدن یا حق عدول به اعتکاف دیگر را داشته باشد.(۵)

---

۱- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ج۱، ص۳۴۹) /تبریزی (منهاج الصالحین، ج۱، ص۲۹۶، م۱۰۷۵) / سیستانی (منهاج الصالحین، ص۳۴۳، م۱۰۷۵) /صافی (استفتائات، ج۲، ص۲۴۰، م۱۴۱۶) . صافی (دفتر) /مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص۸۷) : ظاهر این است که حکم شرط ساقط نمی‌شود. هرچند احتیاط است که آثار سقوط شرط را جاری کند، یعنی روز سوم را نیز در اعتکاف بماند. بهجت (وسیله النجاه، ص ۳۳۵، م۱۲۰۷/جامع المسائل، ج۲، ص۵۱) : ساقط می‌شود.

۲- .امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ج۱، ص۳۴۹) /خامنه ای.

۳- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص۴۷) .

۴- وسائل الشیعه (ط-آل البیت) ، ج۱۰، ص۵۵۳.

۵- مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص۸۶) .

همانطور که جایز است هنگام نیّت اعتکاف، رجوع را شرط کند، گذاشتن شرط رجوع در نذر نیز جایز می باشد؛ در واقع اعتکاف مشروط، نذر می‌شود.

### ۱-۵-۳-صیغه نذر یا نیّت اعتکاف مشروط (دارای شرط رجوع)

کسی که اعتکاف را نذر می کند، می تواند در صیغه نذر خود شرط کند که اگر عذری پیش آید(۱) دست از اعتکاف نذری بردارد به این صورت که بگوید: «برای خدا بر من است که اعتکاف نمایم؛ به شرط آنکه اگر فلان عذر پیش آمد،(۲) بتوانم دست از اعتکاف بردارم».[لله عَلَیَّ اَن اَعتَکَف بِشرط ان یکون لی الرجوع عند عروض کذا] پس از این (وقتی آن عذر پیدا شد) می تواند دست از اعتکاف بردارد و دست برداشتن از اعتکاف گناه ندارد و مخالفت با نذر نیست و قضاء هم ندارد.(۳) احتیاط [واجب] ترک نشود به اینکه این شرط را در حال شروع اعتکاف هم تکرار کند و اگر این شرط را قبل از نیّت اعتکاف یا بعد از آن ذکر کند، اعتبار ندارد.(۴)

---

۱- بهجت (وسیله النجاه، ص ۳۳۵) /تبریزی (منهاج الصالحین، ج۱، ص۲۹۵، م۱۰۷۴) / صافی (دفتر) /هدایه العباد، ج۱، ص۲۴۰، م۱۴۱۶) /فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص۱۵/التعلیقه علی العروه الوثقی، ج۲، ص۸۰، م۴۰) /نوری (التعلیقه علی العروه الوثقی، الاعتکاف، م۴۰) : یا بدون هیچ عذری.

۲- بهجت (وسیله النجاه، ص ۳۳۵) /تبریزی (منهاج الصالحین، ج۱، ص۲۹۵،م۱۰۷۴) /فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص۱۵) /نوری: یا هرچند عذری برایم پیش نیاید.

۳- بهجت (دفتر) /خامنه ای/صافی (دفتر) . سیستانی (منهاج الصالحین، ج۱، ص۳۴۵، م۱۰۷۶) : اگر شخصی در نذر اعتکاف، رجوع را شرط کند یعنی اعتکاف را مشروط، نذر کند، رجوع و بازگشت برای او جایز است اگرچه در زمان شروع اعتکاف برای ادای نذر، رجوع را شرط نکرده باشد.

۴- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ج۱، ص۳۴۹) /صافی (استفتائات، ج۲، ص۲۴۰، م۱۴۱۶) مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص۸۷) : البته این شرط در صورتی صحیح است که معنایش نذر اعتکاف مشروط باشد.

صحّت اشتراط رجوع از اعتکاف در نذر، محل تامل بلکه محل منع است. بلی، نذر اعتکاف مشروط، صحیح است.(۱)

### ۶-۳-عُدول از نیّت اعتکاف

#### ۱)عدول از اعتکافی به اعتکافی دیگر

عُدول از اعتکافی به اعتکافی دیگر جایز نیست و فرقی نیست که هر دو واجب باشد[مثلًا از اعتکاف استیجاری به نذری]، یا هر دو مستحب، [مثلاً از اعتکاف برای خود به اعتکاف نیابتی تبرّعی] یا یکی واجب و دیگری مستحب، [مثلًا از ابتدا به نیّت اعتکاف نذری در مسجد مانده و روز دوّم نیّت را از نذر به استحباب، بر گرداند].(۲)

شخصی که قضای اعتکاف سال گذشته بر عهده او می‌باشد و در وسط اعتکاف امسال یادش می آید، آیا می تواند نیّت اعتکاف خود را به قضا بر گرداند؟ خیر، تغییر نیّت اعتکاف، در بین آن جایز نیست.(۳)

#### ۲)عدول از نیابت شخصی به نیابت شخص دیگر

عدول از نیابت شخصی به نیابت شخص دیگر جایز نیست.(۴)

---

۱- صافی (دفتر) .

۲- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ج۱، ص۳۴۷) /بهجت (جامع المسائل، ج ۲، ص ۵۱/وسیله النجاه، ص۳۳۲/جامع المسائل، ج ۲، ص۴۴) /خامنه ای (سایت/دفتر) /سیستانی (منهاج الصالحین، ج۱، ص ۳۴۱/دفتر) /صافی (استفتائات، ج۲، ص۲۳۸) /مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص۷۳) /نوری (دفتر) .

۳- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص۴۵) /نوری (دفتر) .

۴- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ج۱، ص۳۴۷) /بهجت (جامع المسائل، ج ۲، ص ۵۱/وسیله النجاه، ص۳۳۲) /خامنه ای (سایت/دفتر) /سیستانی (منهاج الصالحین، ج۱، ص ۳۴۱/دفتر) / صافی (استفتائات، ج۲، ص۲۳۸) /مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص۷۳) /نوری (دفتر) .

## ۳) عدول از اعتکاف اصالتی به اعتکاف نیابتی

اگرقصد کند که اعتکاف را برای خودش انجام دهد، پس از شروع نمی تواند نیّت را برگرداند و به نیابت از دیگری تمام کند؛ همچنان که عکس آن نیز جایز نیست.(۱)

## ۴-روزه

### اشاره

اعتکاف بدون روزه صحیح نیست(۲) لذا اعتکاف مسافری که روزه برایش جایز نیست و نمازش شکسته است، اعتکاف زن حایض و نفساء (زائو)[ به دلیل جایز نبودن روزه و نیز جایز نبودن توقّف در مسجد]، اعتکاف در روز عید قربان و عید فطر که روزه در آن حرام است، باطل می‌باشد.(۳)

### ۴-۱-مبطلات روزه

#### اشاره

«نُه» چیز روزه را باطل می کند؛ لذا اعتکاف در اثر انجام آنها باطل می شود:

---

۱- .امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ج۱، ص۳۴۷) /بهجت (جامع المسائل، ج ۲، ص ۵۱/وسیله النجاه، ص۳۳۲) /خامنه ای (دفتر) /سیستانی (منهاج الصالحین، ج۱، ص۳۴۱) / صافی (استفتائات، ج۲، ص۲۳۸) /مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص۷۳) /نوری (دفتر) .

۲- روایات: امام صادق علیه السلام (کافی (ط-اسلامیه) ، ج۴، ص۱۷۶/وسائل الشیعه (آل البیت) ، ج۱۰، ص۵۳۶) امام رضا علیهم السلام از امیرالمومنین علیه السلام نیز این روایت را نقل فرموده اند (وسائل الشیعه (ط-آل البیت) ، ج۱۰، ص۵۳۶/بحارالانوار (ط-بیروت) ، ج۹۴، ص۱۲۸) .

۳- امام خمینی (التعلیقه علی العروه الوثقی، ص۵۸۶) /بهجت (وسیله النجاه، ص۳۳۱/دفتر) / خامنه ای (سایت) /سیستانی (التعلیقه علی العروه الوثقی، ج۲، ص۴۸۰/دفتر) /فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص۱۷) /مکارم (العروه الوثقی مع التعلیقات، ج۲، ص۸۲) .

۱-خوردن و آشامیدن ۲-جماع ۳-استمناء ۴-دروغ بستن به خدا و پیامبر و جانشینان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ۵-رساندن غبار غلیظ به حلق ۶- فرو بردن تمام سر در آب

۷-باقی ماندن بر جنابت و حیض و نفاس تا اذان صبح ۸-اماله کردن با چیز روان ۹-قِی کردن

**۱)افطار اجباری در اعتکاف**

اگر معتکف مبتلا به مرضی شود که مجبور به افطار روزه است، چه باید بکند و حکم اعتکاف او چیست؟

اعتکاف بدون روزه صحیح نیست، لذا با افطار روزه، اعتکاف باطل می شود.(۱)

**۲)مصادف شدن اعتکاف با عید فطر یا قربان**

اگر نذر کند سه روز معیّن و یا بیشتر را اعتکاف کند، اگر روز سوّم در عید واقع شد، نذر او از اصل باطل است(۲) و قضای آن بر او واجب نیست؛ چرا که نذر او منعقد نشده است و لیکن قضای آن، موافق با احتیاط است.(۳)

اگر شخصی دو روز قبل از عید، اعتکاف را شروع کند [یا روزی شروع کند که عید بین ایام اعتکاف واقع شود] اعتکافش صحیح نیست، هرچند به هنگام شروع غافل از این مساله بوده است.(۴)

---

۱- .خامنه ای (سایت) .

۲- بهجت (جامع المسائل، ج ۲، ص ۴۶/دفتر) /صافی (دفتر) /نوری (دفتر) : اگر نذر کند سه روز معیّن را اعتکاف کند، اگر یکی از سه روز در عید واقع شد، نذر او از اصل باطل است.

۳- امام خمینی (التعلیقه علی العروه الوثقی، ج۲، ص۵۸۸) /سیستانی (التعلیقه علی العروه الوثقی، ج۲، ص۴۸۴) /فاضل (التعلیقه علی العروه الوثقی، ج۲، ص۷۴) /مکارم (العروه الوثقی مع التعلیقات، ج۲، ص۸۶) /العروه الوثقی، ج۲، ص۲۵۱.

۴- .امام خمینی (التعلیقه علی العروه الوثقی، ص۵۸۶) /تبریزی (استفتائات جدید، ج۱، ص۱۵۳) / سیستانی (التعلیقه علی العروه الوثقی، ج۲، ص۴۸۱) /فاضل (التعلیقه علی العروه الوثقی، ج۲، ص۷۱) / نوری (دفتر) /العروه الوثقی ( ج۲، ص۲۴۷) . مکارم (العروه الوثقی مع التعلیقات، ج۲، ص۸۲/سایت) : البتّه یک استثنا وجود دارد، و آن روزه استیجاری است، که قناعت کردن به آن مشکل است.

## ۲-۴-چه روزه ای را می‌توان در اعتکاف گرفت؟

### اشاره

لازم نیست که روزه برای اعتکاف باشـد، بلکه روزهٔ غیر اعتکاف هم کفایت می کنـد، چه [روزه] واجب باشـد، چه مسـتحب، خواه برای خودش انجام دهـد و خواه از دیگری به عهده گرفته باشد[مانند روزه قضای ماه رمضان، نذر، استیجاری و...]، بدون اینکه فرقی بین اقسام اعتکاف و انواع روزه باشـد؛ حتّی صـحیح است که اعتکافی را که نـذر کرده یا برای انجام آن اجیر شده است، در ماه رمضان انجام دهـد. اگر اعتکاف در روزهای معینی را نذر کند و روزهٔ نذر هم به گردنش باشد، اگر روزهٔ نذری را در ایّام اعتکـاف بگیرد، مجزی است. معتکف می توانـد اعتکافی را که نـذر کرده یا برای انجام آن اجیر شـده است در ماه رمضان انجام دهد.(۱)

---

۱- امـام خمینی (ترجمه تحریرالوسـیله، ج۱، ص۳۴۵، التعلیقـه علی العروه الـوثقی، ص۵۸۷) / تبریزی (اسـتفتائات جدیـد، ج۱، ص۱۵۵) /خامنه ای (سایت) /سیسـتانی (التعلیقه علی العروه الوثقی، ج۲، ص۴۸۳/دفتر) /صافی (استفتائات، ج۲، ص۲۳۷/دفتر) /نوری (دفتر) /العروه الوثقی (ج۲، ص۲۵۰) . مکارم (اسـتفتائات جدید، ج۲، ص۱۶۲) : لازم نیست روزه برای اعتکاف باشـد، بلکه می‌توانـد روزه مـاه مبـارک رمضـان یـا روزه قضـا و ماننـد آن را به جـا آورد، ولی روزه استیجاری مشـکل است. فاضـل (اعتکاف و احکام آن، ص۴۵ و ۴۹) : اما اگر به نیابت از غیر، معتکف شونـد، باید روزه اعتکاف را به نیابت از همان شـخص بگیرند. بهجت (وسـیلهالنجاه، ص۳۳۱) : امـا اگر به نیـابت از غیر، معتکف شونـد، بنابر احتیاط واجب بایـد روزه اعتکاف را به نیابت از همان شخص بگیرند.

آیا می‌توان روزه روز سوم اعتکاف را که واجب می‌شود، از روزه قضا حساب کرد یا خودش واجب جداگانه ای است؟

اگر روزه قضا هم باشد، مانعی ندارد.(۱)

در اعتکاف ماه رمضان، نیّت روزه باید چگونه باشد؟

روزه باید به نیّت روزه ماه مبارک رمضان گرفته شود.(۲)

### ۱)روزه استیجاری در اعتکاف

آیا هر روزه ای حتّی استیجاری جهت اعتکاف کافی است؟

کفایت می کند.(۳)

### ۲)روزه قضا در اعتکاف

آیا می‌توان در ایّام البیض[اعتکاف]، روزه قضاء عن ما فی الذمه گرفت؟ اشکال ندارد.(۴)

---

۱- العروه الوثقی (ج۲، کتاب الاعتکاف، م۴) .

۲- .صافی (دفتر) .

۳- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ج۱، ص ۳۴۵) /بهجت (وسیله النجاه، ص ۳۳۱/جامع المسائل، ج ۲، ص۴۵) /تبریزی (استفتائات جدید، ج ۱، ص۱۵۵) /خامنه ای (دفتر) /سیستانی (دفتر) /صافی (استفتائات، ج۲، ص۲۳۷) /نوری (دفتر) /العروه الوثقی (ج۲، ص۲۵۰) مکارم (استفتائات جدید، ج۲، ص۱۶۲، س۴۸۱/سایت) : روزه استیجاری مشکل است[بنابر احتیاط واجب کفایت نمی کند]. فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۴۹) : کفایت روزه استیجاری برای معتکف محل اشکال است. (روزه اعتکاف باید به نیّت کسی باشد که اعتکاف به نیّت او انجام می گیرد. چنانچه به نیابت از غیر، معتکف شوند، باید روزه اعتکاف را به نیابت از همان شخص که به نیابتش اعتکاف کرده اند، بگیرند.)

۴- مکارم/سیستانی (دفتر/سایت) .

آیـا در قضـای اعتکـاف، می‌توان نیّت روزه هـای اعتکـاف را به نیّت روزه هـای قضای ماه مبارک رمضان گرفت؟ بلی، مانعی ندارد.(۱)

### ۳)روزه مستحبی در اعتکاف، در صورت داشتن روزه واجب

کسی که روزهٔ قضا یا روزهٔ واجب دیگری دارد(۲)، نمی تواند روزهٔ مستحبی بگیرد(۳) و رعایت احتیاط که هیچ روزه واجبی به گردن او نباشد- مانند روزه کفّاره یا غیر آن- ترک نشود.(۴)

آیا کسی که قضای روزه ماه رمضان بدهکار است، می تواند نذر کند و روزه نذر به جا آورد؟

نمی‌تواند.(۵)

اگر شخصی نذر کند که در ایّام معینی معتکف شود و روزه نذری یا استیجاری نیز برعهده او باشد و نذر اعتکاف به این گونه بوده است که روزه به

---

۱- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص۴۵) .

۲- سیستانی: کسی که روزهٔ قضای ماه رمضان دارد ... .

۳- امام خمینی، بهجت، تبریزی، خامنه ای، سیسـتانی، صافی، مکارم، نوری (توضیح المسائل (محشی-امام خمینی) ، ج ۱، ص ۸۸۵ م ۱۵۶۳) . فاضـل: کسـی کـه روزهٔ قضـا دارد، نمی توانـد روزهٔ مسـتحّبی بگیرد و اگر روزهٔ واجـب دیگری دارد، بنـا بر احتیـاط واجب نمی توانـد روزهٔ مسـتحّبی بگیرد .. بهجت: کسـی که روزهٔ قضـا دارد، نمی توانـد روزهٔ مسـتحبی بگیرد. [پایـان مسأله]

۴- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ج۱، ص۳۳۳) .

۵- امام خمینی (استفتائات، ج۱، ص۳۳۶، م۷۷) .

خاطر اعتکاف باشد، کفایت از روزه نذری یا اجاره ای نمی کند.[نمی تواند روزه در ایّام اعتکاف را، به نیّت روزه نذری یا اجاره ای بگیرد.] (۱)

آیا شخصی که احتمال می‌دهد روزه قضا دارد، می تواند روزه مستحبی بگیرد و اگر برای روزه مستحبی مانند اعتکاف نذر کند، چطور؟

اشکالی ندارد.(۲)

کسی که معتکف شده و روزه هایش را به نیّت اعتکاف گرفته و اعتکافش مستحبی است و روزه واجب به عهده دارد،حکم اعتکاف و روزه هایش چیست؟ اگر روزه واجب دارد، نمی تواند به نیت روزه مستحبی روزه بگیرد و روزه او با این نیّت باطل است و اعتکاف او فاسد می شود.(۳)

کسی که معتکف شده و روزه هایش را به نیّت اعتکاف گرفته و اعتکافش واجب است و روزه واجب به عهده دارد،حکم اعتکاف و روزه هایش چیست؟

باید نیّت روزه های قضای خود را بنماید و اعتکاف او صحیح است.(۴)

### ۳-۴-اعتکاف بیمار

کسی که در حین اعتکاف، مریض شود (و قبلاً هم شرط رجوع نکرده باشد)، می‌تواند روز سوم اعتکاف خود را به هم بزند؟

---

۱- امام خمینی (التعلیقه علی العروه الوثقی، ج۲، ص۵۸۸) /العروه الوثقی (ج۲، ص۲۵۱)

۲- مکارم (استفتائات جدید، ج۱، ص۹۴، م۲۸۹) .

۳- خامنه ای (دفتر) /نوری (دفتر) . فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص۴۵) : اعتکاف او باطل است. البته اگر فراموش کرده که روزه واجب دارد، روزه و اعتکافش صحیح است.

۴- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص۴۶) .

مرضی که موجب بطلان صوم است، موجب بطلان اعتکاف نیز هست و لو روز سوّم باشد.(۱)

معتکفی که روز اوّل حالش بد است و تصمیم میگیرد فردا روزه نگیرد، ولی روز دوّم حالش خوب می‌شود، آیا به اعتکافش خللی وارد شده است؟ خیر.(۲)

آیا بیمار و کسی که روزه برایش ضرر دارد، می تواند معتکف شود و اگر در حال اعتکاف باشد و روزه نگیرد، ثوابی می‌برد؟

اعتکاف اشخاصی که روزه برایشان ضرر دارد، باطل است.(۳)

کسی که هر روز احتیاج به آمپول دارد، می‌تواند اعتکاف کند و به جهت آن از مسجد خارج شود؟

احتیاط واجب است(۴) که روزه دار از استعمال آمپولی که به جای غذا به کار می رود خودداری کند، ولی تزریق آمپولی که عضو را بی حس می کند یا به

---

۱- صافی (دفتر) .

۲- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص۴۶) .

۳- مکارم (استفتائات، ج۳، ص۱۰۸) . امام خمینی/تبریزی/صافی/مکارم/نوری (توضیح المسائل محشی امام خمینی، ج۱، ص۹۶۷، م۱۷۴۴) : نباید روزه بگیرد و اگر روزه بگیرد صحیح نیست.[لذا نمی تواند معتکف شود.] فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص۴۱) : اعتکاف بدون روزه صحیح نیست ولی ماندن در مسجد ثواب دارد، به خصوص اگر مشغول عبادت و دعا باشد. بهجت (استفتائات، ج ۲، ص۴۵۱) /سیستانی (سایت) : نمی تواند معتکف شود و ثواب اعتکاف هم نمی‌برد

۴- فاضل (توضیح المسائل، م۹۹۳) -العروه الوثقی مع التعلیقات الفاضل، ج۲، ص۷۸) : واجب است تبریزی وسیستانی وصافی (توضیح المسائل، م۱۵۸۵) /نوری (توضیح المسائل، م۱۵۷۳) :احتیاط مستحب

جای دوا استعمال می شود اشکال ندارد- و می‌تواند جهت تزریق آن از مسجد خارج شود.(۱)

### ۴-۴-روزه در سفر

مسافر می تواند در موارد ذیل نیز روزه بگیرد:

اولاً- اگر روزه در سفر را نذر کرده باشد.

ثانیاَ- در مدینه برای طلب حاجت، سه روز می‌تواند، روزه بگیرد.(۲)

### ۵-۴-نذر روزه در سفر

اگر غیر روزهٔ ماه رمضان، روزهٔ معین دیگری بر انسان واجب باشد بنا بر احتیاط واجب(۳) نباید در آن روز مسافرت کند و اگر در سفر باشد باید قصد کند

---

۱- امام خمینی (توضیح المسائل، ص۲۴۲، م۱۵۷۶-التعلیقه علی العروه الوثقی، ص۵۹۰، م۳۰) / بهجت (توضیح المسائل، م۱۲۸۴-وسیله النجاه، ص۳۳۲، م۱۱۹۴) /خامنه ای (اجوبه الاستفتائات، ص۱۶۰، س۷۶۷) . مکارم (توضیح المسائل، م۱۳۳۹) : احتیاط واجب است که روزه دار از استعمال آمپولی که به جای غذا یا دوا به کار می رود خودداری کند، ولی تزریق آمپولی که عضو را بی حس می کند اشکال ندارد- و می‌تواند جهت تزریق آن از مسجد خارج شود.

۲- .امام خمینی (التعلیقه علی العروه الوثقی، ص۵۶۵) /تبریزی (منهاج الصالحین، ج۱، ص۲۷۸) / سیستانی (منهاج الصالحین، ج۱، ص۳۳۲) /صافی (دفتر/هدایه العباد، ج۱، م۱۳۵۴) /فاضل (التعلیقه علی العروه الوثقی، ج۲، ص۴۵) /العروه الوثقی (ج۲، ص۲۱۴، شرائط صحه الصوم) . نوری (دفتر) : چنانچه در حضر (غیر سفر) نذر کند که روز معینی را در سفر روزه بگیرد، باید آنرا در سفر روزه بگیرد و نیز اگر نذر کند روز معینی را چه مسافر باشد یا نباشد، روزه بگیرد، باید آن روز را اگرچه مسافر باشد، روزه بگیرد. مسافر می‌تواند برای خواستن حاجت، سه روز در مدینه روزه مستحبی بگیرد و بنابراحتیاط واجب، آن سه روز، چهارشنبه، پنجشنبه و جمعه باشد.

۳- تبریزی: مثلًا نذر کرده باشد روز معیّنی را روزه بگیرد، بهتر آن است که تا ناچار نشود در آن روز مسافرت نکند. و اگر در سفر باشد چنانچه ممکن است قصد کند که ده روز در جایی بماند و آن روز را روزه بگیرد. ولی ظاهر آن است که سفر جایز است و قصد اقامه واجب نیست و در صورتی که روزه نگیرد لازم است روزهٔ آن روز را قضا کند. صافی: مثلًا نذر کرده باشد روز معینی را روزه بگیرد، بنا بر احتیاط مستحب تا ناچار نشود، در آن روز مسافرت نکند و اگر در سفر باشد چنانچه ممکن است بنا بر احتیاط مستحب قصد کند که ده روز در جایی بماند و آن روز را روزه بگیرد. فاضل: مثل این که نذر کند روز معینی را روزه بگیرد، می تواند در آن روز مسافرت نماید هم چنین است در تنگی وقت اگر قضاء ماه رمضان به عهده اش باشد. سیستانی: چنانچه به اجاره یا مانند آن واجب شده باشد یا روز سوم از روزهای اعتکاف باشد نمی تواند در آن روز

مسافرت کنـد و اگر در سـفر باشـد چنانچه ممکن است باید قصد کند که ده روز در جایی بماند و آن روز را روزه بگیرد ولی اگر روزۀ آن روز به نذر واجب شده باشد، ظاهر آن است که سـفر در آن روز جایز است و قصد اقامت واجب نیست، هر چند بهتر آن است که تا ناچار نشود مسافرت نکند و اگر در سـفر است قصد اقامت نماید ولی اگر به قسم یا عهد واجب شده باشـد بنا بر احتیاط واجب مسافرت نرود و اگر در سـفر بود قصـد اقامت کنـد. مکارم: بنا بر احتیاط واجب نبایـد در آن روز مسافرت کنـد، حتّی اگر در سـفر است بایـد در جایی قصدِ توقفِ ده روز کند و آن روز را روزه بگیرد. نوری: مثلًا نذر کرده باشد روز معینی را روزه بگیرد، بنـا بر احتیـاط واجب تـا ناچـار نشود، نمی توانـد در آن روز مسـافرت کنـد و اگر در سـفر باشـد چنانچه ممکن است باید بنا بر احتیاط لازم قصد کند که ده روز در جایی بماند و آن روز را روزه بگیرد

که ده روز در جایی بماند و آن روز را روزه بگیرد ولی اگر نذر کرده باشد روز معینی را روزه بگیرد می تواند در آن روز مسافرت نماید.(۱)

اگر نذر کند روزه(۲) بگیرد و روز آن را معین نکند، نمی تواند آن را در سفر به جا آورد. ولی چنانچه نذر کند که روز معینی را در سفر روزه بگیرد(۳) باید آن

---

۱- امام خمینی، بهجت، خامنه ای، نوری، تبریزی، فاضل، سیستانی، مکارم و صافی (توضیح المسائل محشی، ج ۱، ص ۹۵۱، م۱۷۱۶) .

۲- سیستانی: مستحبی.

۳- مکارم: یا نذر کند روز معینی را چه مسافر باشد چه نباشد روزه بگیرد، احتیاط واجب آن است که آن روز را اگر چه مسافر باشد روزه بگیرد. بهجت: مسافر نمی تواند در سفر روزه بگیرد، مگر این که روزه گرفتن در سفر را نذر کرده باشد، که در این صورت روزه گرفتن صحیح است، و بنا بر احتیاط واجب روزهٔ مستحبی را در سفر به نیت رجاء باید گرفت، مگر در مدینهٔ مشرفه که بنا بر روایت، مسافر می تواند برای برآورده شدن حاجت سه روز روزه بگیرد

را در سفر به جا آورد و نیز اگر نذر کند روز معینی را چه مسافر باشد یا نباشد، روزه بگیرد باید آن روز را اگر چه مسافر باشد، روزه بگیرد.(۱)

### ۶-۴-نذر روزه و اعتکاف در حین سفر

آیا در حین مسافرت می شود روزه [یا اعتکاف] در سفر را نذر کند؟

اگر قصد ده روز کنید، می‌توانید در اعتکاف شرکت کنید؛ ولی نذر روزه [یا اعتکاف] در حین مسافرت جایز نیست.(۲)

---

۱- امام خمینی، تبریزی، سیستانی، فاضل، صافی، مکارم، نوری (توضیح المسائل محشی، ج ۱، ص ۹۵۱، م۱۷۱۷) .

۲- امام خمینی،تبریزی، صافی و نوری (دفاتر-مناسک حج (محشی) ، ص۶۱۶، س۱۳۴۴) / مکارم (سایت) . بهجت (استفتائات، ج۲، ص۳۸۶) /خامنه ای و سیستانی (دفاتر-مناسک حج (محشی) ، ص ۶۱۶، س۱۳۴۴) : می‌توانید حتی در همان سفر نذر روزه کنید و در اعتکاف شرکت نمایید. مکارم (استفتائات جدید، ج ۲، ص ۱۶۲، س۴۷۵و۴۸۲/اعتکاف عبادتی کامل، ص۱۰۷) : اشکال دارد و بدون قصد ده روز نمی‌توان در سفر معتکف شد ولی اگر نذر کرد، احتیاط آن است که به نذرش عمل کند. فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص۴۸) : بنابر احتیاط نمی‌توان در غیر وطن، نذر روزه در سفر را کرد.

مسافری که در شهرش نذر اعتکاف یا نذر روزه در ایّام البیض را نکرده است، آیا می تواند در حال مسافرت نیّت کند؟ چنین شخصی چگونه در شهر دیگر می تواند معتکف شود؟

خیر، بنابر احتیاط نمی تواند در غیر وطن نذر روزه در سفر را بکند ولی می تواند با اقامت ده روز معتکف شود.(۱)

شخصی برای درک فضیلت اعتکاف در مشهد مقدّس بعد از رسیدن به مشهد بدون قصد اقامت، نذر کرده سه روز روزه بگیرد آیا چنین نذری صحیح است؟ صحیح نیست.(۲)

### ۷-۴-روزه قضا در سفر

مسافری که نیّت نذر اعتکاف کرده است، آیا می تواند روزه های اعتکاف را به نیّت روزه های قضای ماه مبارک رمضان بگیرد؟ خیر. اگر [در وطن] نذر کنند در سفر روزه بگیرند، روزه صحیح است ولی قضاء محسوب نمی شود.(۳)

### ۸-۴-اعتکاف در سفر

#### اشاره

آیا می توان برای شرکت در مراسم اعتکاف به شهر دیگری که بیش از چهار فرسخ با ما فاصله دارد مسافرت کرد و اعتکاف در صورت سفر، صحیح است؟ اگر قصد اقامت ده روز و یا نذر روزه در سفر نباشد، روزه در سفر صحیح نیست و با عدم صحّت روزه، اعتکاف هم صحیح نیست.(۴)

---

۱- صافی (دفتر) /فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص۴۸) .

۲- صافی (دفتر) .

۳- امام خمینی (استفتائات، ج۱، ص۳۲۱) /فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص۴۷) .

۴- خامنه ای (استفتائات) .

حکم اعتکاف مسافر در مساجد مدینه، کوفه، مسجدالحرام، سهله و مشاهد مشرفه بدون نذر روزه و قصد اقامت چیست؟ در هر مکانی که روزه صحیح نیست، اعتکاف هم صحیح نیست.(۱)

آیا مسافر می تواند معتکف شود؟ اگر بتواند روزه بگیرد مثلاً روزه در سفر را نذر کرده باشد یا در مدینه که جایز است، مسافر برای طلب حاجت سه روز روزه بگیرد، اعتکافش مانعی ندارد.(۲)

من علاقه زیادی دارم که در مراسم اعتکاف در مرکز استان شرکت کنم ولی چون در شهرستان زندگی می کنم و اگر بخواهم به مرکز استان بروم باید نماز خود را شکسته بخوانم، آیا از این نظر مشکلی نخواهم داشت؟ کسی که بخواهد در سفر معتکف شود، می تواند نذر کند که در سفر روزه بگیرد و می تواند اعتکاف نماید.(۳)

اگر کسی بخواهد در خارج از شهر خود اعتکاف کند، برای مثال در مکّه مکرمه و از ساکنین مکّه نباشد و قصد ده روز هم نکند، آیا نذر کافی است و صیغه آن چیست؟ نذر روزه در سفر مانعی ندارد و با این نذر، روزه و اعتکافش

---

۱- صافی (دفتر) .

۲- بهجت (استفتائات، ج۲، ص۴۴۱، م۳۱۲۹/دفتر) /تبریزی (رساله احکام بانوان، ص۱۷۹، م۲۸۰) /خامنه ای (دفتر) /نوری (دفتر) مکارم (استفتائات جدید، ج ۲، ص۱۶۱س۴۷۵/اعتکاف عبادتی کامل، ص۱۰۷) : در صورتی که قصد ده روز کند مانعی ندارد، در غیر این صورت اشکال دارد. صافی (دفتر) : اگر بتواند روزه بگیرد مثلاً روزه در سفر را نذر کرده باشد یا در مدینه که جایز است، مسافر برای طلب حاجت سه روز روزه بگیرد، اعتکافش مانعی ندارد.

۳- خامنه ای.

صحیح است ولی احتیاط آن است که نـذر، قبل از شروع مسافرت باشد و صیغه آن عبارت است از «لِلّهِ عَلَیَّ اَن اَصُومَ فِی سَفَری الی کذا».(۱)

کسی که نـذر کنـد سه روز را روزه بگیرد می توانـد با همین نیّت در شهر دیگری اعتکاف کند و قصد ده روز را نکند؟ اگر نذر کند سه روز در سفر روزه بگیرد، مانعی ندارد.(۲)

شخصی نذر کرده سه روز روزه مستحبی در سفر بگیرد، آیا می تواند درمکّه یا مشهد وغیر آن که مسافر است، اعتکاف کند و سه روز روزه نذری را بگیرد؟ بلی، اگر در وطن نذر کرده که در سفر سه روز روزه بگیرد، می تواند در سفر، در هر شهری که مسجد جامع وجود دارد، اعتکاف کند و روزه ها را بگیرد.(۳)

کسی که نذر اعتکاف کند، می تواند با همین نیّت در شهر دیگری اعتکاف کند و قصد ده روز را نکند؟

اگر نذر کند سه روز در سفر روزه بگیرد، مانعی ندارد.(۴)

آیا کسی می تواند نذر کند که در شهری دیگر معتکف شود؟

مانعی ندارد (باید روزه اش در آنجا صحیح باشد و نذر اعتکاف در شهر دیگر، نذر روزه نیست).(۵)

---

۱- خامنه ای (سایت) .

۲- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص۴۸) .

۳- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۵۰) .

۴- .فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص۴۸) .

۵- تبریزی (رساله احکام بانوان، ص۱۷۹، م۲۸۱) /مکارم (استفتائات جدید، ج ۲، ص ۱۵۸) /نوری (دفتر)

معلّمی که فقط نه ماه تحصیلی کار می کند و محل کارش شیراز است، آیا می تواند در فصل تعطیلی کار در شیراز، اعتکاف کند یا حکم مسافر را دارد؟

اگر در کمتر از هر ده روز، یک سفر دارد، مانعی ندارد و گرنه قصد اقامت ده روز، لازم است.(۱)

آیا در سفر حرام می‌توان اعتکاف کرد؟ با تحقق اعتکاف به قصد قربت و حصول سایر شرایط اعتکاف صحیح است.(۲)

شخصی نذر کرده در ایّام البیض ماه رجب، در مسجد مقدّس جمکران معتکف شود و نذر کرده در فرض مسافرت، روزه هم بگیرد. آیا نذرش منعقد است؟ آیا اعتکاف او صحیح است، هرچند مسافر باشد؟

در فرض سوال، اعتکاف صحیح است.(۳)

### ۱-۸-۴-احکام اعتکاف در مسجدالحرام و مسجدالنبی صلی الله علیه و آله و سلم

خروج معتکف از مسجدالحرام، جهت نماز جماعت، در مکّه جایز است.(۴)

---

۱- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص۴۶) .

۲- صافی (دفتر) . نوری (هزار و یک مساله فقهی، ج۲، ص۹۶، م۲۷۵) : بلی می‌توان.

۳- صافی (دفتر) . مکارم (استفتائات جدید، ج۲، ص۱۶۲) : خالی از اشکال نیست ولی احتیاط آن است که به این نـذر عمل کند.

۴- امـام خمینی (ترجمه تحریرالوسـیله، ج۱، ص۳۴۸) . سیسـتانی (دفتر) : فردی که در مکّه معتکف شـده باشـد می‌توانـد برای نماز جماعت یا فرادا، از مسـجد خارج شود و در هر جای مکّه که می‌خواهـد نماز بخوانـد. صافی (هدایه العباد، ج۱، ص۲۳۹، م۱۴۱۲) : و جایز است در خانه خود نیز نماز گذارد چرا که مکّه تماماً حرم الله است.

اگر معتکف در مسجد النبی صلی الله علیه و آله و سلم و مسجد الحرام جُنُب شود باید با تیمّم خارج شود و نمی‌توان در آنجا غسل جنابت به جا آورد.(۱)

بسیاری از زائران خانهٔ خدا خواهان اعتکاف در مسجد الحرام هستند. با توجّه به فرصت معنوی و تأثیر فراوان روحی و روانی آن و لزوم روزه جهت اعتکاف، آیا می توانند پس از حضور در مکهٔ با نذر، به اعتکاف بپردازند؟ می‌توانند برای روزه نذر کنند و در این صورت اعتکاف مانع ندارد.(۲)

فردی قصد اعتکاف در مسجدالحرام را دارد، آیا می تواند قبل از اذان صبح در تنعیم مُحرم شود و بقیهٔ اعمال را در حال اعتکاف انجام دهد، با توجّه به اینکه محل سعی جزو مسجد نیست؟

می تواند مُحرم شود و خروج از مسجد برای انجام سعی، مانع ندارد.(۳)

---

۱- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ج۱، ص۴۷) /بهجت (استفتائات، ج ۲، ص۴۵۰، م۳۱۶۶) امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ج۱، ص۴۷) : مگر آن که زمان خروج، کوتاه تر یا مساوی زمان توقف برای تیمّم باشد، که در این صورت بنابر اقوی باید بدون تیمّم خارج شود.

۲- (مناسک حج (محشی) ، ص ۶۱۶، س۱۳۴۴) . بهجت (استفتائات، ج۲، ص۳۸۶/دفتر) : مانعی ندارد. خامنه ای: می‌توانند برای روزه نذر کنند و در این صورت اعتکاف مانع ندارد. تبریزی: چنانچه نذر روزه در مکّه نماید تا روزه در سفر صحیح باشد، می‌توان معتکف شود. سیستانی: اگر نذر کنند که در سفر روزه بگیرند، اشکال ندارد. صافی: صحت نذر روزه بعد از ورود به مکهٔ مکرمه مورد اشکال است. فاضل: ظاهر آن است که صحّت روزه در سفر با نذر در وطن محقّق می شود. مکارم: بدونِ نیّت اقامهٔ ده روز روزه گرفتن و اعتکاف کردن، اشکال دارد. نوری: نمی توانند مگر این که در وطن، نذر روزه کرده باشند.

۳- (مناسک حج (محشی) ، ص ۶۱۶، س۱۳۴۵) . بهجت (دفتر) /خامنه ای/مکارم (استفتاءات جدید، ج ۲، ص ۱۶۴، س۴۹۵) سیستانی: می تواند ولی لازم است اعمال را تا زمانی تأخیر بیاندازد که سعی او پس از پایان اعتکاف باشد، ولی چنانچه صبر کردن تا آن موقع سخت باشد می تواند از عنوان حاجت ضروری استفاده نماید و از مسجد جهت انجام سعی خارج شود. صافی: احرام او صحیح است و خروج از مسجد برای سعی مضرّ به اعتکاف نیست و اگر احتیاط نماید و اعمال عمره را بعد از اعتکاف بجا آورد بهتر است. فاضل: مانعی ندارد لکن سعی نماید تا عمل سعی را زودتر به پایان رساند.

روزه روز سوم ایام اعتکاف در مسجد الحرام، چه حکمی دارد؟

اگر مسافر باشد و قصد اقامت ده روز در مکه نماید و یا نذر کرده باشد که در سفر روزه بگیرد، بر او واجب است بعد از اینکه دو روز روزه گرفت، اعتکاف خود را با روزه روز سوم کامل کند ولی اگر قصد اقامت و یا نذر روزه در سفر نکرده باشد، روزه او در سفر صحیح نیست و با عدم صحّتِ روزه، اعتکاف هم صحیح نیست.(۱)

## ۵-مدّت اعتکاف

### اشاره

۵-مدّت اعتکاف(۲)

---

۱- خامنه ای (اجوبه الاستفتائات، ص۱۷۳، س۸۳۳/سایت) .

۲- روایات: امام صادق علیه السلام: «دوره اعتکاف، کمتر از سه روز نخواهد بود و هرکس معتکف شود، باید روزه بگیرد». (الاستبصار، ج۲، ص۱۲۸/کافی (ط-اسلامیه) ، ج۴، ص۱۷۷) امام صادق علیه السلام: «هرکس سه روز اعتکاف کرد، [روز چهارم] می‌تواند از مسجد خارج شود ولی اگر دو روز دیگر [بعد از آن سه روز] باقی ماند، دیگر از مسجد خارج نشود تا اینکه سه روز دیگر را کامل کند». (کافی (ط-اسلامیه) ، ج۴، ص۱۷۸/وسائل الشیعه (ط-آل البیت) ، ج۱۰، ص۵۴۴) امام صادق علیه السلام: «هرگاه شخص یک روز اعتکاف کند، حتی اگر شرط نکرده باشد، می‌تواند از مسجد خارج شود و قطع اعتکاف کند و اگر دو روز بماند و شرط نکرده باشد، نمی‌تواند، خارج شود و اعتکاف را فسخ کند تا اینکه سه روز را تمام کند». (الاستبصار، ج۲، ص۱۲۹/کافی (ط-اسلامیه) ، ج۴، ص۱۷۷)

اعتکاف نباید کمتر از سه روز پیوسته با شب های مابین باشد اما بیشتر از سه روز مانعی ندارد [گرچه آن زیاده، قسمتی از یک روز یا قسمتی از یک شب باشد](۱) و حداکثر ندارد. اگر کسی کمتر از سه روز و دو شب مابین آنها را برای اعتکاف نیّت کند یا حضور یابد اعتکاف باطل است[مثلا نذر کند سه روز بدون شب ها معتکف شود].(۲) بعد از هر دو روز، سومین روز آن واجب است؛ مثلا اگر پنج روز اعتکاف کند، روز ششم واجب است.(۳)

باید روزهای اعتکاف متصل باشد و دو شب وسط در اعتکاف داخل است. اگر کسی نذر کند سه روز منفصل و یا بدون شب های وسط معتکف شود، نذرش باطل است. اگر نذر کند یک روز یا دو روز را به شرط آنکه زیادتر نشود، معتکف شود، نذرش باطل است؛ البته اگر مقیّد نکند که زیادتر از یک یا دو

---

۱- امام خمینی (التعلیقه علی العروه الوثقی، ص۵۸۶) : اینکه آن زیاده، قسمتی از یک روز یا قسمتی از یک شب باشد، جای تردید است.

۲- مکارم (استفتائات جدید، ج ۲، ص۱۶۲، س۴۷۸) /نوری (هزار و یک مساله فقهی، ج۲، ص۹۵، م۲۶۸) : و اعتکاف بیش از سه روز هم جایز است، ولی هر گاه دو روز اضافه کند، بنابر احتیاط واجب روز سوّم را هم بر آن بیفزاید. ولی بخشی از یک روز یا بخشی از یک شب اشکال دارد. بهجت (وسیله النجاه، ص ۳۳۱/جامع المسائل، ج ۲، ص ۳۹/دفتر) /صافی (استفتائات، ج۲، ص۲۳۷/دفتر) : و اگر پنج روز اعتکاف کند، روز ششم واجب است علی الاقوی و بنابر احتیاط مستحب اگر هشت روز اعتکاف کند، روز نهم واجب می‌شود.

۳- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ج۱، ص۳۴۶) /خامنه ای (سایت) /سیستانی (منهاج الصالحین، ج۱، ص ۳۴۱/دفتر) /تبریزی (منهاج الصالحین، ج۱، ص۲۹۳) /فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص۱۴)

روز نباشد، صحیح است و واجب است یک روز یا دو روز را بر آنچه نذر کرده، بیفزاید.(۱)

### ۱-۵-اعتکاف ناپیوسته

آیا در تحقق اعتکاف، سه روز ناپیوسته کافی است؟

کافی نیست.(۲)

### ۲-۵-شروع اعتکاف پس از طلوع فجر

اگر شخصی بعد از طلوع فجر و لو با چند دقیقه تاخیر به مسجد برسد، آن روز جزو اعتکاف به حساب نمی آید. چنانچه قبل از مغرب روز سوم، اعتکاف را قطع کند، افزون بر آن که کار حرامی کرده، اعتکاف نیز باطل است [مگر آنکه شرط رجوع گذاشته باشد].(۳)

### ۳-۵-محدوده روز در اعتکاف

منظور از روز در اعتکاف چیست؟

از اوّل طلوع فجر[هنگام اذان صبح] تا مغرب [برطرف شدن سرخی طرف مشرق که بعد از غروب آفتاب پدید می‌آید که عرفاً مغرب گفته می شود] است.(۴)

---

۱- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ج۱، ص۳۴۷) /بهجت (وسیله النجاه، ص ۳۳۳/جامع المسائل، ج۲، ص۴۵و۴۶) /صافی (استفتائات، ج۲، ص۲۳۸/دفتر)

۲- مکارم (استفتائات، ج۲، ص۱۶۲)

۳- خامنه‌ای (سایت) .

۴- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ج۱، ص ۳۴۶) /تبریزی (استفتائات جدید، ج۱، ص۱۵۴، م۷۴۲) / خامنه ای (سایت/دفتر) /صافی (استفتائات، ج۲، ص۲۳۷) /فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص۱۷) / نوری (دفتر) . بهجت (استفتائات، ج ۲، ص۴۴۲) /مکارم (استفتائات جدید، ج۲ص۱۶۲) : روز، از اوّل طلوع فجر تا غروب آفتاب است. سیستانی (دفتر) : روز، از اول طلوع فجر تا بنابر احتیاط واجب مغرب است. مکارم (استفتائات جدید، ج ۲، ص۱۶۲، س۴۷۹/اعتکاف عبادتی کامل، ص۷۵) : روز، از اوّل طلوع فجر تا غروب آفتاب است و احتیاط است که تا اذان مغرب محاسبه شود.

## ۴-۵-اضافه نمودن بخشی از روز به اعتکاف

داخل کردن شب اوّل و شب چهارم در اعتکاف لازم نیست، هر چند جایز است.(۱)

اعتکاف بیشتر از سه روز، به صورتی که آن زیاده، بخشی از یک روز یا شب باشد، چه حکمی دارد؟

مانعی ندارد.(۲)

اگر نـذر کنـد که روز رسـیدن فلانی اعتکاف کنـد، نـذر او باطل است- اگرچه بنا براحتیاط، روزی که احتمال ورود او را می دهـد، معتکف شود و اگر آمـد، بایـد اعتکاف آن روز را تمام کنـد و دو روز دیگر به آن ضـمیمه کند و رجائاً معتکف شود- مگر اینکه بداند او قبل از طلوع فجر می رسد. اگر نذر کند روز

---

۱- امـام خمینی (ترجمـه تحریرالوسـیله، ج۱، ص ۳۴۶) /بهجـت (وسـیله النجـاه، ص ۳۳۱) /صافی (اسـتفتائات، ج۲، ص۲۳۷) /مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص۷۵) .

۲- امام خمینی (التعلیقه علی العروه الوثقی، ص۵۸۶) : اگرچه جای تردید است. تبریزی (رساله احکام بانوان، ص ۱۸۰، م۲۸۳) بهجت (استفتائات، ج ۲، ص۴۴۱/سایت) : در جایی که اعتکاف سه روز باشد، صـحت تلفیق، محل تامّل و اشکال است و اگر بیشتر باشد و از اوّل نیّت آن را داشته است، تلفیق جایز است. مکارم (استفتائات جدید، ج ۲، ص۱۶۲، س۴۷۸) : ولی بخشی از یک روز یا بخشی از یک شب اشکال دارد.

بعد از رسیدن فلانی، اعتکاف کند، نذر او صحیح است و واجب است دو روز دیگر بر آن ضمیمه کند.(۱)

معتکفی که یک ساعت قبل از اذان مغرب برایش کار ضروری پیش می آید و باید از مسجد خارج شود، اگر در هنگام اذان مغرب روز سوّم در مسجد نباشد، آیا اعتکاف او صحیح است؟

اگر مجوّز خروج داشته باشد، مانعی ندارد.(۲)

معتکفی که یک ساعت قبل از اذان مغرب برایش کار ضروری پیش می آید و حدود ۵ یا ۱۰دقیقه قبل از اذان روز سوّم کار او تمام شود، آیا باید خود را به مسجد برساند؟

بلی.(۳)

### ۵-۵-اعتکاف به صورت تلفیقی

اینکه اعتکاف سه روز بطور تلفیق باشد، یعنی مثلاً از ظهر روز اوّل شروع کند تا ظهر روز چهارم، اشکال دارد.(۴)

---

۱- امام خمینی (التعلیقه علی العروه الوثقی، ص۵۸۸) . نوری (دفتر) : نذر او صحیح است. باید روزهایی که احتمال ورود فلانی را می‌دهد معتکف شود و در روزی که فلانی آمد باید اعتکاف آن روز را تمام کند و دو روز دیگر به آن ضمیمه کند.

۲- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص۵۴) .

۳- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص۵۴) .

۴- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ج۱، ص ۳۴۶) /بهجت (استفتائات، ج ۲، ص۴۴۲/وسیله النجاه، ص۳۳۱/دفتر) /خامنه ای (سایت) /سیستانی (دفتر) /صافی (هدایهالعباد، ج۱، ص۲۳۷) /مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص۱۰۸) /نوری (حاشیه العروه الوثقی) /العروه الوثقی (ج۲، ص۲۴۸) .

اگر معتکف نیّت چهار روز اعتکاف کند، آیا روز چهارم هم جزو اعتکاف است یا اینکه باید شش روز را تکمیل کند تا روز چهارم به حساب آید؟

روز چهارم داخل در اعتکاف نیست ولی اگر پنج روز اعتکاف کند واجب است روز ششم را کامل کند.(۱)

### ۶-۵-اعتکاف یک ماهه

کسی که نذر کند به مقدار یک ماه معتکف شود، جایز است متفرق، معتکف شود یعنی سه روز، سه روز، معتکف شود مگر اینکه نذر یک ماه بین الهلالین کرده باشد که در این صورت، پی در پی بودن واجب است.(۲)

اگر نذر کند یک ماه اعتکاف کند همین که بین هلال ماه اوّل و دوّم را اعتکاف کند کافی است، اگرچه ماه، ناقص[بیست و نه روز] باشد ولی اگر کمتر بود،(۳) بنابر احتیاط واجب باید یک روز به آن اضافه کند[تا اعتکافش سه روز، سه روز صحیح باشد].(۴)

---

۱- خامنه ای (سایت) .

۲- امام خمینی (التعلیقه علی العروه الوثقی، ج۲، ص۵۸۸) ، بهجت (استفتاءات، ج ۲ ص ۴۴۸/جامع المسائل، ج ۲، ص ۴۷) /العروه الوثقی (ج۲، ص۲۵۲) .

۳- بهجت (استفتائات، ج ۲، ص ۴۴۸/جامع المسائل، ج ۲، ص ۴۷/دفتر) : لازم نیست یک روز به آن اضافه کند، هرچند احوط است.

۴- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ج۱، ص۳۴۷/التعلیقه علی العروه الوثقی، ج۲، ص۵۸۸) / صافی (استفتائات، ج۲، ص۲۳۸) . مکارم (استفتائات جدید، ج ۲، ص۱۶۳، س۴۸۶) : با تمام شدن ماه وظیفه تمام می‌شود.

اگر کسی نذر کند سه روز یا بیشتر معتکف شود داخل کردن شب اوّل در اعتکاف واجب نیست، برخلاف اینکه اگر نذر کند یک ماه را معتکف شود، شب اوّل هم جزو همان یک ماه است.(۱)

اگر کسی نذر کند به مقدار یک ماه معتکف شود، آیا می‌تواند

اعتکاف های یک روزه به طور متفرق بگیرد؟

می‌تواند ده اعتکاف سه روزه، به طور متفرق انجام دهد و چنانچه نذر کند سی اعتکاف ایجاد کند باید سی بار یک روزه معتکف شود و به هر یک از آن روزها دو روز دیگرضمیمه کند که مجموع ایام اعتکاف نود روز می‌شود.(۲)

اگر کسی نذر کند ماه شعبان را از اول تا آخر معتکف شود اما به دلیل ابری بودن یا محبوس بودن، ابتدا و انتهای ماه راتشخیص ندهد، تکلیف چیست؟

روزی را که شک دارد که آخر ماه رجب است یا اول ماه شعبان بنا می‌گذارد بر این که از ماه رجب است و اعتکاف آن روز لازم نیست و روزی را که شک دارد آخر ماه شعبان است یا اول ماه رمضان بنا می‌گذارد بر اینکه آخر ماه شعبان است و باید آن روز را هم معتکف شود.(۳)

## ۶-حضور در مسجد جامع

### اشاره

۶-حضور در مسجد جامع(۴)

احتیاط مستحب است که اعتکاف در یکی از مساجد چهارگانه (مسجد الحرام، مسجد النبی، مسجد کوفه و مسجد

---

۱- امام خمینی (التعلیقه علی العروه الوثقی، ص۵۸۸) /بهجت (استفتائات، ج ۲، ص ۴۴۸، م۳۱۵۸/جامع المسائل، ج۲، ص۴۶) /نوری (دفتر) مکارم (استفتائات جدید، ج ۲، ص۱۶۳س۴۸۵) : شب اول جزو اعتکاف نیست.

۲- امام خمینی (التعلیقه علی العروه الوثقی، ص۵۸۸) /نوری (دفتر) .

۳- نوری (دفتر) .

۴- روایات: امام صادق علیه السلام: «اعتکاف نیست مگر با روزه در مسجد جامع». (کافی (ط-اسلامیه) ، ج۴، ص۱۷۶) امام صادق علیه السلام: «اعتکاف تنها در مسجد الحرام و مسجد النبی صلی الله علیه و آله و سلم و مسجد جامع جایز است». ( وسائل الشیعه (ط-آل البیت) ، ج۱۰، ص۵۴۱/بحارالانوار (ط-بیروت) ، ج۹۴، ص۱۲۸) امام صادق علیه السلام: «جز مسجدالحرام، مسجد النبی صلی الله علیه و آله و سلم و مسجد کوفه و مسجد جامع را محلّ اعتکاف نمی دانم». (مستدرک الوسائل، ج۷، ص۵۶۲) به امام صادق علیه السلام عرض شد که نظر شما درباره اعتکاف در یکی از مساجد بغداد، چیست؟

فرمودنـد: «جز در مسـجد جامعی که امام عادلی در آنجا اقامه جماعت کرده باشد، اعتکاف مکن و باکی نیست که در مسـجد کـوفه و بصـره و مسـجد مـدینه و مسـجد مکّه اعتکـاف کنی». (من لایحضـره الفقیه، ج۲، ص۱۸۴/کافی (ط-اسـلامیه) ، ج۴، ص۱۷۶) .[مبحث عدالت امام جماعت مسجد جامع، شاید به خاطر مسایل سیاسی و حاکم جبار آن دوره بوده است].

بصره)باشد. اعتکاف(۱)در مسجد جامع شهر صحیح است و اعتکاف در سایر مساجد، مثل مسجد بازار صحیح(۲) نیست. اگر مسجد جامع در شهری متعدد باشد، میتوان یکی از آنها را انتخاب نمود. یک اعتکاف در دو مسجد، جایز نیست(۳)

---

۱- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ج۱، ص۳۴۶/نجاه العباد، ص۱۷۰) : بنابر احتیاط واجب رجائاً.

۲- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ج۱، ص۳۴۶) : جائز.

۳- امام خمینی (تحریرالوسیله، ج۱، ص۳۴۶/نجاه العباد ص۱۷۰) /بهجت (استفتائات، ج ۲، ص۴۴۲و۴۴۳/وسیله النجاه، ج۱، ص۳۳۱/جامع المسائل، ج ۲، ص ۳۹) /تبریزی (استفتائات جدید، ج۱، ص۱۵۴) /سیستانی (منهاج الصالحین، ج۱، ص۳۴۳) /صافی (استفتائات، ج۲، ص۲۳۷/دفتر) /فاضل (العروه الوثقی، ج۲، ص۷۲/اعتکاف و احکام آن، ص۱۶) /مکارم (استفتائات جدید، ج۲، ص۱۵۸) /نوری (هزار و یک مسأله فقهی، ج۲، ص۹۶، س ۲۷۰) /العروه الوثقی (ج۲، ص۲۴۸) خامنه‌ای (سایت) : از مساجد نیز فقط مسجدالحرام، مسجدالنبی، مسجد کوفه و مسجد بصره را برای اعتکاف برگزینند؛ و در غیر این صورت در هر مسجدی به قصد رجاء مانعی ندارد. اعتکاف در هر مسجدی حتی غیر از مسجدهای چهارگانه تا هنگامی که بر آن مکان اسم مسجد صدق کند، جایز است، مشروط بر این که به قصد رجا باشد یعنی به امید این که مطلوب خداوند واقع شود و مختص به مسجد جامع نیست. سیستانی (دفتر) : مشروعیت اعتکاف در غیر مسجد جامع ثابت نیست بلکه آنچه از ظاهر روایات معتبر فهمیده می‌شود اختصاص اعتکاف مشروع به مسجد جامع می‌باشد لکن چون ادله قطعی و یقین آور نیست لذا اعتکاف در سایر مساجد، غیر مسجد جامع رجائاً و بدون قصد ورود، اشکال ندارد امّا اعتکاف در جایی که مسجد نیست مثلا حسینیه یا فقط نمازخانه است صحیح نیست. فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص۳۹) : و در صورتی که در مسجد جامع شهر جا نباشد در سایر مساجدی که سه وعده نماز جماعت با جمعیت معتنابه خوانده می شود می توان به قصد رجاء معتکف شد.

### ۱-۶-تعدّد مساجد جامع

اگر مسجد جامع در شهر متعدد باشد، حکم اعتکاف چیست؟ در صورت تعدّد، اختیار دارد در هر یک از آن مساجد اعتکاف نماید.(۱)

آیا در مسجد جامع روستا اعتکاف صحیح است هر چند روستاها به هم نزدیک باشند؟

اعتکاف باید در مسجد جامع باشد و در مساجد جامع روستا هم صحیح است و لو روستاها به هم نزدیک باشند.(۲)

### ۲-۶-غیر عادل بودن امام جماعت مسجد جامع

---

۱- امـام خمینی (التعلیقـه علی العروه الـوثقی، ج۲، ص۵۸۶) /خـامنه ای (دفـتر) /بهجـت (اسـتفتائات، ج ۲، ص۴۴۳) /تبریزی (اسـتفتائات جدید، ج۱، ص۱۵۴) /سیسـتانی (منهـاج الصالحین، ج۱، ص۳۴۱) / صـافی (هـدایهالعباد، ج۱، ص۲۳۶) /فاضل (التعلیقـه علی العروه الـوثقی، ج۲، ص۷۲/اعتکـاف و احکـام آن، ص۱۶) /مکارم (اسـتفتائات جدیـد، ج۲، ص۱۵۹/اعتکاف عبادتی کامل، ص۱۱۲) /نـوری (التعلیقه علی العروه الـوثقی، ج۲، الاعتکـاف،السادس) /العروه الوثقی (ج۲، ص۲۴۸) . فاضل (اعتکـاف و احکام آن، ص۱۶) : ولی انتخـاب آنکه بیشتر محـل عبـادت مردم بـاتقوا و باورع است و یا جمعیت نماز جماعتش زیادتر است، رجحان دارد.
۲- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص۳۶) .

اگر امام جماعت مسجد جامع عادل نباشد، اعتکاف در آنجا جایز نیست؟ خیر، عدالت امام جماعت مسجد در صحت اعتکاف شرط نیست.(۱)

### ۳-۶-اعتکاف در غیر مسجد جامع

آیا اعتکاف در غیر مسجد جامع، مثل نمازخانه ها رجائاً اشکال دارد؟

جایز نیست.(۲) (به صفحه ۹۴ و پاورقی آن مراجعه شود.)

اعتکاف در مساجد دانشگاه های کشور چه حکمی دارد؟

در صورتی که گروه های خارج از دانشگاه هم برای اقامه نماز از مناطق مختلف به مسجد دانشگاه می‌آیند، اعتکاف در آن جایز است.(۳)

اعتکاف در مساجد دانشگاه هایی که در ایّام تعطیلی نماز جماعت آن تعطیل است، چه حکمی دارد؟

هرگاه چند ماه نماز جماعت درآن تعطیل شود، اعتکاف درآن اشکال دارد.(۴)

---

۱- خامنه ای (سایت/دفتر) . سیستانی (منهاج الصالحین، ج۱، ص۳۴۳/دفتر) : در زمانی که امامت مسجد جامع اختصاص به فرد غیر عادل داشته باشد، بنابر احتیاط واجب اعتکاف در آن صحیح نیست.

۲- امام خمینی (تحریرالوسیله، ج۱، ص۳۴۶، نجاه العباد، ص ۱۷۰) /بهجت (استفتائات، ج ۲، ص۴۴۲و۴۴۳/ وسیله النجاه، ج۱، ص۳۳۱/جامع المسائل، ج ۲، ص ۳۹) /تبریزی (استفتائات جدید، ج۱، ص۱۵۴) / صافی (استفتائات، ج۲، ص۲۳۷/دفتر) /فاضل (العروه الوثقی، ج۲، ص۷۲/اعتکاف و احکام آن، ص۱۶) / مکارم (استفتائات جدید، ج۲، ص۱۵۸) / العروه الوثقی (ج۲، ص۲۴۸) .

۳- مکارم (استفتائات جدید، ج۲، ص۱۵۸، س۴۵۷) . بهجت (استفتائات، ج۲، ص۴۴۳) /صافی (دفتر) : صحیح نیست و مسجد جامع شهر به حساب نمی آید

۴- مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص۱۱۲) .

نظر به استقبال کم نظیر اقشار مختلف و آثار و برکات معنوی و تربیتی اعتکاف و ظرفیّت محدود مساجد، آیا می‌توان به حکم ضرورت در دیگر مساجد چون مسجد محل، بازار و دانشگاه ها اعتکاف را برگزار نمود؟

خیر، اعتکاف را در سایر ایّام سال مثل ماه رمضان برگزار کنید. در صورتی که در مسجد جامع شهر جا نباشد در سایر مساجدی که سه وعده نماز جماعت با جمعیت معتنابه خوانده می شود می‌توان به قصد رجاء معتکف شد.(۱)

آیا بنا بر اضطرار و عدم ظرفیّت مساجد شهر می‌توان در مصلّای شهر که محل اقامه نماز جمعه می‌باشد، اعتکاف را برگزار نمود؟

خیر، اعتکاف را در سایر ایّام سال مثل ماه رمضان برگزار کنید.(۲)

حکم اعتکاف در صورتی که مسجد جامع را برای تجدید بنا خراب کنند و یا جا برای اعتکاف در مسجد جامع نباشد چیست؟

اعتکاف در مساجد دیگر که در سال حداقل یکی دو بار اهالی شهر در آن نماز می خوانند مانعی ندارد، و اعتکاف در حسینیه صحیح نیست.(۳)

با توجّه به استقبال زیاد مشتاقین به اعتکاف و عدم ظرفیت مساجد جامع برای انجام این امر، نظر حضرتعالی در مورد اعتکاف در سایر مساجد چیست؟ اعتکاف باید در مسجد جامع باشد. در تمام مساجد معروف شهر که به طور مرتب در آن اقامه جماعت می شود، اعتکاف جایز است.(۴)

آیا در تهران بزرگ، در مسجد جامع هر محلّه، می‌توان اعتکاف کرد؟

---

۱- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص۳۹) .

۲- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۴۰) .

۳- تبریزی (استفتائات جدید، ج ۲، ص ۱۴۰) .

۴- مکارم (اعتکاف عبادتی کامل،ص۱۱۱و۱۱۴/سایت) .

یکی از شرایط صحت اعتکاف این است که در مسجد جامع باشد لذا در مسجد بازار و محله، اعتکاف صحیح نیست مگر صدق کند که مسجد جامع است. در صورتی که در مسجد جامع شهر جا نباشد در سایر مساجدی که سه وعده نماز جماعت باجمعیت معتنابه خوانده می‌شود،می توان به قصد رجاء معتکف شد.(۱)

در لزوم رعایت مکان اعتکاف، فرقی بین مرد و زن نیست و زنان نمی‌توانند در خانه و مسجد محل خود اعتکاف کنند.(۲)

### ۴-۶-اعتکاف در غیر مسجد

اگر منطقه ای دارای مسجد نباشد، آیا امکان برگزاری اعتکاف درمکان های دیگری چون حسینیّه، زینبیّه و یا مهدیّه وجود دارد؟ خیر، جایز نیست.(۳)

آیا اعتکاف در جوار مرقد امام رضا علیه السلام و نیز امامزاده ها صحیح می‌باشد؟ صحیح نیست.(۴)

اعتکاف شیعه، در عبادتگاه های دیگر اهل کتاب یا مسجد مخالف، چه حکمی دارد؟

اعتکاف درعبادتگاه اهل کتاب صحیح نیست و امّا در مسجد جامع اهل تسنّن صحیح است.(۵)

### ۵-۶-تعریف مسجد جامع

#### اشاره

---

۱- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص۳۷/جامع المسائل فارسی، ج ۱، ص ۱۶۰) . صافی (دفتر) : اگر خصوصیات مسجد جامع را داشته باشد، می‌توان اعتکاف کرد.

۲- امام خمینی (التعلیقه علی العروه الوثقی، ص۵۹۰، م۲۶) /بهجت (جامع المسائل، ج ۲، ص ۴۹) /العروه الوثقی (ج۲، الاعتکاف، م۲۶) .

۳- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص۴۰) .

۴- خامنه ای (سایت) .

۵- صافی (دفتر) .

مسجد جامع مسجدی است که در شهر برای اجتماع همه اهل شهر بنا شده است، بدون اینکه اختصاص به گروه و قشر خاصی داشته باشد و قشرهای مختلف شهر در آن شرکت دارند [بر خلاف مسجد محل و مسجد بازار که قشر خاصّی در آن شرکت می کنند].(۱)

---

۱- امام خمینی (توضیح المسائل محشی، ج ۱، ص۵۱۳) /تبریزی (منهاج الصالحین، ج۱، ص۲۹۴) . خامنه ای (اجوبه الاستفتائات، ص۸۱، س۴۰۱) : مسجدی است که در شهر برای اجتماع همه اهل شهر بنا شده است بدون اینکه اختصاص به گروه و قشر خاصی داشته باشد. (مسجدی که برای اجتماع زیادی از اهالی آنجا ساخته شده و اختصاص به گروه خاصی یا اهالی محله ای نداشته باشد) . فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص۱۶و۳۷و۳۹/جامع المسائل، ج ۱، ص ۱۶۰) : مسجدی که در آن عموم مردم رفت و آمد دارند و اجتماعات عمومی در آن زیاد است و به صورت مرتّب در آن مسجد با حضور قشرهای مختلف مردم، نماز جماعت برپا می‌شود و اختصاص به گروه خاصی ندارد. در طول سال دایر و رفت و آمد درآن جریان دارد بر خلاف مسجد محل و مسجد بازار. مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص۱۱۰) : مسجدی که به طور مرتب در آن نماز جماعت برگزار می گردد و یک وعده نیز کفایت می کند. مکارم (استفتائات جدید، ج ۲، ص ۱۵۸، س۴۵۶) : مسجدی است که قشرهای مختلف شهر در آن شرکت می کنند. بهجت (استفتائات، ج ۲، ص۴۴۳/سایت) : مسجدی که اکثر اهالی شهر در آن جا نماز می‌خوانند هرچند از آن محل هم نباشند. سیستانی (دفتر) : مسجد جامع شهر، مسجدی است که اختصاص به محله یا منطقه خاص یا گروه خاصی نداشته باشد و محل اجتماع و رفت و آمد مردم مناطق و محلات مختلف شهر باشد. صافی (دفتر) : مسجدی است که برای گروه خاصی ساخته نشده است در مقابل مسجد بازار و امثال آن، که در آنها معظم اهل بلد جمع نمی‌شوند و آماده برای اجتماع آنها هم نشده است و ممکن است مساجد جامع متعدد باشند و نیز نزدیک هم باشند.

در شرق تهران (جنب دانشگاه امام حسین علیه السلام)ساکنیم که درمحدوده چند شهرک مسکونی قرار گرفته است. هر یک از این شهرک ها دارای یک نمازخانه و یکی از این شهرک ها دارای مسجد می‌باشد. حال با عنایت به اینکه این مجموعه مسکونی فاقد مسجد جامع می‌باشد، آیا می‌توان در مسجد فوق الاشاره (که محور برنامه های عبادی همه این شهرک ها است) اعتکاف نمود؟

مسجد جامع همین است و می‌توانند در آن اعتکاف کنند.(۱)

### ۱)مساجد جامع متروک

برخی از مسجدهای جامع در شهرها، در قدیم مرکزیّت و جامعیّت داشته و فعلًا به حالت نیمه متروک درآمده و جامعیّت خود را از دست داده اند هر چند هنوز به آن مسجد جامع اطلاق می شود و در عوض مسجدهای بزرگ با مرکزیّت بیشتری ساخته شده است، آیا اعتکاف در اینگونه مساجد

جدید التأسیس، بدون عنوان مسجد جامع صحیح است؟

ملاک، زمان حال است و اگر مسجدی از جامع بودن خارج شده باشد، دیگر نمی‌توان در آن اعتکاف کرد.(۲)

مسجد معروف و جامعی تا چند سال پیش محل اقامه نماز جمعه بود، امّا حالا دیگر محل اجتماع اقشار مختلف مردم نمی باشد و معمولاً کسانی که در آن حوالی زندگی یا کار می کنند، در آنجا اقامه نماز می کنند آیا آن مسجد، مسجد جامع محسوب می شود و آیا اعتکاف در آن صحیح است؟

---

۱- خامنه ای.

۲- خامنه ای/فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص۳۸و۳۹) /مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص۱۱۱نقل به مضمون) . بهجت (استفتائات، ج ۲، ص۴۴۳، م۳۱۳۹/سایت) : باید عنوان مسجد جامع صدق کند.

ملاک آن است که فعلاً مسجد جامع تلقّی شود.(۱)

## ۲)اعتکاف در مسجد جمکران

مسجد جمکران در حال حاضر از مساجد جامع محسوب است و اعتکاف در آن صحیح است.(۲)

آیا اعتکاف در زیر زمین مسجد جمکران، که از آن جهت نمازهای یومّیه و نماز آقا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف استفاده می شود و البته به صورت مرتّب نماز جماعت ندارد، جایز است؟

اشکال ندارد.(۳)

اگر اعتکاف در زیرزمین مسجد جمکران جایز باشد، درصورتی که بین طبقه پایین و بالاـ درب ورودی باشد، آیا می‌توان اعمال را در طبقه بالا و استراحت را در طبقه پایین انجام داد، یا هر دو عمل باید در یک مکان باشد؟ اشکال ندارد.(۴)

آیا حیاط مسجد جمکران حکم مسجد دارد؟

ظاهراً حکم مسجد را ندارد.(۵)

## ۳)تشخیص عدم داشتن شرایط مسجد، پس از اعتکاف

اگر در جایی اعتکاف کند به اعتقاد آنکه مسجد جامع است و بعد معلوم شود که مسجد نبوده یا جامع نبوده، اعتکاف باطل است.(۶)

---

۱- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص۳۸) .

۲- صافی (جامع الاحکام، ج ۱، ص۱۴۴، س ۵۱۴) /مکارم (استفتائات، ج۲، ص۱۵۹، م۴۶۰) . بهجت (استفتائات، ج ۲، ص۴۴۳/دفتر) : اعتکاف صحیح نیست، چون مسجد جامع شهر نیست.

۳- صافی (دفتر) /مکارم (استفتائات جدید، ج ۲، ص ۱۵۹، س۴۶۰) .

۴- صافی (دفتر) /مکارم (استفتائات جدید، ج ۲، ص ۱۵۹) .

۵- صافی (دفتر) /مکارم (استفتائات جدید، ج ۲، ص۱۵۹س۴۶۵) .

۶- امام خمینی (التعلیقه علی العروه الوثقی، ص۵۹۰) /مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص۸۲) /صافی (دفتر) .

هرگاه اعتکاف واجب خود را در مسجد به جا آورد، سپس بفهمد اعتکاف در آنجا صحیح نبوده، اعتکافش چه حکمی دارد؟

چنین اعتکافی واجب نبوده و کفایت از نذر و امثال آن نمی کند.[باطل است](۱)

## ۴)احراز جامعیت مسجد

لازم است که معتکف احراز کند مکان اعتکاف، مسجد جامع است. «مسجد بودن» یا «جامع بودن» آن را، از راه های ذیل می توان فهمید: (۲)

۱)خود انسان یقین کند (علم وجدانی خود)یا بین مردم مشهور باشد به طوری که ازگفته آنان یقین پیدا می شود. (شیاع)(۳)

---

۱- مکارم.

۲- امام خمینی (التعلیقه علی العروه الوثقی، ص ۵۹۰) /بهجت (جامع المسائل، ج۲، ص۴۹/استفتائات، ج ۲، ص۴۴۳) /تبریزی (دفتر) /سیستانی (التعلیقه علی العروه الوثقی، ج۲، ص۴۸۷) /فاضل (العروه الوثقی مع تعلیقات، ج۲، ص۷۷) /العروه الوثقی (ج۲، ص۲۵۴) بهجت (استفتائات، ج ۲، ص۴۴۳) : مسجدیّت یا جزئیت برای آن به علم یا شیوع مفید علم یا اطمینان یا به بیّنه یا به حکم حاکم شرع ثابت می شود و در خبر دادن عادل واحد تأمّل است. نوری (دفتر) : به علم، اطمینان، اشتهار بین اهل بلد و نیز به بینه و بلکه به خبر عدل و ثقه هم ثابت می‌شود و همچنین در صورتی که حاکم در مورد ترافع، حکم به مسجد بودن مکانی بکند، مسجد بودن آن ثابت می‌شود.

۳- مکارم (العروه الوثقی مع التعلیقات، ج۲، ص۸۹، م۲۴/اعتکاف عبادتی کامل، ص۸۱) : با بیّنه شرعی هم حاصل شود. سیستانی (التعلیقه علی العروه الوثقی، ج۲، ص۴۸۷) : یا اطمینان حاصل شود.

۲)دو نفر عادل بگویند.(۱)

۳)اگر دو نفر در جامع بودن مسجدی اختلاف داشته باشند، با حکم حاکم نیز معلوم می شود.(۲)

### ۶-۶-اعتکاف در دو مسجد

اعتکاف باید در یک مسجد انجام گیرد، بنابراین انجام آن در دو مسجد جایز نیست، اگرچه به هم متّصل باشند، مگر آنکه یک مسجد حساب شوند.(۳)

چنانچه مسجد دارای طبقه پایین و بالا باشد، آیا اعتکاف در آنها صحیح است؟ آیا می‌توان در حین اعتکاف از طبقه همکف به طبقه پایین یا بالا رفت؟

اعتکاف در همه جای مسجد جامع صحیح است و جابجا شدن ذکر شده در سؤال، اشکال ندارد.(۴)

---

۱- مکارم (العروه الوثقی مع التعلیقات، ج۲، ص۸۹، م۲۴/اعتکاف عبادتی کامل، ص۸۱) : یک نفر عادل هم بگوید کفایت می کند.

۲- مکارم (العروه الوثقی مع التعلیقات، ج۲، ص۸۹، م۲۴/اعتکاف عبادتی کامل، ص۸۲) : با حکم حاکم شرع معلوم نمی‌شود.

۳- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ج۱، ص۳۴۸) /تبریزی (استفتائات، ج۱، ص۱۵۷) /سیستانی (دفتر) / صافی (استفتائات، ج۲، ص۲۳۸/دفتر) /نوری (دفتر) /العروه الوثقی (ج۲، الاعتکاف، ص۲۵۳، م۱۸) . بهجت (استفتائات، ج ۲، ص ۴۴۹/وسیله النجاه، ص۳۳۳) : وحدت مسجد (یک مسجد بودن) شرط است، مگر در صورت اتصال زمین دو مسجد به یکدیگر که می‌توان در هرکدام معتکف شود، هر چند در نیّت یکی را معین کرده است. مکارم (استفتائات جدید، ج ۲، ص۱۵۹، س۴۶۲) : بهتر است که تمام مدّت، اعتکاف در یک مسجد باشد ولی در دو مسجد متّصل به هم نیز مانعی ندارد.

۴- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص۴۱) .

آیا اگر معتکفی از محیط اعتکاف خوشش نیاید می تواند در وسط اعتکاف، اعتکافش را به مسجد دیگری انتقال دهد؟

خیر، اعتکاف باید در یک مسجد انجام شود.(۱)

### ۷-۶-اعتکاف در محل غصبی یا مشخص شده توسط دیگری

هرگاه کسی در مسجد جا گرفته و دیگری جایش را بگیرد[غصب کند] و در آنجا به قصد اعتکاف بماند، هرچند گناه کرده است ولی بعید نیست اعتکافش باطل نشود[اعتکافش باطل نیست].(۲)

---

۱- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص۳۸) .

۲- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ج۱، ص۳۴۹/التعلیقه علی العروه الوثقی، ص۵۹۱، م۳۲ ) . بهجت (استفتائات، ج ۲، ص۴۴۴/وسیله النجاه، ج۱، ص ۳۳۵، م۱۲۰۵) : اجازه از فرد اوّل لازم است و در صورتی که او را از آن مکان رانده و وی از آنجا اعراض کرده (منصرف شده) و به جای دیگر رفته، بنابراقوی اعتکاف او صحیح است، همچنین اگر به جای دیگر نرفته ولی مکان منحصر در این جای غصب شده نیست که در این صورت نیز اعتکاف صحیح می‌باشد اما اگر امکان اعتکاف منحصر در مکان غصب شده باشد و آن فرد نیز از آن مکان اعراض ننموده باشد[ترک نکرده باشد]، اعتکاف باطل است. خامنه ای (دفتر) /فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص۴۰/التعلیقه علی العروه الوثقی ج۲، ص۷۸، م۳۲) : کار حرامی مرتکب شده ولی اعتکاف او صحیح است. سیستانی (منهاج الصالحین الاعتکاف، ج۱، ص۳۴۵، م۱۰۷۷/دفتر) : اعتکاف باطل نمی‌شود. تبریزی (منهاج الصالحین، ج۱، ص۲۹۶، م۱۰۷۷) /صافی (استفتائات، ج۲، ص۲۳۹، م۱۴۱۴) : بنابر احتیاط واجب باطل است. مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص۸۲/ العروه الوثقی مع التعلیقات (ج۲، ص۹۱، م۳۲) : بطلان اعتکاف مورد اشکال است. [به احتیاط واجب اعتکافش باطل نیست]. نوری (دفتر) /العروه الوثقی (ج۲، ص۲۵۶، م۳۲) : باطل است.

اگر مسجد به خاک یا آجر غصبی فرش شده باشد، اگر پرهیز از آن ممکن باشد، واجب است پرهیز نماید و اگر معصیت کرده و پرهیز نکند، صحّت اعتکاف بعید نیست. اگر پرهیز ممکن نباشد، بنابر احتیاط واجب باید از اعتکاف در آن اجتناب کند. ظاهراً اعتکاف با پوشیدن لباس غصبی یا با حمل شیء غصبی باطل نمی شود.(۱)

اگر معتکف عمداً بر فرش غصبی بنشیند، معصیت کرده است ولی اعتکاف باطل نمی شود.(۲)

---

۱- امام خمینی (التعلیقه علی العروه الوثقی، ص۵۹۱) . بهجت (جامع المسائل، ج ۲، ص۵۲) : اگر مسجد به خاک یا آجر یا فرش غصبی، فرش شده باشد، واجب است پرهیز نماید و اگر پرهیز نکند، با عدم انحصار مکان غصبی، صحّت اعتکاف احتمال قوی دارد. اگر پرهیز ممکن نباشد، باید از اعتکاف در آن اجتناب کند وگرنه اعتکافش باطل است. اعتکاف با پوشیدن لباس غصبی یا با حمل شیء غصبی باطل نمی شود. مکارم (استفتائات جدید، ج ۲، ص۱۶۱، س۴۷۳/اعتکاف عبادتی کامل، ص۱۱۴) : غصبی بودن لباس ضرری به اعتکاف نمی‌زند ولی اگر آجر و خاک مسجد غصبی باشد، اعتکاف روی آن اشکال دارد.

۲- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ج۱، ص۳۴۹) /سیستانی (منهاج الصالحین، ج۱، ص۳۴۵/دفتر) /نوری (دفتر) . صافی (استفتائات، ج۲، ص۲۳۹/دفتر) : به احتیاط واجب، اعتکافش باطل است. اگر واجب است، اعتکاف را تمام کند و آن را به جا آورد. (اگر بعد از اکمال دو روز بود، احتیاط کند به اینکه اعتکاف را به آخر برساند و نیز اگر اعتکاف مثلا با نذر یا عهد واجب شده ولو در روز اول باشد، احتیاط این است که اعتکاف را تمام کند.) مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص۸۲) : اگر بر روی سجاده غصبی معتکف شود، بدون شک اعتکافش باطل میشود.

نشستن بر مکـان غصـبی از روی فراموشـی یـا ناآگـاهی از حکم شـرعی(۱) یـا بـا اکراه یا اضـطرار،(۲) سـبب بطلان اعتکاف نیست.(۳)

اگر جـای کسـی را که معتکف بوده غصب کنـد، فرموده انـد اعتکـاف او باطـل است، حال اگر جاهل بود یا عامـد بود و حال پشیمان شـده و جـای خود را عوض کنـد، اعتکاف او صـحیح است یا خیر؟ در صورت عمـد آیا کفاره دارد یا خیر؟ اعتکاف صحیح است و کفّاره هم ندارد.(۴)

آیا گذاشتن وسایل یا نوشتن نام و امثال آن موجب سبقت در محلی از مسجد می شود؟

---

۱- مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص۸۲) : مشروط بر اینکه جاهل قاصر باشد.

۲- بهجت (جامع المسائل، ج ۲، ص۵۲/دفتر) : اکراه یا اضطرار مورد تامل و احتیاط است.

۳- امـام خمینی (التعلیقه علی العروه الـوثقی، ص۵۹۱) /بهجت (جـامع المسائل، ج ۲، ص۵۲/وسیله النجاه، ص۳۳۵) /سیستانی (التعلیقه علی العروه الـوثقی، ج۲، ص۴۸۸) /صافی (هـدایهالعباد، ج۱ ص۲۳۹/دفتر) /مکـارم (اعتکـاف عبادتی کامل، ص۸۲) /العروه الوثقی (ج۲، ص۲۵۶) .

۴- خامنه ای/فاضل. تبریزی: چنانچه غافل بوده اعتکافش صـحیح است و اگر جاهل متردّد بوده یا عامد بوده اعتکافش صـحیح نیست، لکن کفاره ندارد. سیستانی (منهاج الصالحین، ج۱، ص۳۴۵، م۱۰۷۷) : عمداً هم اگر باشد اعتکاف صحیح است. صافی (دفتر) : چنانچه جاهل بوده، اعتکاف صـحیح است و اگر عامد بوده پس اگر بعد از غصب و جلوس به عنوان اعتکاف پشـیمان شده، اعتکاف باطل است ولی کفّاره ندارد هرچند احوط است و اگر به عنوان اعتکاف، تصرّف در مکان مغصوب نکرده بلکه فقط شـخص ذی حق را از مکان خود کنار زده و خودش هم در مکان دیگر اعتکاف نموده هرچنـد فعل حرامی مرتکب شـده اما اعتکافش باطل نیست.

بلی می شود.(۱)

### ۸-۶-اعتکاف در مکان معیّنی از مسجد

اگر معتکف در نیّت خود محل خاصی از مسجد را برای اعتکاف خود معیّن کند، نیّتی که کرده لغو است و لازم نیست حتماً درآنجا معتکف شود.(۲)

معتکف مکان معیّنی از مسجد را برای اعتکاف اختیار کرده است، آیا در اثنای آن می تواند جای خود را عوض کند و در مکان دیگری از همان مسجد اعتکاف را ادامه دهد؟

بلی، می تواند.(۳)

### ۹-۶-محدوده مسجد

پشت بام ها و سرداب ها و محراب های مساجد [و هرچه به سبب توسعه مسجد به آن قسمت افزوده شده] جزو مساجد است مگر آنکه بدانیم، جزو مسجد نیستند.[ و در صورت شکّ، این مکان ها، حکم مسجد را دارد.](۴)

---

۱- بهجت. صافی (دفتر) : برحسب مورد فرق می کند و مجرد نام یا گذاشتن وسیله به نفسه علامت سبقت به آن مکان برای عبادت نیست. بلی، گاهی تناسب زمان یا مکان یا غیر اینها نشانه سبقت برای عبادت است. مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص۱۱۳) : هرگاه صدق کند که آنجا را اشغال و ذخیره کرده برای دیگران جایز نیست.

۲- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ج۱، ص۳۴۸) /بهجت (وسیله النجاه، ص۳۳۴) /تبریزی (استفتائات جدید، ج۱، س۷۶۵، ص۱۵۷) /سیستانی (منهاج الصالحین، ج۱، ص۳۴۲) /صافی (استفتائات، ج۲، ص۲۳۹) /مکارم (استفتائات جدید، ج ۲، ص۱۵۹، س۴۶۴/اعتکاف عبادتی کامل، ص۸۱) /نوری (دفتر) /العروه الوثقی (ج۲، ص۲۵۴، م۲۱) .

۳- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص۴۰) .

۴- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ص۳۴۸/التعلیقه علی العروه الوثقی، ص۵۸۹) /بهجت (استفتائات، ج ۲، ص ۴۴۹/وسیله النجاه، ص۳۳۴/جامع المسائل، ج ۲، ص ۴۰و۴۹) /سیستانی (منهاج الصالحین، ج۱، ص۳۴۳) /العروه الوثقی (ج۲، ص۲۵۴) . بهجت (استفتائات، ج ۲، ص ۴۴۹/وسیله النجاه، ص۳۳۴/جامع المسائل، ج ۲، ص ۴۰و۴۹) /صافی (هدایه العباد، ج۱، ص۲۳۹/دفتر) : و اگر شکّ داشته باشید در اینکه آنچه افزوده شده به قصد مسجدیّت بوده یا نه، مسجد محسوب نمی‌شود. مکارم (استفتاءات جدید، ج ۲، ص ۱۵۸ و ۱۵۹) : اعتکاف در شبستان و سرداب و صحن مسجد جایز است؛ مگر در مواردی که جزو مسجد نیست، یا ظاهر حال چنین باشد، و در موارد شکّ حکم مسجد بر آنها جاری نمی شود. آنچه مشکوک است [مثل بام، سرداب و مقداری که به مسجد افزوده شده]، حکم مسجد را ندارد و اعتکاف در آن جایز نیست؛ ولی اگر مسجد، یعنی محلّ نمازگزاران را توسعه دهند، جزو مسجد محسوب می شود. نوری (دفتر) : بر مکان مشکوک (شک داریم جزو

مسـجد است یا نه، مثل بام وسـرداب و آن قسـمت هایی که به مسـجد افزوده شده) حکم مسجد بار نمی‌شود و اعتکاف در آن جایز نیست.

به جز سه مکان فوق، اگر محلی را شک کند که جزو مسجد است یا نه، حکم مسجد بر آن جاری نیست و اعتکاف در آنجا صحیح نیست.(۱)

چیزهایی که به مسجد افزوده می شود، مثل راهرو (دالان) و دهلیز تا وقتی که نداند جزو مسجد است، از مسجد حساب نمی شود.(۲)

---

۱- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ج۱، ص۳۴۸/التعلیقه علی العروه الوثقی، ص۵۹۰) / بهجت (استفتائات، ج۲، ص۴۴۹) /صافی (دفتر) /مکارم (استفتائات جدید، ج۲، ص۱۵۹، س۴۶۳) . سیستانی (التعلیقه علی العروه الوثقی، ج۲، ص۴۸۶) : اگر نشانه ای برمسجد بودن آن وجود نداشته باشد.

۲- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ص۳۴۸) /بهجت (استفتائات، ج۲، ص۴۴۹، جامع المسائل ج۲، ص۴۰/وسیله النجاه، ص۳۳۴) . صافی (هدایه العباد، ج۱، ص۲۳۹) : و خانه های تابع مسجد و اماکن اضافه شده به آن و امثال اینها که تا مسجد بودن آنها معلوم نشده در حکم مسجد نیست. مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص۸۱) : مگر آنکه ظاهر حال (نشانه ای) دلالت داشته باشد که جزو مسجد است.

حیاط حکم مسجد را ندارد مگر آنکه به عنوان مسجد وقف شده باشد.(۱)

اصل بر این است که قسمت های مختلف مسجد حکم مسجد دارد، یا باید مسجد بودن هر قسمت ثابت شود؟

عرف شهرها در این مسأله با هم مختلف است مثلاً در برخی از شهرها حیاط مسجد جزو مسجد نیست و در بعضی از شهرها جزو است. باید به عرف محل مراجعه کرد.(۲)

آیا پشت بام مسجد تابع مسجد است یا بستگی به وقف کننده دارد؟

پشت بام مسجد به حکم مسجد است مگر اینکه احراز شود که هنگام وقف مسجد، پشت بام از وقف خارج شده است.(۳)

آیا اعتکاف روی بام مسجد جامع صحیح است؟ آیا در اثنای اعتکاف می‌توانند برای دعا یا استراحت روی بام مسجد توقّف کنند؟

بلی، می‌توانند و صحیح است.(۴)

آیا در حال اعتکاف می‌توان در صحن و حیاط مسجد توقّف کرد؟

---

۱- صافی (دفتر) .

۲- مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص ۱۷۰) .

۳- خامنه ای (سایت) .

۴- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۴۱) .

اگر صحن و حیاط مسجد به گونه ای است که درآن نماز می‌خوانند و عرفاً مسجد محسوب می شود[صیغه مسجدیّت برآن خوانده شده]، می‌توان درآن توقّف کرد وگرنه حکم مسجد را ندارد و نباید در آن توقّف کرد.(۱)

حکم رفتن به حیاط بیرونی که ملحق به مسجد است چیست؟

رفتن به جاهایی که در حکم مسجد است [در آن نماز می‌خوانند و صیغه مسجدیت برآن خوانده شده]، اشکال ندارد امّا رفتن به خارج از مسجد جایز نیست مگر مواردی که خروج از مسجد به خاطر آنها جایز باشد.(۲)

در اعتکاف رفتن به حیاط مسجد، آبدارخانه، دفتر مسجد و دیگر قسمت ها چه حکمی دارد؟

خروج از مسجد بدون ضرورت، برای معتکف جایز نیست.(۳)

### ۷-اجازه از صاحب اجازه

#### اشاره

اجازه گرفتن از کسی که نسبت به فرد معتکف ولایت دارد یا حقی از او با انجام اعتکاف ضایع می‌شود، در صحت اعتکاف شرط است.(۴)

#### ۱-۷-اجازه والدین

جهت صحّت اعتکاف فرزند، در صورتی که موجب اذیّت آنها شود، اجازه والدین لازم است.(۵)

---

۱- فاضل (جامع المسایل، ج۱، ص۱۶۰/اعتکاف و احکام آن، ص۳۸) .

۲- خامنه ای (سایت) /فاضل (جامع المسائل، ج۱، ص۱۶۰) .

۳- صافی (جامع الاحکام، ج۱، ص۱۴۴) /مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص۱۱۵) .

۴- خامنه ای (سایت) .

۵- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ج۱، ص۳۴۶) /بهجت (وسیله النجاه، ص ۳۳۲) /خامنه ای (سایت) / صافی (هدایهالعباد، ج۱، ص۲۳۷) /فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص۴۳) /مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص۸۳) /نوری (التعلیقه علی العروه الوثقی) /العروه الوثقی (ج۲، ص۲۴۹) بهجت (جامع المسائل، ج ۲، ص۴۰) : در اعتکاف مستحب. سیستانی (منهاج الصالحین، ج۱، ص۳۴۳/دفتر) /تبریزی (منهاج الصالحین، ج۱، ص۲۹۴) / صافی (هدایهالعباد، ج۱، ص۲۳۷) : اجازه والدین در صحت اعتکاف فرزند در صورتی که از ناحیه شفقت و مهربانی والدین موجب اذیت آنها شود، لازم است. نوری (دفتر) : در اعتکاف فرزند اجازه والدین لازم نیست.

اگر اعتکاف فرزند سبب اذیت پدر و مادر نشود، اجازه آنها معتبر نیست،(۱) هرچند احتیاط مستحب باید از آنها اجازه بگیرد.(۲)

اگر یکی از والدین، فرزند را نهی کند و مخالفت فرزند سبب اذیت وی شود، بنابر اقوی اعتکاف فرزند باطل است.(۳)

### ۲-۷-اجازه زن از شوهر

اگر زنی بخواهد معتکف شود و اعتکاف با حق شوهر تعارض داشته باشد، باید از شوهر اجازه بگیرد.(۴)

---

۱- بهجت (وسیله النجاه، ص ۳۳۲) /تبریزی (منهاج الصالحین، ج۱، ص۲۹۴) .

۲- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ج۱، ص۳۴۶) /خامنه ای (دفتر) /سیستانی (التعلیقه علی العروه الوثقی، ج۲، ص۴۸۲/دفتر) /صافی (دفتر/هدایه العباد، ج۱ ص۲۳۷) /فاضل (العروه الوثقی مع تعلیقات، ج۲، ص ۷۲) /مکارم (العروه الوثقی مع التعلیقات، ج۲، ص۸۴/ اعتکاف عبادتی کامل، ص۸۳) /نوری (التعلیقه علی العروه الوثقی، ج۱ احکام الاعتکاف م۹) /العروه الوثقی (ج۲، ص۲۴۹) . مکارم (استفتائات جدید، ج۲، ص ۱۶۰، س ۴۷۱/احکام بانوان، ص۱۲۳) : اولاد بالغ احتیاج به اجازه ولی ندارند.

۳- صافی (هدایهالعباد، ج۱ص۲۳۷) .

۴- امام خمینی (ترجمه تحریر الوسیله، ج۱، ص۳۴۶/نجاه العباد، ص۱۷۱) /مکارم (استفتائات جدید، ج۲، ص۱۶۰، س ۴۷۱ و۹۶۳) : بنابر احتیاط واجب. بهجت (وسیله النجاه، ج۱، ص۳۳۲/استفتائات، ج۲، ص۴۴۲) /تبریزی (منهاج الصالحین، ج۱، ص۲۹۴/استفتائات جدید، ج۱، ص۱۵۴) /خامنه ای/سیستانی (منهاج الصالحین، ج۱، ص۳۴۳/دفتر) /صافی (هدایهالعباد، ج۱، ص۲۳۶، م۱۴۰۲) /فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص۴۲و۴۴) /نوری (التعلیقه علی العروه الوثقی، شرائط االاعتکاف، السابع) بهجت (جامع المسائل، ج ۲، ص ۴۰) : در اعتکاف مستحب نوری (دفتر) : اگر خروج زن از منزل جایز باشد، اعتکاف او مشروط به اذن[شوهر] نیست لکن باید منافی با حق شوهر نباشد. سیستانی (منهاج الصالحین، ج۱، ص۳۴۳/دفتر) : و اگر توقف زن در مسجد بدون اجازه شوهر حرام باشد (مثل موردی که زن بدون اجازه از منزل خارج شده باشد) ، اعتکافش باطل است.

اجازه شوهر، جهت صحت اعتکاف زن، درصورتی که منافات با حق شوهر نداشته باشد لازم نیست [هر چند احتیاط مستحب این است که اجازه بگیرد].(۱)

اگر مردی به همسرش اجازه اعتکاف دهد، ولی در روز سوّم پشیمان گردد، تکلیف زن چیست؟

زن اعتکاف را تا آخر ادامه می‌دهد.(۲)

---

۱- امام خمینی (ترجمه تحریر الوسیله، ج۱، ص۳۴۶/التعلیقه علی العروه الوثقی، ص۵۸۶) /فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص۴۴و۴۲) . بهجت (استفتائات، ج ۲، ص۴۴۲/وسیله النجاه، ص۳۳۲، م۱۱۹۳) /تبریزی (منهاج الصالحین، ج۱، ص۲۹۴، م۱۰۶۹) /مکارم (استفتائات جدید، ج۲، ص ۱۶۰س ۴۷۱و۹۶۳) : بنابر احتیاط واجب [اجازه] لازم است. خامنه ای (دفتر) /صافی (استفتائات، ج۲، ص۲۳۷، م۱۴۰۲) : اگر منافات با حق شوهر ندارد اذن نیاز نیست ولی به هر حال جهت خروج از منزل اذن شوهر لازم است. پس اگر بدون اذن او خارج شود و به مسجد برای اعتکاف برود، از این جهت اعتکافش باطل است. نوری (التعلیقه علی العروه الوثقی، شرائط االاعتکاف، السابع) : و اگر روزه مستحبی باشد، باز هم بنابر احتیاط واجب لازم است.

۲- مکارم (احکام بانوان، ص۱۲۳/اعتکاف عبادتی کامل، ص ۱۱۵/استفتائات، ج۳،ص ۱۰۶،س۳۰۸/سایت) .

آیا زن می تواند با امر شوهرش، روز سوم اعتکاف خود را بشکند؟ و اگر شوهر او را مجبور به این کار کند، آیا برعهده شوهر کفّاره می آید یا خیر؟

اگر با تمام شرائط صحت، اعتکاف را شروع کرده، با درخواست شوهر نمی تواند روزه سوم را رها کند و کفاره ندارد.(۱)

### ۳-۷-اجازه صاحب کار

اگر کسی طبق قراردادی در استخدام دیگری است[مانند برخی کارگران و کارمندان، باید مدتی را در اختیار فرد یا سازمانی باشد] در صورتی که قرارداد به گونه ای است که منفعت اعتکاف را نیز در بر می گیرد [یعنی اعتکاف با عمل به اجاره منافات دارد]، نمی‌تواند بدون اجازه صاحب کار، به اعتکاف برود.(۲)

این در صورتی است که فرد به طورکلی مالکیت وقت و منافع خود را به دیگری واگذار کرده باشد امّا در جایی که تنها قراردادی برای انجام کار معینی بسته شده، اگر به آن عمل نکنند و به اعتکاف بپردازد هرچند به خاطر وفا نکردن به عهد گناهکار است، امّا برخی فقها اعتکافش را صحیح میدانند.

---

۱- نوری (هزار و یک مساله فقهی، ج۲، ص۹۵، م۲۶۴) /صافی (دفتر) .

۲- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ج۱، ص ۳۴۶) /بهجت (وسیله النجاه، ج۱،ص ۳۳۲، م۱۱۹۳) /تبریزی (دفتر) /خامنه ای (سایت) /سیستانی (التعلیقه علی العروه الوثقی، ج۲، ۴۸۲) /صافی (هدایه العباد، ج۱، م۱۴۰۲) /فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص۴۴) /مکارم (العروه الوثقی مع التعلیقات، ج۲، ص۸۴) /نوری (التعلیقه علی العروه الوثقی، ج۱، الاعتکاف، السابع) . صافی (هدایه العباد، ج۱، ص۲۳۷) : اجیر اگر طوری اجیر شده باشد که مالک عمل خود نباشد، برای اعتکاف نیاز به اذن شخص اجیر کننده دارد ولی اگر بدون اذن او اعتکاف کند، این گناه او[ترک وفا به آنچه بر آن اجیر شده است] موجب بطلان اعتکافش نمی شود، نهایتاً اعتکافش ضد آن چیزی است که بر او واجب شده است. بهجت (جامع المسائل، ج ۲، ص۴۰) : در اعتکاف مستحب

شخصی اجیر است و می خواهد اعتکاف کند، آیا باید از صاحب کارش اجازه بگیرد؟

اگر در روزها و ساعات معیّن اجیر شده و اعتکاف او مانع از عمل به اجاره است، بدون اذن صاحبکار اعتکاف صحیح نیست و باید اذن بگیرد.(۱)

## ۸-پیوستگی توقّف

### اشاره

۸-پیوستگی توقّف(۲)

باید وقوف درمسجد، به طور مداوم و پیوسته باشد. اگر معتکف با اراده، در غیر موارد مجاز، از مسجد خارج گردد، اعتکافش چه عالم به حُکم باشد و چه جاهل(۳) باطل می شود ولی اگر در صورت فراموشی بیرون رفت(۴) یا به اجبار(۵) مسجد را ترک نماید، اعتکافش صحیح است.(۶)

---

۱- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص۴۴) .
۲- روایات: امام صادق علیه السلام: «معتکف، مگر برای حاجتی [ضروری] از مسجد خارج نمی‌شود». (تهذیب الاحکام، ج۴، ص۲۹۱/وسائل الشیعه (ط-آل البیت) ، ج۱۰، ص۵۴۱/من لا یحضره الفقیه، ج۲، ص۱۸۵) امام صادق علیه السلام: «معتکف باید خارج نشود، مگر برای نماز جمعه یا تشییع جنازه یا قضای حاجت». (کافی (ط-اسلامیه) ، ج۴، ص۱۷۸) امام صادق علیه السلام: «برای معتکف سزاوار نیست که جز برای حاجتی ناگزیر، از مسجد جامع خارج شود و چون خارج شود، باید ننشیند تا بازگردد و زن نیز بر همین گونه است». (من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص۱۸۵) امام صادق علیه السلام: «اگرمعتکف، بیمار یا حائض شود، به خانه رود و چون شفا یافت و پاک شد، به مسجد باز گردد و روزه بگیرد[اعتکاف را ازسر گیرد]». (من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۸۷)
۳- تبریزی: بنابر احتیاط واجب. خامنه ای (دفتر) : اگر در جهل خود مقصر نباشد، اشکال ندارد.
۴- سیستانی (دفتر) /تبریزی (احکام بانوان، ص۱۸۱/استفتائات جدید، ج۱، ص۱۵۴، س۷۴۶) /نوری (دفتر) : اعتکاف باطل می‌شود. صافی (استفتائات، ج۲، ص۲۳۸/دفتر) /مکارم (استفتاءات جدید، ج ۲، ص ۱۶۴، س۴۹۳) / نوری (دفتر) : اعتکافش بنابر احتیاط واجب باطل می‌شود (احتیاط این است که اگر روز سوم است، ادامه دهد و اگر واجب بوده، بعداً قضا کند) .
۵- صافی (دفتر) : بعید نیست صورت اکراه، ملحق به موارد ضرورت باشد که اعتکاف باطل نباشد.
۶- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ج۱، ص۳۴۶) /بهجت (جامع المسائل، ج ۲، ص۴۱) /خامنه ای (دفتر/سایت) /سیستانی (منهاج الصالحین، ج۱، ص۳۴۳/دفتر) /صافی (دفتر) /مکارم (العروه الوثقی مع التعلیقات، ج۲، ص۸۴) /نوری (دفتر) /العروه الوثقی (ج۲، ص۲۴۹) .

## ۱-۸-موارد مجاز خروج معتکف از مسجد

۱)ادای شهادت و گواهی دادن در دادگاه(۱)

۲)عیادت مریض:(۲) اگر ارتباطش با مریض به حدّی است که عرفاً عیادتش جزو اموری که ناچار از آن است، به حساب آید.(۳)

۳)تشییع جنازه(۴)

---

۱- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ص۳۴۸) /بهجت (استفتائات، ج ۲، ص۴۴۴/وسیله النجاه، ص۳۳۴) / خامنه‌ای (سایت) /صافی (استفتائات، ج۲، ص۲۳۹) /مکارم (استفتاءات جدید، ج ۲، ص ۱۶۴، س۱۴۹۴/ اعتکاف عبادتی کامل فصل، ص۸۴) /نوری (هزار و یک مساله فقهی، ج۲، ص۹۷، م۲۸۳) / العروه الوثقی (ج۲، ص۲۵۵) . سیستانی (منهاج الصالحین، ج۱، ص۳۴۲) : اشکال دارد، مگر اینکه از ضرورت های عرفی معتکف، به حساب آید.

۲- بهجت (وسیله النجاه، ص۳۳۴) /صافی (هدایهالعباد، ج۱، ص۲۳۹) /مکارم (استفتاءات جدید، ج ۲، ص ۱۶۴) /العروه الوثقی (ج۲، ص۲۵۵) . خامنه‌ای (سایت) : بیماری که با او مرتبط است.

۳- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ص۳۴۸) .

۴- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ص۳۴۸) /بهجت (استفتائات، ج ۲، ص۴۴۴/وسیله النجاه،ص۳۳۴) / خامنه‌ای (سایت) /صافی (استفتائات، ج۲، ص۲۳۹/دفتر) /مکارم (استفتاءات جدید، ج ۲، ص ۱۶۴) / العروه الوثقی (ج۲، ص۲۵۵) . سیستانی (منهاج الصالحین، ج۱، ص۳۴۱/دفتر) /نوری (هزار و یک مساله فقهی، ج۲، ص۹۷، م۲۷۸/دفتر) : معتکف می‌تواند برای تشییع جنازه، اگر از ضرورت های عرفی معتکف به حساب آید، و تجهیز میّت مانند غسل و نماز و دفن میّت از مسجد بیرون برود.

آیا برای رفتن به تشییع جنازه هنگام اعتکاف وقت مشخصی است؟ اگر معتکف یکی ازدوستانش را دید، آیا می تواند چند دقیقه را با او سپری کند؟ حکم رفتن زیر سایه در این هنگام (چه در ماشین یا غیر آن)چیست؟

وقت مشخصی ندارد و رفتن به تشییع جنازه اگر آنقدر طولانی نشود که باعث محو صورت اعتکاف شود، اشکال ندارد و درصورت امکان، واجب است که زیر سایه ننشیند و احتیاط مستحب است که زیر سایه حرکت نکند.(۱)

۴)انجام سایرکارهای ضروری: که عقلًا [انجام تزریقات ضروری] یا شرعاً [غسل واجب] و یا عرفاً [رفتن به دستشویی] بیرون رفتن از مسجد برای آن لازم باشد، چه از کارهای واجب باشد و چه از کارهای مستحب، چه مربوط به امور دنیا و چه آخرت، چه ترک آن زیانی داشته باشد و چه نداشته باشد.(۲)

---

۱- خامنه ای (سایت) .

۲- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ص۳۴۸) /نوری (التعلیقه علی العروه الوثقی، ج۱، الاعتکاف، م۳۰) . فاضل (العروه الوثقی مع تعلیقات، ج ۲، ص ۷۸، م۳۰) : ضروریات عرفی یا شرعی از امور واجب یا راجحه، چه دنیوی باشد و چه اخروی، به مصلحت خودش باشد یا دیگری. مکارم (العروه الوثقی مع التعلیقات، ج۲، ص۹۰، م۳۰/استفتائات جدید، ج ۲، ص ۱۶۴، س۴۹۴) : ضروریات عرفی یا شرعی از امور واجب یا راجحه، البته نه هر امر راجح (مستحبی) ، چه دنیوی باشد و چه اخروی، به مصلحت خودش باشد یا دیگری. تبریزی (منهاج الصالحین، ج۱، ص۲۹۴، السادس) /سیستانی (منهاج الصالحین، ج۱، ص۳۴۳، السادس) : خروج از مسجد، برای ضروریات عرفی، جایز است. بهجت (استفتائات، ج ۲، ص۴۴۴/جامع المسائل، ج ۲، ص۴۱/وسیله النجاه، ج۱، ص۳۳۴، م۱۲۰۳) / صافی (هدایهالعباد، ج۱، ص۲۳۹/دفتر) : ضابطه کلی در خروج موقّت از مکان اعتکاف این است که هر جا خارج شدن از مسجد به حکم عقل و یا شرع و یا به حکم عادت، از امور واجبه و یا راجحه شمرده شد، حال چه راجح دنیوی باشد و چه اخروی و چه اینکه ترک خروج موجب ضرری بشود و چه نشود. خامنه ای (سایت) : از روی ضرورت چه ضرورت عقلی یا شرعی یا عرفی خارج شدن از مسجد، اشکال ندارد. البته در تمام کارها باید به حد لازم آن اکتفا کند. بنابر احتیاط واجب باید نزدیک ترین راه را انتخاب کند و بیش از مقدار نیاز، بیرون مسجد نماند و ننشیند و احتیاط مستحب این است که زیر سایه حرکت نکند و در صورت امکان، نباید زیر سایه بنشیند.

چنانچه ایّام اعتکاف مصادف با کارهای مهّمی شود که فقط با حضور خود شخص انجام آن امکانپذیر است، مانند شرکت در جلسه کنکور یا امتحان، مصاحبه جهت گزینش، دفاع از پایان نامه، ثبت نام حجّ و مانند آن، که زمان آن هم قابل تجدید نیست، آیا برای این امور می تواند از مسجد خارج گردد؟

در صورتی که حکم ضرورت عرفی را داشته باشد، خارج شدن به مقدار محدودکه منافات با صدق اعتکاف نداشته باشد، مانعی ندارد.(۱)

---

۱- مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص۱۱۸) .

چنانچه معتکف، امام جماعت مسجدی یا معلم و دبیر و استاد، یا مهندس ناظر بنای عظیمی باشد، آیا می تواند جهت اقامه نماز جماعت یا تـدریس در ساعات خاصـی از روز یا نظارت برحسن اجرای کار در وقت معیّنی از زمان اعتکاف، از مسـجد خارج شود و پس از اتمام کار بلافاصله بازگردد؟

برای اعتکافش اشکال دارد.(۱)

به هنگـام اعتکـاف، از فوت یکی از دوسـتان یـا بسـتگان دور یا نزدیک مطلع شـدم. امّا خبر زمانی رسـید که وی را دفن کرده بودند، و فرصت شرکت در تشییع جنازه از دست رفته بود، آیا می‌توانم در مراسم ختم ایشان شرکت کنم؟ اشکال دارد.(۲)

عروسـی یکی از بستگان نزدیک، مقارن با اعتکاف من شده است. اگر در عروسی او شرکت نکنم دلخور شده، و ممکن است کدورت خانوادگی ایجاد شود. در چنین فرضی خروج از مسجد چه حکمی دارد؟

چنین فرضی از قبیل ضرورت است و شرکت محدود در آن مانعی ندارد.(۳)

۵)بدرقه و استقبال مسافر(۴)

### ۲-۸-حکم خروج معتکف جهت

۱)شرکت در نماز جمعه به عنوان امام یا ماموم: جایز است.(۵)

---

۱- مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص۱۱۶) .

۲- مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص۱۱۶) .

۳- مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص۱۱۶) .

۴- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ج۱، ص۳۴۸) /بهجت (وسیله النجاه، ص ۳۳۴) مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص۱۱۶) /نوری (هزار و یـک مسـاله فقهی، ج۲، ص۹۷، م۲۷۸) : اگر [ارتباط با وی در حـدی باشـد که] ضـرورت عرفی داشـته باشـد. خامنه‌ای (سایت) : که با معتکف در ارتباط باشد.

۵- بهجت (استفتائات، ج ۲، ص۴۴۴/وسیله النجاه، ص۳۳۴/جامع المسائل، ج ۲، ص۴۴) /خامنه ای (دفتر) / سیستانی (التعلیقه علی العروه الوثقی، ج۲، ص۴۸۸، م۳۰/دفتر) /صافی (هدایهالعباد، ج۱، ص۲۳۹، م۱۴۱۲/دفتر) /فاضـل (اعتکاف و احکام آن، ص۵۱/جامع المسائل فارسی، ج ۱، ص ۱۶۰، س۶۱۹) / مکارم (استفتائات جدید، ج ۲، ص ۱۶۴، س۴۹۴) /نوری (استفتائات، ج۲، س۲۷۶) . تبریزی (منهاج الصالحین، ج۱، الاعتکـاف، السادس) : بنابر احتیاط واجب جایز نیست. نوری (هزارو یک مساله فقهی، ج۲، ص۹۸، م۲۸۶) :نمیتواند مگرآنکه حضورش ضرورت داشته باشد

۲)شرکت در نماز جماعت به عنوان امام یا ماموم (غیر از مکّه):(۱) به احتیاط واجب جایز نیست.(۲)

۳)رفتن به کلاس جهت تعلیم یا تعلّم: اشکال دارد.(۳)

آیا اعتکاف، در صورت خروج از مسجد برای شرکت در امتحان پایان ترم دانشگاه، باطل است؟

---

۱- امام صادق علیه السلام: «معتکف در غیر مکّه، نماز را جز در مسجدی که معتکف است، به جا نمی‌آورد». (کافی (ط- اسلامیه) ، ج۴، ص۱۷۷)

۲- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ص۳۴۸) /سیستانی (دفتر) /نوری (هزار و یک مساله فقهی، ج۲، ص۹۷، م۲۷۷) . خامنه ای/صافی (هدایهالعباد، ج۱، ص۲۳۹/دفتر) /فاضل (العروه الوثقی مع تعلیقات فاضل، ج۲، ص۷۸) / مکارم (العروه الوثقی مع التعلیقات، ج۲، ص۹۰) : جایز نیست. بهجت (جامع المسائل، ج ۲، ص ۴۴) : جایز نیست مگر در ذیق وقت.

۳- امام خمینی (دفتر) /تبریزی (دفتر) /خامنه ای (دفتر) /سیستانی (سایت ) /صافی (جامع الاحکام، ج۱، ص۱۴۴، س۵۱۵/دفتر) /فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص۵۱) /مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص۱۱۶) / نوری (هزار و یک مساله فقهی، ج۲، ص۹۷، م۲۷۶) . بهجت (دفتر) : ظاهراً مشکل است که جایز باشد.

چنانچه ضرورت عرفی باشد می‌تواند ولی نباید مدت خروجش طولانی گردد، به گونه ای که صورت اعتکاف از بین برود.(۱)

با توجه به اینکه دانشجو هستم و یکی از امتحانات پایان ترم اینجانب در ایام اعتکاف واقع شده و اگر آنرا نگذرانم از درس و تحصیل عقب مانده و خسارت جدی به سبب کار به اینجانب وارد می شود. آیا جائز است برای دادن امتحان از اعتکاف خارج شده و مجددا به مسجد ورود پیدا کنم؟ این کار حدود یك ساعت زمان لازم دارد؟

در فرض سوال اگر امتحان مذکور ضروری باشد به قدر ضرورت می تواند از محل اعتکاف خارج شود.(۲)

۴)رفتن به محل کار: برای کار و شغل نباید خارج شود.(۳)

آیا کارمندان و معلمین می‌توانند معتکف شوند و سرکلاس و محل کار خود رفته و سپس به مسجد برگردند؟

جایز نیست.(۴)

۵)برای وضو و غسل مستحبی و مسواک زدن: اشکال ندارد ولی باید به قدر حاجت اکتفا کند و طول ندهد.(۵)

---

۱- سیستانی (دفتر) .

۲- نوری (سایت) .

۳- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص۵۱) .

۴- صافی (دفتر) .

۵- بهجت/خامنه ای (سایت) . فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص۵۱و۵۴و۵۷/جامع المسائل فارسی، ج ۱، ص ۱۶۰) : مانعی ندارد ولی تلاش کنند این امور با سرعت انجام شده و هرچه سریعتر به مسجد برگردند. فقط برای وضوی مستحّب جایز نیست. مکارم (استفتائات جدید، ج ۲، ص ۱۶۵، س۴۹۶/اعتکاف عبادتی کامل، ص۱۲۰) : برای وضو و غسل مستحّبی و برای مسواک زدن به عنوان مقدمه وضو اشکالی ندارد. صافی (دفتر) : اگر ضرورت داشته باشد، اشکال ندارد. سیستانی (دفتر/سایت) : محل اشکال است و جایز نیست. تبریزی (احکام بانوان، ص۱۷۸) : معتکف نمی‌تواند برای انجام غسل مستحبی از مسجد خارج شود. نوری (هزار و یک مساله فقهی، ج۲، ص۹۷، م۲۸۲) : جایز نیست.

اگر در مسجد برای مسواک زدن و وضوی مستحبی شیر آب و ظرفشویی باشد. در اینصورت معتکف می تواند برای انجام دادن آنها ازمسجد خارج شود؟

نمی تواند.(۱)

آیا با بودن آب در مسجد می توان جهت وضو به خارج مسجد رفت ؟

در فرض مذکور، معتکف نباید از مسجد خارج شود.(۲)

در صورت وجود شیر آب و ظرفشویی در داخل مسجد برای مسواک زدن و وضوی مستحبی و از طرفی منع تولیت مسجد به خاطر رعایت نظافت، آیا برای انجام امور مذکور معتکف می تواند از مسجد خارج شود؟

مسجد متولّی ندارد و متعلق به عموم مسلمین است. بنابراین کسی حقّ منع ندارد و اگر با این حال منع کردند، خروج به مقدار ضرورت برای امور مذکور اشکال ندارد.(۳)

چنانچه معتکف جهت تجدید وضو یا استحمام ناچار باشد از مسجد خارج شود و فاصله حمام و وضوخانه مسجد تا حمام و دستشویی منزلش یکی باشد، آیا می تواند برای انجام کارهای فوق به منزلش برود؟

---

۱- صافی (دفتر) .

۲- خامنه ای.

۳- صافی (دفتر) .

تفاوتی نمی کند.(۱)

آیا رفتن به حمّام نزدیک محلّه، جهت انجام مستحبات اعتکاف، خروج از اعتکاف محسوب، و موجب ابطال آن می‌شود؟ رفتن به منزل نزدیک مسجد جهت حمّام استحبابی چطور؟

هر دو اشکال دارد.(۲)

۶)تلفن زدن به خانواده در موارد غیر ضروری و امور متعارف: در موارد ضروری اشکالی ندارد و در موارد غیر ضروری اگر امور مستحبی را در بر بگیرد و طول هم نکشد اشکالی ندارد.(۳)

۷)دیدار با خانواده در بیرون از مسجد: در بعضی موارد اشکالی ندارد، مثل رسیدگی امور خانواده و دیدن فرزندان که عدم دیدار باعث مفسده و اشکالاتی می شود.(۴)

---

۱- مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص۱۲۱) .

۲- مکارم (سایت) .

۳- خامنه ای. مکارم (استفتائات جدید، ج ۲، ص ۱۶۵، س۴۹۶/اعتکاف عبادتی کامل، ص۱۲۰) : اشکال دارد. صافی (دفتر) /تبریزی: جایز نیست. فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۵۸) : اگر ضرورت دارد و طول نکشد، مانع ندارد امّا اگر ضرورت ندارد یا به قدری طول بکشدکه صورت اعتکاف به هم بخورد، نباید خارج شود.

۴- خامنه ای. بهجت (استفتائات، ج ۲، ص۴۴۵) : در حد چند دقیقه اشکال ندارد. مکارم (استفتائات جدید، ج ۲، ص ۱۶۵، س۴۹۶) : اشکال دارد مگر اینکه حیاط مسجد جزو مسجد باشد. صافی (دفتر) /فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص۵۶) : ممنوع است.

۸)استحمام در سرویس بهداشتی مسجد خارج از مسجد: اشکال ندارد ولی باید به قدر حاجت اکتفا کند و طول ندهد.(۱)

۹)برای شستن دندانها و دست ها: ملحق به خارج شدن از مسجد برای تجدید طهارت را دارد.(۲)

۱۰)جهت وضوی مستحبی، شستن ظرف یا دست و مسواک زدن در مسجدی که حوضش شلوغ است و این کارها سبب کثیفی محیط مسجد می شود یا حوض ندارد: جایز نیست.(۳)

۱۱)زیارت حضرت رضا و معصومه علیهما السلام جهت معتکف مساجد نزدیک حرم: می تواند زیارت کند، به حدی که صورت اعتکاف محو نشود.(۴)

۱۲)صرف غذا در سالن غذاخوری محوطه مسجد: به مقدار ضرورت جایز است.(۵)

۱۳)خرید نیازمندیهای سایر معتکفین مثل افطاری و سحری

هیات برگزاری اعتکاف که متشکل از تعدادی از معتکفین است، وظیفه خدمت به معتکفین و فراهم کردن نیازمندی های آنها را بر عهده دارد؛ لذا باید

---

۱- خامنه ای (سایت) .

۲- خامنه ای (سایت) .

۳- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص۵۵) .

۴- بهجت (استفتائات، ج ۲، ص ۴۴۹) .

۵- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص۳۷) . مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص۱۱۷- استفتائات جدید، ج ۲، ص ۱۶۰س۴۶۶) : اگر محوطه مسجد جزو مسجد نیست نباید از مسجد خارج شوند- ولی اگر صرف غذا در داخل شبستان ها ایجاد مشکلاتی کند معتکفین می توانند به حکم ضرورت، غذا را در صحن مسجد صرف کنند. صافی (دفتر) : جایز نیست.

نیازمندی های معتکفین مثل افطاری و سحری را بخرد، آیا این مساله به اعتکاف آنها ضرر نمی رساند؟

خارج شدن از مسجد برای خرید چیزهای ضروری مثل غذا وغیره اگر در ضمن آن، نیازمندیهای خود را نیز تهیّه می کنند، اشکال ندارد.(۱)

۱۴)خرید و فروش: در صورتی که باعث خارج شدن از مسجد می شود مشروط به این است که در حال اعتکاف به آن نیاز داشته باشد.(۲)

آیا معتکف می تواند جهت اخذ سهمیه دولتی (در صورتی که در غیر آن ممکن نباشد و به آن محتاج باشند) از مسجد خارج شود؟ آیا این معامله محسوب می شود؟

چنانچه با توکیل هم ممکن نباشد، اشکال ندارد.(۳)

۱۵)شرکت در مراسم و راهپیمایی های مهّم مانند روز قدس و ۲۲ بهمن: احتیاط آن است که شرکت نکند و اشکال دارد.(۴)

---

۱- خامنه ای (سایت) . فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص۵۲) : در مقام ضرورت و عدم امکان توکیل (وکیل نمودن شخص دیگر) در ضمن آن که نیازمندیهای خود را نیز تهیّه می کند، اشکال ندارد.

۲- خامنه ای (سایت) . فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص۵۲) : در صورت ضرورت، خروج اشکال ندارد.

۳- صافی (دفتر) .

۴- مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص۱۱۸/سایت) . نوری (هزارویک مساله فقهی، ج۲، ص۹۸، م۲۸۶) : نمیتواند مگرآنکه حضورش ضرورت داشته باشد صافی (دفتر) : ممنوع است.

۱۶)آوردن غـذا و وسایـل و شسـتن لباس و ظروف:(۱) چنـانچه بتوانـد کسـی را برای این کارها بگمارد خودش نمی توانـد از مسجد خارج شود(۲)، در غیر این صورت به مقدار ضرورت می تواند خارج شود.(۳)

کسانی که مشکل خاصّی از نظر تغذیه دارند، آیا می‌توانند جهت آوردن غذا از محل اعتکاف خارج شده، مجدداً باز گردند؟

خارج شدن از مسجد، جهت ضرورت شرعی و عرفی مانع ندارد.(۴)

آیا شستن لباس به عمد یا غیرعمد در بیرون از مسجد موجب بطلان اعتکاف می شود؟ آیا کار حرام انجام داده است؟

ملاک ماندن در بیرون از مسجد است، نه لباس شستن و اگر بیرون رفت، احکام بیرون رفتن از مسجد را دارد.(۵)

آیـا در هنگـام اعتکـاف، بیرون رفتن از مسـجد برای خوردن و سـیگار کشـیدن جـایز است؟ و اگر خیر، آیـا خوردن در داخل مسجد جایز است؟

خروج برای تهیه غذای مورد نیاز و یا غذا خوردن در بیرون و استعمال دخانیات در صورت ضرورت به مقدار ضرورت اشکال ندارد. همانطور که غذا خوردن در داخل مسجد فی حد نفسه منعی ندارد.(۶)

---

۱- صافی (دفتر) : خروج برای ضرورات عرفی و شرعی مانعی ندارد.

۲- نوری (هزار و یک مساله فقهی، ج۲، ص۹۷، م۲۷۹) .

۳- تبریزی (استفتائات جدید، ج۲، ص۱۴۰، س۶۵۹) /مکارم.

۴- خـامنه ای. مکـارم (اعتکـاف عبادتی کامل، ص۱۲۱/سـایت) : در صورت ضـرورت مانعی نـدارد. سیسـتانی (دفتر) : خروج معتکف از مسجد برای آوردن وسایل مورد احتیاجش در فرضی که می‌تواند فرد غیر معتکفی را برای آوردن آن وسایل مامور نماید، جایز نیست.

۵- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص۵۳) .

۶- خامنه ای (استفتائات) .

۱۷)ازاله خون از بدن

قسمتی از بدن درحال اعتکاف خونی شده است، آیا ازاله آن در بیرون مسجد ضرورت دارد؟

تاخیر در ازاله خون مانعی نـدارد بلکه به احتیاط واجب بایـد وقتی که برای ضـرورتی مثل قضای حاجت خارج می شود تطهیر نماید.(۱)

شخصـی از لثه هایش خون می‌آید، آیا می‌تواند دهان خود را در یک ظرف بشوید و بعد آن را در بیرون از مسـجد دور بریزد و یا تسریع در این امر واجب است و یا شستن دهان باید در بیرون از مسجد صورت بگیرد؟

اگر موجب تنجیس مسجد نمی‌شود، مانعی ندارد.(۲)

۱۸)گرفتن وضوی واجب

اگر مکان هایی برای وضو و شسـتن دسـتها و دندان ها در خارج از مسـجد فراهم شده باشد، آیا واجب است مکان خاصی در داخل مسجد تهیّه شود تا معتکف از مسجد خارج نشود؟

صرف نیـاز به خروج از مسـجد برای طهـارت و نظـافت برای جـواز خروج کـافی است و تهیّه مکـانی در داخـل مسـجد واجب نیست.(۳)

۱۹)متفرقه

---

۱- تبریزی (استفتائات جدید، ج۲، ص۱۴۰، س۶۶۰) . صافی (دفتر) : اگر نمی خواهد فعلا نماز بخواند، تطهیر فوری ضرورت نـدارد. نوری (هزار و یک مساله فقهی، ج۲، ص۹۵، م۲۶۴) : ازاله ضـرورت فوری نـدارد و فقط باید هنگام نماز، بدن و لباس پاک باشد.

۲- صافی (دفتر) .

۳- خامنه ای (سایت) .

معتکف وقتی برای توالت و یا گرفتن وضو به خارج مسجد می‌رود گاهی اتفاق می‌افتدکه تقریبا ده دقیقه یا بیشتر در صف نوبت می‌ایستد.آیا این عمل ضرری به اعتکاف می‌زند. با فرض اینکه رفع حاجت ضروری است و یا اینکه اگر بعداً وضو بگیرد، از نماز جماعت یا نماز اوّل وقت باز می‌ماند؟ آیا در آن مدّت می تواند کارهایی را انجام دهد، مثلا ظرف بشوید؟

اگر خروج برای گرفتن وضو یا توالت ضروری باشد و به غیر از اینکه درصف نوبت بایستد، راه دیگری نباشد اشکال ندارد لکن در آن مدّت اشتغال به کار دیگر برخلاف احتیاط است و باید ترک شود.(۱)

آیا معتکف میتواندجهت کمک به ستمدیده ومظلومی ازمسجدخارج شود؟

اگر فرد دیگری نتواند وظیفه او را انجام دهد، مانعی ندارد.(۲)

آیا معتکف می تواند با امر والدین، برای انجام کاری ازمسجد خارج شود؟

اگر اعتکاف وی مستحبی باشد روز اول ودوم می تواند.(۳)

شخصی مسئول پخش اذان در یک مسجدی است بطوری که غیر از او کسی دیگر برای این کار نیست، آیا در حال اعتکاف می تواند در اوقات اذان از مسجد خارج شود و اذان را پخش کند و برگردد؟

در فرض سؤال مانعی ندارد.(۴)

---

۱- صافی (دفتر) . سیستانی (دفتر) : خروج از محل اعتکاف برای وضوی نماز واجب اداء، جایز است هر چند، وقت نماز داخل نشده باشد و خارج شدن برای وضوی نماز واجب قضاء در صورتی که وقت قضاء وسعت داشته باشد، محل اشکال است. چنانچه شرایط برای وضو گرفتن در خود مسجد فراهم باشد فرد معتکف نمی‌تواند به خارج از مسجد برای وضو گرفتن برود.

۲- نوری (هزار و یک مساله فقهی، ج۲، ص۹۷، م۲۸۴) .

۳- نوری (هزار و یک مساله فقهی، ج۲، ص۹۸، م۲۸۵) .

۴- نوری (هزار و یک مساله فقهی، ج۲، ص۹۸، م۲۸۷) .

خروج معتکف برای استماع سخنان واعظ در یک مسجد دیگر (جامع یا غیرجامع) چه حکمی دارد؟

جایز نیست.(۱)

### ۳-۸-ملاک ضرورت و میزان خروج مجاز از مسجد

ملاـك ضـرورت و حاجت برای خارج شـدن از مسـجد چیست؟ مثلاً معتکف برای غسل واجب از مسـجد خارج می شود، آیا می تواند برای صابون زدن قدری تاخیر نماید؟

به مقـدار انجـام غسـل می توانـد خارج شود و تاخیر برای صابون زدن و امثال آن اشـکال دارد و در راه نبایـد توقّف کرد ولی دویدن لزومی ندارد.(۲)

آیا برای معتکف خروج از مسجد اگر کم باشد مثل چند قدم، اشکال دارد؟ خروج از مسجد برای معتکف جایز نیست چه کم باشد یا زیاد.(۳)

بیشترین حدّی که معتکف برای کار ضـروری می تواند در بیرون از مسـجد باشد و در اعتکافش خللی وارد نشود، چند ساعت می‌باشد؟

عرفی است و مقداری که عرفاً صدق اعتکاف نکند، مبطل است حتّی اگر ضرورت باشد.(۴)

آیا خیس کردن لباس یا دوش گرفتن در بیرون از مسجد بر اثر گرما یا عرق کردن، ضرورت محسوب می شود؟

---

۱- صافی (دفتر) .

۲- تبریزی (استفتائات جدید، ج۲، ص۱۳۷، س۶۳۸) .

۳- تبریزی (استفتائات جدید، ج۲، ص۱۳۷، س۶۳۹) .

۴- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص۵۳) .

خیر، مگر اینکه موقعیّت حادّی باشد که بدون آن احتمال خطر جانی یا ضرر قابل توجهی باشد.(۱)

### ۴-۸-مواردی که واجب است، معتکف از مسجد خارج شود

۱-۴-۸-انجام غسل واجب: طبق شرایط ذیل که بیان می‌شود.

۱-۱-۴-۸-محل انجام غسل واجب

اگر بر معتکف غسل واجب شود:(۲)

۱)اگر غسل کردن در مسجد مانع داشته باشد[غسل کردن مستلزم توقف در مسجد با جنابت یا مستلزم آلوده کردن مسجد است یا غسل جنابت در مسجد الحرام و مسجدالنبی] باید خارج شود و اگر خارج نشود اعتکافش باطل می شود زیرا توقّف جنب در مسجد حرام است.[هرچه با حال جنابت در مسجد توقف شود، جزو اعتکاف نیست].(۳)

---

۱- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص۵۵) .

۲- نوری: چنانچه مکث او در مسجد حرام نباشد مثل مستحاضه و کسی که غسل مس میت بر عهده او می‌باشد اگر بتواند در مسجد غسل کند و موجب تلویث مسجد نباشد باید در مسجد غسل کند و الا باید در خارج مسجد غسل کند لکن برای غسل مستحب نمی‌توان از مسجد خارج شد و چنانچه مکث در مسجد حرام باشد مثل جنب اگر زمان غسل کردن در مسجد اکثر از زمان خروج نباشد و بتواند در مسجد غسل کند و موجب تلویث مسجد نباشد باید در مسجد غسل کند و الا باید خارج شود و در خارج از مسجد غسل کند.

۳- امام خمینی (نقل به معنی از رساله نجاه العباد، ص۱۷۲، ترجمه تحریرالوسیله، ج۱، ص۳۴۹) / بهجت (استفتائات، ج ۲، ص۴۴۷و ۴۵۰/وسیله النجاه، ص۳۳۴، م۱۲۰۴، جامع المسائل، ج ۲، ص ۴۱) / تبریزی (استفتائات جدید، ج۱، ص ۱۵۵) /خامنه ای (دفتر) /سیستانی (منهاج الصالحین، ج۱، ص۳۴۴، م۱۰۷۳/دفتر) /فاضل (العروه الوثقی مع تعلیقات، ج۲، ص۷۳، الثامن) /مکارم (العروه الوثقی مع تعلیقات، ج۲، ص۹۰، م۳۱ و ص۸۴، الثامن) /نوری (التعلیقه علی العروه الوثقی، ج۱، الاعتکاف، الثامن و احکام الاعتکاف، م۹) . صافی (هدایهالعباد، ج۱، ص۲۳۹، م۱۴۱۳/دفتر) : جایز نیست در مسجد غسل کند و واجب است بدون تیمم از مسجد خارج شود و اگر در مسجدالحرام و یا مسجدالنبی باشد، فورا تیمم کند و خارج شود.

۲)اگر غسل کردن در مسـجد مانع نداشـته باشد[غسل کردن مستلزم توقف و معطلی در مسجد با جنابت یا مستلزم آلوده کردن مسـجد نیست و نیز عدم غسل جنابت در مسجد الحرام و مسجدالنبی]،(۱) بنابر احتیاط [مستحب] در مسجد غسل کند. اگر چه برای غسل کردن، بیرون رفتن جایز است.(۲)

---

۱- بهجت (استفتائات، ج۲، ص۴۴۷/جامع المسائل، ج۲، ص۳۳۴) : در صورت لزوم غسل، اگر خروج از مسجد ممکن است و زمان بیرون رفتن کمتر از زمان غسل کردن در مسـجد است، بیرون مسـجد غسل کند. تبریزی (منهاج الصالحین، ج۱، ص۲۹۵، م۱۰۷۳) : جایز نیست از مسـجد خارج شود. تبریزی (احکام بانوان، ص۱۸۱، م۲۹۰) : چنانچه مکث در مسـجد حرام باشد مثل جنب، اگر زمـان غسـل کردن در مسـجد بیشتر از زمان خروج نباشـد، بایـد در مسـجد غسل کنـد. سیسـتانی (منهاج الصالحین، ص۳۴۳، م۱۰۷۳/دفتر) : بنابراحتیاط واجب جایز نیست ازمسـجد خارج شود. مکارم (استفتائات جدید، ج ۲، ص۱۶۱، س۴۷۴) : غسل جنابت را نمی‌توان در مسـجد انجام دهد زیرا توقف در مسجد در حال جنابت حرام است ولی غسل های دیگر اشکالی نـدارد مشـروط بر اینکـه در جـایی باشـد کـه مزاحمـتی برای نمـازگزاران ایجـاد نکنـد. صـافی (هـدایه العبـاد، ج ۱، ص۲۳۸، م۱۴۱۳و۱۴۰۳/دفتر) : صـحیح است در مسـجد غسل کنـد. (اگر امکان غسل در مسـجد، به مـدت زمان غسل در بیرون مسـجد وجود داشته باشد.)

۲- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ج۱، ص۳۴۷، رساله نجاه العباد، ص۱۷۲) .

تـاخیر غسـل جنـابت، حرام است و موجب بطلاـن اعتکـاف می شود ولی تاخیر غسل واجب مس میّت، موجب بطلان اعتکاف نمی شود.(۱)

غسـل[جنابت] کردن در مسـجد الحرام و مسـجد النبی جایز نیست. در صورت جُنب شـدن در این دو مسـجد فوراً تیمم کنـد و بلافاصله خارج شود.(۲)

۲-۴-۸-پرداخت بدهی: اگر نتواند در مسجد آن را بپردازد.

اگر معتکف مدیون باشد و برای پرداخت دِین از مسجد خارج شود، اعتکافش چه حکمی دارد؟

اشکال ندارد.(۳)

خروج از مسجد جهت ادای دین و وفای به عهد چه حکمی دارد؟

خروج از مسجد برای مطلق کارهای ضروری و راجح مانعی ندارد.(۴)

۳-۴-۸-انجام واجب دیگری که لازم باشـد از مسـجد خارج شود: مانند زنی که دچار عادت زنانگی شود.(۵) هرگاه معتکف به سبب بیماری نتواند در مسجد بماند، باید بیرون برود.

**۵-۸-خارج نشدن از مسجد، در صورت وجوب خروج**

---

۱- صافی (دفتر) . نوری (هزار و یک مساله فقهی، ج۲، ص۹۹، م۲۹۰) : با تأخیر غسل واجب مثل غسل جنابت یا مسِّ میت در حـالِ اعتکـاف، اعتکاف باطل نمیشود ولی مانـدن جنب در مسـجد حرام است؛ البته در صورتی که عمـداً با حال جنابت صـبح کند اعتکاف باطل می شود.

۲- امـام خمینی (ترجمـه تحریرالوسـیله،ج۱، ص۳۴۷، نجـاه العبـاد، ص۱۷۲) /بهجـت (اسـتفتائات،ج۲، ص۴۵۰) / صـافی (هدایهالعباد، ج۱، ص۲۳۸) .

۳- مکارم (استفتائات جدید، ج ۲، ص ۱۶۴ س۴۹۱/اعتکاف عبادتی کامل، ص۱۱۹)

۴- صافی (دفتر) .

۵- العروه الوثقی (ج۲، ص۲۵۰) .

کسی که خارج شدن از مسجد بر او واجب شده باشد، برای پرداخت قرض یا برای واجب دیگری که بدون بیرون رفتن ممکن نباشد، ولی خارج نشود، هرچند گناه کرده است ولی اعتکاف باطل نیست مگر کسی که با حال جنابت در مسجد توقّف کند.(۱)

### ۶-۸-اموری که معتکف در بیرون از مسجد باید رعایت کند

۶-۸-اموری که معتکف در بیرون از مسجد باید رعایت کند(۲)

۱)بیش از مقدار ضرورت بیرون مسجد ماندن، جایز نیست.(۳)

۲)نشستن زیر سایه جایز نیست مگر در حال ضرورت و احتیاط [واجب] عدم نشستن حتی در زیر آفتاب است مگر به مقدار ضرورت.(۴)

---

۱- امام خمینی (التعلیقه علی العروه الوثقی، ص۵۹۱) /بهجت (استفتائات، ج۲، ص۴۴۶/جامع المسائل، ج ۲، ص ۵۲) /صافی (دفتر) /مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص۸۴) /العروه الوثقی (ج۲، ص۲۵۶) .

۲- روایات: امام صادق علیه السلام: «چون از مسجد خارج شوی زیر سایه منشین تا برگردی». (کافی (ط-اسلامیه) ، ج۴، ص۱۷۸، وسائل الشیعه (ط-آل البیت) ، ج۱۰، ص ۵۵۰) .

۳- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ج۱، ص۳۴۸) /بهجت (وسیله النجاه، ص ۳۳۴) /خامنه ای (سایت) / سیستانی (منهاج الصالحین، ج۱، ص۳۴۳) /صافی (هدایهالعباد، ج۱، ص۲۳۹/دفتر) /فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص۵۲) /مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص۸۵) /نوری (دفتر)

۴- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ص۳۴۸) /بهجت (وسیله النجاه، ج۱، ص۳۳۴) / خامنه ای (سایت/دفتر) /سیستانی (منهاج الصالحین، ص۳۴۳، م۱۰۷۲/دفتر) /صافی (دفتر/هدایه العباد، ج۱، ص۲۳۹/دفتر) /فاضل (العروه الوثقی مع تعلیقات، ج۲، ص۷۹، م۳۵) /نوری (دفتر) . مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص۸۵) : در صورت امکان نباید در زیر سایه ای بنشیند بلکه مطلقا در جایی ننشیند. زیر سایه ایستادن اشکالی ندارد. تبریزی (منهاج الصالحین، ج۱، ص۲۹۵، م۱۰۷۲: بنابر احتیاط واجب در بیرون مسجد ننشیند و اگر اضطرار به نشستن پیدا کرد، در صورت امکان در سایه ننشیند. نوری (دفتر) : در بیرون مسجد ننشیند و اگر اضطرار به نشستن پیدا کرد، در صورت امکان در سایه ننشیند.

۳)احتیاط[مستحب] ترک زیر سایه راه رفتن است.(۱)

۴)بنابراحتیاط واجب نزدیکترین راه [از لحاظ زمانی،نه مسافتی] انتخاب شود.(۲)

معتکف احتیاج به طهارت پیدا می کند و مجبور است خارج مسجد برود، اگر طهارت در نزدیک ترین محل، مستلزم توقّف زیاد در خارج مسجد باشد، می تواند به جایی دیگر برود که زمان کمتری معطل می شود؟ مانعی ندارد.(۳)

کسی که برای کار ضروری از مسجد خارج می شود و دو راه را برای رسیدن به مقصد خود دارد، آیا ارجحیتی بین این دو راه وجود دارد؟

الف: مسیر راه در زیر سایه نیست ولی راه طولانی تر از راه دوّم است.

---

۱- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ج۱،ص۳۴۸) /خامنه ای (سایت) /صافی (هدایهالعباد، ج۱، ص۲۳۹/ دفتر) /فاضل (جامع المسائل، ج۱، ص۱۶۰/اعتکاف و احکام آن، ص۵۲) /العروه الوثقی (ج۲، ص۲۵۶) . سیستانی (التعلیقه علی العروه الوثقی، ج۲، ص۹۲، م۳۵/دفتر) /تبریزی (منهاج الصالحین، الاعتکاف، م۱۰۷۲) /مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص۸۵/التعلیقه علی العروه الوثقی، ج۲، ص۹۲، م۳۵/سایت) / نوری (دفتر) : زیر سایه راه رفتن اشکال ندارد. بهجت (وسیله النجاه، ص۳۳۴، جامع المسائل، ج۲، ص۴۳/دفتر) : احتیاط واجب ترک زیر سایه راه رفتن است.

۲- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ص۳۴۸) /خامنه ای (سایت/دفتر) /سیستانی (منهاج الصالحین، ص۳۴۳/دفتر) /صافی (هدایهالعباد، ج۱، ص۲۳۹/دفتر) /فاضل (العروه الوثقی مع تعلیقات، ج۲، ص۷۹، م۳۵) /العروه الوثقی (ج۲، ص۲۵۶) /نوری (دفتر) . بهجت (وسیله النجاه) ، ص ۳۳۴: نزدیک ترین راه را انتخاب کند. مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص۸۵) : انتخاب نزدیکترین راه واجب نیست، مگر آنکه اختلاف دو راه بسیار زیاد باشد.

۳- تبریزی (رساله احکام بانوان، ص۱۷۸، م۲۷۲) /نوری.

ب: مسیر راه در زیر سایه است ولی راه کوتاه تر از راه اوّل است.

مسیر کوتاه تر را انتخاب کند.(۱)

## ۷–۸–طولانی شدن خروج از مسجد در موارد مجاز

اگر خارج شدن در موارد مجاز به قدری طول بکشد که دیگر عرفاً صورت اعتکاف به هم بخورد، اعتکاف باطل خواهد شد.(۲)

کسی از مسجد بیرون می‌رود، موقع بازگشت هرچه در می‌زند، در را باز نمی‌کنند و بیرون ماندن از مسجد، چهار ساعت طول می‌کشد، آیا اعتکافش باطل می شود؟

اگر عرفاً صورت اعتکاف به هم بخورد، اعتکاف فاسد می شود.(۳)

## ۸–۸–ایجاد مانع جهت ادامه اعتکاف

اگر فرد در مسجدی اعتکاف کند و مانعی از ادامه ماندن در آن مسجد پیش آید که نتواند اعتکاف را تمام کند، مثل خرابی یا ترس، اعتکاف باطل می شود

---

۱– فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص۵۶) .

۲– امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ص۳۴۹) /بهجت (استفتائات، ج ۲، ص۴۴۵/وسیله النجاه، ص۳۳۲/جامع المسائل، ج ۲، ص۴۰) /سیستانی (منهاج الصالحین، ج۱، ص۳۴۴/دفتر) /صافی (هدایهالعباد، ج۱، ص ۲۴۰) /فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص۵۳) /مکارم (استفتائات جدید، ج ۲، ص ۱۶۳ س ۴۹۰) / العروه الوثقی (ج۲، ص۲۵۷، م۳۶) .

۳– فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص۵۶) .

و نمی‌توان در مسجد جامع دیگری، ادامه دهد.(۱) ادامه اعتکاف بعد از برطرف شدن مانع در همان مسجد نیز، صحیح نیست.(۲)

## محرّمات اعتکاف

### اشاره

از وجوه تمایز اعتکاف در اسلام و سایر ادیان، محرّمات اعتکاف، یعنی اموری که بر معتکف حرام است، می باشد که عبارتند از:

### ۱-لذّتهای جنسی

تمتع از همسر با آمیزش یا(۳)لمس و بوسه از روی شهوت و بنابراحتیاط واجب استمناء، هرچند ازراه حلال، مانند بازی یا نظر به همسر، چه در شب و چه در روز اعتکاف را باطل می کند و فرقی بین مرد و زن نیست.(۴)

«در حالی که در مساجد معتکف هستید، با زنان آمیزش نکنید». (بقره: ۱۸۷)

نگاه شهوانی به همسر اشکال ندارد، هرچند احتیاط ترك آن است.(۵)

---

۱- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ج۱، ص۳۴۸) /بهجت (وسیله النجاه، ص۳۳۳) /سیستانی (منهاج الصالحین، ج۱، ص۳۴۳) /صافی (هدایهالعباد، ج۱، ص۲۳۹/دفتر) /مکارم (العروه الوثقی مع التعلیقات، ج۲، ص۸۸، م۱۹) /العروه الوثقی (ج۲، ص۲۵۴، م۱۹) . مکارم (العروه الوثقی مع التعلیقات، ج۲، ص۸۸، م۱۹) : مگر آنکه دو مسجد متصل به هم باشند.

۲- صافی (دفتر) .

۳- سیستانی (منهاج الصالحین، ج۱،ص۳۴۵/دفتر) /بهجت (استفتائات،ج ۲، ص ۴۵۰/وسیله النجاه، ص ۳۳۶) /مکارم (استفتائات جدید، ج۲، ص۱۶۶، س۵۰۲/اعتکاف عبادتی کامل، ص۸۹) : بنابر احتیاط واجب .

۴- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ج۱، ص۳۵۰) /بهجت (وسیله النجاه، ص۳۳۶/استفتائات، ج ۲، ص ۴۵۰) /سیستانی (منهاج الصالحین، ج۱، ص۳۴۵) /صافی (هدایهالعباد، ج۱، ص۲۴۰) /فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص۲۶) /مکارم (استفتائات جدید، ج۲، ص۱۶۶، س۵۰۲ و ۵۰۴/اعتکاف عبادتی کامل، ص۸۹) .

۵- امام خمینی (التعلیقه علی العروه الوثقی، ص۵۹۳) /فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۲۶) / سیستانی (التعلیقه علی العروه الوثقی، ج۲، ص ۴۹۱، احکام الاعتکاف/دفتر) /صافی (دفتر) /مکارم (العروه الوثقی مع التعلیقات، ج۲، ص۹۴/اعتکاف عبادتی کامل، ص۸۹) /العروه الوثقی (ج۲، ص۲۵۹) . خامنه ای (دفتر) : نگاه شهوت انگیز موجب بطلان اعتکاف نمی‌شود. نوری (دفتر) : نگاه شهوانی به همسر اشکال ندارد.

صحبت تلفنی از روی شهوت با همسر اشکال ندارد.(۱)

اگر معتکف عادت داشته باشد که در حال استمتاع یا راه دادن بعضی فکرها، خود به خود از او منی خارج می شود. اگر با این کارها منی از او خارج شود چه حکمی دارد؟ اگر عادت نداشته باشد و منی بیرون بیاید چطور؟ اگر عادت داشته باشد ولی منی بیرون نیاید، چه حکمی پیدا می کند؟

اگر تعمّدی در بین نباشد و بی اختیار باشد، اشکال ندارد.(۲)

اگر معتکف عادت به این داشته باشد که اگر فکر کند، جنب می شود، و اگر در اعتکاف به فکری فرو رفت و بعد از حرکت منی خارج نشد و جذب شد، حکم اعتکاف او چگونه است؟

چنانچه احتمال خروج منی را بدهد، روزه اش باطل و اعتکافش نیز باطل می شود.(۳)

---

۱- صافی (دفتر) .

۲- صافی (دفتر) . نوری (هزار و یک مساله فقهی، ج۲، ص۹۹) : اگر عادتش این باشد که با استمتاع از بعضی فکرها، منی از او خارج می شود و منی خارج شود، اعتکاف و روزه باطل است. اگر به قصد بیرون آمدن منی کاری انجام دهد، روزه و اعتکاف باطل است، چه منی خارج شود یا خارج نشود.

۳- تبریزی (استفتاءات جدید، ج ۲، ص ۱۴۰) .

## ۲-بوییدن عطر و هر بوی خوش و گیاه معطّر همراه با لذت

### اشاره

۲-بوییدن عطر و هر بوی خوش و گیاه معطّر همراه با لذت(۱)

بوییـدن بوی خوش و گیاه معطّر از روی لـذّت حرام است ولی اگر معتکف بوی عطریات را حس کند ولی از بوییدن عطریات لذّت نبرد، بوییدن اشکال ندارد.(۲)

### ۲-۱-بوییدن بوی خوش توسط فرد فاقد حس بویایی

کسی که حس بویایی ندارد مشمول این حکم[حرمت بوییدن عطر و ریحان] نیست.(۳)

---

۱- روایات: امام صادق علیه السلام: «معتکف بوی خوش استشمام نمیکند و از گیاهان خوشبو لذت نمی برد و خرید و فروش نمی کند». (الاستبصار، ج۲، ص۱۲۹/من لایحضره الفقیه، ج۲، ص۱۸۶/کافی (ط-اسلامیه) ، ج۴، ص۱۷۸) .
۲- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ج۱، ص۳۵۰/التعلیقه علی العروه الوثقی، ص۵۹۳، احکام الاعتکاف) /بهجت (وسیله النجاه، ص ۳۳۶) . سیستانی (منهاج الصالحین، ج۱، ص۳۴۶/دفتر) : بوییـدن عطریـات مطلقاً چه از بوییـدنش لـذّت ببرد و چه لـذّت نبرد، جایز نیست و بوییدن گیاهان خوشبو در صورتی که از بوییدن آن لذّت ببرد جایز نیست و اگر از بوییدن آن لذت نمی‌برد اشکال نـدارد. صافی (دفتر) : نسبت به عطریات، اعتبار تلـذّذ در حرمت، محل تامّل است ولی در مورد گل ها بعید نیست حرمت مخصوص به مورد التـذاذ باشـد. مکارم (استفتاءات جدید، ج ۲، ص ۱۶۵، س۴۹۹) : بوییـدن عطرّیات و بوهای خوش، هرچنـد بـه قصـد لـذّت نباشـد، برای معتکـف حرام اسـت. فاضـل (العروه الـوثقی مع تعلیقـات، ج۲، ص۸۱، احکام الاعتکاف/اعتکاف و احکام آن، ص۲۶) : بنابر احتیاط واجب جایز نیست.
۳- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ص۳۵۰) /خامنه ای (سایت) /صافی (دفتر) /فاضل (العروه الوثقی مع تعلیقات، ج۲، ص۸۱، احکام الاعتکاف) .

آیا استفاده از کِرِم، پماد یا صابون بودار برای معتکفی که حسّ بویایی ندارد، اشکال دارد؟

اشکالی ندارد.(۱)

بوییدن بوهای خوش و اشیای معطّر برای معتکفی که بر اثر سرماخوردگی و مانند آن، بوها را به خوبی تشخیص نمی‌دهد، چه حکمی دارد؟

اگر به هیچ وجه بو را تشخیص ندهد، اشکال ندارد.(۲)

## ۲-۲-استفاده از مواد بهداشتی، آرایشی و خوراکی های معطّر

آیا معتکف می تواند از مواد شوینده خوشبو مانند صابون (مایع یا جامد)، شامپو، خمیردندان خوشبو استفاده نماید؟

شمّ طیب حرام است.(۳)

اگر کسی صورتش را با صابون بودار بشوید، آیا باید جلوی تنفسش را بگیرد؟

خیر، امّا اگر بوی آن شدید است، باید آن بو را برطرف کند.(۴)

---

۱- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص۶۰) .

۲- مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص۱۲۴) .

۳- خامنه ای. سیستانی (دفتر) : مانعی ندارد. فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص۶۳) : اگر صدق بوی خوش و استعمال عطر کند، حرام است و بنا بر احتیاط، سبب بطلان اعتکاف نیز می شود ولی اعتکاف را تمام و اگر واجب بوده، اعاده نماید. مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص ۱۲۳) : بنابر احتیاط [واجب] پرهیز کند.

۴- فاضل (اعتکاف واحکام آن، ص۶۱) .

اگر فردی برای اینکه مطمئن شود که صابون او بو می‌دهد یا نه، صابونش را بو کند و صابون او بودار باشد، آیا اعتکافش باطل می شود؟ آیا کارحرام انجام داده است؟

خیر باطل نمی شود و برای آزمایش هم حرام نیست.(۱)

چون غالب مواد آرایشی بانوان دارای بوی خوش است، آرایش نمودن زن معتکف چه حکمی دارد؟

اشکال دارد.(۲)

استفاده از غذاها، میوه ها، مواد شوینده و لوازم آرایشی معطّر، دستمال کاغذی های معطّر و هر چیز معطّر هرچند جزو عطریات و بوی خوش به شمار نرود، برای معتکف چه حکمی دارد؟

در صورتی که عرفاً جزو عطریات محسوب نشود مانعی ندارد، ولی بهتر پرهیز از آن است.(۳)

آیا خوردن آدامسهایی با طعمهای تند و بودار در اعتکاف اشکال دارد؟

اگر صدق بوی خوش واستعمال عطر کند، حرام است.(۴)

### ۳-۲-استعمال عطر جهت نماز و مسجد

اگر معتکف جهت استحباب استفاده از عطر، در نماز خود را معطّر کند (نه برای لذّت بردن از بوی آن)، آیا مرتکب عمل حرام شده است؟

ظاهرا اگر بوییدن صادق نباشد، حرام نیست.(۵)

---

۱- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۶۱) .

۲- مکارم (احکام بانوان، ص۱۲۴) .

۳- مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص۱۲۳) .

۴- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص ۶۲) .

۵- بهجت (استفتائات، ج ۲، ص۴۴۶) .

در مساجد معمولاً عطر می‌زنند و گریزی از آن نیست وظیفه معتکف چیست؟

عمداً استنشاق نکند.(۱)

بعضی از غیرمعتکفین که به مسجد می‌آیند، عطر زده اند. استشمام آن برای معتکف چه حکمی دارد؟

اگر شمّ طیب صدق نکند، اشکال ندارد.(۲)

### ۴-۲-بطلان اعتکاف در صورت بوییدن بوی خوش

آیا بو کردن عطر و گلاب، اعتکاف را باطل می کند؟

بنابر احتیاط واجب باطل می شود. (اگر با تلذّذ باشد بنابر احتیاط واجب، در صورت وجوب اعتکاف، آن را تمام کند و سپس قضا کند.)(۳)

---

۱- مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص۱۲۳/سایت) .

۲- خامنه ای. سیستانی (دفتر) : استشمام بوی عطر آنان جایز نیست ولی احساس بوی عطر ظاهراً مانعی ندارد و لازم نیست بینی خود را بگیرد.

۳- بهجت (استفتائات، ج۲، ص۴۵۰) /صافی (دفتر) . تبریزی (منهاج الصالحین، ج۱، ص۲۹۷، م۱۰۸۰) : بطلان اعتکاف محل اشکال است (هرچند بر معتکف حرام است، لکن اگرمعتکف در روز سوّم این کار را کرده، باید اعتکافش را تمام کند) سیستانی: باطل می کند. فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص۶۲) : رسیدن عطر به بینی بنابر احتیاط واجب، اعتکاف را باطل می کند ولی اگر بی اختیار باشد، حرام نیست.

آیا بوییدن عرقیات بودار مثل گلاب و عرق نعنا یا خوردن آن یا رسیدن بوی آن به مشام هنگام افطار در اعتکاف، باعث بطلان اعتکاف می شود؟ آیا کار حرام انجام داده است؟

بلی حرام بوده و بنا بر احتیاط واجب اعتکاف را باطل می کند ولی اعتکاف را تمام و اگر واجب بوده، اعاده نماید.(۱)

اگر بوی عطری که دیگران استعمال کرده اند به مشام معتکف برسد، آیا باید از رسیدن بو به بینی، جلوگیری کند؟

بلی.(۲)

اگر معتکفی در فرض سابق، از رسیدن بو به بینی جلوگیری نکرده و طبیعتاً از آن بو لذّت برده، آیا اعتکافش باطل است؟ آیا کار حرامی انجام داده است؟

اگر بو نکرده، اعتکاف او باطل نیست ولی اینکه جلوگیری نکرده، کار حرامی مرتکب شده و باید توبه کند.(۳)

معتکفی به تصوّر اینکه بوییدن عطر فقط در حال روزه در اعتکاف، اشکال دارد، بعد از افطار بوی عطر را استشمام کرده است.آیا این کار باعث بطلان اعتکاف می شود؟ آیا کار حرام انجام داده است؟

اگر نمی‌دانسته مرتکب حرام نشده ولی بنابراحتیاط واجب اعتکافش باطل شده است. درعین حال اعتکاف را تمام کند و اگر واجب بوده، مجدداً انجام دهد(۴)

---

۱- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص۶۳) .
۲- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص۶۰) .
۳- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص۶۰) .
۴- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص۶۱) .

کسی که قبل از اعتکاف به لباسهایش عطر زده است، آیا برای اعتکاف باید لباسش را عوض کند؟

در صورتی که موجب بوییدن بوی خوش شود، باید عوض کند.(۱)

### ۳-مجادله و مناقشه

در امر دنیوی یا دینی اگر به خاطر غلبه کردن بر طرف مقابل و اظهار فضیلت باشد حرام است ولی اگر به خاطر اظهار حق و برگرداندن طرف از خطا باشد، اشکالی ندارد. معیار تشخیص آن قصد و نیّت شخص است. در این امور فرقی بین روز و شب نیست.(۲)

امام باقر علیه السلام: «معتکف، مجادله نمی کند».(۳)

اگر مباحثه علمی در حال اعتکاف به جرّ و بحث منجر شود، آیا موجب باطل شدن اعتکاف است؟

اگر برای غلبه بر خصم و امر باطل باشد جایز نیست و اگر به قصد اظهار حق و ردّ کردن فرد مقابل از خطا باشد، مانعی ندارد.(۴)

### ۴-مبطلات روزه

در حال روزه، معتکف باید از مبطلات روزه اجتناب نماید. بعضی از این مبطلات با محرّمات اعتکاف مشترک هستند.

---

۱- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص۶۲) .

۲- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ج۱، ص۳۵۰) /بهجت (استفتائات، ج ۲، ص۴۴۶/وسیله النجاه، ص ۳۳۶) /خامنه ای (سایت) /سیستانی (منهاج الصالحین، ج۱، ص۳۴۶) /صافی (هدایهالعباد، ج۱، ص۲۴۰) / فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص۲۶) /مکارم (استفتائات جدید، ج ۲، ص ۱۶۵، س۵۰۱) .

۳- کافی (ط-اسلامیه) ج۴، ص۱۷۸.

۴- بهجت (استفتائات، ج۲، ص۴۴۶) .

## ۵-خرید و فروش

### اشاره

۵-خرید و فروش(۱): خریـد و فروش و بنابر احتیاط واجب انواع تجارت ماننـد صـلح، اجاره و معاوضه بر معتکف حرام است، مگر ضرورتی پیش آید [و نتواند وکیل بگیرد]، ولی معامله باطل نیست.(۲)

در عدم جواز معامله برای معتکف، بین معامله نقد و نسیه فرق نیست.(۳)

اگر معتکف در معامله پول ندهـد و نسیه بخرد یا بفروشـد (مثلاً اسـمش را روی کاغـذ مخصوص می نویسد) و یا برای معامله نائب بگیرد، یا پول را به دست خود فروشـنده ندهـد، یا مسـتقیماً از دست خریـدار پول نگیرد (مثل اینکه صـندوق مخصوصـی برای اینکار گذاشته باشند)اعتکاف چه حکمی پیدا می کند؟

اگر عرفاً صدق بیع و شرا نماید، اشکال دارد.(۴)

آیا خرید و فروش (جنس ضروری و غیر ضروری)در اعتکاف باعث بطلان اعتکاف می شود؟ آیا کار حرام انجام داده است؟

---

۱- روایـات: امـام بـاقر علیه السـلام: «معتکـف، حق نـدارد بخرد و بفروشـد و وارد معـامله شـود». (کـافی (ط-اسـلامیه) ، ج۴، ص۱۷۸/من لا یحضره الفقیه، ج۲، ص۱۸۶/الاستبصار، ج۲، ص۱۲۹)

۲- امـام خمینی (ترجمـه تحریرالوسـیله، ج۱، ص۳۵۰) /بهجـت (اسـتفتائات، ج ۲، ص ۴۴۷/وسـیله النجاه، ص۳۳۶) /سیستانی (منهاج الصالحین، ج۱، ص۳۴۶) /صافی (هـدایهالعباد، ج۱، ص۲۴۰/دفتر) / فاضـل (العروه الوثقی مع التعلیقـات، ج۲، ص۹۵) /نوری (دفـتر) / العروه الوثقی (ج۲، ص۲۵۹، احکام الاعتکاف) . مکارم (اسـتفتائات جدیـد، ج ۲، ص ۱۶۶، س۵۰۰/اعتکاف عبادتی کامل، ص۹۰) : خرید و فروش، بلکه مطلق تجارت، با نبودن ضرورت برای معتکف، بنابر احتیاط واجب حرام است.

۳- تبریزی (استفتائات جدید، ج۲، ص۱۳۹) .

۴- نوری (هزار و یک مساله فقهی، ج۲، ص۹۶، م۲۷۳) .

خرید و فروش بدون ضرورت از محرّمات اعتکاف است و بنابر احتیاط، انجام آن موجب بطلان اعتکاف می شود.(۱)

### ۱-۵-موارد مجاز خرید و فروش در اعتکاف

اگر جهت خوردن و نوشیدن نیاز به خرید و فروش باشد و نتواند وکیل بگیرد و نقل و انتقال بدون خرید و فروش [مانند هدیه یا قرض گرفتن] هم ممکن نباشد، در این صورت خرید و فروش مانعی ندارد.(۲)

آیا معتکف می تواند در شرایط اضطرار، خرید و فروش نماید؟

در صورتی که ناچار باشد مانعی ندارد.(۳)

آیا معتکف می تواند خودش اقدام به خرید کند، ضروری یا غیر ضروری؟

---

۱- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص۶۳) .

۲- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ج۱، ص ۳۵۰) /سیستانی (منهاج الصالحین، ج۱، ص۳۴۶/دفتر) / صافی (دفتر) /مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص۹۱) . بهجت (وسیله النجاه، ص ۳۳۶/دفتر) : ولی بنابر احتیاط، رعایت اقتصار را بکنند. اگر توکیل یا نقل به غیر ممکن باشد، احتیاط واجب آنها را اختیار کند. فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص۲۶) : اگر برای غذا و نیازهای روزانه ناچار باشد و نتواند کسی را وکیل در خرید کند، می‌تواند به مقدار حاجت خرید کند و حرام نیست.

۳- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ج۱، ص ۳۵۰) . بهجت (وسیله النجاه، ص ۳۳۶) /تبریزی (منهاج الصالحین، ج۱، ص۲۹۶) /مکارم (العروه الوثقی مع التعلیقات، ج۲، ص۹۵) : جهت خوردن ونوشیدن، در صورت اضطرار و عدم امکان توکیل یا نقل به غیر بیع (به شخص دیگری وکالت دهد تا از طرف او خرید و فروش کند یا به غیر از خرید و فروش، مثلاً با بخشش نقل و انتقال کنند) ، خرید و فروش اشکالی ندارد.

اگر برای خریـد نیازمنـدی های اعتکاف باشد فی نفسه مانعی ندارد و جایز نیست معتکف خودش اقدام به خرید و فروش کند مگر در مواردی که در حال اعتکاف به آنها نیاز دارد.(۱)

موارد ضروری که خرید و فروش درآنها برای معتکف جایز است، چیست؟ مواردی که در هنگام اعتکاف برای خودش و نفقه خانواده اش به آن نیاز دارد.(۲)

آیا جایز است که معتکف، کسی را برای خرید چه ضروری و چه غیر ضروری وکیل نماید؟

اگر برای خریـد نیازمنـدی های هنگام اعتکاف باشد، اشـکال ندارد، امّا در غیر آن موارد، اگر وکیل کردن در هنگام اعتکاف باشد اشکال دارد.(۳)

آیا می‌توان به کسـی پول داد تا ازمسـجد خارج شود و برای معتکف خریـد کند؟ آیا بین خرید جنس ضـروری و غیرضـروری فرق است؟

مانعی ندارد. مباشرت در خرید و فروش حرام است امّا وکالت دادن درآن اشکال ندارد.(۴)

آیا پول دادن به حمامی برای استحمام در طول اعتکاف اشکال دارد؟ اجرت دادن حمامی در حال اعتکاف، اشکال ندارد.(۵)

---

۱- خامنه ای (سایت) .

۲- خامنه ای (سایت) .

۳- خامنه ای (سایت) .

۴- فاضـل (اعتکاف و احکام آن، ص۶۳) . مکارم (اسـتفتائات جدید، ج۳، ص۱۰۷) : آنچه ضـروری است مانعی ندارد مانند لوازم مورد نیاز، شامپو و خمیر دندان

۵- خامنه ای/مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص۱۲۲) .

پول دادن به افراد جهت تهیّه بعضـی احتیاجـات و نیازمنـدی ها، مثل خمیر دنـدان، شامپو، آیا در حکم خریـد و فروش و مبطل اعتکاف است؟

اشکال ندارد.(۱)

اگر معتکف بعد از اعتکاف، نیاز به کالایی داشته باشد. آیا جایز است که در هنگام اعتکاف آن را تقاضا کند و گرفتن کالا، بعد از اعتکاف باشد؟

اگر باعث خارج شدن از مسجد نشود، صرف قرار گذاشتن بدون عقد خرید، اشکال ندارد.(۲)

اگر معتکف در معامله ای پول نپردازد بلکه جنس را نسیه بخرد یا نسیه بفروشد یا برای معامله نایب بگیرد، یا پول را به دست خود فروشنده ندهد، یا مستقیماً پول از دست خریدار نگیرد، اعتکاف چه حکمی پیدا می کند؟

خریـد و فروش، بلکـه مطلق تجـارت، بـا نبـود ضــرورت برای معتکـف حرام است ولی اگر دیگری را نـایب بگیرد اشــکالی ندارد.(۳)

## ۲-۵-گرفتن و دادن قرض در اعتکاف

معتکف از کسی طلبکار است، آیا می تواند طلب خویش را بازستاند؟

مانعی ندارد.(۴)

دادن و گرفتن قرض در حال اعتکاف، چه حکمی دارد؟

اشکال ندارد.(۵)

---

۱- خامنه ای/مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص۱۲۳) : آنچه ضروری است، مانعی ندارد.

۲- خامنه ای (سایت) .

۳- مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص۱۲۲) .

۴- مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص ۱۲۲/سایت) .

۵- صافی (دفتر) .

### ۳-۵-عقود دیگر در اعتکاف

آیا اجرای دیگر عقود و ایقاعات [به جز معاملات] در هنگام اعتکاف جایز است؟

مانعی ندارد.(۱)

### حکم انجام محرّمات اعتکاف به صورت عمد

انجام محرّمات اعتکاف سه پیامد منفی به دنبال دارد:

الف)گناه، پس باید فوراً توبه نموده و از خداوند طلب گذشت نماید.

ب)بطلان اعتکاف و لزوم قضای آن در برخی موارد.

ج)کفّاره (در جماع)

۱-لذّت های جنسی: جماع و(۲)لمس و بوسه از روی شهوت و بنابر احتیاط واجب استمناء، هرچند از راه حلال، مانند بازی با همسر، چه در شب و چه در روز اعتکاف را باطل می کند و فرقی بین مرد و زن نیست.(۳)

با انجام جماع در اعتکاف واجب (اعتکافی که از ابتدا واجب بوده یا روز سوّم اعتکاف مستحب)کفاره واجب می شود و همچنین در اعتکاف مستحب بدون دست برداشتن از اعتکاف، بنابر احتیاط واجب کفّاره واجب می شود؛ امّا

---

۱- خامنه ای (سایت) . نوری (دفتر) : هر عقدی که برای سود بردن باشد، اشکال دارد.

۲- بهجت (استفتائات، ج ۲، ص ۴۵۰و۴۴۶/وسیله النجاه، ص ۳۳۶) /سیستانی (منهاج الصالحین، ج۱، ص۳۴۵/دفتر) /مکارم (استفتائات جدید، ج۲، ص۱۶۶، س۵۰۲) : بنابر احتیاط واجب.

۳- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله،ج۱،ص ۳۵۰) /بهجت (وسیله النجاه،ص۳۳۶/استفتائات،ج ۲، ص ۴۵۰) /خامنه ای (سایت) /سیستانی (منهاج الصالحین، ج۱، ص۳۴۵) /صافی (هدایهالعباد،ج۱، ص ۲۴۰/ دفتر) /فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص۲۶و۵۹) /مکارم (استفتائات جدید، ج۲، ص۱۶۶، س۵۰۲ و ۵۰۴) / نوری (هزار و یک مساله فقهی، ج۲، ص۹۹، م۲۸۹/دفتر) .

اگر با دست برداشتن از اعتکاف جماع کند، کفاره ندارد، اگرچه احتیاط مستحب است.(۱)

معتکف اگر از روی سهو هم جماع کند، اعتکافش باطل است.(۲)

حرمت جماع از سه جهت است:

۱-مکان اعتکاف؛ ۲-روزه؛ ۳-خود اعتکاف

۲-مبطلات روزه: باطل کننده اعتکاف است. اگر روزه باطل شود، اعتکاف هم باطل می شود.(۳)

۳-معامله: [در موارد غیر ضروری] بنابر احتیاط واجب باطل کننده اعتکاف است.(۴)

۴-شمّ طیب: بوییدن عطریّات و بوی خوش همراه با لذت اعتکاف را باطل می کند.(۵)

---

۱- امام خمینی (التعلیقه علی العروه الوثقی، ص۵۹۵) .
۲- امام خمینی (التعلیقه علی العروه الوثقی، ص۵۹۴) /خامنه ای/صافی (هدایهالعباد، ج۱، ص۲۴۱) /فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص۲۷) .
۳- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ج۱، ص۳۵۱/التعلیقه علی العروه الوثقی، ص۵۸۶) / صافی (دفتر) /فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص۲۶) /مکارم (اعتکاف عبادتی کامل فصل احکام، ص۱۲۵/استفتائات جدید، ج۲، ص۱۶۶) /نوری (هزار و یک مساله فقهی، ج۲، ص۹۹، م۲۸۹) / العروه الوثقی (ج۲، ص۲۴۷، الرابع) .
۴- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ج۱، ص۳۵۱/ التعلیقه علی العروه الوثقی، ج۲، ص۵۹۴) / فاضل (اعتکاف و احکام آن، ۲۷) /نوری (هزار و یک مساله فقهی، ج۲، ص۹۹، م۲۸۹) . بهجت (استفتائات، ج ۲، ص ۴۴۷) : بنابر احتیاط باطل کننده اعتکاف است به معنای مراعات احتمال صحّت و بطلان هر دو.
۵- سیستانی (منهاج الصالحین، ج۱، ص۳۴۶) /نوری (هزار و یک مساله فقهی، ج۲، ص۹۹، م۲۸۹) . امام خمینی (التعلیقه علی العروه الوثقی، ج۲، ص۵۹۴، م۳) /صافی (دفتر) /فاضل (اعتکاف و احکام آن، ۶۲) : بنابر احتیاط واجب. بهجت (جامع المسائل، ج۲، ص۵۴/استفتائات، ج ۲، ص ۴۵۰و۴۴۶) : اگر با لذت باشد بنابر احتیاط اعتکاف را باطل می کند و احتیاط واجب در صورت وجوب اعتکاف، آن است که آن را تمام کند و سپس قضا نماید. مکارم (استفتائات جدید، ج ۲، ص ۱۶۵، س۴۹۹) : هرچند به قصد لذّت نباشد.

۵-مجادله: به قصد غلبه بر طرف مقابل و اظهار فضیلت، اعتکاف را باطل می کند.(۱)

به جز مبطلات روزه، سایر محرّمات، اختصاص به روز ندارد بلکه در شب نیز، باید از آنها پرهیز نمود.(۲)

اگر معتکف شرط رجوع کرده باشد چنانچه یکی از محرّمات را انجام دهد، قضای اعتکاف و از سر گرفتن آن، لازم نیست.(۳)

---

۱- سیستانی (منهاج الصالحین، ج۱، ص۳۴۶، م۱۰۸۰) /مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص۱۲۵) / نوری (التعلیقه علی العروه الوثقی، ج۲، احکام الاعتکاف، م۳) . تبریزی (منهاج الصالحین الاعتکاف، ج۱، ص۲۹۷، م۱۰۸۰) : اعتکاف را باطل نمی کند. امام خمینی (التعلیقه علی العروه الوثقی، ج۲، ص۵۹۴، م۳) /بهجت (وسیله النجاه، ج۱، ص۳۳۶، م۱۲۰۸و۱۲۱۰) /خامنه ای (سایت) /صافی (هدایه العباد، ج۱، ص۲۴۱، م۱۴۲۳) /فاضل (التعلیقه علی العروه الوثقی، ج۲، ص۹۵، م۳) : بنابر احتیاط واجب باطل می کند.

۲- امام خمینی (التعلیقه علی العروه الوثقی، ج۲، ص۵۹۴/ترجمه تحریرالوسیله، ج۱، ص۳۵۱) / بهجت (وسیله النجاه، ص ۳۳۶) /مکارم (استفتاءات جدید، ج ۲، ص ۱۶۵) .

۳- سیستانی (دفتر) .

واجب بودن اجتناب از محرّمات (به جز جماع) در اعتکافی که واجب معیّن [یا روز سوم اعتکاف] نیست، بنابر احتیاط واجب است.(۱)

آیا به جز جماع و مبطلات روزه، انجام دیگر محرّمات اعتکاف[استمناء، بوییدن عطریات و بوهای خوش، معاملات با نبودن ضرورت، جدال به قصد اظهار فضیلت] به صورت عمدی، باعث بطلان اعتکاف می شود؟

لمس کردن و بوسیدن از روی شهوت و جماع کردن، اگرچه از روی سهو باشد، اعتکاف را باطل می کند. سایر محرمات اعتکاف را اگر عمداً یا سهواً مرتکب شود و نیز در مورد لمس کردن و بوسیدن با شهوت که از روی سهو باشند، بنابر احتیاط واجب [اعتکاف را باطل می کند]. (۲)

---

۱- تبریزی (منهاج الصالحین، ج۱، ص۲۷۹) /سیستانی (منهاج الصالحین، ج۱، ص۳۴۶/دفتر) .

۲- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ج۱، ص۳۵۱) . بهجت (استفتائات، ج ۲، ص ۴۵۰/وسیله النجاه، ص ۳۳۶/جامع المسائل، ج۲، ص۵۴) /صافی (هدایهالعباد، ج۱، ص۲۴۲/دفتر) : انجام محرمات اعتکاف حتی سهواً، هر چند روزه را باطل نکند، بنابر احتیاط اعتکاف را باطل می کند ولی در غیر جماع، ترک احتیاط به احتمال صحت و بطلان نشود به اینکه [اعتکاف را] تمام کند و قضا یا اداء کند. خامنه ای (دفتر) : در ارتکاب سایر محرمات عمداً یا سهواً در غیر از جماع، بنا بر احتیاط واجب باید اعتکاف را به پایان برساند و آن را قضا یا اداء کند. فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص۵۹) :اگر معتکف محرّمات اعتکاف (به جز جماع و مبطلات روزه) را مرتکب شود، بنابر احتیاط[واجب] اعتکاف باطل است. [جماع، حتی سهواً اعتکاف را باطل می کند] احتیاط آن است که اعتکاف را تمام کنند و اگر واجب بوده، آن را مجدداً انجام دهند. سیستانی (منهاج الصالحین، ج۱، ص۳۴۶، م۱۰۸۰/دفتر) /مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص۱۲۵) / نوری (دفتر) : انجام محرّمات اعتکاف [جز جماع و مبطلات روزه] مبطل اعتکاف است. تبریزی (منهاج الصالحین، ج۱، ص۲۹۷، م۱۰۸۰) : محرمات اعتکاف (به جز مبطلات روزه و جماع) اعتکاف را باطل نمی کند.

## حکم محرّمات اعتکاف در صورت انجام سهوی یا از روی جهل

اگر معتکف یکی از محرّمات اعتکاف (به جز جماع و لمس و بوسه از روی شـهوت) را سهواً انجام دهد، آیا اعتکاف او باطل است؟

بنابر احتیاط واجب، اعتکاف باطل است(۱) لذا باید احتیاط کند. بنابراحتیاط واجب، اعتکاف واجب را اداء یا قضا نماید.(۲)

کسی که نمی‌دانسته مثلاً فلان کار در اعتکاف حرام است و آن کار را انجام دهد، آیا کار حرام انجام داده است؟

اگر نمی‌دانسته، عقاب ندارد.(۳)

آیا کسی که نمی‌دانسته مثلاً فلان کار باعث بطلان اعتکاف می شود و آن کار را انجام دهد، آیا اعتکاف او باطل می شود؟

بلی، باطل می شود.(۴)

## مبطلات اعتکاف

---

۱- خامنه ای (دفتر) : ارتکاب محرمات از روی فراموشی یا بدون قصد و توجّه موجب بطلان روزه و بطلان اعتکاف نمی گردد ولی انجـام جمـاع ولو سـهواً موجب بطلان اعتکاف می‌شود. در ارتکاب محرمات عمـداً یا سـهواً، در غیر از جماع، بنابراحتیاط واجب، بایـد اعتکاف را به پایان برسانـد و آن را قضا [یا ادا] کنـد. تبریزی (منهاج الصالحین، ج۱، ص۲۹۷، م۱۰۸۱) /سیستانی (منهاج الصالحین ، ج۱، ص۳۴۶، م۱۰۸۱/دفتر) / فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص۲۷) /نوری (دفتر) : اعتکاف باطل نیست.

۲- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ج۱، ص۳۵۱) /بهجت (وسیله النجاه، ص ۳۳۷) /صافی (هدایهالعباد، ج۱، ص۲۴۱/دفتر) /مکارم (العروه الوثقی مع التعلیقات، ج۲، ص۹۶) .

۳- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص۶۰) .

۴- فاضـل (اعتکاف و احکام آن، ص۶۰) . سیسـتانی (دفتر) : در صورتی که جاهل مقصّـِر بوده، اعتکافش باطل می‌شود و اگر جاهل قاصر بوده، اعتکافش صحیح است و حکم سهو را دارد.

برخی از امور اعتکاف را باطل می کند که به برخی در ذیل اشاره می شود:

۱-از بین رفتن صحّت اعتکاف: سبب بطلان اعتکاف می شود. مانند:

۱)مرتد شدن: گرچه توبه کند.(۱)

۲)خروج عمدی: اگر معتکف از مسجد در غیر موارد مجاز و نیز خروج معتکف در موارد مجاز اگر به قدری طول بکشد که صورت اعتکاف به هم بخورد، اعتکاف را باطل می کند.(۲)

۳)مبطلات روزه: اگر در روز واقع شود، اعتکاف را باطل می کند.(۳)

۲-محرّمات اعتکاف: که در «حکم محرّمات» بیان شده است.

## قطع اعتکاف

۱-واجب معین: اگر اعتکاف واجب معیّن باشد، قطع آن جایز نیست.(۴)

۲-واجب موسع: دو روز اوّل قطع جایز و پس از دو روز، جایز نیست.(۵)

۳-مستحب: (۶) دو روز اوّل قطع جایز و پس از دو روز، جایز نیست.(۷)

---

۱- امام خمینی (التعلیقه علی العروه الوثقی، ص۵۸۷، م۱) /بهجت (جامع المسائل، ج ۲، ص۵۶) / سیستانی (التعلیقه علی العروه الوثقی، ج۲، ص۴۸۳) /مکارم (العروه الوثقی مع التعلیقات، ج۲، ص۸۵) / نوری (دفتر) /العروه الوثقی (ج۲، ص ۲۵۰، م۱) .

۲- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ص۳۴۹و۳۴۶) /صافی (دفتر) /العروه الوثقی (ج۲، ص۲۴۹و۲۵۷) .

۳- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ص۳۵۱) /صافی (دفتر) /بهجت (استفتاءات، ج ۲، ص ۴۵۰) / نوری (هزار و یک مساله فقهی، ج۲، ص۹۹، م۲۸۹) .

۴- امام خمینی (ترجمه تحریر الوسیله، ج۱، ص۳۴۷) /بهجت (استفتائات، ج ۲، ص۴۴۷/وسیله النجاه، ص۳۳۳) /سیستانی (منهاج الصالحین، ج۱،۳۴۶) /صافی (هدایهالعباد، ج۱، ص۲۳۸/دفتر) /مکارم.

۵- امام خمینی (ترجمه تحریر الوسیله، ج۱، ص۳۴۷) /بهجت (استفتائات، ج ۲، ص۴۴۷/وسیله النجاه، ص۳۳۳) /سیستانی (منهاج الصالحین، ج۱،۳۴۶) /صافی (هدایهالعباد، ج۱، ص۲۳۸/دفتر) .

۶- روایت: امام باقر علیه السلام :«اگر کسی معتکف شود و از اعتکافش یک روز گذشته باشد، می‌تواند از مسجد خارج شود و اعتکاف خود را فسخ کند، گرچه شرط و استثنا نگذاشته باشد اما اگر از اعتکافش دو روز گذشته باشد وشرط و استثنا نگذاشته باشد، نمی‌تواند اعتکافش را فسخ کند و باید روز سوم را نیز معتکف بماند». (کافی (ط-اسلامیه) ، ج۴، ص۱۷۷) .

۷- امام خمینی (ترجمه تحریر الوسیله، ج۱، ص۳۴۷) /بهجت (استفتائات، ج ۲، ص۴۴۷/وسیله النجاه، ص۳۳۳) /سیستانی

(منهاج الصالحين، ج۱،۳۴۶) /صافی (هدایهالعباد، ج۱، ص۲۳۸/دفتر) / مکارم (استفتائات، ج۲، ص۱۶۱) /نوری (هزار و یک مساله فقهی، ج۲، ص۱۰۰، م۲۹۱) .

اگر اعتکاف واجب موسع یا مستحب باشد تا قبل از تکمیل دو روز[غروب روز دوم] می تواند آن را قطع کند ولی اگر اعتکاف را تا غروب روز دوّم رها نکرد، بر او واجب است که روز سوّم را بماند[مگر شرط رجوع کرده باشد].(۱)

آیا می‌توان اعتکاف را به هم زد و در اثنا از مسجد خارج شد؟

اگر واجب باشد یا روز دوّم تا مغرب اعتکاف کرده است، نمی تواند آن را به هم بزنند و اتمام واجب است و الّا مانعی ندارد.(۲)

مسافری که نیّت نذر اعتکاف کرده، در روز سوّم اعتکاف برایش کاری پیش آمده است، آیا می تواند به شهرش برگردد؟ حکم اعتکافش چیست؟ آیا باید قضای اعتکاف را به جا آورد؟ آیا کفاره دارد؟

اگر ضرورت داشته باشد، مثل سایر افراد می تواند اعتکاف را ترک کند ولی باید آن را قضا کند و کفاره ندارد. امّا چنانچه کار ضروری ندارد، نباید اعتکاف را ترک کند.(۳)

---

۱- امام خمینی (ترجمه تحریر الوسیله، ج۱، ص۳۴۷) /بهجت (استفتائات، ج ۲، ص ۴۴۷/وسیله النجاه، ص۳۳۳) /خامنه ای/سیستانی (منهاج الصالحین، ج۱، ص۳۴۶) /صافی (هدایهالعباد، ج۱، ص۲۳۸) / مکارم (العروه الوثقی مع التعلیقات، ج۲، ص۸۵، م۵) /العروه الوثقی (ج۲، ص۲۵۱، م۵) .

۲- فاضل (اعتکاف واحکام آن، ص۵۸) .

۳- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص۴۷) .

اگر کسی اعتکاف را نذر کند و مشغول اعتکاف شود ولی در ایّام اعتکاف مریض شود یا ضرورتی پیش آید، مثل فوت نزدیکان، آیا می تواند اعتکاف را بر هم بزند؟ و اگر بر هم بزند، کفّاره دارد؟ در اعتکاف مستحبی چطور؟

در صورتی که ضرورتی پیش آید، می تواند اعتکاف را به هم بزند، در صورتی که روز سوّم باشد. اگر به عنوان نذر باشد، باید قضا کند ولی کفّاره ندارد.(۱)

اگر نذر کند چهار روز معتکف شود، و پیوستگی آن چهار روز را شرط ننماید و روز چهارم برخلاف نذرش از اعتکاف خارج شود وظیفه اش چیست؟ باید مجدداً اعتکاف چهار روز را به جا آورد.(۲)

## تکلیف معتکف پس از قطع یا باطل شدن اعتکاف

۱-اگر اعتکاف واجب معیّن باشد،(۳)واجب است، قضاء کند.(۴)

---

۱- مکارم (استفتائات جدید، ج ۲، ص ۱۶۳، س۴۸۷) . تبریزی: در صورتی که حرجی باشد می تواند به هم بزند. نوری (هزار و یک مساله فقهی، ج۲، ص۱۰۰، م۲۹۲) : در صورتی که ادامه اعتکاف برای او مشقت دارد، می‌تواند آن را به بزند.
۲- مکارم (استفتائات جدید، ج ۲، ص ۱۶۳، س۴۸۸) . نوری (دفتر) : باید اعتکاف آن روز را به جا آورد و دو روز دیگر به آن ضمیمه کند.
۳- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ج۱، ص۳۵۱) /خامنه ای (دفتر) : باید آن را تمام کند و سپس قضاء کند. تبریزی (منهاج الصالحین، ج۱، ص۲۹۷، م۱۰۸۲) /سیستانی (منهاج الصالحین، ج۱، ص۳۴۶، م۱۰۸۲/دفتر) : بنابر احتیاط.
۴- بهجت (جامع المسائل، ج ۲، ص ۴۸/وسیله النجاه، ج۱، ص ۳۳۷، م۱۲۱۰) /خامنه ای (دفتر) / صافی (هدایهالعباد، ج۱، ص۲۴۱، م۱۴۲۴) /فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص۲۶) /مکارم (العروه الوثقی مع التعلیقات، ج۲، ص۹۶/استفتائات جدید، ج۲، ص۱۶۷/اعتکاف عبادتی کامل، ص۹۳) /نوری (التعلیقه علی العروه الوثقی، احکام الاعتکاف، م۵) /العروه الوثقی (ج۲،ص۲۶۰، م۵) .

۲-اگر اعتکاف واجب غیر معیّن باشد، واجب است، دوباره به جا آورد.(۱)

۳-اگر اعتکاف مستحب باشد، و قبل از اتمام روز دوّم باطل شود چیزی بر او نیست و اگر بعد از دو روز باطل شده باید(۲) قضاء کند. بلکه مشروع بودن قضای آن محل اشکال است.(۳)

---

۱- بهجت (وسیله النجاه،ج۱، ص۳۳۷، م۱۲۱۰) /خامنه ای (دفتر) /صافی (هدایهالعباد، ج۱، ص۲۴۱، م۱۴۲۴) /فاضل (العروه الوثقی مع التعلیقات، ج۲، ص۸۳، م۵) /نوری (التعلیقه علی العروه الوثقی، احکام الاعتکاف، م۵) /العروه الوثقی (ج۲، ص۲۶۰، م۵) . امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ص۳۵۱) : و اگر این امر در روز سوّم بوده باید آن را تمام کند و بعد اعتکاف را از سر بگیرد. اگر در حال اعتکاف عمداً یا سهواً جماع کند، اگر واجب غیر معیّن باشد، باید آن را از سر بگیرد. خامنه ای (دفتر) : اگر محرمات در دو روز اول واقع شده، اعتکاف را از سر بگیرد و اگر در روز سوم بوده، تمام کند و سپس از سر بگیرد مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص ۹۳/استفتائات جدید، ج۲، ص۱۶۷) : و اگر واجب غیر معیّن بوده و این امر در روز سوم بوده نیز باید قضا کند.

۲- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ص۳۵۱) : آن را تمام کند و سپس بهجت (وسیله النجاه، ج۱، ص ۳۳۷، م۱۲۱۰) /خامنه ای (سایت/دفتر) : قضاء کند. سیستانی (منهاج الصالحین، ج۱، ص۳۴۶، م۱۰۸۲) /تبریزی (منهاج الصالحین، ج۱، ص۲۹۷، م۱۰۸۲) : بنابر احتیاط واجب قضاء کند. نوری (دفتر) : بنابر احتیاط واجب آن را تمام کند و سپس قضاء کند.

۳- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ص۳۵۱) /خامنه ای (دفتر) /صافی (هدایهالعباد، ج۱، ص۲۴۱، م۱۴۲۴) /فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص۲۷/التعلیقه علی العروه الوثقی، ج۲، ص۸۳، م۵) /مکارم (العروه الوثقی مع التعلیقات، ج۲، ص۹۶، م۵) .

اگر فردی اعتکاف مستحب را در روز سوّم رها کرد، وظیفه اش چیست؟ باید قضای آن را به جا آورد.(۱)

اگر در نیّت یا نذر اعتکاف شرط رجوع کرده باشد، قضا یا ادای آن واجب نیست.(۲)

## قطع روزه

در باطل کردن روزه ماه رمضان و نـذر معیّن باید کفّاره بدهد و همچنین در قضای ماه رمضان اگر بعد از ظهر افطار کند، ولی در اقسام دیگر روزه- چه واجب باشد، چه مستحب، چه قبل از ظهر افطار کند یا بعد از ظهر- کفّاره واجب نیست.(۳)

جـایز است افطـار نمودن روزه غیر معیّن را پیش از زوال، چه قضای شـهر رمضان باشـد یا غیر آن و لکن در قضای ماه رمضان بعد از زوال حرام است، بلکه کفاره، لازم می‌شود علی الاقوی، ولی کفّاره آن، «ده مسکین طعام دادن» است؛

---

۱- مکـارم (اعتکـاف عبـادتی کامل، ص۹۳) /نـوری (هزار و یـک مسـاله فقهی، ج۲، ص۱۰۱، م۲۹۴و۲۹۵) : و بنابراحتیـاط مستحب کفاره هم بدهد.

۲- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ج۱، ص۳۵۱) /صافی (هدایهالعباد، ج۱، ص۲۴۱) /نوری (هزار و یک مساله فقهی، ج۲، ص۱۰۰، م۲۹۳) / العروه الوثقی (ج۲، ص۲۵۸) .

۳- امـام خمینی (ترجمه تحریرالوسـیله، ج۱، ص۳۲۸) . بهجت (جـامع المسائـل، ج۲، ص۲۸) : حرام اسـت افطـار کردن روزه واجب معیّنِ، بلکه در بعضـی از آنها کفاره واجب می‌شود، مثل روزه ماه رمضان و نـذر معیّن و قضای رمضان و روزه اعتکاف در صورت وجوب آن.

و بـا عـدم تمکّـن، «سـه روز روزه» است. امـا [افطـار کردن] نـذر مطلق و منـدوب، جـایز است، چه بعـد از زوال و چه پیش از زوال.(۱)

## قضای اعتکاف

### ۱)زمان ادای قضای اعتکاف

در مواردی که قضای اعتکاف واجب می شود واجب نیست، فوراً قضای آن را به جا آورند. اگر چه احتیاط[مستحب] است(۲) ولی تأخیر آن به طوری که بی اعتنایی به واجب شرعی شود، جایز نیست.(۳)

اگر قضـای اعتکـاف به علت بطلاـن، واجب باشـد و ده روز پایـانی مـاه رمضان تمام شود. آیا جایز است برای درك فضـیلت، قضای اعتکاف را در ماه رمضان آینـده به جا آورد یا اینکه بایـد فوراً قضا نماید؟ قضا در هر ماهي که خواست اشـکال ندارد، مگر اینکه نذر کرده باشد که در ماه خاصی اعتکاف نماید. (۴)

### ۲)قضای اعتکافِ معتکفِ فوت شده

هر گاه [شـخص] در اثنای اعتکافی که به نـذر و مثل آن یا سپری شـدن دو روز اول اعتکاف، واجب شـده بمیرد، قضای آن بر ولیّ او واجب نیست هر چند احتیاط است(۵) و اگر روزه را در حال اعتکاف نذر کرده باشد، باید ولیّ، آن [اعتکاف] را قضاء کند.(۶)

---

۱- بهجت (جامع المسائل، ج۲، ص۲۸) .

۲- امـام خمینی (ترجمه تحریرالوسـیله، ج۱، ص۳۵۱) /مکارم (اسـتفتائات جدید، ج۲، ص۱۶۷، س۵۰۷) /العروه الـوثقی (ج۲، ص ۲۶۰، م۶) .

۳- سیستانی (منهاج الصالحین، ج۱، ص۳۴۶، م۱۰۸۲/دفتر) /فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص۴۴) .

۴- خامنه ای (سایت) .

۵- سیستانی (دفتر) /مکارم (استفتائات جدید، ج۲، ص۱۶۷، س۵۰۹/اعتکاف عبادتی، ص۹۳) .

۶- امـام خمینی (التعلیقه علی العروه الوثقی، ص۵۹۴، م۷) /صافی (دفتر) . العروه الوثقی (ج۲، ص۲۶۱، م۷ ) : و بر ولیّ، قضاء غیر از نماز و روزه واجب که از میّت فوت شـده، واجب نیست و وجوب قضاء اعتکاف بر او در اینصورت از باب مقـدمه قضاء روزه اسـت. بهجت (اسـتفتائات، ج ۲، ص ۴۵۲/جـامع المسائل، ج ۲، ص ۵۶) : ظـاهر، وجـوب قضـای روزه است، اگر به غیر اعتکاف واجب شده است و همچنین وجوب قضای روزه و اعتکاف است اگر روزه در حال اعتکاف را نذر کرده بود و تمکّن از قضا داشـته و انجام نداده تا مرده است. اما اگر روزه برای اعتکاف واجب شده، پس وجوب قضای آن بر ولی، محلّ اشـکال است.

## نذر اعتکاف

### ۱-چگونگی خواندن صیغه نذر اعتکاف

نـذر، التزام به کاری است برای خـدای متعال به گونه ای مخصوص؛ و به مجرد نیّت منعقـد نمی شود، بلکه حتماً باید با صـیغه باشد.(۱)

به قصد قربت، صیغه(۲) نذر اعتکاف به عربی یا فارسـی خوانده می‌شود. به طور مثال جهت سه روز نذر اعتکاف در ماه رجب خوانده می‌شود: «لِلهِ عَلَیَّ اَن

---

۱- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ج۲، ص۱۲۴) .

۲- و «صـیغه» چیزی است که مفاد آن قرار دادن فعل یا ترکی بر ذمّه اش برای خدای متعال است، به این که بگوید: «لِلَّه (برای خـدا) بر مـن است که روزه بگیرم» ... و آیـا در صـیغه، گفتن «لِلَّه» به خصـوص، معتـبر است یـا ...غیر از این لفـظ از اسم هـای مختص خـدا کفـایت می کنـد؟ ظاهر دومی است و بعیـد نیست که به آنچه که- از هر لغتی- هم معنی و مرادف گفته مـذکور باشـد خصوصاً برای کسـی که عربی را خوب نمی دانـد منعقـد شود و اگر بر قول او: «بر من است چنین ...» اکتفـا شود منعقد نمی شود اگرچه در قلبش معنی «لِلَّه» را قصـد کرده باشد و اگر مثلًا بگوید: «نذر کردم برای خدا که روزه بگیرم» یا «برای خدا بر من است نـذر روزه یـک روز»، منعقـد نمی شود بـا اشـکالی که دارد، پس ترک احتیـاط نشود. (امـام خمینی، ترجمه تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۱۲۴) .

اَعتَکَفَ شَهرَ رَجَب ثَلاثَهَ اَیّام» یا «برای خدا به گردن من باشد که سه روز از ماه رجب را اعتکاف کنم» و اگر صیغه خوانده نشود، نذر منعقد نمی گردد.(۱)

## ۲-عدم وفا به نذر اعتکاف

اگر کسی از روی اختیار[و نه فراموشی، جهل، اضطرار یا اکراه] به نذر خود عمل نکند، گناه کرده و باید کفّاره بدهد. کفّاره [تخلف از] نذر عبارت است از اطعام شصت فقیر، یا دو ماه پی در پی روزه گرفتن، یا یک بنده آزاد کردن.(۲)

شخصی نذر کرده معتکف بشود، اگر عمداً و بدون عذر اعتکاف خود را بشکند، آیا کفاره نذر بر عهده اش می آید یا کفاره اعتکاف و یا کفاره جمع؟

اگر به غیر جماع، اعتکاف خود را باطل کند، فقط کفاره تخلّف از نذر واجب است، که همانند کفاره باطل کردن روزه ماه مبارك رمضان است.(۳)

اگر کسی نذر کند ایّام معینی را معتکف باشد و از آن ایّام معین، تخلف نماید (یک روز یا بیشتر)، آیا قضاء بر او واجب است؟

قضا بر او واجب است.(۴) (به صفحه...مراجعه شود)

## ۳-نذر اعتکاف در شهر خاص

آیا می‌توان نذر کرد که در شهر خاصی معتکف شد؟

مانعی ندارد.(۵)

---

۱- امام خمینی و سیستانی و فاضل و مکارم (توضیح المسائل محشی-امام خمینی، م۲۶۴۱) / خامنه ای (استفتاء،س ۱۰۶۰و ۱۱۰۰) /نوری (توضیح المسائل، م۲۶۳۹) .

۲- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ج۲، ص۱۳۲/توضیح المسائل، م ۲۶۵۴) /مکارم (توضیح المسائل، م۲۲۸۶) /نوری (هزار و یک مساله فقهی، ج۲، ص۹۵، م۲۶۸) .

۳- نوری (هزار و یک مساله فقهی، ج۲، ص۹۵، م۲۶۹) .

۴- بهجت (استفتائات، ج ۲، ص ۴۴۸) .

۵- صافی (دفتر) /مکارم (استفتائات جدید، ج ۲، ص ۱۵۹، س۴۵۸) .

### ۴-انجام اعتکاف نذری در ماه رمضان

آیا اعتکاف نذری را می‌توان در ماه رمضان انجام داد؟

مانعی ندارد، مگر اینکه نیّت او غیر ماه رمضان باشد.(۱)

### ۵-نذر اعتکاف جهت حاجات

اگرکسی نذر کند که برای حصول حاجات مادّی یا معنوی معتکف شود، چه حکمی دارد؟

نذر اعتکاف به عنوان شکرانه قضای حوایج مانعی ندارد.(۲)

## کفّاره اعتکاف

کفّاره اعتکاف(۳)

اگر اعتکاف واجب را به واسطه جماع باطل کند، هرچند در شب باشد، باید

---

۱- بهجت (وسیله النجاه، ص ۳۳۱) /صافی/مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص۱۰۹) .

۲- مکارم (استفتائات جدید، ج ۲، ص ۱۶۲س۴۸۴) .

۳- روایات: از امام صادق علیه السلام سؤال شد که آیا شخص معتکف جماع می کند؟ فرمودند: «اگر چنین کند کفّاره ظهار به او تعلّق می گیرد». (الاستبصار، ج۲، ص ۱۳۰/تهذیب الاحکام، ج۴، ص ۲۹۱/ کافی (ط-اسلامیه) ، ج۴، ص۱۷۹/وسائل الشیعه (ط-آل البیت) ، ج۱۰، ص۵۴۶) از امام صادق علیه السلام درباره معتکفی که با همسرش در شب ماه رمضان مجامعت داشته، سوال شد، فرمودند: «بر معتکف [یک]کفاره واجب می‌شود» سپس می‌پرسند اگر در روز مجامعت کرده باشد. امام علیه السلام می‌فرمایند: «دو کفّاره واجب می‌شود». (تهذیب الاحکام، ج۴، ص ۲۹۲/من لایحضره الفقیه، ج۲، ص۱۸۸/وسائل الشیعه (ط-آل البیت) ، ج۱۰، ص۵۴۷) به امام صادق علیه السلام عرض شد: بانوئی با اجازه همسرش معتکف می‌شود و در حین اعتکاف باخبر می‌شود که شوهرش از سفر بازگشته است، لذا از مسجد به خانه می‌رود و همبستر می‌شود.تکلیف او چیست؟ امام فرمودند: «در صورتی که قبل از پایان دوره سه روزه از مسجد خارج شده باشد و در موقع نیّت اعتکاف، شرط و استثنائی نکرده باشد، [بدون اینکه قصد کند اعتکاف را قطع نماید، بیرون رفته است، با اینکه حتی با عدم شرط قطع اعتکاف در زمان نیّت، می‌توانسته اعتکاف را قطع کند] باید کفّاره بدهد و کفاره او کفّاره ظهار است». (کافی (ط-اسلامیه) ، ج۴، ص۱۷۷/من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۸۵/وسائل الشیعه (ط-آل البیت) ، ج۱۰، ص ۵۴۸)

كفّاره بدهد [كفّاره اعتكاف مختص به جماع است] و در ساير محرّمات كفّاره واجب نيست. اگرچه احتياط استحبابى است.(۱)

بنابر احتياط واجب، در اعتكاف مستحب بدون دست برداشتن از اعتكاف، اگر جماع كند، بايد كفّاره بدهد.(۲)

كفّاره اعتكاف، مانند كفّاره روزه ماه رمضان است كه بين امور سه گانه مخيّر است. اگرچه احتياط مستحب است كه مانند كفاره ظهار ترتيبى باشد [لذا بايد يك بنده آزاد كند، در صورت ناتوانى ۶۰ روز، روزه بگيرد و در صورت ناتوانى ۶۰ فقير را سير نمايد].(۳)

---

۱- امام خمينى (ترجمه تحريرالوسيله، ج۱، ص۳۵۱) /بهجت (استفتائات، ج ۲، ص ۴۵۱/وسيله النجاه، ج۱، ص۳۳۷، م۱۲۱۱) /تبريزى (منهاج الصالحين، ج۱، ص۲۹۷، م۱۰۸۴) /خامنه اى (دفتر) /سيستانى (منهاج الصالحين، ج۱، ص۳۴۷، م۱۰۸۴/دفتر) /صافى (هدايهالعباد، ج۱، ص۲۴۱، م۱۴۲۶/دفتر) /فاضل (اعتكاف و احكام آن، ص۲۸) /مكارم (العروه الوثقى مع التعليقات، ج۲، ص۹۷، م۹/استفتائات جديد، ج۲، ص۱۶۸س ۵۱۰) /نورى (التعليقه على العروه الوثقى، ج۱، احكام الاعتكاف، م۹) /العروه الوثقى (ج۲، ص۲۶۱، م۹) .

۲- امام خمينى (ترجمه تحريرالوسيله، ج۱، ص۳۵۱) . صافى (دفتر) : در اعتكاف مستحب اگر بعد از تكميل دو روز باشد، بنابر احتياط كفّاره دارد و قبل از آن، وجوب كفّاره معلوم نيست.

۳- امام خمينى (ترجمه تحريرالوسيله، ج۱، ص۳۵۱) /بهجت (استفتائات، ج ۲، ص ۴۵۱/وسيله النجاه، ص ۳۳۷، م۱۲۱۱/جامع المسائل، ج ۲، ص ۵۵) /تبريزى (منهاج الصالحين، ج۱، ص۲۹۷، م۱۰۸۴) / سيستانى (منهاج الصالحين، ج۱، ص۳۴۷، م۱۰۸۴/دفتر) /صافى (هدايهالعباد، ج۱، ص۲۴۱، م۱۴۲۶) / فاضل (العروه الوثقى مع تعليقات، ج۲، ص۸۴، م۹) /مكارم (العروه الوثقى مع التعليقات، ج۲، ص۹۷، م۹) / نورى (التعليقه على العروه الوثقى، ج۱، احكام الاعتكاف، م۹) /العروه الوثقى (ج۲، ص۲۶۱، م۹) .

وجوب کفّاره به خاطر باطل شـدن خود اعتکاف است نه برای باطل شـدن روزه، به همین جهت فرقی ندارد که جماع در شب واقع شود یـا در روز. البته اگر در روز مـاه رمضـان واقع شود، دو کفّاره واجب می شود، چنان که اگر در ماه رمضان (در حال اعتکاف) به غیر جماع، روزه را باطل کند، فقط کفّاره ماه رمضان واجب است.(۱)

اگر اعتکـاف واجب [غیر معیّن] بـا جمـاع در روز مـاه رمضـان یا قضای ماه رمضان وقتی بعـدازظهر باشـد، باطل شود، بایـد دو کفاره بدهـد یکی برای اعتکاف و دیگری برای افطار روزه و اگر در ایّام معیّن از ماه رمضان نـذر اعتکاف کرده و در روز آن را باطل کند، باید سه کفاره بدهد کفاره اعتکاف و کفاره افطار روزه و کفاره شکستن نذر.(۲)

اگر مرد معتکف همسـر معتکفه اش را به جماع در روز ماه رمضان وادار کند، احتیاط مستحب آن است که چهار کفاره بدهد هر چنـد بعیـد نیست که سه کفاره کفایت کنـد. و اگر در شب زن معتکفه اش را وادار به جماع کند دو کفاره اعتکاف بر مرد است. هر گاه زن معتکفه به اختیار، در جماع روز ماه

---

۱- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ج۱، ص۳۵۱و۳۵۲) /صافی (هدایهالعباد، ج۱، ص۲۴۱) / مکارم (استفتائات جدید، ج۲، ص۱۶۸) .

۲- امـام خمینی (التعلیقه علی العروه الوثقی، ص۵۹۵، م۱۰) /بهجت (استفتائات، ج ۲، ص ۴۵۱/جامع المسائل، ج ۲، ص ۵۷) /سیستانی (منهاج الصالحین، ج۱، ص۳۴۷، م۱۰۸۴) / صافی (هدایهالعباد، ج۱، ص۲۴۱/دفتر) /تبریزی (منهاج الصالحین، ج۱، ص۲۹۸، م۱۰۸۴) /العروه الوثقی (ج۲، ص۲۶۱، م۱۰) . مکارم (اسـتفتائات جدید، ج۲، ص۱۶۸) : مگر اینکه زمـان برای ادای نذر او باقی باشد که در این صورت کفّاره نذر تعلّق نخواهد گرفت.

رمضان، اطاعت مرد کند بر هر کدام از مرد و زن دو کفاره است و در جماع شب بر هر کدام یک کفاره است.(۱)

اگر در ماه مبارك رمضان، اعتکاف کنیم و روزه روز سوّم اعتکاف را نگیریم یعنی یک روز، روزه ماه مبارك را نگرفتیم و یك روز، روزه روز سوّم اعتکاف، آیا دو کفّاره جمع بر ما واجب می شود یا یک کفاره؟

یك کفّاره، مگر اینکه با جماع روزه را باطل کند که دو کفّاره دارد(۲)

## احکام خاصّ بانوان

### اشاره

زنان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم گاهی همراه با آن حضرت و حتّی پس از وفات ایشان در مسجد معتکف می‌شدند.

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «اعتکاف زن، مانند اعتکاف مرد است».(۳)

### ۱)خوردن قرص ضدبارداری جهت شرکت در اعتکاف

آیا زن ها هم می‌توانند معتکف شوند؟ اگر در روزهای عادت قرص بخورند و معتکف شوند، چه صورت دارد؟

بلی، مصرف قرص برای جلوگیری از عادت اگر ضرر نداشته باشد، مانعی ندارد و اعتکاف آنان صحیح است.(۴)

---

۱- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ج۱، ص۳۵۰، التعلیقه علی العروه الوثقی، ص۵۹۵، م۱۰) / صافی (هدایهالعباد، ج۱، ص۲۴۱) /بهجت (وسیله النجاه، ص ۳۳۷) /سیستانی (التعلیقه علی العروه الوثقی، ج۲، ص۴۹۵، م۱۰/منهاج الصالحین، ج۱، ص۳۴۷) /مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص۹۴/العروه الوثقی مع التعلیقات، ج۲، ص۹۷) /العروه الوثقی (ج۲، ص۲۶۱، م۱۰)
.

۲- مکارم (سایت) .

۳- وسائل الشیعه (ط-آل البیت) ، ج۱۰، ص۵۴۹.

۴- صافی (دفتر) /فاضل (جامع المسائل، ج۲، ص۱۸۳/اعتکاف و احکام آن، ص۱۶) /بهجت (استفتائات، ج ۲، ص ۴۵۲) /همه مراجع (دفاتر) . مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص۱۱۴) : بلی، مانعی ندارد ولی برای این کار رضایت شوهر را جلب کند.

## ۲)آرایش نمودن

آرایش نمودن زن معتکف، چه حکمی دارد؟

اشکال دارد.(۱)

## ۳)طلاق

اگر زنی را که معتکف است، طلاق رجعی دهند، تکلیفش چیست؟ اعتکافش باطل می شود، و باید برای ادامه عدّه به خانه شوهر برود زیرا زن در مدّت عدّه طلاق رجعی، نباید از خانه شوهر خارج شود.(۲)

## ۴)وظیفه حایض در اعتکاف

اعتکاف، روزه و توقف در مسجد، بر حایض حرام است.(۳)

توقف در مسجد بر حائض حرام است [لذا اگر خانمی به هنگام اعتکاف عادت ماهانه شود، باید فوراً از مسجد خارج شود و به اعتکاف خود خاتمه دهد].(۴)

---

۱- مکارم (احکام بانوان، ص۱۲۴، س۴۲۶) .

۲- بهجت (جامع المسائل، ج ۲، ص۵۳) /صافی (دفتر) /مکارم (استفتائات جدید، ج۲، ص۱۶۶/احکام بانوان، ۱۲۴، س۴۲۷) . صافی (دفتر) : و اگر اعتکافش واجب موسع بوده، باید بعد از خروج از عده استیناف کند و اگر واجب معیّن بوده پس اگر تعیّن از جهت وقوع طلاق در روز سوم اعتکاف باشد، بعید نیست مخیر باشد بین اتمام اعتکاف و خروج پس از آن و بین ابطال اعتکاف و خروج فوری و اگر تعیّن از جهت اجاره و نذر و شبه آن باشد باید خارج شود.

۳- امام خمینی (رساله نجاه العباد، ص۳۵، تحریرالوسیله، ج۱، ص۶۲) .

۴- . امام خمینی، بهجت، تبریزی، خامنه ای، سیستانی، صافی، فاضل، مکارم، نوری (توضیح المسائل محشی-امام خمینی، ج۱، ص۳۰۰، م۵۱۳) .

زن مستحاضه ای که غسل بر او واجب است. در صورتی که غسل های واجب خود را انجام ندهد، مضرّ به صحت اعتکافش نیست.(۱)

با شروع (طروّ) حیض و لو در روز سوم، اعتکاف باطل می شود و [اعتکاف مستحب] قضاء ندارد و اگر از قبل اعتکافی به سبب نذر بر او واجب شده قضاء آن را می تواند در هر مسجدی و در هر زمانی به جا آورد مگر آنکه در نذر، اعتکاف در مسجد خاص و زمان خاصی را ملحوظ داشته باشد که در این صورت باید طبق همان نذر خود عمل کند.(۲)

آیا مستحاضه کثیره یا متوسطه می تواند معتکف شود؟

مانعی ندارد.(۳)

آیا مستحاضه (کثیره یا متوسطه)هر بار بعد از خروج ضروری از مسجد باید برای ورود به مسجد غسل کند؟

خیر همین که اغسال یومیّه را برای نمازها انجام دهد، کفایت می کند.(۴)

آیا مستحاضه کثیره یا متوسطه برای روزه گرفتن و نماز صبح باید جداگانه غسل کند؟

همان غسل های واجب کفایت می کند ولی بنا براحتیاط واجب، باید غسل نماز مغرب و عشای شبی که می خواهد فردای آن را روزه بگیرد، به جا آورد.(۵)

---

۱- سیستانی (دفتر) .

۲- خامنه ای (استفتائات) .

۳- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص۴۳) .

۴- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص۵۸) .

۵- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص۵۸) .

کسی که در روز سوّم اعتکاف حیض شود و در نیّت خود شرط نکرده است که اگر عذری پیش آید، دست از اعتکاف بکشد. آیا قضا یا کفّاره اعتکاف بر او واجب است؟ آیا قضای روزه روز سوّم بر او واجب است؟

خیر، کفّاره و قضا ندارد. اگر مطلق اعتکاف (نه در خصوص آن سه روز) بر او واجب بوده، مثل اینکه نذر مطلق کرده باشد، باید آن را قضا کند.(۱)

جهت اطلاع از نظرات سایرمراجع به صفحه... مراجعه شود.

حکم اعتکاف زنی که حیض یا استحاضه بر او عارض شده است، چیست؟ چه در روز اوّل یا دوّم یا سوم؟ آیا قضا بر او واجب است؟

با حایض شدن حتّی اگر در ساعات آخر روز سوّم باشد، اعتکاف باطل می شود ولی در صورت استحاضه شدن اگر به وظیفه مستحاضه نسبت به روزه اش عمل کند، اعتکاف صحیح است.(۲)

حکم اعتکاف زنی که شک در حیض یا استحاضه دارد، چه در روز اوّل یا دوّم یا سوّم چیست؟ آیا قضا بر او واجب است؟

اگر حالت قبلی او پاک بودن است، به شکّش اعتنا نکند.(۳)

خانمی به واسطه نذر معین یا غیر معیّن یا اعتکاف مستحبی، معتکف شده است. اگر روز دوّم یا سوّم حایض شود، وظیفه اش چیست؟

---

۱- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص۴۸) . سیستانی (دفتر) : قضای اعتکاف بنابر احتیاط واجب لازم می‌باشد مگر اینکه شرط رجوع کرده باشد.

۲- خامنه ای (سایت) .

۳- خامنه ای (استفتائات) .

اگر اعتکاف واجب معیّن (نذر معین) باشد، قضای آن واجب است.(۱)[ در هنگام به جا آوردن، نیّت قضا کند.]

اگر اعتکاف واجب غیر معیّن (نذر غیر معیّن) باشد، واجب است بعد از برطرف شدن عذر، اعتکاف را از اوّل شروع کند (اعاده یا اداء کند).(۲)[نیّت اداء کند.]

اگر اعتکاف مستحب باشد اگر روز اوّل یا دوّم حایض شود چیزی بر او نیست و اگر روز سوّم حایض شود، قضای آن واجب است.(۳)[مگر اینکه از اوّل اعتکاف شرط رجوع کرده باشد.]

آیا غسل های استحاضه، شرط صحت اعتکاف است؟

---

۱- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ج۱، ص۳۵۱) /بهجت (دفتر) /صافی (هدایه العباد، ج۱، ص۲۴۱) /فاضل (احکام الواضحه، ص۲۷۱/العروه الوثقی مع التعلیقات، ج۲، ص۸۳، م۵) /مکارم (العروه الوثقی مع تعلیقات، ج۲، ص۹۶، م۵) /نوری/العروه الوثقی (ج۲، ص۲۶۰، م۵) . سیستانی (منهاج الصالحین، ج۱، ص۳۴۶، م۱۰۸۲) /تبریزی (منهاج الصالحین، ج۱، ص۲۹۷، م۱۰۸۲) : بنا بر احتیاط واجب است.

۲- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ج۱، ص۳۵۱) /بهجت (دفتر) /تبریزی (منهاج الصالحین، ج۱، ص۲۹۷، م۱۰۸۲) /سیستانی (منهاج الصالحین، ج۱، ص۳۴۶، م۱۰۸۲) /صافی (هدایه العباد، ج۱، ص۲۴۱) /فاضل (احکام الواضحه، ص۲۷۱/العروه الوثقی مع التعلیقات، ج۲، ص۸۳، م۵) /مکارم (العروه الوثقی مع تعلیقات، ج۲، ص۹۶، م۵) /نوری/العروه الوثقی (ج۲، ص۲۶۰، م۵) .

۳- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ج۱، ص۳۵۱) : بلکه مشروع بودن قضای آن محل اشکال است. بهجت (دفتر) /صافی (هدایه العباد، ج۱، ص۲۴۱) /العروه الوثقی (ج۲، ص۲۶۰، م۵) /مکارم (العروه الوثقی مع تعلیقات، ج۲، ص۹۶، م۵) سیستانی (منهاج الصالحین، ج۱، ص۳۴۶، م۱۰۸۲) /تبریزی (منهاج الصالحین، ج۱، ص۲۹۷، م۱۰۸۲) : بنا بر احتیاط واجب است. خامنه ای/فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص۴۸) : قضا آن لازم نیست.

شرط صحت اعتکاف نیست، مگر غسل هایی که در صحت روزه معتبر هستند.(۱)

خانمی می خواهد معتکف شود ولی می‌داند قبل از سه روز حیض می شود اعتکافش چه حکمی دارد؟ جایز نیست.(۲)

## برخی اعمال مباح در اعتکاف

اشتغال به امور مباح دنیوی مانند خیاطی، نقاشی، مطالعه و...اشکال ندارد،(۳) هر چند احتیاط مستحب ترک این امور [و توجّه به عبادات] می باشد.(۴)

انسان می تواند، در حال اعتکاف، بنشیند، بایستد، بخوابد یا راه برود.

آیا ازدواج یا طلاق و جاری کردن صیغه عقد به هنگام اعتکاف جایز است؟

اشکالی ندارد.(۵)

آیا گفتگو در مورد چیزهای مباح، هنگام اعتکاف جایز است؟

اشکال ندارد.(۶)

آیا جایز است دانشجویان معتکف درسهای دانشگاهی خود را مرور کنند؟

اشکال ندارد.(۷)

پماد چرب کننده یا مرطوب کننده پوست، آیا اعتکاف را باطل می کند؟ آیا کار حرام انجام داده است؟

---

۱- خامنه ای (استفتائات) .

۲- بهجت (استفتائات، ج۱، ص۳۰۳) .

۳- مکارم (استفتائات جدید، ج۲، ص۱۶۶، س ۵۰۰) .

۴- امام خمینی (التعلیقه علی العروه الوثقی، ص۵۹۳) /بهجت (وسیله النجاه، ص ۳۳۶) /سیستانی (منهاج الصالحین، ج۱، ص۳۴۶، م۱۰۷۸) /صافی (هدایهالعباد، ج۱، ص ۲۴۰) .

۵- صافی (دفتر) /مکارم (استفتائات جدید، ج۳، ص۱۰۷/اعتکاف عبادتی کامل، ص۱۲۲و۱۲۷/سایت) .

۶- خامنه ای (سایت) .

۷- خامنه ای (سایت) .

خیر، نه حرام است و نه اعتکاف را باطل می کند.(۱)

بعضـی از معتکفین در برخی از اوقـات، که حـال مناسبی برای دعا و اعمال مسـتحبی ندارنـد، به مباحثات علمی، یا سیاسـی، یا اقتصادی، یا اجتماعی، یا شغلی، یا حزبی و مانند آن می‌پردازند، این کار چه حکمی دارد؟

اشکالی ندارد، هر چند بهتر، پرداختن به عبادت و یا لااقل پرداختن به مباحثات دینی است.(۲)

ملاقات و صحبت کردن معتکفین با خواهران و نیز با خانواده (مادر، خواهر و همسر) چه حکمی دارد؟

مجرّد[فقط] صحبت کردن با زن، در حال اعتکاف منع شرعی ندارد.(۳)

آیا اعتکاف به صورت خانوادگی جایز است؟

مانعی ندارد.(۴)

گفتگو با تلفن همراه در هنگام اعتکاف چه حکمی دارد؟

در صورتی که ضرری به اعمال اعتکاف نزند مانعی ندارد، ولی بهتر ترک آن در غیر موارد ضرورت است.(۵)

## برخی مستحبات و مکروهات اعتکاف

---

۱- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص۶۱) .

۲- مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص۱۲۴) .

۳- سیستانی (سایت) /خامنه ای. مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص۱۲۳/سایت) : [در مسجد] اشکالی ندارد.

۴- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص۴۲) .

۵- مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص۱۲۷) . سیستانی (سایت) : مانعی ندارد.

بنـابر احتیـاط [مسـتحب] معتکف، بایـد از چیزهـایی که مُحرِم اجتنـاب می کند(۱)اجتنـاب نمایـد لیکن بنـابر اقوی اجتناب لازم نیست، مخصوصاً پوشـیدن لباس دوخته و برطرف کردن موی بدن و خوردن گوشت شـکار و عقد نکاح، که تمام این ها برای او جایز است.(۲)

آیا شانه زدن و ناخن گرفتن در حال اعتکاف کراهت دارد؟

اگر بدانند شانه زدن موجب ریختن مو می شود احتیاط مسـتحب است که شانه نزنند؛ همچنین احتیاط مستحب آن است که در حال اعتکاف ناخن نگیرند.(۳)

کندن (اصلاح) مو در حال اعتکاف چه حکمی دارد؟

---

۱- ۱- شـکار حیوانات صحرایی و خوردن گوشت آنها ۲-اجرای عقد نکاح ۳-پوشیدن لباس دوخته ۴-سرمه کشیدن ۵-نگاه درآینه ۶-پوشـیدن هرچیزی که روی پا را بپوشاند ۷-فسوق (دروغ، فحش و مفـاخره) ۸-کشتن حشرات ۹-پوشیدن انگشتر به منظور زینت (اگر منظور اسـتحباب و ثواب بردن باشد اشـکال ندارد) ۱۰-مالیـدن روغن به بدن هرچند که بوی خوش نداشـته باشد.۱۱-برطرف کردن موی بدن (حتی یکدانه مو) ۱۲-پوشاندن سر برای مردان ۱۳-پوشاندن و نقاب آویختن زن به صورت ۱۴-سـایه برگرفتن (در سایه رفتن) برای مردان ۱۵-گرفتن ناخن و چیدن آن ۱۶-بیرون کردن خون از بدن هر چند که بوسـیله خارانـدن و مسـواک کردن و امثـال آن باشـد ۱۷-کشـیدن دندان ۱۸-کنـدن و بریـدن درخـت و بـوته ای که در حرم روئیـده باشد.۱۹-همراه داشتن اسلحه ۲۰-جدال موارد۲۱تا۲۴ همان مبطلات اعتکاف است.

۲- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ج۱، ص۳۵۰) /بهجت (وسیله النجاه، ص ۳۳۶) /صافی (هدایهالعباد، ج۱، ص۲۴۰) .

۳- فاضـل (اعتکـاف و احکام آن، ص۵۹) . تـبریزی: بنـابر احتیـاط مسـتحّب این امور ترک شود. صـافی (دفتر) : شـانه زدن و گرفتن نـاخن اشـکال نـدارد، اگرچه اولی ترک است. نوری (هزار و یـک مساله فقهی، ج۲، ص۹۵، م۲۶۵) : شـانه زدن مانعی ندارد.

اشکال ندارد اگرچه احوط و اولی، ترک است البته اصلاح صورت اگر تراشیدن ریش باشد، حرام است.(۱)

در آینه نظر کردن معتکف چه حکمی دارد؟

مانعی ندارد.(۲)

اگر کسی حشرات موذی داخل مسجد را بکشد اعتکافش چه حکمی پیدا می کند و اگر در این حال، مسجد را نجس کرده باشد چه طور؟

کشتن حشرات موذی در مسجد اشکال ندارد ولی اگر مسجد نجس شود باید آن را تطهیر نماید.(۳)

با عنایت به اینکه در اعتکاف، گفتن شعر نهی شده است، آیا خواندن اشعار مذهبی خللی در اعتکاف ایجاد می کند؟

خواندن اشعار، مبطل اعتکاف نیست.(۴)

اظهار فضل بدون مجادله برای شوخی، آیا باعث بطلان اعتکاف می شود؟ آیا کار حرام انجام داده است؟

خیر حرام نیست، بلکه مکروه است.(۵)

---

۱- صافی (دفتر) .

۲- نوری (هزار و یک مساله فقهی، ج۲، ص۹۵، م۲۶۵) . صافی (دفتر) : حرام نیست، اگرچه اولی ترک است.

۳- نوری (هزار و یک مساله فقهی، ج۲، ص۹۶، م۲۷۴) / صافی (دفتر) .

۴- خامنه ای. مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص۱۲۲/سایت) : این کار خللی به اعتکاف وارد نمی کند.

۵- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص۵۹) .

## متفرقه

### ۱)جنب شدن قبل از اعتکاف

کسی که شب قبل از اعتکاف در مسجد حاضر شده و نیاز به غسل پیدا کرده ولی به خاطر عدم امنیّت نمی تواند به خارج از مسجد برای غسل برود، آیا می تواند تیمّم کند و معتکف شود و در زمانی که دسترسی به آب پیدا کرد، از مسجد خارج شود و غسل کند؟ اگر جواب مثبت است، آیا چنین کسی برای اعتکاف و روزه و نماز صبح باید سه تیمّم جداگانه کند؟

اگر اعتکاف بر او واجب معیّن باشد، مانعی ندارد و یک تیمم کافی است و الّا جایز نیست.(۱)

کسی که دسترسی به آب ندارد و باید برای نماز صبح تیمّم کند، آیا می تواند قبل از اذان صبح تیمّم کند و معتکف شود و در زمانی که دسترسی به آب پیدا کرد، از مسجد خارج شود و غسل کند؟

اگر اعتکاف بر فرد واجب معیّن نباشد، جایز نیست و الا مانعی ندارد.(۲)

### ۲)تعریف عُرف

گاهی در جواب استفتائات ما را به عرف ارجاع می‌دهید. مراد از عرف چیست؟ چه کسی می تواند آنرا تشخیص دهد؟ اگر در تشخیص آن اختلاف شود چه باید کرد؟

مراد از عرف، نظر عرفی خود مکلف است.(۳)

آیا غسل روز ۱۵رجب برای معتکف واجب است؟

---

۱- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص۵۷) .

۲- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص۵۷) .

۳- خامنه ای (سایت) .

خیر.(۱)

اگر اعتکاف در همسر اثر منفی بگذارد، با توجّه به استحباب اعتکاف کدام لازم تر است؟ رسیدگی به همسر یا اعتکاف؟

تا هنگامی که اعتکاف شوهر مستلزم ترک نفقه ی واجب زن نشود، اشکال ندارد.(۲)

آیا طّلاب و دانشجویان در ایّام تحصیل می‌توانند معتکف شوند؟ کدام افضل است؟

هرگاه اعتکاف به درس آنها لطمه نزند، اشکالی ندارد.(۳)

آیا در اعتکاف صحبت کردن و خندیدن اشکال دارد؟

صحبت کردن و خندیدن مانعی ندارد.(۴)

با توجّه به اینکه مستحب است میهمان بدون جلب رضایت میزبان، روزه مستحبی نگیرد، آیا میهمان بدون اجازه میزبانش می تواند معتکف شود؟ آری.(۵)

در بعضی از مساجد اعتکاف در بخش بالایی (طبقه بالا) مسجد برگزار می شود، لذا نماز جماعت آقایان در آن بخش که در طبقه پایین آن خواهران اقامه نماز جماعت می کنند چه حکمی دارد؟ اشکال ندارد.(۶)

---

۱- فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص۴۳) .

۲- خامنه ای (سایت) .

۳- مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص۱۲۷) .

۴- صافی (جامع الاحکام، ج۱، ص۱۴۴/دفتر) /مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص۱۱۵) .

۵- مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص۱۱۵) .

۶- خامنه ای. مکارم (استفتائات، ج۳، ص۹۲، س۲۷۲) : در صورتی که بین آنها حجابی باشد، مانعی ندارد.

### ۳)برخی احکام اعمال امّ داود

آیا اعمالی که معتکفین در سیزده تا پانزده رجب به جا می‌آورند (نظیر اعمال امّ داود)جزو اعمال اعتکاف است، چنانچه کسی در ماه رمضان هم معتکف شود باید آنها را به جا آورد یا از اعمال مخصوص ایّام البیض محسوب می شود؟

اعمال امّ داود در اعتکاف شرط نیست بلکه مربوط به ایّام البیض است. هر چند انجام آن در حال اعتکاف بهتر می‌باشد.(۱)

اعمال ام داود بعد از اذان ظهر شروع می شود لکن در مراسم اعتکاف در بعضی مساجد به جهت داشتن برنامه سخنرانی و نوحه خوانی اعمال را دو ساعت قبل از اذان ظهر شروع کردند و به این عنوان که کل اعمال مستحب است بنابر این فرقی نمی کند که قبل از اذان یا بعد از اذان باشد.آیا پاسخ فوق صحیح است و این کار شرعاً صحیح بوده است؟

اگر رجائاً به عنوان ثواب انجام شده باشد، مانع ندارد.(۲)

آیا می‌توان برای غسل امّ داود از مسجد خارج شد؟

به صفحه.... مراجعه شود.

---

۱- مکارم (اعتکاف عبادتی کامل، ص۱۲۷) .

۲- صافی (دفتر) .

## فصل پنجم: زمان، اعمال، آداب و ادعیه اعتکاف

### اشاره

فصل پنجم: زمان، اعمال، آداب و ادعیه اعتکاف(۱)

### زمان اعتکاف

در هر زمانی که انسان بتواند، حداقل سه روز در مسجد بماند و روزه بگیرد، اعتکاف نیز صحیح است. چون اعتکاف بدون روزه محقق نمی‌شود، ایامی که روزه آن مستحب است، زمان مناسبی برای اعتکاف است و ثواب آن افزون تر خواهد بود.

با فضیلت ترین اوقات اعتکاف، ماه مبارک رمضان و بهترین اوقاتِ ماه رمضان، دهه آخر آن است.(۲)

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در مدینه در ماه مبارک رمضان معتکف می‌شدند. دهه آخر ماه مبارک رمضان جهت اعتکاف، آن قدر مورد تاکید است که امیرالمومنین علیه السلام زمان دیگری را برای این عبادت سزاوار نمی‌داند.(۳)

فقهای اسلام، اعمّ از شیعه و اهل سنّت اعتکاف در ماه مبارک رمضان را سفارش کرده اند. در بررسی از کتب فقهی از شیعه و اهل سنّت که در دسترس بود، در خصوص فضیلت اعتکاف در ماه رجب، مطلبی یافت نشد.

دلیلی خاصّ بر استحباب اعتکاف در ماه رجب نیافتیم.(۴) اینکه مرسوم شده در ایّام البیض ماه رجب، اعتکاف می کنند، ظاهراً به دلیل اعمال امّ داود و فضیلت و سفارش زیاد روزه داشتن و دعا و برآورده شدن حاجات در این ایّام است. لازم به ذکر است که معصومین علیهم السلام از اعتکاف در غیر ماه رمضان منعی نفرموده اند، هرچند که اعتکاف در ماه مبارک رمضان را ارج می‌نهیم و توصیه می‌شود که اگر مقدور بود، خوانندگان از این سنّت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بی بهره نمانند.

---

۱- با توجه به فضیلت هایی که برای اعمال این ماه بیان شده، لازم به ذکر است که اهدای ثواب شرایطی دارد و بخشش خداوند به طور مثال شامل گناهانی مانند کفر یا حق الناس نمی‌شود.

۲- امام خمینی (ترجمه تحریرالوسیله، ج۱، ص۳۴۴) /بهجت (استفتاءات، ج۲، ص۴۳۹) /خامنه ای /صافی (دفتر) /فاضل (اعتکاف و احکام آن، ص۱۸) نوری (هزار و یک مساله فقهی، ج۲، ص۹۶، م۲۷۱) . مکارم (استفتاءات جدید،ج ۲، ص۱۵۸) : در ماه مبارک رمضان و ماه رجب فضیلت بیشتری دارد. در برخی از احادیث اهل سنّت، نسبت به اعتکاف در ماه شوال اشاره شده است.

۳- «لا اعتکاف الا فی العشر الاواخر من شهر رمضان » (الاستبصار، ج۲، ص۱۲۷) . مشابه این روایت از امام صادق علیه السلام نیز نقل شده است (وسائل الشیعه (ط-آل البیت) ، ج۷، ص۳۹۸/کافی (ط-اسلامیه) ، ج۴، ص۱۷۶) .

۴- خامنه ای.

## فضیلت ماه رجب

این ماه از ماه های حرام است که جنگ درآن جایز نیست و حتّی در زمان جاهلیّت هم این مطلب شهرت داشته است. شب اوّل آن، از چهار شبی (شب اوّل رجب، شب نیمه شعبان، شب عید فطر و شب عید قربان) است که بر زنده نگه داشتن آن به عبادت و دعا تأکید شده است و نیمه این ماه، از محبوب ترین روزها نزد خداوند است. بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در بیست و هفتم این ماه واقع شده است. سیر الی الله به راحتی امکان پذیر نیست و در حالت عادی بسیار مشکل است، ولی نزول باران رحمت الهی در ماه رجب، راه را هموار می کند.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «خداوند در آسمان هفتم، فرشته ای را قرار داده است که به او «داعی» گفته می‌شود. هنگامی که ماه رجب می‌آید، این فرشته در هر شب تا صبح می گوید: «خوشا به حال تسبیح کنندگان خدا! خوشا به حال فرمانبرداران خدا». خداوند می‌فرماید: «همنشین کسی هستم که با من همنشینی کند. فرمانبردار کسی هستم که فرمانبردارم باشد. بخشنده خواهان بخشایش هستم. ماه، ماه من، بنده، بنده من و رحمت، رحمت من است. هرکس در این ماه مرا بخواند، او را اجابت کنم و هرکس از من بخواهد، به او عطا کنم و هرکس از من هدایت خواهد، او را هدایت کنم. این ماه را رشته ای بین خود و بندگانم قرار دادم که هرکس آنرا بگیرد، به من می‌رسد».(۱)

امیرالمومنین علیه السلام:: «ماه رجب ماه من و ماه شعبان ماه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ماه رمضان ماه خداست».(۲)

امام صادق علیه السلام: «هنگامی که قیامت فرا رسد، منادی از عرش ندا می کند: کجایند رجبیّون [آنها که ماه رجب را گرامی داشتند]؟ پس عده ای از مردم

می‌ایستند، در حالی که صورتشان برای اهل محشر می‌درخشد و بر سرشان تاج پادشاهی گذاشته شده است. آنگاه امام صادق علیه السلام ثواب های زیادی نام بردند(۳) و بعد فرمودند: این اجر و پاداش کسی است که مقداری از [ماه] رجب، هر چند یک روز از اوّل یا وسط و یا آخرش را روزه گرفته باشد».(۴)

---

۱- اقبال بالاعمال الحسنه، ج۳، ص ۱۷۴/مستدرک، ج۷، ص ۵۳۵.

۲- وسائل الشیعه (ط-آل البیت) ، ج ۱۰، ص ۴۸۰.

۳- هر کدام از آنها را هزار مَلَک از طرف راست و هزار ملک از طرف چپ همراهی می کنند. ملائکه به او می گویند: «ای بنده خدا! کرامت خداوند عزوجل گوارای تو باد» پس ندایی از جانب خداوند می‌رسد: «ای بندگان و کنیزان من، قسم به عزّت و جلالم که امروز جایگاه شما را نیکو می‌دارم و پاداشی بس بزرگ به شما می‌دهم و غرفه هایی از بهشت به شما عطا می‌کنم که از زیر آن نهرها جاری است. شما برای همیشه در آن خواهید بود و این جزای خوبی برای عمل کنندگان است. شما با روزه خود این ماه را که من حرمتش را واجب دانسته بودم، بزرگ شمردید. ای ملائکه من، بندگان و کنیزان مرا وارد بهشت کنید.»

۴- . شیخ صدوق، فضائل الاشهر الثلاثه، ص ۳۱.

امام کاظم علیه السلام: «رجب، نام نهری در بهشت است که از شیر سفیدتر و از عسل شیرین تر است. هرکس یک روز از ماه رجب را روزه بگیرد، از آن نهر

می آشامد».(۱)

امام کاظم علیه السلام: «ماه رجب، ماه عظیمی است که خداوند حسنات و نیکی ها را در آن دو چندان و گناهان را محو می کند».(۲)

امام رضا علیه السلام به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «ماه رجب را اصب می گویند زیرا که رحمت خداوند در این ماه بر بندگان نازل می‌شود».(۳)

## اعمال مشترک ماه رجب

### اشاره

چون در کشور ما اعتکاف معمولاً در ایّام البیض ماه رجب نیز برگزار می‌شود، در این فصل، اعمال این ماه بیان شده است.

اعمال ماه رجب بر دو قسم است: اعمالی که توصیه شده است در تمام ماه رجب انجام شود «اعمال مشترک» نامیده می‌شود و اعمالی که توصیه شده است در روز یا روزهای خاصی از ماه رجب مانند «ایّام البیض»انجام شود، «اعمال اختصاصی» نامیده می‌شود.

### ۱-غسل

شستن بدن از کثافات، می تواند زمینه صفای روحانی را فراهم می‌آورد و بدن که همراه روح است، باید آلودگی نداشته باشد تا روح سبکبال تر به منزل

---

۱- وسائل الشیعه (ط-آل البیت) ، ج۱۰، ص ۴۷۳/تهذیب الاحکام، ج۴، ص۳۰۶، روایت۹۲۴/قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان.

۲- وسائل الشیعه (ط-آل البیت) ، ج۱۰، ص ۴۷۳.

۳- عیون اخبار الرضا (ع) ، ترجمه آقا تجفی، ج۲، ص۳۰۶.

مقصود برسد. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «هرکس که در اوّل، وسط و آخر ماه رجب غسل کند، از گناهانش خارج می‌شود، مانند روزی که از مادرش متولد شده است».(۱)

## ۲-نماز

تمام نمازهای مستحّبی به جز نافله شب که یک رکعت است، باید همانند نماز صبح، دو رکعتی خوانده شوند و پس از سلام نماز، دو رکعت بعدی آغاز می‌شود. (به صفحه ۲۵۷ مراجعه شود.)

در ماه رجب نمازهایی وارد شده است که در ذیل به برخی، اشاره می‌شود:

۱-۲-شصت رکعت نماز: هر شب دو رکعت و در هر رکعت یک مرتبه حمد، سه مرتبه کافرون و یک مرتبه توحید و بعد از سلام نماز، دست ها را بالا ببرد و بگوید: «لا إلهَ إلا اللهُ وَحدَهُ لا شَریکَ لَهُ، لَهُ المُلکُ وَ لَهُ الحَمدُ یُحیِی وَ یُمِیتُ وَ هُوَ حَیٌّ لایَمُوتَ، بِیَدِهِ الخَیرُ وَ هُوَ عَلی کُلِّ شَیء قَدِیرٌ، وَ إلَیهِ المَصِیرُ وَ لا حَولَ وَ لا قُوَّةَ اِلّا بِالله العَلیِّ العَظِیمِ، اَللّهُمَ صَلِّ عَلی مُحمّد وَ عَلی آلِ محمّد، النَّبیِّ الامِّیِّ وَ آلِهِ» سپس دست ها را به صورت بکشد.(۲)

۲-۲-ده رکعت نماز: در یک شب از ماه رجب، ده رکعت نماز گذارده

می‌شود، در هر رکعت حمد و کافرون یک مرتبه و توحید ۳ مرتبه.(۳)

---

۱- اقبال بالاعمال الحسنه، ج۲، ص۶۲۸.

۲- .پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «هرکس در ماه رجب[این] شصت رکعت نماز را بخواند، خداوند دعایش را مستجاب و ثواب شصت حج و شصت عمره را به او عطا می‌فرماید». (اقبال بالاعمال الحسنه، ج۳، ص ۱۷۹/وسائل الشیعه (ط-آل البیت) ، ج۸، ص۹۵/قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان) .

۳- پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «هرکس در شبی از شبهای ماه رجب، ده رکعت نماز بخواند و در هر رکعت حمد و کافرون و توحید را سه مرتبه تلاوت کند، خداوند تمام گناهان گذشته او را می‌آمرزد و برای هر رکعت، ثواب شصت سال عبادت می‌نویسد و در مقابل هر سوره ای که خوانده، قصری از لوءلوء در بهشت به او عطا می‌کند و ثواب کسی که در آن سال مشغول نماز، روزه، حج، عمره و جهاد در راه خدا بوده، برایش می‌نویسد و در هر روز از آن سال تا سال آینده یک حج و یک عمره برای او می‌نویسد و هنوز از نماز فارغ نشده است که خدا او را می‌آمرزد. هنگامی که از نماز فارغ شد، مَلِکی از زیر عرش ندا می‌دهد که ای ولیّ خدا! عملت را از سر بگیر. به تحقیق که خدا تو را از آتش جهنّم آزاد کرد و او را از نمازگزاران آن سال می‌نویسند و اگر درآن سال بمیرد، شهید از دنیا رفته است و خدا دعای او را مستجاب می‌کند و حوائج او را برآورده می‌سازد و نامه اعمالش را به دست راست او می‌دهد و صورتش را نورانی می‌کند و خداوند بین او و آتش جهنّم، هفت خندق فاصله می‌اندازد». (اقبال بالاعمال الحسنه، ج۳، ص ۱۷۹/قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان)

۲-۳-دو رکعت نماز: در هر دو رکعت نماز صد مرتبه سوره توحید.(۱)

۲-۴-نماز حضرت سلمان علیه السلام:(۲) پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «سلمان! در روز اوّل ماه رجب، ده رکعت نماز به جا می‌آوری، در هر رکعت، حمد یک مرتبه، توحید سه

---

۱- پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «هرکس در شبی از شبهای ماه رجب، صد مرتبه سوره توحید را در دو رکعت بخواند، مانند کسی است که صد سال در راه خدا روزه گرفته و خدا صد قصر در جوار یکی از پیامبران به او عطا می کند». (اقبال بالاعمال الحسنه، ج۳،ص ۱۸۰/قمی، شیخ عباس،مفاتیح الجنان)

۲- سلمان فارسی علیه السلام می گوید: روز آخر ماه جمادی الثانی محضر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شرفیاب شدم. آن حضرت فرمودند: «سلمان! تو از ما اهل بیت هستی. آیا نمی‌خواهی تو را از چیزی آگاه کنم؟» عرض کردم: «بله، می‌خواهم یا رسول الله، پدر و مادرم به فدای شما باد». رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «ای سلمان! هیچ مرد و زن مومنی در ماه رجب سی رکعت نماز نگزارد که در هر رکعتش، حمد را یک بار و سوره توحید و کافرون را هر یک سه مرتبه بخواند، مگر اینکه خداوند هرگناهی را که در خردسالی یا بزرگسالی مرتکب شده، از او محو می کند و ثواب کسی که تمام ماه را روزه گرفته، به او می‌دهد و تا سال آینده نزد خدا از نمازگزاران محسوب می‌شود و هر روز عمل شهیدی از شهدای بدر برایش بالاـ می‌رود و به ازای هر روزه ای که می گیرد، عبادت یک سال برای او نوشته می‌شود و هزار درجه بالا می‌رود و اگر تمام ماه را روزه بگیرد، خداوند او را از آتش نجات می‌دهد و بهشت را برای او قرار می‌دهد. ای سلمان! اینها را جبرئیل علیه السلام به من خبر داد و گفت: ای محمّد! این علامتی است برای جدایی شما از منافقان، چرا که آنان این نماز را نمی‌خوانند». سلمان می گوید: عرض کردم: «یا رسول الله! مرا از چگونگی خواندن آن و زمان آن آگاه کن». سلمان می گوید: «وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم حدیث را تمام کرد، من به سجده افتادم و گریه کردم و برای شنیدن این حدیث از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شکر خدا را به جا آوردم». (اقبال الاعمال (ط-قدیمه) ، ج۲، ص۶۳۷/مصباح المتحجد، ج۲، ص۸۱۸) .

مرتبه، کـافرون سه مرتبه و بعـد از هر نمـاز، در حـالی که دست ها را بلنـد می کنی، بگو: «لا اِلهَ اِلّا اللهُ، وَحْـدَهُ لا شَـریکَ لَهُ، لَهُ المُلْکُ وَ لَهُ الحَمْدُ یُحیی وَ یُمیتُ، و هُوَ حَیٌّ لایَموُتُ بِیَدِهِ الخَیرُ، وَ هُوَ عَلی کُلِّ شَـیءٍ قَدیرٌ. اَللّهُمَّ لامانِعَ لِما اَعْطَیْتَ، و لا مُعْطیَ لِما مَنَعْتَ، وَ لا یَنْفَعُ ذالجَدِّ مِنْکَ الجَدُّ». آن گاه دست ها را به صورت بکش. در روز نیمه رجب نیز، همان ده رکعت را بخوان و فقط بعد از «کُلِّ شَیءٍ قَدیرٌ» بگو: «اِلهاً واحِداً اَحَداً فَرداً صَمَداً، لَمْ یَتَّخِذْ صاحِبَهً وَ لا وَلَداً» سپس دست ها را به صورت بکش. در آخر ماه رجب همان ده رکعت را با همان کیفیّت بخوان و فقط بعد از «کُلِّ شَـیءٍ قَدیر» بگو: «وَ صَـلَّی اللهُ عَلی محمّد و آلِهِ الطّاهِرینَ، وَ لاحَولَ و لا قُوَّهَ اِلّا بِاللهِ العَلّیِ العَظیمِ». پس دست ها را به صورت بکش و حاجتت را از خداوند بخواه».(۱)

---

۱- پیامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم: همانا خداوند دعایت را مسـتجاب می کند و بین تو و جهنّم هفت خندق فاصله می‌اندازد که هر خندق، فاصله بین زمین و آسمان است و برای هر رکعت، ثواب یک ملیون رکعت می‌نویسد و همچنین دوری از آتش و عبور از صراط، برای تو نوشته می‌شود. (مصباح المتحجد، ج۲، ص۸۱۸)

۲-۵-چهار رکعت نماز: رکعت اوّل بعد از حمد، صد مرتبه آیه الکرسی و در رکعت دوّم بعد از حمد، دویست مرتبه توحید را بخواند.(۱)

۲-۶-سی رکعت نماز: در هر رکعت بعد از حمد، کافرون یک مرتبه و توحید سه مرتبه را بخواند.(۲)

۲-۷-نماز شب: کیفیّت این نماز در صفحه ۲۵۷ آمده است.

۲-۸-نماز جعفر طیّار: کیفیّت این نماز در صفحه ۲۵۲ آمده است.

### ۳-روزه

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «هرکس که سه روز از ماه رجب را روزه بگیرد، خداوند برای هر روز او، ثواب یک سال روزه را می‌نویسد».(۳)

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «کسی که دو روز از ماه رجب را روزه بگیرد، خداوند آن قدر کرامت به او عطا می‌کند که وصف کنندگان اهل آسمان و زمین نمی‌توانند آن کرامت را وصف کنند و به اندازه اجر و پاداشی که به ده نفر از راستگویان که در تمام عمر داده است به او عنایت می‌کند و به همان مقداری که صادقان و راستگویان در روز قیامت شفاعت می‌کنند، او نیز شفاعت می‌کند و با راستگویان، محشور و داخل بهشت می‌شود و از رفیقان آنها خواهد بود».(۴)

---

۱- پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «هرکس یک روز از ماه رجب روزه بگیرد و [این] چهار رکعت نماز را بخواند، نمیرد تا اینکه جایگاهش را در بهشت ببیند و یا دیگران جایگاهش را ببینند. (اقبال بالاعمال الحسنه، ج۳، ص۲۰۰/قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان)

۲- الاقبال باعمال الحسنه، ج۳، ص۱۷۷/قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان.

۳- اقبال بالاعمال الحسنه، ج۳، ص ۱۹۲.

۴- اقبال بالاعمال الحسنه، ج۳، ص ۲۱۹.

امیرالمومنین علیه السلام:: «هرکس یک روز از ماه رجب را در اوّل یا وسط یا آخر آن، روزه بگیرد، گناهانش بخشیده می‌شود».(۱)

امام باقر علیه السلام: «هرکس سه روز از ماه رجب را روزه بگیرد، به او گفته می‌شود، گناهان گذشته و آینده ات بخشیده شد».(۲)

امام رضا علیه السلام: «کسی که روز اوّل ماه رجب را از روی رغبت و امید ثواب، روزه بگیرد، خداوند بهشت را بر او واجب می‌کند و کسی که روزی از اواسط ماه را روزه بگیرد، به تعداد قبایل «رَبیعه» و «مُضر»(۳)، حق شفاعت پیدا می‌کند وکسی که روزی از اواخر ماه را روزه بگیرد، خداوند او را از پادشاهان بهشت قرار می‌دهد و از پدر، مادر، پسر، دختر، عمو، عمه، دایی، خاله، آشنایان و همسایگانش شفاعت می‌کند، هر چند مستحق آتش شده باشند».(۴)

امام کاظم علیه السلام: «هرکس یک روز از ماه رجب را روزه بگیرد، آتش جهنّم یک سال راه، از او دور می‌شود و هرکس که سه روز از ماه رجب را روزه بگیرد، بهشت بر او واجب می‌شود».(۵)

البته ثوابی که برای روزه بیان شد، فقط برای پرهیز از خوراکی ها نیست بلکه باید از خواهش های نفسانی نیز چشم پوشید وهم جوارح و هم جوانح روزه باشند. به صفحات ۲۴۳ و ۳۱۴ مراجعه شود.

---

۱- وسائل الشیعه (ط-آل البیت) ، ج ۱۰، ص۴۷۸/فضائل الاشهرالثلاثه، ص۳۸.

۲- وسائل الشیعه (ط-آل البیت) ، ج ۱۰، ص۴۷۳/بحارالانوار (ط-بیروت) ، ج۹۴، ص۳۲.

۳- این دو قبیله شامل مجموعه ای از قبایل می‌شوند، مثلاً قریش از قبایل زیر مجموعه مضر است.

۴- اقبال بالاعمال الحسنه، ج۳، ص۱۹۱.

۵- اقبال بالاعمال الحسنه، ج۳، ص ۱۹۱.

## ۴-دعا

### اشاره

در ماه رجب دعاهایی از ائمه علیهم السلام نقل شده است. برخی در روزی خاصّ و برخی در همه روزها خوانده می‌شود. (به صفحه ۲۷۶ مراجعه شود.)

در ذیل برخی از دعاهایی که هر روز خوانده می‌شود، ذکر شده است:

### ۴-۱-دعایی از امام سجّاد علیه السلام

«یا مَنْ یَمْلِکُ حَوائِجَ السّائِلینَ وَ یَعْلَمُ ضَمیرَ الصّامِتینَ لِکُلِّ مَسْأَلَهٍ مِنْکَ سَمْعٌ حاضِرٌ وَ جَوابٌ عَتیدٌ. اَللّهُمَّ وَ مَواعیدُکَ الصّادِقَهُ وَ أَیادیکَ الْفاضِلَهُ وَ رَحْمَتُکَ الْواسِعَهُ فَأَسْأَلُکَ أَن تُصَلِّیَ عَلی محمّد وَ آلِ محمّد وَ أَن تَقْضِیَ حَوائِجی لِلدُّنْیا وَ الْآخِرَهِ إِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدیرٌ».(۱)

### ۴-۲-دعاهایی از امام صادق علیه السلام

۱)«بنویس بسم الله الرّحمن الرّحیم و بعد ازنمازهای یومیّه بگو: «یا مَنْ اَرْجُوهُ لِکُلِّ خَیْرٍ وَ آمَنُ سَخَطَهُ عِنْدَ کُلِّ شَرٍّ، یا مَنْ یُعْطِی الْکَثیرَ بِالْقَلیلِ، یا مَنْ یُعْطی مَنْ سَئَلَهُ، یا مَنْ یُعْطی مَنْ لَمْ یَسْئَلْهُ وَ مَنْ لَمْ یَعْرِفْهُ تَحَنُّناً مِنْهُ وَ رَحْمَهً، اَعْطِنی بِمَسْئَلَتی اِیّاکَ جَمیعَ خَیْرِ الدُّنیا وَ جَمیعَ خَیْرِالاخِرَهِ وَ اصْرِفْ عَنّی بِمَسْئَلَتی اِیّاکَ جَمیعَ شَرِّ الدُّنیا وَ شَرِّ الْاخِرَهِ، فَاِنَّهُ غَیْرُ مَنْقُوصٍ ما اَعْطَیْتَ وَ زِدْنی مِنْ فَضْلِکَ یا کَریمُ».

آنگاه حضرت دست چپش را بلند کرد و محاسن شریفشان را گرفت و این دعا را خواند. در حالی که با تضرّع و التجا، انگشت سبابه دست راستش را به سمت چپ و راست حرکت می‌داد(۲)، چنین فرمود: «یا ذَاالْجَلالِ وَالْاِکْرامِ یا

---

۱- .اقبال بالاعمال الحسنه، ج۳، ص۱۵۸/ عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، بلد الامین، ص ۱۷۸/ قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان.

۲- در روایات به حکمت این حرکت اشاره شده است که «خدایا من نمی‌دانم جزو اصحاب یمین هستم یا جزو اصحاب یسار. من حیرانم که بهشتی هستم یا جهنّمی»

ذَاالنَّعْمآءِ وَالْجُودِ یا ذَاالْمَنِّ وَالطَّوْلِ، حَرِّمْ شَیْبَتی عَلَی النّارِ». در روایت دیگری آمده که حضرت دستش را بر محاسنش گذاشت و آن را بر نداشت تا پشت دستش پر از اشک شد.(۱)

۲)«خابَ الوافِدونَ عَلَی غَیْرِکَ وَ خَسِرَ الْمُتَعَرِّضُونَ إلّا لَکَ وَ ضاعَ الْمُلِمُّونَ إلّا بِکَ وَ أَجْدَبَ الْمُنْتَجِعُون إلّا مَن انْتَجَعَ فَضْلَکَ، بابُکَ مَفْتُوحٌ لِلرَّاغِبِینَ وَ خَیْرُکَ مَبْذُول لِلطَّالِبِینَ وَ فَضْلُکَ مُبَاحٌ لِلسَّائِلِینَ وَنَیْلُکَ مُتَاحٌ لِلْآمِلِینَ وَرِزْقُکَ مَبْسُوطٌ لِمَنْ عَصَاکَ وَحِلْمُکَ مُتَعَرِّضٌ لِمَنْ نَاوَاکَ، عَادَتُکَ الْإِحْسَانُ إِلَی الْمُسِیئِینَ وَ سَبِیلُکَ الْإِبْقَاءُ عَلَی الْمُعْتَدِینَ اللَّهُمَّ فَاهْدِنِی هُدَی الْمُهْتَدِینَ وَ ارْزُقْنِی اجْتِهَادَ الْمُجْتَهِدِینَ وَ لاتَجْعَلْنِی مِنَ الْغَافِلِینَ الْمُبْعَدِینَ وَاغْفِرْلِی یَوْمَ الدِّین».(۲)

۳)«اَللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ صَبْرَ الشَّاکِرِینَ لَکَ وَ عَمَلَ الْخائِفِینَ مِنْکَ وَ یَقِینَ الْعابِدِینَ لَکَ، اللَّهُمَّ أَنْتَ الْعَلِیّ الْعَظِیمُ وَ أَنَا عَبْدُکَ الْبَائِسُ الْفَقِیرُ وَ أَنْتَ الْغَنِیُّ الْحَمِیدُ وَ أَنَا الْعَبْدُ الذَّلِیلُ. اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی محمّد وَ آلِ محمّد وَامْنُنْ بِغِنَاکَ عَلَی فَقْرِی وَ بِحِلْمِکَ عَلَی جَهْلِی وَ بِقُوَّتِکَ عَلَی ضَعْفِی یَا قَوِیُّ یَا عَزِیزُ، اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی محمّدٍ وَ آلِ محمّدٍ الْأَوْصِیَاءِ الْمَرْضِیِّینَ، وَ اکْفِنِی مَا أَهَمَّنِی مِنْ أَمْرِ الدُّنْیا وَ الْآخِرَهِ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ».(۳)

---

۱- محمّد ذکوان، معروف به سجّاد (او را سجّاد گفته اند، زیرا درسجده هایش بسیار گریه میکرد، به گونه ای که بر اثر گریه زیاد نابینا شد) می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: فدایت شوم ماه رجب است. دعایی را به من بیاموزید که خداوند به سبب آن، به من نفع رساند. ایشان این دعا را تعلیم فرمودند. ( اقبال بالاعمال الحسنه، ج۳، ص ۲۱۱/قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان)

۲- اقبال بالاعمال الحسنه، ج۳، ص ۲۰۹/قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان.

۳- یونس بن ظبیان می گوید: در ماه رجب، نزد امام صادق علیه السلام بودم که معلی بن خنیس عرض کرد: ای مولایم! دعایی را به من تعلیم دهید که جامع تمام دعاهای موجود درکتب شیعه باشد. ایشان این دعا را تعلیم فرمودند و فرمودند: ای معلی! به خدا قسم، این دعا آنچه را که از زمان حضرت ابراهیم علیه السلام تا زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بوده، در بردارد. (اقبال بالاعمال الحسنه، ج۳، ص ۲۱۰)

## ۳-۴-دعاهایی از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

۱)«بسم الله الرّحمن الرّحیم اَللّهُمَّ اِنّی اَسئَلُکَ بِمَعانی جَمیعِ ما یَدْعُوکَ بِهِ وُلاةُ اَمْرِکَ، الْمَاْمُونُونَ عَلی سِرِّکَ، الْمُسْتَبْشِرُونَ بِاَمْرِکَ، الْواصِفُونَ لِقُدْرَتِکَ، الْمُعْلِنُونَ لِعَظَمَتِکَ اَسئَلُکَ بِما نَطَقَ فیهِمْ مِنْ مَشِیَّتِکَ، فَجَعَلْتَهُمْ مَعادِنَ لِکَلِماتِکَ، وَ اَرْکاناً لِتَوْحیدِکَ، وَ آیاتِکَ وَ مَقاماتِکَ، الَّتی لاتَعْطیلَ لَها فی کُلِّ مَکانٍ، یَعْرِفُکَ بِها مَنْ عَرَفَکَ لا فَرْقَ بَیْنَکَ وَ بَیْنَها اِلاّ اَنَّهُمْ عِبادُکَ وَ خَلْقُکَ، فَتْقُها وَ رَتْقُها بِیَدِکَ بَدْؤُها مِنْکَ وَ عَوْدُها اِلَیْکَ، اَعْضادٌ وَ اَشْهادٌ وَ مُناةٌ وَ اَذْوادٌ وَ حَفَظَةٌ وَ رُوّادٌ فَبِهِمْ مَلَأْتَ سَمائَکَ وَ اَرْضَکَ حَتّی ظَهَرَ [اَنْ] لا اِلَهَ اِلاّ اَنْتَ فَبِذلِکَ اَسْئَلُکَ وَ بِمَواقِعِ الْعِزِّ مِنْ رَحْمَتِکَ وَ بِمَقاماتِکَ وَ عَلاماتِکَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلی محمّدٍ وَ آلِ محمّدٍ وَ اَنْتَ زیدَنی ایماناً وَ تَثْبیتاً یا باطِناً فی ظُهُورِهِ وَ یا ظاهِراً فی بُطُونِهِ وَمَکْنُونِهِ، یا مُفَرِّقاً بَیْنَ النُّورِ وَ الدَّیْجُورِ یا مَوْصُوفاً بِغَیْرِ کُنْهٍ وَ مَعْرُوفاً بِغَیْرِ شِبْهٍ حادَّ کُلِّ مَحْدُودٍ وَ شاهِدَ کُلِّ مَشْهُودٍ، وَ مُوجِدَ کُلِّ مَوْجُودٍ، وَ مُحْصِیَ کُلِّ مَعْدُودٍ وَ فاقِدَ کُلِّ مَفْقُودٍ، لَیْسَ دُونَکَ مِنْ مَعْبُودٍ، اَهْلَ الْکِبْرِیاءِ وَ الْجُودِ. یا مَنْ لا یُکَیَّفُ بِکَیْفٍ وَ لایُؤَیَّنُ بِاَیْنٍ یا مُحْتَجِباً عَنْ کُلِّ عَیْنٍ، یا دَیْمُومُ یا قَیُّومُ وَ عالِمَ کُلِّ مَعْلُومٍ، صَلِّ عَلی عِبادِکَ الْمُنْتَجَبینَ وَ بَشَرِکَ الْمُحْتَجِبینَ وَ مَلائِکَتِکَ الْمُقَرَّبینَ وَ الْبُهَمِ الصّافّینَ الْحافّینَ، وَ بارِکْ لَنا فی شَهْرِنا هذَا الْمُرَجَّبِ الْمُکَرَّمِ وَ ما بَعْدَهُ مِنَ الاَشْهُرِالْحُرُمِ وَ اَسْبِغْ عَلَیْنا فیهِ النِّعَمَ وَ اَجْزِلْ لَنا فیهِ الْقِسَمَ وَ اَبْرِرْ لَنا فیهِ الْقَسَمَ بِاسْمِکَ الاَعْظَمِ الاَجَلِّ الاَکْرَمِ الَّذی وَضَعْتَهُ عَلیَ النَّهارِ فَاَضاءَ وَعَلَی اللَّیْلِ فَاَظْلَمَ وَ اغْفِرْ لَنا ما تَعْلَمُ مِنّا وَ ما لا نَعْلَمُ وَ اعْصِمْنا مِنَ الذُّنُوبِ خَیْرَ الْعِصَمِ وَ اکْفِناکَ

وافِی قَدَرِکَ، وَ امْنُنْ عَلَیْنا بِحُسْنِ نَظَرِکَ، وَ لاتَکِلْنا اِلی غَیْرِکَ وَ لاتَمْنَعْنا مِنْ خَیْرِکَ وَ بارِک لَنا فیما کَتَبْتَهُ لَنا مِنْ اَعْمارِنا، وَ اَصْلِحْ لَنا خَبیئَهَ اَسْرارِنا و اَعْطِنا مِنْکَ الاَمانَ وَ اسْتَعْمِلْنا بِحُسْنِ الایمانِ وَ بَلِّغْنا شَهْرَ الصِّیامِ وَ ما بَعْدَهُ مِنَ الاَیّامِ وَ الاَعْوام یاذَاالْجَلالِ وَ الاِکْرام». (۱)

۲)«اَللّهُمَّ اِنّی اَسئَلُکَ بِالْمَوْلُودَیْنِ فی رَجَبٍ، محمّد بْنِ عَلیٍّ الثّانی وَ ابْنِهِ عَلِیِّ بْنِ محمّد الْمُنْتَجَبِ وَ اَتقرّب بِهِما اِلَیْکَ خَیْرَ الْقُرَبِ، یا مَنْ اِلَیْهِ الْمَعْرُوفُ طُلِبَ، وَ فیما لَدَیْهِ رُغِبَ، اَسئَلُکَ سُؤالَ مُعْتَرِفٍ [مُقْتَرِفٍ] مُذْنِبٍ قَدْ اَوْبَقَتْهُ ذُنُوبُهُ وَ اَوْثَقَتْهُ عُیُوبُهُ وَطالَ عَلَی الْخَطایا دُؤُوبُهُ وَ مِنَ الرَّزایا خُطُوبُهُ، یَسْئَلُکَ التَّوْبَهَ وَحُسْنَ الاوْبَهِ وَ النُّزُوعَ مِنَ الْحَوْبَهِ وَ مِنَ النّارِ فَکاکَ رَقَبَتِهِ وَ الْعَفْوَ عَمّا فی رِبْقَتِهِ فَاَنْتَ مَوْلایَ اَعْظَمُ اَمَلِهِ وَثِقَتِهِ. اَللّهُمَّ و اَسئَلُکَ بِمَسائِلِکَ الشَّریفَهِ وَ وَسائِلِکَ الْمُنیفَهِ اَنْ تَتَغَمَّدَنی فی هذَا الشَّهْرِ بِرَحْمَهٍ مِنْک واسِعَهٍ وَ نِعْمَهٍ وازِعَهٍ وَ نَفْسٍ بِما رَزَقْتَها قانِعَهٍ اِلی نُزُولِ الحافِرَهِ وَمَحَلِّ الاْخِرَهِ وَ ما هِیَ اِلَیْها صائِرَهٌ».(۲)

۳)«اَللّهُمَّ یا ذَاالْمِنَنِ السّابِغَهِ وَ الآلاءِ الْوازِعَهِ و الرَّحْمَهِ الْواسِعَهِ وَ الْقُدْرَهِ الْجامِعَهِ وَ النِّعَمِ الْجَسیمَهِ وَ الْمَواهِبِ الْعَظیمَهِ، وَ الاَیادِی الْجَمیلَهِ و الْعَطایَا الْجَزیلَهِ یا مَنْ لا یُنْعَتُ بِتَمْثیلٍ وَ لایُمَثَّلُ بِنَظیرٍ، وَ لا یُغْلَبُ بِظَهیرٍ، یا مَنْ خَلَقَ فَرَزَقَ وَ اَلْهَمَ فَاَنْطَقَ، وَ ابْتَدَعَ فَشَرَعَ، وَ عَلا فَارْتَفَعَ، وَ قَدَّرَ فَاَحْسَنَ، وَ صَوَّرَ فَاَتْقَنَ، وَ احْتَجَّ فَاَبْلَغَ، وَ اَنْعَمَ فَاَسْبَغَ، وَ اَعْطی فَاَجْزَلَ، وَ مَنَحَ فَاَفْضَلَ. یا مَنْ سَما فِی الْعِزِّ فَفاتَ خَواطِرَ الاَبْصارِ، وَ دَنا فِی

---

۱- این توقیع از ناحیه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به محمّد بن عثمان بن سعید رحمه الله رسیده است. (اقبال بالاعمال الحسنه، ج۳، ص ۲۱۴/قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان) .

۲- شیخ طوسی رحمه الله به نقل ازحسین بن روح نوبختی رحمه الله و ایشان از امام زمان علیه السلام این دعا روایت کرده است. (اقبال بالاعمال الحسنه، ج۳، ص۲۱۵/قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان)

الُّطفِ فَجازَ هَواجِسَ الاَفْکارِ، یا مَنْ تَوَحَّدَ بِالْمُلکِ فَلا نِدَّ لَهُ فی مَلَکُوتِ سُلْطانِهِ وَتفرَّدَ بِالْکِبریاءِ وَ الآلاءِ، وَ فَلا ضِدَّ لَهُ فی جَبَرُوتِ شَأْنِهِ. یا مَنْ حارَتْ فی کِبْریاءِ هَیْبَتِهِ دَقایِقُ لَطایِفِ الاوْهام، وَانْحَسَرَتْ دُونَ اِدْراکِ عَظَمَتِهِ، خَطایِفُ اَبْصارِ الاَنام، یا مَنْ عَنَتِ الْوُجُوهُ لِهَیْبَتِهِ، وَخَضَعَتِ الرِّقابُ لِعَظَمتِهِ وَ وَجِلَتِ الْقُلُوبُ مِنْ خیفَتِهِ. اَسئَلُکَ بِهذِهِ الْمِدْحهِ الَّتی لاتَنْبَغی اِلّا لَکَ وَ بِما وَاَیْتَ بِهِ عَلی نَفْسِکَ لِداعیکَ مِنَ الْمُؤْمِنینَ وَ بِما ضَمِنْتَ الاِجابَهَ فیهِ عَلی نَفْسِکَ لِلدّاعینَ، یا اَسْمَعَ السّامِعینَ وَ یا اَبْصَرَ المُبصِرینَ وَ یا اَنظَرَ النّاظِرینَ وَ یا اَسْرَعَ الْحاسِبینَ وَ یا اَحکَمَ الحاکِمینَ وَ یا اَرحَمَ الرّاحِمینَ صَلِّ عَلی محمّد خاتَمِ النَّبِیّینَ وَ عَلی اَهْلِ بَیْتِهِ الطّاهِرینَ الاَخیارِ وَ اَن تَقْسِمَ لی فی شَهْرِنا هذا خَیْرَ ما قَسَمْتَ وَ اَنْ تَحْتِمَ لی فی قَضائِکَ خَیرَ ما حَتَمْتَ وَ تَخْتِمَ لی بِالسَّعادَهِ فیمَنْ خَتَمْتَ وَ اَحْیِنی ما اَحْیَیْتَنی مَوْفُوراً وَ اَمِتْنی مَسْرُوراً وَ مَغْفُوراً وَ تَوَلَّ اَنْتَ نَجاتی مِنْ مَسائِلَهِ الْبَرْزَخِ، وَ ادْرَءْ عَنِّی مُنْکَراً وَ نَکیراً، وَ اَرِ عَیْنی مُبَشِّراً وَ بَشیراً وَ اجْعَلْ لی اِلی رِضْوانِکَ وَ جِنانِکَ مَصیراً وَعَیْشاً قَریراً وَ مُلْکاً کَبیْراً وَ صَلّیَ اللهُ عَلی محمّد وَآلِهِ بُکْرهً وَ اَصیلاً یا اَرْحَمَ الرّاحمینَ»(۱)

### ۵-استغفار

۱) صد مرتبه بگوید: «اَستَغفِرُ اللهَ الَّذی لا اِلهَ اِلّا هُوَ، لا شَریکَ لَهُ وَ اَتوبُ اِلَیهِ» و بعد صدقه دهد.(۲)

---

۱- در کلمات این دعا اختلاف وجود دارد و در اینجا روایت از محمّد بن ابی رواد رواسی نقل شده است. (اقبال بالاعمال الحسنه، ج۳ص۲۱۲/ قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان)

۲- پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «کسی که در ماه رجب صد مرتبه بگوید: «اَستَغفِرُ اللهَ الَّذی لا اِلهَ اِلّا هُوَ لا شَریکَ لَهُ وَ اَتوبُ اِلَیهِ» و بعد از آن صدقه دهد، خداوند عاقبتش را به رحمت و آمرزش ختم می‌کند و کسی که چهارصد مرتبه این استغفار را بگوید، خداوند اجر صد شهید برایش می‌نویسد و هنگامیکه روز قیامت خدا را ملاقات کند، خداوند به او می‌فرماید: تو به پادشاهی من اقرار کردی و برمن منّت نهادی. اینک هرچه می‌خواهی، به تو عطا می‌کنم، چرا که مقتدری غیر از من نیست.» (اقبال بالاعمال الحسنه، ج۳، ص ۲۱۶)

۲) هر صبح و شب هفتاد مرتبه بگوید: «اَستَغفِرُالله و اَتوبُ الَیهِ» و بعد دستها را بلند کند و بگوید: «اَللّهُمَّ اغْفِرلی و تُبْ عَلَیَّ».(۱)

ثمره استغفار، مغفرت الهی و پاک شدن از آلودگی های روحی است. تا روح انسان از گناه تطهیر نشود، همنشینی با اولیاء الله و بهره بردن از عبادت ذات حق، میسّر نمی‌شود. استغفار، قلب را صاف و آیینه حقّ بین و آماده دریافت فیوضات الهی می کند. در روایات آثار زیادی چون دفع بلا، روزی فراوان و رفع غم و غصه برای استغفار بیان شده است.(۲) در ماه رجب، تأکید زیادی بر استغفار شده است. (به صفحه ۲۳۷ مراجعه شود.)

### ۶-تهلیل

ذکر «لا اله الاّ الله» همان کلمه توحید است و آن را تهلیل گویند.(۳)

گفتن هزار مرتبه ذکر «لا اله الاّ الله» در ماه رجب.(۴)

---

۱- .«کسی که در ماه رجب استغفار و توبه کند و هر صبح و شب هفتاد مرتبه بگوید: «اَستَغفِرُالله و اَتوبُ الَیهِ» و بعد دستهایش را بلند کند و بگوید: «اَللّهُمَّ اغْفِرلی و تُبْ عَلَیَّ ». اگر در ماه رجب از دنیا برود، در حالی مرده که خداوند از او راضی و خشنود است و آتش جهنّم به برکت ماه رجب او را لمس نکند» (اقبال بالاعمال الحسنه، ج۳، ص۲۱۷/قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان)

۲- .محمّدی ری شهری، محمّد، میزان الحکمه، ج۳، ص۲۲۷۳.

۳- تهلیل سه مرحله دارد: تهلیل تکوینی، تهلیل اعتقادی و تهلیل لفظی. تهلیل تکوینی دلالت ذات موجودات بر وجود خداوند و شهادت آنها به وحدانیت اوست. تهلیل اعتقادی، ایمان و اعتقاد قلبی به وحدانیّت خداوند است. تهلیل لفظی یعنی گفتن «لا اله الا الله» و یا هر لفظ دیگری که بر این معنا دلالت کند. (تجلیل ابوطالب، ارزشها و ضدّ ارزشها در قرآن، ص۱۱۳)

۴- پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «کسی که در ماه رجب، هزار مرتبه لا اله الاّ الله بگوید، خداوند صد هزار حسنه برای او می‌نویسد و صد شهر در بهشت برای او بنا می کند.» (اقبال بالاعمال الحسنه، ج۳، ص۲۱۶/ قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان)

## ۷-خواندن سوره توحید

سوره اخلاص، سمبل توحید است.

۱) خواندن ده هزار مرتبه سوره توحید در ماه رجب.(۱)

۲) خواندن هزار مرتبه سوره توحید در ماه رجب.(۲)

۳) خواندن صد مرتبه سوره توحید در ماه رجب.(۳)

---

۱- پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «کسی که در عمرش در ماه رجب، ده هزار مرتبه سوره توحید را با نیّت خالص بخواند، روز قیامت در حالی وارد محشر می‌شود که هیچ گناهی ندارد و همانند روزی است که از مادر متولد شده است. پس هفتاد مَلِک به استقبال او می‌آیند و او را به بهشت بشارت می‌دهند.» (اقبال بالاعمال الحسنه، ج۳، ص۲۱۷)
۲- پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «کسی که هزار مرتبه سوره توحید را بخواند، روز قیامت با عمل هزار پیامبر و هزار مَلِک وارد می‌شود و هیچ کس از او نزدیک تر به خدا نیست، مگر کسی که این سوره را بیشتر خوانده باشد و اگر این عمل در ماه رجب انجام شود، ثواب آن مضاعف می‌شود.» (اقبال بالاعمال الحسنه، ج۳، ص۲۱۷)
۳- پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «کسی که صد مرتبه سوره توحید را بخواند، خدا بر او، اولاد، اهل و همسایگان او برکت نازل می‌کند و کسی که این عمل را در ماه رجب انجام دهد، خدا دوازده قصر در بهشت برایش بنا می‌کند که به دُرّ و یاقوت مُزیّن است و یک میلیون حسنه برای او می‌نویسند. پس خدا می‌فرماید: «بنده ام را ببرید و آنچه را که برایش مهیا کرده ام، به او نشان دهید». پس ده هزار قهرمان که همه آنها مُوکَّل خانه های او در بهشت هستند، می‌آیند و درهای یک میلیون قصر از دُرّ و یک میلیون قصر از یاقوت سرخ را برای او باز می‌کنند که همه این قصرها به قدری مُزیّن به دُرّ و یاقوت و زیورآلات است که توصیف کنندگان از وصف آنها عاجزند و هیچکس غیر از خدا به آنها احاطه ندارد. پس هنگامی که بنده، این نعمت ها و پاداش ها را می‌بیند، مدهوش و متحیر می‌شود و می گوید: این نعمت ها برای کدامیک از انبیا است؟ گفته می‌شود: اینها برای توست، چون سوره توحید را خوانده ای». (اقبال بالاعمال الحسنه، ج۳،ص ۲۱۷)

### ۸-خواندن زیارت امام حسین علیه السلام

## فضیلت و اعمال اختصاصی ایّام البیض ماه رجب

### اشاره

امام صادق علیه السلام: «به این امّت (مسلمانان) سه ماه، عطا شده که به هیچ یک از

امّت ها عطا نشده و آنها، ماه رجب و ماه شعبان و ماه رمضان است و نیز سه شب، به این امّت عطا شده که به هیچ یک از امّت ها عطا نشده و آنها، شب سیزدهم و شب چهاردهم و شب پانزدهم از هر ماه است و همچنین به این امّت سه سوره، عطا شده که به هیچ یک از امّت ها عطا نشده و آنها عبارتند از: سوره های یس، ملک، توحید. پس کسی که این سه امر (سه ماه رجب، شعبان، رمضان و سه شب ایّام البیض و سه سوره یس، ملک، توحید) را جمع کند، پس

با فضیلت ترین چیزهای اعطا شده به این امّت را جمع کرده است». از امام سوال شد: چگونه بین آنها می‌توان جمع کرد؟ حضرت فرمود: «در هر یک از

شب های ایّام البیض سه ماه (رجب، شعبان و رمضان) نمازی به جا آورد. به

این گونه که در شب سیزدهم دو رکعت نماز بخواند و در هر رکعت بعد از حمد سه سوره یس، تبارک و توحید را بخواند و در شب چهاردهم چهار رکعت نماز (به دو سلام) و در شب پانزدهم شش رکعت (به سه سلام) به همان کیفیّت به جای آورد. هرکه این نماز را در این سه شب بخواند، فضیلت این سه ماه را درک کرده است و همه گناهان او غیر از شرک به خدا آمرزیده می‌شود».(۱)

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «کسی که سه روز از ماه رجب را روزه بگیرد و شب های سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم آن را به عبادت قیام کند، قسم به خداوندی که مرا به حقّ،

---

۱- اقبال بالاعمال الحسنه، ج۳، ص ۲۳۰.

به پیغمبری مبعوث کرد، از دنیا خارج نمی‌شود، مگر با توبه نصوح و خداوند در برابر روزه هر روز او، هفتاد گناه از او را می‌بخشد و هفتاد حاجت او را روز قیامت، هفتاد حاجت او را هنگامی که وارد قبر می‌شود، هفتاد حاجت در هنگام خروج از قبر، هفتاد حاجت در زمان سنجش اعمال و هفتاد حاجت او را هنگام عبور از صراط برآورده می‌سازد. روزه هر روز او همانند آزادی هفتاد نفر از فرزندان حضرت اسماعیل علیه السلام ، هفتاد هزار بار ختم قرآن و هفتاد سال حراست از مرزهای اسلام و بنای هفتاد پُل در راه خداست. همچنین از هفتاد نفر از اهل بیتش که مستوجب آتش جهنّم باشند، شفاعت خواهد کرد و برای او در بهشت فردوس، هفتاد هزار شهر بنا می‌شود که در هر شهری، هزار قصر و در هر قصری، هزار حوریه و برای هر حوریه، هزار خدمتکار است».(۱)

امام صادق علیه السلام: «کسی که ایّام البیض از ماه رجب را روزه بگیرد، خداوند متعال برای او در ازای هر روز، پاداش روزه داری و شب زنده داری یک سال را می‌نویسد و در روز قیامت در جایگاه ایمن شدگان از آتش می‌ایستد».(۲)

### ۱-اعمال اختصاصی شب سیزدهم

۱-اعمال اختصاصی شب سیزدهم(۳)

۱)دو رکعت نماز و در هر رکعت: حمد، یس، مُلک، توحید یک مرتبه.(۴)

۲)دو رکعت نماز: رکعت اوّل حمد و عادیات، رکعت دوّم حمد و تکاثر.(۵)

---

۱- اقبال بالاعمال الحسنه، ج۳، ص ۲۳۳.
۲- اقبال بالاعمال الحسنه، ج۳، ص۲۳۳.
۳- اقبال بالاعمال الحسنه، ج۳، ص ۲۳۰.
۴- اقبال بالاعمال الحسنه، ج۳، ص ۲۳۰/قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان.
۵- پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «کسی که در شب سیزدهم ماه رجب ده رکعت نماز بخواند به صورتیکه در رکعت اول سوره حمد و عادیات و در رکعت دوّم سوره حمد و تکاثر را بخواند و بقیه رکعت ها را نیز به همین شکل تمام کند، خدا گناهانش را می‌آمرزد و اگر عاقّ والدین هم باشد خداوند از او راضی می‌شود و (در قبر) نکیر و منکر به او نزدیک نمی‌شوند و او را نمی‌ترسانند و بر پل صراط همچون برق، سریع عبور می‌کند و نامه اعمالش را به دست راستش می‌دهند و میزان اعمالش سنگین می‌گردد و در بهشت، هزار شهر به او عطا می‌شود». (اقبال بالاعمال الحسنه ج۳، ص۲۲۹)

### ۲-اعمال اختصاصی روز سیزدهم

۲-اعمال اختصاصی روز سیزدهم(۱)

روزه: جهت عمل امّ داود باید روز سیزدهم و دو روز بعد از آن را روزه گرفت.

### ۳-اعمال اختصاصی شب چهاردهم

۳-اعمال اختصاصی شب چهاردهم(۲)

۱) چهار رکعت نماز در هر رکعت حمد، یس، مُلک، توحید یک مرتبه.(۳)

۲) سی رکعت نماز در هر رکعت حمد، توحید و آیه آخر سوره کهف یک مرتبه.(۴)

### ۴-فضیلت و اعمال اختصاصی شب پانزدهم

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «وقتی شب نیمه رجب فرا می‌رسد، خداوند به خزانه داران دیوان بندگان و نویسندگان اعمال انسان ها امر می‌کند: «در نامه های عمل بندگان من نظر کنید و هرگناه و بدی که یافتید، آن را محو و به نیکی تبدیل کنید».(۵)

---

۱- اقبال بالاعمال الحسنه، ج۳، ص ۲۳۰.

۲- اقبال بالاعمال الحسنه، ج۳، ص ۲۳۰.

۳- اقبال بالاعمال الحسنه، ج۳، ص ۲۳۰/قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان.

۴- پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «کسی که در شب ۱۴ ماه رجب سی رکعت نماز در هر رکعت یک مرتبه حمد و توحید و آیه آخر سوره کهف را بخواند، قسم به خدایی که جانم در دست اوست، اگر گناهانش بیش ازستارگان آسمان باشد، از نماز فارغ نمی‌شود، مگر اینکه پاک شده باشد و مثل این است که همه کتب آسمانی را قرائت کرده باشد» (اقبال بالاعمال الحسنه، ج۳، ص ۲۳۱) .

۵- .اقبال بالاعمال الحسنه، ج۳، ص۲۳۲.

سیّد بن طاووس رحمه الله: «وقتی شب پانزدهم رجب فرا رسید، سزاوار است کسی که خدا و رسولش را تصدیق می کند، در طول این شب مراقبه کامل کند و توجّه داشته باشد که خدا بر او منّت نهاده و وی را به اصلاح نفس در این شب موفّق ساخته و عبادت را نصیبش کرده است. همواره حضور قلب داشته باشد و خود را در برابر خداوندی بداند که مالك اوّلین و آخرین و در ظاهر و باطن، حاضر و همنشین است. به گونه ای مراقبت کند و حضور قلب داشته باشد که لذّت انس حضور نزد او و گفتگو با او را بیابد و زمانی که طلوع فجر روز پانزدهم فرا رسید، اعمال نیك خود را خالصانه به خداوند عرضه بدارد و اعمالش را به امامی که درآن روز مهمان او و آنروز مختص به اوست، تسلیم کند و به واسطه او و مقام قُربش، به خدا توسّل جوید و نقصان های اعمال خود را برطرف کند که با توجّه به آن بزرگوار، اعمالش کامل می‌شود و به آرزوهایش خواهد رسید».(۱)

برخی از اعمال این روز عبارتند از:(۲)

۱) غسل

۲) احیای آن به عبادت

۳) زیارت امام حسین علیه السلام

۴) خواندن ۶ رکعت نماز و در هر رکعت: حمد، یس، مُلك، توحید یکمرتبه.

۵) خواندن ۳۰ رکعت نماز و در هر رکعت: حمدیك مرتبه، توحید ده مرتبه.(۳)

---

۱- اقبال بالاعمال الحسنه، ج۳، ص ۲۳۵.

۲- اقبال الاعمال،ج۳، ص۲۳۵/قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان.

۳- پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «کسی که در شب پانزدهم رجب، سی رکعت نماز بخواند و در هر رکعت حمد یك مرتبه و توحید را ده مرتبه بخواند، از نماز خارج نمی‌شود، مگرآنکه خدا ثواب هفتاد شهید را به او عطا می کند و روز قیامت درحالی وارد محشر می‌شود که برای جمعیّتی همانند جمعیّت بین مکّه و مدینه نورافشانی می کند و برائت و آزادی از آتش و نفاق به او عطا و عذاب قبر از او برداشته می‌شود». در روایتی ثواب های دیگری برای این نماز شمرده شده است که عبارتند از: رهایی از آتش، ثواب چهل شهید در عوض هر رکعت، اعطای دوازده نور در مقابل هر آیه، بنای دوازده شهر از مشك و عنبر برای قرائت سوره توحید در هر بار (اقبال بالاعمال الحسنه، ج۳، ص ۲۳۴)

۶)خواندن ۱۲رکعت نماز و در هر رکعت: حمد، توحید، فلق، ناس، آیهالکرسی و قدر هرکدام چهار مرتبه. بعد از سلام چهار مرتبه بگویید: «اَللّهُ اَللّهُ رَبّی، لا اُشرِکُ بِهِ شَیئاً وَ لا اَتَّخِذُ مِن دونِهِ وَلیّاً». بعد هرچه می‌خواهی از خدا بخواه.(۱)

### ۵-فضیلت و اعمال اختصاصی روز پانزدهم رجب

حضرت آدم علیه السلام به خداوند عرض کرد: «خدایا! چه روزهایی را بیشتر دوست داری؟» خداوند به او فرمود: «ای آدم! محبوب ترین اوقات پیش من روز نیمه رجب است. ای آدم! در این روز با قربانی و مهمانی کردن و روزه و دعا و استغفار و گفتن «لا اله الاّ الله» به من تقرّب بجوی. ای آدم! مشیّت من بر این تعلّق گرفته که یکی از فرزندانت را که مهربان، کریم، دانا، بردبار و بزرگ است و از رذایل اخلاقی و خشونت و تندخویی به دور، به پیامبری برانگیزم و روز نیمه رجب را به او و امّتش اختصاص دهم. در این روز چیزی از من

---

۱- (اقبال بالاعمال الحسنه، ج۳، ص ۲۳۲ به روایت از امام صادق علیه السلام /مفاتیح الجنان، اعمال شب نیمه رجب) . همچنین این نماز به طریقه دیگر در مصباح المتحجد، ج۲ ص۸۰۶ نیز آمده است: خواندن دوازده رکعت نماز در هر رکعت: سوره حمد و توحید یک مرتبه، چون از نماز فارغ شدی، می‌خوانی: سوره های حمد، ناس، فلق، توحید، آیه الکرسی، هرکدام چهار مرتبه. بعد چهار مرتبه می گویی: سُبحانَ اللهِ و الْحَمْدُ لِلّهِ و لا الهَ اِلّا اللهُ وَ اللهُ اَکبَر (تسبیحات اربعه) سپس می گویی: «اَللّهُ اَللّهُ رَبّی لا اُشْرِکُ بِهِ شَیئاً و ما شآءَ اللهُ لا قُوَّةَ اِلّا بِاللهِ الْعَلّیِ الْعَظیمِ. » آنگاه هر چه می‌خواهی از خدا بخواه.

نمی‌خواهنـد، مگر آنکـه بـه آنهـا عطـا می‌کنـم و از مـن بخشـش گناهـان را نمی‌خواهنـد، مگر آنکـه می‌بخشـم. روزی از من نمی‌خواهنـد، مگر آنکـه به آنهـا روزی می‌دهم. از من نمی‌خواهنـد جلـوی لغزش آنهـا را بگیرم، مگر آنکه این کـار را انجـام می‌دهم. از من طلب رحمت و مهربانی نمی‌کنند، مگر آنکه به آنها رحم می‌کنم. ای آدم، کسـی که نیمه رجب را روزه بگیرد و به یاد من باشد و [قلب] او خاشع باشد و خود را از آلودگی نامشـروع حفظ کند و از اموالش صدقه دهد، پاداشـی جز بهشت ندارد. ای آدم! به فرزندانت بگو خود را در ماه رجب از گناه حفظ کنند زیرا [جزای] گناه در این ماه، بزرگ است.(۱)

برخی از اعمال این روز، عبارتند از:(۲)

۱) غسل

۲) زیارت امام حسین علیه السلام(۳)

داخل صحن شریف شو و سه مرتبه بگو: «الله اکبر» و در نزد قبر منوّر بایست و بخوان:

---

۱- اقبال بالاعمال الحسنه، ج۳، ص۲۳۵.

۲- قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان.

۳- .این زیارت را شـیخ مفید در مزار نقل کرده که از زیارات مخصوصه نیمه رجب است که آن را به سـبب غفلت عامه مردم از فضـیلت آن، «غفیله» می‌گویند. در زیارت امام حسـین علیه السلام اسراری نهفته است. در اکثر مناسبت ها بر زیارت این امام تأکیـد شـده است. از امام رضا علیه السـلام سوال شد در چه ماهی امام حسـین علیه السلام زیارت شود؟ فرمودند: «در نیمه ماه رجب و نیمه مـاه شـعبان». سیّد بن طـاووس می‌فرمایـد: امـام رضا علیه السـلام نیمه رجب را در کنار نیمه شـعبان آورده، چون فضـیلتهایی که برای زائر در نیمه شـعبان در روایات آمده، زیاد است، می‌توان نتیجه گرفت زیارت نیمه رجب هم، شأن و مرتبه والایی دارد. (اقبال بالاعمال الحسنه، ج۳، ص۲۳۶)

«اَلسَّلامُ عَلَیْکُمْ یَا آلَ اللَّهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکُمْ یَا صَفْوَهَ اللَّهِ السَّلامُ عَلَیْکُمْ یَا سَادَهَ السَّادَاتِ السَّلامُ عَلَیْکُمْ یَا لُیُوثِ الْغَابَاتِ اَلسَّلامُ عَلَیْکُمْ یَا سُفُنَ النَّجَاهِ السَّلامُ عَلَیْکَ یَا أَبَاعَبْدِ اللَّهِ الْحُسَیْنَ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یَا وَارِثَ عِلْمِ الْأَنْبِیَاءِ وَ رَحْمَهُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ السَّلامُ عَلَیْکَ یَا وَارِثَ آدَمَ صَفْوَهِ اللَّهِ السَّلامُ عَلَیْکَ یَا وَارِثَ نُوحٍ نَبِیِّ اللَّهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یَا وَارِثَ إِبْرَاهِیمَ خَلِیلِ اللَّهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یَا وَارِثَ إِسْمَاعِیلَ ذَبِیحِ اللَّهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یَا وَارِثَ مُوسَی کَلِیمِ اللَّهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یَا وَارِثَ عِیسَی رُوحِ اللَّهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یَا وَارِثَ محمّدٍ حَبِیبِ اللَّهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یَا ابْنَ محمّدٍ الْمُصْطَفَی اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یَا ابْنَ عَلِیٍّ الْمُرْتَضَی اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یَا ابْنَ فَاطِمَهَ الزَّهْرَاءِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یَا ابْنَ خَدِیجَهَ الْکُبْرَی اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یَا شَهِیدُ ابْنَ الشَّهِیدِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یَا قَتِیلُ ابْنَ الْقَتِیلِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یَا وَلِیَّ اللَّهِ وَ ابْنَ وَلِیِّهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یَا حجّهَ اللَّهِ وَ ابْنَ حجّتِهِ عَلَی خَلْقِهِ أَشْهَدُ أَنَّکَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلاهَ وَ آتَیْتَ الزَّکَاهَ وَ أَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَیْتَ عَنِ الْمُنْکَرِ وَ رُزِئْتَ بِوَالِدَیْکَ وَ جَاهَدْتَ عَدُوَّکَ وَ أَشْهَدُ أَنَّکَ تَسْمَعُ الْکَلامَ وَ تَرُدُّ الْجَوَابَ وَ أَنَّکَ حَبِیبُ اللَّهِ وَ خَلِیلُهُ وَ نَجِیبُهُ وَ صَفِیُّهُ وَ ابْنُ صَفِیِّهِ یَا مَوْلایَ زُرْتُکَ مُشْتَاقاً فَکُنْ لِی شَفِیعا إِلَی اللَّهِ یَا سَیِّدِی وَ أَسْتَشْفِعُ إِلَی اللَّهِ بِجَدِّکَ سَیِّدِ النَّبِیِّینَ وَ بِأَبِیکَ سَیِّدِ الْوَصِیِّینَ وَ بِأُمِّکَ فَاطِمَهَ سَیِّدَهِ نِسَاءِ الْعَالَمِینَ أَلا لَعَنَ اللَّهُ قَاتِلِیکَ وَ لَعَنَ اللَّهُ ظَالِمِیکَ وَ لَعَنَ اللَّهُ سَالِبِیکَ وَ مُبْغِضِیکَ مِنَ الْأَوَّلِینَ وَ الْآخِرِینَ وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَی سَیِّدِنَا محمّدٍ وَ آلِهِ الطیّبینَ الطَّاهِرِینَ».

آن گاه قبر مطهّر را ببوس و متوجّه شو به سوی علی بن الحسین علیه السلام و آن جناب را زیارت کن و بگو:

«اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یَا مَوْلایَ وَ ابْنَ مَوْلایَ لَعَنَ اللَّهُ قَاتِلِیکَ وَ لَعَنَ اللَّهُ ظَالِمِیکَ إِنِّی أَتقرّب إِلَی اللَّهِ بِزِیَارَتِکُمْ وَ بِمحبّتکُمْ وَ أَبْرَأُ إِلَی اللَّهِ مِنْ أَعْدَائِکُمْ وَ السَّلامُ عَلَیْکَ یَا مَوْلایَ وَ رَحْمَهُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ».

پس روبروی قبور شهدا بایست و بگو: «اَلسَّلامُ عَلَی الْأَرْوَاحِ الْمُنِیخَهِ بِقَبْرِ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَیْنِ عَلَیْهِ السَّلامُ اَلسَّلامُ عَلَیْکُمْ یَا طَاهِرِینَ مِنَ الدَّنَسِ اَلسَّلامُ عَلَیْکُمْ یَا مَهْدِیُّونَ اَلسَّلامُ عَلَیْکُمْ یَا أَبْرارَ اللَّهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکُمْ وَ عَلَی الْمَلائِکَهِ الْحَافِّینَ

بِقُبُورِكُمْ أَجْمَعِينَ جَمَعَنَا اللّهُ وَ إِيَّاكُمْ فِى مُسْتَقَرِّ رَحْمَتِهِ وَ تَحْتِ عَرْشِهِ إِنَّهُ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ وَ السَّلامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَهُ اللّهِ وَ بَرَكَاتُهُ».(۱)

۳) خواندن نماز حضرت سلمان. (به صفحه۱۶۲مراجعه شود.)

۴) خواندن چهار رکعت نماز و بعد از سلام دست ها را باز کند و بگوید:(۲)

«اَللّهُمَّ يا مُذِلَّ كُلِّ جَبّارٍ؛ وَ يا مُعِزَّ الْمُؤْمِنينَ اَنْتَ كَهْفى حينَ تُعْيينِى الْمَذاهِبُ؛ وَ اَنْتَ بارِئُ خَلْقى رَحْمَهً بى وَ قَدْ كُنْتَ عَنْ خَلْقى غَنِيّاً وَ لَوْ لارَحْمَتُكَ لَكُنْتُ مِنَ الْهالِكينَ وَ اَنْتَ مُؤَيِّدى بِالنَّصْرِ عَلى اَعْدائِى وَ لَوْ لا نَصْرُكَ اِيّاىَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَفْضُوحينَ يا مُرْسِلَ الرَّحْمَهِ مِنْ مَعادِنِها وَ مُنْشِئَ الْبَرَكَهِ مِنْ مَواضِعِها يا مَنْ خَصَّ نَفْسَهُ بِالشُّمُوخِ وَ الرِّفْعَهِ فَاَوْلِياءُهُ بِعِزِّهِ يَتَعَزَّزُونَ يا مَنْ وَضَعَتْ لَهُ الْمُلُوكُ نيرَ الْمَذَلَّهِ عَلى اَعْناقِهِمْ فَهُمْ مِنْ سَطَواتِهِ خائِفُونَ اَسئَلُكَ بِكَيْنُونِيَّتِكَ الَّتِى اشْتَقَقْتَها مِنْ كِبْرِيائِكَ وَ اَسئَلُكَ بِكِبْرِيائِكَ الَّتِى اشْتَقَقْتَها مِنْ عِزَّتِكَ وَ اَسئَلُكَ بِعِزَّتِكَ الَّتِى اسْتَوَيْتَ بِها عَلى عَرْشِكَ، فَخَلَقْتَ بِها جَميعَ خَلْقِكَ فَهُمْ لَكَ مُذْعِنُونَ اَنْ تُصَلِّىَ عَلى محمّد وَ اَهْلِ بَيْتِهِ».

۵) خواندن پنجاه رکعت نماز: در هر رکعت حمد، توحید، فلق، ناس یک مرتبه.(۳)

---

۱- بحارالانوار (ط-بیروت) ، ج۹۸، ص۳۴۶.

۲- امام صادق علیه السلام به نقل از امیرالمومنین علیه السلام: «قسم به آنکه دانه را شکافت وکعبه را نصب و بنا کرد و بادها و نسیم ها را آفرید، این دعا نزد هیچ گرفتاری از اهل زمین خوانده نشود، مگر آنکه خداوند بلا و گرفتاری او را برطرف کند». (اقبال بالاعمال الحسنه، ج ۳، ص ۲۳۷)

۳- پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «کسی که در نیمه رجب، هنگامی که خورشید بالا آمد، پنجاه رکعت نماز بخواند و در هر رکعت سوره حمد و سپس سوره توحید و فلق و ناس را یک مرتبه بخواند، از گناهانش بیرون می‌آید، مثل روزی که از مادر متولد شده است و هیچ گناهی ندارد. او با شهدا محشور و با انبیا داخل بهشت می‌شود، دچار عذاب قبر و تنگی و تاریکی آن نمی‌شود و از قبر بیرون می‌آید، در حالی که صورتش از نور می‌درخشد». (اقبال بالاعمال الحسنه، ج۳، ص۲۳۹)

## ۶-اعمال امّ داود (دعای استفتاح)

### اشاره

علّامه مجلسی رحمه الله فرمود: عمده اعمال نیمه رجب، دعای امّ داود است که

ابن بابویه و شیخ طوسی و سیّد بن طاوس رحمه الله به سندهای معتبر آن را روایت کرده اند. امام صادق علیه السلام بعد از تعلیم آن به امّ داود، می‌فرماید: «آنچه را گفتم، حفظ کن و مواظب باش [به غیر اهلش تعلیم نده] که مبادا در امر باطلی به کار برده شود، چون در این دعا، اسم اعظم خدا است که اگر خدا به آن اسم خوانده شود، دعایش به اجابت می‌رسد و اگر از او به وسیله این اسم چیزی درخواست شود، عطا می‌شود [هر چند رسیدن به آن سخت باشد] و اگر جنّ و انس دشمنان تو باشند، خداوند شرّ آنها را از تو دور می‌کند و آنها در برابر [تو] تسلیم می‌شوند».(۱)

### ۱-۶-امّ داود کیست؟

امّ داود، فاطمه (حبیبه)، دختر عبداله بن ابراهیم بن الحسین، دایه و مادر رضاعی امام صادق علیه السلام است که آن حضرت را با شیر داود شیر داده بود و به

«ام خالد بربریه» شهرت داشت و جدّه صالحه سیّد بن طاووس است. داود، فرزند حسن و نوه امام حسن مجتبی علیه السلام و برادر رضاعی امام صادق علیه السلام است.(۲)

### ۲-۶-تعلیم دعا به امّ داود توسط امام صادق علیه السلام

---

۱- اقبال بالاعمال الحسنه، ج۳، ص ۲۴۹.

۲- مکاتیب الائمه، ج۴، ص۲۶۹.

منصور دوانیقی جمعی از آل ابیطالب از جمله داود و عبدالله بن الحسن را زندانی کرد. منصور دو فرزند عبدالله (محمّد و ابراهیم) که در مدینه خروج کرده بودند به شهادت رسانید و داود را زندانی کرد.

امّ داود می گوید: من از داود خبری نداشتم و او در عراق زندانی بود. پیوسته به درگاه الهی تضرّع می کردم و از برادران ایمانی می‌خواستم که برای برآورده شدن حاجتم، دعا کنند ولی با وجود اصرار در دعا، از اجابت آن خبری نبود. گاه خبر به من می‌رسید که داود را کشته اند و گاه می گفتند که او را با پسر عموهایش، در زیر عمارت، زنده گذاشته اند. روز به روز، مصیبت من زیادتر و اندوهم بیشتر می‌شد تا جائی که از غم او گداختم و پیر شدم و از ملاقاتش ناامید گردیدم. روزی برای عیادت امام صادق علیه السلام که مریض بود، به محضرشان شرفیاب شدم. از احوالش پرسیدم و برای او دعا کردم. آن حضرت به من فرمود: «ای امّ داود! داود چه می کند؟» چون نام داود را شنیدم، گریستم و عرض کردم: ای آقای من! مدّت مدیدی است که از او خبری ندارم و او در عراق زندانی است و من از ملاقات او قطع امید کرده ام و از شما التماس دعا دارم. او برادر رضاعی شماست.

حضرت فرمودند: «چرا از دعای استفتاح غافلی؟ دعای استفتاح دعایی است که با آن درهای آسمان باز می‌شود و دعای خواننده آن در همان ساعت به اجابت می‌رسد و برای کسی که آن را بخواند، پاداشی جز بهشت نیست».

امّ داود عرض کرد: ای فرزند راستگویان، چگونه باید این دعا را خواند؟

امّ داود می گوید: بعد از آنکه این دعا را همانطور که امام فرموده بود، خواندم، شب در عالم رویا پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ملائکه وانبیا علیهم السلام را دیدم، در حالی که آن حضرت

می‌فرماید: ای امّ داود! بر تو و دوستانت بشارت باد، حاجتت برآورده می‌شود و خداوند فرزندت را حفظ می کند و او را به تو باز خواهد گرداند.

امّ داود میگوید: از خواب بیدار شدم. مقدار زمانی که یک مَرکب سریع السیر فاصله بین عراق تا مدینه را طی کند، طول کشید که ناگهان دیدم داود وارد شد. ازحالش پرسیدم.

او جواب داد: من در زندان بسیار تنگی محبوس بودم و غل و زنجیر بر بدنم سنگینی می کرد. این حال تا نیمه رجب ادامه داشت. شب خوابیدم و گویا زمین برایم تنگ شده بود، اما شما را دیدم که بر سجاده نماز نشسته ای و مردانی که سرهایشان در آسمان و پاهایشان در زمین است، اطراف تو به تسبیح خداوند مشغول هستند. یکی از آنان خوشرو و خوشبو و دارای لباس پاک و نظیفی بود که من گمان کردم، جدّم رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم است. ایشان به من اشاره کرد و فرمود: «ای فرزند زن صالح! بشارت باد بر تو، خداوند دعای مادرت را در حق تو مستجاب کرد». من از خواب بیدار شدم و دیدم که فرستاده منصور در زندان ایستاده است. او مرا از زندان آزاد کرد و نزد منصور برد. منصور دستور داد غل و زنجیر را از بدنم جدا کنند و به من نیکی کرد. همچنین دستور داد تا ده هزار درهم به من بدهند. سپس مرا بر مرکب راهواری سوار کردند و من به سرعت خود را به مدینه رسانیدم.

امّ داود گفت: من داود را خدمت امام صادق علیه السلام بردم. حضرت فرمود: «سبب خلاص تو آن بود که منصور، امیرالمؤمنین علیه السلام را در خواب دید که به او فرمود: فرزند مرا رها کن و اگر نکنی، تو را در این آتش می اندازم؛ چون نظر

کرد، دریای آتشی در زیر پای خود دید. پس از آنکه از خواب بیدار شد، از کرده خود پشیمان گردید و تو را رها کرد».(۱)

### ۳-۶-مراحل اعمال امّ داود

۳-۶-مراحل اعمال امّ داود (۲)

۱) ایّام البیض ماه رجب را روزه بگیر.

۲) نزدیک ظهر روز پانزدهم، غسل کن و لباس نظیف بپوش.

۳) نافله ظهر و نماز ظهر را بخوان. (قنوت، رکوع و سجده ها را نیکو انجام ده).

۴) دو رکعت نماز بخوان و بعد صد مرتبه بگو: «یا قاضیَ حوائج السّائلین».(۳)

---

۱- بحارالانوار (ط-بیروت) ، ج ۹۴، ص ۴۴/اعمال السنین و الشهور، باب ۲۶، باب عمل خصوص لیله النصف من رجب و یومها/اقبال بالاعمال الحسنه، ج۳، ص ۲۴۱.

۲- بعد از آنکه امّ داود از امام صادق علیه السلام خواست تا آداب این عمل را بیان کند، آن حضرت فرمود: «امّ داود، ماه رجب نزدیک است. این همان ماهی است که دعا در آن مستجاب می‌شود، ماه خداست. در این ماه سه روز ایام البیض را روزه بگیر و روز پانزدهم هنگام زوال غسل کن و لباس تمیز بپوش و نافله ظهر و نماز ظهر را به جا آور، قنوت و رکوع و سجده های آن را نیکو انجام ده؛ سپس دو رکعت نماز بخوان و بعد از آن صد مرتبه بگو: «یا قاضیَ حوائج السّائلین». پس نافله عصر و نماز عصر را به جا آور. (در روایت دیگری آمده است که در هر رکعت از نافله عصر بعد از حمد، سه مرتبه توحید و یک مرتبه سوره کوثر خوانده شود) . سعی کن کسی بر تو وارد نشود و با تو سخن نگوید و تو را مشغول نسازد. پس رو به قبله بنشین و صد مرتبه حمد، صد مرتبه توحید و ده مرتبه آیه الکرسی را بخوان. بعد سوره های انعام، اسراء، کهف، لقمان، یس، الصافات، حم السجده، حم عسق و حم الدخان، فتح، واقعه، ملک، قلم و از سوره انشقاق تا آخر قرآن را بخوان و اگر برایت ممکن نیست، سوره توحید را هزار مرتبه بخوان. شیخ مفید فرمودند: اگر خواندن این سوره ها برای کسی ممکن نیست، حمد را صد مرتبه و آیه الکرسی را ده مرتبه وسوره توحید را هزار مرتبه بخواند. سیّد بن طاووس می‌فرماید: اگر برای کسی به دلیل عذری مثل مسافرت این هم ممکن نیست، صد مرتبه سوره توحید کافی است. (اقبال بالاعمال الحسنه، ج۳، ص۲۴۲)

۳- این نکته در مصباح المتهجد شیخ طوسی، ج۲، ص۸۰۷ و مفاتیح الجنان ذکر نشده است.

۵) نافله عصر و نماز عصر را بجا آور.

۶)رو به قبله، درمکان خلوت که با کسی صحبت نشود سوره های زیر را بخوان:

۱- حمد ۱۰۰ مرتبه؛ ۲- اخلاص ۱۰۰ مرتبه؛ ۳- آیه الکرسی ۱۰ مرتبه

نام سوره

شماره سوره

شماره صفحه

نام سوره

شماره سوره

شماره صفحه

انعام

۶

۱۲۸

شوری (حم عسق)

۴۲

۴۸۳

اسراء (بنی اسرائیل)

۱۷

۲۸۲

دخان

۴۴

۴۹۶

کهف

۱۸

۲۹۳

فتح

۴۸

۵۱۱

لقمان

۳۱

۴۱۱

واقعه

۵۶

۵۳۴

یس

۳۶

۴۴۰

ملک (تبارک)

۶۷

۵۶۲

صافّات

۳۷

۴۴۶

قلم (ن)

۶۸

۵۶۴

فصّلت (حم سجده)

۴۱

۴۷۷

انشقاق تا آخر قرآن

۸۴تا۱۱۴

۵۸۹تا ۶۰۴

بعد از خواندن این سوره ها، همانطور رو به قبله، دعای استفتاح را بخوان:

«بِسمِ الله الرَّحمنِ الرَّحیم صَدَقَ اللهُ الْعَظیمُ، اَلَّذی لا اِلهَ اِلاّ هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّومُ،

بنام خدای بخشنده مهربان درست فرمود خدای بزرگی که معبودی جز او نیست زنده و پاینده،

ذوُالْجَلالِ وَالْاِکْرامِ،اَلرَّحْمنُ الرَّحیمُ، اَلْحَلیمُ الْکَریمُ،اَلَّذی لَیْسَ کَمِثْلِهِ شَیْءٌ

صاحب جلالت و بزرگواری، بخشنده و مهربان، بردبار و کریم است آنکه مانندش چیزی نیست

وَ هُوَ السَّمیعُ الْعَلیمُ، اَلْبَصیرُ الْخَبیرُ، شَهِدَ اللهُ اَنَّهُ لا اِلهَ اِلاّ هُوَ، وَ الْمَلائِکَهُ

شنوا و دانا و بینا و آگاه است، گواهی میدهد خدا که معبودی جز او نیست و فرشتگان و دانشوران،

واُولواالْعِلْمِ،قائِماً بِالْقِسْطِ لا اِلهَ اِلاّ هُوَ العَزیزُ الْحَکیمُ، وَ بَلَّغَتْ رُسُلُهُ الْکِرامُ،

که برپادارنده عدالت است و خدایی جز اوکه عزیز و حکیم است، نیست، و رساندند پیامبران بزرگوارش آنرا به مردم

واَنا عَلیَ ذلِکَ مِنَ الشّاهِدینَ، اَللّهُمَّ لَکَ الحَمدُ وَ لَکَ الْمَجْدُ، وَ لَکَ العِزُّ

ومن براین مطلب گواهی دهم. خدایا از آن تو است ستایش و از آن تو است مجد و از آن تو است عّزت و

ولَکَ الْفَخْرُ، وَ لَکَ الْقَهْرُ، وَ لَکَ النِّعْمَهُ، وَ لَکَ الْعَظَمَهُ، وَ لَکَ الرَّحْمَهُ،

خاصّ تواست افتخار و شایسته تو است قهر و ازآن تو است نعمت و از آن تو است عظمت و از آن تو است رحمت و

وَ لَکَ الْمَهابَهُ، وَ لَکَ السُّلْطانُ، وَ لَکَ بَهاءُ وَ لَکَ الْاِمْتِنانُ، وَ لَکَ التَّسبیحُ،

از آن توست هیبت و از آن توست سلطنت و از آن توست ابهّت و از آن توست نعمت بخشی و پاکی

ولَکَ التَّقْدیسُ، وَ لَکَ التَّهْلیلُ، وَ لَکَ التَّکْبیرُ، وَ لَکَ ما یُری، وَ لَکَ ما لا

و از آن تو است پاکیزگی و ازآن تو است یکتایی و از آن تو است بزرگی، و ملک تو است آنچه دیده شود و آنچه

یُری،وَ لَکَ مافَوْقَ السَّمواتِ الْعُلی، وَ لَکَ ما تَحْتَ الثَّری، وَ لَکَ الاَرَضُونَ

دیده نشود و از آن تو است آنچه بالای آسمانهای بلند است و از تو است آنچه زیر زمین است و از تو است زمینهای

السُّفْلی، وَ لَکَ الاخِرَهُ وَ الاولی، وَ لَکَ ما تَرضی بِهِ مِنَ الثَّناءِ وَ الْحَمْدِ

زیرین و از آن تو است دنیا و آخرت، و مخصوص تو است آن حمد و ثنای ما را که تو بپسندی،

وَ الشُّکرِ وَ النَّعْماءِ، اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی جَبْرَئیل اَمینِکَ عَلی وَحْیِکَ، وَالْقَوِیِّ

آنچه نعمت است نیز از تو است. خدایا درود فرست بر جبرئیل، امین بر وحی تو و نیرومند

عَلی اَمْرِکَ، و المُطاعِ فی سماواتِکَ، وَ مَحالِّ کِراماتِکَ، اَلمُتَحَمِّلِ

در کار تو و آن کس که در آسمان ها و جایگاه های کرامت هایت فرمانش برند، آن کس که برساند

لِکَلِماتِکَ، اَلنّاصرِ لِاَنبیائِکَ، اَلمُدَمِّرِ لِاَعْدائِکَ، اَللّهمَّ صَلِّ عَلی میکائیلَ

سخنانت را، یاور پیامبرانت و سرنگون کننده دشمنانت. خدایا درود فرست بر میکائیل

مَلَکِ رَحْمَتِکَ وَ المَخلوقِ لِرَأْفَتِکَ وَ المُسْتَغْفِرِ المُعینِ لِاَهْلِ طاعَتِکَ،

فرشته رحمتت و آفریده شده برای رحمتت و آمرزش خواه و کمک کار فرمانبرانت

اَللّهمَّ صَلِّ عَلی اِسرافیلَ حاملِ عَرشِکَ، وَ صاحِبِ الصُّورِ، المُنتَظِرِ لِاَمْرِکَ

خدایا درود فرست بر اسرافیل حمل کننده عرشت و صاحب صور، آنکه چشم به راه دستور تو است،

اَلوَجِلِ المُشْفِقِ مِنْ خیفَتِکَ، اَللُّهمَّ صَلِّ عَلی حَمَلَهِ العَرشِ الطّاهِرینَ، وَ عَلیَ

بیمناک است از ترس تو، خدایا درود فرست بر حاملین پاکیزه عرش و بر

السَّفَرهِ الکِرامِ البَرَرَهِ الطَّیِّبینَ، وَ عَلی مَلائِکَتِکَ الکِرامِ الکاتِبینَ، وَ عَلی

سفیران گرامی و آن نیکان پاک و بر فرشتگان بزرگوار نویسنده و بر

مَلائِکَهِ الجِنانِ و خَزَنَهِ النِّیرَانِ وَ مَلَکِ المَوْتِ و الاَعْوانِ، یا ذَاالْجَلالِ و

فرشتگان بهشت و نگهبانان دوزخ و فرشته مرگ و یارانش، ای صاحب جلالت و

الاِکْرامِ، اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی اَبینا آدَمَ بَدیعِ فِطرَتِکَ، الَّذی کَرَّمْتَهُ بِسُجودِ

بزرگواری، خدایا درود فرست بر پدر ما آدم، پدیده خلقت که گرامیش داشتی به سجده کردن توسط

ملائِکَتِکَ، و اَبَحتَهُ جَنَّتَکَ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی اُمِّنا حَوّاءَ الْمُطَهَّرَهِ مِنَ الرِّجْسِ،

فرشتگانت و مباح کردی بر او بهشتت را. خدایا درود فرست بر مادر ما حواء که از پلیدی پاک

اَلْمُصَفّاتِ مِنَ الدَّنَسِ الْمُفَضَّلَهِ مِنَ الِانْسِ الْمُتَرَدِّدَهِ بَیْنَ مَحالِّ الْقُدُسِ، اَللّهُمَّ

و ازآلودگی مصفّا گشت و بر آدمیان برتری داشت و رفت و آمد کرده در میان جایگاههای قدسیان. خدایا

صَلِّ عَلی هابیلَ و شَیْثٍ و اِدریسَ و نوحٍ، و هودٍ و صالحٍ، وَ اِبراهیمَ و

درود فرست بر هابیل و شیث و ادریس و نوح و هود و صالح و ابراهیم و

اِسْماعیلَ، وَ اسحقَ وَ یَعقوبَ، وَ یوسُفَ و الاَسْباطِ، وَ لوطٍ و شُعَیْبٍ و

اسماعیل و اسحاق و یعقوب و یوسف و اسباط و لوط و شعیب و

اَیّوبَ وَ موسی وَ هارونَ وَ یوشَعَ، و میشا و الْخِضْرَ، وَ ذِی الْقَرْنَیْنِ و یونُسَ،

ایّوب و موسی و هارون و یوشع و میشا و خضر و ذی القرنین و یونس و

و اِلْیاسَ و الْیَسَعَ، و ذِی الْکِفْلِ وَ طالوتَ وَ داوُدَ و سُلَیْمانَ و زَکَرِیّا و شَعْیا،

الیاس و یسع و ذاالکفل و طالوت و داود و سلیمان و زکریا و شعیا و

و يَحْيى و تُورَخَ، وَ مَتّى و اِرْمِيا و حَيْقُوقَ و دانِيالَ و عُزَيْرٍ و عيسى و

يحيى و تورخ و متى و ارميا و حيقوق و دانيال و عزير و عيسى و

شَمْعونَ و جِرجيسَ و الْحَوارِيّينَ و الاَتْباعِ وَ خالِدٍ و حَنْظَلَهَ و لُقْمانَ، اَللّهمَّ

شمعون و جرجیس و حواریّون [عیسی] و پیروانش و خالد و حنظله و لقمان. خدایا

صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَارْحَمْ مُحَمَّداً وَ آلَ مُحَمَّدٍ وَ بارِكْ عَلی

درود فرست بر محمّد و آل محمّد و رحمت فرست بر محمّد و آل محمّد و برکت فرست بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، کَما صَلَّیْتَ وَ رَحِمْتَ وَ بارَکْتَ عَلی اِبراهیمَ وَ آلِ

محمّد و آل محمّد، چنانچه درود فرستادی و رحمت و برکت فرستادی بر ابراهیم و آل

اِبراهیمَ، اِنَّکَ حَمیدٌ مَجیدٌ، اَللّهمَّ صَلِّ عَلی الاَوْصِیاءِ وَ السُّعَداءِ وَ الشُّهَداءِ وَ

ابراهیم که براستی تویی ستوده و بزرگوار. خدایا درود فرست بر اوصیا و اهل سعادت و شهیدان و

اَئِمَّهِ الْهُدی اَللّهمَّ صَلِّ عَلی الاَبْدالِ و الاَوْتادِ و السُّیّاحِ وَ الْعُبّادِ و الْمُخْلِصینَ

امامان راهنما. خدایا درود فرست بر ابدال و اوتاد و سیاحتگران و پرستش کنندگان و مخلصان

وَ الزُّهّادِ وَ اَهْلِ الجِدِّ وَ الْاِجْتِهادِ وَ اخْصُصْ مُحَمَّداً وَ اَهْلَ بَیْتِهِ بِاَفْضَلِ

و پارسایان و اهل جدّیت و کوشش و مخصوص گردان محمّد و خاندانش را به بهترین

صَلَواتِکَ وَ اَجْزَلِ کَراماتِک، وَ بَلِّغْ روحَهُ وَ جَسَدَهُ مِنّی تَحِیَّهً و سَلاماً و زِدْهُ

درودهایت و فراوانترین کرامتهایت و به روح و جسدش برسان از جانب من تحیّت و سلامی،

فَضْلًا وَ شَرَفاً وَ کَرَماً، حَتّی تُبَلِّغَهُ اَعْلی دَرَجاتِ اَهْلِ الشَّرَفِ مِنَ النَّبِیّینَ وَ

فضل و شرافت و بزرگواریش را فزون کن به حدی که او را به اعلی درجه اهل شرافت از پیامبران و

الْمُرْسَلینَ وَ الاَفاضِلِ الْمُقَرَّبینَ اَللّهمَّ وَصَلِّ عَلی مَنْ سَمَّیْتُ وَ مَنْ لَمْ اُسَمِّ مِنْ

رسولان و فاضلان مقربت برسانی. خدایا درود فرست بر هرکس که من نام بردم و هرکه را که من نام نبردم از

ملائِکَتِکَ، وَ اَنْبیائِکَ وَ رُسُلِکَ و اَهْلِ طاعَتِک، و اَوْصِلْ صَلَواتی اِلیهِمْ وَ

فرشتگان و پیامبران و رسولان و فرمانبردارانت و درودهای مرا برسان بر ایشان و

اِلی اَرواحِهِم، وَ اجْعَلْهُم اِخْوانی فیکَ وَ اَعْوانی عَلی دُعائِکَ، اَللّهُمَّ اِنّی

بر ارواحشان و آنان را برادران من در دین و کمک کارانم در دعای به درگاهت قرار ده. خدایا من

اَسْتَشْفِعُ بِکَ اِلَیْک وَ بِکَرَمِکَ اِلی کَرَمِکَ، و بِجودِکَ اِلی جودِکَ، وَ

شفیع گردانم تو را پیش خودت، و کرمت را پیش کرمت، و جودت را پیش جودت، و رحمتت را

بِرَحمَتِکَ اِلی رَحْمَتِکَ و بِاَهْلِ طاعَتِکَ اِلَیْکَ وَ اَسئَلُکَ اَللّهُمَّ بِکُلِّ ما

پیش رحمتت و اهل طاعتت را پیش درگاهت، و از تو خواهم خدایا به هر چه

سَئَلَکَ بِهِ اَحَدٌ مِنْهُم، مِنْ مَسئَلهٍ شَریفَهٍ غَیرِ مَردودَهٍ، وَ بِما دَعَوْکَ بِهِ مِنْ

یکی از آنها به وسیله آن تو را خواسته از سؤالهای شریفی که برنگشته و به آنچه تو را خوانده اند از

دَعْوَهٍ مُجابَهٍ غَیرِ مُخَیَّبَهٍ، یا اللهُ یا رَحمنُ یا رَحیمُ، یا حَلیمُ یا کَریمُ، یا عَظیمُ

دعای پذیرفته شده ای که به نومیدی نکشیده ای. ای خد ا، ای بخشاینده، ای مهربان، ای بردبار، ای کریم، ای بزرگ،

یا جَلیلُ، یا مُنیلُ یا جَمیلُ، یا کَفیلُ یا وَکیلُ یا مقیلُ یا مُجیرُ، یا خَبیرُ یا مُنیرُ،

ای باجلالت، ای بخشنده، ای زیبا، ای سرپرست، ای وکیل، ای گذشت کننده، ای پناه ده، ای آگاه، ای روشنی ده،

یا مُبیرُ یا مُنیعُ، یا مُدیلُ یا مُحیلُ، یا کَبیرُ یا قَدیرُ یا بَصیرُ یا شَکورُ یا بَرُّ یا

ای نابود کن، ای والا مقام، ای چرخاننده، ای جابجا کننده، ای بزرگ، ای توانا، ای بینا، ای شکرپذیر، ای نیکوکار، ای

طُهْرُ، یا طاهِرُ یا قاهِرُ، یا ظاهِرُ یا باطِنُ، یا ساتِرُ یا مُحیطُ، یا مُقْتَدِرُ یا حَفیظُ،

پاک، ای پاکیزه، ای قاهر، ای پیدا، ای پنهان، ای پرده پوش، ای احاطه دار، ای با اقتدار، ای نگهبان،

یا مُتَجَبِّرُ یا قَریبُ، یا وَدودُ یا حَمیدُ، یا مَجیدُ یا مُبدِئُ، یا مُعیدُ یا شَهیدُ یا

ای دارای بزرگی، ای نزدیک، ای محبوب همه، ای ستوده، ای بزرگوار، ای پدیدآورنده، ای بازگرداننده، ای گواه، ای

مُحسِنُ یا مُجْمِلُ، یا مُنْعِمُ یا مُفْضِلُ یا قابِضُ یا باسِطُ، یا هادِی یا مُرسِلُ، یا

احسانبخش، ای نیکوبخش، ای نعمت بخش، ای زیاده بخش، ای گیرنده، ای گشایش ده، ای راهنما، ای فرستنده، ای

مُرشِدُ یا مُسَدِّدُ، یا مُعطی یا مانِعُ، یا دافِعُ یا رافِعُ، یا باقی یا واقی، یا خَلّاقُ یا

ارشادکننده، ای محکم کننده، ای دهنده، ای منع کننده، ای دفع کننده، ای بالابرنده، ای باقی، ای نگهدار، ای آفریننده، ای

وَهّابُ یا تَوّابُ یا فَتّاحُ یا نَفّاحُ یا مُرتاحُ، یا مَنْ بِیَدِهِ کُلَّ مِفتاحٍ، یا نَفّاعُ یا

بسیار بخشنده، ای توبه پذیر،ای گشاینده، ای زیاده بخش ای رحمتبخش،ای که بدست اوست هرکلید، ای سود رسان

رَؤُفُ یا عَطوفُ یا کافی یا شافی، یا مُعافی یا مُکافی، یا وَفیُّ یا مُهَیْمِنُ، یا

ای مهربان، ای با عطوفت، ای کفایت کننده، ای درمانبخش، ای بهبودیبخش، ای پاداش دهنده، ای با وفا، ای نگهبان، ای

عَزیزُ یا جَبّارُ، یا مُتَکَبِّرُ، یا سَلامُ یا مُؤمِنُ یا اَحَدُ یا صَمَدُ، یا نورُ یا مُدَبِّرُ یا

با عزّت، ای جبّار، ای بزرگوار، ای سلامت بخش، ای ایمنی بخش، ای یکتا، ای بی نیاز، ای نور، ای مدّبر، ای

فَرْدُ یا وِتْرُ، یا قدُّوسُ یا ناصِرُ یا مونِسُ یا باعثُ، یا وارِثُ یا عالِمُ، یا حاکِمُ

یگانه، ای تنها، ای پاکیزه، ای یاور، ای همدم، ای برانگیزنده، ای ارث برنده، ای دانا، ای حکم کننده،

یا بادی، یا مُتَعالی یا مُصَوِّرُ یا مُسَلِّمُ یا مُتَحَبِّبُ یا قائِمُ یا دائِمُ یا عَلیمُ یا

ای آغاز کننده، ای برتر، ای صورتبخش، ای سلامتبخش، ای دوستی ورز، ای قائم بکار خلق، ای جاویدان، ای دانا، ای

حَکیمُ، یا جَوادُ یا باریُٔ، یا بارُّ یا سارُّ، یا عَدْلُ یا فاصِلُ، یا دَیّانُ یا حَنّانُ، یا

فرزانه، ای بخشنده، ای آفریننده، ای نیکوکار، ای شادی بخش، ای دادگستر، ای جدا کننده، ای جزا ده، ای احسانبخش

مَنّانُ یا سَمیعُ، یا بَدیعُ یا خَفیرُ، یا مُعینُ [مُغَیِّرُ] یا ناشِرُ یا غافِرُ یا قَدیمُ، یا

ای نعمت بخش، ای شنوا، ای پدیدآورنده، ای پناه ده، ای یاور، ای نشر دهنده، ای آمرزنده، ای قدیم، ای

مُسَهِّلُ یا مُیَسِّرُ یا مُمیتُ یا مُحیی یا نافِعُ یا رازِقُ، یا مُقْتَدِرُ یا مُسَبِّبُ یا مُغیثُ

آسان کننده ای هموارکننده، ای میراننده، ای زنده کننده، ای سودده، ای روزی ده، ای مقتدر،ای سبب ساز،ای فریادرس

یا مُغْنی یا مُقْنی یا خالِقُ یا راصِدُ یا واحِدُ یا حاضِرُ، یا جابِرُ یا حافظُ یا

ای بی نیازکننده، ای دارایی دهنده، ای آفریننده، ای نگهبان، ای یگانه، ای حاضر، ای جبران کننده، ای نگهدار، ای

شَدیدُ یا غیاثُ، یا عائِدُ یا قابِضُ یا مَنْ عَلا فَاسْتَعْلی، فَکانَ بِالمَنْظَرِ الاَعْلی،

استوار، ای فریاد رس، ای ثروت دهنده، ای گیرنده، ای کسی که والایی و برتری و به دیدگاه اعلایی،

یا مَنْ قَرُبَ فَدَنا و بَعُدَ فَنَای، و عَلِمَ السِّرَّ وَ اَخْفی، یا مَن اِلیهِ التَّدبیرُ و لَهُ

ای که نزدیکی و بسیار نزدیک و دور است و بسیاردور، ای دانای سِرّ و نهان، ای که تدبیر امور با او است و از او است

المَقاديرُ، وَ يا مَنِ العَسيرُ عَليهِ سَهْلٌ يَسيرٌ، يا مَن هُوَ عَلى ما يَشآءُ قَديرٌ، يا

اندازه ها و ای که دشوار برای او سهل و آسان است، ای که بر هر چه بخواهد توانا است، ای

مُرسِلَ الرّياحِ، يا فالِقَ الاِصباحِ يا باعِثَ الاَرواحِ، يا ذَاالْجودِ وَ السَّماحِ، يا

فرستنده بادها، ای شکافنده سپیده صبح، ای برانگیزاننده ارواح، ای صاحب جود و سخاوت، ای

رآدَّ ما قَد فاتَ، یا ناشِرَ الاَمواتِ یا جامِعَ الشَّتاتِ، یا رازِقَ مَنْ یَشآءُ بِغَیرِ

برگرداننده آنچه ازدست رفته،ای زنده کننده مردگان،ای گردآورنده پراکنده ها،ای روزی ده بیحساب به هرکه خواهی

حِسابٍ، و یا فاعِلَ ما یَشاءُ کَیْفَ یَشاءُ، وَ یا ذَاالجَلالِ وَ الِاکْرام، یا حَیُّ یا

و ای انجام دهنده هر چه خواهی به هرطور که خواهی، و ای صاحب جلالت و بزرگواری، ای زنده، ای پاینده،

قَیّومُ یا حَیّاً حینَ لا حَیَّ، یا حَیُّ یا مُحْییَ المَوْتی، یا حَیُّ لا اِلهَ اِلّا اَنتَ، بَدیعُ

ای زنده در هنگامیکه زنده ای نبود، ای زنده، ای زنده کننده مردگان، ای زنده ای که معبودی جز تو نیست، پدید آرنده

السَّمواتِ و الاَرْضِ، یا اِلهی و سَیِّدی صَلِّ عَلی محمّدٍ و آلِ محمّدٍ وَ ارْحَم

آسمانها و زمین، ای معبود من و آقای من، درود فرست بر محمّد و آل محمّد و رحمت فرست بر

محمّداً وَ آلَ محمّدٍ، وَ بارِکْ عَلی محمّدٍ و آلِ محمّدٍ،کَما صَلَّیْتَ و بارَکْتَ

محمّد و آل محمّد و برکت ده بر محمّد و آل محمّد، چنانچه درود فرستادی و برکت دادی و

و رَحِمْتَ عَلی اِبْراهیمَ و آلِ اِبراهیمَ، اِنَّکَ حَمیدٌ مَجیدٌ، وَ ارْحَمْ ذُلیّ وَ

رحمت فرستادی بر ابراهیم و آل ابراهیم که براستی تویی ستوده و بزرگوار و رحم کن به خواری من و

فاقَتی وَ فَقْری، وَ انْفِرادی وَ وَحْدَتی و خُضوعی بَینَ یَدَیکَ و اعْتِمادی

بیچارگیم و نداریَم و تک و تنهاییم و فروتنیم در برابرت، و اعتمادی

عَلَیکَ و تَضَرُّعی اِلَیکَ، اَدْعوُکَ دُعاءَ الخاضِعِ الذَّلیلِ، اَلخاشِعِ الخائِفِ،

که بر تو دارم، و زاریم به درگاهت، تو را میخوانم، خواندن شخص فروتنِ خوار، خاشعِ ترسان

المُشفِقِ البائِسِ، الْمَهینِ الحَقیر، اَلجآئِعِ الفَقیر، اَلعائِذِ المُستَجیرِ، اَلمُقِرِّ بِذَنْبِه،

هراسان پریشان، بی مقدار کوچک، گرسنه فقیر، پناهنده پناه خواه، معترف به گناه،

اَلمُستَغْفِرِ مِنهُ، اَلمُسْتَكينِ لِربِّهِ، دُعاءَ مَنْ اَسْلَمَتْهُ ثِقَتُهُ، و رَفَضَتْهُ اَحِبَّتُهُ، وَ

آمرزش خواه ازگناه، درمانده به درگاه خدایش، خواندن کسیکه یاران امینش او را واگذار ده و دوستانش رهایش کرده

عَظُمَتْ فَجیعَتُهُ، دُعآءَ حَرِقٍ حَزینٍ، ضَعیفٍ مَهینٍ، بائِسٍ مُسْتَكینٍ بِكَ

ودردجانسوزش بزرگ گشته، خواندن دلسوخته غمگین ناتوان بی مقدار پریشان درمانده، ای که به تو

مُستَجیرٍ، اَللّهُمَّ و اَسئَلُکَ بِاَنَّکَ مَلیکٌ، وَ اَنَّکَ ما تَشآءُ مِنْ اَمْرٍ یَکونُ و اَنَّکَ

پناه آورده، خدایا از تو خواهم چون تویی فرمانروا و تو چنانی که هر کاری را بخواهی میشود و تویی

عَلی ما تَشاءُ قَدیرٌ و اَسْئَلُکَ بِحُرْمَهِ هذا الشَّهْرِ الْحَرامِ، وَ الْبَیْتِ الْحَرامِ، وَ

که بر هرچه بخواهی توانایی و از تو خواهم به حرمت این ماه حرام و خانه حرام (کعبه) و

الْبَلَدِ الْحَرامِ، وَ الرُّکْنِ وَ الْمَقامِ وَ الْمَشاعِرِ الْعِظامِ،وَ بِحَقِّ نَبِیِّکَ مُحمّدٍ عَلَیْهِ و

شهر حرام (مکه) و رکن و مقام و مشعرهای بزرگ (جاهای مناسک حجّ) و به حق پیامبرت محمّد علیه و

الِهِ السَّلامُ، یا مَنْ وَهَبَ لِادَمَ شَیْثاً، وَ لِاِبْراهیمَ اِسْماعیلَ وَ اِسْحاقَ، وَ یا مَنْ رَدَّ

آله السلام، ای که شیث را به آدم بخشیدی و اسماعیل و اسحاق را به ابراهیم دادی و ای که

یوسُفَ عَلی یَعْقوبَ، وَ یا مَنْ کَشَفَ بَعْدَ الْبلآءِ ضُرَّ اَیُّوبَ، یا رآدَّ موسی

یوسف را به یعقوب برگرداندی و ای که پس از مبتلا شدن ایّوب، ناراحتی ا ش را برطرف کردی، ای که موسی

عَلی اُمِّهِ، وَ زآئِدَ الْخِضْرِ فی عِلْمِهِ، وَ یا مَنْ وَهَبَ لِداوِدَ سُلَیْمانَ، وَ لِزَکَرِیّا

را به مادرش برگرداندی و افزون کردی دانش خضر را. ای که دادی به داود سلیمان را و به زکریا،

یَحْیی و لِمَرْیَمَ عیسی، یا حافِظَ بِنْتِ شُعَیْبٍ، وَ یا کافِلَ وَلَدِ اُمِّ موسی،

یحیی را و به مریم عیسی را. ای نگهدار دختر شعیب، ای سرپرستی کننده فرزند مادر موسی،

اَسْئَلُکَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلی محمّدٍ وَ آلِ محمّدٍ، وَ اَنْ تَغْفِرَلی ذُنُوبی کُلَّها،

و از تو خواهم که درود فرستی برمحمّد وآل محمّد و گناهانم رابیامرزی و

تُجیرَنی مِنْ عَذابِکَ، وَ تُوجِبَ لی رِضْوانَکَ، وَ اَمانَکَ وَ اِحْسانَکَ، و

مرا در پناه گیری از عذاب خود و مرا مستوجب خوشنودی و ایمنی و احسان و

غُفْرانَکَ و جِنانَکَ، وَ اَسئَلُکَ اَنْ تَفُکَّ عَنّی کُلَّ حَلْقَهٍ بَیْنی وَ بَیْنَ مَنْ

آمرزش و بهشتت قرار دهی و از تو خواهم که باز کنی برایم هرحلقه ای که میان من و میان

یُؤْذینی، وَ تَفْتَحَ لی کُلَّ بابٍ، و تُلَیِّنَ لی کُلَّ صَعْبٍ وَ تُسَهِّلَ لی کُلَّ عَسیرٍ،

آزار کننده من است و بگشایی به رویم هر دری را و نرم کنی برایم هر دشواری را و آسان کنی برایم هر مشکلی را

و تُخْرِسَ عَنّی کُلَّ ناطِقٍ بِشَرٍّ، و تَکُفَّ عَنّی کُلَّ باغٍ و تَکْبِتَ عَنّی کُلَّ عَدُوٍّ

و لال کنی از من زبان هر بدگو را و بازداری از من هر زورگو را و خوار کنی دشمنان

لی و حاسِدٍ، و تَمْنَعَ مِنّی کُلَّ ظالِمٍ، وَ تَکْفِیَنی کُلَّ عائِقٍ یَحوُلُ بَیْنی وَ بَیْنَ

و حسودان مرا و باز داری از من هر ستمگری را و کفایت کنی از من هر مانعی را که میان من و

حاجَتی وَ یُحاوِلُ اَنْ یُفَرِّقَ بَینی وَ بَینَ طاعَتِکَ، وَ یُثَبِّطَنی عَنْ عِبادَتِکَ، یا

حاجتم حائل شود و بخواهد که میان من و اطاعت تو را جدایی اندازد و از پرستش تو بازم دارد، ای

مَنْ اَلْجَمَ الجِنَّ الْمُتَمَرِّدینَ، وَ قَهَرَ عُتاهَ الشَّیاطینِ، وَ اَذَلَّ رِقابَ المُتَجَبِّرینَ،

که مهار کردی جنّیان نافرمان را و مقهور ساختی، شیاطین سرکش، و گردن گردنکشان را به خواری کشاندی و

وَ رَدَّ کَیْدَ المُتَسَلِّطینَ عَنِ الْمستَضعَفینَ اَسئَلُکَ بِقُدْرَتِکَ عَلی ما تَشاءُ وَ

باز گرداندی نقشه های شوم، مسلط شدگان را از ناتوانها. از تو خواهم به حق قدرتت بر هر چه خواهی و

تَسهیلِکَ لِما تَشآءُ کَیْفَ تَشآءُ اَنْ تَجْعَلَ قَضآءَ حاجَتی فیما تَشآءُ».(۱)

آسان کردنت هر چه را به هر نحو که خواهی، که قرار دهی، برآوردن حاجتم را در هر چه خواهی.

بعد از دعا، به سجده برو و گونه هایت را بر خاک بگذار و بگو:

«اَللّهُمَّ لَکَ سَجَدْتُ و بِکَ امَنْتُ فَارحَمْ ذُلّی وَفاقَتی، وَ اجْتِهادی وَ

خدایا برای تو سجده کردم و به تو ایمان آوردم. پس ترّحم کن به ذّلت و خواری و فقرم و جدّیت و

تَضَرُّعی، وَ مَسْکَنَتی وَ فَقْری اِلَیکَ یا رَبِّ».

تضرّع و مسکنت و فقرم که به درگاه تو است ای پروردگار.

---

۱- اقبال بالاعمال الحسنه، ج۳ص ۲۴۱.

سعی کن از چشمانت اشک جاری شود، هر چند که به اندازه سر مگسی یا سرسوزنی باشد و این خود نشانه استجابت دعاست. سیّد بن طاووس می‌فرماید: «اگر با این همه احتیاطات و عبادات، باز هم اشکی از چشمت جاری نشد و قلبت خاشع نگردید، برای قساوت قلبت کاری کن و از خدا بخواه که گناهانت را ببخشد و مرض روحت را درمان کند».(۱)

## فضیلت ماه مبارک رمضان

### اشاره

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم [در استقبال از ماه رمضان]: «ای مردم، ماه با برکت و رحمت و آمرزش خداوند، به سوی شما رو کرده، ماهی که نزد خدا بهترین ماه ها و روزهایش بهترین روزها و شب ها و لحظاتش بهترین لحظه هاست. ماهی که درآن به مهمانی خدا دعوت شده اید و از شایستگان کرامت خدا گردیده اید، در آن نَفَس هایتان تسبیح، خوابتان عبادت، عملتان مقبول و دعایتان مستجاب است».(۲)

### ۱-اعتکاف در ماه مبارک رمضان

اعتکاف، معجونی از نماز و قرائت قرآن و دعا است. اگر این معجون در ظرف سرشار از معنویّت ریخته و تناول شود، داروی هر دردی خواهد بود. ماه مبارک رمضان بهترین ظرف برای این امر است. در سیره اولیای دین مخصوصاً پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، می‌بینیم که به اعتکاف در ماه رمضان اهمیّت می‌دادند و اگر این سنّت از ایشان به دلیلی فوت می‌شد، درصدد جبران آن درسال آینده برمی‌آمدند. اعتکاف در دهه اوّل و دوّم ماه رمضان فضیلت دارد، امّا پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به دهه آخر ماه اهمیّت بیشتری می‌داد و آن را به اعتکاف می گذراند. (جهت مشاهده روایاتی در این رابطه، به صفحه ۲۸ مراجعه شود.)

---

۱- اقبال بالاعمال، ج۳، ص ۲۵۰.

۲- .شیخ صدوق، فضائل الاشهر الثلاثه، ص ۷۷.

# فصل ششم: مسجد و اعتکاف

## ۱–کلیّات و تعریف مفاهیم مسجد

### اشاره

برای انجام عبادت بزرگی چون اعتکاف، مکانی چون مسجد می‌باید که در عظمت شأن آن هیچ شبهه ای وجود ندارد و ظرفی لازم است تا گنجایش معنای مظروف را داشته باشد. تنها مسجد است که می‌تواند گنجایش و ظرف مکانی این عبادت بزرگ را دارا باشد در واقع مسجد، سکوی پرواز و اعتکاف،

بال های پرواز معتکف می‌باشند.

در اسلام، همه زمان ها و مکان ها از ارزش مساوی برخوردار نیستند. برخی از زمان ها نظیر ماه های رجب، شعبان، رمضان نسبت به سایر ماه ها از برتری خاصی برخوردارند. همچنین برخی از اماکن نیز، نسبت به سایر مکان ها، برتری دارند مانند: مسجد الحرام، مسجدالنبی، مساجد جامع و....

مسجد، جماعت و فعالیّت های عبادی، سه ضلع تشکیل دهنده مثلث هدایت و کمال اهالی مسجد می‌باشد. اگر چه مساجد دارای کارکردهای مختلف و نقش های متعدّدی می‌باشند ولی اصلی ترین کارکرد مسجد، بُعد عبادی و معنوی آن است که این مکان را ارزش می‌بخشد.

### ۱–۱–تعریف لغوی مسجد

مسجد به معنی سجده گاه و مکان سجده است که بر محل عبادت و نماز اطلاق می‌شود (اسم مکان، مشتق از ریشه ثلاثی مجرّد سجد). اینکه چرا از ریشه سجد گرفته شده است ظاهراً به این دلیل است که سجده، شریف ترین و مهم ترین ارکان نماز است و به آن بیش از دیگر افعال نماز تاکید شده است.

### ۲-۱-تعریف اصطلاحی و عرفی مسجد

مسجد مکانی است که خاصّ عبادت مسلمانان است ولی در قرآن، به معابد اهل کتاب نیز، اطلاق شده است.(۱)

### ۳-۱-تعریف مصطلح شرعی مسجد

مسجد به مکانی معیّن و موقوف، برای نماز اطلاق شده است. سابقه کاربرد اصطلاح «جامع» و اطلاق آن بر مسجد اصلی شهر، به دوره خلفا باز می گردد و گویا کاربرد اصطلاح مسجد جماعت (جامع)، در فرمان خلیفه دوم به والیان خود، زمینه ساز رواج اصطلاح جامع بوده است. او دستور داد در مراکز حکومتی، پس از فتح سرزمین های جدید تنها یک مسجد جماعت برپا شود و از اقامه نماز جمعه در روستاهای اطراف جلوگیری شود تا سبب وحدت گردد و نماز جمعه در آنجا برگزار شود.(۲)

## ۲-تاریخچه ساخت مسجد

مسجد به معنای اصطلاحی آن، که خاصّ مسلمانان می‌باشد و اوّلین بار بعد از هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، روز دوشنبه ۱۲ربیع الاول همزمان با ورود پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به قبا (دو فرسخی مدینه) پایه گذاری گردید. آن حضرت در طول چند روزی که در انتظار رسیدن حضرت علی علیه السلام بودند. این مسجد را برای قبیله بنی عوف ساختند.(۳)

---

۱- سوره کهف آیه ۲۱؛ سوره اسری آیه ۱.

۲- مقریزی، احمد بن علی، السلوك لمعرفه دول الملوك، تصحیح زیاده، محمد مصطفی، ج۲، ص۲۴۶/.www.wikifeqh.ir

۳- وقتی حضرت آدم علیه السلام از بهشت به زمین هبوط کرد، خداوند به او فرمود: «من به همراه تو خانه ای را فرستادم تا پیرامون آن طواف کنی، آن چنان که ملائکه پیرامون عرش طواف می کنند و کنارش نماز بخوانی، آنگونه که درکنار عرش خوانده می‌شود وقتی زمان طوفان نوح فرا رسید، این خانه به آسمان برده شد...تا زمانی که خدا آنجا را برای ابراهیم علیه السلام سکنی قرار داد و جایگاه خانه را به او نشان داد و ابراهیم علیه السلام آن خانه را تجدید بنا کرد. (.www labbaik.ir) لذا اول خانه ای که برای مکان عبادت مردم بنا شده خانه مکّه است و سپس هر یک از ادیان الهی معابد خاص خویش را به وجود آورده اند (کنیسه، کلیسا، آتشکده و. . .) .

## ۳-آیات قرآن در خصوص مسجد

توبه ۱۸: «مساجد خدا را تنها کسی آباد می کند که ایمان به خدا و روز قیامت آورده و نماز را برپا دارد و زکات را بپردازد و جز از خدا نترسد. امید است چنین گروهی از هدایت یافتگان باشند».

توبه ۱۰۸: «هرگز در آن [مسجد به عبادت] نایست! آن مسجدی که از روز نخست بر پایه تقوا بنا شده، شایسته تر است که در آن [به عبادت] بایستی، در آن، مردانی هستند که دوست می‌دارند پاکیزه باشند و خداوند پاکیزگان را دوست می‌دارد».

## ۴-مسجد در کلام معصومین علیهم السلام

### ۱-۴-مسجد در کلام حضرت محمّد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم

۱- «بشارت باد به نور درخشان در روز قیامت، برای کسانی که در

شب های تاریک، قصد رفتن به مساجد کنند».(۱)

۲- «کسی که کلامش قرآن باشد و مسجد خانه اش، خداوند خانه ای در بهشت برایش مهیّا سازد». (۲)

۳- «سیاحت و گردش امّتم، در مسجد بودن و به انتظارِ فرا رسیدنِ وقت نماز، پس از نماز است».(۳)

---

۱- مستدرک الوسائل، ج۳، ص۳۶۴.

۲- وسائل الشیعه (ط-آل البیت) ، ج۵، ص۱۹۸.

۳- وسائل الشیعه (ط-آل البیت) ، ج۳، ص۳۸۹.

۴- «اگر دیدید شخصی مرتّب به مسجد، رفت وآمد می کند، به ایمان وی شهادت دهید زیرا خدا می‌فرماید: تنها کسانی مساجد خدا را آباد می کنند که به خدا ایمان داشته باشند».(۱)

۵- «هرگاه گروهی در مسجد، جلسه ای بر پا کنند تا قرآن تلاوت کنند و آن را به یکدیگر آموزش دهند، آرامش الهی برآنان فرود می‌آید و رحمت پروردگار آنان را فرا می گیرد. خداوند نام چنین کسانی را در نزد فرشتگان و مقرّبان بارگاهش به بزرگی و عظمت یاد می کند». (۲)

۶- «خداوند می‌فرماید: خانه های من در زمین همان مساجد است که برای اهل آسمان می‌درخشند، آن گونه که ستارگان برای اهل زمین می‌درخشند. خوشا به حال آنان که مساجد را خانه خویش قرار داده اند. خوشا به حال بنده ای که خود را در خانه اش پاک و تمیز کند آن گاه در خانه من به زیارتم بیاید، آگاه باشید که بر زیارت شونده لازم است که زائر خویش را محترم شمرده و به وی احسان نماید. کسانی را که در دل تاریکی شب به سوی مساجد گام برمی‌دارند به نوری درخشان در روز قیامت، بشارت دهید».(۳)

۷- «خداوند می‌فرماید: محبوب ترین خانه ها نزد من مساجدند و محبوب ترین افراد اهل مسجد نزد من کسانی هستند که از همه زودتر وارد مسجد می‌شوند و از همه دیرتر از آن خارج می‌شوند».(۴)

۸- «خداوند در معراج به من فرمود: هرکس ادعا نمود من خدا را دوست

---

۱- مستدرک الوسائل، ج۳، ص۳۶۲.

۲- مستدرک الوسائل، ج۳، ص۳۶۳.

۳- وسائل الشیعه (ط-آل البیت) ، ج۱، ص۳۸۱/مستدرک الوسائل، ج۳، ص ۳۶۰.

۴- .مستدرک الوسائل، ج۳، ص۴۳۴.

می‌دارم، دوستدار من نیست مگر اینکه... مسجد را خانه خویش قرار دهد...».(۱)

۹- «مساجد خانه متّقیان است. خدا رحمت و راحت در کارها و عبور بر صراط را برای آنان که مساجد را خانه خود قرار داده اند، ضمانت نموده است».(۲)

۱۰- «ای ابوذر! خدا می‌فرماید: محبوب ترین بندگان نزد من کسانی هستند که به خاطر من به یکدیگر محبّت و دوستی می کنند و دل هایشان با مساجد پیوند دارد و در سحرگاهان به استغفار می‌پردازند. آنان کسانی هستند که اگر به اهل زمین عقوبتی متوجّه سازم به خاطر آنها عقوبت را از ایشان باز می‌دارم».(۳)

۱۱- «هر شب فرشته مرگ ندا دهد: ای خفتگان در خاك! نسبت به چه کسی غبطه می‌خورید؟ مردگان گویند: ما به مؤمنانی غبطه می‌خوریم که در مساجد نماز می‌خوانند، در حالی که ما نماز نمی‌خوانیم و زکات می‌دهند، در حالی که ما زکات نمی‌دهیم».(۴)

۱۲- «من در میان شما دو چیز گرانقدر یعنی کتاب خدا و خاندانم را به جای گذاشته ام. هرکس که عترتم را دوست داشته باشد باید قرآن را نیز دوست بدارد و دوستدار قرآن باید دوستدار مسجد هم باشد زیرا مسجد محضر و خانه خدا است که خود، فرمان به برپایی آنها داده و آنرا مبارك گردانیده است. مساجد، فرخنده و اهلش نیز فرخنده اند. مساجد و اهل آن هردو آراسته و

---

۱- ارشادالقلوب، ج ۱، ص۲۰۵/جواهر السنیه فی احادیث القدسیه، ص ۴۰۱.

۲- مستدرك الوسائل، ج۳، ص۳۶۲/کنز العمال، ج ۷، ص۶۵۹.

۳- بحارالانوار (ط-بیروت) ، ج۷۴، ص۸۶.

۴- ارشاد القلوب، ج ۱ باب۱۳ص۵۳.

محفوظند. اهل مسجد هنوز در حال نمازند که خدا حوائجشان را رفع می‌نماید. آنان در مسجدند و خدا پشتیبان و یاور آنهاست».(۱)

۱۳- «هرکس به قصد نماز جماعت به مسجد برود، برای هر یک قدمش، به او هفتاد هزار حسنه و هفتاد هزار درجه دهند و اگر در این حالت بمیرد، خداوند هفتاد هزار فرشته بر او مأمور کند تا در قبر، مونس و همدم او باشند و برای او تا روزی که برانگیخته شود، استغفار کنند».(۲)

۱۴- «کسی که به سوی مسجد حرکت کند تا در نماز جماعت شرکت کند، در مقابل هر گامی که [به سوی خانه خدا] برمی‌دارد هفتاد هزار حسنه [برایش نوشته می‌شود] و [مقام] او درجاتی بالا برده می‌شود و اگر در آن حال فوت نماید، خداوند برایش هفتاد هزار فرشته را وکیل می‌کند تا او را در قبر کمک کنند و بشارت دهند و در تنهایی مونس او باشند و برایش طلب آمرزش کنند تا برانگیخته شود».(۳)

۱۵- «شش خصلت است که هرکس درآن حال بمیرد، خداوند ضمانت نموده که او را در بهشت داخل کند: یکی از آن موارد، شخصی است که وضو را نیکو به جا آورد و به سوی مسجد حرکت کند و در راه، مرگش فرا رسد».(۴)

۱۶- «هفت طایفه هستند که خداوند آنان را در روزی که هیچ سایه رحمتی جز سایه او نیست، مورد لطف و عنایت خویش قرار می‌دهد...طایفه سوّم کسانی

---

۱- مستدرک الوسائل، ج۳، ص ۳۵۵.

۲- وسائل الشیعه (ط-آل البیت) ، ج۸، ص۲۸۷.

۳- من لایحضره الفقیه، ج۴، ص۱۷/وسائل الشیعه (ط-آل البیت) ، ج۸، ص۲۸۷/مکارم الاخلاق، ص۴۳۲.

۴- مستدرک الوسائل، ج۳، ص۳۶۴.

هستند که وقتی از مسجد خارج می‌شوند قلب های آنان همچنان دلبسته و علاقه مند به مسجد است تا آن گاه که مجدداً به مسجد برگردند».(۱)

۱۷- «مساجد، مکان هایی مبارک و مسجدیان سعادتمند و خوشبخت هستند، مساجد و اهل آنها مزیّن به صفای معنوی هستند. اهل مسجد زمانی که در نماز هستند، از طرف خدا حفاظت می‌شوند و خدا نیازمندی های آنها را برآورده می‌سازد، آنان در مسجد هستند و خدا به دنبال مشکل گشایی از آنها است».(۲)

۱۸- «ای ابوذر! خوشا به حال پرچمداران روز قیامت که پرچم ها را به دوش برگرفته و پیش از دیگران به بهشت وارد می‌شوند. آنان همان کسانی هستند که در سحر و دیگر اوقات در رفتن به مساجد، بر دیگران پیشی می گیرند».(۳)

۱۹- «در مساجد، انسان های ثابت قدمی وجود دارند که ملائکه با آنان همنشین و مأنوس هستند. هنگامی که از مسجد غایب می‌شوند، ملائکه سراغشان را می گیرند، در هنگام بیماری از آنان عیادت می کنند و چون درکارها به کمک احتیاج داشته باشند، آنان را یاری می‌دهند».(۴)

۲۰- «مساجد، بازاری از بازارهای آخرت است. از کسانی که به آن وارد می‌شوند، با مغفرت پذیرایی می‌شود و هدیه آنان بهشت است».(۵)

---

۱- وسائل الشیعه (ط-آل البیت) ، ج۵، ص۱۹۹/خصال، ج۲، ص۳۴۳.

۲- مستدرک الوسائل، ج۳، ص۳۵۵.

۳- مستدرک الوسائل، ج۳، ص۴۳۳/بحارالانوار (ط-بیروت) ، ج۷۴، ص۷۸/مکارم الاخلاق، ج۳، ص۴۳۳.

۴- .بحارالانوار (ط-بیروت) ، ج ۸۰، ص۳۷۳.

۵- مستدرک الوسائل، ج۳، ص۳۶۱/بحارالانوار (ط-بیروت) ، ج۸۱، ص۴/ الامالی (الطوسی) ، ص ۱۳۹.

۲۱- «خداوند به عدد هر نفسی که می‌کِشی و در مسجد نشسته ای،

درجه ای در بهشت به تو پاداش می‌دهد».(۱)

۲۲- «کسی که یک شب چراغی را در مسجد برافروزد، خدا گناهان هفتاد سال او را می‌آمرزد و ثواب عبادت یکسال را برایش می‌نویسد و شهری [در بهشت] به او عطا کند و اگر از یک شب تجاوزکند، خدا در برابر هر شب، ثوابی را که به یکی از پیامبران خویش می‌دهد به او عطا فرماید و اگر چراغ افروختن مسجد به ده شب رسید، کسی نتواند پاداشی راکه وی نزد خداوند دارد، بر شمارد و اگر این کار به یک ماه رسید، خداوند بدن او را بر آتش حرام می‌کند».(۲)

۲۳- «می‌خواهید شما را به کارهایی که خدا به سبب آن، گناهان را از بین برده و درجات انسان را افزون می‌کند، راهنمایی نمایم؟

۱) وضو گرفتن در شدّت سختی سرما؛ ۲) فراوان به مساجد رفتن؛ ۳) پس از خواندن نماز، در انتظار نماز بعدی بودن». (۳)

۲۴- «کسی که مسجدی را به این انگیزه که یاد خدا در آن شود، بنا نهد،

خانه ای در بهشت برای او ساخته می‌شود».(۴)

۲۵- «قدم برداشتن به سوی مسجد اطاعت از خداوند و پیامبر اوست و هرکس از خدا و رسولش اطاعت کند، خدا او را همراه صدّیقین و شهدا داخل بهشت

---

۱- بحارالانوار (ط-بیروت) ، ج۷۴، ص۸۵/مکارم الاخلاق، ص۴۶۷/وسائل الشیعه (ط-آل البیت) ، ج۴، ص۱۱۷.

۲- .بحارالانوار (ط-بیروت) ، ج ۸۰، ص۳۷۷.

۳- .ارشادالقلوب ترجمه رضایی، ج۱، ص۴۳۲.

۴- روضه الواعظین، ج۲، ص۳۳۷.

خواهد کرد و همنشین [حضرت] داود علیه السلام  است و مثل او پاداش می گیرد».(۱)

۲۶- «در قیامت سه کس [به خداوند] شکایت می کنند: قرآن، مسجد و عترت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، قرآن شکایت می کند: خدایا! مرا تحریف (تفسیر نادرست) کردند و پاره پاره نمودند (به برخی از دستوراتم عمل کردند و برخی را رها نمودند)، مسجد می گوید: خداوندا! مرا تعطیل و ضایع نمودند. عترت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می گویند: خداوندا! ما را کشتند و طرد نمودند و کنار زدند. آنگاه این سه، آماده مخاصمه با مرتکبین اعمال فوق می‌شوند. خداوند می‌فرماید: من خود با آنها مخاصمه می کنم[و جزایشان را خواهم داد]».(۲)

۲۷- «دعوت مؤذن را پذیرفتن، توفیق و رحمت الهی است و پاداش آن بهشت می‌باشد و کسی که این دعوت را پاسخ نگوید در روز قیامت با وی ستیز خواهم نمود. خوشا به حال آنان که ندای دعوت کننده به سوی خدا را پاسخ گفته و به سوی مسجد حرکت کنند؛ و تنها مومنینی در بهشت ساکن خواهند بود که به سوی مسجد گام برمی‌دارند».(۳)

۲۸- «به هنگام نزول بلا وآفت، اهل مساجد سالم و محفوظ می‌مانند».(۴)

۲۹- «محبوب ترین اماکن شهرها نزد خدا، مساجد آن شهر است».(۵)

۳۰- «مساجد، محل جلوس پیامبران است».(۶)

---

۱- .مستدرک الوسائل، ج۳، ص۳۶۵.

۲- بحارالانوار (ط-بیروت) ، ج ۸۰، ص۳۶۸/خصال، ج ۱، ص۱۷۵.

۳- .بحارالانوار (ط-بیروت) ، ج۸۱، ص۱۵۴.

۴- مستدرک الوسائل، ج۳، ص۳۵۶/نهج الفصاحه، حدیث ۶۸۲.

۵- نهج الفصاحه، ص۱۶۷، حدیث ۷۱.

۶- مستدرک الوسائل، ج۳، ص۳۶۳.

۳۱- «همانا مجلس مومن، مسجد است».(۱)

۳۲- «مساجد، نورهای الهی هستند».(۲)

۳۳- «مسجد، خانه هر پرهیزگاری است».(۳)

## ۲-۴-مسجد در کلام امیرالمؤمنین علی علیه السلام

۱- «کسی که حرمت مسجد را نگاه دارد، روز قیامت خدا او را با چهره ای شادمان ملاقات می کند و نامه [اعمالش] را به دست راستش می‌دهد».(۴)

۲- «نشستن در مسجد، برای من بهتر از نشستن در بهشت است؛ زیرا در بهشت خود را خوشنود می‌سازم و در مسجد پروردگارم را».(۵)

۳- «از طلوع فجر تا طلوع خورشید در مسجد نشستن، روزی را زیادتر از تلاش برای کسب آن، به تو می‌رساند».(۶)

۴- «مساجد، مجالس پیامبران است و انسان را از شیطان در امان نگه می‌دارد».(۷)

۵- «پیشرو کسی است که قبل از اذان داخل مسجد می‌شود، میانه رو کسی است که بعد از اذان داخل مسجد می‌شود و ستمکار کسی است که بعد از بر پایی نماز، وارد مسجد می‌شود».(۸)

---

۱- وسائل الشیعه (ط-آل البیت) ، ج۵، ص۲۳۶/ کنزالعمّال، ج۷، ص۶۵۴.

۲- مستدرک الوسائل، ج۳، ص۴۴۸.

۳- کنزالعمّال، ج۷، ص ۶۵۰، حدیث ۲۰۷۳۶/شرح فارسی شهاب الاخبار، ص۲۳.

۴- بحارالانوار (ط-بیروت) ، ج ۸۰، ص ۳۸۱.

۵- وسائل الشیعه (ط-آل البیت) ، ج۵، ص۱۹۹.

۶- .وسائل الشیعه (ط-آل البیت) ، ج۶، ص ۴۶۱/خصال، ج ۲، ص ۶۱۱.

۷- کنز العمال، ج۸، ص۳۱۹، حدیث ۲۳۰۹۷.

۸- مستدرک الوسائل، ج۳، ص۴۳۴، شماره ۳۹۴۰.

۶- «نماز در مسجد اعظم (ظاهراً مسجد جامع) برابر با ۱۰۰ نماز و در مسجد قبیله (ظاهراً مسجد محلّه) برابر با ۲۵ نماز و در مسجد بازار برابر با ۱۲ نماز و نماز در خانه [که به تنهایی انجام می‌دهد] معادل یک نماز است».(۱)

### ۴-۳-مسجد در کلام امام حسین علیه السلام

«کسی که پیوسته به مسجد برود یکی از منافع هشت گانه نصیبش خواهد شد: برادران مفید و با ارزشی پیدا می‌کند. با علم و دانش تازه، آشنا می‌شود. عقاید خود را با دلیل، محکم و استوار می‌سازد. کلمات و سخنانی که موجب هدایتش شود، می‌شنود. رحمت الهی شامل حالش می‌گردد. مواعظی که او را از فساد و گناه جلوگیری کند، می‌شنود. به خاطر حیا و آبروی خویش، ترک گناه می‌نماید. به خاطر ترس الهی، مرتکب عمل خلافی نمی‌شود».(۲)

### ۴-۴-مسجد در کلام امام باقر علیه السلام

«هرکس صدای اذان را بشنود و بدون عذر و علت، در نماز جماعت شرکت نکند، نماز او پذیرفته نخواهد شد».(۳)

### ۴-۵-مسجد در کلام امام صادق علیه السلام

۱- «یکی از توفیقات زیر نصیب [هرکدام از] اهل مسجد می‌شود: یا اینکه موفق به دعایی می‌شود که خداوند به برکت همان دعا او را به بهشت می‌برد یا اینکه دعایی می‌کند که خداوند به سبب آن، بلای دنیا را از وی دور می‌کند و یا اینکه دوست و برادری پیدا می‌کند که از او در مسیر خدا استفاده می‌کند».(۴)

---

۱- من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۵۳.

۲- .بحارالانوار (ط-بیروت) ، ج ۸۱، ص ۳.

۳- گزیده کافی، ج ۲، ص ۲۸۳.

۴- وسائل الشیعه (ط-آل البیت) ، ج ۳، ص ۴۷۷.

۲- «هرکس به سوی مسجدی حرکت کند، در برابر هرگامی که بگذارد، زمین تا طبقات هفتگانه اش برایش تسبیح خداوند را خواهد گفت».(۱)

۳- «مردی به حضور پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آمد و پرسید: در میان اهل مسجد برترین آنها چه کسی است؟ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: آنان که بیش از دیگران به یاد خدا هستند».(۲)

۴- «کسی که سخن و گفتارش قرآن و مسجد خانه اش باشد، خداوند در بهشت خانه ای برای او بنا می کند».(۳)

۵- «خواندن نماز جماعت در خانه برابر با ۲۴ نماز فرادا است و خواندن نماز جماعت در مسجد برابر با ۴۸ نماز فرادا است یعنی ثواب نماز جماعت در مسجد دو برابر نماز جماعت در خانه است».(۴)

۶- «بر حضور در مسجد، مواظبت کنید، چرا که مساجد، خانه های خدا در زمین است. کسی که با حالت طهارت وارد مسجد شود، خداوند او را از گناهانش تطهیر می‌نماید و نامش را در زمره زائرین خویش می‌نویسد».(۵)

### ۶-۴-مسجد در کلام امام موسی کاظم علیه السلام

۱- ایشان از پدر بزرگوارش نقل فرمود: «کسی که در منزلش وضو بگیرد و مویش را شانه کند و خود را معطّر نماید سپس از خانه بدون عجله و با آرامش و وقار بیرون آید و به طرف مسجد برود در حالی که میل به جماعت مسلمین دارد، قدمی از زمین بر نمی‌دارد و نمی گذارد مگر آنکه یک حسنه برایش نوشته و

---

۱- تهذیب الاحکام، ج۳، ص۲۵۵.

۲- کافی (ط-اسلامیه) ، ج۳، ص۴۷۸.

۳- مستدرک الوسائل، ج۳، ص۳۵۸/الجعفریات، ص ۳۱.

۴- .وسائل الشیعه (ط-آل البیت) ، ج۵، ص ۲۴۰/الامالی (للطوسی) ، ص۶۹۶.

۵- وسائل الشیعه (ط-آل البیت) ، ج ۱، ص ۳۸۰/بحارالانوار (ط-بیروت) ، ج ۸۰، ص ۳۸۴.

یک گناه از او محو شود و یک درجه به خدا نزدیک شود تا زمانی که داخل مسجد شود. [آنگاه که] نماز را با امام جماعت شروع کند، ازطرف خدا مغفرت و بهشت بر او واجب می‌شود، قبل از اینکه امام سلام نماز را بدهد».(۱)

۲- از امام کاظم علیه السلام سؤال شد: آیا جایز است، در سمت قبله مسجد، قرآن و یا چیزی مانند ذکر خداوند نوشته شود؟ امام علیه السلام فرمود: «اشکال ندارد».(۲)

### ۷-۴-مسجد در کلام امام رضا علیه السلام

«بهشت و حوریان بهشتی مشتاق کسی هستند که مسجد را تمیز نماید و یا آلودگی های آن را بگیرد».(۳)

## ۵-توصیه هایی در خصوص مسجد و اعتکاف

### اشاره

ضروری است معتکف با آگاهی از آداب و شرایط حضور در مسجد و مراعات کامل آنها، بهره و حظّی وافر از اعتکاف به دست آورد. مسجد، خانه خداست و کسی که قصد اقامت در مسجد دارد، باید بداند که میهمان خداست.

اینجا دیگر سخن از آداب خانه نیست، سخن از حضور صاحبخانه است، لذا معتکف باید اوّلاً به این افتخار، متوجّه و مسرور باشد. ثانیاً وقتی خود را میهمان چنان میزبانی دید، ادب حضور را رعایت نماید.

### ۱-۵-رعایت آداب و اعمال حضور در مسجد در آیات و روایات

#### ۱-۱-۵-آیات قران کریم

۱- اعراف ۳۱ : «ای فرزندان آدم! زینت خود را در هنگام رفتن به هر مسجدی، با خود بردارید...».

---

۱- .الاصول السته العشر (ط-دارالشبستری) ، ص ۴۶.

۲- وسائل الشیعه (ط-آل البیت) ، ج۵، ص ۲۱۶.

۳- .مستدرک الوسائل، ج۳، ص ۳۸۵.

۲- بقره۱۱۴: «کیست ستمکارتر از آن کس که از بردن نام خدا در مساجد او جلوگیری کرد و سعی در ویرانی آنها نمود؟! چنین کسانی نمی‌توانند، جز با ترس و وحشت، وارد این [کانون های عبادت] شوند. بهره آنها در دنیا رسوایی است و در آخرت، عذاب عظیم [الهی]!».

۳- جن۱۸: «مساجد مخصوص [پرستش ذات یکتای] خداست، پس نباید با خدا احدی غیر از او را پرستش کنید».

### ۲-۱-۵-روایاتی از معصومین

### ۱- ۲-۱-۵-توصیه هایی مربوط به ورود و خروج به مسجد

۱- پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «هنگامی که یکی از شما به مسجد وارد می‌شود، باید پای راست را مقدم داشته و بگوید: بسم الله و علی الله توکّلت و لاحول و لاقوه الا بالله و هنگام خروج پای چپ را مقدم داشته و بگوید: بسم الله اعوذ بالله من الشیطان الرجیم سپس فرمودند: یا علی، کسی که اینگونه وارد مسجد شود، خدا نمازش را قبول می‌کند و در برابر هر رکعت نماز که به جا آورده است، فضیلت صد رکعت نماز را به وی عطا می‌کند و اگر بدین کیفیّت خارج شود خدا گناهانش را می‌آمرزد و در مقابل هرگامی یک درجه و صد حسنه به وی عطا می‌نماید».(۱)

۲-امیرالمومنین علیه السلام : «هرکس می‌خواهد به مسجد داخل شود با آرامش و با طمأنینه وارد شود، چون مساجد خانه های خدا و محبوب ترین محل ها در نظر او است».(۲)

---

۱- .مستدرک الوسائل، ج۳، ص۳۹۲.

۲- من لا یحضره الفقیه، ج۱، ص۲۴۰.

۳-امیرالمومنین علیه السلام : «دعای ورود به مسجد: بسم الله و بالله، السلام علیک ایها النبی و رحمه الله و برکاته».(۱)

۴-امیرالمومنین علیه السلام : «هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم وارد مسجد می‌شدند، می‌فرمودند: اللّهم افتَح اَبوابَ رَحمَتِکَ و چون خارج می‌شدند، می‌فرمودند: اللهم افتَح لی اَبوابَ رِزقِکَ».(۲)

۵-فاطمه علیها السلام : «پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در وقت ورود به مسجد، صلوات فرستاده و دعا می کردند: خدایا! گناهانم را ببخش و درهای رحمت خویش را بر من بگشا. و هنگام خروج از مسجد نیز صلوات فرستاده و می‌فرمودند: خداوندا! گناهانم را مورد آمرزش خویش قرار ده و درهای رزق و روزی خویش را بر من بگشا».(۳)

۶-امام باقر علیه السلام : «هنگامی که وارد مسجد شدی و می‌خواهی در آن بمانی، با طهارت داخل شو و چون به مسجد رسیدی رو به قبله کن و خداوند را بخوان و حاجتت را از او درخواست کن و در لحظه ورود به مسجد بسم الله الرحمن الرحیم بگو و خدا را ستایش کن و بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم درود (صلوات) فرست».(۴)

۷-امام صادق علیه السلام : «هنگامی که به درب مسجد رسیدی این را بدان که قصد پادشاه بزرگی را کرده ای که جز پاکان به بارگاه او راه نمی‌یابد و جز راستگویان و درستکاران اجازه محضر او را نمی‌یابد.... بدان که او می‌تواند با شما با عدالت، یا با بخشش خویش رفتار کند. اگر با فضل و مهربانی اش، با شما رفتار کند نتیجه اش این می‌شود که طاعات شما را می‌پذیرد و ثواب فراوان می‌بخشد و اگر

---

۱- مستدرک الوسائل، ج۳، ص۳۸۹.

۲- مستدرک الوسائل، ج۳، ص۳۸۹.

۳- وسائل الشیعه (ط-آل البیت) ، ج۵، ص۲۴۷/بحارالانوار (ط-بیروت) ، ج ۸۱، ص۲۲.

۴- . تهذیب الاحکام، ج۳، ص۲۶۳/وسائل الشیعه (ط-آل البیت) ، ج۵، ص۲۴۵.

بخواهد با شما به عدالت رفتار کند و به اندازه ای که شایسته آن هستی به تو ببخشاید، نتیجه اش این می‌شودکه در هر صورت محرومی و عبادت هایت را هر چند بسیار باشند، نمی‌پذیرد بنابراین هنگامی که در برابر خداوند حاضر می گردی به ناتوانی و کوتاهی و نیازمندی خود نسبت به او، اعتراف کن زیرا شما قصد پرستش او را داری و می‌خواهی با او مانوس گردی. نهان خود را به او بگو و بدان که او خدایی است که بر همه نهان ها و آشکارها آگاه است و همچون نیازمندترین بندگان در نزدش باش. قلبت را از چیزهایی که تو را از یاد خدا باز می‌دارند و بین تو و خدایت حجاب ایجاد می کنند، پاک کن، زیرا خدا تنها خالص ترین و پاک ترین دل ها را قبول می کند. بنگر که نامت در کدامین دفتر ثبت می‌شود؟ اگر شیرینی و لذت راز و نیاز و هم صحبتی با او را حسّ کردی و از جام رحمت و کرامتش نوشیدی، بدان که خداوند به تو روی آورده و خواسته ات را اجابت کرده و شایسته خدمتش شده ای، پس وارد مسجد شو زیرا به تو اجازه و امان، داده شده است. در غیر اینصورت همانند بیچاره ای بی پناه که کاری از دستش بر نمی‌آید، بایست و بدان که اگر خدا بداند که تو از صمیم قلب به او پناه آورده ای هیچگاه تو را از بارگاه خویش نمی‌راند و با نگاه محبّت و مهربانی و لطف به شما می‌نگرد و توفیق انجام اعمالی را که مورد رضا و خشنودی اش است به تو می‌دهد. زیرا خداوند،

بخشنده ای بزرگوار است و دوست دارد با بندگانی که مضطرّ شده اند و به او روی آورده اند و خوشنودی او را می‌طلبند، به کرامت رفتار کند؛ زیرا خود فرمود: اَمَّن یُجیبُ المُضطَرَّ اِذا دَعاهُ وَ یَکشِفُ السّوء(۱)».(۲)

---

۱- آیا کسی هست که اگر مضطری او را بخواند اجابت کند. (نمل:۶۲)

۲- مصباح الشریعه، ص ۱۳۰/بحارالانوار (ط-بیروت) ، ج ۸۰، ص ۳۷۳.

۸-امام عسکری علیه السلام : «دعای ورود به مسجد: به نام خدا و با خدا و از خدا و به سوی خدا؛ و برترین نام های نیکو از آن خدا است. من بر خدا توکّل نمودم و هیچ مانعی از معصیت و توانی بر عبادت، جز به توفیق الهی نیست. خداوندا! بر محمّد و آلش درود فرست و درهای رحمت و توبه به سوی خودت را بر من بگشا و درهای عصیان و سرکشی را بر من ببند. مرا از زائرین و آبادکنندگان مساجد خویش و آنان که در شب و روز با تو به مناجات می‌پردازند و در نمازهایشان خشوع می‌ورزند قرار ده و شیطان و لشکریانش را از من دور نما».(۱)

۹-پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «هنگامی که داخل مسجد شدی... منشین تا دو رکعت نماز تحیّت به جا آوری...».(۲)

۱۰-پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «چون به بوستان های بهشت رسیدید، از نعمت های آن بهره جویید، پرسیدند: بوستان های بهشت چیست؟ گفتند: مساجد. پرسیدند:

نعمتهایش چیست؟ فرمودند: سبحان الله و الحمد لله و لا اله الّا الله و الله اکبر».(۳)

۱۱-امام صادق علیه السلام : «هنگام ورود وخروج به مسجد، بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم درود فرست».(۴)

۱۲-پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «هنگامی که کسی اراده خروج از مسجد می کند، سپاهیان شیطان پیرامونش گرد آیند، چون زنبورها که پیرامون ملکه گرد آیند؛ پس چون به

---

۱- «بِسمِ الله وَ بِالله وَ مِنَ الله وَ اِلی اللهِ وَ خَیرُالاَسماءِ کُلِّها، لِلّهِ تَوَکَّلتُ عَلی اللهِ وَ لا حَولَ وَ لا قُوَّهَ اِلّا بِاللهِ. اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافتَح لی اَبوابَ رَحمَتِکَ وَ توبَتِکَ وَ اَغلق عَنّی اَبوابَ مَعصیتِکَ وَ اجعَلنی مِن زُوّارِکَ وَ عُمّارِ مَساجِدِکَ وَ مِمَّن یُناجیکَ بِاللَّیلِ وَ النَّهارِ وَ مِنَ الَّذینَ هُم فی صَلاتِهِم خاشعون وَ ادحَر عَنّیِ الشَّیطانَ الرَّجیمَ وَ جُنودَ اِبلیسَ اَجمَعینَ...» (مصباح المتحجد، ج۱، ص۳۲) .

۲- مکارم الاخلاق، ص۲۹۷/ به نقل از امیرالمومنین علیه السلام (مستدرک الوسائل، ج۳، ص۳۹۵) .

۳- کنزالعمّال، ج۷، ص۶۵۱، حدیث ۲۰۷۳۹.

۴- وسائل الشیعه (ط-آل البیت) ، ج۵، ص۲۴۶.

در مسجد می‌رسید [و می‌خواهید خارج شوید] بگویید: خدایا از شیطان و سپاهیانش به تو پناه می‌برم که در این صورت ضرری به شما نتوانند، رسانید».(۱)

۱۳-امام صادق علیه السلام : «هنگامی که یکی از شما نماز واجب را به جا آورد و قصد خروج از مسجد را دارد، کنار در مسجد بایستد و این دعا را بخواند: خداوندا! مرا دعوت نمودی و من نیز دعوت تو را اجابت کردم و نمازی را که بر من واجب نمودی به جا آوردم. اینک همانگونه که خود فرمان داده ای در زمین تو حرکت می کنم و از تو می‌خواهم از فضل خویش به من توفیق بندگی و دوری ازآنچه که تو را به خشم می‌آورد، عطا فرمایی و از رحمت خویش، رزق کافی را به من ارزانی داری».(۲)

## ۲- ۲-۱-۵-برخی اعمال توصیه شده در مسجد

۱-پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «هنگامی که به در مسجد می‌رسید، کفش هایتان را بررسی کنید».(۳)

۲-امیرالمومنین علیه السلام : «مساجد را در هر روز هفته، خوشبو و معطّر کنید».(۴)

۳-امیرالمومنین علیه السلام: «مستحّب است کسی که در مسجد می‌نشیند، رو به قبله باشد».(۵)

۴-امام عسکری علیه السلام : «هنگام رو به قبله کردن بگو: خداوندا! من به تو روی آورده و رضایت و پاداش تو را می‌طلبم. به تو ایمان آوردم و بر تو توکّل کردم. خداوندا! به گوش های دلم توان شنیدن ذکر و یادت را عنایت کن و قلبم را بر

---

۱- کنزالعمال، ج۷، ص ۶۶۰.

۲- وسائل الشیعه (ط-آل البیت) ، ج۵، ص۲۴۷.

۳- وسائل الشیعه (ط-آل البیت) ، ج۵، ص۲۲۹.

۴- بحارالانوار (ط-بیروت) ، ج ۸۰، ص ۳۸۱.

۵- .بحارالانوار (ط-بیروت) ، ج ۸۰، ص ۳۸۰.

دینت و دین پیامبرت استوار بدار و بعد از هدایت، دچار گمراهی مگردان و از جانب خویش رحمتی بر من عطا فرمای، چرا که تو بسیار بخشنده ای».(۱)

۵-امام حسن علیه السلام هنگام نماز بهترین لباس های خود را می‌پوشیدند. به ایشان عرض شد: ای فرزند رسول خدا! چرا بهترین لباس هایتان را هنگام نماز می‌پوشید؟ فرمودند: «خدا زیباست و زیبایی را دوست میدارد. من هم برای پروردگارم خود را زیبا می کنم. خدا فرموده است: زینت خود را به هنگام رفتن به مسجد، با خود بردارید.(۲) من هم دوست دارم بهترین لباسم را بپوشم».(۳)

۶-امام صادق علیه السلام : «آنگاه که در مشکلات، اندوه شما را فرا گیرد، چه چیز مانع از آن است که وضو گرفته و در مسجد، دو رکعت نماز به جا آورده و خدا را بخوانید. آیا سخن خدا را نشنیده اید که می‌فرماید: از صبر و نماز، یاری جویید(۴)».(۵)

۷-پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «هر نشستی در مسجد لغو و بیهوده است مگر برای سه چیز:

۱) خواندن نماز و قرآن ۲) ذکر و یاد خدا ۳) پرداختن به مسایل علمی».(۶)

۸-از امام صادق علیه السلام پرسیده شد: دو نفر به مسجد وارد می‌شوند و در یک زمان به نماز می‌ایستند. یکی بیشتر به تلاوت قرآن می‌پردازد و دیگری بیشتر دعا می کند

---

۱- «اَللّهُمَّ اِلَیکَ تَوَجَّهتُ وَ مَرضاتَکَ طَلَبتُ و ثوابَکَ ابتَغَیتُ وَ بِکَ آمَنتُ وَ عَلَیکَ تَوَکَّلتُ. اَللّهُمَّ افتَح مَسامِعَ قَلبی لِذِکرِکَ وَ ثَبِّت قَلبِی عَلی دینِکَ ودینِ نَبِیِّکَ وَ لا تُزِغ قَلبِی بَعدَ اِذ هَدَیتَنی وَ هَب لی مِن لَدُنکَ رَحمَه اِنَّکَ اَنتَ الوَهّابُ» (مستدرک الوسائل، ج۳، ص۳۹۰) .

۲- سوره اعراف آیه ۳۱ : «خُذوا زینَتَکُم عِندَ کُلّ مَسجِد».

۳- .وسائل الشیعه (ط-آل البیت) ، ج۴، ص۴۵۵.

۴- سوره بقره آیه ۴۵ : «وَ استَعینُوا بِالصَّبرِ وَ الصَّلوه وَ اِنَّها لَکَبیرَهُ اِلّا عَلی الخاشعینَ».

۵- .وسائل الشیعه (ط-آل البیت) ، ج۸، ص۱۳۹.

۶- وسائل الشیعه (ط-آل البیت) ، ج۴، ص۱۱۸/مکارم الاخلاق، ص۴۶۷.

و هر دو در وقت معیّنی از مسجد، خارج می‌شوند، کار کدامیک از این دو برتر است؟ امام علیه السلام فرمود: «عمل هر دو دارای فضیلت است». راوی می گوید: می‌دانم که هر دو عمل، نیکو و دارای فضیلت است [ولی می‌خواستم بدانم عمل کدامیك برتر است؟] امام علیه السلام فرمود: «دعا، برتر است. آیا نشنیده ای که خداوند می‌فرماید: مرا بخوانید تا (دعای) شما را اجابت کنم. به یقین کسانی که از عبادت من تکبر می‌ورزند، به زودی با ذلت وارد دوزخ می‌شوند.(۱) آنگاه امام علیه السلام سه مرتبه فرمود: سوگند به خدا، دعا مهمتر است».(۲)

۹-از امام صادق علیه السلام سؤال شد: «کدامیك افضل است: انسان در اوّل وقت نماز بخواند یا زمانی که مسجد امام جماعت دارد، نماز را تأخیر اندازد تا نمازجماعت بخواند؟ فرمودند: نماز را تأخیر بیندازد و با اهل مسجد نماز بخواند».(۳)

۱۰-امام صادق علیه السلام: «در جاهای مختلف مساجد، نماز به جا آورید، چون جای جای زمین، درقیامت برای کسی که برآن نماز خوانده باشد، شهادت می‌دهد».(۴)

۱۱-پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شانه های نمازگزاران را در نماز جماعت منظم می کرد و می‌فرمود: «مساوی و منظم باشید، نامنظم و جدا از هم نباشید که قلب های شما از همدیگر جدا می‌شود».(۵)

---

۱- سوره غافر، آیه ۶۰.

۲- مستدرك الوسائل، ج۵، ص۳۲/بحارالانوار (ط-بیروت) ،ج ۹۰، ص۲۹۲/دعائم الاسلام، ج۱، ص۱۶۶.

۳- وسائل الشیعه (ط-آل البیت) ، ج۸، ص۳۰۸.

۴- بحارالانوار (ط-بیروت) ، ج ۸۰، ص۳۸۴/الامالی (للصدوق) ، ص۳۵۹.

۵- مستدرك الوسائل، ج۶، ص۵۰۷.

۱۲-امام صادق علیه السلام : «پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: [در نمازجماعت] صف های خود را منظم کنید وکتف ها را موازی هم قراردهید؛ مبادا شیطان برشما چیره شود».(۱)

۱۳-از امام صادق علیه السلام در مورد سخن خداوند که می‌فرماید: «زینت خود را در هر مسجد به همراه داشته باشید». سؤال شد. امام علیه السلام فرمودند: «از جمله آن

زینت ها، شانه کردن مو برای هر نمازی است».(۲)

۱۴-پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «هر کس چیزی را که موجب آزار و اذیّت مردم است، از مسجد بیرون ببرد، خداوند در بهشت خانه ای برایش می‌سازد».(۳)

۱۵-امام صادق علیه السلام : «کسی که مسجد را جارو می کند، خدا، پاداش آزادکردن بنده ای را برایش می‌نویسد و اگر از این مسجد به اندازه خاشاکی که در چشم می‌رود، غبار برگیرد، خدا دو بهره از رحمتش را به وی عطا می‌فرماید».(۴)

۱۶-پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «ای ابوذر کسی که دعوت خداوند را اجابت کند و در آبادانی مساجد، نیکو تلاش کند ثواب آن از جانب پروردگار، بهشت است. ابوذر پرسید: مساجد را چگونه آباد کنیم؟ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: در آنجا با صدای بلند سخن نگویند، حرف باطل و سخن نادرست نزنند و خرید و فروش نکنند. ای ابوذر! تا در مسجد هستی از لغو (بیهوده گویی) بپرهیز و اگر رعایت نکردی روز قیامت جز خویشتن را ملامت و سرزنش مکن».(۵)

---

۱- وسائل الشیعه (ط-آل البیت) ، ج۸، ص۴۲۳/ مستدرک، ج۶، ص۵۰۷.

۲- من لا یحضره الفقیه، ترجمه غفاری، ج۱، ص۱۷۴.

۳- کنزالعمال، ج۷، ص۶۴۹، حدیث ۲۰۷۲۶.

۴- بحارالانوار (ط-بیروت) ، ج ۸۰، ص۳۸۳.

۵- .مکارم الاخلاق، ص۴۶۷/ بحارالانوار (ط-بیروت) ، ج ۸۰، ص ۳۷۰.

۱۷-پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «هنگامی که پانزده خصلت در بین امتّم رایج شود بلا بر آنان نازل خواهد شد... از جمله خصلت ها آن است که در مسجد صدا را بلند کنند».(۱)

۱۸-پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «برای هر چیزی آفتی است و آفت مسجد قسم خوردن (گفتن لا والله و بلی والله) درآن است».(۲)

۱۹- پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «بیست خصوصیت باعث به وجود آمدن فقر می‌شود...یکی عجله کردن در خروج از مسجد است».(۳)

۲۰-از مباحات و مفاخره مردم به یکدیگر در مساجد، نهی شده است.(۴)

۲۱-پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «کسی که از مسجد عبور می کند و درآن نماز نمی‌خواند، جفاکار است».(۵)

۲۲-پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «کسی که صدای اذان را در مسجد بشنود و بی علّت از مسجد خارج شود منافق است، جز اینکه قصد برگشت به مسجد را داشته باشد».(۶)

۲۳-پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «کسی که بدون عذر در مسجد نماز جماعت نمی خواند نمازش کامل نیست...و کسی که نسبت به جماعت مسلمین بی توجّه است، از عدالت ساقط و دوری کردن از او واجب است».(۷)

۲۴-امام باقر علیه السلام : «پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در مسجد فرمود: فلانی برخیز...تا اینکه پنج تن را به این صورت جدا نمود، آنگاه فرمود: از مسجد خارج شوید و تا هنگامی که زکات

---

۱- تحت العقول، ترجمه کمره ای، ص۵۲/بحارالانوار (ط-بیروت) ، ج۷۴، ص۱۵۷.

۲- مستدرک، ج۳، ص۳۸۲/ کنزالعمال، ج۷، ص۶۶۹.

۳- مستدرک الوسائل، ج۳، ص۴۴۶.

۴- کنزالعمال، ج۷، ص۶۶۹، حدیث۲۰۸۳۲.

۵- مستدرک الوسائل، ج۳، ص۴۳۳.

۶- .الامالی (للصدوق) ترجمه کمره ای، ص۵۰۱.

۷- وسائل الشیعه (ط-آل البیت) ، ج۸، ص۳۱۷.

نمی‌دهید در مسجد ما نماز به جا نیاورید».(۱)

۲۵- امیرالمومنین علیه السلام : «نوباوگان و دیوانگان را از ورود به مسجد، منع کنید».(۲)

۲۶-امیرالمومنین علیه السلام : «پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از اینکه حدود در مساجد اقامه شود و همچنین از اینکه سلاح در قبله گاه مساجد آویزان شود، نهی فرمودند».(۳)

۲۷-از امام کاظم علیه السلام سؤال شد: آیا جایز است شمشیر را در مسجد، آویزان نمود؟ فرمودند: «در قبله جایز نیست. امّا در سمت راست یا چپ قبله، مانع ندارد».(۴)

۲۸-از امام صادق علیه السلام در مورد مساجدی که دارای نقاشی و تصویر است سؤال شد. امام علیه السلام فرمود: «این کار را خوش نمی دارم ولی این امر به شما ضرری

نمی زند، اگر عدل برپا بود می‌دیدید که در این زمینه چگونه عمل می‌شد».(۵)

۲۹-امام صادق علیه السلام : «کسی که غذاهایی که بوی بد ایجاد می کند (سیر، پیاز، تره)، را خورده است، به مسجد نزدیک نشود (داخل مسجد نشود)».(۶)

۳۰-امام کاظم علیه السلام: «در مسجد بر جنازه ها، نمازگزارده نمی شود».(۷)

۳۱-پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «مساجد را از نجاسات، دور نگه دارید».(۸)

---

۱- وسائل الشیعه (ط-آل البیت) ، ج۹، ص۲۴.

۲- دعائم الاسلام، ج۱، ص۱۴۹.

۳- مستدرک الوسائل، ج۳، ص ۳۷۰.

۴- وسائل الشیعه (ط-آل البیت) ، ج۵، ص۲۱۳.

۵- وسائل الشیعه (ط-آل البیت) ، ج۵، ص۲۱۵.

۶- وسائل الشیعه (ط-آل البیت) ، ج۵، ص۲۲۶/تهذیب الاحکام (تحقیق خرسان) ، شیخ مفید، ج۹، ص۹۶/مشابه این حدیث از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در رابطه با «سیر» نقل شده است. (مستدرک الوسائل، ج۳، ص۳۷۷)

۷- .الاستبصار، ج۱، ص۴۷۴.

۸- وسائل الشیعه (ط-آل البیت) ، ج۵، ص۲۲۹.

۳۲-امام باقر علیه السلام : «حائض و جُنُب نمی‌توانند داخل مسجد شوند مگر حین عبورکردن. خدا می‌فرماید: در حال جنابت [داخل مسجد] نشوید مگر در حال عبور تا غسل کنید».(۱)

۳۳-از امام صادق علیه السلام سؤال شد: «آیا جُنُب و حائض می‌توانند چیزی را از مسجد بردارند؟ فرمودند: آری، ولی نمی توانند چیزی را در مسجد بگذارند».(۲)

۳۴-پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «هرکسی برای احترام مسجد، آب دهانش را فرو برد و در مسجد نیندازد، خداوند آن را در بدنش به قدرت و توانایی تبدیل می‌کند و به پاداش این کار، برای او حسنه ای می‌نویسد و گناهی را از او می‌آمرزد و این آب دهان بر هر دردی [که در بدن او است] برخورد کند، آن را شفا می‌بخشد».(۳)

۳۶-پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «باید که مسجد از آب بینی و خلط سینه پاک شود، چنان که یک قطعه پوست در آتش پاک می‌شود».(۴)

۳۷-امیرالمومنین علیه السلام : «کسی که احترام مسجد را حفظ کند و از انداختن اخلاط در آن خودداری نماید، در روز قیامت، با شادمانی و در حالی که کتاب اعمالش را در دست راست دارد، خدا را ملاقات می کند. مسجد، هنگامی که کسی درآن خلط می اندازد، از شدّت ناراحتی به خود می‌پیچد. همان گونه که اگر یکی از شما را با چوب خیزران بزنند، از شدّت درد به خود می پیچید».(۵)

---

۱- وسائل الشیعه (ط-آل البیت) ، ج۲، ص۲۰۷/مستدرک الوسائل، ج۱، ص۴۵۹.

۲- وسائل الشیعه (ط-آل البیت) ، ج۲، ص۲۱۳/کافی (ط-اسلامیه) ، ج۳، ص۵۱.

۳- وسائل الشیعه (ط-آل البیت) ، ج۵، ص۲۲۳.

۴- مستدرک الوسائل، ج۳، ص۳۷۶.

۵- .بحارالانوار (ط-بیروت) ، ج۸۰، ص۳۸۱/مستدرک الوسائل، ج۳، ص۳۷۶.

## فصل هفتم: برخی مناسبت های ایّام البیض ماه رجب

### وقایع روز سیزدهم

#### ۱-ولادت امیرالمومنین علیه السلام

##### اشاره

ولادت ایشان در روز جمعه ۱۳رجب، دوازده (یا ده) سال قبل از بعثت (سی سال بعد از عام الفیل) می‌باشد.

##### ۱-۱-تولّد حضرت علی علیه السلام در کعبه معظّمه

۱-۱-تولّد حضرت علی علیه السلام در کعبه معظّمه(۱)

---

۱- جمعه بر فـاطمه بنت اسـد علیها السـلام درد عارض شـد. او نزد خانه کعبه رفت و گفت: «پروردگارا! من به تو و پیامبران و کتـاب هـایی که از سوی تو آمـده، ایمـان دارم و گفتـار جـدّم، ابراهیم خلیل را که این خانه کعبه را بنا نهاد، تصـدیق می کنم. پروردگـارا! به حق همـان کسـی که این خـانه را بنا کرد و به حق این نوزادی که در شـکم من است، ولادت او را بر من آسان گردان». ناگهـان خانه کعبه شـکافت و فاطمه علیها السـلام داخل شـد. افرادی که در آنجا بودنـد، خواسـتند در را باز کننـد امّا نتوانسـتند. فهمیدند که سِرّی در این کار است. فاطمه علیها السـلام می گوید: «هنگامیکه وارد شدم، حوّا، مریم، ساره وآسیه با ملائکه و حوریان بهشتی را دیدم که با طشت، کوزه سفالین و حریر بهشتی آمده اند.» داستان ورود فاطمه علیها السلام به خانه کعبه، در شـهر پیچید. روز چهارم، فاطمه علیها السلام بیرون آمد، در حالی که علی علیه السلام را روی دست داشت و به مردم می گفت: «خـدا مرا بر زنان پیشـین، برتری بخشـید، زیرا آسـیه دختر مزاحم، خدا را در مکانی می‌پرستید که جز هنگام ناچاری نمی‌بایست در آن مکان عبادت می کرد. مریم، دختر عمران نخل خشـکی را حرکت داد تا از آن رطب تازه خورد و من داخل خانه خدا شدم و از میوه بهشتی خوردم و چون خواسـتم از آن بیرون آیم، هاتفی ندا کرد: فاطمه نام این مولود را «علی» بگذار که خـدای علی اعلی می‌فرمایـد: «من نـام او را از نـام خود جـدا کردم و به ادب خود، به او ادب آموختم و بر علوم پنهان خود وی را آگاه ساختم و برمشـکلات علم خویش او را واقف ساختم. او اوّل کسـی است که بر بالای خانه ام اذان خواهـد گفت و بت ها را خواهـد شـکست و خواهـد انـداخت و مرا به عظمت و بزرگواری و یگانگی یاد خواهـد کرد و به تقدیس من خواهد پرداخت و او امام و پیشوای بعد از حبیب من محمّد صلی الله علیه و آله و سلم خواهد بود. خوشا به حال کسی که او را دوست بدارد. وای به حال کسی که با او دشمنی ورزد و نافرمانی اش را کند». (بحارالانوار، ج ۳۵، ص۷)

میسّر نگردد به کس این سعادت

به کعبه ولادت به مسجد شهادت

## ۲-۱-برخی منزلت های امیرالمومنین علیه السلام در قرآن

### اشاره

اگرچه به دلایلی نام اهل بیت علیهم السلام به صراحت در قرآن نیامده است ولی آیات بسیاری در مقام رفیع آن بزرگواران آمده است. در ذیل به سه آیه که اهل سنّت هم معتقد هستند، در شأن علی علیه السلام است، به ترتیب نزول، اشاره می‌شود:(۱)

### ۱-۲-۱- آیه لیله المبیت (بقره: ۲۰۷)

«وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ یَشْری نَفْسَهُ ابْتِغاءَ مَرْضاتِ اللَّهِ وَ اللَّهُ رَؤُفٌ بِالْعِباد»

«بعضی از مردم (با ایمان و فداکار، همچون علی علیه السلام در لیله المبیت به هنگام خفتن در جایگاه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم) جان خود را به خاطر خشنودی خدا می‌فروشند؛ و خداوند نسبت به بندگان، مهربان است».

علما فراوانی از شیعه و سنّی معتقدند این آیه مربوط به علی علیه السلام است و این مطلب در حدّ تواتر است.(۲)

ثعلبی، از مفسران معروف اهل سنّت، روایت زیبایی نقل می‌کند: «در شبی که علی علیه السلام در بستر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خوابید، خداوند خطاب به جبرئیل و میکائیل فرمود: شما دو نفر برادر هستید، اگر بخواهم عُمر یکی از شما را بگیرم، آیا دیگری فداکاری می‌کند و از عمر خودش به او می‌دهد؟ هیچ کدام سخنی نگفتند و آمادگی خویش را برای این امر اعلان نکردند؟ خدا به آنها فرمود: به خانه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ما در روی زمین نگاه کنید، ببینید، چگونه علی علیه السلام برای حفظ

---

۱- مکارم شیرازی، ناصر، آیات ولایت در قرآن، ص ۲۷۱/سبحانی، جعفر، فروغ ولایت، ص۶۳.

۲- .بحارالانوار (ط-بیروت) ، ج۱۹، ص۸۶.

جان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، زندگی خویش را به خطر انداخته است. بروید و مراقب علی علیه السلام باشید. جبرئیل و میکائیل بالای سر و پایین پای آن حضرت ایستادند تا از جان علی علیه السلام محافظت کنند سپس آن دو خطاب به امیر مومنان علیه السلام گفتند: علی جان به تو تبریک می‌گوییم چه کسی مثل توست؟ در حالی که خداوند به خاطر تو بر ملائکه آسمانها، مباهات و افتخار کرد».(۱)

### ۲-۲-۱-آیه ولایت (مائده: ۵۵)

«إِنَّما وَلِیُّکُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذینَ آمَنُوا الَّذینَ یُقیمُونَ الصَّلاةَ وَ یُؤْتُونَ الزَّکاةَ وَ هُمْ راکِعُونَ»

«سرپرست و ولیّ شما، تنها خداست و پیامبر او و آنها که ایمان آورده اند؛ همان ها که نماز را برپا می‌دارند، و در حال رکوع، زکات می‌دهند».

علّامه امینی رحمه الله در کتاب الغدیر از ۲۰ منبع معروف اهل سنّت، روایاتی درباره این آیه شریفه نقل می‌کند.

«روزی علی علیه السلام در مسجد النبی صلی الله علیه و آله و سلم مشغول نماز بود که نیازمندی وارد مسجد شد و تقاضای خویش را مطرح کرد. کسی چیزی به او نداد. علی علیه السلام که در آن هنگام در حال رکوع بود، با دست به آن نیازمند اشاره کرد، او آمد و انگشتر را از انگشت مبارک آن حضرت بیرون آورد و از مسجد بیرون رفت. در این هنگام این آیه شریفه بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نازل شد».(۲)

### ۳-۲-۱-آیه تبلیغ (مائده: ۶۷)

«یا أَیُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ ما أُنْزِلَ إِلَیْکَ مِنْ رَبِّکَ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَما بَلَّغْتَ رِسالَتَهُ وَ اللَّهُ یَعْصِمُکَ مِنَ النَّاسِ»

---

۱- علامه امینی، الغدیر،ج۲، ص۴۷.

۲- .علّامه امینی، الغدیر، ج۲، ص۵۲.

«ای پیامبر! آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است، به طور کامل (به مردم) ابلاغ کن؛ و اگر چنین نکنی، رسالت او را انجام نداده ای. خداوند تو را از (خطرات احتمالی) مردم، حفظ می کند».

علامه امینی رحمه الله ۳۰ حدیث از احادیث اهل سنت را در این رابطه برشمرده است.

این آیه در روز هجدهم ذی الحجه سال حجه الوداع (۱۰ ه.)، زمانی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به مکان غدیر خم رسید، توسط جبرئیل بر حضرت صلی الله علیه و آله و سلم نازل شد. ابتدای کاروان که صدها هزار نفر بودند، نزدیک مکانی به نام جحفه رسیدند که خداوند به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمان داد آنان که پیش افتاده اند، برگردند و آنها که نرسیده اند، در آن مکان بمانند، و علی علیه السلام را پیشوا و رهبر قرار دهد و دستور الهی در این زمینه را به آنان ابلاغ کند و جبرئیل به او خبر داد که خداوند وی را از گزند مردم حفظ خواهد کرد.(۱)

### ۳-۱-برخی منزلت های حضرت امیرالمومنین علیه السلام در روایات

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: «اگر درختان قلم شوند و دریاها مرکّب گردند و جنّیان حسابگر و آدمیان نویسنده شوند، نمی‌توانند فضایل علی علیه السلام را برشمردند».(۲)

امام صادق علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند: «خدا برای برادرم علی علیه السلام فضایلی قرار داده است که جز خودش کسی نمی‌تواند آن را بشمارد. پس کسی که فضیلت او را بگوید در حالی که به آن معتقد است، خدا تمام گناهان گذشته و

---

۱- علّامه امینی، الغدیر، ج ۱، ص ۲۱۴.

۲- العسقلانی، ابن حجر، لسان المیزان، ج ۵، ص ۶۲.

آینده اش را می‌بخشد، اگرچه گناهانش بسیار باشد و کسی که فضیلتی از فضایل او را بشنود، خداوند گناهانی را که به سبب شنیدن کسب کرده است، می‌بخشد و کسی که به فضیلتی از او که نوشته شده نگاه کند، خداوند گناهانی را که به وسیله چشم کسب کرده، می‌آمرزد».(۱)

### ۲-ولادت امام علی النّقی علیه السلام

بنابر قولی در ۱۳ رجب سال ۲۱۴ ه.ق. امام علی النّقی علیه السلام متولد شد. همچنین ولادت آن حضرت در نیمه ذیحجّه سال۲۱۲ ه.ق. نقل شده است.(۲)

### ۳-شهادت شیخ فضل الله نوری (۱۲۵۹-۱۳۲۷ق)

۳-شهادت شیخ فضل الله نوری (۱۲۵۹-۱۳۲۷ق)(۳)

## وقایع روز پانزدهم

### ۱-وفات حضرت زینب علیها السلام

#### اشاره

برخی ۱۴ رجب و بعضی دهم ماه مبارک رمضان را سالروز وفات ایشان می‌دانند. برخی مدفن ایشان را در مصر و برخی هم در مدینه منوّره می‌دانند، امّا به احتمال زیاد سوریه (روستای راویه دمشق) مدفن آن بانوی بزرگوار باشد.(۴)

---

۱- .شعیری، محمّد بن محمّد، جامع الاخبار، ص ۱۵.

۲- بحارالانوار (ط-بیروت) ، ج۵، ص۱۹۷.

۳- شیخ فضل الله، خواهر زاده و داماد حاج میرزا حسین نوری (صاحب مستدرک الوسایل) و از شاگردان حاج میرزا محمّد حسن شیرازی رحمه الله بود. وی سال ها در تهران ریاست مذهبی را به عهده داشت. ایشان دارای تألیفاتی از جمله تذکره الغافل و ارشاد الجاهل است که این اثر را یک سال قبل از شهادت، نوشت و در آن حوادثی که بعد از او اتّفاق می‌افتد، را خبر داد. شیخ فضل الله در اوایل مشروطیت در۱۳ رجب سال ۱۳۲۷ قمری در تهران به دار آویخته و در صحن بزرگ حضرت معصومه علیها السلام دفن گردید. (اکبر رضایی تبریزی، مجله گلبرگ، شهادت شیخ فضل الله نوری، شماره۳۱تیر ۱۳۸۱ص ۱۴۱)

۴- توسّل به حضرت زینب علیها السلام مورد توجّه امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و علمای ربّانی بوده است. بیرجندی از سیّد اسدالله اصفهانی (هم مباحثه اش) نقل می کند: امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را در خواب دیدم که فرمود: «فرشتگان در شب و روز رحلت عمّه ام زینب علیها السلام، درآسمان، مجلس برپا می‌دارند و خطبه آن بانو را که در بازار کوفه خواند، می‌خوانند و می گریند». (سید نورالدین جزایری، خصائص زینبیه، ص ۲۱۱/ملبوبی، محمّد باقر، الوقایع و

الحوادث، ج۱، ص۱۱۲ الی ۱۳۵) پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم : «هرکس بر زینب علیها السلام و مصیبتهایش بگرید، ثواب گریستن او، مانند ثواب کسی است که بر دو برادرش، امام حسن و امام حسین علیهما السلام گریه کند». (سید نور الدین جزایری، خصائص زینبیه، ص۵۳/ملا علی خیابانی، وقایع الأیّام فی تتمه محرم)

## ۱-۱-فضایل حضرت زینب علیها السلام

### ۱)علم

عقیله(۱) بنی هاشم در مکتب درس مادر، شاگردی پراستعداد بود و حفظ خطبه های پرمعنا، گواه برآن است. ایشان از سرچشمه علم پدر بهره ها برد و جلسات تفسیر در کوفه برگزار می‌نمود. هنگام جدایی ازسیدالشهدا و بی تابی ایشان از این مفارقت، امام حسین علیه السلام او را امر به صبر کرد و سرپرستی اطفال یتیم و زنان بی سرپرست را به ایشان سپرد و مقام نیابت را به او واگذاشت که این نشانه بهره مندی حضرت زینب علیها السلام از علوم الهی است.

امام سجّاد علیه السلام خطاب به عمّه خود فرمود: «تو به شکر خدا عالمه ای هستی که مکتب نرفته ای و فهیمه ای هستی که تعلیم از کسی نگرفتی».(۲)

### ۲)حلم و صبر وصف نشدنی

---

۱- اول باید عاقل (اسم فاعل) و بعد عقیل (صفت مشبهه که دلالت بر ثبات دارد) و بعد عقیله (تای مبالغه است نه تانیث) شد.

۲- «انت بِحمدلله عالِمةٌ غیرُ مُعَلِّمه و فهیمةٌ غیرُ مُفَهَّمَه». (بحارالانوار (ط-بیروت) ، ج۴۵، ص۱۶۴)

امیرالمومنین علیه السلام : «برشما باد صبر و استقامت؛ زیرا صبر نسبت به ایمان مانند سر به بدن است».(۱) حضرت زینب علیها السلام سختی های بسیاری را در راه بقای اسلام تحمّل کرد و مشکلات و مصائب او از آغاز کودکی آغاز شد و به حقّ امّ المصائب لقب گرفت. او نظاره گر مظلومیت مادر و پدر و رنج امام حسن علیه السلام بود. در کربلا، دو اسماعیلش را به قربانگاه فرستاد. پس از حادثه کربلا نیز با تحمّل رنج اسارت و سرپرستی بازماندگان عاشورا، جلوه های دیگری از صبر خود را به نمایش گذاشت. صبر عقیله بنی هاشم علیه السلام همچون شهادت امام حسین علیه السلام اثرگذار است؛ زیرا لشکریان یزید با جنایات خود می‌کوشیدند تا کاروان اسیران و به ویژه حضرت زنیب علیها السلام را وادار به عملی سازند که موجب وارونه شدن حقیقت شود امّا صبر ایشان، همه آن نقشه ها را نقش بر آب کرد.

کاروان به بازار کوفه درآمد. حاکم کوفه می‌خواست با نمایش این صحنه، خواری دختر علی علیه السلام و خاندان بنی هاشم را به رخ مردم شهر بکشد تا قدرتش را به آنها بیشتر بنمایاند که اینان فرزندان و خویشان حاکم پیشین شهر شمایند، امروز به حکم من پیش چشم شما اسیر، و دست و گردن بسته درکوچه های شهر شما رانده می‌شوند و تازیانه می‌خورند. این خواست حاکم بود امّا خدا چیز دیگری می‌خواست. مردم شهر در کوچه ها انبوه شدند. زنانی که در آن روز بیش از سی سال داشتند، حشمت او را در دیده مسلمانان و عزّت وی را در چشم پدر، دیده بودند. در آمدن زینب و اسیران به بازار کوفه و حالت رقّت انگیز آنان، خاطرات گذشته را زنده کرد. زنان شیون سر دادند و مردان را به گریه افکندند. گریه زنان و مردان، کودکان را به نوحه درآورد و یکباره ناله و فغان، از هر سو برخاست. اکنون بایست دیده مردم شهر گشوده شود تا بدانند

---

۱- نهج البلاغه، کلمه قصار، ۸۲/مصباح الشریعه، ص.۱۸۴

چه کردنـد. در جمع اسیران چه کسـی می‌توانست این وظیفه را تعهد کند. زینب بود که پس از حمد خدا گفت: «ای کوفیان، ای دغلبازان و ای خودداران از یاری، اشکتان خشک، و ناله و فریادتان خاموش مباد، داسـتان شـما نیست جز به مانند آن زنی که رشـته خود را پس از محکم بافتن می گشود. سوگنـدهایتان را سـبب مکر و خیانت خودتان قرار داده اید. آیا در میان شـما جز مردمی چـاپلوس و ننـگ آور و کینـه تـوز که درمیـدان نـبرد، بزدل و در برابر دشـمنان، زبـون و مردمی پیمـان شـکن و بی وفاینـد، پیـدا می شود؟! چه پیشـکش زشتی با دسـتان خود برای خویشـتن، پیش فرسـتاده ایـد که آن خشم خدا بر شـماست، و درعذاب دوزخ جاویدان خواهیدبود.

آیا می گرییـد؟! آری به خـدا سوگنـد بسیار بگریید و کم بخندید، همانا که شـما به ننگ و رسوائی آن دست یافتید، و هرگز نتوانیـد پلیدی آن را از خویش بزدائید. آیا زاده ختم رسولان، و سـرور جوانان بهشتی، و پناه خوبانتان، و پناهگاه گرفتاریتان، و نشـانه راهتـان، و راه پهنـاور دلیلتـان را ترک یـاری گفتیـد، و برای او به هم بافتیـد؟! هـان چه بـد بار سـنگینی از گناه بر دوش کشـیدید، پس هلاکت و سرنگونی بر شما، راستی که کوشش ها به نومیدی رسید، و دست ها به خاک نشست (کنایه از اینکه به هیچ خیر و برکتی، نرسید)، و به خشمی از جانب خدا باز گشتید، و مهر خواری و فقر و گرفتاری بر شما نهاده شد.

وای بر شـما آیا می دانیـد چه جگری از رسول خـدا بریدیـد؟! و چه خونی از او ریختیـد؟! و چه عضو مهم و محترمی را از آن حضـرت برگرفتید؟! راستی که کار زشت و ناپسـندی مرتکب شدید که نزدیک است آسمانها از آن بشکافد و زمین دهان باز کنـد و کوهها پاره پاره به روی زمین ریزد (سوره مریم، آیات۸۹ و۹۰). همانـا این عمل را به گونه ای احمقانه و زشت به جای آوردید که فضای

زمین و آسمان را از قبح آن پرساختید. آیا شگفت دارید از اینکه آسمان خون ببارد؟! البتّه که عذاب آخرت خوارکننده تر است، پس این مهلت زودگذر، حلم شما را نرباید (تا به گناه ادامه دهید) که هیچگاه خشم و غضب، خدا را به شتاب نیندازد، و بیم از دست رفتن خونخواهی و انتقام بر او نرود، همانا پروردگار تو در کمینگاه است».(۱)

### ۳)شجاعت

حضرت زینب علیها السلام در محیطی پاک و در خانواده ای شجاع رشد کرد. پاک زیستن شجاعت را به دنبال دارد. امیرالمومنین علیه السلام می فرماید: «چه شجاع است انسان پاکدامن و چه ترسو است انسان مساله دار».(۲)

اسیران را به کاخ پسر زیاد بردند. وسیله قدرت نمایی هر چه بیشتر در این مجلس از پیش فراهم شده بود؛ قدرت نمایی برابر خاندان پیغمبر و به خاطر زهر چشم گرفتن از مردم کوفه.

پسر زیاد: این زن کیست؟ زینب دختر فاطمه.

پسر زیاد: خدا را شکر، دیدید خدا چگونه شما را رسوا کرد و دروغ هایتان را آشکار ساخت؟

زینب علیها السلام: «سپاس خدا را که ما را به محمّد صلی الله علیه و آله و سلم گرامی داشت و ما را به خوبی از پلیدی، پاکیزه گردانید. فاسقان دروغ می گویند و بدکاران رسوا می‌شوند و آنان ما نیستیم، دیگرانند، الحمدلله».

این جواب کوبنده از فردی که مصیبت زیادی را تحمّل کرده، به شخصی که از پیروزی خود سرمست بود، ناشی از شجاعت و صلابت آن حضرت است.

---

۱- ( الامالی (للمفید) ، ترجمه استاد ولی، ص۳۶۷ (با تلخیص) ) .

۲- تصنیف غررالحکم، ص۱۸۶، ح۳۵۴۵.

جلوه ای از شـجاعت زینب علیها السلام، در دربار یزید است. وقتی مرد شامی به یزید گفت: این کنیز (فاطمه دختر امام حسین علیه السـلام) را به من ببخش، فـاطمه در حـالی که می‌لرزیـد، به عمّه اش زینب پنـاه آورد. زینب علیهمـا السـلام به مرد شـامی فرمود: «به خدا قسم، نه تو و نه یزید هیچکدام توان به کنیزی بردن این دختر را ندارید».

یزیـد به زینب علیها السـلام گفت: «به خـدا سوگنـد که می‌توانم و اگر بخواهم چنین می کنم». زینب علیها السـلام فرمود: «والله هرگز خداوند چنین قدرت و سلطه ای به تو نداده است، مگر اینکه از اسلام روی گردانی و به دین دیگری درآیی».(۱)

### ۴)فصاحت و بلاغت

بعد از عاشورا، رسالت حضرت زینب علیها السلام رساندن پیام خون شهدای کربلا بود. ایشان با وجود شرایط نامساعد، خطبه ای پرفصاحت و بلاغت ایراد فرمود که تصور می‌شد بیان علی علیه السلام است.

هنگـامی که ابن زیـاد گفت: دیـدی خـدا بـا برادرت چه کرد؟ ایشان فرمود: «من چیزی جز زیبایی از جانب خـدا ندیـدم. اینان گروهی بودند که خداوند شـهادت را بر ایشان مقدّر کرده بود و آنان شـهادت را برگزیدند و با افتخار به این نعمت رسیدند و امّـا تـو سـتمکار به پاسـخ آنچه کردی، گرفتـار خواهی بود و خـدا در روز قیـامت میـان تو و آنـان داوری خواهـد کرد و از تو خونخواهی می کنـد. درآن روز خواهی دید که پیروز چه کسـی است. مادرت به سوگت بنشـیند، ای پسـر مرجانه». ابن زیاد با شنیـدن این جملات خشـمگین شـد و تصـمیم به قتـل زینب علیهـا السـلام گرفت. عمرو بن حریث مـانع شـد. ابن زیـاد گفت: خداوند قلب مرا به کشـتن حسـین علیه السـلام و خاندانت تسلّی داد. زینب علیها السـلام صـیحه ای زد و گریست و فرمود: «به جان خودم سوگند، که سرور ما را کُشتی و از خویشانم کسی

---

۱- (شیخ مفید، ارشاد، ترجمه رسولی محلاتی، ج۲، ص۱۲۵) .

نهشتی، نهال عمر ما را شکستی و ریشه ما را از هم گسستی، پس اگر تسلّی خاطر تو، در این بوده است، آرامش خود را بازیافته ای».

ابن زیاد گفت: این زن که سخنان موزون و آهنگین بر زبان آورد، پدرش نیز چنین بود و شاعر ماهری به شمار می‌رفت. زینب علیها السلام فرمود: «زن را کجا و سجع گویی؟ آنچه بر زبانم جاری شد، سوز سینه ام بود».(۱)

سرنی در نینوا می ماند اگر زینب نبود

کربلا در کربلا می ماند اگر زینب نبود

چهره سرخ حقیقت بعد از آن توفان رنگ

پشت ابری از ریا می ماند اگر زینب نبود

چشمه فریاد مظلومیت لب تشنگان

در کویر تفته جا می ماند اگر زینب نبود

زخمه زخمی ترین فریاد، در چنگ سکوت

از طراز نغمه وا می ماند اگر زینب نبود

در طلوع داغ اصغر، استخوان اشک سرخ

در گلوی چشم ها می ماند اگر زینب نبود

### ۲–شهادت حضرت امام صادق علیه السلام

برخی نقل کرده اند که امام صادق علیه السلام در نیمه ماه رجب به شهادت رسیدند.

### ۳–تغییر قبله

۳–تغییر قبله(۲)

### ۴–ازدواج حضرت علی با حضرت فاطمه علیهما السلام

در روز نیمه رجب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، حضرت فاطمه علیها السلام را به عقد علی علیه السلام درآورد که در آن

هنگام سن مبارک حضرت زهرا علیها السلام یازده سال بود.(۳)

---

۱- شیخ مفید، ارشاد، ترجمه رسولی محلاتی، ج۲، ص۱۲۰.

۲- .بنا بر قولی تغییر قبله از بیت المقدس به سوی کعبه، در این روز بود. تا پس از هجرت به مدینه، مسلمانان همچنان به سوی قبله یهودیان، نماز می‌خواندند. یهودیان جهت تضعیف پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم گفتند: محمّد مدعی است که دینش، آیین های گذشته را نسخ کرده ولی هنوز قبله مستقلی ندارد. تا اینکه آیه تغییر قبله نازل شد (بقره: ۱۴۴) . البته امتحان مسلمانان واقعی نیز از علل تغییر قبله در قرآن معرفی شده است (بقره ۱۴۳) . لذا در حالی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دو رکعت نماز ظهر را خوانده بود، به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم وحی شد که به سوی مسجد الحرام متوجّه شود.

۳- .ابن سعد، الطبقات الکبری، ج۸، ص۲۲.

## فصل هشتم: توصیه هایی به معتکفین

### مراقبت های قبل از اعتکاف

#### اشاره

معتکف باید قبل از ورود به اعتکاف، خود را هم از نظر ظاهری (رفتار، منش و تدارک ملزومات ورود به مسجد و...) و هم از نظر روحی و روانی (اخلاص در نیّت و...) آماده نماید و آمادگی درونی و برونی لازم را در خود ایجاد نماید.

اگر فردی بخواهد به مسافرت چند روزه برود، روزها بلکه ماه ها قبل، نسبت به تهیّه همه مقدمات آن فکر می کند، در صورتی که اعتکاف یک سفر سرنوشت ساز است. پس باید برای توشه راه، فکری اندیشید زیرا با لباس و تن آلوده و اموال شبهه ناک انسان به مقصد نمی‌رسد.

#### ۱-گرفتن حلالیّت از اطرافیان و رفع کدورت ها

#### ۲-ادای حقوق مالی

ادای حقوق مالی : مانند بدهکاری به اشخاص، خمس و...

#### ۳-داشتن حضور قلب

فارغ کردن خود، از مشغله های کار و زندگی و اندیشه هایی که فکر را مشغول کند. (به صفحه ۲۴۴ مراجعه شود.)

#### ۴-آگاهی کامل از احکام اعتکاف و مطالعه دقیق آن ها

گاهی عدم آگاهی کافی موجب می‌شود معتکف عملی را مرتکب شود که منجر به وارد آمدن اشکال به اصل اعتکاف و لزوم قضای آن شود.

#### ۵-تنظیم برنامه روزانه

معتکف باید قبل از اعتکاف، برای فعالیّت ها و انجام عبادات روزانه،

برنامه ای که سبب حصول یک اعتکاف موفق باشد، را تنظیم کند. زیرا از فعالیّتی که بدون برنامه ریزی صورت گیرد، نمی توان نهایت استفاده را نمود.

### ۶-گذاشتن شرط رجوع

بهتر است انسان، پیش از اعتکاف شرط کند، اگر در بین اعتکاف مشکلی پیش آمد، بتواند از اعتکاف برگردد. با این شرط چنانچه در روز سوّم که اعتکاف واجب است، مشکلی پیش آمد، می‌تواند از اعتکاف خارج شود.

### ۷-آماده کردن وسایل مورد نیاز در اعتکاف

مانند قرآن، مفاتیح الجنان، پتو، بالشت، کاغذ، خودکار، مسواک، بشقاب، قاشق، لیوان، کتب و...

### ۸-هدیه کردن ثواب اعتکاف

شایسته است جهت تعجیل در ظهور آقا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف معتکف شویم. می‌توان این سه روز را وقف آقا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف کرد و تمام عبادات مستحبی خودمان را اعم از تلاوت قرآن و غیره را به نیّت ایشان به جا آوریم. آن وقت اعتکاف ما رنگ و بوی مهدوی پیدا می‌کند و برکات بیشتری نصیبمان می‌شود.

می‌توان ثواب اعتکاف را به روح معصومین علیهم السلام، علما، شهدا، اموات و ملتمسین دعا هدیه کرد. در این صورت، علاوه براینکه معتکف ثواب کامل را می‌برد، آنان هم از فیض آن بهره مند می‌شوند.

### ۹-گذراندن مرحله اوّل سیر عرفانی (سیر من الخلق الی الحق)

#### اشاره

۹-گذراندن مرحله اوّل سیر عرفانی (سیر من الخلق الی الحق)(۱)

عدم اهمیّت به حقیقت عبادات و صرفاً اهتمام به انجام صحیح صورت ظاهری عبادات، تنها موجب صحّت عبادت است و چنین عبادتی اثرات سازنده لازم را ندارد.

ثواب اعمال، نزد سالکان الی الله، تقرّب محسوب نمی‌شود. آنچه اهمیت دارد پذیرش عمل عبادی از جانب پروردگار است. به طور مثال نماز مقبول، که

---

۱- مراحل سیر عرفانی، بر اساس بیانات آیت الله العظمی مظاهری، نوشته شده است.

طبق روایات، بهشت را بر انسان واجب می کند، علاوه بر صحّت (مطابق رساله های عملیّه)، باید دارای شرایطی باشد.

مرحله اول سیر عرفانی اعتکاف دارای ۶ منزل می‌باشد که در ذیل به طور مختصر ذکر شده است:

### ۱-۹-منزل بیداری (یقظه یا توجّه)

معتکف باید بیندیشد که آیا او با دعوت خدا به میهمانی خانه او می‌رود و یا به دعوت خود و به اراده خود، میهمان خدا می‌شود؟

معتکف باید بداند کجا می‌خواهد برود؟ چرا می‌رود؟

می‌خواهد از اعتکاف چه برداشتی داشته باشد؟

چگونه می‌خواهد از این سیر سه روزه، باز گردد؟

متاسفانه گاهی، افراد صرفاً برای گذراندن وقت یا همراهی دوستان یا خوشگذرانی به اعتکاف می‌روند.

معتکف باید به توفیقی که خدا به او عنایت فرموده است، و اینکه به خانه خدا وارد می‌شود و مهمان اوست، توجّه داشته باشد. معتکفی که چنین توجّه و بیداری پیدا کرده است، می‌تواند بعد از اعتکاف که دل را از وجود اغیار پاک کرد، صاحب حقیقی دل خویش یعنی خدای متعال را به دل راه بدهد.

امیرالمومنین علیه السلام می‌فرماید: «خدا رحمت کند...کسی را که بداند از کجا آمده، برای چه آمده و به کجا خواهد رفت».(۱)

### ۲-۹-منزل توبه

#### اشاره

اگر کسی آلوده به گناه باشد، هرچند عمل عبادی خویش را صحیح انجام دهد، شاید آن عبادت از او پذیرفته نشود و صرفاً عمل واجب یا مستحب انجام

---

۱- الوافی، ج۱، ص۱۱۶.

داده است و از خود رفع تکلیف کرده است ولی اگر قبل از عبادت، توبه واقعی نماید، عبادت او پذیرفته می‌شود.

اگر شخصیّت بزرگی، انسان را برای شرکت در یک مهمانی مهّم در منزل خودش دعوت کرده باشد، هیچ انسان عاقلی با روی آلوده و لباس کثیف به آن مهمانی نخواهد رفت؛ بلکه ابتدا خود را پاک و آراسته کرده بعد به مهمانی می‌رود. خدا انسان ها را به حضور در منزل خود فرا خوانده و به پیامبر بزرگی همچون حضرت ابراهیم علیه السلام نیز دستور داده است که بیت الله را برای معتکفین و عبادت کنندگان پاکیزه نماید. کسی که می‌خواهد مهمان خدا شود و به خانه خدا برود باید ابتدا خود را از آلودگی ها، پاک کند و آنگاه به ملاقات او برود. جهت شرکت در این مهمانی بزرگ علاوه بر پاکی ظاهر، به پاکی درون، نیز نیاز هست. آب توبه می‌تواند درون و دل را شستشو دهد و پاک گرداند.

خداوند در قرآن می‌فرماید: «ای بندگان من که بر خود اسراف و ستم

کرده اید! از رحمت خداوند نومید نشوید که خدا همه گناهان را می‌آمرزد، زیرا او بسیار آمرزنده و مهربان است».(۱) در روایات آمده است که کسی که از گناه توبه نماید مانند کسی است که هیچ گناهی ندارد.(۲)

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمود: «اگر از خداوند طلب مغفرت کنی، خداوند تو را خواهد آمرزید».(۳)

پرونده پر از گناه بنده، با توبه نابود می‌شود و به جای آن، پرونده جدیدی برای توبه کننده گشوده می‌شود که صفحه اول آن با ثواب توبه می‌درخشد و

---

۱- سوره زمر، آیه ۵۳.
۲- کافی (ط-اسلامیه) ، ج۲ص۴۳۵ به نقل از امام صادق. علیه السلام
۳- کافی (ط-اسلامیه) ، ج۱، ص۵۲۱.

پرونـده قبلی چنان نابود می‌شود که گویی این بنـده اصـلاً مرتکب گناهی نشده است. خداوند در قرآن می‌فرماید: «کسانی که توبه کنند و ایمان آورند و عمل صالح انجام دهند، خداوند گناهان آنان را به حسنات، مبدّل می کند».(۱)

بسیار مشاهـده شـده است که بـا یـک تـوجّه و بیـداری، توفیـق تـوبه به دست آمـده است و آن توبه موجب شـده است که راه صدساله سیر و سلوک، یک شبه توسط فرد پیموده شود؛ از جمله آنها می‌توان حرّ بن یزید ریاحی را نام برد.

امام خمینی رحمه الله می‌فرماینـد: «بهار توبه، ایام جوانی است که بار گناهان کمتر و کـدورت قلبی و ظلمت باطنی ناقص تر و شرایط توبه سهل تر و آسان تر است(۲)...پس ازآن، از گناهان و مخالفات، توبه خالصـی کند با شرایط خود... و چون قلب را از کثافات خالی کرد، مهیّای برای ذکر خـدا و قرائت کتاب خدا شود و تا قذارات و کثافات عالم طبیعت در آن است، اسـتفاده از ذکر و قرآن شریف، میسور نشود».(۳)

نکته قابل توجّه این است که کسـی نبایـد خود را از توبه بی نیاز ببیند. تصوّر اینکه گناهکار نیسـتم و آدم خوبی هسـتم، بسـیار خطرناک است؛ همه باید بدانند که گناهکارند و نیاز به توبه دارند.

### ۱-۲-۹-چگونگی توبه

توبه در همه گناهان به یک صورت انجام نمی‌پذیرد:

۱) ندامت در جایی که گناه در مورد حقوق الهی باشد و در کنار گناه چیزی مثل نماز و روزه ضایع نشده باشد.

---

۱- سوره فرقان، آیه ۷۰.

۲- امام خمینی، شرح چهل حدیث، ص۲۷۳.

۳- امام خمینی، شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص۱۰۶.

۲) ندامت به همراه جبران آنچه ضایع شده است، در جایی که در کنار گناه، چیز دیگری مثل نماز ضایع شود.

۳) ندامت به همراه جلب رضایت، در جایی که حقوق دیگران ضایع شده باشد.

از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پرسیده شد توبه خالص چیست؟ فرمودند: «این است که بنده از گناهی که کرده پشیمان شود؛ پس از خدا عذرخواهی کند و سپس به آن گناه باز نگردد، همانطور که شیر [دوشیده شده] به پستان باز نمی گردد».(۱)

امیرالمومنین علیه السلام: «استغفار کلمه ای است که بر شش معنی اطلاق می‌شود:

۱- پشیمانی از گذشته ۲- تصمیم بر ترک [گناه] در آینده

۳- پرداخت حقوق مردم ۴- ادای حق خدا در هر کار واجب

۵- آب کردن گوشت هایی که از حرام روییده، به طوری که پوست به استخوان بچسبد و سپس گوشت تازه در آورد.

۶- چشاندن رنج طاعت به بدن، چنان که لذت معصیت را چشیده است».(۲)

### ۳-۹-منزل تقوا

پس از توبه، انسان باید تصمیم جدّی بگیرد که از آن پس گناه نکند و به تصمیم خود عمل نماید و این عمل، تقوا است.

«کسی که توبه کند و عمل صالح انجام دهد، به سوی خدا بازگشت می کند».(۳)

بر اساس آیات قرآن، عبادت فقط از متّقیان، پذیرفته می‌شود؛ «خدا، تنها از پرهیزگاران، می‌پذیرد».(۴)

---

۱- تفسیرالمیزان، ج۱۹، ص۳۵۷/مجمع البیان، ج ۱۰، ص۳۱۸/مکارم تفسیر نمونه، ج۲۴، ص ۲۶۱.
۲- تحف العقول، ترجمه جنتی، ص ۳۰۱.
۳- سوره فرقان، آیه ۷۱.
۴- سوره مائده، آیه ۲۷.

کسی که قصد عبادت دارد، باید قبل از انجام عمل عبادی، متّقی شود.

### ۴-۹-منزل تخلیه

اساس منزل تخلیه، ریشه کن کردن صفات رذیله و لااقل کنترل آن صفات و خالی کردن دل از رذایل اخلاقی است که عملی واجب می‌باشد.

برخی از صفات رذیله عبارتند از: حسد، کبر، خودخواهی، عصبیّت، عُجب، لجاجت، غرور، حبّ دنیا، جهل مرکّب، سوء ظن، کینه توزی، غضب، بخل و..

معتکف باید قبل از اعتکاف، درون را از صفات رذیله تخلیه نماید.

### ۵-۹-منزل تحلیه

آراستن دل به خصایص زیبا و فضایل عالیه اخلاقی، اساس منزل تحلیه می‌باشد که یک وظیفه واجب می‌باشد.

برخی از صفات حسنه عبارتند از: خیرخواهی برای دیگران، تواضع، انعطاف پذیری و قبول کردن حق، فریب نخوردن از نفس امّاره، اعمال را در مقابل نعمت ها هیچ دانستن، حسن ظن به دیگران، حلم در مقابل ناملایمات، سخاوت، شجاعت، علوّ همّت و مردانگی، عطوفت و مهربانی، به دل نگرفتن بدی ها

معتکف باید قبل از ورود و حین اعتکاف، تلاش وافری در راستای آراستن قلب و دل خویش به فضایل اخلاقی داشته باشد.

### ۶-۹-منزل تجلیه

انسان پس از گذراندن منازل گذشته، به مقامی دست پیدا می کند که نور خدای سبحان را در دل خویش متجلّی می کند. در این حالت خداوند در دل او تجلّی می کند و دل او جایگاه خدا می‌شود و این اساس منزل تجلیه است.

تصوّر نشود دستیابی به این مقامات در عبادت، وظیفه نیست و صرفاً همان عبادت ظاهری کافی است.

## مراقبت های هنگام اعتکاف

### ۱-تنظیم برنامه روزانه

معتکف باید برای فعالیّت ها و انجام عبادات روزانه، برنامه ریزی درستی را انجام دهد تا بتواند یک اعتکاف موفق داشته باشد و نهایت استفاده را از اعتکاف ببرد.

همچنین بایـد هر روز را با مراقبه لحظه به لحظه به پایان رساند. باید هر شب به محاسـبه موارد قبلی پرداخته شود تا میزان توفیق و عدم آن و نیز علت آن دو معلوم شود و از سقوط تدریجی جلوگیری گردد.

### ۲-اخلاص در انجام عبادات

۲-اخلاص در انجام عبادات(۱)

---

۱- آیت الله میرزا جواد آقـای ملکی تبریزی رحمه الله (م۱۳۴۳ق) : از اساتید ایشان آقای ملا حسـینقلی همدانی بوده اند. ایشان در مقام عرفان مذهبی، مقامی بس والا دارد. امام خمینی رحمه الله در نماز ایشان حاضـر و پای درس اخلاق که در منزل، برای خواصّ برگزار می‌شـد، می‌نشسـتند. ایشان می‌فرماینـد: «[بنـده، در این ماه رجب] مواظب قلبش باشد که زنده با ذکر خدا و با حضور در مقابل او و به مراسم بندگی که موجب رضایت اوست مشغول باشد، زیرا مقصود از زنده داشتن شب ها، زنده نمودن قلب در آن است و زنـده بودن قلب نیز فقـط بـا ذکر و فکر است و قلب غافـل ماننـد [انسان] مرده است و کسـی که مشـغول به مکروهاتی که مورد رضایت خـدا نیست، باشـد، پایین تر از مرده است... انسان بایـد تلاش کنـد که در حالی که خیال می کند شب زنـده داری کرده و رسـتگار شـده، از دسته ای که گفتیم نباشـد... سالک بایـد قبـل از فرا رسـیدن این شب هـا و اوقـات شریف، مواظب خود بوده و بیش از سایر وقت ها حال خود را بررسـی کنـد و بکوشـد که گناهی در او نباشـد تا در تجارت با پروردگار ضـرر و زیانی ندیده، نور عبادت کنندگان را از دست نداده و مانند بنده ای نباشد که سـلطان او را به مجلسش برای هـدیه دادن و بزرگـداشت او، بلکه برای مـانوس نمودن و مناجـات و حال های عالی به همراه اولیای بزرگوار خداونـد، دعوت نموده و او در این مجلس حاضـر شده و در حضور سلطان به مخالفت او بپردازد و در خانه رحمان و آشکارا، به عبادت شیطان بپردازد و با این اعمال، سزاوار خواری بزرگی شده و به جای به دست آوردن بزرگداشت خدا، ذلّت و خواری به دست آورد. بـه هر صـورت بـه حکم عقـل واجب است در این شب و امثـال آن، از هر چیز ممکن در به دست آوردن رضـایت خداونـد و سلامـتی حـال هـا و عمـل هـا از آفت ها، کمک گرفت و با تمام توان بایـد به این مهم پرداخته تا عمل او خالص و خودش نیز مخلص برای خداونـد متعال باشد و در این صورت است که عمل کم نیز کافی است، زیرا پاداش عمل خالص از بنده مخلص، بـدون حساب است؛ و بنـده ای که نیّت درستی داشـته باشـد، در معامله با مولای خود فقط با خلوص صادق راضـی می‌شود؛ و تمام سـعی خود را در این جهت به کار انداخته و این مطلب برای او از هر چیزی مهمتر است، زیرا این مطلب با آرزو به دست نیامـده و تنهـا بـا علاقه به آن، نمی‌رسـند و کسـی که تفاوت این حالت ها را نبینـد در ازدیاد عبادت های ظاهری خیلی تلاش

می کند، در حالی که در باطن و قلب خود مخالف پروردگار و دارای حالت های پست و اخلاق فاسدی از قبیل ترک واجب و انجام حرام بوده و عمل خود را با ریا و کسب شهرت و نفاق و عُجب و نادانی و مخالفت با خدا انجام می‌دهد. همچنین باید سعی او بر لطیف کردن عمل، بیش از ازدیاد عمل بوده و دعا و مناجاتی را انتخاب کند که عبادت های آن مشتمل بر تملّق و خضوع و اعتراف بیشتر به حق منّت خداوند، در مشرّف کردن بندگان به تکلیف باشد. حرکات و حالات او به گونه ای باشد که دل را نرم کرده و باعث تواضع و زهد بیشتری گردد، باید در تمام این ماه و ماه شعبان و رمضان و تمام عمر، اهمیّت زیادی به دعا جهت توفیق اخلاص داده، و توجه به خدای متعال با نام های او مانند «کریم العفو» و «مبدّل السیّئات بالحسنات» و توسّل به او به وسیله محمّد و آل او علیهم السلام را زیاد کند، زیرا روی ما لیاقت توجّه به حضرت قدس خدا را نداشته و برای جبران این نقص باید به اولیای آبرومند او متوسّل شد. آنگاه شب خود را با توسّل به نگهبانان آن، که از معصومین علیهم السلام‌می‌باشند، برای اصلاح حال و اعمال خدایی اش به پایان برساند... از امام صادق علیه السلام روایت شده است : هنگامی که روزه گرفتی، گوش، چشم، مو و پوست تو نیز باید روزه بگیرند، امام علیه السلام غیر از این، اعضای دیگری را نیز شمردند ولی همین که پوست و مو را ذکر فرمودند، کافی است، بدانیم لازم است تمام اعضای بدن روزه بگیرند. خلاصه اینکه روزه خواصّ، تنها روزه شکم و فرج نیست، بلکه... روزه خواصّ، روزه تمام اعضای بدن به اضافه روزه قلب است و معنی روزه اعضای بدن خودداری اعضای بدن از مخالفت خواسته های الهی است؛ و روزه قلب عبارت از نگهداشتن آن از خواسته های پست و خطورات دنیوی و بازداشتن کامل آن از غیر خدا می‌باشد. روزه و همینطور هر عبادتی را عوام، تکلیفی بیش نمی‌دانند و لذا با زحمت آن را انجام می‌دهند؛ ولی خواصّ آن را بزرگداشت و لطفی از جانب خدا دانسته و قرار دادن عبادات و واجب نمودن آن را، منّت بزرگی برای خدا و نعمت بزرگی برای بندگان می‌بینند و به گونه ای که شایسته بزرگداشت آن است، با نشاط، خوشحالی و سُرور از آن استقبال می کنند، نه با حالتی که انسان با تکلیف روبرو می‌شود بلکه بالاتر، از خطابِ تکلیف لذّت برده و شادمان می‌شوند. ملاک های تشخیص روزه خالص از روزه ریایی: ۱) اگر موقعی که روزه مستحبّی گرفته و در حضور جمعی از نیکان روزه دار، قرار دارد، ببیند [که در موقع لزوم] از شکستن روزه خود شرم می کند، بداند که در روزه او شبهه ای وجود دارد که همان نزدیک شدن به دل های مردم است ۲) اگر دوست داشته باشی غیر خدا نیز از روزه تو آگاه شود، کسانی که گمان می کنی اگر اطّلاع پیدا کنند خیر دنیایی برای تو دارند؛ اگر چه این خیر، مدح و ستایش و احترام بیشتر آنان به تو باشد یا اینکه میل به اطّلاع دیگران به اندازه ای نباشد که در رغبت به روزه تاثیر بگذارد ولی در عین حال دوست داری علاوه بر خدا مردم هم از روزه تو آگاه شوند در هر دو صورت، روزه تو بیمار، و بنده پستی خواهی بود. ۳) اگر هنگامی که با روزه داران زیادی روزه می گیرد، به نشاط می آید و هنگامی که به تنهایی روزه می گیرد، کسل می‌شود، معلوم می‌شود، زیادی روزه داران در قصد و عمل او تاثیر دارد. بنابراین به مقدار تاثیر آن در قلب، اخلاص تیره شده و روزه بیمار می گردد. ۴) قصدت از روزه، به دست آوردن ثواب است یا به خاطر اینکه خدا می‌خواهد؟ اگر به خاطر ثواب باشد، بدان که با این عمل می گویی خداوند سزاوار نیست که به خاطر فرمانبرداری اش روزه بگیرم و خداوند به خاطر بزرگی اش شایسته عبادت نیست و اگر رشوه (ثواب) او نبود او را عبادت نمی‌کردم، حقّ خوبی های گذشته او را رعایت نکرده و احترام مقام بزرگ او را نگه نمی‌داشتم. ۵) اگر رنگین بودن افطار و زیادی غذا و لذّت آن، نشاط تو را در روزه افزون کرد، معلوم می‌شود به مقدار زیادی نشاط روزه، از اوّل تا آخر برای غیر خدا بوده است. تا اینجا ملاک های شروع روزه با اخلاص را گفتیم، اکنون چند ملاک نیز برای تشخیص به پایان رساندن روزه همراه با اخلاص می گوییم: ۱-اگر در اثنای روزه به غذای خوشمزه یا همسر زیبا یا سفری که در آن نفعی باشد، برخورد کردی و نشاط روزه، در تو کم و روزه برایت سنگین شده و

انتظار رهایی از روزه را کشیدی، باز هم خالص نیستی؛ زیرا تو نیز از بنده ات خدمتی را که بر خود سنگین بداند، قبول نمی‌کنی بلکه به خاطر آن، او را طرد و ترک می‌کنی. ۲-اگر اتفاقی بیفتد که شکستن روزه ات، نزد خدا بر گرفتن آن برتری داشته باشد، ولی از شکستن روزه در نزد مردم خجالت کشیدی .بدان، که مخلص نیستی زیرا اگر در عمل و قصد خود مخلص برای خواسته خدا بودی ملاحظه هیچ کس را نمی‌کردی. ۳-اگر در اثنای روزه دیدی که روزه، تو را از انجام بعضی از واجبات یا اموری که نزد خدا اهمیّت بیشتری دارد، ناتوان نموده است ولی با این حال روزه خود را نشکستی، وارد دسته ریاکاران در عبادت شده و عبادت تو جزو گناهان کبیره می‌شود. وظیفه تو در اینجا انجام عملی است که نزد خدا مهمتر است و نباید ملاحظه اینکه مردم عذر تو را نمی‌دانند، داشته باشی. زیرا این مطالب، روزه یا اخلاص تو را از بین می برد؛ گرچه در اوّل، روزه تو صحیح و مورد رضایت خداوند بود. در صورت پیش آمدن چنین مطلبی باید فوراً آنچه را که نزد خدا مهم است انجام داده و عدم آگاهی مردم به عذر را نباید ملاحظه کرد و اگر چنین مساله ای اخلاص را از بین برد، باید فوراً از آن توبه نمود. آنچه تو را از خدمت مولا و انجام اعمالی که موجب خشنودی پروردگارت است، باز می‌دارد، مانند دشمن، برای تو و مولایت می‌باشد و چگونه تو دشمن خود و او را، بر او مقدّم می‌کنی در حالی که در حضورش بوده و تو را می‌بیند و هنگامی که غیر خدا را بر او مقدّم داشتی چه کسی احتیاجات تو را در دنیا و آخرت برطرف می‌کند؟». (آیت الله میرزا جواد ملکی تبریزی، المراقبات، ترجمه ابراهیم محدث بندرویگی) امیرالمومنین علیه السلام : «بسا روزه داری که بهره ای جز گرسنگی و تشنگی، از روزه داری خود ندارد و بسا شب زنده داری که از شب زنده داری، چیزی جز رنج و بی خوابی به دست نیاورد. خوشا خواب زیرکان و افطارشان». ( نهج البلاغه، حکمت ۱۴۵) حضرت فاطمه علیها السلام: «روزه دار با روزه اش چه می‌کند، زمانی که زبان و گوش و چشم و جوارحش را حفظ نکند». ( بحارالانوار (ط-بیروت) ، ج۹۳، ص ۲۹۵)

خداونـد به پیامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم می‌فرمایـد: «ای رسول! بگو که من خود مأمورم که تنها خدا را بپرسـتم و دینم را برای او خالص گردانم».(۱)

خداوند به ابراهیم علیه السلام می‌فرماید: «بگو تمام نماز و عبادات و زندگی و مرگم برای خداست».(۲)

امام صادق علیه السلام: «مومن دایم در نماز است تا زمانی که در یاد خداست، ایستاده باشد یا نشسته یا خوابیده...».(۳)

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم قصد اعتکاف داشت، وقتی دیدند که خیمه هایی در مسجد برافراشته شده است. پرسیدند: این خیمه هـا متعلق به کیست؟ عرض کردنـد: خیمه هـای همسـران شـما (عـایشه، حفصه و زینب)، رسول الله بـا حـالتی انکـارآمیز فرمود: آیا کار نیک این است (آیا گمان می کنید از این کار، در پی خیر

---

۱- سوره زمر، آیه ۱۱.

۲- «قُل انَّ صَلاتی و نُسُکی وَ مَحیایَ و مَماتی لِلّهِ رَبِّ العالَمینَ» (سوره انعام، آیه ۱۶۲) .

۳- .وسائل الشیعه (ط-آل البیت) ، ج۷، ص ۱۵۰.

بوده اند)؟ آنگاه بی آنکه اعتکاف کند، مراجعه فرمود و در ماه شوال ده روز معتکف شدند.(۱)

به نظر می‌رسد سبب ناراحتی پیامبر این بود که مشاهده نمودند خیمه برافراشتن در اعتکاف که زمینه ای برای عبادت خالصانه است، به ابزاری برای ریا و خودنمایی تبدیل شده است.

امام خمینی رحمه الله می‌فرمایند: «اخلاص در تحصیل توحید و تجرید، از مهمات سلوک است(۲) کسانی که برای خدا کار می‌کنند هیچ وقت باخت در آن نیست آنهایی که برای دنیا کار می‌کنند باخت دارند، که اگر نرسیدند باختند و عمرشان را هم، هدر دادند».(۳) «هر سالک که با قدم انانیّت و خودبینی و در حجّاب انیّت و خودخواهی طی منزل سلوک کند، ریاضتش باطل و سلوکش الی الله نیست بلکه الی النفس است. مادر بت ها، بت نفس شماست».(۴)

ریاکاری و تظاهر یکی از آسیب های جدی اعتکاف است. به طور نمونه معتکف بپندارد که برتری خاصّی نسبت به کسی که معتکف نبوده است، دارد؛ مثلاً ـ تلفن همراه زنگ می‌خورد و با حالت خاصّی بگوید «من معتکفم». (به صفحات ۲۴۴ و ۳۰۱ مراجعه شود.)

### ۳-حضور قلب در اعتکاف

انسان برای رسیدن به محبّت خدا، باید راه عبادتِ حقیقی را در پیش بگیرد که لازمه آن حضور قلب و تمرکز در افکار است.

---

۱- .صحیح بخاری، ج۲، ص۲۵۷ باب اعتکاف زنان.

۲- امام خمینی، شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص۱۰۷.

۳- صحیفه امام، ج۱۰، ص۴۴۲.

۴- .امام خمینی، آداب الصلاه، ص۸.

صرف حضور جسمانی معتکف در مسجد، به معنی اقامت در جوار حضرت دوست نیست بلکه این قلب و دل است که با توجّه و حضور خود، میهمان محفل انس می گردد.

روح و مغز همه عبادات، توجه کامل و یاد خداست، پس سزاوار است شخص معتکف در هر حال، چه عبادت به معنای خاصّ و چه نشست و برخاست و گفتگو و استراحت، همواره این نکته کلیدی را در ذهن و دل خود مرور کند. به محض توجّه قلب به غیر خدا، سرّ اعتکاف، که روح و جوهره آن است، از دست می‌رود و از آن چیزی جز پیکر بی جان نمی‌ماند.

امام صادق علیه السلام : «در تورات آمده، ای فرزند آدم! برای انجام عبادت من فراغتی به وجود بیاور تا من دلت را از بی نیازی سرشار سازم و بدون اینکه تو طلب کنی، حاجتت را برآورده کنم و من خود را ملزم می‌دانم که حوایجت را برطرف نمایم».(۱)

امام صادق علیه السلام : «بهره بنده از نمازش، تنها آن مقداری است که قلبش به خداوند رو کرده و حضور قلب داشته باشد. پس اگر در تمام نماز از یاد خدا غافل باشد، آن نماز پیچیده شده و به روی صاحبش زده می‌شود».(۲)

امام خمینی رحمه الله : «همانطور که برای کسب مال و منال و برای مباحثه و مطالعه وقت موظف قرار می‌دهد، برای این عبادات نیز قرار دهد که در آن وقت فارغ از امور دیگر باشد تا حضور قلب، که مغز و لبّ عبادات است، برای او میسور باشد».(۳)

---

۱- بحارالانوار (ط-بیروت) ، ج۶۷، ص ۲۵۲/کافی (ط-اسلامیه) ، ج۲، ص۸۳.

۲- مستدرک الوسائل، ج۳، ص ۵۷.

۳- امام خمینی، شرح چهل حدیث، ص۴۲۷.

باید از عزلت اعتکاف به ذکر قلب و از ذکر قلب به محبّت قلب و از محبّت قلب به حضور قلب رسید.

البته برخی به اشتباه، مقدّمات حضور قلب چون نفی خواطر را، حضور قلب می‌دانند. همین اشتباه ممکن است در اعتکاف رخ دهد. از روایات به دست

می‌آید که مقدّمات محبّت و حضور قلب، اکتسابی است؛ ولی نتایجی چون محبّت و حضور قلب چنین نیست.(۱) (به صفحات ۲۴۳ و ۳۰۲ مراجعه شود.)

### ۴–نظارت و مراقبت

معتکف باید بداند در جایی قدم می‌گذارد که میزبان آن خداوند است؛ لذا باید همواره خداوند سبحان را ناظر بر اعمال و رفتار خود بداند.

### ۵–رعایت حرمت و احکام مسجد

معتکف باید از احکام، آداب و شرایط حضور در مسجد اطلاع پیدا نموده و آنها را رعایت نماید. (به صفحات ۱۹۶ تا ۲۲۲ مراجعه شود.)

### ۶–تلاش در دستیابی به هدف نهایی اعتکاف (وصول کمال)

هدف اصلی معتکف، عنایت قلبی و توجّه کامل به تمام اعمالی است که زمینه ساز یک عمل عبادی خالصانه باشد؛ به طوری که این عبادت چند روزه بتواند ایشان را چند قدم در مسیر کسب معارف الهیه و کمال انسانی به جلو ببرد.

### ۷–به جا آوردن نماز در وقت فضیلت

امام خمینی رحمه الله : «در هر حال انسان متعبّد باید اوقات عبادتش موظف باشد؛ البته اوقات نماز را که مهمترین عبادات است، باید حفظ کند و آنها را در اوقات فضیلت به جا آورد و در آن اوقات برای خود شغل دیگری قرار ندهد».(۲)

---

۱– سر الاسراء ، جلد ۲، ص ۱۹۵.

۲– امام خمینی، شرح چهل حدیث، ص ۴۲۷.

## ۸-محاسبه نفس

ضروری ترین وظیفه هر انسان، خودسازی و تهذیب نفس است. قرآن در آیه ۹ سوره شمس، رستگاری را از آن پرهیزگاران و کسانی دانسته که نفس خویش را تهذیب و پاک کرده اند.

بهتر است معتکف با قرار دادن وجدان و عقل به عنوان قاضی، کلیه اعمال گذشته اش را بررسی نماید وآنرا با ترازوی انصاف، مورد محاسبه قرار دهد. امام خمینی رحمه الله : «اگر [در دنیا] حساب خود را کشیدی، در موقف حساب، گرفتاری نداری و از آن باکی برای تو نیست».(۱)

آیات آخر سوره حشر، شامل تذکّر و محاسبه نفس است. در وقت فراغت نفس از واردات دنیایی، مثل آخر شب یا بین الطّلوعین، با حضور قلب خوانده و در آنها تفکّر نماید تا نتایج حسنه برده شود.

## ۹-تفکّر و اندیشه

### اشاره

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم : «لحظه ای فکرکردن، از هفتاد سال عبادت برتری دارد».(۲)

امیرالمومنین علیه السلام : «برترین عبادت، تفکّر است».(۳)

امیرالمؤمنین علیه السلام : «قلبت را با فکر کردن بیدار کن.(۴)

---

۱- امام خمینی، شرح چهل حدیث، ص ۳۶۰.

۲- «تفکّر ساعه خیر من عباده سبعین سنه»، مصباح الشریعه، ترجمه مصطفوی، ص۴۲۳.

۳- «أَفْضَلُ الْعِبَادَهِ الْفِکْر »، غررالحکم و دررالکلم، ص۱۸۸.

۴- کافی (ط-اسلامیه) ، ج۲، ص۵۴.

امیرالمومنین علیه السلام: «تفکر، حیات قلب انسان بصیر است».(۱)

امام صادق علیه السلام: « عبادت به زیادی نماز و روزه نیست، عبادت تفکّر پیرامون امر خداوند متعال است».(۲)

امام خمینی رحمه الله : «ای انسان دل سخت! تفکّر کن، ببین مرض قلبی تو چیست که دل تو را از سنگ خارا سخت تر کرده و قرآن خدا را که برای نجات تو از عذاب ها و ظلمت ها آمده، نمی‌پذیرد».(۳)

خلوت بهترین زمینه تفکّر است و اگر خوراک درست جهت تفکّر یافت نشود، نه تنها مفید نیست که گاهی مضرّ هم می‌باشد. اعتکاف از بهترین موقعیتها برای خلوت کردن و تفکّر است. شایسته است معتکف روزانه دقایقی را به خلوت و تنهایی اختصاص بدهد و از گفتگوهای بی حاصل پرهیز نماید.

### ۱-۹-محورهای اصلی تفکّر

۱. تفکّر در آثار خداوند

۲. تفکّر در خود (قوّت ها، ضعف ها، روحیّات، وظایف، اختیارات، رسالتها و...)

۳. تفکّر در دین (قرآن و عترت، عمق و محتوی، برکات و دستورات دین...)

۴. تفکّر در دنیا (پوچی، ظاهر و باطن، موقّتی بودن، امانتی بودن، دو چهره بودن)

۵. تفکّر در جهان آخرت (دایمی بودن،عمق و ظاهر و باطن آن، مراحل، احوال)

۶. تفکّر در طبیعت (زیبایی ها، پیچیدگی ها، توانمندی ها، درس ها و...)

۷. تفکّر در مردم (دسته بندی ها، تنوّع و...)

---

۱- .«التَّفَكُّرُ حَيَاةُ قَلْبِ الْبَصِير»، کافی (ط-اسلامیه) ، ج۱، ص۲۸.

۲- کافی (ط-اسلامیه) ،ج۲، ص۵۵.

۳- .امام خمینی، شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص۱۰۹.

۸. تفکّر در دشمن (درون و بیرون، حیله‌ها، راه های مقابله و...)

۹. تفکّر در زمان (پیچیدگی ها، مقایسه با تاریخ، رسالت ها و...)

### ۲-۹-برخی از موارد تفکّر و نتایج آن

۱.تفکّر در صفات و اسمای الهی۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰توکّل، ایمان و اتکای به خدا

۲.تفکّر در قیامت۰۰۰۰۰۰۰۰تقوی، توجّه به زندگی اخروی، کمرنگ شدن دنیا

۳.تفکّر در حسابرسی اعمال ۰۰۰۰۰دقّت در اعمال (افکار، نیّات، گفتار، کردار)

۴.تفکّر در بهشت و نعمت هایش۰۰انگیزه شدید درانجام عمل صالح و خیرات

۵.تفکّر در پاداش های الهی۰۰ اخلاص، سرعت و سبقت در انجام اعمال صالح

۶.تفکّر در آفریده های الهی۰۰۰افزایش معرفت و تقویت ایمان و اعتقاد به خدا

۷.تفکّر در امدادهای الهی ۰۰۰۰۰۰تقویت روحیه توکّل و استغاثه به درگاه الهی

۸.تفکّر در عفو و بخشش الهی۰۰۰۰تقویت روحیه استغفار، امید به رحمت الهی

۹.تفکّر در وسعت رحمت الهی ۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰تقویت روحیه امید به خداوند

۱۰.تفکّر در عذاب الهی ۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰خوف و خشیّت نسبت به خداوند

۱۱.تفکّر در عظمت الهی ۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰خشیّت و خضوع در برابر خداوند

۱۲.تفکّر در ویژگی های معصومین علیهم السلام ۰۰۰۰اقتدای کامل به ایشان و الگوگیری

۱۳.تفکّر در عصمت معصومین علیهم السلام ۰۰۰۰۰۰۰۰توسّل همه جانبه به معصومین علیهم السلام

۱۴.تفکّر در تاریخ معصومین علیهم السلام ۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰صبر و استقامت در مسیر حقّ

۱۵.تفکّر در نظارت الهی۰۰۰۰۰۰۰حیا نسبت به اعمال خود در محضر خداوند

۱۶.تفکّر در عمق گناهان۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰پرهیز از معاصی

۱۷.تفکّر در باطن عبادات۰۰۰۰۰۰۰۰۰افزایش خلوص و تداوم در انجام عبادات

۱۸.تفکّر در بی وفایی دنیا ۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰زهد و عدم وابستگی نسبت به دنیا

۱۹.تفکّر در حقیقت دنیا ۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰استفاده درست از دنیا برای آخرت بهتر

۲۰.تفکّر در موقّتی بودن دنیا۰۰۰۰۰۰۰۰۰برنامه ریزی دقیق برای ثمرات اخروی

۲۱.تفکّر در آیات قرآن ۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰به کارگیری فرمول های الهی در زندگی

۲۲.تفکّر در جامعیت قرآن و عترت۰۰۰ تداوم اتصال به آنها در مراحل زندگی

۲۳.تفکّر در طولانی بودن سفرآخرت۰۰۰جمع آوری آذوقه متناسب سفر (تقوا)

۲۴.تفکّر در مرگ۰۰۰۰۰۰۰ هوشیاری در ارتباط با دنیا (جدایی از وابستگی ها)

۲۵.تفکّر درتنوع روحیّات انسان ها۰۰برقراری ارتباط درست باروحیات مختلف

۲۶.تفکّر در ظاهر و باطن عالم۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ پرهیز از سطحی نگری

۲۷.تفکّر در مکر و حیله شیطان ۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰اعتصام به حبل الله

۲۸.تفکّر در شیوه‌های مکر شیطان۰۰۰۰مراقبت، احتیاط در کردار، گفتار و نیّات

۲۹.تفکّر در الطاف الهی۰۰۰۰۰۰۰۰شدّت گرفتن وابستگی به خدا (اشدّ حباً لله)

۳۰.تفکّر درعاقبت به خیرها و عاقبت به شرّها۰۰مواظبت،استعاذه واستغاثه دایمی

۳۱.تفکّر در ابتلائات۰۰۰۰۰۰۰تقویت ایمان، صبر در برابر بلاها و استعاذه ازآنها

۳۲.تفکّر در نعمات الهی۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰شکر متناسب با هر نعمت

۳۳.تفکّر در برکات انفاق۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰سرمایه گذاری معنوی

۳۴.تفکّر در فلسفه دستورات الهی۰۰۰۰۰۰تسلیم در برابر اولیا و دستورات الهی

۳۵.تفکّر در فطری بودن دین۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ استحکام در عمل

۳۶.تفکّر در فرصت ها ۰۰۰۰۰۰۰۰استفاده دقیق از فرصتها و غنیمت شمردن آنها

۳۷.تفکّر در کوتاهی عمر۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰برنامه‌ریزی، اولویت بندی

۳۸.تفکّر در برنده‌ها و بازنده‌های عالم۰۰۰۰۰۰حرکت در مسیر برنده‌های عالم

۳۹.تفکّر در برکات سحرخیزی۰۰۰۰۰۰۰۰ سحرخیزی و استفاده از برکات آن

### ۱۰-ترک گناه و توبه از آن

اعتکاف زمانی از ارزش واقعی برخوردار است که مقدمه ای برای ترک گناه باشد. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم

فرمود: «اگر معتکف از گناهـان دوری کنـد، پاداش همه حسـنات نصـیب او خواهـد شـد».(1) اعتکـاف فرصتی اسـتثنایی برای احیای روح و

---

1- کنزالعمال، ج8، ص531، ح24012.

روان است. اعتکـاف از بهترین تمرین هـا برای بازگشت به خویشـتن و از نزدیکترین راه ها جهت بازگشت در مسیر الی الله و صراط مستقیم است.

امام هادی علیه السلام می‌فرمایند: «مؤمن، به توفیق الهی و واعظ درونی و حسّ نصیحت پذیری محتاج است».(۱)

خوب است معتکف، بعـد از نیّت، از گناهـان گذشـته اش توبه کنـد و عهـد نمایـد که در زمـان اعتکاف و بعـد از آن مرتکب معاصی کبیره و حتّی صغیره نشود و عبدی صالح و پرهیزگار باشد. (به صفحه ۲۳۷ مراجعه شود.)

### ۱۱-انجام عاشقانه عبادات مستحبی

اعتکاف از عباداتی است که بیشترین عبادات در آن جمع است.

بنده با خواندن پروردگارش، عنایت او را به سوی خود جلب و خود را در مقام عبودیّت قرار می‌دهد.

از انجام عبادات مسـتحبی به «اندازه نشاط» نباید غفلت کرد. امام صادق علیه السـلام به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «با فضیلت ترین مردم کسی است که عاشق عبادت باشد و با اشتیاق تمام، عبادت را به آغوش بکشد و با جسمش آن را دوست بدارد و برای آن فراغتی به وجود بیاورد».(۲)

### ۱۲-اقامه نماز جماعت و نمازهای مستحبی

#### اشاره

امـام صـادق علیه السـلام : «گاهی از نماز بنـده ای، نصف یا ثلث یا ربع و یا خمس آن بالا می‌رود و آنچه حضور قلب داشـته، قبول می‌شود و به نافله ها به این علّت امر شده تا نقص نمازهای واجب را جبران کند».(۳)

---

۱- تحف العقول، احادیث امام هادی علیه السلام، ص۴۵۷.

۲- کافی (ط-اسلامیه) ، ج۲، ص۸۳/وسائل الشیعه (ط-آل البیت) ، ج۱، ص۸۳.

۳- کافی (ط-اسلامیه) ، ج۳، ص۳۶۳/شیخ صدوق، علل الشرایع، ج۲، ص ۳۲۸.

نماز، مکالمه و معاشقه با خداوند است. نماز روح عبادت و مُهر قبولی تمام اعمال است. نماز، معراج مومن است. ثواب و پاداشی که در روایات برای نمازگزار بیان شده، فقط برای خواندن لفظی نماز نیست بلکه باید همراه با حضور قلب باشد. (به صفحه۲۴۴ مراجعه شود.)

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌فرماید: «هیچ چیز به مانند نماز، بینی شیطان را به خاک نمی‌ساید پس نماز به جا آور و بینی شیطان را به خاک بمال».(۱)

با توجّه به فضایل اقامه نماز جماعت، سعی شود در اعتکاف، نمازها به صورت جماعت برگزار شود.

خوب است در این ایّام، نوافل که به صورت دو رکعتی خوانده می‌شوند، به جا آورده شود:

۱)دو رکعت قبل از نماز صبح

۲)هشت رکعت قبل از اذان ظهر

۳)هشت رکعت قبل از نماز عصر

۴)چهار رکعت پس از نماز مغرب

۵)دو رکعت نشسته پس از نماز عشا

### ۱-۱۲-نماز جعفر طیّار

این نماز مورد تاکید می‌باشد. با فضیلت ترین وقت خواندن این نماز، روز جمعه، هنگام بالا آمدن آفتاب است. می‌توان این نماز را به عنوان نافله خواند که در این صورت، هم نماز جعفر طیّار و هم نماز نافله محسوب می‌شود.(۲)

---

۱- کمال الدین،ج۲، ص ۵۲۰.

۲- امام صادق علیه السلام: «در روز فتح خیبر، خبر آمدن جعفر از حبشه، را به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دادند. حضرت فرمود: به خدا قسم، نمی‌دانم از کدام خوشحال باشم، آمدن جعفر یا فتح خیبر؟ جعفر خدمت ایشان رسید. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پیشانی او را بوسید و فرمود: آیاجایزه و هدیه ای به تو ندهم ؟ مردم گمان کردند که پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم به او طلا و نقره می دهد و منتظر بودند تا ببینند هدیه پیامبر چیست؟ آن حضرت فرمود: چیزی به تو عطا می کنم که اگر آن را هر روز انجام دهی، از دنیا و آنچه در آن است، برای تو بهتر خواهد بود و اگر بتوانی هر روز یک بار بدان عمل کنی، خداوند گناه بین آن دو روز را می‌آمرزد و گرنه در هر جمعه یا هر ماه یا هر سالی به آن عمل کنی، خداوند گناه این مدّت را می‌بخشد. (تهذیب الاحکام، تحقیق خرسان، ج۳، ص۱۸۶/وسائل الشیعه (ط-آل البیت) ، ج۸، ص ۵۰) کیفیّت نماز جعفر طیّار:

این نماز شامل دو نماز دو رکعتی است. در هر رکعت، حمد و سوره می‌خواند و سپس ۱۵ بار می گوید: «سبحان الله و الحمد الله و لا ـ اله الّا الله و الله اکبر» و همین تسبیح را ۱۰ مرتبه در رکوع و سجده و ۱۰ مرتبه بعد از سر برداشتن از رکوع و سجده می گوید. در هر رکعت ۷۵ بار و جمعاً در تمام چهار رکعت، ۳۰۰ مرتبه این تسبیح خوانده می‌شود. بعد از حمد سوره خاصی تعیین نشده ولی افضل آن است که در رکعت اول سوره «زلزلت» و در رکعت دوّم سوره «عادیات» و در رکعت سوم سوره «نصر» و در رکعت چهارم سوره «توحید» خوانده شود. در صورتی که نمازگزار عجله داشته باشد، جایزاست که تسبیحات را بعد از نماز بگوید. همچنین اگرکار ضروری داشته باشد، می‌تواند ابتدا دو رکعت را بخواند و بعد از انجام کار ضروری، دو رکعت دیگر را به جا آورد. اگر از خواندن بعضی از تسبیحات در محل خودش غفلت کند، چنانچه در جای دیگری از نماز آن را به یادآورد، علاوه برتسبیحات آنجا، قضای تسبیحات فراموش شده را نیز بخواند مثلًا اگر تسبیحات رکوع را فراموش کند و بعد از سر برداشتن از رکوع یادش بیاید. بیست مرتبه تسبیح می گوید. (امام خمینی، ترجمه تحریرالوسیله، ج۱، ص۲۳۵)
در کتاب مفاتیح الجنان اعمال مستحب دیگری پس از خواندن نماز، ذکر شده است.

ص: ۲۵۸

## ۱۳–اقامه نماز شب

### اشاره

سوره مزمل، آیه ۲: «[ای پیامبر] شب را، جز کمی، به پاخیز»

سوره سجده، آیه ۱۶: «[تنها کسانی به آیات ما ایمان می‌آورند که] پهلوهایشان از بسترها در دل شب دور می‌شود (و به پا می‌خیزند و رو به درگاه خدا می‌آورند) و پروردگار خود را با بیم و امید می‌خوانند».

فردی به علی علیه السلام عرض کرد یا امیرالمومنین من از خواندن نماز شب محروم شده ام؟ حضرت فرمودند: «گناهانت تو را در برگرفته و دوره کرده اند». [اگر می‌خواهی از این محرومیت بیرون بیایی باید اولاً از گناهان گذشته توبه نمایی و ثانیاً گناه نکنی].(۱)

امام صادق علیه السلام: «هرکس در نماز وِتر که آخرین رکعت نماز شب است هفتاد بار در حال ایستاده بگوید استغفر الله و اتوب الیه و تا یک سال این عمل را ادامه دهد خداوند، او را در درگاه خود از مصادیق مستغفرین بالاسحار به حساب می‌آورد و آمرزش خدای تعالی برایش حتمی خواهد شد».(۲)

امام صادق علیه السلام: «کسی که نماز شب نمی‌خواند از [شیعیان] ما نیست».(۳)

---

۱- .علل الشرایع، ج۲، باب ۸۳، ص۵۱/ وسائل الشیعه (ط-آل البیت) ، ج۸، ص۱۶۱.

۲- ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ترجمه غفاری، ص۳۸۰.

۳- وسائل الشیعه (ط-آل البیت) ،ج ۸، ص۱۶۲، باب ۴۰ کراهه ترک صلاه اللیل، ح۱۰. اهل بیت علیهم السلام با تفکیک میان دو عنوان «شیعه» (پیرو) و «محب» (دوستدار) ، هر کسی را شایسته عنوان شیعه نمی‌دانند و فقط کسانی که دارای شباهت های اخلاقی و رفتاری با آن بزرگواران معرفی می باشند را شایسته برخورداری از عنوان «شیعه» معرفی می کنند. ائمه علیهم السلام در برابر کسی که ادعای شیعه بودن می کند، به این مضمون می فرمایند: ادعای شیعه بودن نکن، ... بلکه چون ادعای مقام و مرتبه ای را کرده ای که شایستگی آن را نداری ، با همین ادعا بر گناهانت می‌افزایی» (تفسیر امام حسن عسگری، ص۳۰۸ و ۳۰۹) . در مورد شخص گرانفروشی که در بازار، آشکارا ادعای شیعه بودن می کرد، گفته شده است: «آیا این شخص ، همانند سلمان ، ابوذر ، مقداد و عمار است؟ هرگز چنین نیست... [پس او نمی تواند خود را «شیعه» بنامد] اما مانعی نیست که بگوید من دوستدار محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم هستم و دوستان آنان را دوست می‌دارم و دشمنانشان را دشمن می‌دارم». (بحار الانوار، ج ۶۵، ص ۱۵۶)

امام صادق علیه السلام: «شرافت مومن، در نماز شب اوست». (۱)

امام صادق علیه السلام: «هیچ کار خوبی نیست مگر آنکه در قرآن برای آن پاداش مشخصی بیان شده است، مگر نماز شب که خداوند پاداش آن را به خاطر عظمت منزلت آن روشن نکرده است». (۲)

امام حسن عسکری علیه السلام: «همانا پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به علی علیه السلام سفارش کردند که ای علی بر تو باد نماز شب وکسی که نماز شب راسبک بشمرد، از ما نیست. پس به سفارش من عمل کن وهمه شیعیانم را سفارش کن تا به آن عمل کنند». (۳)

علما و عرفا نیز شاگردانشان را به اقامه نماز شب، سفارش می کردند.

علّامه طباطبایی رحمه الله می‌فرماید: «چون به نجف اشرف برای تحصیل مشرف شدم، به سبب قرابت وخویشاوندی، گاهی به محضر مرحوم قاضی شرفیاب می‌شدم. یک روز که در مدرسه ای ایستاده بودم، مرحوم قاضی ازآنجا عبور می کردند که چون به من رسیدند، دست خود را روی شانه من گذاردند وگفتند: ای فرزند! دنیا می‌خواهی، نماز شب بخوان؛ آخرت می‌خواهی، نماز شب بخوان».

آیت الله العظمی بهجت رحمه الله می‌فرماید: «آقا سیّد جمال گلپایگانی به آقازاده خود می‌فرمود: اگر نماز شب نخوانی عاقّت می کنم. پسر ایشان خیلی ناراحت

---

۱- ثواب الاعمال، ص۴۱/وسائل الشیعه (ط-آل البیت) ، ج۸، ص۱۴۸.
۲- تفسیر قرآن، آیت الله مکارم، ذیل آیه ۱۶ سوره سجده/مجمع البیان، ج۷، ص۳۳۱.
۳- مستدرک الوسائل، ج۳، باب۲۱، ص۶۴، ح۳۰۳۳.

می‌شود و می گویـد برای ترک مسـتحب، چرا عـاقّم می کنی؟ ایشـان می‌فرمایـد منظورم این است که تـا می‌توانی نمـاز شب را ترک نکنی».

برای ترک مستحب فرزندش را عاقّ می کند در حقیقت با این کار آتیه فرزندش را تامین می کرده است زیرا هر راهی جز آن، چه زمین و ملک و چه گوسفند و دام و...فناپذیر است».(۱)

شهیـد مطهّری می‌فرمایـد: «ما یک سلسله لـذّت های دنیوی داریم که ما را بالا می‌برد. برای کسـی که اهل تهجّد و نماز شـب است و جزء صادقین و صابرین و مستغفرین بالاسـحار باشـد، نماز شب لـذّت و بهجت دارد؛ آن لـذّتی که یک نفر نماز شـب خـوان حقیقی و واقعی از نمـاز شب خـودش می‌برد از آن «اسـتغفرالله ربی و اتـوب الیه» می‌برد؛ از آن «العفـو» گفتن هـا و یـاد کردن و دعا کردن های حـدّاقل چهل مومن می‌برد و آن لـذّتی که از آن «یا ربّ یا ربّ» گفتن ها می‌برد، هیـچ وقت یک آدم عیّاش که در کاباره ها می گردد احساس نمی کند. لذّت آن

نماز شب خوان خیلی عمیق تر، نیرومندتر و نشاط بخش تر است...

اگر انسان بخواهد لذّت های معنوی و الهی را در این دنیا درک کند

چاره ای ندارد جز اینکه از لذّت های مادّی کسر کند».(۲)

## ۱-۱۳-آثار نماز شب

### اشاره

ذکر آثـار عبـادت، عـاملی برای تشویق و ترغیب همگـان به ویژه نسل جوان به انجام دادن آن است؛ لـذا برخی از آثار مادّی و معنوی نماز شب ذکر می‌شود:(۳)

---

۱- رخشاد، محمّد حسین، در محضر حضرت آیت الله العظمی بهجت، کتاب دوم، ص۱۶۹.

۲- شهید مطهری، حق و باطل به ضمیمه احیا تفکّر اسلامی، ص۱۷۱.

۳- وسائل الشیعه (ط-آل البیت) ، ج۸، ص۱۴۵/قمی، شیخ عباس، سفینه البحار، ج۲، کلمه الصلاه/تویسرکانی، لئالی الاخبار، ج۴، ص۶۸/بحارالانوار، ج۸۷ و ۸۴ (بـاب فضـل صـلاه اللیـل) /ارشاد القلوب، ص۳۱۶/امالی صدوق/خصال/دعائم الاسـلام، ج۱/علل الشرایع، ج۲/ثواب الاعمال/امالی شیخ مفید.

### ۱)برخی آثار دنیوی نماز شب

۱- شرافت و بزرگواری ۲- بهجت، مسرّت و رفع غم و اندوه و افسردگی

۳- ادا شدن قرض و دِین ۴-افزایش و برکت روزی ۵- پاکی روزی

۶- ضمانت روزی ۷- طول عمر و وسعت در زندگی ۸- ایمنی جامعه ۹- زیبایی ۱۰- سلامت جسم ۱۱- شادابی چهره ۱۲- نورانیّت چهره ۱۳- خوشبویی

۱۴- آرامش جسم ۱۵- پیشگیری و درمان بیماری ۱۶- گشایش در زندگی

### ۲)برخی آثار معنوی نماز شب

۱- نورانیّت دل ۲- خوش خلقی ۳- قبولی اعمال ۴- پوشاندن گناهان

۵- آمرزش گناهان ۶- کفّاره گناهان ۷- عامل بازدارنده از گناه ۸- رضایت و افتخار خداوند ۹- اسلحه مومن در برابر دشمن ۱۰- در معرض رحمت الهی قرار گرفتن ۱۱- اجابت دعا

### ۳)برخی آثار پس از مرگِ نماز شب

۱- شفاعت کننده نزد ملک الموت ۲- چراغ در قبر ۳- فرش در قبر

۴- جوابگویی به نکیر و منکر ۵- مونس و زایر نمازگزار در قبر

۶-زینت آخرت ۷- سایه بر سر نمازگزار در قیامت ۸- تاج بر سر او ۹- لباس او ۱۰- نور جلوی او ۱۱- مانع بین او و آتش ۱۲- سنگینی میزان اعمال ۱۳- جواز عبور از صراط ۱۴- کلید بهشت ۱۵- سبب داخل شدن به بهشت

### ۲-۱۳-کیفیّت نماز شب

نماز شب آداب فراوانی دارد، ولی یک روش ساده آن چنین است که ۱۱رکعت به ترتیب ذیل خوانده شود:

ابتدا ۴ نماز دو رکعتی که در مجموع ۸ رکعت می‌شود و نامش نافله شب است؛ سپس یک نماز دو رکعتی خوانده می‌شودکه نافله «شفع» نامیده شده است. پس ازآن یک نماز یک رکعتی است که نامش نافله «وتر» است. در نماز وتر ابتدا حمد و سوره و سپس قنوت خوانده می‌شود وآنگاه پس از رکوع وسجود، تشهد و سلام خوانده می‌شود. نماز وِتر اذان و اقامه ندارد و قنوت آن هرچه طولانی تر باشد، بهتر است. در قنوت نماز وِتر بعد از درخواست حاجات، برای ۴۰ مومن دعا و طلب مغفرت می‌شود سپس ۷۰ مرتبه «استغفرالله ربی واتوب الیه»، ۷ مرتبه «هـذا مَقامُ العائِذُ بِکَ مِنَ النّار» سپس ۳۰۰ مرتبه ذکر «اَلعَفْو» را تکرار می‌کند و بعد از آن با گفتن «رَبِّ اغْفِرلی وَ ارْحَمنی و تُبْ عَلَیَّ اِنَّکَ اَنتَ التَّوابُ الرَّحیم»، قنوت نماز وِتر تمام می‌شود. بهتر است این دعاها با حالت گریه و تضرّع گفته شود.

## ۳-۱۳-وقت نماز شب

وقت نماز شب از نیمه شب تا قبل از طلوع فجر صادق است. هرچه به اذان صبح نزدیک تر باشد، فضیلت بیشتری دارد. کسی که می‌ترسد خواب بماند

می‌تواند نماز شب را پیش از نیمه شب بخواند. اگر نماز شب قضا شود، می‌توان آن را در روز به جا آورد. لازم نیست که یازده رکعت را یکجا خواند بلکه می‌توان آن را در دو یا سه نوبت، خواند. همچنین می‌توان تنها به نماز شفع و وِتر اکتفا کرد و می‌توان هنگامی که وقت تنگ است، تنها نماز وتر را خواند.(۱)

## ۴-۱۳-برخی روش های بیدار شدن برای نماز شب

در صورت ناکارآمدی روش های معمول (استفاده از ساعت زنگدار، سفارش به دیگران جهت بیدار کردن)، توجه به موارد ذیل، پیشنهاد می‌شود:

---

۱- امام خمینی، تحریرالوسیله، ج ۱، کتاب الصلوه، ص۱۵۲.

۱- خواندن آیه آخر سوره کهف ۲- کم خوردن شام ۳- زود خوابیدن

۴- خوردن غذای حلال و خمس و زکات داده شده ۵- با وضو خوابیدن

۶- اجتناب از غذای شبهه ناک ۶- اراده آهنین و تصمیم جدّی برای بیدار شدن ۷- قایل شدن اهمیّت فوق العاده برای نماز زیرا آنچه برای انسان مهّم باشد به راحتی آن را از دست نمی‌دهد. ۸- در جای گرم و نرم نخوابیدن ۹- ترک گناه ۱۰- توفیق نماز شب خواستن، از خدا

### ۱۴-انجام تعقیبات بعد از نماز

حتّی المقدور، سعی شود تعقیبات مستحب بعد از نماز به جا آورده شود، اعمالی چون تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام، دعای بعد از نماز، نماز مستحبی و...

### ۱۵-قرائت قرآن کریم

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرمایند: «ای سلمان!...مومن هنگامی که قرآن می‌خواند خدا درهای رحمت را به سویش می گشاید».(۱)

تلاوت قرآن همراه با تدبّر، دارای فضیلت است، نه قرائت بی تدبّر و تعمق. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «وای به حال کسی که آن را بخواند و نیندیشد».(۲)

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «قرآن عهدنامه ای است الهی به سوی خلقش، شایسته است که انسان به عهدنامه خدا نظر کند و روزی لااقل ۵۰ آیه بخواند»(۳)

فقها در اعتکاف، تعلیم و تعلّم و تلاوت قرآن را مهمتر از نماز مستحبی شمرده اند.(۴) برخی معتقدند که بهتر از همه دعا، همراه با حضور قلب است؛ زیرا دعا مغز عبادات است. (به صفحه ۲۷۶ مراجعه شود.)

---

۱- جامع الاخبار، تاج الدین شعیری، ص۳۹.

۲- تفسیر نمونه، ج۳، ص۲۴۹ذیل آیات ۱۹۰-۱۹۴سوره آل عمران.

۳- کافی (ط-اسلامیه) ، ج۲، ص۶۰۹.

۴- الینابیع الفقیهه، ج۲۹، قسمت دوم، ص۱۹۴و ۱۶۹.

معتکف سعی کند سوره های الرّحمن و واقعه را بیشتر بخواند. از کارهای شایسته، اهدای ثواب خواندن قرآن، به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

### ۱۶-دایم الوضو بودن

این عمل باعث می‌شود که تمام اعمال انسان، رنگ معنویّت به خود بگیرد. سفارش شده است که شب، قبل از خواب، با وضو به بستر بروید زیرا اگر با وضو بخوابید گویی تا صبح، مشغول به عبادت هستید. از دیگر حسنات آن، گشایش و فرج در مشکلات روزمره و مصایب زندگی می‌باشد.

### ۱۷-گنجاندن برنامه های آموزشی، مطالعه و جلسات علمی

در ایّام اعتکاف، انجام برنامه های آموزشی از قبیل بیان احکام، کلاس اخلاق و... مناسب است. روزی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم وارد مسجدی شدند، در آنجا چند گروه، در چند جا نشسته بودند، گروه اوّل، مشغول یادگیری مسایل دینی و گروهی دیگر، مشغول عبادت و راز و نیاز. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هر دو گروه را مورد تشویق قرار دادند ولی برای گروه اوّل، مزیت خاصّی نسبت به گروه دوّم قایل شدند و فرمودند: «گروه دوّم، خدای را می‌خوانند ولی گروه اوّل علم می‌آموزند و می‌خواهند دانش خود را به دیگران بیاموزند لذا این گروه افضل و برترند؛ من نیز به خاطر تعلیم، به رسالت برانگیخته شده ام». سپس آن حضرت در جمع گروهی که مشغول دانش اندوزی بودند، نشستند.(۱)

### ۱۸-رعایت حال دیگر معتکفین

---

۱- بحارالانوار (ط-بیروت) ، ج۱، ص۲۰۶.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم درحال اعتکاف متوجّه شدند که برخی با صدای بلند به قرائت قرآن یا نماز پرداخته اند. لذا فرمودند: «بدانید همگی شما با خدای خود راز و نیاز می کنید، پس بعضی از شما بعضی دیگر را آزار ندهید و هنگام قرائت قرآن یا نماز، صدای خود را بلند نکنید».(۱)

حقّ الناس مقدّم بر حق اللَّه است. معتکفین از هرگونه سر و صدا و خواندن دعاهای دسته جمعی که موجب ناراحتی دیگران می‌شود، پرهیز کنند و رعایت حال کسانی که خوابیده اند، را بنمایند. در اعتکاف حقّ با کسی است که خواب است مگر وقت نماز. خواندن دعا به تظاهرات، مبدّل نشود و از شورآفرینی و هیجان های بی مورد، خودداری شود. با وقار و حضور قلب و توجّه به خدا دعا کنید و به سایرین نیز تذکّر دهید. «وَ ذَکِّرْ فَإِنَّ الذِّکْری َ تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِینَ».(۲)

### ۱۹-احسان، همکاری و کمک به عوامل اجرایی

لطف و شفقت به دیگر معتکفان، دل را رقیق و آماده حالات خوش رحمانی اعتکاف می کند.

چه زیباست برای رضای خداوند ما نیز یک بار، به طور ناشناس کفش های دیگر معتکفین را جفت کنیم که این عمل علاوه بر ثواب، محاسن اخلاقی فراوانی را برای خود ما به دنبال دارد.

### ۲۰-صرف افطار و سحری به صورت دسته جمعی

افطاری و سحری خوردن دسته جمعی، باعث ایجاد صفا و صمیمیّت خاصّی شده و همدلی و اخوت را افزایش می‌دهد.

### ۲۱-چگونگی اطّلاع از اخبار جامعه

---

۱- کنزالعمال، ج۲، ص۳۲۴.

۲- سوره ذاریات، آیه ۵۵.

جهت اطلاع از اخبار جامعه، از یک رادیوی کوچک یا روزنامه، به صورت محدود، استفاده شود تا برنامه های عبادی اعتکاف تحت الشعاع قرار نگیرد.

### ۲۲–سادگی در انتخاب نوع غذا

چون اعتکاف، تمرین تقوا و امساک از غذا و آب است و از طرفی، شاید برخی از معتکفین از وضع مادّی خوبی برخوردار نبوده و از غذای ساده استفاده نمایند، پس شایسته است کلیه معتکفین از غذای ساده استفاده نمایند و از پرخوری و صرف وقت زیاد برای تهیّه غذا بپرهیزند چرا که معمولاً پرخوری، دل را می‌میراند.

### ۲۳–انجام نرمش صبحگاهی

انجام چند دقیقه نرمش صبحگاهی برای آمادگی و نشاط بیشتر معتکف برای عبادت مطلوب، مناسب خواهد بود.

### ۲۴–تمرین حضور در مسجد

اعتکاف، زمان مناسبی برای انس با مسجد و حضور مداوم در آن است.

### ۲۵–رعایت پاکی

در اعتکاف باید پاکی روحی و روانی رعایت شود. وقتی خدا به حضرت ابراهیم و اسماعیل دستور می‌دهد که حرمش را پاکیزه کنند تا معتکفین به عبادت بپردازند،[1] پس جایی که پاکیزه شد مکان افراد آلوده (هم از نظر جسمی و هم از نظر روحی و روانی) نیست.

### ۲۶–توصیه های بهداشتی ویژه معتکفین

– در اعتکاف باید طهارت و اصول بهداشتی رعایت شود (النظافه من الایمان).

---

۱– سوره بقره: آیه ۱۲۵.

- لازم است مقدّمات لازم برای بهداشت فردی و جمعی و تمام مایحتاج مورد نیاز و مناسب شأن مسجد و اعتکاف، قبل از اعتکاف آماده شود.

- معتکف باید در تمام مدّت اعتکاف، این اصل مهّم را مد نظر قرار دهد که حال که به خانه خدایِ زیبایی ها و مکان مقدّس می‌رود، نیکوست که خود نیز زیبا و تمیز باشد تا زیبایی خانه خدا را دو چندان کند.

- از بهترین و پاکیزه ترین لباس ها هنگام اعتکاف استفاده شود تا هم به زیبایی مسجد اضافه گردد و هم محیطی جذّاب، شاداب و جوان پسند فراهم آید. طبق روایات، استحباب دارد که انسان در حال نماز نیکوترین لباس خود را بپوشد و با رعایت نظافت و طهارت کامل به نماز و راز و نیاز با خدای بزرگ بپردازد. (به صفحه ۲۱۶ مراجعه شود.)

- هنگام ورود به شبستان مسجد، همواره با پای شسته و جوراب تمیز باشید.

- دقّت شود از بروز هر نوع بوی غیر طبیعی از بدن و یا لباس (خوردن سیر، بوی بد دهان، بوی لوازم بهداشتی، عرق بدن و...) خودداری گردد.

- هنگام بروز علایم ابتلا به امراض واگیردار، جهت جلوگیری از سرایت این بیماری به دیگر معتکفین، نسبت به درمان سریع آن اقدام ضروری به عمل آید.

- برای احترام و حفظ حقوق دیگر نمازگزاران و نیز حفظ شأن و جایگاه رفیع مسجد، از استعمال دخانیات، پرهیز گردد.

- از آوردن کفش به داخل مسجد خودداری گردد و در صورت لزوم از نایلون یا کیسه مخصوص استفاده شود.

- باید معتکفین در خصوص انجام غسل های واجب و مستحب، اهتمام لازم را داشته باشند زیرا باعث پاکیزه شدن آنها از بوی بد خواهد شد.

- حتماً در فواصل مناسب مسواک زده شود چون باعث رفع بوی نامطبوع دهان می‌شود.

- طبق احکام اسلامی، افرادی که جُنُب، حایض و نفاس می‌باشند نمی‌توانند در داخل مسجد توقف داشته باشند.

- از انداختن خلط، آب دهان و... در صحن و حریم مسجد خودداری شود.

- از پخش شدن محتویات دهان در هنگام سرفه و یا عطسه، از طریق گرفتن جلوی دهان با دست یا استفاده از ماسک های ویژه، جلوگیری به عمل آید.

- چه زیباست که معتکفین در پایان اعتکاف، نسبت به نظافت و جاروب نمودن مسجد اقدام نمایند.

## ۲۷-رعایت اصول تغذیه در اعتکاف

- به جای افطار با آب سرد، از چای کمرنگ یا شیر گرم استفاده شود و سپس با مصرف چند عدد خرما یا کشمش، اشتها کنترل شود.

- خرما، نان و پنیر و سبزی یا گردو، حلیم، سوپ و شیر از بهترین مواد غذایی برای افطار محسوب می‌شوند زیرا سیستم گوارش را آماده فعالیت می کنند.

- افطار و شام با حجم اندک و با فاصله مصرف شود.

- همزمان با افطار یا بلافاصله پس از آن، از نوشیدن آب زیاد پرهیز شود زیرا باعث بی حالی، ضعف، سوء هاضمه و درد معده می‌شود. مصرف کافی آب بین افطار و زمان خواب، باعث تامین آب بدن و جلوگیری از یبوست می‌شود.

- مصرف میوه و سبزیجات باعث جلوگیری از یبوست می‌شود.

- همراه شام از سبزیجات استفاده شود تا ضمن رفع عطش، از یبوست جلوگیری شود.

- بعد از شام از مصرف مواد غذایی چرب و تنقلات خودداری شود زیرا موجب سنگینی معده و عدم میل به سحری می‌شود.

- در سحر باید از غذاهایی که به کندی هضم می‌شوند، استفاده کرد مانند حبوبات و غلات (لوبیا، عدس، گندم، جو و...)

- در سحر حتما خرما میل شود زیرا باعث کاهش عطش، گرسنگی، بی حالی و بوی نامطبوع دهان می‌شود.

- در سحر از خوردن چای، قهوه و نوشابه زیاد خودداری شود زیرا باعث افزایش ادرار و دفع آب بدن می‌شوند.

- پرخوری در سحر فشار زیادی را به دستگاه گوارش وارد می‌کند و تاثیر چندانی جهت جلوگیری از احساس گرسنگی در انتهای روز ندارد.

- مواد غذایی نامناسب: شوری ها، چربی ها، نوشابه، شیرینی های صنعتی مانند زولبیا و بامیه، سرخ کردنی ها، آبمیوه های صنعتی، فست فودها، غذاهای معطر

- مواد غذایی مناسب: حلیم، عدسی، آش، سوپ، فرنی، شیربرنج، چای کمرنگ، آب جوش، برنج، گوشت های تازه، نان سبوس دار، پنیر، شیر گرم، عسل، خرما، سبزی

### ۲۸-پرهیز از امور دنیوی

امیرالمومنین علیه السلام فرمود: «[معتکف] در رابطه با مسایل دنیوی و...صحبت

نمی‌کند».(۱)

تمام تلاش معتکف در این ایّام، باید بهره مندی از امور معنوی باشد.

### ۲۹-پرهیز از زیاده روی در شوخی

---

۱- بحارالانوار (ط-بیروت) ، ج۹۴، ص ۱۳۰/مستدرک الوسائل، ج۷، ص۵۶۷.

شوخی و خنده زیاد اگر از حد بگذرد باعث مردن دل و ایجاد رنجش دوستان می‌شود.

لذا از شوخی و مزاح بیهوده و غیرضروری اجتناب گردد.

### ۳۰–عدم انجام کارهای لغو

کار لغو دل را غافل می کند و با انگیزه و هدف اعتکاف ناسازگار است. مانند کلام یا معاشرت های لغو، مشغول شدن با تلفن همراه از طریق بازی، تماس ها و پیامک های نامربوط. (به صفحات ۲۶۸ و ۲۷۰ مراجعه شود.)

### ۳۱–پرهیز از زیاده روی درخواب

### ۳۲–حتی الامکان استفاده نکردن از تلفن همراه

### ۳۳–خاطره نویسی

از سوغات خوب، بیان خاطرات شیرین ایّام اعتکاف است. در خاطره نویسی به نقل وقایع روزانه اکتفا نشود بلکه سعی شود فراتر از ظواهر، آن سوی صحنه ها نیز ترسیم شود تا به خواننده، اندیشه و شناخت دهد. زیبایی قلم، محتوای خوب، موشکافی های دقیق، تحلیل های برخواسته از چشم باز و دل روشن می تواند خاطرات را ماندگار کند.

### ۳۴–مطالعه شرح حال بزرگان معنوی

زیرا علاوه بر الگوگیری، سبب غبطه خوردن بر حال آنان می‌شود که دل را آماده حالات معنوی می کند.

### ۳۵–انس با خوبان و مشورت با علما در این فرصت مناسب

از آنجا که اعتکاف فرصت بسیار مناسبی برای دوست یابی است. اسامی دوستان به همراه آدرس و تلفن آنها یادداشت شود تا بتوان گاهی از احوال آنها جویا شد. (به صفحه ۳۰۹ مراجعه شود.)

### ۳۶-تصمیم گیری برای مسایل کلان زندگی

### ۳۷-شکرگذاری به درگاه خداوند

«...اگر شکرگذاری کنید (نعمت خود را) بر شما خواهم افزود؛ و اگر ناسپاسی کنید، مجازاتم شدید است!» (سوره ابراهیم، آیه ۷).

انسان باید قدر این موقعیت را بداند؛ از اینکه این سعادت را یافت تا سه شبانه روز را به عبادت و بندگی خداوند پرداخته و در جمع معتکفین به سر برد. چه زیباست پس از اعتکاف سجده شکر یا دو رکعت نماز شکر به جا آورد.

امام خمینی رحمه الله می‌فرمایند: «ای بیچاره انسان محجوب، که عمری در

نعمت های بی منتهای حقّ غوطه خوردی و از رحمت های بیکرانش برخوردار گشتی، ولی نعمت خود را نشناخته، کورکورانه از دیگران ستایش کردی و به ناکسان کُرنش نمودی(۱)...بدان که شکر نعمت های ظاهره و باطنه حق تعالی یکی از وظایف لازمه عبودیّت و بندگی است که هرکس به قدر مقدور و میسّر باید قیام به آن نماید، گرچه از عهده شکر حق تعالی، احدی از مخلوقات بر نمی‌آید».(۲)

### ۳۸-شناخت آسیب های وارده به اعتکاف

حتّی اعمال عبادی در صورت عدم معرفت، ممکن است گرفتار

آسیب هایی شوند. آسیب هایی که ممکن است متوجّه اعتکاف شود، در دو بُعد محتوا و قالب می‌باشند. آنچه در بعد محتوایی است، برمی‌گردد به عدم شناخت افراد از ارزش عبادتی که انجام می‌دهند. لذا باید سطح شناخت خود را نسبت به اعتکاف افزایش دهیم.

---

۱- امام خمینی، شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص۱۸۸.

۲- امام خمینی، شرح چهل حدیث، ص۳۴۵.

در ذیل به برخی از آسیب های وارده اشاره می‌شود:

۱) بی توجهی به مواردی است که در این فصل ذکر می‌شود (مراقبتهای قبل، هنگام و بعد از اعتکاف)

۲)ندانستن هدف از معتکف شدن: از آسیب هایی که به صورت جدّی مطرح است، این است که هدف و منظورمان را از اعتکاف ندانیم.

۳)نداشتن نیّت خالصانه: داشتن نیّت خالصانه، اصل مهّم اعتکاف است. ریاکاری و تظاهر، آسیب جدّی اعتکاف است. (به صفحه ۲۴۳ مراجعه شود.)

۴)ظاهرگرایی

۵)زیاده روی در عبادات

۶)فردگرایی و عدم تمایل به عبادات دسته جمعی

۷)کج فهمی و انحرافات مفهومی از عبادت

۸)تجمّعات بی هدف

۹)صحبت های غیر مفید و خندیدن ها

۱۰)تاثیرگیری از عرفان های نوپدید دروغین

۱۱)پرورش مراد و مریدپروری(۱) که با ماهیّت و شکل اعتکاف منافات دارد.

۱۲) خود بزرگ بینی و غرور

۱۳) تکلیف انگاری صِرف

### ۳۹-رعایت آداب اعتکاف مهدوی و معتکفین منتظر

---

۱- اکنون بیش از ۲۰۰۰ نوع عرفان نوپدید که الهام گرفته از عرفان هندی-بودایی است، وجود دارد. باید تابع سخنان بعضی که مروّج عرفان های دروغین هستند و معتقدند اعتکاف فرصت مناسبی جهت تبلیغ است، نشویم. بهترین اذکار و ادعیه، دعاهای ائمه علیهم السلام است و باید خود را تحت تعالیم اهل بیت علیهم السلام بدانیم.

ام داود برای رهایی فرزنـد عزیزش از زنـدان، این اعمال مسـتحبی سـنگین را به جا آورد. آیا فکر می کنید ما به وظیفه خود در قبال عزیزمان یعنی آقا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف، جهت رهایی از زندان غیبت عمل می کنیم؟ لازم نیست اعمال سنگینی مانند ام داود را به جا آوریم، حداقل از امروز خود را ملزم کنیم و تصـمیم جدی بگیریم برای عمل به واجبات و ترک محرمات جهت تعجیل در فرج آقا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف اقدام نماییم.

آیت الله بهجت فرمودند: «او (امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف) در زندان است. خوشی و راحتی ندارد و ما چه قدر از مطلب غافلیم و توجهی نداریم».(۱)

یاد حضـرت ولی عصـر علیه السـلام بودن، توفیق می‌خواهد و این اجازه اگر به کسـی داده شود، یکی از بزرگ ترین نعمت ها نصیبش شده است.

امام رضا علیه السلام : «خدایا! یاد او (امام مهدی) و انتظارش را از خاطر ما نبر».(۲)

اصل اعتکاف این است که انسان وصل به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بشود.

اعتکاف منتظران، اعتکافی است که:

اولاً - با ولایت گره خورده باشد و با مودّت ایشان مرتبط باشد.

ثانیاً - با بحث انتظار گره خورده باشد، یعنی شخص معتکف به این معنا توجه داشته باشد...

مراعـات هـایی که دارد، اینهـا قـدمی است برای اینکه ساخته بشود، روحش آماده بشود و در مسیر انتظار به وظایفش درسـت عمل کند...

---

۱- امیدیان، محمدتقی، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در کلام آیت الله بهجت.

۲- مصباح المتهجد، ج ۱، ص ۴۰۹.

انسان که با این بینش و نگاه معتکف می‌شود، دیدش نسبت به اعتکاف این نیست که عملی است که فقط سه روز در مسجد بیتوته کند و روزه بگیرد و قرآن بخواند و نماز بخواند و دیگر هیچ، بلکه در همه اعمالش آنچه جهت به اعمال و رفتار و عبادات وی می‌دهد انتظار است و اینکه می‌خواهد خود را و جامعه را برای آن جامعه موعود آماده کند، لذا به اعتکافی می‌توان گفت که این اعتکاف رنگ و بوی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دارد، که این اعتکاف در مسیر انتظار و در مسیر آماده شدن فرد معتکف و جامعه برای آمدن حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد.(۱)

اعتکاف فرصتی است برای تمرین یاد امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف. چه زیباست اگر با

برنامه ریزی درست بتوانیم این سه روز را وقف وجود آن نازنین نماییم و ثانیه ثانیه عمرمان را در اعتکاف با یاد عزیزش منور سازیم.

به چند راهکار جهت یاد کردن امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در اعتکاف، اشاره می‌شود:

۱- موقع نیّت، اهدای ثواب اعتکاف و همه کارهای خیر روزانه به حضرت حجّت (عج) و یا به نیّت تعجیل در ظهور معتکف شدن

۲- می‌توان این سه روز را وقف آقا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف کرد و تمام عبادات مستحبی خودمان اعم از تلاوت قرآن و غیره را به نیّت ایشان به جا آوریم.

۳- تفکّر درباره امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف (درباره حقوقی که حضرت بر شیعیان دارد، مهربانی حضرت، چگونگی یاری حضرت، وظایف فردی و اجتماعی ما نسبت به ایشان و...)

۴- تشکیل مجالس یاد و ذکر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف وحلقه های معرفت درباره ایشان (اندیشه موعود در ادیان ابراهیمی، مهدویت در قرآن، مهدویت در منابع روایی شیعه، مهدویت از نگاه اهل سنّت، شناخت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و نسب ایشان، کتابشناسی

---

۱- حجت الاسلام و المسلمین مجتبی کلباسی، مدیر مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم.

مهـدویت، فلسـفه و علـل غیبت، غیبت صـغری و کبری و نیـابت خاص و عام، فرمایشات حضـرت مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، وظایف و فضایل منتظر)

۵- دعا کردن می‌تواند نور یاد حضرت را به قلب ما اهدا کند. شایسته است معتکفین منتظر برای فرج حضرتش زیاد دعا کنند چرا که خودشان فرمودند: برای شتاب در فرج (گشایش حقیقی) بسیار دعا کنید زیرا همانا فرج و گشایش (امور) شما، در آن است.(۱) آیت الله قاضی فرمودند: «از آن چیزها که بسیار لازم و با اهمیت است، دعا برای فرج حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف در قنوت نماز وتر است. بلکه در هر روز و در همه دعاها».(۲)

۶- برنامه شخصی روزانه جهت انس بیشتر با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف:

۱)سلام کردن در ابتدای روز به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و ائمه علیهم السلام منتسب به هر روز

۲)خواندن دعای عهد جهت پیمان بستن با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

۳)خوانـدن دعای سـلامتی (اللّهم کُن لولیّک) و دعا جهت ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف در هر نماز یا پس از هر نماز

۴)فرستادن روزانه ۱۴ صلوات (با عجّل فَرَجَهُم) جهت سلامتی و تعجیل در ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

۵)خوانـدن زیارت عاشورا (حـداقل هفته ای یک بار) و دعاهای منتسب به حضـرت ماننـد نـدبه، آل یاسـین (حداقل دوشـنبه و پنجشنبه)، اَللّهم عَرِّفنی نَفسَک (عصر روز جمعه) و...

۶)صدقه دادن جهت سلامتی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هرچند اندک اما مداوم و روزانه

## ۴۰-گذراندن مرحله دوّم سیر عرفانی (سیر من الحق الی الحق)

### اشاره

---

۱- کمال الدین، ج۲، ص۴۸۵.

۲- مجله مبلغان، بهمن ۱۳۸۱، شماره۳۷.

اعتکاف بایـد برای رضای خـدا انجام شود و نتیجه آن، رسـیدن به لقای الهی باشـد. اگر کسـی برای هدف کمتر و کوچکتری معتکف شود، قطعاً ضـرر کرده است. معتکف بایـد در اعتکاف، به مقام «تبتّل» یعنی از همه چیز بریـدن و به خدا روی آوردن، دست یابـد. معتکف بایـد شدیداً مراقب کردار و گفتار خویش باشد و اجازه ندهد سـخن یا حرکت نسـنجیده ای توفیق سـیر و سلوک به سوی خدا را از وی سلب کند.

بزرگان قایلند که در تربیت، داشـتن استاد، برنامه، عزم و اراده، تمرین و مداومت از اصول اولیّه است امّا یافتن استاد مناسب در این زمانه میسور همگان نیست، نسخه‌ای را برای تربیت در صورت فقدان استاد بیان نموده‌اند که عبارت است از:

اعمال ظاهری: خلوت، صمت، جوع، سحرخیزی

اعمال باطنی: توکّل، صبر، همّت، صدق

صُمت و جوع و سحر و عُزلت و ذکر به دوام

ناتمامان جهان را کند این پنج تمام

مرحله دوم سیر عرفانی اعتکاف، شامل ۶ منزل می‌باشد که به طور مختصر ذکر

می‌شود:

### ۱–۴۰–صُمت و دوری از پرگویی و کلام لغو

قرآن درباره صفات مومنین می‌فرماید: «آنها از لغو و بیهودگی

رویگرداننـد».(۱) گفتگوهـا و دیـدنی هـا و اعمـال بیهوده، قساوت قلب می‌آورد و انسان قسـیّ القلب، از عبادت لـذّت نمی‌برد. پس گاهی انسان گناه نکرده است ولی اعمال لغو، موجب کدورت قلب وی می‌شود.

---

۱- سوره مومنون، آیه ۳.

معتکف بایـد از بحث های بی فایده و صـحبت های دنیوی پرهیز نماید زیرا انسان، برای پرهیز از دنیا و امور دنیوی، در مسـجد معتکـف می‌شـود تـا بتوانـد به دل و روح صـفایی معنـوی ببخشـد. پرگـویی در وقت اعتکـاف، چه رسـد به لغـو گـویی، دل را می‌میراند. (به صفحات ۲۱۶و ۲۷۰ مراجعه شود.)

لـذا معتکفین بایـد تنها در صورت ضـرورت حرف بزننـد و ضـمن پرهیز از صـحبت های بیهوده، حرفی بزننـد که برای خود یا دیگران ثمره داشـته باشـد. معتکفین بایـد به جای حرف زدن با یکدیگر، با خداوند صـحبت کنند. این مراقبت موجب می‌شود پس از اعتکـاف نیز زبـان آنان قفل داشـته باشـد و از صـحبت های بیهوده و گناهان زبان، ماننـد دروغ، غیبت و تهمت اجتناب ورزند.

### ۲-۴۰-جوع

علم پزشکی اثبات کرده است که با کم خوری، از بروز بسیاری از

بیمـاری هـا جلوگیری می‌شود. روزه در اعتکـاف تمرین خوبی برای کم خوری است؛ ولی معتکفین بایـد پس از افطار، مراقب باشـند با خوردن و آشامیـدن افراطی، جبران روزه خود را نکنند. پیامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم می‌فرمایند: «ما قومی هستیم که تا گرسنه نشویم، غذا نمی‌خوریم و قبل از سیر شدن دست از غذا می‌کشیم».(۱)

### ۳-۴۰-سحرخیزی

خداونـد در قرآن می‌فرمایـد: «شب را، جز کمی، بپـاخیز، نیمی از شب را، یا کمی از آن کم کن، یا بر نصف آن بیفزا، و قرآن را با دقّت و تامّل بخوان».(۲)

امام حسن عسگری علیه السلام می‌فرمایند: «رسیدن به خداوند، سفری است که جز با شب زنده داری درک نمی‌شود».(۳)

---

۱- سنن النبی صلی الله علیه و آله و سلم، ص ۲۲۶.

۲- سوره مزّمّل آیات ۲ الی ۴.

۳- بحارالانوار (ط-بیروت) ، ج ۷۵، ص ۳۸۰.

پایبندی معصومین و بزرگان دین به شب زنده داری حاکی از اهمیّت فوق العاده آن است. طبق روایات، خداوند هنگام سحر، درهای آسمان ها را می گشاید و مقرّبان، به درگاه او می آیند و تسبیح و تهلیل و تکبیرش می گویند و نغمات ذکر ایشان، عالم قدس را می گیرد. در این ساعت است که خدا، هر حاجتی که از او خواسته شود، اجابت می کند و وقت نزول برکات بر زمین است. لذا در سحر صالحان، از خواب بر می‌خاستند و به نماز و تلاوت قرآن و استغفار می‌پرداختند و حل مشکلات و قضای حوایج مادّی و معنوی خود را در این ساعت از خدا می‌خواستند. شایسته است معتکف قبل از اذان صبح برخیزد و به عبادت بپردازد و نماز شب بخواند. (به صفحه ۲۵۳ مراجعه شود.)

هرکس قصد سیر و سلوک دارد، با اجرای دستورالعمل قرآنی فوق، در حدّ توان خویش، می‌تواند به مقاماتی دست یابد..

پس از نماز صبح که حتی المقدور به جماعت است، به تلاوت قرآن بپردازد. (به صفحه ۳۱۰ مراجعه شود.) بعد، توسّل روزانه به محضر چهارده معصوم داشته باشد؛ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت زهرا علیها السلام، را با زیارات مختصری که در کتاب مفاتیح الجنان آمده است، زیارت کند و زیارت جامعه کبیره را بخواند.

### ۴-۴۰-عُزلت

اگر تمام درهای دل را بر غیر بستی

از درون، آفتاب مهر را جُستی

عزلت به معنای تدبّر، تامّل و تعمق در افعال و افکار خویش و تعطیلی مجالس بیهوده و بدون نتیجه است. اکنون اکثر مجالس مردم، بیهوده و لغو است به طوری که نه نتیجه دنیوی دارد ونه اخروی.

آن کس که پلاس هر مجلس است، به میخانه مراقبه دوست و خلوت یار، راهی ندارد.

خداوند در قرآن به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: «اعرض عن الجاهلین»(۱) و «اعرض عن المشرکین».(۲)

خداوند در حدیثی قدسی می‌فرماید: «هر محبّی، دوست دارد که با محبوب خویش خلوت کند».(۳)

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در معراج از خداوند می‌پرسد: «پروردگارا چگونه دایم به یاد تو باشم؟ خداوند می‌فرماید: با خلوت از مردم».(۴)

امیرالمومنین علیه السلام:«خلوت گزیدن، آسایش عبادتگران است.(۵) در خلوت گزیدن برای عبادت خدا، گنج هایی گرانبها نهفته است.(۶) برترین عبادت تفکّر است».(۷)

امیرالمومنین علیه السلام: «[سالک] کسی است که جامه های شهوات و

خواهش های نفس را از تن بیرون کرده و از همه منظورها خود را تهی نموده و منظوری نـدارد مگر یکی [که تحصـیل رضای خداست] پس [واجد علم و معرفت الهی شده] از کوری [جهل و نادانی] و از معاشرت با هواپرستان رهایی

---

۱- سوره اعراف، آیه ۱۹۹.

۲- سوره حجر، آیه ۹۴.

۳- وسائل الشیعه (ط-آل البیت) ، ج۷، ص۷۸.

۴- بحارالانوار (ط-بیروت) ، ج۷۴، ص۲۲.

۵- «الانفراد راحه المتعبدین»، غررالحکم، ص۴۱/ مستدرک الوسائل، ج۱۱، ص۳۹۳.

۶- مستدرک الوسائل، ج۱۱، ص۳۹۳.

۷- «افضل العباده ا لفکر». غررالحکم، ص۱۸۸.

یابد و خود از کلیدهای درهای هدایت و رستگاری و قفل های درهای هلاکت شود (راهنمای دیگران شده و از گمراه کنندگان جلوگیری نماید). راه خود را دیده و آن را بپیماید و نشانه [هدایت و رستگاری] خویش را شناخته و آنچه که در آن فرورفته (سختی ها و اندوه ها را) از خود دور کرده و به محکم ترین ریسمان ها (قرآن و عترت) چنگ زند».(۱)

امام کاظم علیه السلام: «صبر بر تنهایی، نشانه توانمندی عقل آدمی است».(۲)

امام غزالی در احیاء علوم الدین می‌نویسد: «عزلت باعث نیکویی عبادت و اندیشه و انس گرفتن به مناجات با خدا می‌شود. عزلت آدمی را از گناهانی که از معاشرت ناشی می‌شود، باز می‌دارد. عزلت آدمی را از فتنه ها و دشمنی ها باز می‌دارد. آدمی را از شرّ مردم نگاه می‌دارد. هم طمع آدمی به مردم را قطع می کند و هم طمع آنها را و آدمی را از مشاهده انسان های نادان، حفظ می کند».

البتّه قطع رفت و آمد با دیگران و کنج عزلت گزیدن نیز دستور اسلام نیست. امیرالمومنین علیه السلام می‌فرمایند: «مومن الفت می گیرد. کسی که نه الفت بگیرد و نه الفت بپذیرد، از خیر به دور است».(۳)

اعتکاف سرمشق خوبی برای مقابله با مجالس باطل و بی نتیجه است معتکف باید مراقب باشد در تمام ایّام، اوقات خود را صرف اموری کند که ثمره دنیوی یا اخروی داشته باشد و باید دلش را به خدا وصل کند و تنها با او مرتبط باشد و اگر هم نشست و برخاستی دارد، ارتباط او در راستای ارتباط با خدا باشد.

### ۵-۴۰-ذکر و تسبیح

#### اشاره

۵-۴۰-ذکر و تسبیح(۴)

---

۱- فیض الاسلام، نهج البلاغه، ج۱، ص۲۱۲.

۲- کافی (ط-اسلامیه) ، ج۱، ص۱۷.

۳- کافی (ط-اسلامیه) ، ج۲، ص۱۰۲.

۴- سبحان الله یعنی طهارت ازهمه عیوب و نقایص را به خدا نسبت می‌دهیم.

از اعمـال مسـتحب، مـداومت بر ذکر و یـاد خداونـد سـبحان است که انسان در قلب خویش، ارتباطی با خالق برقرار می کنـد تا رضـای خـدا را جلب نمایـد. سیر و سـلوک معنـوی، بـدون ذکر، امکـان پـذیر نیست. لـذا تمـام معصـومین و اولیـاء الله ذکری مخصوص به خود داشته اند. از اثرات ذکر و یاد خدا، رسیدن به تقوا و پس از آن، ایجاد ملکه تقوا در انسان می‌باشد.

خداوند می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده اید! خدا را بسیار یاد کنید و صبح و شام او را تسبیح گویید».(۱)

در قرآن فلسفه عباداتی نظیر نماز، جهت برپایی ذکر خدا عنوان شده است. «نماز را برای یاد من، بپادار».(۲)

امام صادق علیه السلام می‌فرماینـد: «هیـچ عملی نیست مگر اینکه برای آن حـدّی گذاشـته شده است، به جز ذکر که برای آن حدّ و انتهایی نیست... و خداوند حدّی برای آن قرار نداده است».(۳)

ذکر خـداذکر خـدا، دارای مراتبی است که هر مرتبه، موانع و حجـاب هـایی دارد. معتکف بایـد تلاـش کنـد تا اسـیر این موانع نشود. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «در

آخرالزمـان، مردمـانی از امّت من در مسـجد، حلقه نشـست دارنـد؛ امّا ذکر و وردشان دنیا و حبّ دنیا می‌باشـد. با چنین کسانی همنشینی نکنید. خدا با اینان

---

۱- سوره احزاب آیات ۴۱ و ۴۲.

۲- سوره طه، آیه ۱۴.

۳- کافی (ط-اسلامیه) ، ج۲، ص۴۹۸.

کاری ندارد». (۱) آری؛ خدا با کسانی کار دارد که آنان با خدا کار داشته باشند؛ چرا که فرمود: «به یاد من باشید، تا به یاد شما باشم». (۲)

در هر مرتبه ای از ذکر، که او را یاد کنید او هم شما را یاد کرده است؛ زیرا «هو معکم أینما کنتم» (۳) منتهی درک آن مراتب را باید پله پله به دست آورد.

اعتکاف باید شیرینی ذکر را در دل بکارد و نتیجه اعتکاف، دوام ذکر باشد. باید به گونه ای از اعتکاف بهره برد که در مسیر هدف آن به حرکت در آییم.

امیرالمومنین علیه السلام می‌فرماید: «هر کس قلب خود را با ذکر دایمی، آباد سازد، کردار او در پنهان و آشکار نیکو و زیبا شود». (۴) لذا معتکف باید برای استمرار ذکر نیز حتماً برنامه داشته باشد.

امام خمینی رحمه الله می‌فرمایند: «آری با ذکر حقیقی، حجّاب های بین عبد و حقّ، خرق شود و موانع حضور مرتفع گردد و قسوت و غفلت قلب برداشته شود و درهای ملکوت اعلی به روی سالک باز شود و ابواب لطف و رحمت حق به روی او گشوده گردد ولی عمده آن است که قلب در آن ذکر، زنده باشد و مرده نباشد. (۵) پس ای عزیز! در راه ذکر و یاد محبوب، تحمّل مشّاق هر چه بکنی، کم کردی. دل را عادت بده به یاد محبوب...برای زنده نمودن دل، ذکر خدا و به خصوص اسم مبارك او «یا حیّ یا قیّوم» با حضور قلب مناسب است...در اذکار شریفه با حضور قلب، ذکر شریف «لا اله الّا الله» که افضل و اجمع اذکار

---

۱- مستدرك الوسائل، ج۱۲، ص۳۱۵.

۲- سوره بقره، آیه ۱۵۲.

۳- مستدرك الوسائل، ج ۱۱، ص ۳۳۰.

۴- تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ص۱۸۹.

۵- امام خمینی، شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص۱۲۴.

است. این عمل را بکند، امید است خداوند از او دستگیری کند».(۱) (به صفحه ۳۱۰ مراجعه شود.)

ذکر دارای سه مرتبه می‌باشد که در ذیل به صورت مختصر، بیان می‌شود:

### ۱)مرتبه اوّل: ذکر لفظی

معنـای ذکر لفظی این است که انسان همواره ذکری بر لب داشـته باشـد. انسان بایـد همواره چه در زمان کار، راننـدگی یا قبل خواب ذکری بر زبان داشته باشد. از منظر سلوکی هر ذکری خاصیّتی دارد مثلاً «لا اله الّا الله» برای کسانی که

فی الجمله راه را پیموده انـد. «لاـ حولَ و لا قوَّه الّا بالله» برای تقویت اراده. «اللّهم صلّ علی محمّـد و آل محمّـد و عجّل فرجهم» برای توسّل. ذکر یونسیّه «لا اِلهَ اِلّا اَنت سُبحانکَ اِنّی کُنتُ مِنَ الظّالِمین» برای جوانان و سالکان مبتدی.

اعتکاف فرصت مناسبی جهت انتخاب یک ذکر و مداومت بر آن، است.

### ۲)مرتبه دوّم: ذکر قلبی

هرچنـد ذکر لفظی اثرات سازنده ای در سـلوک معنوی انسان دارد ولی اکتفا به آن، سالک را به مقصد نمی‌رساند و باید موقع ذکر، دل سالک، زبان او را همراهی کنـد. یعنی هنگامی که جمله لا اله الّا الله را بر زبان جاری می کند، در دل نیز آن را تکرار نماید و او و زبان او همسویی و همراهی داشته باشند.

برخی تصور می کننـد که ذکر قلبی یعنی اینکه قلب سالـک، متوجّه یاد خـدا باشـد و در درون دل، ذکر بگویـد و آن را بر لب جاری نسازد؛ در حالی که ذکر قلبی، یعنی اقرار و اعتراف دل انسان به ذکری که بر لب جاری می‌سازد.

ذکر قلبی یعنی خشوع دل در برابر خداونـد؛ و این خشوع بـا خوانـدن قرآن و مـداومت بر اذکار دیگر و همراهی دل و زبان در ذکر، حاصل می‌شود.

---

۱- امام خمینی، شرح چهل حدیث، ص۲۹۱.

### ۳)مرتبه سوّم: ذکر عملی

معنای ذکر عملی این است که ذکر و یاد خداوند، در عمق جان انسان رسوخ کرده باشد، به گونه ای که عمل انسان، با ذکری که می گوید مطابقت داشته باشد. در حقیقت کسی که ذکر عملی دارد، بنده واقعی خداوند است و کاری انجام نمی‌دهد و سخنی نمی گوید، مگر آنکه مورد رضایت خدا باشد.

این همان ذکری است که معصومین علیهم السلام در رسیدن به آن پافشاری و اصرار دارند؛ یعنی انسان به گونه ای به یاد خدا باشد که اگر زمینه معصیّتی برایش فراهم شد، یاد خدا مانع از انجام آن معصیت شود.

توصیه می‌شود معتکفین ذکر عملی را در وجود خود نهادینه کنند. در این صورت می‌توانند مسیر پرفراز و نشیب حرکت به سوی خدا را به سهولت طی کنند و ذکر عملی را به عنوان یک سوغات اعتکاف، به زندگی خود ببرند.

## ۶-۴۰-دعا

### اشاره

دعا امری فطری است که خداوند به آن امر فرموده است، حتّی دانشمندان غیرمسلمان هم آن را عامل حرکت و از ضروری ترین نیازهای بشر می‌دانند و برخی از دردها را با دعا درمان پذیر می‌شمارند. خواندن دعا باعث تحصیل عبودیّت خالصانه، تهذیب نفس و بهره گیری هرچه بیشتر از این ایّام می‌شود.

خداوند در قرآن به دعا کردن امر فرموده و وعده پاسخ داده است:

«مرا بخوانید تا (دعای) شما را بپذیرم».(۱)

«من نزدیکم؛ دعای دعا کننده را به هنگامی که مرا می‌خواند، پاسخ می گویم»(۲)

«بگو: پروردگارم برای شما ارزشی قایل نیست، اگر دعای شما نباشد».(۳)

---

۱- سوره غافر، آیه ۶۰ .

۲- سوره بقره، آیه ۱۸۶.

۳- سوره فرقان، آیه ۷۷.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «دعا مغز و جوهر عبادت است و با دعا کسی هلاک نمی‌شود».(۱)

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «دعا اسلحه مؤمن، ستون دین و نور آسمان ها و زمین است».(۲)

امیرالمومنین علیه السلام: «محبوبترین اعمال در پیشگاه خدا در روی زمین، دعاست»(۳)

امام صادق علیه السلام: «بالاترین عبادت، دعاست».(۴)

امام صادق علیه السلام: «هر کس از خدا نخواهد، فقیر گردد».(۵)

امام صادق علیه السلام: «بر شما باد دعا؛ زیرا چیزی همانند او، شما را به خدا نزدیک

نمی کند».(۶)

امام صادق علیه السلام: «بر تو باد دعا؛ زیرا دعا شفای هر دردی است».(۷)

امام صادق علیه السلام: «دعا، سپر مؤمن است».(۸)

امام سجّاد علیه السلام:«از بزرگترین نعمت ها، جریان ذکر توست بر زبان هایمان؛ و اجازه توست که تو را بخوانیم».(۹)

---

۱- بحارالانوار (ط-بیروت) ، ج ۹۰، ص ۳۰۲/وسائل الشیعه (ط-آل البیت) ، ج ۷، ص ۲۷.
۲- کافی (ط-اسلامیه) ، ج ۲، ص ۴۶۸.
۳- کافی (ط-اسلامیه) ، ج ۲، ص ۴۶۷.
۴- کافی (ط-اسلامیه) ، ج ۲، ص ۴۶۶.
۵- کافی (ط-اسلامیه) ، ج ۲، ص ۴۶۷.
۶- کافی (ط-اسلامیه) ، ج ۲، ص ۴۶۷.
۷- کافی (ط-اسلامیه) ، ج ۲، ص ۴۷۰.
۸- کافی (ط-اسلامیه) ، ج ۲، ص ۴۶۸.
۹- صحیفه سجادیه، مناجات الذاکرین.

اهـل بیت علیهم السـلام همچنین، آثـاری همچون: گشـایش کارهـا، رسـتگاری، رحمت، چراغ تاریکی ها، برگرداننـده قضای حتمی، دفع بلا، دفع اندوه و غم و غصه، تقرّب به خدا و... برای دعا ذکرکرده اند.(۱)

امام خمینی رحمه الله می‌فرمایند: «این ادعیه، در ماه مبارک رجب و خصوصاً در ماه مبارک شعبان اینها مقدمه و آرایشی است که انسان به حسب قلب خودش می کنـد، برای اینکه مهیّا بشود برود مهمانی خـدا.(۲) این ادعیه، انسـان را از این ظلمت بیرون می‌برد، وقتی که از این ظلمت بیرون رفت، یک انسانی می‌شود که برای خـدا کار می کنـد. کار می کند امّا برای خدا، شمشـیر می‌زنـد برای خدا، مقاتله می کند برای خدا، قیامش برای خداست، نه این است که ادعیه بازمی دارد انسان را از اینهایی که آن آقایان می گویند».(۳)

بهتر است دعا با خشوع و تضرّع و پنهانی خوانده شود:

«خدای خود را به تضرّع و زاری و به صدای آهسته، بخوانید».(۴)

«خدا را در دلت یاد کن، با تضرّع و زاری و پنهانی و بی آنکه صدا بلند کنی».(۵)

پیـامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم: «بهترین دعـا و ذکر، دعـایی است که در خفـا و به طور پنهـانی انجـام شود و بهترین رزق و روزی آن است که به اندازه کفاف باشد».(۶)

امام رضا علیه السلام: «یک دعای مخفی نزد خدا از هفتاد دعای علنی، بافضیلت تر است»(۷)

---

۱- بحارالانوار (ط-بیروت) ، ج ۹۰، ص۲۹۵.

۲- صحیفه نور، جلد۱۳، ص۳۳.

۳- امام خمینی، تفسیر سوره حمد، ص۱۴۷.

۴- سوره اعراف آیه ۵۵.

۵- سوره اعراف آیه ۲۰۵.

۶- تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص۷۲۴.

۷- کافی (ط-اسلامیه) ، ج۲، ص ۴۷۶.

حتماً خطبه متّقین حضرت علی علیه السلام، زیارت عاشورا، صحیفه سجادیه و در ایّام ماه رجب دعای امّ داود و دعای یا من اَرجوهُ قرائت شود. از خواندن دعاهای مهدوی مانند دعای عهد، دعای فرج و سلامتی امام زمان غفلت نشود. استجابت دعا نیاز به وسیله دارد(۱) که همان توسّل به معصومین علیهم السلام است.

## ۱-۶-۴۰-از خدا چه بخواهیم؟

متاسفانه برخی فقط به فکر دعاهای مادّی و دنیوی هستند و لکن معتکفین باید فرصت برای دعاهای بزرگ و سرنوشت ساز را غنیمت شمارند و ابتدا برای فرج آقا امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف دعا شود زیرا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌فرمایند: «برای تعجیل فرج بسیار دعا کنید که همان فرج شماست».(۲) آیت الله بهجت می‌فرمودند: «دعای تعجیل فرج دوای دردهای ما است».(۳)

شایسته است معتکفین جهت سربلندی نظام، سربلندی مسلمانان جهان و نجات آنها از شرّ دشمنان اسلام دعا کنند. توفیق حرکت به سوی خدا و پیشرفت در سیر و سلوک، عافیت، حُسن عاقبت، تقرّب الی الله، رفع صفات رذیله، اجتناب از گناه، به دست آوردن ملکه تقوا، رفع مشکلات دیگران و خود، پرهیز از مکروهات و انجام مستحبات را از خدا بخواهند.

شادی ارواح طیبه امام امت، شهدا و مراجع گذشته، سلامتی مقام معظم رهبری و مراجع عظام تقلید، شفای بیماران و جانبازان و آزادی اسرا و رفع گرفتاری از شیعیان جهان مورد عنایت قرار گیرد. (جهت اطلاع از نظرات مراجع به صفحات ۵۰ تا ۵۳ مراجعه شود.)

---

۱- سوره مائده، آیه ۳۵.

۲- کمال الدین، ترجمه پهلوان، ج۲، ص ۲۴۰.

۳- امیدیان، محمدتقی، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در کلام آیت الله بهجت، ص۴۷.

## مراقبت های بعد از اعتکاف

### ۱-ارزشیابی و جمع بندی

«فَحَاسِبُوا أَنْفُسَكُمْ قَبْلَ أَنْ تُحَاسَبُو».(۱) همیشه انسان بایـد عملکرد خویش را مورد محاسـبه قرار دهد. معتکف پس از اعتکاف بایـد به ارزشـیابی اعمالش در این مـدّت بپردازد تا بفهمـد اعتکاف، چه میزان توانسـته در روحیّات و رفتار او تأثیرگـذار باشد. ببیند که فیض لازم را از این ایّام برده یا صرفاً حضور فیزیکی در مسجد داشته است.

بهتر است معتکف یافته هایش را از اعتکاف بنویسـد تا بعـدا بتوانـد آنها را مرور کنـد یا جهت اسـتفاده به دیگران ارایه نمایـد. «من در اعتکاف یاد گرفتم...».

### ۲-آوردن یادگاری و سوغاتی

کم خوردن، کم خوابیدن، غذای ساده، دایم الوضو بودن، دایم الذکر بودن، نماز اول وقت، نماز شب، نماز مستحبی، دوسـتان جدید، قرارهای تازه بین خود و خدا، تغییر سـبک زندگی بعد از اعتکاف، لذت انس با خدا و دوری از گناه و توبه از بدی ها و... از یادگاری ها و سوغات اعتکاف است. باید اینها را از مسجد به جامعه برد و از خود به دیگران منتقل کرد.

بالاترین سوغات معتکف حکومت خداونـد بر دل اوست. اگر چنین موهبتی نصـیب معتکف نشود، نشان می‌دهد که عبادت او کاملا حقیقی نبوده است و به ظاهر و پوسته عبادت توجّه شده است.

### ۳-شکرگذاری

---

۱- کافی (ط-اسلامیه) ، ج۸، ص۱۴۳.

از صفات مومنین به جا آوردن شکر نعمت های الهی است. مومنین شاکر خداوند هستند و نعمت های خدا را در نظر می‌آورند و از او تشکر می کنند و خدا هم از آنها تشکر می کند. «اِنَّ اللهَ غَفورٌ شکورٌ».(۱) تشکر خدا این است که نعمت را اضافه می کند. «فان شکرتُم لازیدنَّکم».(۲)

شکّی نیست که باید خدا را شکرگزار باشیم که به ما توفیق شرکت در مراسم اعتکاف را عنایت فرمود ولی شکر کردن فقط محدود به ذکر لفظی

نمی‌شود بلکه شکر این است که با توجه به اینکه توبه کرده ایم دیگر خود را به گناه آلوده نکنیم و معنویت به دست آمده را حفظ نماییم.

### ۴-حفظ اُنس خود با مسجد

### ۵-حفظ دوستان

اعتکاف فرصت مناسبی برای یافتن دوستان نیک است و باید ارتباطمان را با آنها حفظ نماییم. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «حواریون مسیح علیه السلام از او پرسیدند که ای روح الله با چه کسی بنشینیم؟ (مراد از نشستن رفاقت و مراوده است) عیسی علیه السلام در جواب فرمود: با کسی که چون او را ببینید، شما را به یاد خدا اندازد و گفتارش به علم شما بیفزاید و کردارش عشق و رغبت شما را به آخرت بیفزاید».(۳) (به صفحه ۳۰۹ مراجعه شود.)

### ۶-گذراندن مرحله سوّم سیر عرفانی (سیر من الحق الی الخلق)

#### ۱-۶-حفظ آثار و دستاوردهای معنوی

##### اشاره

---

۱- سوره شوری، آیه ۲۳.

۲- سوره ابراهیم، آیه ۷.

۳- کافی (ط-اسلامیه) ، ج ۱، ص ۳۹.

پس از اعتکـاف، از مهمترین نکـاتی که بایـد مورد توجّه قرار گیرد، مراقبه و حفـظ معنویّات و دسـتاوردهای اعتکاف و حفظ روحیه ای که فرد در اعتکاف پیـدا کرده است و درجاتی که در اعتکاف به او عطا شـده است، با نظارت در اعمال است و این مطلب، مهمـتر از خود اعتکـاف است. اگرچه متّقی شـدن، سـخت است ولی متّقی مانـدن بسیار سـخت تر است و یـک غفلت می‌تواند انسان را به سقوط بکشاند. گاه یک غیبت، می‌تواند همه اثرات اعتکاف را محو کند.

به طور مثال، شـخص تصـمیم بگیرد نماز اول وقت را در مسجد به جا آورد، روزی چند آیه قرآن بخواند و همیشه خدا را ناظر خود بداند.(۱)

---

۱- نـامه عارف بزرگ میرزا جوادآقا ملکی تبریزی درباره سیره سلوک (با تلخیص واضافات) بسم الله الرحمن الرحیم - چون نفس انسانی تا از عالم مثال خود نگشته، به عالم عقلی نخواهد رسید و تا به عالم عقلی نرسیده، حقیقت معرفت حاصل نبوده و به مطلوب نخواهد رسید. باید انسان یک مقدار زیاده بر معمول، تقلیل غذا و استراحت بکند تا جنبه حیوانیّت کمتر و روحانیّت قـوّت بگیرد و میزان آن چنیـن [اسـت] که: اوّلاً- انسـان روز و شب زیـاده از دو مرتبه غـذا نخـورد، حتّی بین دو وعـده چیزی نخورد. ثانیاً- هر وقت غـذا می‌خورد، بایـد مثلاً یک ساعت بعد ازگرسـنگی بخورد وآنقدر بخورد که تمام سیر نشود. این در میزان غـذا و امّـا کیفیتش غیر از آداب معروف: گوشت زیـاد نخورد به این معنا که در یک شبانه روز دو بار گوشت نخورد و در هر هفته، دو سه دفعه هم شب و هم روز را ترک کنـد. اگر بتوانـد جهت لـذت بردن نخورد و آجیل خور نباشد. اگر بتواند روزه های سه روز هر ماه را ترک نکنـد و امّا تقلیل خواب، می‌فرمودنـد شبانه روز شـش ساعت بخوابـد. البتّه در حفظ زبان و دوری اهل غفلت، اهتمام زیاد نمایـد. اینها در تقلیل «حیوانیّت» کفایت می کند. تقویت روحانیّت: اوّلاً- دائما باید همّت و حزن قلبی به جهت عـدم وصول به مطلوب داشـته باشـد. ثانیاً- تـا می‌توانـد ذکر و فکر را ترک نکنـد که این دو، بـال سیر آسـمان معرفت است. در ذکر، عمـده سفارش اذکـار صـبح و شـام و اهمّ تعقیبـات، صلوات و عمـده تر ذکر وقت خواب که در اخبار مـاثور است. بخصوص پـاک، در حال ذکر به خواب رود و [درباره] شب خیزی می‌فرمودنـد: زمسـتان ها ۳ ساعت، تابستان ها ۵/۱ ساعت. در سـجده، «ذکریونسیّه» (لا اِلهَ اِلّا اَنت سُـبحانکَ اِنّی کُنتُ مِنَ الظّالِمین) و مداومت شـبانه روزی آن ترک نشود، هرچه زیـادتر توان کردن، اثرش زیـادتر، اقل اقل آن ۴۰۰ مرتبه است، خیلی اثرهـا دیـده ام خودم هم تجربه کرده ام. قرآن که خوانـده می‌شود، به قصد هدیه حضـرت ختمی مرتبت صـلی الله علیه و آله و سـلم خوانده شود. امّا فکر برای مبتدی: در مرگ فکر بکن تا آن وقتی که از حالش می‌فهمیدند که از مداومت این مراتب گیج شده، فی الجمله اسـتعدادی پیدا کرده، آن وقت به عالم خیالش ملتفت می کردند یا آنکه خود، ملتفت می‌شد. چند روزی همه روز و شب، فکر در این می کندکه بفهمدکه هر چه خیـال میکنـد و می‌بینـد، خودش است و از خودش خـارج نیست. اگر این را ملکه می‌کرد، خودش را در عالم مثال می‌دید یعنی حقیقـت عـالم مثـالش را می‌فهمیـد و ایـن معنی را ملکـه می‌کرد. آن وقـت بایـد فکر را تغییر داد و همـه صـورت هـا و موهومات را محوکرد و فکر در عـدم کرد و اگر انسان این ملکه را نمایـد، لابّـد تجلّی سلطان معرفت خواهـد شـد یعنی تجلّی حقیقت خود را به نورانیّت و بی صورت و حـدّ، با کمال بها، فائز آیـد و اگر در حال جـذبه ببینـد، بهتر است. بعـد از آنکه راه ترقیّات عوالم عالیه را پیداکرد، هر قدر سِـیر بکند، اثرش را حاضرخواهد یافت. به جهت ترتیب این عوالم که باید انسان از این

عوالم طبیعت، اوّل ترقّی به عالم مثال نماید، بعد به عالم ارواح و انوارحقیقیه. تصریحی به این مراتب در سجده دعای شب نیمه شعبان، شده است که [پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم] می‌فرماید: «سجد لک سوادی و خیالی و بیاضی». [سواد اشاره به عالم مادّی است. خیال هم اشاره به عالم مثال است و بیاض هم اشاره به عالم عقل است]. اصل معرفت آن وقت است که هر سه فانی بشود که حقیقت سجده عبارت است از فنا... (مخاطب نامه، شیخ کمپانی است. وی با اینکه فقیه و حکیمی متبحّر و صاحب ملکات فاضله اخلاقی بود، با تواضعی بسیار، از همدرس خود، دستورالعمل اخلاقی درخواست می‌کند. نامه آیت الله ملکی تبریزی خلاصه سیره سلوکی استادش، آیت الله ملاحسینقلی همدانی است.) (مجله خُلُق، آذر و دی ۸۶، شماره۲)

## ۱-۱-۶-کنترل اعضا و جوارح

۱)حفظ زبان: پرهیز از غیبت، تهمت، تمسخر و دیگر گناهان زبان

۲)حفظ گوش: گوش نکردن به غیبت، تمسخر دیگران و اصوات شبهه ناک

۳)حفظ چشم: عدم نگاه به نامحرم و هر آنچه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نمی پسندد.

### ۲-۱-۶-برنامه اجتماعی

۱)احترام به دیگران: حسن خلق، ابتدای به سلام کردن، صله رحم و...

۲)کمک به دیگران: هر کمکی که گره ای از مشکل مسلمانی باز نماید.

۳)احترام به والدین، اساتید و بزرگان

۴)بخشش دیگران: آشتی با کسانی که کدورت داشته و پاک کردن کینه ها

### ۲-۶-خدمت به خلق

در اثر اعتکاف، ارتباط شخص با خدا محکم تر می‌شود. ارتباط با خدا، به مثابه یک بال برای پرنده است و بال دیگر، خدمت به مخلوقات است. اسلام ارتباط با خالق و مخلوق را به صورت توامان می‌خواهد:

«[پرهیزگاران] کسانی هستند که به غیب ایمان می‌آورند و نماز را برپا می‌دارند؛ و از نعمت هایی که به آنان روزی داده ایم، انفاق می کنند».(۱)

«[مومنان] همان کسانی [هستند] که نماز را برپا می‌دارند؛ و از آنچه به آنها روزی داده ایم، انفاق می کنند».(۲)

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «پروردگارم همان گونه که مرا به انجام واجبات امر کرده، به مدارا کردن با مردم نیز امر فرموده است».(۳)

انبیا مردم را به «قانون مساوات» امر، و خود به آن عمل می کرده اند. قانون مساوات یعنی هرکس باید از آنچه دارد به دیگران انفاق کند. کسی که مال دارد باید به اندازه توان از دیگران دستگیری کند. آن که علم دارد، از ترویج علم

---

۱- سوره بقره، آیه ۳.

۲- سوره انفال، آیه ۳.

۳- کافی (ط-اسلامیه) ، ج۲، ص۱۱۷.

خود دریغ نکند. آن که قلم توانا دارد، قلم خود را در راه سعادت جامعه به کار گیرد. آن که وجاهتی دارد، از آبرو و شخصیّت خود، برای حل مشکلات مردم استفاده کند. آن که قدرتی دارد، از آن در جهت خدمت استفاده کند و آن کس که ظاهراً هیچ ندارد، لااقل برای دیگران دعا کند.

کلّاً خودخوری، خودخواهی و خودمحوری از دیدگاه اسلام مردود است.

معتکف، پس از اعتکاف، باید همّ و غمّ خود را خدمت به خلق قرار دهد و سعی در حل مشکلات مردم داشته باشد، تا اعتکافش مقبول خدا قرار گیرد.

### ۳-۶-تبلیغ عملی و گسترش فرهنگ اعتکاف

کسی که از اعتکاف بازگشته، در واقع از محضر خدا مرخّص شده است. این فرد باید بیش از گذشته مراقب گفتار و کردار خویش باشد؛ زیرا عملکرد او نمودار عملکرد کسی است که مهمان خدا بوده است.

امام صادق علیه السلام: «با غیر زبان خویش، مردم را دعوت کنید، مردم باید ورع و کوشش و نماز و خیر شما را ببینند، اینها خود دعوت کننده است».(۱)

اگر کسی که بعد از اعتکاف رفتار مناسبی نداشته باشد، برای اعتکاف ضدّ تبلیغ خواهد بود.

امام صادق علیه السلام: «ای شیعیان! مایه زینت و آبروی ما باشید، و مایه ننگ و عار ما، نباشید».(۲)

### ۴-۶-دیگرسازی، بعد از خودسازی

اعتکاف فرصتی برای خودسازی است. اگر کسی مراحل سیر عرفانی که ذکر شد، را طی کند در حقیقت خودسازی کرده است. این چنین فردی پس

---

۱- کافی، ج۲، ص۷۸.

۲- وسائل الشیعه، ج۱۲، ص۱۹۴.

از اعتکاف، وظیفه ای را به عهده دارد و آن دیگرسازی است. در واقع دیگر سازی از مصادیق خدمت به خلق و انفاق نعمت الهی است.

## فصل نهم: توصیه هایی به متولّیان اعتکاف

### ۱-آموزه های بهداشتی

۱-۱-لازم است مقدّمات لازم برای بهداشت فردی و جمعی و تمام مایحتاج مورد نیاز و مناسب شرایط مسجد و اعتکاف، قبل از اعتکاف آماده شود.

۱-۲-با توجّه به حضور شبانه روزی معتکفین و رفت و آمد افراد مختلف به داخل مسجد، حداقل روزی یک بار مساجد تمیز شود تا فرش، پرده ها، کف مسجد و حیاط و دستشویی عاری از گرد و غبار و آشغال و سایر آلودگی ها گردد.

۱-۳-فضایی مناسب جهت کفشداری، اختصاص یابد تا از بردن کفش به داخل مسجد جلوگیری شود. در صورت عدم اختصاص مکان فوق، کیسه و

نایلون های مناسب در اختیار نمازگزاران قرار گیرد.

۱-۴-جهت توزیع شربت، چای و آب، از لیوان های یکبار مصرف مناسب استفاده شود، در صورت استفاده از استکان و نعلبکی و لیوان، نسبت به ضد عفونی آنها اقدام شود.

۱-۵-نصب ظرف مایع دستشویی، جای صابون و سطل زباله در مکان های مناسب ضروری است.

۱-۶-خادمانی که در آبدارخانه مساجد خدمت می کنند، باید دارای کارت سلامت بهداشتی باشند و نکات بهداشتی را دقیقاً رعایت نمایند.

۱-۷-از استفاده مشترک از وسایلی مانند حوله، لیوان، البسه، چادر و مقنعه جلوگیری به عمل آید.

۸-۱-در صورت استفاده از وسایل و ظروف اجاره ای یا انباری جهت پذیرایی، قبلاً شستشوی کافی صورت گیرد، تا عاری از آلودگی گردند.

۹-۱-نصب جعبه کمک های اولیه در داخل مسجد با لوازم مورد نیاز، لازم است.

۱۰-۱-در کنار وضوخانه مسجد، جایگاهی جهت شستن پا در نظر گرفته شود تا افراد قبل از ورود به مسجد، بتوانند از آن استفاده نمایند.

۱۱-۱-از تجمع و ورود، افرادی که شغلشان تکدّی گری است، در اطراف یا داخل مسجد جلوگیری شود.

۱۲-۱-با توجّه به میزان استفاده از توالت مسجد، نسبت به ضد عفونی کردن آن اقدامات لازم صورت گیرد.

۱۳-۱-حداقل یکی از متولّیان مسجد و یا معتکفین، قبل از شروع مراسم، آموزش لازم را در خصوص بهداشت، پیشگیری و راه های جلوگیری از بروز حوادث را دیده باشد تا در مواقع ضروری وارد عمل شود.

۱۴-۱-نصب دستگاه آبسردکن و نیز آبگرمکن در مساجد برای رعایت بیشتر بهداشت فردی معتکفین، مناسب به نظر می‌رسد.

۱۵-۱-هماهنگی لازم با شبکه بهداشت به عمل آید تا مأموران بهداشت در ایّام اعتکاف برای سرکشی در مسجد حضور یابند.

## ۲-آموزه های فرهنگی و مدیریتی

۱-۲- در هنگام ثبت نام تحویل برگه تذکرات به معتکفین(۱)

---

۱- نمونه ای از برگه تذکرات: تذکرات ضروری جهت حفظ نظم و آسایش، که زمینه ساز فضای دعا و انقطاع الی الله است، توجه به تذکرات زیر ضروری است: ۱- وسایل شخصی مورد نیاز هر معتکف: پتو، ملحفه، قاشق، چاقو، مسواک، فلاسک چای، لیوان، بشقاب، قاشق، دستمال کاغذی، قرآن، مفاتیح، مهر، تسبیح و ... ۲- اسکان در محل اعتکاف با ارایه کارت پذیرش و از ساعت ۲۰ الی ۲۴ روز دوازدهم ماه رجب صورت می پذیرد. و بعد از ساعت ۲۴ از پذیرش معذوریم (لازم است شام شب اول را به همراه خود بیاورید.) ۳- با توجه به محدودیت مکان و جهت رفاه حال معتکفین از نصب پرده، آوردن افراد همراه، به ویژه کودکان خردسال، وسیله نقلیه، اشیای قیمتی، وسایل صوتی، وسایل طبخ و پذیرفتن میهمان جداً خودداری فرمایید. ۴- در طول مدت اعتکاف، تلفن همراه خود را خاموش و یا در وضعیت سکوت قرار دهید (یا آوردن تلفن همراه ممنوع است، لذا در صورت مشاهده، خادمین محترم موظف به جمع آوری می باشند) . ۵- از خانواده، دوستان و اقوام خود تقاضا کنید برای ملاقات و گفتگو با شما کمترین مراجعه را داشته باشند، مگر بنا بر ضرورت. ۶- رضایت صاحب اجازه (شوهر، والدین یا کارفرما) برای حضور در اعتکاف واجب است. ۷- جهت حفظ فضای معنوی اعتکاف از آوردن بیش از حد

میوه، نوشیدنی یا تنقلات خودداری فرمایید. ۸- در صورتی که رژیم غذایی خاصی دارید، تغذیه مناسب را با خود همراه داشته باشید. ۹- لطفاً تا پایان مراسم اعتکاف از کارت پذیرش خود محافظت نمایید، زیرا ارایه تمامی خدمات از طریق آن خواهد بود. ۱۰- خادم المعتکفین که با کارت ویژه ای مشخص گردیده اند، راهنمای شما در رفع مشکلات احتمالی میباشند، ضمن نهایت همکاری با آنان، شرایط ارایه بهتر خدمات را فراهم آورید. ۱۱- جهت رفاه حال عزیزان معتکف، غذای سحر و افطار تامین گردیده است. همچنین نیازهای ضروری و مصرفی دیگر در حد امکان، فراهم خواهد بود. ۱۲- صرفه جویی در مصرف آب، مواد خوراکی، مواد بهداشتی، سایر امکانات و رعایت حقوق معتکفان دیگر مورد انتظار است. ۱۳- رعایت بهداشت و نظافت مسجد واجب است. لذا خود و دیگران را مقید به آن بدانید. ۱۴- نظافت شخصی و محیط بیرونی خود را رعایت فرمایید. ۱۵- در نظافت محیط مسجد و دستشویی ها با مجریان اعتکاف، همکاری فرمایید. ۱۶- از خوردن بی رویه غذا، آب و چای در هنگام افطار و سحر اجتناب نمایید. ۱۷- بعد ازخوردن سحری حتما مسواک بزنید تا خدای نکرده بوی دهان، دیگران را آزار ندهد. ۱۸- باقی مانده غذا و زباله را جداگانه در سطل های مخصوص، قرار دهید. ۱۹-به تذکرات، اعلام برنامه ها و ساعات شرعی در تابلوی مخصوص توجه فرمایید. ۲۰- خاطرات خود از لحظات معنوی اعتکاف را، در صندوق مخصوص خاطرات بیندازید. ۲۱- اعتکاف نوعی همسایگی است. نظم و سکوت لازمه معنویت و بیشتر بهره بردن از اعتکاف است. ضمن رعایت حقوق دیگر معتکفان امید است با صدای بلند صحبت نکنید، از هرگونه سر و صدای بی مورد و غیر ضروری و مزاحمت برای دیگران به شدت اجتناب کنید. در این زمینه با قرائت آرام قرآن، دعا و ذکر، به حقوق دیگران احترام بگذارید. ۲۲- اشغال فضای اضافه موجب مزاحمت و مشکل برای دیگران است، لطفا رعایت کنید. ۲۳- مراقب باشید جمع های دوستانه مانع حالات معنوی شما و مزاحم دیگر معتکفین نباشد. ۲۴- رعایت شئونات اسلامی و پوشش مناسب در طول مراسم اعتکاف ضروری است. ۲۵- در نگهداری و مراقب اشیای خود کوشا بوده و به هنگام ترک اعتکاف، اشیای همراه را بازبینی نموده و مراقب باشید وسایل شما جا نماند. ۲۶- هرگز قرآن و مفاتیح را روی زمین و در مسیر راه دیگران قرار ندهید. ۲۷- خواهران دقت نمایند بالا بردن صدا و خندیدن، درصورتی که صدای شما را نامحرم بشنود، حرام است و پوشیدن چادر نازک و لباسهای بدن نمای در معرض دید نامحرم، حرام است. ۲۸- در هنگام تشکیل جلسات عمومی، لطفا وسایل شخصی خود را مرتب کنید و در جلسات با شور و اشتیاق شرکت فرمایید. ۲۹- از برنامه های فردی و تفکر و ذکر خدا، غافل نباشید. ۳۰- با شرکت در برنامه های جمعی، به معنویت جمع کمک کنید. ۳۱- ختم قرآن کریم، بر صحبت نمودن ترجیح دارد. ۳۲- در صورت مشاهده افرادی که موارد فوق را رعایت نمی‌کنند، لطفا به آنها مودبانه تذکر دهید. در ادعیه، ظهور و سلامتی حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، شادی ارواح طیبه امام امت، شهدا و مراجع گذشته، سلامتی و طول عمر مقام معظم رهبری و مراجع عظام تقلید، شفای بیماران و جانبازان و آزادی اسرا و رفع گرفتاری از شیعیان جهان مورد عنایت قرار گیرد.

۲-۲-در هنگـام ثبت نـام، تحویـل بروشور، یا در صورت امکان کتاب مناسب، حاوی مطالبی راجع به مراقبت های قبل، حین و بعد از اعتکاف (فصل ۸ و ۶)، احکام کلی اعتکاف (فصل ۴)، اعمال وارده در این ایّام (فصل ۵)

۳-۲- در هنگام ثبت نام اعلام برنامه های فرهنگی اعتکاف، به معتکفین.(۱)

---

۱- نمونه ای از ریز برنـامه هـای فرهنگی: برنامه های فرهنگی اعتکاف ۱- شب اول (شب ۱۳رجب) : اقامه نماز مخصوص سه شب ایـام البیض (نماز ۲رکعتی) و اعمال مسـتحبی که در مفاتیـح آمده است. ۲- قبل از سـحر روز اول: بیان احکام و شـرایط اعتکاف توسط روحانی و اعلام نّیت اعتکاف به صورت عمومی، نماز شب و عبادت سحر ۳- نماز صبح به جماعت، تعقیبات، دعـای عهـد و یکی از مناجاتهـای خمسه عشـر یـا زیـارت های جامعه یا صـباح یا عاشورا ۴- بعـد از نماز صـبح: افتتاحیه ۵- ۵ سـاعت استراحت پس از اقـامه نماز صـبح (همه روزه) ۶- بیـدارباش راس ساعت مقرر ۷- سـخنرانی و مداحی به مناسبت روز ولادت امیرالمومنین علیه السـلام، ختم قرآن یا ختم صـلوات و هـدیه آن به وجود ایشان، قرائت دسـته جمعی دعای نادعلی ۸- پیش از اذان ظهر هر روز: بیـان احکام ۹- بعـد از تعقیبات نماز ظهر و عصـر: استراحت به مدت ۲ ساعت ۱۰- ختم قرآن ۱۱- اقـامه نماز مغرب و عشاء به جماعت ۱۲- خواندن دعای افطار و صـرف افطاری به صورت دسـته جمعی و بعد کمی استراحت ۱۳- شـب دوم (شب ۱۴رجب) : سـخنرانی، اقامه نماز ۴ رکعتی، تفکر و مطـالعه، حلقه خـاطره گویی دفاع مقـدس، حلقه های معرفت ۱۴- قبل از سـحر: نماز شب و عبادت سحر، مناجات امیرالمومنین در مسجد کوفه ۱۵- نماز صبح به جماعت، تعقیبات، دعای عهـد و یکی از مناجاتهای خمسه عشـر یا زیارت های جامعه یا صـباح یا عاشورا ۱۶- شب سوم (شب ۱۵رجب) : مراسم عزاداری برای حضـرت زینب علیها السلام و ذکر مصیبت عاشورا، اقامه نماز ۶ رکعتی، تفکر و مطالعه، حلقه های معرفت ۱۷- قبل سـحر: نماز شب و عبادت سـحر، مناجات خمس عشـر ۱۸- نماز صـبح به جماعت، تعقیبات و دعای عهـد و بعـد استراحت ۱۹- ۲سـاعت مانـده به ظهر، سوره هـای اعمال ام داود در قرآن علامت گـذاری شود تا در حین تلاوت دچار مشـکل نشویـد. ۲۰- پس از نماز ظهر و عصـر بایـد بلافاصـله اعمال ام داود شـروع شود. ۲۱- اقـامه نماز مغرب و عشاء به جماعت و خواسـتن حاجات از خدا. ۲۲- خواندن دعای افطار و صـرف افطاری به صورت دسته جمعی ۲۳- برگزاری دسته جمعی دعای شکر که خدا توفیق شـرکت در اعتکاف را عنایت فرمود. دعا برای اینکه باز هم خداوند در آینده نیز، توفیق حضور در اعتکاف را به ما عنایت فرماید.

۴-۲- حتی الامکان، گذاشتن جلسه توجیهی جهت افراد متقاضی اعتکاف

۵-۲-صدای بلندگوی مسجد طوری تنظیم گردد تا برای معتکفین و نیز

خانه های اطراف مسجد ایجاد مزاحمت و آلودگی صوتی ننماید.

۶-۲-آشنا کردن معتکفین به اصول تغذیه روزه و حتی الامکان تغذیه معتکفین با مواد غذایی مناسب روزه دار. (به صفحه ۲۶۳ مراجعه شود.)

۷-۲-آشنا کردن معتکفین با احکام مهم تر اعتکاف

۸-۲-برنامه ریزی جهت حضور اساتید مجرب در اعتکاف جهت تقویت مبانی دینی به صورت یک سیر مطالعاتی و آشنایی معتکفین با وظایف خود به عنوان یک منتظر و انس دادن ایشان با قرآن، صحیفه سجادیه و...

۹-۲-شناخت آسیب های وارده بر عملکرد متولیان اعتکاف. (به صفحه ۲۹۵ مراجعه شود.)

۱۰-۲-آشنا کردن معتکفین به اعتکاف در سیره انبیا و اسلام و نظر بزرگان پیرامون آن، توصیه های اسلام راجع به مسجد، مناسبت های دینی ایام اعتکاف، فلسفه و آثار اعتکاف

۱۱-۲-تشکیل حلقه های معرفت. البته باید در نظر داشت که این حلقه ها برای دیگر معتکفین ایجاد مزاحمت نکنند و نیز اساتید متناسب با معتکفین دعوت شوند. شایسته است اکنون که در زمان غیبت به سر می‌بریم، از عناوین مهدوی غافل نشویم. (به صفحه۳۲۴ مراجعه شود.)

۱۲-۲-برگزاری مسابقه مختصر و متناسب. به طور مثال از معتکفین خواسته شود درباره یکی از موضوعات ذیل دلنوشته های خود را ارایه نمایند:

اگر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را ببینم...

اگر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بیاید...

او خواهد آمد...

۱۳-۲-برنامه ریزی جهت به جا آوردن اعمال ام داود (غسل مستحبی، نوافل روز ۱۵رجب)

۱۴-۲-توزیع و جمع آوری فرم های نظرسنجی و پیشنهادات و انتقادات و بررسی و تحلیل آن توسط افراد خبره، جهت بهبود مراسم سال های آینده.(۱)

---

۱- نمونه ای از فرمهای نظرسنجی: فرم ارزیابی از معتکفین ذکر نام و نام خانوادگی اختیاری است نام و نام خانوادگی : سن: میزان تحصیلات : جنسیت : محل سکونت : دفعات شرکت در اعتکاف : ۱-هدف از شرکت در مراسم اعتکاف: ارتقای معنوی و عبادتO برآورده شدن حاجاتO پر کردن ایام فراغتO دور شدن از فضای خانهO موارد دیگر................................................ ۲-چگونه از زمان برگزاری مراسم اعتکاف مطلع شدید؟ شخصاً آگاهی داشتیدOاز طریق صداوسیماOاز طریق دوستانOتبلیغات سطح شهرOسایر۳ O-آیا از نحوه ثبت نام رضایت داشتید؟ بلهO خیر۴ O-برخورد ثبت نام کنندگان چگونه بود؟......................................... ۵-نظرتان در مورد مبلغی که جهت ثبت نام اخذ گردید، چه می باشد؟ مناسب استO زیاد استO کم استO حذف شود۶ O-آیا توانستید به موقع در محل اعتکاف حاضر شوید؟ بلهO خیر۷ O-آیا محل اعتکاف از فضای روحانی برخوردار بود؟ اگر نبود به چه دلیل؟ بلهO خیر۸ O-برخورد و رفتار عوامل اجرایی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ اگر مورد خاصی را در نظر دارید، توضیح دهید. بسیج : خوبO متوسطO ضعیفO کارگزاران مسجد : خوبO متوسطO ضعیفO سازمان تبلیغات : خوبO متوسطO ضعیف۹ O-آیا محل اعتکاف از ظرفیت مناسب برخوردار بود؟ بلهO خیر۱۰ O-آیا دستگاه های خنک کننده توانست جهت استفاده بهتر از فضای معنوی اعتکاف رضایت شما را جلب کند ؟ بلهO خیر۱۱ O-کیفیت پذیرایی و غذای ارایه شده در طول اعتکاف اعم از افطاری و سحری چگونه بود؟... ۱۲-آیا از تنوع غذایی بر خوردار بود ؟ بلهO خیر۱۳ O-از نحوه توزیع آن رضایت داشتید؟ بلهO خیر۱۴ O-وضعیت سرویسهای بهداشتی و حمام چگونه بود؟.............. ۱۵-برنامه های اجرا شده فرهنگی را چگونه ارزیابی می کنید؟ ادعیه و مناجات : خوبO متوسطO ضعیفO

سخنرانی : خـــوب O متوســـط O ضـــعیف O مــداحی : خـــوب O متوسـط O ضـعیف O حلقه هـای معرفت : خوب O متوسط O ضـعیف O

۱۶-به نظر شـما چنـد درصـد از شـرکت کننـدگان حقیقتاً جهت اسـتفاده معنوی از اعتکاف حضور یافته اند؟ ٪۱۰۰ O ٪۵۰ O ٪۲۰ O کمـتر O

۱۷-اعتکاف امسال را نسبت به مراسم اعتکاف سنوات قبل چگونه ارزیابی می کنید ؟....

۱۵-۲-جمع آوری برگه های خاطرات و دلنوشته های معتکفین و برداشت آنها از اعتکاف و انتقال آن به مراجع ذیصلاح.

۱۶-۲-تحویل هدایای مناسب فرهنگی به معتکفین مانند: کتاب نگین آفرینش (دوره مقدماتی مهدویت)

## ۳-گسترش فرهنگ اعتکاف

برخی از راهکارها برای گسترش فرهنگ آن عبارتند از:

۱-۳-تبلیغ اعتکاف و برشمردن آثار آن در رسانه های دیداری (مانند رسانه ملی، لوح فشرده، اینترنت)، شنیداری (مانند رادیو، لوح فشرده) و نوشتاری (مانند کتاب، روزنامه، مجلات، بولتن)

۲-۳-استفاده از مجامعی مانند دبیرستان ها، دانشگاه ها و مساجد جهت تبلیغ اعتکاف

۳-۳-تبیین سازندگی اعتکاف و در عین حال سادگی و عدم دشواری آن و بیان احکام اعتکاف: معمولاً عدم آگاهی نسبت به چیزی سبب می‌شود تا انسان آن را سخت و دشوار تلقی کند. گرچه اعتکاف با برخی محدودیت ها همراه است ولی عمل دشواری نیست.

۴-۳-هدایت افرادی جهت کارهای پژوهشی و تحقیقاتی در این زمینه

۵-۳-برگزاری همایش علمی در این زمینه

۶-۳-برگزاری مسابقات مقاله نویسی

۷-۳-بررسی موانع گسترش فرهنگ اعتکاف (جایگزینی فرهنگ ابتذال با

جاذبه های مادّی و جنسی به جای فرهنگ فضیلت ها، سهل انگاری و غفلت و تکلیف گریزی، نقش ضعیف رسانه های عمومی و مطبوعات در این زمینه، عدم رواج فرهنگ نماز، دعا، توسّل و توجّه به قرآن)

۸-۳-پاسخ دادن به شبهات و ابهامات موجود درباره اعتکاف

۹-۳-پیش قدمی بزرگان: شرکت بزرگان و خواص جامعه می‌تواند در توسعه و همه گیرشدن اعتکاف نقش به سزایی داشته باشد. به عنوان نمونه در جشن عاطفه ها و... کمک شخصیت های کشور اعلام می‌شود و مردم هم از آنها تبعیت می کنند.

۱۰-۳-بیان همزمان ابعاد فردی و اجتماعی اعتکاف: زیرا با تاکید بر اثر تک بعدی مقوله های دینی همچون اعتکاف، اثر مثبت زیادی در ترویج اعتکاف نمی گذارد.

۱۱-۳-تبیین تاریخ اعتکاف و همراهان این راه: قرآن آنجا که می‌خواهد روزه ماه رمضان را بر مردم واجب کند در آیه ۱۸۳ سوره بقره می‌فرماید: «روزه بر شما مقرر شده، همان گونه که بر کسانی که قبل از شما بودند، مقرر شد» این نشان می‌دهد که اگر انسان بداند در این راه تنها نیست، راحت تر می‌پذیرد.

۱۲-۳-تبیین ثواب و آثار اعتکاف: اگر بپذیریم که اعتکاف دشواری هایی دارد، باید تبیین شود که تحمّل این اندک سختی و ریاضت، نتایج گرانبهایی به ارمغان می‌آورد. (به فصل ۳ و فصل ۱۰ مراجعه شود)

## ۴- شناخت برخی آسیب های وارده بر عملکرد متولیان اعتکاف

### ۱-۴- تبدیل اعتکاف به مراسمی مشابه سمینار

تحریفی که در معنای اعتکاف که فلسفه آن دوری از گفتگوهای اجتماعی، سیاسی و... است، در حال رواج است تبدیل کردن آن به مراسمی چون

کنگره ها و همایش ها است. بعضی مسوولین گمان می‌برند باید تمام اوقات معتکفین را با برنامه های مختلف مانند سخنرانی های فشرده، دعاهای طولانی، شبی با قرآن، تواشیح، ختم صلوات، قطعنامه، مدّاحی و...پر کنند که به صورت عمومی از پشت میکروفن پخش می‌شود. انجام این برنامه ها به صورت محدود ممکن است ثمربخش باشد و لازم هم نیست که در تمام مراسم به صورت عمومی و با استفاده از بلندگو انجام شود. اگر عده ای دوست دارند دعایی را بخوانند، در گوشه ای از مسجد اجتماع نمایند. (به صفحه ۵۷ مراجعه شود.)

### ۲-۴-عدم حضور بزرگان و مسوولین در اعتکاف

هر چند بزرگان به اعتکاف توصیه می کنند و گاه خود زمینه ساز اعتکاف می‌شوند ولی شخصاً در اعتکاف حضور نمی‌یابند. گویا اعتکاف فقط مربوط به شاگردان و زیردستان است حال آنکه بیش از همه، حضور ایشان در اعتکاف

لازم است. چرا که هم از آثار فردی اعتکاف بهره مند می‌شوند و هم زمینه ساز و مشوق بیشتر دیگران برای حضور در این محفل نورانی می‌شوند. در طول تاریخ نیز، انبیا و اولیا در حضور در اعتکاف پیش قدم بودند. اهمیت این عبادت در نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به قدری بالا بوده است که در صورت عدم انجام آن بنا به علل خاص، قضای آن بجا آورده می‌شد.

لذا باید اطلاع رسانی کافی به بزرگان و مسوولین، توسط متولّیان اعتکاف در این باره صورت گیرد.

## ۵-آمار معتکفین

خوشبختانه علی رغم تبلیغات سوء غرب، شاهد گسترش معتکفین به خصوص در بین جوانان هستیم. با بررسی آمار و تحلیل آن از جنبه های مختلف مانند سن، تحصیلات، پراکندگی جغرافیایی، دفعات شرکت، شغل و... می‌توان به گسترش اعتکاف کمک نمود. لذا متولیان اعتکاف باید نسبت به گرفتن آمار دقیق و بررسی تحلیلی آن، با کمک متخصصین مربوطه، اقدامات لازم را به عمل آورند.

در ذیل به آمار معتکفین، در سال های اخیر اشاره می‌شود:

آمار معتکفین در ایران در ایام ماه رجب(۱)

---

۱- منبع: ستاد مرکزی اعتکاف قم. http://etekafqom.com خبرنامه دانشجویان ایران http://iusnews.ir سازمان تبلیغات http://www.tebyan-ardebil.ir

از سال ۱۳۷۴ تا ۱۳۸۷ به ترتیب آمار تقریبی معتکفین عبارتند از:

۵۰۰/۱۶ – ۰۰– ۸۰۰/۲۱ ۵۰۰/۶۰–۹/۴۰ – ۵۰۰/۸۰ – ۳۰۰/۱۰ – ۰۰۰/۱۱۰ – ۰۰۰/۱۱۰ – ۰۰۰/۱۴۵ – –۰۰۰/۲۴۱–۰۰۰/۱۵۸ ۰۰۰/۳۵۰ هزار نفر

مشارکت نوجوانان و جوانان

مشارکت خواهران

تعداد

مساجد

تعداد شهر

تعداد

معتکفین

سال

۴۰۵هزار

۸۶

۴۵۰هزار

۸۷

۷۰٪

۶۷٪

۳۲۴۰

۳۱۲

۵۰۰هزار

۸۸

۶۵٪

۳۷۱۷

۴۰۵

۸۴۰هزار

۸۹

۸۰٪

۶۴٪

۶۰۰۰

۳۰۱

یک ملیون

۹۰

## فصل دهم: فلسفه و آثار اعتکاف

### اشاره

مسلماً هر یک از احکام عبادی دارای فلسفه و آثار و نتایج سودمندی است. قرآن کریم رستگاری را به عنوان هدف ایمان، تزکیه نفس و عبادت ذکر می کند.(۱)

لذا همه عبادات در یک هدف کلّی، مشترک هستند؛ امّا برای هر یک از

آن ها هدف های جداگانه ای نیز وجود دارد و هر عبادتی، بخش معینی از نیازهای روحی را برآورده می کند.

به طور مثال، نماز، زنگار غفلت از خداوند را از آدمی می زداید و باعث آرامش انسان می شود زیرا قرآن می‌فرماید: «اَلا بِذِكرِ اللَّه تَطمَئِنُّ القُلوب».(۲) روزه مانع زیاده روی در خوردن و آشامیدن و طغیان شهوات می‌شود و نیروی عقلانی و قوای روحانی انسان را در مصاف با کشش های مادّی و شهوانی تقویت می کند و انسان را صابر بار می آورد و نیز سبب اخلاص می‌شود.

اکنون پرسش این است که هدف تشریع اعتکاف، چیست؟

چون در اعتکاف، نماز، روزه، حضور در مسجد و الزام شخص به رعایت محرّمات احرام (به صورت واجب یا مستحب) وجود دارد؛ لذا تمام فلسفه و آثار آن ها را نیز در بر می گیرد.

در ذیل به بعضی از آثار اعتکاف اشاره می‌شود:

---

۱- آل عمران: ۱۳۰/شمس: ۹/مومنون: ۱/جمعه: ۱۰/اعلی: ۱۴/یونس: ۵۲.

۲- سوره رعد، آیه ۲۸.

## ۱- برخی از آثار فردی اعتکاف

### اشاره

۱- برخی از آثار فردی اعتکاف(۱)

### ۱-۱- گریز از غفلت و روزمرگی

دغدغه ها و دل مشغولی های گوناگون روزمره، گاه چنان انسان را به خود سرگرم می‌کند که از همه چیز حتّی خودش غافل می‌شود. هر روز راس ساعت معیّنی با شتاب از خانه خارج می‌شود، مسیر مشخصی را می‌پیماید تا در مکانی تکراری، کار از پیش تعیین شده ای را انجام دهد؛ بی آنکه حتّی لحظه ای با خود نجوا کند که من در کجای دنیا ایستاده ام؟ تا چه اندازه پیش رفته ام؟ از سرمایه عمرم چه بهره ای برده ام؟ آیا کاری که به آن پرداخته ام با آنچه از من خواسته شده است، هماهنگی دارد؟ و سرانجام همه این رفت و آمدها برای چیست؟ آیا برای مسیر طولانی و پر فراز و نشیبی که در پیش دارم، زاد و توشه ای ذخیره کرده ام؟

---

۱- .«از قول خودم یعنی تجربه خودم و از قول تمام دوستانی که با ما در سال های طولانی خدمتگزاری، همکار بودند، عرض می‌کنم نه بین خود ما و نه بین معتکفین، کسی نیامده است بگوید من از اعتکاف، ناامید رفتم. این خیلی مهم است یعنی ما مرجع اطّلاعات و اخبار اعتکاف هستیم، هم در قم و هم در شهرهای دیگر، هرکسی به هر منظوری توفیق انجام اعتکاف داشته، براساس اطّلاعات ما دست پر برگشته و این می‌تواند برای همه آن هایی که یا از روی حبّ و عشق عبادت می‌کنند تا حلقه وصل به او رو، بیایند و هم کسانی که گم کرده ای دارند، گره ای دارند، غمی دارند، دردی دارند و احساس ناکامی می‌کنند در اینجا کامیاب می‌شوند. ادّعا نیست، بیایند و ببینند منتهی دیگر گفتنی نیست، تا این جایش را من گفتم، بقیه اش یافتنی است. به تعبیر زیبای «حلوای تنترانی تا نخوری ندانی»، دعوت می‌کنم از همه آنهایی که مشکل دارند، بیایند ببینند و قضاوت کنند، بیایند بهره بگیرند، بعداً قضاوت کنند. حتّی شخصیت های بلند مرتبه و دانشمندان علوم اسلامی در طول تاریخ، برای اعتکاف اهمیّت قایل بوده اند». (گزیده ای ازمصاحبه با مسوول ستاد اعتکاف قم، خادم المعتکفین سیّد علیرضا تکیه ای)

این عادت و روزمره گی، گاه حتّی بر اعمال عبادی حاکم می‌شود و نماز خواندن هم از روی عادت و نه از روی تامّل و تدبّر به جا آورده می‌شود.

برای بسیاری از ما این غفلت و روزمره گی تنها با مرگ پایان می‌یابد و در آن زمان است که انسان فرصت پیدا می کند تا با درنگی کوتاه، برگشتی به عمر از دست رفته خود، داشته باشد و پرسش های یاد شده را با خود زمزمه کند. این درنگ در آن زمان هیچ سودی نخواهد داشت.

اعتکاف فرصتی برای گریز از غفلت و تدبّر درگذشته، حال و آینده است. چه بسا این فرصت سرنوشت انسان را به گونه ای دیگر رقم می‌زند

کسی که سه روز فارغ از دغدغه های زندگی همچون کار، همسر، فرزند، خویشان و... با دوری گزیدن از لذّات دنیوی، تنها برای رضای خدا، گوشه تنهایی بر می گزیند و به عبادت می‌پردازد، با متوقّف کردنِ اختیاریِ روندِ جاریِ زندگی، این فرصت را پیدا می کند که به دور از غفلت ها و

روزمره گی ها به خود و آینده خود بیندیشد و در صورت نیاز در مسیر عادی زندگی خود تجدید نظری کند. اگر مسیری را اشتباه رفته است بازگردد، اگر خطایی مرتکب شده است، درخواست بخشش کند و... اگر کسی این گونه به اعتکاف برود و حقّ اعتکاف را به جا آورد، می‌توان گفت که او همچون کسی است که تازه از مادر زاده شده و زندگی تازه ای را آغاز کرده است.(۱)

### ۲-۱- تمرین عمل گرایی

معتکف آداب اعتکاف را فرا گرفته، تا در زندگی بتواند آنها را پاس دارد.

اعتکاف، تمرینی است برای وصول به عبادتی عمیق و گسترده؛ تمرین پرداختن به خویش، به جای بدگمانی به دیگران؛ تمرین اینکه تمام کارها باید

---

۱- ابراهیم شفیعی سروستانی با تلخیص و تغییر.

رنگ خدایی داشته باشد و بالاخره تمرین تنظیم فکر، با عمل منطبق با معیارهای الهی، است.

### ۳-۱- تمرین انقطاع از غیر

معتکفان تا آنجا پیش می روند که زمزمه «اِلهی هَب لِی کَمالَ الاِنقِطاعَ اِلَیکَ»(۱) را به گوش جان می‌شنوند، همان رستگاری واقعی را. اعتکاف گامی برای رسیدن به این مقصد بزرگ انسانی است.

از امیرالمؤمنین علیه السلام سؤال کردند که شما از کجا به این مقام رسیدی؟ فرمودند: من یک دیواری دور قلب خودم کشیدم. یک دری هم برای آن گذاشتم. خودم کنار در ایستادم و نگذاشتم غیر از خدا وارد قلبم شود.

### ۴-۱-ایجاد آرامش روانی در معتکف

انسان به گونه ای آفریده شده است که در جستجوی معبود و کمال مطلق باشد، تا بتواند به عشق ورزی و عشق بازی با خدا، پرداخته، به آرامش برسد.

اعتکاف که همراه با دعا و نیایش و پرهیز از خواهش های نفسانی است؛

زمینه ای را برای آرامش روحی فراهم می‌آورد.

### ۵-۱-پیشگیری از بدی ها و دوری از آتش جهنّم

وقتی که معتکف، لذّت عبادت را احساس کرد، تمام سعی و همّتش را به کار می‌بندد تا از بدی ها دوری جسته و از آن پیشگیری نماید.

### ۶-۱- زمینه ساز اخلاص و انس با خدا

ادیان الهی با آن که انسان را به حضور در جامعه و شرکت در فعالیّت های اجتماعی فرا می‌خوانند، فرصت هایی را نیز برای خلوت کردن با خدا فراهم

---

۱- خدایا به من کمال بریده شدن به سوی خود را، هدیه کن (فرازی از مناجات شعبانیه) .

می‌سازند. اعتکاف بهترین نمونه خلوت گزیدن و فرصتی ارزشمند برای عبادت و راز و نیاز و انس با خدا است.

آیت الله مجتهدی تهرانی می‌فرمایند: «شب قدر بهترین ایام سال است. ملائکه به اذن خدا به روی زمین می آیند تا مقدّرات ما را معلوم کنند. ملائکه می آیند و دور دل ما می گردند؛ امّا جای خالی نمی بینند که وارد شوند. فرودگاه دل ما برای فرود ملائکه خالی نیست. گوشه ای از آن، جای محبّت زن و بچه است؛ گوشه ای از آن جای محبّت پول، ریاست و علاقه های گوناگون است و به همین دلیل ما فضای خالی در دل نداریم تا ملائکه در آن فرود بیایند».(۱)

حضرت سلیمان علیه السلام گنجشکی را دید که به همسرش می گوید: چرا از من دوری می کنی و حال آنکه اگر بخواهم کاخ سلیمان را به نوکم گرفته و به دریا می افکنم! حضرت سلیمان خندید و او را نزد خود فرا خواند و فرمود: آیا تو را یاری این کار هست که می گویی؟ گنجشک گفت: مرد، گاهی نزد همسرش خود را بزرگ جلوه می دهد. (دوست و عاشق بر آنچه می گوید، سرزنش نمی‌شود). حضرت سلیمان به گنجشک ماده فرمود: چرا شوهرت را از خود می‌رانی؟ گنجشک ماده گفت: ای پیامبر خدا! او دوست من نیست و صرفاً ادّعای دوستی می کند، زیرا غیر من دیگری را نیز دوست دارد. سخن گنجشک ماده حضرت سلیمان علیه السلام را متأثر نمود و سخت گریان گشت و چهل روز از مردم کناره گرفت و از خداوند خواست که دلش را پر از مِهر خدا کند و مِهر دیگران را از دل وی ببرد.(۲) (به صفحات۲۴۳ تا ۲۴۶ مراجعه شود)

---

۱- مجله افق حوزه، بهمن۱۳۸۷، ش۲۱۷.

۲- بحارالانوار (ط-بیروت) ، ج۱۴، ص۹۵.

ای یک دله ی صد دله، دل، یک دله کن

مهر دگران را ز دل خود، یله کن

یک لحظه به اخلاص بیا بر در ما

گر کام تو بر نیامد، آن گه، گله کن

(ابوسعید ابوالخیر)

### ۷-۱-زمینه ساز توجّه قلبی به خدا

هدف از عبادت، رسیدن به حضور قلب است به گونه ای که فرد خود را در محضر خدا ببیند. انسان خلق نشده است که عبادتی بکند و به بهشت برود بلکه برای رسیدن به مقام قرب الهی خلق شده است و کمال او در این است.

امام صادق علیه السلام: «چه بسا فردی پنجاه سال نماز بخواند و یک نماز او مورد قبول خداوند واقع نشود. بدتر از این چیست؟»(۱)

امام صادق علیه السلام: «قلب، حرم خداست پس در حرمش، غیر او را ساکن مکن»(۲)

انسان باید جهت حضور قلب و تمرکز افکار بیشتر در هنگام عبادت، برای اُنس با پروردگار گاهی به گوشه ای خلوت پناه ببرد و دور از همه

وابستگی های دنیایی، مدّتی در حال خود بیندیشد و با سوز دل و اشک چشم، زنگار را از چهره جان خود پاک کند.

هر چه انسان از هیاهوی زندگی روزمره و درگیری های اجتماعی دورتر باشد، تمرکز و حضور قلب، آسانتر حاصل می‌شود.

اعتکاف تمرینی است برای رسیدن به آن حضور قلب.

خداوند در حدیث قدسی می‌فرماید: «آسمان و زمین مرا فرا نگیرد ولی قلب بنده مومن، جایگاه من است».(۳)

---

۱- الکافی (ط-اسلامیه) ، ج۳، ص ۲۶۹.

۲- بحارالانوار (ط-بیروت) ، ج۶۷، ص۲۵.

۳- بحارالانوار (ط-بیروت) ، ج۵۵، ص۳۹.

شخصی نزد آیت الله العظمی اراکی آمد و تقاضای موعظه کرد. آقا از ایشان پرسیدند: شغلت چیست؟ گفت: نجّار. آقا به او فرمودند: یک در هم، برای خودت بساز و بگذار جلوی دلت.(۱)

انسان ها برای منازل خویش درب می‌سازند تا مبادا غریبه ای بدون اجازه وارد شود، ولی راه ورود به قلب و دل خویش را باز گذاشته اند و هر بیگانه ای می‌تواند وارد آن شود!

یکی از گناهان بزرگ این است که انسان غیر خدا را به دل خویش راه دهد. این نوعی غصب است و گناه بزرگی نزد اهل معرفت.

اعتکاف که برای رضایت خدا است، نتیجه اش اسکان محبّت خدا در قلب و نتیجه پایانی آن، فراغ قلب از غیر خدا می‌باشد؛ یعنی انسان دل خویش را از غیر خدا خالی کند و کلید خانه را به صاحب خانه بسپرد و این، یعنی همان ارمغان حضور قلب.

### ۸-۱- زمینه ساز خودشناسی و دستیابی به توانایی و کمال

برای این که انسان بتواند، خودِ واقعی اش را از خودهای ساختگی و کاذب، تشخیص دهد و به توانایی ها، ناتوانی ها و شناخت درستی از خودش پی ببرد لازم است مدّتی را در خلوت به سر ببرد. چون بسیاری از عواملی که باعث ظهور برخی از افعال و عکس العمل های ساختگی می‌شود در تنهایی تأثیر ندارد. از این طریق انسان می‌تواند گام هایی اساسی در جهت اصلاح و تکامل خود بردارد.

---

۱- مجله افق حوزه، بهمن۱۳۸۷، ش۲۱۷.

در تنهایی است که انسان می‌توانـد زنـدگی حقیقی را تجربه کند و توانایی ها و کمالاتی را کسب نماید. به این دلیل است که اولیای الهی وقتی عزم کاری می کنند از عوامل بیرونی تأثیر نمی‌پذیرند زیرا خود به حقیقت

پی برده اند؛ لذا در میان اولیای خدا، کسی را نمی‌توان یافت که مدّتی را در خلوت سپری نکرده باشد.

### ۹-۱-زمینه ساز پاکی و عاقبت نیکو

معتکف در نخستین قـدم با غلبه بر وسوسه های شـیطانی که او را از حضور در اعتکاف باز می‌دارد، زمینه عروج روحانی خود را آماده می کند.

معتکف، برای عروج الی الله، در خانه خـدا و به میزبانی او ساکن می‌شود و در این مـدّت، توجّه او تنها به خـداست و غیر از او کسی را نمی‌بیند و رفتارش را مراقبت می کند. این مراقبت، زمینه ساز پاکی نفس بوده، مسیر صعود عرفانی را فراهم می‌آورد و انسان را، برای پذیرفتن رنگ خدایی آماده می کند.

«مَثَل معتکف، مَثَل شخصی است که خود را در محضر خداوند قرار داده و می گوید تا مرا نیامرزی اینجا را ترک نمی کنم».(۱)

(به صفحه ۲۸مراجعه شود.)

### ۱۰-۱-زمینه ساز توبه و بخشش گناهان

اعتکـاف، زمینه سـاز تـوبه و بـازگشت است؛ بـازگشت به قرآن و معنویت، بـازگشت به دعـا و اسـتمداد از خـدا، بـازگشت از خودمداری به خدامحوری.

اعتکـاف فرصت بسـیار منـاسبی است تا انسان انـدکی با خویش خلوت کنـد و با خلوص نیّت به راز و نیاز با معبود پرداخته، از گناهان خویش درخواست آمرزش کرده، توبه نمایـد. توبه در حال اعتکاف موجب جلب رضا و غفران الهی و ورود در صـف نیکان است؛ زیرا خداوند می‌فرماید: «ای بندگان من که بر خود

---

۱- عطای خراسانی، کتاب بدایع الصنایع، ص۸۲.

اسراف و ستم کرده اید! از رحمت خدا نومید نشوید که خدا همه گناهان را می‌آمرزد، زیرا او بسیار آمرزنده و مهربان است».(۱)

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرمایند: «اعتکاف از روی ایمان و حسابگری، باعث مغفرت معتکف می‌شود».(۲)

### ۱۱-۱- زمینه ساز استقامت در عبادت و تفکّر

کسی که اراده اش ضعیف و قلبش با هر صدایی به سویی مایل است و رویگردان از ذکر، در خلوت برای استقامت در عبادت و تفکّر آماده تر می‌شود.

### ۱۲-۱- فراهم نمودن زمینه برای تامّل و تفکّر در درون

تفکّر، مؤثرترین و مشکل ترین راه برای رسیدن به معرفت است. ذهن انسان به طور معمول در جامعه شلوغ و پر رفت و آمد افکار و وقایع، همیشه با

پرسش هایی روبرو می‌شود که به درنگ کردن و اندیشیدن نیاز دارد تا به پاسخ برسد؛ و تنهایی چند روزه، بهترین فرصت برای رویش نهال تفکّر در انسان است. به همین دلیل عاقلان و عالمان با خلوت و تنهایی مأنوس هستند.

تفکّر نیاز به علم، تمرکز و قوّت نفس دارد و اعتکاف، زمینه تفکّر و اندیشه را فراهم می‌کند و عبادت همراه با تفکّر، دگرگونی انسان را به ارمغان می‌آورد. (به صفحه ۲۴۷ مراجعه شود.)

### ۱۳-۱- رسیدن به آثار خلوت گزینی و پرهیز از اجتماع زدگی

همان گونه که دوری از اجتماع به بهانه عبادت و زهد، در دین اسلام، امری ناپسند است، غرق شدن در فعالیّت های اجتماعی و دنیایی به بهانه اجتماعی بودن دین، و ارزشمند بودن خدمت به خلق، نیز پسندیده نیست.

---

۱- سوره زمر، آیه۵۳.

۲- کنزالعمال، ج۸، ص ۵۳۰، ح۲۴۰۰۷.

بیشتر انسان ها، شخصیتی که بین جمع تحصیل می کنند، ساختگی و غیرحقیقی می‌باشد. حتّی اگر انسان از ایمانی قوی برخوردار باشد، احتیاج دارد که لحظاتی را با خدا خلوت کند؛ چون انسان با زندگی در میان مردم و برخورد با افراد مختلف و شنیدن یا دیدن گناه، سرگردان می‌ماند که ساکت بماند یا امر به معروف و نهی از منکر کند؟ زندگی در اجتماعی که نُقل مجالس نَقل عیوب دیگران است و مخالفت با آنان مشکلات دیگری به بار خواهد آورد و سکوت هم سرانجام انسان را شریک غیبت خواهد کرد، دشوار است و چه بسا اجتماع بر انسان اثر کند. اهل دل بر این باورند که گاه مجالست غافلان، چنان دل را از یاد خدا دور می کند و غبار غفلت بر آن می‌نشاند که مدّت ها طول می کشد تا دوباره به آن پاکی دل دست یابد. در برخی از اجتماعات گناهانی صورت می گیرد که چون باتلاق انسان را در خود فرو برده و توان اوج گیری را سلب می کند؛ زیرا بستر بعضی از گناهان مثل غیبت، ریا و... جمع و اجتماع است.

هر از چند گاه، عزلت از مردم و هیاهوهای زندگی و مظاهر فریبنده دنیوی، رمز سیر تعالی و طی مراحل روحانی است. (به صفحه ۲۷۰ مراجعه شود.)

اگر در سیره انبیا، به ویژه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نظری افکنده شود، خلوت گزینی دیده می‌شود. ایشان در آستانه رسالت، خلوتی در کوه حرا داشتند و این خود مقدمه تابیدن نور نبوّت بر قلب آن حضرت شد. (به صفحه ۲۳ مراجعه شود.)

اینجاست که انسان در می‌یابد که خلوت با خدا جهت پرهیز از اجتماع زدگی و تطهیر درون و نورانیّت قلب چقدر لازم است.

### ۱۴-۱-تقویت اراده

تسلّط انسان بر قوای خود را اراده می گویند. اراده و عزم، اولین شرط سلوک الی الله است. امیرالمومنین علیه السلام می‌فرمایند: «اگر رهبری خود را در اختیار نفست

قرار دهی، آخرت خود را خراب کرده ای و نفست، تو را به بلایی بی انتها و بدبختی بی پایان وارد خواهد نمود».(۱)

اعتکاف که مجموعه ای از محدودیّت هاست و لازمه آن، دست شستن از لذات و آزادی ها می‌باشد، تمرین خوبی برای تقویت اراده می‌باشد.

کسی که نفس خود را مهار کرده و آن را وادار می‌کند که چند روز از محدوده ای خارج نشود و از لذّات جنسی و مادّی صرفنظر نماید، ریاضتی شرعی را متحمّل می‌شود که نتیجه آن تقویت اراده، اجتناب از بسیاری خواهش های نفسانی، ملکه شدن تقوا و پرهیز از محرّمات است.

امیرالمومنین علیه السلام: «هر کس به طور مداوم ریاضت بکشد، نفع می برد».(۲)

### ۱۵-۱-تحوّل درونی معتکف و فرصتی برای خدایی شدن

معتکف با حضور داوطلبانه در مسجد در واقع، خواستار تغییر و تحوّل درونی خویش می‌باشد و خداوند هم او را به سمت نیکی ها هدایت می‌کند.

اعتکاف انسان را پرورش می‌دهد و روحش را تقویت می‌کند. هرکدام از اعمال انسان در اعتکاف، چنان تحوّلی در وجودش ایجاد می‌نماید که گویی خدا را در قلبش می‌بیند.

اعتکاف، فرصت مناسبی برای انس با خدا و درك لذّت بندگی اوست. اعتکاف، از بهترین میدان ها برای به زمین زدن وابستگی ها و زدودن عشق به دنیاست.

آری، اعتکاف انسان ساز است. نفس کشیدن در جمع معتکفان، غبار از آینه دل می‌زداید، تا جایی که جمال یار را در قلب معتکف می‌توان دید.

---

۱- غررالحکم و دررالکلم، ص۲۶۵.

۲- غررالحکم و دررالکلم، ص۶۰۸ .

### ۱۶-۱-رهایی از تعلقات مادّی

بعضـی چنـان غرق در امـور دنیـوی شـده انـد که فراغ خـاطر و آزادی ذهنی را درک نمی‌کننـد. یکی از اثرات مهّم اعتکـاف، گسستن قید و بندهای ذهنی مربوط به امور دنیوی و رسیدن به آرامش روحی و درونی است که سبب می‌شود معتکف با قلبی آرام، برای ادامه این رونـد در طـول سـال، تشویـق شود و این آرامش و چنـگ زدن به ریسـمان محکم الهی، زمینه ای را برای جدا شدن انسان از تعلقات مادّی و نفسانی به وجود می‌آورد.

در نتیجه انسان رها شده از قید و بندها، وظایف بندگی را درک کرده با اشتیاق بیشتر به آنها عمل می‌کند و به کمال می‌رسد.

### ۱۷-۱- تنظیم کننده حقوق اجتماعی معتکف

اراده معتکـف نسبت به قبـل قـوی تر می‌شـود که این موضوع او را در مواجهه بـا آسـیب هـای اجتمـاعی محکم تر و پایبنـدتر می‌کنـد. او حتی از دیـد اجتماع، فرد سابق نیست و نسـبت به اجتماع دارای حس مسوولیت پذیری بیشتری می‌شود و معیارهای دینی در این رابطه بیشتر از گذشته توسط او رعایت می شود.

### ۱۸-۱-انس با خوبان و یافتن دوستانی اهل معنا

امیرالمومنین علیه السلام به امام حسن علیه السلام فرمودند: «با نیکان بنشین تا از آنان به حساب آیی و از بدان دوری کن تا در شمار ایشان درنیایی».(۱)

اعتکاف زمینه مناسبی برای شناسایی و برقراری پیوند دوستی با خوبان است. افرادی که با ما معتکف هستند، همنشینان صالحی می‌باشند که فضا را با عطر معنویّت معطّر می‌سازند. حضور مؤمنین شهر در چند مسجد، فرصتی است که

---

۱- نهج البلاغه،ترجمه دکتر شهیدی، نامه ۳۱، ص۳۰۵.

مؤمنان یکدیگر را بشناسند و ارتباط دوستانه پیدا نموده از آثار اخوّت اسلامی برخوردار شوند. در سایه این اخوت اسلامی می‌توانند بسیاری از مشکلات را به آسانی حل کنند. این اثر را می توان از لابلای خاطرات منتشر شده معتکفان به دست آورد. (به صفحه ۲۸۱ مراجعه شود.)

### ۱۹-۱-بهره گیری از اندیشه ها و تجربیات معنوی و اخلاقی بزرگان

قرارگرفتن در فضای اعتکاف، انسان را به اندیشه درگذشته و یافتن چراغی فرا راه آینده وادار می کند و فرصتی است جهت بهره گیری از تجربه آنان که راه یافته اند.

### ۲۰-۱-تضعیف مادّی گرایی و تعلقات مادّی

اسلام، دینِ انزوا و گوشه گیری نیست و حتّی با آن به مخالفت پرداخته است؛ دست و پا زدن در مسایل مادّی و مشاغل روزمره و معاشرت با غفلت زدگان جامعه، تمایل به دنیا و تجمل گرایی را در انسان افزایش می‌دهد و گاه آدمی را از یاد حقّ و توجّه به امور معنوی باز می‌دارد و به خود مشغول می کند و اعتکاف موجب برطرف ساختن این آفات روحی می گردد.

در اعتکاف که از بهترین فرصت ها برای خودسازی است، می‌توان وابستگی ها را در راه محبوب حقیقی قربانی کرد و از کثرت روی گرداند و به سوی وحدت حرکت کرد.

### ۲۱-۱- دستیابی به گنجینه هایی از رحمت خاصّ خدا

از گرانبهاترین سرمایه های زندگی انسان، نماز، دعا، تفکّر، شب زنده داری و گریستن و توجّه به ائمه علیهم السلام، می‌باشد که اینها در اعتکاف به دست می‌آید و معتکف با این اعمال، در نزدیکی به خدا و قرار گرفتن در زیر سایه رحمت خاصّ او، گامی بزرگ برمی‌دارد.

### ۲۲-۱- توفیق تلاوت بیشتر قرآن و بهره مندی از برکات آن

معتکف در ایّام اعتکاف با قرآن بیشتر از پیش مانوس می‌شود.

### ۲۳-۱-ذکر و یاد خدا و چشیدن شیرینی آن

از آثار ذکر، انس و محبّت است. امیرالمومنین علیه السلام می‌می‌فرمایند: « ذکر خدا، قوّت و غذای جان ها و [بالاتر از آن] عین مجالست با محبوب است».(۱) از اینجا شمّه ای از اسرار «فاذکرونی اذکرکم»(۲) روشن می‌شود. معتکف، مرتبه ای از این محبّت را با ذکر و یاد خدا می‌تواند، دریابد. (به صفحه۲۷۳ مراجعه شود.)

### ۲۴-۱-جلب محبّت خدا و تحصیل بهشت الهی و تقرّب به او

آنچه می‌تواند، موجب دل کندن از لذایذ زندگی مادّی شود، خود باید لذّتی برتر باشد، لذّتی چون وصال محبوب و نزدیکی به خدا و قرار گرفتن درسایه سار محبّت الهی. از جمله آثار عبادت، رسیدن به بهشت و بهره مندی از نعمت های آن است. «و آن ها که بر نمازهایشان مواظبت می نمایند؛ [آری]، آنها وارثانند. وارثانی که بهشت برین را به ارث می برند و جاودانه در آن خواهند ماند».(۳)

در حدیث معراج، خداوند از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سؤال می‌کند: «ای احمد! آیا می دانی در چه هنگام بنده به خدا نزدیکتر می شود؟». بعد خداوند می فرماید: «زمانی که گرسنه یا در حال سجده باشد». در همین حدیث شریف خداوند می پرسد: «آیا

---

۱- غررالحکم و دررالکلم، ص۳۶۹.

۲- سوره بقره، آیه ۱۵۲.

۳- سوره مؤمنون، آیات ۹ الی ۱۱.

می‌دانی چشیدن شیرینی گرسنگی و سکوت و خلوت، چه اثری دارد؟» سپس خداوند می‌فرماید: «از آثار آن، حکمت و تقرّب بنده به من است».(۱)

چون در اعتکاف، گرسنگی، سجده، سکوت ازغیر کلام خدا و خلوت، در کنار هم جمع می‌شود لذا اگر معتکف، کاملاً بر اعمال و رفتار خویش نظارت و دقت نماید و از انجام گناهان هم پرهیز نماید، سبب جلب رضایت خداوند متعال می گردد. همان طور که در آیه ۷۲ سوره توبه آمده است، علاوه بر بهشت و نعمات الهی، رضوان خدا که بالاترین نعمت هاست، نصیب مؤمن خواهد شد.

### ۲۵-۱-انس با معنویات

در پرتو اعمالی چون اعتکاف، کم کم ارتباط روانی خاصّی بین انسان و مسجد، قرآن، نماز، نماز شب و ادعیه به وجود می آید. به نحوی که انسان، مشتاق ارتباط با این امور شده و دوری از آنها برایش سخت می گردد.

### ۲۶-۱-دوری از غفلت

غفلت از «خود» و «خدای خود»، بستر مرگ ارزش های انسانی و نقطه سقوط از پایگاه بلند خردورزی و عشق عرفانی و عامل پیوستن به زندگی پست و حیوانی است. «أُولئِکَ کَالْأَنْعامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولئِکَ هُمُ الْغافِلُون»(۲)

اعتکاف تمرینی است تا انسان از گناه و غفلت دوری گزینند و غفلت در انسان به حداقل برسد و در هر زمان و مکان به یاد خدا باشد.

اعتکاف عبادتی چون نماز را در بردارد. «اَقِمِ الصّلاهَ لِذِکری».(۳) ذکر، سبب دوری از غفلت است. غفلت از خدا، بزرگترین عاملی است که موجب سقوط

---

۱- مستدرک الوسائل، ج۱۶، ص۲۱۹.

۲- سوره اعراف، آیه ۱۷۹.

۳- سوره طه، آیه۱۴.

انسان می‌شود. «حساب مردم به آنان نزدیک شده، در حالی که در غفلتند و رویگردانند!».(۱)

### ۲۷-۱-افزایش تواضع و فروتنی

اگر انسان بتوانـد، بهره گیری خوبی از اعتکاف، بنمایـد و انـدکی بر معرفت خویش به خداوند بیفزاید؛ بدون شکّ خود را در دایره بیکران هستی کوچک تر از قبل خواهـد دیـد و غرور از او رخت بر خواهـد بست و دیگر در مقابـل هم نوع خود، تکبّر نخواهد ورزید بلکه همواره فروتنی، پیشه او خواهد شد.

### ۲۸-۱-تجمیع ثواب اعمال عبادی و دریافت پاداش بسیار

اعتکاف، هم خود عبادت است و هم عبادات دیگر را در خود دارد. نماز دارد، آن هم چه نمازی؛ در اوّل وقت، به جماعت، با حضور قلب. روزه هم دارد و آن هم چه روزه ای، در بهترین ایّام، در حـالی که همه اعضـای وجود انسان روزه دار است. دعا نیز دارد، آن هم چه دعایی، در خلوت، با وضو، در حال روزه، در بهترین ایّام سال.

### ۲۹-۱- مهمان شدن بر خدا درخانه اش

مانـدن در مسـجد که خانه خـداست؛ به منزله مهمان شـدن بر صاحب خانه است. هنگامی که انسان در مسـیر نزدیک شـدن به خدا حرکت کند و به خدا روی آورد، خداوند جایگاهی والا برای او در نظر می گیرد. معتکف دعوت

می‌شود به خلوتی پاک و مقدس؛ تا نزدیک شدن به خدا را دور از هیاهوی جامعه حس کند و با معبود خود راز و نیاز نماید.

### ۳۰-۱-برآورده شدن حاجت ها و دریافت پاداش بی پایان

---

۱- سوره انبیا، آیه ۱.

ایام اعتکاف، مکان اعتکاف و به ویژه شرایط معتکف، همه و همه، زمینه استجابت دعا را فراهم می‌نمایند و به همین دلیل است که بزرگان توصیه

نموده اند، معتکفین در این مواقع دعاهای کلّی همچون ظهور آقا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، بقای نظام اسلامی و... را از خدا مسالت نمایند.

### ۳۱-۱-بهره گیری از آثار نماز

سوره عنکبوت آیه ۴۵: «نماز، بازدارنده از زشتی و پلیدی است».

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «نماز، کلید بهشت است».(۱)

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «نماز، قلعه خداوند است».(۲)

امیرالمومنین علیه السلام : «نماز، رحمت خدا را نازل می کند».(۳)

فاطمه علیها السلام: «نماز، سبب پاکی از کبر می‌شود».(۴)

امام رضا علیه السلام : «نماز، سبب نزدیکی انسان باتقوا به خدا می‌شود».(۵)

در ایام اعتکاف، انسان فرصت بیشتری جهت اقامه نمازهای یومیه در اول وقت و به جماعت و نیز اقامه نمازهای مستحبی پیدا می کند و باعث بهره مندی بیشتر معتکف، از آثار نماز می‌شود.

### ۳۲-۱-بهره گیری از آثار روزه

معتکف در اعتکاف از آثار روزه نیز بهره مند می‌شود.

حدیث قدسی: «نتیجه روزه، کسب حکمت است».(۶)

---

۱- نهج الفصاحه، ص۴۸۵.
۲- تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ص۱۷۵.
۳- غررالحکم و دررالکلم، ص۸۱۷.
۴- من لایحضره الفقیه،ج۳، ص۵۶۸.
۵- کافی (ط-اسلامیه) ، ج۳، ص۲۶۵.
۶- ارشادالقلوب، ترجمه سلگی، ج۱، ص۵۱۷.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: خداوند می‌فرماید «روزه برای من است و من جزا می‌دهم».(۱)

امام صادق علیه السلام : «روزه، سپری [در برابر آتش] است».(۲)

امام رضا علیه السلام : «روزه سرّی بین خدا و بنده است».(۳)

روزه قلب را از وسواس حفظ می‌کند(۴) و نور و رحمت است(۵) و نیاز به مردم را کم می‌کند.(۶) روزه سبب نزدیکی به رحمت خداوند می‌شود(۷) و مانع تاثیر شیطان می‌شود.(۸)

روزه سه مرتبه دارد:

مرتبه اول: از خوردن، آشامیدن و... اجتناب می‌شود.

مرتبه دوم: علاوه بر پرهیز از خوردن و آشامیدن، از گناه نیز پرهیز می‌شود.

مرتبه سوّم: علاوه بر دو مرتبه پیشین، دل هم روزه دارد. این جا مرحله بازداشتن دل از غیر خداست.

چون در ایام اعتکاف، معتکف روزه می‌گیرد آن هم در خانه خداوند، لذا از آثار فراوان روزه نیز بهره مند می‌شود. (به صفحه ۲۴۶ مراجعه شود.)

## ۲- برخی آثار اجتماعی اعتکاف

### ۱-۲-نوسازی معنوی جامعه و مقاوم سازی اندیشه فرهنگی

---

۱- من لایحضره الفقیه، ج۲، ص۱۷۵/مصباح الشریعه، ص۱۳۶/دعائم الاسلام، ج۱، ص ۲۷۰.

۲- من لا یحضره، ترجمه غفاری، ج۲، ص۴۰۱.

۳- بحارالانوار (ط-بیروت) ، ج۹۳، ص ۳۸۱ .

۴- تحف العقول، ترجمه جنتی، ص۱۵۷.

۵- الامالی (للصدوق) ، ترجمه کمره ای، ص ۲۴.

۶- تحف العقول، ترجمه جنتی، ص۷۹۹.

۷- من لا یحضره الفقیه، ج۲، ص۳۸۷.

۸- من لا یحضره الفقیه، ج۲، ص۳۸۹.

اعتکاف، از بهترین برنامه های عبادی برای نوسازی معنوی جامعه به ویژه قشر نوجوان و جوان می‌باشد.

با توجه به این که اکثر شرکت کنندگان در اعتکاف را جوانان و نوجوانان تشکیل می‌دهند و آنان در مرحله ای هستند که به شدّت تحت تاثیر مسایل معنوی و رفتاری قرار می گیرند. لذا وقتی آنها طعم حضور در این مراسم را

می‌چشند و در آنجا با رفتارهای پسندیده آشنا می‌شوند و با انسان های وارسته همنشین می گردند و اندیشه های دینی شان تقویت می‌شود؛ دیگر حاضر نیستند آن را با لذّت های شهوانی و مادّی عوض کنند و خود را گرفتار اخلاق ناشایست نمایند. لذا در بعد اجتماعی، اعتکاف سبب مقاوم سازی جامعه در برابر تهاجم فرهنگی می‌شود.

به همین دلیل برگزاری این گونه مراسم، سلامت جامعه را تضمین می کند و دینداری را در جامعه رواج می‌دهد و ضمن حفظ سلامت جامعه و برآوردن برخی نیازهای معنوی آن، مردم را از تهاجم فرهنگهای مخرّب، مصون می‌دارد.

### ۲-۲-کاهش جرم و فساد

گسترش مسایل معنوی و پراکندن عطر بندگی و خداپرستی در جامعه، عرصه را بر راهزنی نفس و ابلیس تنگ تر می کند و فضای نفس کشیدن را بر دوستان خدا می گشاید. در این زمینه، اعتکاف می‌تواند نقش مهمی ایفا کند؛ زیرا آثار معنوی ویژه ای حتی بر غیر معتکفین بر جای می گذارد.

### ۲-۳-درمان ناهنجاری ها و لغزش های فردی و اجتماعی

اعتکاف هجرتی درونی برای سیر در دنیای باطن و مروری بر نفسانیّات خویش است تا انسان گام تهذیب بردارد و از درون متحوّل شود و از عالم هستی

به عـالم معنـا روی آورد و امراض درونی را که باعث به وجود آمـدن لغزش های فردی، که گاه اجتماع هم درگیر عواقب آن می‌شود، از بین ببرد.

#### ۴-۲-تاثیر اعتکاف در کاهش بلایای عمومی

گاهی خدا به دلیل تأدیب انسان ها یا عقوبت آنها به خاطر انجام گناه، عذاب و بلاهایی چون خشکسالی، زلزله و بیماری نازل می‌کنـد تـا انسـان هـا از خواب غفلت بیـدار شـده و به راه راست هـدایت گردنـد. طبق روایـات، عمـل شایسـته جمعی از مردم می‌توانـد بـاعث دفع بلاـ از جامعه ای گردد. خداونـد در آیه ۳۳ سوره انفال می‌فرمایـد: «...تا اسـتغفار می کننـد، خدا عذابشان نمی کند». لذا اعتکاف خالصانه جمعی از مردم جامعه، می‌تواند بلاهای عمومی را دفع کند.

#### ۵-۲-مقابله با تهاجم فرهنگی و دفاع از ارزش ها

بـا تحقّق انقلاـب اسـلامی، دست ابرقـدرت ها قطع شـده و سـفره ای که کارگزاران سـرسپرده برای آنان گسترده بودنـد، جمع گردیـد. دشـمنان چنان عصـبانی شدند که توطئه ها، کودتاها، جنگ و محاصـره سیاسـی اقتصادی را برای مقابله با ارزش های دینی طراحی کردند ولی به خواست خدا موفق نشدند.

در این راسـتا، در چنـد سـال اخیر تهـاجم فرهنگی یـا به عبـارت بهـتر شبیخون فرهنگی، یکی از ابزارهـای دشـمنان جهت تغییر فرهنگ دینی-ملّی و جایگزین کردن فرهنگ غرب است که مقابله با آن، خود جهادی فرهنگی را می‌طلبـد. جهاد و کوششـی برای تقویت باورهـای دینی که بـا ایجاد محافل معنوی و مجالس انس با خداونـد و شـناخت بیشتر او می‌توان گامی در این راه برداشت.

اعتکاف می‌توانـد برنامه سودمندی در مقابله با این تهاجم باشد؛ زیرا علاوه بر بی ارزش نشان دادن لذّت های زودگذر دنیوی و دیگر تأثیرات فردی، به دلیل دعوت جامعه به خداپرستی و دین مداری، می‌تواند آثار سازنده ای را به

دنبال داشته باشد و نقش بسیار مهمی در رویارویی با نفوذ فرهنگ بیگانه ایفا کند؛ زیرا جوانی که در مراسم اعتکاف، طعم شیرین ایمان و انس با خداوند را می چشد، لذّت های مادّی و شهوانی در دیدگانش، حقیر و بی ارزش می‌شود و به آسانی در گرداب فساد و باورهای ضد دینی گرفتار نمی‌شود.

از طرفی، چنین مراسمی خود پیامی عملی و درسی عبرت آموز برای مردم است. حضور جمعی از مؤمنان در مسجد برای عبادت، در حقیقت نوعی دعوت به خداپرستی و دین مداری است و آثار سازنده ای در جامعه خواهد داشت.

شرکت جوانان دراعتکاف، این پیام را به جهانیان می‌دهد که اسلام چنان در وجودشان ریشه دوانده که به راحتی نمیشود آنان را ازاسلام و انقلاب جدا کرد.

### ۶-۲-دعوت به خوبی ها

امر به معروف و نهی از منکر، از فروع دین هستند و ترک این دو مهّم، حرام بوده و صدمات جبران ناپذیری بر جوامع اسلامی وارد می‌سازد.

در جامعه کنونی که به هر عنوانی می‌شود انزوای معنویّت را نه احساس، بلکه مشاهده نمود، عدّه ای در زمان خاصّی، در پاکیزه ترین مکان ها یعنی مساجد، گرد هم می‌آیند و خدا را می‌خوانند و از گناهان خویش توبه

می کنند. این، امر به معروف و نهی از منکر عملی است که به یقین از امر و نهی زبانی برنده تر و کارسازتر است. چه قلبهای ناپاکی که با اعتکاف پاک می‌شود و چه نفس های شیطانی که با معتکف شدن، به یاد خدا می‌افتد و با توبه، خدایی می‌شود و خداوند با اعتکاف، چه زیبا دست گناهکاران را می گیرد.

### ۷-۲-سنّتی نیکو برای جامعه

از آن جا که تلاش در زمینه اعتکاف، احیای سنّت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است، از برترین اعمال به شمار می‌آید. چنان که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «هرکس سنّت نیکی را پایه ریزی کند، خداوند پاداش آن سنّت و نیز اجر همه کسانی را که تا روز قیامت، به آن عمل کنند به او ارزانی می‌دارد، بدون آن که از ثواب عمل کنندگان به آن چیزی کاسته شود».(۱)

## فصل یازدهم: عبادات همسان اعتکاف از جنبه ثواب

### اشاره

در روایات، ثواب انجام برخی اعمال عبادی، معادل اعتکاف شمرده شده است. لذا به افرادی که توفیق درک اعتکاف را ندارند، توصیه می‌شود، این اعمال را انجام دهند.

لازم به ذکر است که اعتکاف دارای جنبه های متعددی می‌باشد و هر چند که انجام اعمال مذکور، ثواب اعتکاف را دارد ولی از جنبه هایی مانند خودسازی و... شاید نتواند اثربخشی اعتکاف را داشته باشد.

در ذیل به برخی از این اعمال اشاره می‌شود:

### ۱- حل مشکلات و برآورده کردن حاجات دیگران

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «برآوردن حاجت مومن، بهتر از یک ماه روزه و اعتکاف است».(۲)

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: « کمک یک روزه فرد به برادرش، بهتر از اعتکاف یک ماهه است».(۳)

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «کمک کردن به مسلمان، بهتر از یک ماه روزه گرفتن و بهتر از اعتکاف در مسجدالحرام است».(۴)

امیرالمومنین علیه السلام به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «مردم عیال (روزی خور) خدا هستند و کسی که برادر مسلمانش را جهت حل مشکلش همراهی می‌کند، [عمل او] نزد خدا از دو ماه اعتکاف در مسجدالحرام محبوب تر است».(۵)

---

۱- کافی (ط-اسلامیه) ، ج۵، ص۹.

۲- بحارالانوار (ط-بیروت) ، جلد ۷۱، ص۲۸۵ و ۳۸۲.

۳- نهج الفصاحه مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم، ص ۵۷۷.

۴- جهاد با نفس وسائل الشیعه، ترجمه صحت، ص۳۳۳.

۵- مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۴۱۰/ بحارالانوار (ط-بیروت) ، جلد ۷۱، ص۳۱۶.

امام سجّاد علیه السلام: «به خدا قسم! برآوردن حاجت مؤمن، از دو ماه روزه متوالی و دو ماه اعتکاف در مسجدالحرام، محبوب تر است».(۱)

امام صادق علیه السلام: «هر که برای برآوردن حاجت برادر مؤمنش قدمی بردارد و هدفش کسب رضای خدا باشد و تلاش کند تا حاجتش برآورده شود، خداوند متعال، به خاطر این عملش ثواب یک حجّ و یک عمره مقبول و نیز ثواب روزه دو ماه از ماههای حرام و اعتکاف آنها در مسجد الحرام را برای او می‌نویسد».(۲)

امام صادق علیه السلام: «کسی که در برآوردن حاجت مومنی قدم بردارد، ده حسنه برایش نوشته و ده گناه از او محو، و مقام او ده درجه بالا برده می‌شود. عمل او معادل آزادکردن ده بنده است و فضیلت آن از یک ماه اعتکاف در مسجدالحرام بیشتر است».(۳)

امام صادق علیه السلام: «نیست مومنی که مومن یا مظلومی را یاری کند مگر اینکه برایش بیشتر از یک ماه روزه و اعتکاف در مسجدالحرام فضیلت داشته باشد».(۴)

صفوان جمال می گوید: خدمت امام صادق علیه السلام بودم که مردی بنام میمون به محضر حضرت شرفیاب شد و از مشکل پرداخت مال الاجاره شکایت کرد. حضرت به من فرمود: برخیز و به برادر دینی ات کمک کن تا مشکلش حل شود. همراه او رفتم و خداوند کمک کرد و مشکلش حل شد. به خدمت

---

۱- وسائل الشیعه (ط-آل البیت) ، ج۱۶، ص۳۴۳/بحارالانوار (ط-بیروت) ، ج۷۱، ص۳۰۴/ ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص۱۴۶.

۲- وسائل الشیعه (الإسلامیه) ، ج ۱۰، ص۵۵۵ و ج ۱۶، ص۳۴۶/ بحارالانوار (ط-بیروت) ، ج۷۱، ص۳۲۷ و ۳۳۴.

۳- وسائل الشیعه (الإسلامیه) ، ج ۱۶، ص۳۶۵/ بحارالانوار (ط-بیروت) ، ج۷۱، ص۳۳۱/مشابه این روایت در مستدرک الوسائل، ج۱۲، ص۴۱۱، آمده است.

۴- الاختصاص، الشیخ المفید، ص ۲۷/ بحارالانوار (ط-بیروت) ، ج۷۱، ص۳۱۲ و ج۷۲، ص۲۰.

حضرت باز گشتم امام فرمود: برای حل مشکل برادر مسلمانت چه کردی؟ عرض کردم: پدر و مادرم به فدایت! خداوند مشکل وی را حـل کرد. امـام علیه السـلام فرمود: «آگـاه باش اگر به برادر مسـلمانت کمک کنی، این کار از یک هفته طواف بر گرد خانه خدا در نزد من بهتر است» و نیز از امام حسن علیه السـلام نقل می‌فرمایند «اگر مشکل برادر مومنی را حل کنی، ثواب آن از یک ماه اعتکاف بیشتر است».(۱)

امام کاظم علیه السـلام به نقل از پیامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم: «مردم عیال خدا هسـتند. بهترین خلق نزد خدا، کسی است که نفع [بیشتری] به مردم برسانـد و شادی اهل خانه ای را فراهم کنـد و برادر مسـلمانش را جهت رفع مشـکلش همراهی کنـد، [عمل او] نزد خدا بهتر از دو ماه اعتکاف در مسجدالحرام است».(۲)

به امام رضا علیه السـلام عرض شد، شخصـی برای حاجتی نزد جدّ شما (امام حسین علیه السلام) رفت و از او کمک خواست، به او گفتند ایشان معتکف است. او نزد امام حسن علیه السـلام رفت و قضیه را به او گفت. آن حضرت فرمود: «برداشتن قدمی برای رفع حاجت برادر مؤمن بهتر است از اعتکاف و دو ماه روزه متوالی در مسـجد الحرام. سپس امام رضا علیه السلام فرمود: و حتّی بهتر است از اعتکاف دهر».(۳)

امام رضا علیه السلام: «برآورده شدن حاجت مومن، برتر از روزه و اعتکاف در مسجد الحرام است».(۴)

---

۱- اصول کافی، ترجمه مصطفوی، ج۳، ص۲۸۴.

۲- مستدرک الوسائل،ج ۷، ص ۵۶۸/ النوادر، فضل الله الراوندی، ص ۱۱.

۳- مستدرک الوسائل، ج۱۲، ص ۴۱۲/بحارالانوار (ط-بیروت) ، ج۷۱، ص۲۳۵.

۴- بحارالانوار (ط-بیروت) ، ج۷۱، ص۲۳۳.

## ۲-همنشینی با علما

امیرالمومنین علیه السلام: «یک ساعت همنشینی با دانشمندان از هزار سال عبادت، و نگاه [همراه با اندیشه] به چهرهٔ عالِم از یک سال اعتکاف در مسجد الحرام در نزد پروردگار محبوبتر است».(۱)

امیرالمومنین علیه السلام: «زیارت علمای الهی از هفتاد طواف خانه خدا محبوب تر و از هفتاد حجّ و عمره قبول شده با فضیلت تر است و انسان را هفتاد درجه بالا می‌برد. رحمت را بر انسان نازل می‌نماید و فرشتگان شهادت می‌دهند که بهشت برای او واجب است».(۲)

البته نه هر عالِمی، بلکه دانشمندانی که در هر نشستی کفهٔ رذایل اخلاقی انسان را سبک تر و بر وزن فضایل اخلاقی بیفزایند. لذا امام باقر علیه السلام سفارش می‌کند که با علمایی همنشین باشیم که ما را از شک به یقین و از کبر به تواضع و از ریا به اخلاص و از دشمنی به خیرخواهی و از دنیا طلبی و دنیاپرستی به زهد و عدم وابستگی به دنیا راهنمایی کنند.(۳)

## ۳-زیارت سیّد الشهداء

امام صادق علیه السلام: «زیارت سیّدالشهدا معادل یک حجّ و یک عمره و دو ماه اعتکاف در مسجد الحرام به همراه دو ماه روزه اش ثواب دارد». (۴)

---

۱- بحارالانوار (ط-بیروت) ، ج۱، ص۲۰۵ ح۳۳/ مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۱۵۳.

۲- .بحارالانوار (ط-بیروت) ، ج۱، ص.۲۰۵

۳- بحارالانوار (ط-بیروت) ، ج۱، ص۲۰۵، ح۲۸.

۴- بحارالانوار (ط-بیروت) ، ج۹۸، ص ۷۱/ وسائل الشیعه (ط-آل البیت) ، ج۱۴، ص۴۳۶/ مستدرک الوسائل، ج۷، ص ۵۶۹.

## فصل دوازدهم: اعتکاف پرتوی از حجّ و ماه مبارک رمضان

### اشاره

حج و روزه ماننـد اعتکاف تقرب به حریم یار و دور شدن از زینت ها و زخارف دنیاست. حج و روزه نوعی رهبانیّت مشروع است.

پیامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم می‌فرمایند:«آیا می‌دانی رهبانیّت امّت من چیست؟» و سـپس فرمودنـد: «هجرت، جهاد، نماز، روزه، حج و عمره»(۱)

### ۱-مقایسه اعتکاف با حجّ و ماه مبارک رمضان

#### ۱-۱- از جنبه محرّمات

محرّمات اعتکاف انسان را به یاد محرّمات حـجّ و عمره می اندازد(۲) چرا که معتکف نیز مانند مُحرم بعضـی از اموری که قبلاً بر او حلال بوده، بر خود حرام می نمایـد تـا رنگ الهی و حالت فرشـتگی به خود گیرد و وارد حرم الهی شود و بوسه بر کعبه مقصود زند.

در اعتکاف، جـدال، اسـتعمال بوی خوش و مباشـرت با همسـر که از محرّمات احرام می‌باشـند، بر معتکف حرام می‌شود همان طوری که زائرین و مهمانان خانه خـدا وقتی که می‌خواهنـد وارد مسـجدالحرام بشونـد بایـد تعلّقات مادّی را کنار بگذارند و از لذاید دنیا چشم پوشـی نموده تا تمرینی برای تزکیه و کسب تقوی داشـته باشـند و با احرام، بیست و چهار چیزی که قبلاً حلال بود حرام می‌شود تا با یک قداست وارد خانه خدا بشوند و مهمان او گردند.

---

۱- بحارالانوار (ط-بیروت) ، ج۱۴، ص۲۷۷.

۲- ۴ مورد از محرّمـات احرام از مبطلاـت اعتکاف بوده و مسـتحب است که معتکف از بقیه محرّمات (۲۰مورد دیگر) اجتناب کند.

در ماه مبارک رمضان نیز تعدادی از چیزهایی که قبلاً حرام بود بر مهمانان و روزه داران حرام می شود که امام سجّاد علیه السلام این را یک نوع احترام کردن به ماه مبارک رمضان و مهمانی خدا برشمرده اند. خداوند متعال، ماه مبارک رمضان را با احترام های فراوان و فضایل مشهوری که برای او قرارداد، بر سایر ماه ها برتری داد پس یک سلسله چیزهایی که در ماه دیگر حلال بود در این ماه به خاطر بزرگداشت و احترام ممنوع کرده و به خاطر اکرام ماه رمضان، خوردنی و آشامیدنی را نیز در این ماه منع کرد. همچنان که نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم برای احترام ماه شعبان برخی از روزهایش روزه و شبهایش را تا صبح بیدار بود.

### ۲-۱-مهمان خدا بودن

ماه رمضان مهمانسرای الهی است و ماه، ماه خداست و ضیافت الله است.

اعتکاف هم نوعی مهمانی خداست و معتکف باید حداقل سه روز در خانه خدا حضور دایم داشته و مهمان خدا شود.

در حجّ و عمره هم حاجی و معتمر، مهمان خانه خدا هستند.

### ۳-۱-از جنبه هدف

قرآن در آیه ۱۸۷ سوره بقره غرض از اعتکاف را دستیابی به تقوی معرفی می کند «لعلّهم یتّقون»؛ همچنان که در آیات مربوط به ماه رمضان و حجّ، علت را کسب تقوی بیان نموده است.

### ۴-۱-از جنبه ثواب

روایات متعددی راجع به معادل بودن ثواب اعتکاف با حج و روزه ذکر شده است (به فصل سوم مراجعه شود).

از آیه ۱۲۵ سوره بقره نیز برداشت می‌شود که اعتکاف در ردیف حج و نماز می‌باشد.

### ۵-۱-از جنبه خودسازی

حج مانند اعتکاف فرصت مناسبی جهت خودسازی است و ائمه بر آن تاکید کرده اند و نویسندگان کتب حج به این مطلب اذعان داشته اند.

### ۶-۱-از جنبه جامعیّت

اعتکاف مانند حج خود جامع عبادات دیگر است لذا حاجی یا معتکف توفیق چندین عمل صالح را هم زمان پیدا می کند.

## ۲-جملات ادبی

اعتکاف پرتویی از حجّ است که ایمان و اندیشه، عشق و محبّت، معرفت و بصیرت را در خلوتخانه دل سکنا می‌دهد و زیباترین صحنه های بندگی به شکل ذکر و دعا، راز و نیاز تبلور می‌یابد.

اعتکاف چون حجّ، میدان سیر وسلوک، تطهیر و تهذیب، زدودن زنگار دل و ورود به عرصه جهاد اکبر و مبارزه با شیطان است.

اعتکاف و حجّ، سرآغاز دو فصل بارش باران رحمت الهی و شستشوی

آلودگی های زمین دل و نورانی ساختن صحیفه اعمال است.

اعتکاف بسان حجّ، کتاب نفس را خواندن، طلسم دل را گشودن، بر اسرار ملکوت آگاه شدن، به محاسبه و مراقبه نفس پرداختن است.

اعتکاف و حجّ، بستری بی نظیر برای کشیک نفس، دل از ما سوی الله بریدن و خانه دل را برای تجلی محبوب آماده کردن است.

اعتکاف بسان حجّ، سلسله اعمال عبادی است که چندین عبادت را کنار هم قرار داده و مجمع عباداتی همچون نماز، روزه، تلاوت قرآن، ذکر، توسّل و دعا می‌باشد.

اعمال اعتکاف و حجّ، تعبد است و روح آن دلبری و دلدادگی؛ معتکف و حاجی از همه دام ها می‌رهند و دل را به دلبر می‌سپارند و آسمانی می گردند.

معتکف در اعتکاف، همسان حاجیان با خضوع و خشوع صدق و صفا و ادب حضور در خانه دوست، محضر محبوب را پاس می دارد و خود را مُحرم نموده تا مَحرم ملکوت وآشنای درگاه عرشیان گردد.

در اعتکاف همانند حجّ، معتکف دل را مُحرم ساخته، برگرد وجود حق طواف نموده، پشت مقام ولایت نماز خوانده، بین صفا و مروه دل، سعی می کند و برای یافتن معرفت در عرفات جان، ذکر «مَنْ لِی غیرُک» سر داده و خود را در زمزم معرفت شستشو می‌دهد. بر سجاده نیاز، سفره دل گشوده و برای ازدیاد شعور در مشعر وجود، شب زنده داری می کند و در محراب جان با شیطان درون

می‌ستیزد و در مسلخ عشق منیّت خویش را قربانی می‌نماید.(۱)

غروب شب آخر اعتکاف همچون غروب روز عرفه است. وقتی چادرها را در عرفات جمع می کنند تازه آدم یادش می‌آید که هنوز آقا عجل الله تعالی فرجه الشریف را ندیده است.

---

۱- برگرفته از سخنان حجت الاسلام نجفی روحانی، نماینده بعثه مقام معظم رهبری در مدینه.

## فصل سیزدهم: اعتکاف در آینه شعر و نثر

### ۱-اعتکاف در آینه شعر

مفهوم اعتکاف، با توجه به اینکه تنها یک عمل عبادی معمولی نیست؛ بلکه یک مرحله از مراحل سیر و سلوک عرفانی است. جایگاه ویژه ای در شعر عرفانی به خود اختصاص داده، هر چند شعرا از واژه اعتکاف، معتکف و عاکف کمتر استفاده کرده و به جای آن واژه «خلوت» را به خدمت گرفته اند.

آن که در کعبه، اعتکاف گرفت

سنگ چون بر کبوتر اندازد

خاقانی

همه روز روزه رفتن،همه شب نماز کردن

همه ساله حج نمودن،سفر حجاز کردن

ز مدینه تا به مکه،به برهنه پای رفتن

دو لب از برای لبیک، به وظیفه باز کردن

به معابد و مساجد،همه اعتکاف جستن

ز مناهی و ملاهی،همه احتراز کردن

شب جمعه ها نخفتن، به خدای راز گفتن

ز وجود بی نیازش، طلب نیاز کردن

به خدا قسم که آنرا، ثمر آن قدر نباشد

که به روی ناامیدی در بسته باز کردن

شیخ بهایی

زآتشکده و کعبه، غرض سوز و نیازست

وآنجا که نیاز است چه حاجت به نماز است

بی عشق، مسخر نشود ملک حقیقت

کآن چیز که جزعشق بود، عین مجاز است

چون مرغ دلخسته من صید نگردد

هرگاه که بینم که در میکده باز است

آنکس که بُوَد معتکف کعبه غربت

در مذهب عشّاق، چه محتاج حجاز است

هر چند که از بندگی ما چه برآید

ما بنده آنیم که او بنده نواز است

خواجوی کرمانی

خدایا خانه ات گشته مطافم

به دور کعبه دل در طوافم

مگر پرونده من را ندیدی

که دادی باز، اذن اعتکافم

خدایا بر دل سوزان زینب

به حق قاری قرآن زینب

تو لطفی کن که با امضای زهرا

شوم در کربلا مهمان زینب

در این سه شب اعتکاف، شیدا بودیم

شیدای محبت تو مولا بودیم

انگار چنان یتیم و مسکین و اسیر

افطار، سر سفره زهرا بودیم

سه شب تا صبح استغفار کردیم

به جرم خویشتن اقرار کردیم

کنار سفره مولا نشستیم

سه شب با کوثرش، افطارکردیم

یعقوبی

خلعت اعتکاف

به تن نما، برادرم، خلعت اعتکاف را

رسان به کام خویشتن، لذت اعتکاف را

سه پنج روز زندگی، به راه و رسم بندگی

به پا نما، برادرم، همت اعتکاف را

اگرکه مفت می‌خرند؛ در این زمانه عمر را

بیا بخر برای خود، عزّت اعتکاف را

اگرضعیف گشته ای به زیر بارزندگی

رسان به جان خویشتن، قدرت اعتکاف را

زدود و داد درگذر، بحال خود، نما نظر

گُزین دراین میانه توخلوت اعتکاف را

تشرّف است بی گمان، اجازه ای است درمیان

اگردهنددست من قسمت اعتکاف را

احمد درویش گفتار

حلقه عشاق

عقده دل وانما، ماه رجب می رسد

هلهله کن عاکفا! ماه طرب می رسد

حلقه عشاق را کعبه دل آمده

کعبه عشاق را عاشق رب می رسد

حیدر کرّار بین، صاحب شمشمیر دین

روح زمان و زمین، شاه عرب می رسد

معتکفا هو بگو، زین همه نیکو بگو

حید کرّار روز، زاهد شب می رسد

چهره زغم بر کنید، لب به سخن وا کنید

از دل این قبله گه، مردِ ادب می رسد

رو سوی بطحا نما، چشم دلت را گشا

منبر و محراب را، مرد خُطَب می رسد

احمد درویش گفتار

فرصت دیدار

هوای شهر مکّه گرم و صاف است

میان سینه، دل در اعتکاف است

بنا گه می کشد پَر، مرغک دل

نگاهش می کنم مست طواف است!

سید احمد زرهانی

سه شب اومدم توخونه ات، روی فرش تو نشستم

دلشکسته دست خالی، دل به الطاف تو بستم

سه شبه با چشم گریون توی خونت در طوافم

با همه بدی که داشتم، دادی اذن اعتکافم

صاب خونه دارم یه خواهش، من به عنوان یه مهمون

بیا و به جان زینب، دیگه رو تو بر نگردون

صاب خونه، بذر امید رو تو دلم، دوباره کاشتی

چگونه شکر تو گویم که تو کردی با من، آشتی

مهمونی چه زود تموم شد، دل من داره می گیره

مهمونت داره یه خواهش، رو پای مهدی بمیره

کارگر

## ۲-اعتکاف در آیینه نثر

### ۱-۲-نجوای اعتکاف

مهربانا آمده ام تا معتکف کوی تو شوم، لانه شـیطان را در ذهن و جانم ویران سازم و بال پرواز از تو بگیرم. آقایم! فرمودی به خانه من درآی تا پناهت دهم و من نیز دل از همه گسسته و بر تو بسته ام و چشمْ انتظار نوازش های بنده پرورت می‌باشم.

معبودم به مسجد، سجده گاه عاشقان و سر بر آستانْ نهادگان و خانه امن و آرامش تو آمده ام؛ مکانی که پروازها از آن سر گرفته و محل نزول فرشتگان و مجمع عاشقان و محفل کرّوبیان است. بدان امید آمده ام که در کنار دوستان و مقربان درگاهت قرار گیرم تا شاید گوشه چشمت بر من گنه کار رو سیاه افتد.

## ۲-۲-جملات ادبی

اعتکاف احیای سنّت پسندیده نبوی صلی الله علیه و آله و سلم است.

اعتکاف از لذایذ مادّی، دوری گزیدن و از زندان نفس آزاد شدن و با غسل، جان را تطهیر کردن و با عمل امّ داود، دستور العمل از کاملان گرفتن است. خود را یافتن و دل بدان کامل سپردن و در نهایت، قرآنی شدن است؛ که «لاـ یَمَسُّهُ اِلّا المُطَهّرونَ»؛ جز پاکان نباید آن را مسّ کنند.

اعتکاف استمرار راز و نیاز بسیجی، در سنگرهای شلمچه، فکّه، دوکوهه، مهران، مجنون، هویزه و... است.

اعتکاف التماس در طلب یاری خدا، برای یاری رساندن به بندگان خداست.

اعتکاف انس با معشوق است که زمینه گسستن از سرگرمی های پوچ را فراهم می کند.

اعتکاف انسان را از آفت خدا فراموشی و از خود بیگانگی، نگه می‌دارد.

اعتکاف انسان را از حاکمیّت غرایز، عادت ها و اشتغالات معمول آزاد می‌سازد.

اعتکاف اهتزاز دستان نیاز و معراج دل، است.

اعتکاف آب حیات بخش، در کویر غفلت هاست.

اعتکاف آمادگی و مهیّا شدن، برای سربازی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

اعتکاف آماده شدن، برای درک فصل زیبای خدا، ماه مبارک رمضان، است.

اعتکاف آینه ای است برای اینکه خود را بشناسی و گودال های عمیق نفسانیّت و حیوانیّت را در عمق جان خود از نزدیک ببینی و باطن خود را تماشا کنی.

اعتکاف آینه ای است برای پیراستن جان و صفا بخشیدن به روح و تطهیر صحیفه اعمال.

اعتکاف بازگشت از قبله دنیا گرایان به سمت و سوی قلب و قبله هستی است.

اعتکاف برداشتن دیوارهای بلند فاصله، بین بنده و خداست.

اعتکاف برکندن خس و خاشاک هرزگی و برآوردن برگ و بار بندگی است.

اعتکاف بریدن از خلق و پیوستن به خالق است.

اعتکاف بستر مناسب اندیشه، تفکّر و خردورزی است.

اعتکاف به حساب خود رسیدن است قبل از آنکه به حسابش برسند. «حَاسِبُوا أَنْفُسَكُمْ قَبْلَ أَنْ تُحَاسَبُو»

اعتکاف به حساب خویش رسیدگی کردن پیش از حلول یوم تُبلی السرائر است.

اعتکاف به مهمانی خدا، در خانه خدا در آمدن است.

اعتکاف بهاری برای از نو رستن و شکفتن شکوفه های فطرت است.

اعتکاف بیرون رفتن از خانه خویش و مصمّم شدن بر حضور در خانه حضرت حقّ است.

اعتکاف پاک شدن و آمادگی برای همه روزهای سال است.

اعتکاف پرواز دسته جمعی مرغان مهاجر، در زلال آبی عشق است.

اعتکاف پرورش جسم و جان است.

اعتکاف پشت پا زدن به تعلّقات نفس است.

اعتکاف پیمانی دوباره با خدا و فرصتی برای آنان است که پس از روزگار فصل، هوای وصلی دوباره به سر دارند.

اعتکاف پیوستن قطره با دریا و پروازی عاشقانه به عالم بالاست.

اعتکاف تجربه ارزنده ای است برای دست افشاندن از متاع دنیا.

اعتکاف تلاش برای پاک کردن زنگار از روح و روان است.

اعتکاف تلاشی است برای اینکه انسان های فرو رفته در غرقاب روزمر گی ها از فضای پر التهاب روزانه به سوی «خویش» و

«خدای خویش» بازگردند.

اعتکاف تمرین بندگی و پیمانی دوباره با معبود است و یادآور روز الست.

اعتکاف تمرین خوب زیستن است.

اعتکاف تمرین ساده زیستن است.

اعتکاف تمرین نگه داشتن زبان است.

اعتکاف تمرینی است برای رسیدن به آن حضور قلبی که انسان را از

بیت الاحزان پراکندگی و تشویش و دلمردگی، به جمال کعبه حضور و سرور زنده دلی هدایت می‌کند.

اعتکاف تمرین انقطاع از غیر بسوی خداست؛اِلهی هَب لِی کَمالَ الاِنقِطاعَ اِلَیکَ

اعتکاف توفیقی است برای نشستن بر سر خوان لطف و مائده خداوند و لذّت بردن از راز و نیاز و مناجات با او.

اعتکاف توقّفی ناآگاهانه در مسجد، بدون عشق به عبادت و قصد قربت نیست، بلکه مُعتکف آگاهانه عزم حضور در خانه حضرت حق می‌کند؛ حضوری آگاهانه، عاشقانه و خالصانه بر درگاه پروردگار یکتا

اعتکاف جشن عارفان است در آغوش خدا.

اعتکاف جنگیدن، برای شکست دادن منیّت هاست.

اعتکاف چونان آب گوارایی است برای تشنگان قرب خدا.

اعتکاف حضور نیازمندانه و خاشعانه برآستان معبود است، بی غرور و تکبر، جدا از تشخّص ها و امتیازها.

اعتکاف خلوت از بیگانگان و پیوستن به محبوب ازلی و ابدی است.

اعتکاف خلوت چند روزه با خداست.

اعتکاف خلوت گزینی برای خدمت بیشتر به بشریّت است.

اعتکـاف خلـوتی اسـت در جمـع، عزلـتی اسـت در ازدحـام و حضـوری است در غیبت از صـحنه زنـدگی روزمره و روزمرگی زندگی.

اعتکاف خواهش، برای درک لذّت نیایش است.

اعتکاف خودسازی برای جامعه سازی است.

اعتکـاف در پیشـگاه حق را زمان خاصّ و وقت خاصّ نیست؛ زیرا که عارف را حضور دایم یابـد که حضور دایمش، اعتکاف اوست و انقطاع الی الله به طور

مـداوم، زبان حال و قال اوست. این اعتکاف چنـد روزه در مسـجد، آیت و علامتی از برای آن اعتکاف حقیقی انسان است؛ تا کدامین صاحبدلی بدین بارگاه قدس الهی بار یابد.

اعتکاف در نهانْ خانه دل، با حق سخن گفتن و از غیر، لب فروبستن و به خدا پیوستن است.

اعتکاف در کویِ ولایت، وقوف پیدا کردن است.

اعتکاف در ماه رجب، استقبال از ماه مهمانی خداست.

اعتکاف درمان فساد و فحشا است.

اعتکاف درمانگاه دلهای زخمی است.

اعتکاف درنگی است زمینه ساز جهش و پرش برای رسیدن به اوج بندگی.

اعتکاف دفتر دل را گشودن و از اسرار غیبی آن آگاه شدن است.

اعتکاف دل بریدن از همه چیز و دل بستن به همه چیز است.

اعتکاف دوره فشرده خودسازی و خودشناسی است.

اعتکاف راز و نیاز با خالق و فارغ از خویشـتن شـدن و توجّهی خاصّ به مبـدأ آفرینش و مرکز قدرت، و عزّت و سعادت یافتن است.

اعتکاف راه نو، برای دستیابی به حیات طیّبه است.

اعتکاف راهی برای رفع غفلت و فرصتی برای مرور دفتر عمر است.

اعتکاف رویش بهاری سبز، درشوره زار زندگی و دعوتی تازه به بازگشت است.

اعتکاف ریاضتی شرعی است برای ارتقای روح و روان.

اعتکاف زاری، در طلب یک عمر بیداری است.

اعتکاف سبب تهی شدن خانه دل از اغیار و جایگزینی نور محبّت خدا می‌شود.

اعتکاف سبب می‌شود تا انسان با توشه معنوی و اعتقادی راسخ و ایمان و امیدی بیشتر، به زندگی ادامه داده و خود را برای صحنه های خطر و جهاد در راه خدا آماده سازد؛ همیشه با یاد خدا تلاش کند؛ خود را در محضر پروردگار ببیند و از نافرمانی او بپرهیزد.

اعتکاف سپری در برابر تهاجم فرهنگی است.

اعتکاف سکوی پرش انسان جهت پرواز و اوج گرفتن است.

اعتکاف سنّت اسلام است، سنّت اسلام ناب محمّدی.

اعتکاف سنت نیکوی دیرپایی است که از پیامبران به یادگار مانده است. عبادتی که در خلوت انسان با پروردگار مهربان، شکل می گیرد و دلهای شیفتگان حضرتش را جلا می‌بخشد.

اعتکاف سوختگیری معنوی برای روزها و هفته ها و ماههای بعدی است.

اعتکاف سه روز به یاد ماندنی است.

اعتکاف سیره دیرینه انبیا و اولیای الهی است.

اعتکاف شستشوی ارتباطات پست برای دستیابی به ارتباطات برتر و طی مقامات معنوی و عرفانی است.

اعتکاف شعبه ای از جهاد اکبر است.

اعتکاف شوریدن بر تنگنای روزمرگی برای دستیابی به مقام بندگی است.

اعتکاف صاحبدل، رحلِ اقامت افکندن و وصف دل را تا قیامت جان شنیدن است و در دل شب نیز از نوای سینه و نای گلو،های و هوی برآوردن است.

اعتکاف عاشقان را به طواف حرم الهی یعنی دل می‌برد[(۱)] و نفس را با اسم حافظ حق، نگهبان دل قرار می‌دهد.[(۲)]

اعتکاف عبادتی است که در خلوت انسان با پروردگار مهربان، شکل می گیرد و دل های شیفتگان حضرتش را جلا می‌بخشد.

اعتکاف عشق بازی با خدا برای یک عمر عشق ورزیدن به بندگان خداست.

اعتکاف عصیانی آگاهانه در برابر همه بت های کوچک و بزرگ و اعلام بندگی است در برابر یگانه آفریدگار سترگ.

اعتکاف عهد مودّت و میثاق مجدد با پروردگار است.

اعتکاف غوغای درون و سکوت برون است.

اعتکاف فرصت سبزی است تا هر صاحبدلی بتواند طعم زندگی را بچشد.

اعتکاف فرصتی است برای باران اشک بر مزرعه دل، بهاری است برای روییدن گل توبه و انابت در باغچه زندگی.

اعتکاف فرصتی است برای خودسازی.

اعتکاف فرصتی است برای گردش در کوچه پس کوچه های روح، برای مرور در صفحات کارنامه زندگی.

اعتکاف فرصتی است که دیده را در فراق شمع ایستای محرّم، گلگون سازی و محیطِ گونه را در سوگ یاس کبود علی علیه السلام، نیلی کنی.

اعتکاف فرصتی برای پیرایش دل از زنگار گناه است.

اعتکاف فرصتی برای فکر و ذکر خداست.

---

۱- امام صادق علیه السلام: القلب حرم الله (بحارالانوار (ط-بیروت) ، ج۶۷، ص۲۵) .

۲- امام صادق علیه السلام: وَ لا تُسکِنْ حَرَمَ الله غَیرَ الله (بحارالانوار (ط-بیروت) ، ج۶۷، ص۲۵) .

اعتکاف فرصتی برای وقف روح، در خدمت خدا است. یک عمر برای خودمان کار کردیم، سه روز را مال خدا باشیم.

اعتکاف فرصتی جهت بررسی اعمال سال است.

اعتکاف فرصتی طلایی است برای آشتی با امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و عهد و پیمانهایی که با او دادیم.

اعتکاف فرصتی است برای بازگشت به خویش و خدای خویش تا کسانی که از هیاهو و جنجالهای زندگی مادّی خسته می‌شوند، بتوانند چند صباحی با خدای خود خلوت کنند و جان و روح خود را با خالق هستی ارتباط دهند.

اعتکاف فصلی برای تطهیر صحیفه اعمال، برای نورانی ساختن دل و صفا بخشیدن به روح است.

اعتکاف فصلی برای گریستن و موسمی برای بارش رحمت و زدودن

آلودگی های گناه است.

اعتکاف کادر سازی برای انقلاب اسلامی است.

اعتکاف کلاس پرواز روح است.

اعتکاف کناره گیری از عادت های زشت برای رسیدن به عادتهای خوب است.

اعتکاف کوشش برای بیرون کردن کینه ها از دل است.

اعتکاف گام برداشتن برای دستیابی به نفس زکیه و پاک است.

اعتکاف گره زدن زندگی با بندگی است.

اعتکاف گریز از لذّت گرایی و مهار حس خود محوری و برتری جویی است.

اعتکاف گسترش افق دید بشر از تکنولوژی مادّی به روشهای جدید است.

اعتکاف گسستن از آفریده و پیوستن به آفریدگار است.

اعتکاف گشت و گذاری است درکوچه پس کوچه های درون و گشتن در دنیای تو در توی دل و شناختن خود و مجاهده با نفس.

اعتکاف گلگشتی است در عالم کرّوبیان.

اعتکاف گوشه ای از بهشت لطف خداوند است.

اعتکاف مجالی برای انس با خداست و مقدمه شهود ربّ و وصول به محضر لاهوتی اوست.

اعتکاف محو خودخواهی در امواج بلند خداگرایی است.

اعتکاف مراجعه به پزشک روح است و چکاپ جان تا ویروس ها و

آلودگی هایش را بشناسیم و مداوا کنیم.

اعتکاف مقدمه ای است برای آنان که می‌خواهند معتکفان دایمی ملکوت بارگاه قدس الهی باشند.

اعتکاف نَفَس گیری جدید، برای ادامه زندگی پاك و زیباست.

اعتکاف وقف نمودن عقل و دل و جوارح، در بارگاه خدا است.

اعتکاف، هجرتی درونی برای سیر در دنیای باطن و مروری بر نفسانیّات خویش است تا گام تهذیب برداریم و کام بندگی برگیریم.

اعتکاف همنشینی با قدسیان و فرشته خویان است.

اعتکاف یعنی خداحافظ دنیا!

اعتکاف یعنی خود را به خدا گره زدن. هر چقدر این گره، کورتر باشد بهتر.

اعتکاف یعنی درمان بحران هویّت بشر.

اعتکاف بستر مناسب اندیشه و تفکّر و خردورزی است.

اعتکاف رهایی از هیاهوها، تعلّقات و آزادگی است.

اعتکاف محو خودخواهی در امواج خداگرایی و خدمت به امّت اسلامی است.

اعتکاف بیرون رفتن از خانه خویش و حضور در خانه خدا است.

اعتکاف نه گفتن به هوس ها و آز و طمع هاست، و آری گفتن به همه فضیلت ها و زیبایی ها.

اعتکاف ورود به عرصه جهاد اکبر و مبارزه با نفس است.

برای نیل به هدف بزرگ تزکیه و تهذیب نفس و سیر و سلوک، آدمی را اعتکاف باید؛ اعتکاف در محیطی خلوت و ملکوتی، به دور از هیاهوی زندگی.

بعضی سفرها، خاطرات خوشی دارند که فراموش نمی‌شوند. به یاد ماندنی ترین سفرتان را در اعتکاف تجربه کنید، سفری از خاک به افلاک، سفری که به دیدار خود خدا می‌روید.

پیام اعتکاف، به یاد خدا زیستن است.

در اعتکاف خانه دل از اغیار تهی شده، نور محبّت خدا جایگزین می‌شود.

در روزگاری که دنیا و زرق و برق هایش، حرف اول را می‌زنند، خودمان را در دریای انس با خدا و اعتکاف بیازماییم.

روزهای اعتکاف، روزهای انس با پروردگار و بریدن از غیر و پیوستن به یار است. ایام اعتکاف، اهل عبادت را عید حضور است و اهل غفلت را روزنه ای به سوی نور.

متن اعتکاف را سکوت، صوم، بیداری، خلوت، ذکر و راز و نیاز مداوم، تشکیل می‌دهد.

معتکف احیاگر سنّت نبوی است، او از هوای نفس، گریزان و برای رهایی از آن اشک ریزان است.

معتکف با پیوندی محکم و ناگسستنی با مبدأ هستی، در پی قرابت با محبوب، با چشیدن طعم شیرین وصل، چشمه سار جان را از زلال حضور، لبریز می‌سازد و با خطاب «اِرجِعی الی رَبِّکَ» به منزلگاه دوست می‌شتابد و با او خلوتی معنوی را می‌آزماید.

معتکف با خود و خدای خود قرارگاه کجایی بودن را روشن کرده، قرار به کجا رفتن را در می‌یابد.

معتکف در حالی از اعتکاف خارج می‌شود که به حساب اعمالش، به طور کامل رسیدگی کرده و حسابش را با خودش تسویه کرده است.

معتکف روزه اش، نمازش، حضورش در مسجد و دیگر اعمالش مایه تقرّب است.

معتکف شدن در مسجد برای چند روزی برای همگان میسّر است؛ ولی معتکف در خانه حق شدن و دل را به صاحبِ دل دادن و استقامت در طی مسیر داشتن کاری است بس دشوار.

راه دشوار است و تن از کار، ترسان است یاران

دل خریدار است کاین ره، راه جانان است، یاران

معتکف مرغ جان را در حریم امن دوست به پرواز آورده و با دلی لبریز از ذکر و دعا، به ضیافت رب الارباب بار یافته و سر بر آن آستان بی نیاز می‌سایند، تا یار که را خواهد و توفیق که را باشد.

معتکف می‌تواند آینده خود را بیمه کند و خود را از آتش جهنم برهاند.

معتکف می کوشد تا از فرش زمین نفس، به عرش آسمان دل، پرواز کند و در آشیانه دوست، منزل گزینند.

معتکفان دایمی را که زبان «هو، هو» دارند، از آن عالم، خبری است و آن را که خبر شد، خبری باز نیامد. چه اینکه حقایق ملکوتی خوش نشین اند و تا قلب را آرام و دل را خالی از غیر نبینند فرو نمی‌آیند و از عالم بالا تنزّل نمی کنند.

## ۳-۲-قطعه های ادبی

### ۱-۳-۲-مهمانی

«تو همیشه با منی، امّا چشم من گرفتار رنگ وارنگ دنیا و دلم در بند نیاز و خواهش نفس است. درونم دلتنگ است از دوری تو. دلم سخت بهانه تو را می گیرد. چند روزی می خواهم تنها با تو باشم، تنها تو را حس کنم و تنها تو را بیابم؛ تو را که سرچشمه وجود منی، روزی ده من، حافظ من، یار و یاور من، برطرف کننده نیازهایم و برآورنده حاجاتم، تویی که همه امید منی.

کدام اندوه، کدام سختی و کدام گره کور دلم را خواهد آزرد، وقتی من در این چند روزه اعتکاف تو را بیابم و دریابم که تو خدای بزرگ و مهربان من، همیشه با منی؟...

می‌خواهم امروز حصاری بسازم، بین خودم و هر چه غیر توست. بین خودم و همه بادها، توفان ها و آفت ها....ای مهربان پاک من! سه روز مرا به سوی خود بخوان و در خانه ات مهمان کن، تا آبشار رحمتت، همان اندک گرد وغبار دنیایی را هم که بر دلِ جوانِ من نشسته است، پاک کند و از بین ببرد. نمی خواهم با گذر جوانی، رنگ آبی دلم، خاکستری شود. پس سه روز مرا به سوی خود بخوان و پاک تر و تازه تر از پیشم کن....

گفتی مهمان را عزیز بدارید که مهمان، حبیب خداست. امروز من به مهمانی تو آمده ام. ای عزیز! مهمانت را دریاب و سبد احتیاج مرا از لطف و مهربانی پر کن.

دل نشین تر از مهمانی تو چیست که در هر مهمانی، صاحب خانه خود مهمان سفره توست. این یگانه سفره ای است که در آن صاحبخانه، به راستی صاحبخانه است و دستش در عطا و بخشش گشوده است. ای مهربان! بر تهی دستی ام راضی مشو که به هزاران امید به مهمانی تو آمده ام». (منیره زارعان)

### ۲-۳-۲-راهی برای انس با خدا

«اعتکاف، فرصت بسیار مناسبی است تا انسانی که در پیچ و خم های زندگی مادّی غرق شده، خود را بازیابد و به قصد بهره بردن از ارزش های معنوی، از خواسته های مادّی دست بکشد و خود را در اختیار پروردگار بگذارد و تقاضا کند او را در راه راست ثابت نگاه دارد، تا بتواند به دریای بیکران انس و مهر خداوند بپیوندد که یکسره مغفرت و بخشش است. در اعتکاف می توان دل را از غبار تهی کرد و نور محبت خدا را در آن جلوه گر ساخت. می توان خود را وقف عبادت نمود و لذت میهمان شدن بر سر سفره احسان و لطف الهی را چشید. می توان زمام دل و جان را به دست خدا سپرد و همه اعضا و جوارح را در حصار اراده حق به بند کشید.

می توان به خویشتن پرداخت و کاستی های خود را شناخت و در جست وجوی درمان برآمد. می توان نامه عمل را مرور کرد و به فکر تدارک و جبران فرصت های از دست رفته بود. می توان به حرکت اندیشید و خود را برای حضور در پیشگاه خداوند مهربان آماده کرد.

آری، اعتکاف، فصلی است برای گریستن، برای ریزش باران رحمت، برای شستن آلودگی های گناه، برای پاک نمودن نامه اعمال، برای نورانی ساختن دل....

اعتکاف، بازگشت به اصل خویشتن است. در این دشت بی انتهای بخشش خداوند. سرت را بر زمین بگذار و آرام آرام نجوا را آغاز کن؛ آن گاه می بینی چگونه باران الطاف خداوند بر سر و رویت می بارد.

اسب سرکش نفس را مهار کن و دل و جانت را به خداوند بسپار. از اینکه قطره های اشک بر گونه هایت جاری می شود، شاد باش. این قطرات ریز و درشت، چشمه ساری است برای پاک کردن گناهان تو.»

(شیرین احمدی)

### ۳-۳-۲-پایان اعتکاف

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «هرکس از روی ایمان و و اخلاص و به خاطر خدا اعتکاف کند، گناهان گذشته او آمرزیده می‌شود».(۱)

عمل «ام داود» که تمام می‌شود صف های فشرده نماز سریع تر از هر روز شکل می‌گیرند. نماز جماعت هم باشکوه تر از همیشه برگزار می‌شود. احساس سبکی می‌کنیم. احساس خلاء، شاید هم احساس آرامش. امّا هرچه که هست مطمئنی که با سه روز قبلت فرق دارد. نماز هم تمام می‌شود. امروز کسی برای میل کردن افطاری، عجله ای ندارد. برخی دارند هر چه زودتر ساک و پتویشان را جمع می‌کنند برای رفتن. برخی در حال خداحافظی با دوستانشان هستند. برخی هم آخرین بلوتوث های تازه رسیده را دارند برای یکدیگر می‌فرستند. امّا تو در

---

۱- کنزالعمال، ج۸، ص ۵۳۰، حدیث ۲۴۰۰۷.

این میان، گوشه ای تکیه زده ای فارغ از دیگران. به در و دیوار مسجد نگاهی می‌اندازی. امّا هرچه به خودت فشار می‌آوری، پاهایت یاری نمی‌کنند که تو را از اینجا ببرند. مگر می‌شود، سه روز در بهترین اماکن مقدّس زمین، در بهترین روزهای خوب خداوند، مهمان باشی و به همین راحتی بگذاری و بروی؟ مگر می‌شود، این تنهایی را رها کرد؟ این خود بودی که فارغ از هر مکان و زمان در خلایی سه روزه بدون هیچ مزاحمتی فرو رفته بودی. ولی چاره ای نیست، گویا قرار است مثل تمام قطرات بارانی که با رسیده تر شدنشان به دریای متلاطم فرو می‌ریزند، به بستر این جامعه هزار تو و هزار رنگ بازگردی. نگرانی، نگران از آنکه نکند مثل قطره ای بی تأثیر در این دریای عمیق فرو بروی و محو بشوی و تا به خودت بیایی، ببینی که دیگر دیر شده است تو هم قسمتی از این دریا شده ای. حالا دیگر به همه این آب های روی هم می‌گویند: جامعه. این چیزی است که تو از آن بیم داری. باز نگاهی به اطراف مسجد می‌اندازی، خلوت تر شده است. معدودی از معتکفین هنوز دارند آخرین مناجاتشان را با خدا ادامه می‌دهند و برخی همچنان در حال رفتن. این بار احساس می‌کنی چیزی سنگین راه گلویت را بسته است. احساس می‌کنی چشمانت داغ شده اند، احساس می‌کنی گونه هایت هم سرخ شده است. حالا دیگر طعم تلخی بر لبانت نشسته است. این را می‌گویند اشک فراق. اصلاً دلت می‌خواهد مثل زمان کودکی که وقتی مصرّانه چیزی را از مادرت می‌خواستی، گریه می‌کردی و داد می‌زدی که: من می‌خواهم بمانم؟ می‌خواهم در این حال خوش باقی بمانم. نمی‌خواهم دوباره لکّه ای بر وجودم بنشیند و ذره ذره وجودم را سیاهی بگیرد. تا اینکه دستی گرم بر شانه ات می‌نشیند و قبل از اینکه تو ببینی چه کسی تو را خطاب می‌کند، می‌گوید: مگر قرار نبود برای پیوستن به همین جامعه خودت را پاک و آماده

کنی؟ اگر قرار باشد قطرات باران تا ابد در آسمان بمانند که دیگر زمین از تشنگی هلاک می‌شود. چاره اش آن است که در دل همین دریا سعی کنی به مروارید ارزشمند در دل صدف زندگی ات تبدیل شوی، مرواریدی سفید.(۱)

معتکف بعد از اعتکاف، دنیا را طور دیگری می‌بیند. خدا را همه جا احساس می کند. سبکبال است. از طرفی نشاط در وجودش پر می کشد و از طرفی اشک در چشمانش حلقه می‌زند و مانند کسی است که می‌خواهد با ماه مبارک رمضان خداحافظی کند. حال و هوای دیگری دارد و آرزو می کند که ای کاش همیشه در محضر دوست باشد. او دیگر خدایی شده است.

## ۴-۲-خاطرات

### ۱-۴-۲-خاطره ای از آیت الله نجم الدین طبسی

سفری در بیروت بودیم و اعمال اعتکاف را در حوزه علمیه بیروت انجام دادیم، سه روز روزه گرفتیم و در نهایت اعمال امّ داود را انجام دادیم، درخواستی داشتیم، عده ای از سربازان حزب الله، شیعیان حضرت امیرالمومنین علیه السلام در زندانهای صهیونیست های اسرائیلی بودند، همه با هم برای آزادی ایشان بعد از اعمال، دعا کردیم که هرچه زودتر آزاد شوند که به حمدالله به حول و قوه الهی آزاد شدند و دعایمان مستجاب شد. که اینها همه از برکات این اعمال ام داود است.

### ۲-۴-۲-سقف آبی مسجد

«و زمین، حرم امنِ خدا بود، ولی من بنده خوب خدا نبودم. من که زندگی ام سرشار از شادی است، آن را احساس نمی کنم. احساس خسران و پوچی از درونم شعله می کشد. نمی توانم آنچه را می بینم باور کنم :

---

۱- سلوک (ویژه نامه اعتکاف) ، احمد یوسفی صراف، آستان قدس رضوی، تیرماه۱۳۸۸.

من گم شده ام یا خدا؟! من فرار می کنم یا دنیا؟! من ریزترین ماهی و تو آبی ترین دریا. من ستاره ای در کورسوی کهکشانم و تو آسمان بی کرانی. گریه، ناله، اشک... و ناگهان امید در دلم جوانه زد.

خاک های لبا سم را می تکانم، غمهایم را پشت در مسجد چال می کنم.

من معتکف می شوم. مثل یونس در دل نهنگ. من در دل دنیا معتکف شده ام.

خدایی جز تو نیست و من بنده ستمکار تو هستم.

روز اول سخت و آسان؛ امروز سیزدهم رجب است. امروز روز آشنایی است، مرا به یاد می آوری خدا؟! نماز می‌خوانم، توبه می کنم. از فکرهای بد، از کارهای ناشایست. از فراموشی مبهم زندگی. من تو را فراموش نکرده ام، ای دوست.

روز دوم فرا رسید؛ نه گرسنه ام، نه تشنه. نه بیدارم، نه خواب. می دانم امروز چهاردهم رجب است. خورشید زیباست، آسمان آبی پیداست؛ اما من اینها را برسقف آبی مسجد می بینم. هنوز هم معتکفم. از بیرون بی خبرم، اما درونم را می بینم، خودم را تماشا می کنم. در صورت مردم، در آیات قرآن، و آفتاب غروب می کند در روز دوم.

سجاده ام را باز کرده ام، امروز روز سوم است. ظهر روز سوم، لقمان، یاسین، انعام، بنی اسرائیل و کهف؛ همه را به شهادت می گیرم.

شما آیات قرآن می دانید که من عاشقانه خدا را دوست دارم. توبه کرده ام، پشیمانم. شاید بدون یاد خدا زنده باشم، ولی زندگی نمی کنم. از نعمت های خدا بهره نمی برم. من آلودگی ها را پاک کرده ام. حالا دیگر پاک پاکم. دیگر می توانم به شادی سرم را بالا ببرم، من خودم و تو را تصویر می کنم.

و دریایی اشک که گناهانم را پاک کرد.

دعایم برآورده شد، دوستی ام پذیرفته شد، من قبول شده ام».

(جلیل وند)

### ۳-۴-۲-غریبه آشَن

«به تیپ و قیافه اش نمی‌آمد اهل اینجور کارها باشد. بر عکس بقیه، نه رحل قرآن جلویش گذاشته بود و نه جا نمازی مقابلش پهن بود. زانوانش را بغل گرفته بود. خیره خیره چراغ سبز بالای محراب را تماشا می کرد.

پرسیدم: چطوری اخوی ؟ بالا بالا سیر می کنی...!

به خودش آمد. کمی خودش را جمع و جور کرد و گفت: آره واقعاً.... بعد ادامه داد: وقتی دلم می گرفت یا بلد بودم به دور و بریهایم غرغر کنم یا بروم توی اتاق و موسیقی را تا درجه آخر، بلندکنم و خودم را بزنم به بی خیالی. گاهی هم با بچه ها می‌رفتیم پارک و خیابان گردی و اینجور حرف ها...ولی راستش هیچ کدام، آرامم نمی کرد. بدتر انگار گره کور مرا، کورتر می کرد. امّا اینجا..... کنار این همه آدمی که از خود بی خود شدنشان هم یک جورهایی

آخر هوشیاری است، احساس می کنم سبک شده ام.

احساس می کنم مقدس شده ام. احساس می کنم تازه آن کسی را که بهش

می گفتند«خدا»، دارم می‌شناسم. دارم می‌بینم. بعد سرش را انداخت پایین.

لحظه ای توی فکر رفت و گفت: «به هیچ کس نگفتم این سه روز کجا می‌روم. اصلاً نمی‌دانستم باید با خودم چی بیاورم. همین طوری دست خالی آمدم».

گفتم: «همین دست خالی بودنت به همه چی می‌ارزه».

داشتم خلوتش را خراب می کردم. تسبیح تربتم را توی دستانش جا گذاشتم و رفتم...».

### ۴-۴-۲-اعتکاف در غربت

در ماه مبارک رجب در مطب مشغول ویزیت بیماران بودم که شخصی از درب مطب وارد شد و پیشنهاد شرکت در اعتکاف را داد. این شخص قبلاً از

بیماران من بود. بعد از اظهار دعوت، آدرس محل اعتکاف را که مسجدی در شهر شارجه در امارات متحده عربی بود، داده و زمان شروع آن را یادآوری کرد... به جمع معتکفین پیوستم. افراد حاضر از نظر نژادی سفید، سیاه و دورگه بودند. سیاهان از آفریقا، افرادی با رنگ پوست قهوه ای از کشورهای هند، پاکستان، بنگلادش و جنوب ایران و سفیدپوستان از سایر کشورهای جهان و از جمله ایران بودند. از نظر مذهبی، اکثر مذاهب اسلامی شامل تشیّع و تسنّن در جمع شرکت داشتند. کسی به مذهب دیگری کاری نداشت. نگاه ها به سوی وحدانیت خدا متمرکز بود. برای هر کاری برنامه ریزی شده بود، از جمله غذای افراد معتکف. البته افراد معتکف خود هزینه غذا را می‌پرداختند و آن را درست می کردند. برای تغذیه افراد معتکف، هرکس نسبت به دیگری سبقت می گرفت. گویی تغذیه معتکفین برای افراد داخل مسجد نوعی عبادت بود... موضوع قابل توجه دیگر اینکه اثری از دخالت حکومت و حاکمان محل و کشور در آنجا مشاهده نمی‌شد... برای به جا آوردن اذان و نماز جمع با همدیگر قرار گذاشتند که هر مذهبی بنام تشیع و تسنن اذان خود را جدا، ادا کند و در مورد بعضی حرکات در حین ادای نماز که با همدیگر اختلاف داشتند قرار گذاشتند که سنّت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را به هرشکل که بوده، انجام دهند.... پایان اعتکاف در مسجد، پایان کلّی اعتکاف نبود. مطابق قرار قبلی، پس از اذان مغرب معتکفین از مسجد واقع در شارجه.... به سمت مسجدی در دبی که عده ای دیگر در آن حال اعتکاف بودند، حرکت کردند... وقتی دو جمعیت به همدیگر رسیدند با

چهره ای خندان و گریان همدیگر را در آغوش کشیدند، البته آرام آرام صحنه گریه در افرادی که به آنها می‌پیوستند، بیشتر ظاهر می‌شد... پذیرایی ساده و محبت آمیزی در مسجد انجام گرفت... افراد به دسته های چند نفره تقسیم شدند

و برای هر دسته یک مسوول مشخص شد. به هر گروه آدرسی دادند... زنگ اولین خانه را زدم... بعد از نشستی مختصر، من به عنوان مسوول گروه، به عربی سوال کردم که چطور هستید؟ بقیه اعضای خانواده کجا هستند؟ احوالشان چطور است؟ آیا مشکلی هم دارند؟ منظورم از مشکل هم مشکلات مادّی بود هم اخلاقی و... جالب بود که ما به عنوان معتکف، مهمان خانه ها می‌شدیم اما پس از خداحافظی، اعضای خانه در پی ما حرکت می‌کردند و وقتی به خانه دیگری می‌رفتیم، آنها پشت درب می‌ایستادند و منتظر می‌ماندند تا ما از منزل بیرون بیاییم... گویی اعتکاف منحصر به دو مسجد در دو شهر نبود. روح اعتکاف به همه افراد در آن محله ها تسری و حاکمیت پیدا کرده بود...

(دکتر امرالله احمدی)

### ۵-۴-۲-چرا اعتکاف؟

وقتی شنید می‌خوام برای ثبت نام اعتکاف برم رو ترش کرد و گفت: این اعتکاف از کجا در اومده؟ اصلًا کی گفته باید رفت اعتکاف؟ و سه روز زندگی رو تعطیل کرد؟ با تعجب نگاش کردم و گفتم: این حرفها رو جدی می‌گی سعید؟ لبخندی زد و گفت: بله شما اگه می‌تونی دلیل بیار که من هم قبول کنم و بیام؟

دستش را گرفتم و گفتم: ببین داداش من! اولاً- که در قرآن آیه ای آمده که خداوند به دو نفر از پیامبران بزرگش حضرت ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام دستور می‌ده که خانه مرا برای معتکفین پاکیزه کنید. دوماً بسیاری از پیامبران و به خصوص پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم به بحث اعتکاف خیلی اهمیت می‌دادند. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم دهه آخر ماه رمضان را در مسجد معتکف می‌شدند. سوماً اعتکاف

تعطیلی زندگی نیست، سکونی است برای حرکت سریع تر، تجدید قوای معنوی است برای جنگ با شیطان...

### ۶-۴-۲- دنیایی از نور و صفا

«وقتی وارد مسجد شدم، فکر کردم دنیایی نور و صفا به صورتم تابیده شد. آن وقت اشک از چشمانم جاری گردید. دست خودم نبود. خود اشک ها بی تاب تر از من بودند. بسم الله گفتم و انگشت اشاره ام را بردم به طرف چشمم، قطره ای اشک برداشتم. انگشتم خیس شد، بوسیدمش. خیلی دلم برای خدا تنگ شده بود. امسال دوست دارم از ثانیه ثانیه هایش استفاده کنم. دوست دارم آن قدر خوب باشم تا خدا، سال دیگر برایم کارت دعوت عشق بفرستد.

خدایا! می دانم اگر از تو بخواهم، حتماً دعوتم می کنی. مگر می شود کسی را که یک سال انتظار کشیده، دعوت نکنی. مگر می شود بنده حقیری را که برای عشق سر به سجده ساییده و اشک ریخته، تنها بگذاری. خدایا! مثل آفتابگردان، روی مرا به طرف خودت بگیر و نگذار غیر از تو را دوست داشته باشم. خدایا! مرا از معتکفان واقعی ات قرار ده. آمین!»

(سمیه عزیزی)

## لغت نامه

لغت نامه(۱)

ابتهال: دعا و زاری*

ابدال: دسته ای از صلحاء و خاصان خدا که گویند هیچ گاه زمین ازآنان خالی نباشد.*

اجیر: شخصی که انجام عملی را در برابر مزدی متعهد میشود.*

استیجاری: عمل واجبی که شخص مکلف به جا نیاورده و [پس از مرگ او] با پرداخت وجهی شخصی را اجیر کنند تا آن را به جا آورد.* مانند اعتکاف استیجاری که اعتکافی است که فرد برای دیگری با دریافت مزد انجام می‌دهد.

اسرائیل: در زبان عبری به معنای بنده خدا است. (اسرا: بنده / ایل: خدا)

اعتصام: چنگ زدن*

اقتصار: اکتفا کردن به چیزی*

اقرب طرق: نزدیکترین راه

اماره: نشانه، علامت

اماله: تنقیه کردن که از مبطلات روزه است. امروزه به جای تنقیه از شیاف استفاده می‌شود.

انانیّت: خودخواهی، غرور*

انیّت: خودبینی

اوتاد: چهار تن از اولیاء هستند که اگر یکی بمیرد دیگری به جایش آید.*

ایّام البیض: روزهای سفید، روزهایی که شبهای آنها مهتابی و روشن است یعنی شبهای ۱۳، ۱۴و ۱۵ هر ماه قمری

ایقاع: عمل قضایی یکطرفه ای که دارای دو شرط است: ۱) عمل یکطرفه باشد. ۲) قابل فسخ نباشد. برای تحقق ایقاع رضایت منشا اثر کافی است. مانند طلاق، نذر و عهد.

بنابر اقوی: نظر اقوی بر این است. فتوای صریح است و باید طبق آن عمل شود.

بیتوته: شب در جائی ماندن*

تبرّعی: داوطلبانه و بدون دریافت مزد

تجرید: ترک اغراض دنیوی ظاهراً و نفی اغراض دنیوی و اخروی باطناً و فقط تقرّب به خدا منظور باشد.

تضرّع: زاری نمودن به سوی خدا و عجز و خواری کردن و حاجت خواستن از وی*

---

۱- *: لغت نامه دهخدا

تعبّدی: واجبات به دو قسم تعبّدی و توصّلی تقسیم می‌شوند. واجب تعبّدی یعنی آنکه جهت صحّت آن قصد قربت و نداشتن هیچ غرض دنیوی شرط است وگرنه صحیح نیست مانند نماز و روزه امّا واجب توصّلی یعنی اگر به قصد قربت هم انجام نیابد تکلیف ساقط می‌شود مانند دفن میّت، اطاعت پدر و مادر، وفای به عهد.

تهجّد: بیدار شدن برای نماز یا جز آن*، شب زنده داری جهت عبادت و نماز شب

تهلیل: لا اله الا الله گفتن

جوع: گرسنگی*، کم خوری

حرج: سختی و مشقّت

خرق: پاره کردن*

راجحه: دارای رجحان و برتری

رجائاً: به قصد رجاء، به امید اینکه مطلوب باشد و به امید ثواب، نه به عنوان عمل به یک دستور مستحّب دینی

زوال خورشید:اول ظهر که خورشید ازمیانه آسمان به طرف مغرب متمایل شود. نزدیک ظهر

الست: روزی که خداوند در عالم ذر خطاب به مردم الست بربکم فرمود. لفظ الست اشاره است به آیه۱۷۲ سوره اعراف«الست بربکم؟ قالوا بلی». یعنی خداوند قبل از خلق اجساد به ارواح فرمود: آیا من پروردگار شما نیستم؟ گفتند: بلی. *

سرداب: زیرزمین

شَمّ طیب: بوئیدن چیز خوشبو

صمت: سکوت، خاموش بودن*، پرهیز از سخن بیهوده و لغو.

طوبی لهم: خوشا به حال آنان

ظِهار: اینکه مرد به همسرش بگوید «انت عَلیَّ کَظَهرِ اُمّی»(تو برای من همچون مادرم هستی). این نوعی از طلاق در زمان جاهلیّت بود. طلاقی که نه بازگشت پذیر بود و نه زن آزاد می‌شد که بتواند همسری برای خود برگزینند. ظهار ازگناهان کبیره است و هرگاه کسی نسبت به همسرش ظهار کند، همسرش می‌تواند با مراجعه به حاکم شرع او را موظف کند که یا رسماً از طریق طلاق از او جدا شود و یا چنانچه بخواهد به زندگی زناشوئی ادامه دهد، باید پیش از بازگشت کفّاره بدهد. کفّاره ظِهار این است که در صورت توانائی یک برده آزاد کند و اگر نتوانست دو ماه پی در پی روزه بگیرد و اگر آن هم مقدور نبود

شصت مسکین را اطعام کند.(تفسیر نمونه، ج۲۳، ص۴۰۳)

عالم حس(شهادت یا مادّه یا مُلک): همان عالم طبیعت است که جسم دارای ماده و صورت است.

عـالم عقـل(جبروت یـا ارواح یـا خلقت نـوری یـا تجرد تـامّ): عـالمی است که حقیقت و نفس در آن عـالم، نه مـادّه دارد و نه صورت. موجودات آن مجرّد تام(مثل ملائکه) هسـتند و فاقـد ابعاد مکانی و زمانی هسـتند و تعلقی هم به موجود مادّی ندارند. عـالم عقـل بالاترین مرتبه درعوالم مخلوق بوده و در مرحله نازلتر، عالم مثال و پائینتر از آن عالم مادّه و جهان مادّی قرار دارد. [باطن باطن عالم مادّی است].

عالم مثال(برزخ): عالمی است میان عالم ارواح و عالم اجسام که شبیه به عالم اجسام است مثل تصویر در آئینه که جسم به نظر می‌آید امّا جسم نیست. خواب از صُور عالم مثال است. روح بعد از جدا شدن از بدن تا قیامت درعالم مثال می‌ماند. [باطن اول عالم مادّی است].

عُدول: برگشتن، رجوع کردن از رای و عقیده، اعراض از کاری که باید انجام دهند.

غریوان: فریاد کنان، بانگ زنان

قاصر: کوتاه آمده در وظیفه و کاری، نه به عمد*

قذرات: جمع قذر(پلیدی)ا

قِی کردن: استفراغ کردن، که اگر به صورت عمدی انجام شود از مبطلات روزه است.

لاسیما: به خصوص

لتکیّف: برای لذّت

لوث: آلودگی*

مبدّل السیّئات بالحسنات: تبدیل کننده گناهان به حسنات

متردّد: مردّد، دو دل* (جاهل متردّد: فردی که مساله را دقیق نمی داند)

مُحرِم: کسی که احرام می‌بندد و لباس احرام می‌پوشد.

مستحاضه: به طور کلّی تمـام خونهـایی که غیر از حیض و نفاس و زخم و دمل است و از رحم خارج می‌شود خون استحاضـه است که بر سه قسم است: کثیره، متوسطه و قلیله. زن را در موقع دیدن خون استحاضه، مستحاضه می گویند.

مشّاق: سختی ها*

مقصّر: کوتاه آمده در وظیفه به عمد*

موائد: جمع مائده(خوان پرطعام) *

موفور السرور: زیاد کننده سرور و شادی

## منابع

۱- ابن ابی جمهور الاحسائی(م ۸۸۰ق)، عوالی اللئالی، تحقیق السیّد شهاب الدین النجفی المرعشی، الغارات، قم، ۱۴۰۳ ه.ق.

۲- ابن حیون، نعمان بن محمّد مغربی(م۳۶۳ق)، دائم الاسلام، تحقیق و تصحیح: فیضی آصف، ناشر موسسه آل البیت علیهم السلام، قم، چاپ دوّم، ۱۳۸۵ ه.ق.

۳- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی(قرن ۴)، تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله و سلم، تحقیق و تصحیح: غفاری علی اکبر، ناشر جامعه مدرسین قم، چاپ دوم، ۱۳۶۳ ه.ش.

۴- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی(قرن ۴)، تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله و سلم، ترجمه جنتی، موسسه امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۲ ه.ش.

۵- ابن شهر آشوب(م۵۸۸ق)، مناقب آل ابی طالب، تحقیق و تصحیح و شرح: لجنه من اساتذه النجف الاشرف، المکتبه الحیدریه، النجف الاشرف،۱۳۷۶

۶- ابن فارس، احمد بن فارس(م۳۹۵ق)، معجم المقاییس اللغه(۶جلد)، تصحیح هارون، عبدالسلام محمد، مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۴۰۴ ه.ق.

۷- ابن فهد الحلی، جمال الدین احمد بن محمد(۷۵۷-۸۴۱ق)، التحصین فی صفات العارفین من العزله و الخمول بالاسانیه المتلتاه عن آل رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم، تحقیق و نشر: مدرسه امام المهدی علیه السلام، سید محمد باقر الموحد الابطحی(اصفهانی)، موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل بیت علیهم السلام، ۱۴۰۶ ه.ق.

۸- ابن منظور، محمّد بن کرم(۶۳۰-۷۱۱ق)، لسان العرب(۱۵جلد)، مصحح: عبدالوهاب، امین محمد و عبیدی، محمد صادق، دارالفکر للطباعه و النشر و التوزیع، بیروت، ۱۴۱۴ ه.ق.

۹- ابوالحسن الشریف الرضی محمّدبن الحسین بن موسی الموسوی(م۴۰۶ق)، نهج البلاغه(کلام امیرالمومنین علیه السلام)، تحقیق: السیّد کاظم المحمّدی و محمّد الدشتی، دار نشر الامام علی علیه السلام، قم، چاپ دوم، ۱۳۶۹ ه.ش.

۱۰- ابوبکر الکاشانی(م ۵۸۷)، بدایع الصنایع، المکتبه الحبیبیه باکستان، ۱۴۰۹ ه.ق.

۱۱- احمدی میانجی، علی، مکاتیب الائمه، تحقیق: فرجی، مجتبی، سازمان چاپ و نشر دارالحدیث

۱۲- احمدی، دکتر امرالله، اعتکاف در غربت، سرود اندیشه، اصفهان، ۱۳۸۹ ه.ش.

۱۳- استاد ولی، حسین، آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

۱۴- اصفهانی نجفی، صاحب الجواهر، محمد حسن(م۱۲۶۶ق)، جواهرالکلام فی شرح شرائع الاسلام(۴۳جلد)، تحقیق و تعلیق: شیخ عباس قوچانی-علی آخوندی، دارالکتب الاسلامیه، چاپخانه خورشید، تهران، چاپ ۱۳۶۷ ه.ش.

۱۵- امین الشرع خوئی، میرزا ابوالقاسم، تذکره المعاصرین، به کوشش: صدرائی خوئی، علی

۱۶- الامین، حسن(م۱۳۶۸ق)، مستدرکات اعیان الشیعه، دار التعارف للمطبوعات، بیروت، چاپ دوّم، ۱۴۱۸ ه.ق.

۱۷- الامینی النجفی، عبدالحسین احمد(۱۳۹۲ق)، الغدیر، ترجمه: فارسی، جلال الدین، کتابخانه بزرگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۳

۱۸- الامینی النجفی، عبدالحسین احمد(۱۳۹۲ق)، الغدیر، دارالکتب العربی، بیروت، ۱۳۹۷ه.ق.

۱۹- انجم شعاع، محمّد، احکام اعتکاف، نشر بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۰ ه.ش.

۲۰- البخاری الجعفی، ابی عبدالله محمّد بن اسماعیل بن ابراهیم بن المغیره بن بردزیه (م۲۵۶ق)، صحیح البخاری، تحقیق: دیب البغا مصطفی، دار ابن کثیر، بیروت، ۱۴۱۰ ه.ق.

۲۱- البستانی، فواد افرام، مهیار، رضا(م۱۹۰۶م)، فرهنگ ابجدی(ترجمه کامل المنجد الابجدی)، انتشارات اسلامی، تهران، ۱۳۷۵ ه.ش.

۲۲- بهجت فومنی، محمّد تقی، استفتائات(بهجت)(۴ جلد)، دفتر معظم له، قم، اول، ۱۴۲۸ ه.ق.

۲۳- بهجت فومنی، محمّد تقی، جامع المسائل(بهجت)(۵جلد)، دفترمعظم له، قم، دوم، ۱۴۲۶ ه.ق.

۲۴- بهجت فومنی، محمّد تقی، وسیله النجاه(للبهجه)(یک جلد)، انتشارات شفق، قم، دوم، ۱۴۲۳ ه.ق.

۲۵- البیهقی، احمدبن الحسین(م۴۵۸ق)، السنن الکبری، تحقیق: عطا، محمّد عبد القادر، دارالکتب العلمیه، بیروت، اول، ۱۴۱۴ ه.ق.

۲۶- پاینده، ابوالقاسم(م۱۳۶۳ش)، نهج الفصاحه، دنیای دانش، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۸۲

۲۷- تبریزی، میرزا جواد بن علی(م۱۴۲۷ق)، رساله احکام بانوان، قم

۲۸- تبریزی، محمد زمان بن کلبعلی(قرن۱۲ق)، فرائد الفوائد در احوال مدارس و مساجد، به کوشش: جعفریان رسول، ناشر: دفتر نشر میراث مکتوب وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی احیاء کتاب، تهران، ۱۳۷۳ ه.ش.

۲۹- تجلیل تبریزی، آیت الله ابوطالب، ارزشها و ضدّ ارزشها در قرآن، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ سوم۱۳۸۲ ه.ش.

۳۰- الترمذی(ابوعیسی)، محمّد بن عیسی(م۲۷۹ق)، سنن التّرمِذی(الجامع الصحیح)، تحقیق: محمّد شاکر، احمد، دار احیاء التراث، بیروت

۳۱- تقدسی نیا، خسرو، مسجد در آیینه قرآن و روایات، انتشارات ائمه، قم، ۱۳۷۷ ه.ش.

۳۲- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمّد(م۵۵۰ق)، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، تحقیق: درایتی مصطفی، دفتر تبلیغات، قم، چاپ اول، ۱۳۶۶ ه.ش.

۳۳- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمّد(م۵۵۰ق)، غررالحکم و درر الکلم، تحقیق: رجائی سیّد مهدی، دارالکتاب الاسلامی، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۰ ه.ق.

۳۴- تمیمی، ابن حنیفه نعمان بن محمّد(م۳۶۳ق)، دعائم الاسلام، دارالمعارف، مصر، چاپ سوم

۳۵- جزائری، سید نعمت الله(م۱۱۱۲ق)، النور المبین فی قصص الانبیاء والمرسلین، انتشارات شریف رضی، قم

۳۶- جزایری، سید نورالدین، محقق باقری بیدهندی، ناصر، خصائص زینبیه (ویژگی های حضرت زینب)، انتشارات مسجد مقدس جمکران

۳۷- جمالی، نصرت الله، اعتکاف، انتشارات لوح محفوظ، قم، اول، ۱۳۷۸ ه.ش.

۳۸- الجناحی(کاشف الغطاء)، جعفر(م ۱۲۲۸)، کاشف الغطاء، انتشارات مهدوی اصفهان

۳۹- الحر العاملی محمّد بن حسن(م۱۱۰۴ق)، الجواهر السنیه فی الاحادیث القدسیه(کلیّات حدیث قدسی)، انتشارات دهقان، چاپ سوم، ۱۳۸۰ ه.ش.

۴۰- الحر العاملی، محمّد بن الحسن(م ۱۱۰۴ق)، ترجمه صحت، علی، جهاد با نفس وسائل الشیعه،انتشارات ناس، تهران، ۱۳۶۴ ه.ش.

۴۱- الحر العاملی، محمّد بن الحسن(م ۱۱۰۴ق)، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشرعیه، تحقیق وتصحیح وتذییل: الرازی، الشیخ محمّد، تعلیق: الشعرانی، الشیخ أبی الحسن، دار إحیاء التراث العربی، بیروت

۴۲- الحر العاملی، محمّد بن الحسن(م ۱۱۰۴ق)، وسائل الشیعه(۳۰ جلد)، تحقیق و تصحیح موسسه آل البیت علیهم السلام، ناشر موسسه آل البیت علیهم السلام، قم، چاپ اول، ۱۴۰۹ ه.ق.

۴۳- الحر العاملی، محمّد بن الحسن(م ۱۱۰۴ق)، وسائل الشیعه(۳۰جلد)، تحقیق و تصحیح: عبدالرحیم ربّانی شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۳ ه.ق.

۴۴- الحرّانی، الحسن بن علی(م۳۸۱ق)، تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله و سلم، تحقیق: علی اکبر غفاری، انتشارات اسلامیه، تهران، ۱۴۰۲ ه.ق.

۴۵- حسینی خامنه ای، سید علی، رساله اجوبه الاستفتائات، للطباعه و النشر دارالحق، بیروت، چاپ اول، ۱۹۹۶ م.

۴۶- حسینی خامنه ای، سید علی، مترجم: احمد رضا حسینی، رساله اجوبه الاستفتائات، الهدی، تهران، چاپ پانزدهم، ۱۳۸۸ ه.ش.

۴۷- الحلّی (سیّد بن طاووس)، السیّد رضی الدین علی بن موسی بن جعفر بن طاووس(۵۸۹-۶۶۴ق)، الاقبال بالاعمال الحسنه(۳ جلد)، تحقیق: قیّومی اصفهانی جواد، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، چاپ اوّل، ۱۳۷۶ ه.ش.

۴۸- الحلّی (سیّد بن طاووس)، السیّد رضی الدین علی بن موسی بن جعفر بن طاووس(۵۸۹-۶۶۴ق)، الاقبال الاعمال(۲ جلد)، محقّق ندارد، دارالکتب اسلامیه، تهران، چاپ دوّم، ۱۴۰۹ ه.ق.

۴۹- حلی، مقداد بن عبدالله سیوری، ترجمه فارسی کنز العرفان فی فقه القرآن(۲جلد)، ترجمه و تصحیح بخشایشی، عبدالرحیم عقیقی(م۸۲۶ ق)، ناشر پاساژ قدس پلاک۱۱۱، قم

۵۰- حیدری، معصومه، اثرات و برکات اعتکاف، تهران، اول، ۱۳۷۸ ه.ش.

۵۱- خراسانی واعظ زاده، محمّد، ترجمه الجمل و العقود فی العبادات، طوسی ابوجعفر محمد بن حسن(۴۶۰ ه.ق.)، موسسه نشر دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۷ق، چاپ اول، مشهد

۵۲- خراسانی، محمّدجواد(۱۲۹۱)، تحقیق ناصر باقری بیدهندی، اعتکاف در اسلام، بنیاد پژوهشهای علمی فرهنگی نورالاصفیاء، ۱۳۸۱ ه.ش.

۵۳- الخمینی، السید روح اللّه الموسوی، تحریرالوسیله(۲ جلد)، دارالکتب العلمیه، نجف اشرف، چاپ دوم، ۱۳۹۰ ه.ش.

۵۴- الخمینی، السید روح اللَّه الموسوی، نجاه العباد، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله

۵۵- خمینی، سید روح اللّه الموسوی، تحریرالوسیله(۴جلد)، مترجم: اسلامی، علی، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۲۵ ه.ق.

۵۶- خمینی، سید روح اللّه الموسوی، توضیح المسائل فارسی، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ نهم

۵۷- خمینی، سید روح اللّه الموسوی، توضیح المسائل(محشی امام خمینی)(۲جلد)، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ هشتم، ۱۴۲۴ ه.ق.

۵۸- خمینی، سیّد روح الله موسوی، آداب الصلاه، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول، ۱۳۷۰ ه.ش.

۵۹- خمینی، سیّد روح الله موسوی، استفتائات(۲جلد)، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ اول، جلد اوّل ۱۳۶۶ و جلد دوّم ۱۳۷۲ ه. ش.

۶۰- خمینی، سیّد روح الله موسوی، شرح چهل حدیث

۶۱- خمینی، سیّد روح الله موسوی، شرح حدیث جنود عقل و جهل، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، موسسه چاپ و نشر عروج

۶۲- خمینی، سیّد روح الله موسوی، صحیفه نور، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۶۱ ه.ش.

۶۳- خوئی(م۱۴۱۳ق)، توضیح المسائل(فارسی)، چاپ التاسع والعشرون، چاپخانه مهر قم،۱۴۱۲ ه.ق.

۶۴- خوئی(م۱۴۱۳ق)، منهاج الصالحین، چاپ الثامنه و العشرون، چاپخانه مهر قم،۱۴۱۰ ه.ق.

۶۵- الدارقطنی(م ۳۸۵)، سنن دارقطنی، تحقیق: مجدی بن منصور سیدالشوری، دارالکتب العلمیه بیروت، ۱۴۱۷ ه.ق.

۶۶- دشتی، محمّد، ترجمه نهج البلاغه، نشر مشرقین، قم، چاپ هفتم

۶۷- دکتر جواد علی، کتاب المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، دارالساقی، چاپ چهارم، ۱۴۲۲ ه.ق.

۶۸- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا

۶۹- الراغب الاصفهانی، حسین بن محمّد(م۴۲۵ق)، مفردات الفاظ القرآن الکریم، تحقیق: داودی، صفوان عدنان، دارالقلم، بیروت، اول، ۱۴۱۲ ه.ق.

۷۰- الراوندی، فضل الله(م۵۷۱)، النوادر، تحقیق: سعید رضا علی عسکری، مؤسسه دار الحدیث الثقافیه، قم، چاپ اول

۷۱- رضایی تیریزی، اکبر، مجله گلبرگ، شهادت شیخ فضل الله نوری، شماره ۳۱، تیر۱۳۸۱ ه.ق.

۷۲- رواه(قرن۳)، الاصول السته عشر من الاصول الاولیه(مجموعه من کتب الروایه الاولیه فی عصر الائمه المعصومین علیهم السلام)، تصحیح: محمودی ضیاءالدین، جلیلی نعمت الله، غلامعلی مهدی، مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی(دارالحدیث، ۱۳۸۱)

۷۳- زاهری، احسان، اعتکاف نجوای عاشقانه، نشر الطیّار، قم، چاپ اول، ۱۳۸۵ه.ش.

۷۴- زرکشی، محمّدبن عبدالله، اعلام المساجد باحکام المساجد، تحقیق المراغی، ابوالوفاء مصطفی، قاهره، ۱۳۸۴ ه.ق.

۷۵- سازمان تبلیغات اسلامی اصفهان، اعتکاف خلوت چند روزه با خدا، اصفهان، ۱۳۷۵ ه.ش.

۷۶- سازمان تبلیغات اسلامی خراسان جنوبی، ویژه نامه اعتکاف، بیرجند، ۱۳۸۵ ه.ش.

۷۷- سازمان تبلیغات اسلامی، معاونت فرهنگی، حیات طیبه(مجموعه مقالات پیرامون اعتکاف)، نشر نوای قلم، قم، چاپ اول، ۱۳۸۵ ه.ش.

۷۸- السجستانی الازدی، ابی داود سلیمان بن اشعث(م۲۷۵ق)، سنن ابی داود، تحقیق: عبدالحمید، محمّد محیی الدین، دار احیاء السنّه النبویه، بیروت

۷۹- سعادت پرور الشیخ علی، سر الاسراء فی شرح حدیث المعراج، مکتبه التشیع، ۱۴۱۶ ه.ق.

۸۰- سمهودی، علی بن احمد وفاء، الوفاء باخبار المصطفی، تصحیح: محفوظ خالد عبدالغنی، دارالکتب العلم

۸۱- سیاح، احمد، ترجمه المنجد، انتشارات اسلام، تهران، ۱۳۸۷ ه.ش.

۸۲- السیّد الطباطبائی(م۱۴۱۲)، سنن النبی صلی الله علیه و آله و سلم، تحقیق: الشیخ محمّد هادی الفقهی، موسسه النشرالاسلامی، رمضان ۱۴۱۹ ه.ق.

۸۳- السیّد محمّد العاملی(م ۱۰۰۹)، مدارک الاحکام، تحقیق و نشر موسسه آل البیت علیهم السلام لاحیا التراث، قم المشرفه، ۱۴۱۰ ه.ق.

۸۴- سیستانی، حاج سید علی، تعلیقه علی العروه الوثقی(۳ جلد)، چاپ اوّل، ستاره قم، ۱۴۱۵ ه.ق.

۸۵- سیستانی، حاج سیدعلی، منهاج الصالحین، مکتب آیت الله العظمی السید سیستانی، قم، چاپ اول، ۱۴۱۴ ه.ق.

۸۶- سیوطی، جلال الدین(م۹۱۱ق)، درر المنثور، ناشر دارالمعرفه للطباعه و النشر، بیروت

۸۷- شریف رضی محمّد بن حسین(م۴۰۶ق)، فیض الاسلام اصفهانی، علی نقی، ترجمه و شرح نهج البلاغه(فیض الاسلام)، موسسه چاپ و نشر تالیفات فیض الاسلام، تهران، چاپ پنجم، ۱۳۷۹ ه.ق.

۸۸- شعیری، محمّد بن محمّد(قرن۶)، جامع الاخبار، مطبعه الحیدریه، نجف، چاپ اول

۸۹- الشوکانی(۱۲۵۵م)، نیل الاوطار، دارالجیل، بیروت، ۱۹۷۳ میلادی

۹۰- الشیخ المفید(م ۴۱۳)، الاختصاص، تحقیق: علی اکبر الغفاری، السیّد محمود الزرندی، دارالمفید للطباعه والنشر و التوزیع، بیروت، ۱۴۱۴ ه.ق.

۹۱- صافی گلپایگانی، شیخ لطف الله، جامع الاحکام(۲جلد)، انتشارات حضرت معصومه علیها السلام، ۱۴۱۷ه.ق.

۹۲- صافی گلپایگانی، شیخ لطف الله، منهاج الصالحین

۹۳- صافی گلپایگانی، شیخ لطف الله، هدایه العباد، دارالقرآن الکریم، چاپ اول، ۱۴۱۶ ه.ق.

۹۴- الصدوق(محمّد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه القمی) (م۳۸۱ق)، امالی(لصدوق)، تحقیق: الغفاری، علی اکبر، کتابچی، تهران، ۱۳۷۶ ه.ش.

۹۵- الصدوق(محمّد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه القمی) (م۳۸۱ق)، الخصال، تحقیق، تصحیح و تعلیق: علی اکبرالغفاری، منشوراه جماعه المدرسین فی الحوزه العلمیه فی قم المقدسه، ۱۴۰۳ ه.ق.

۹۶- الصدوق(محمّد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه القمی) (م۳۸۱ق)، آقا نجفی اصفهانی، محمدتقی(۳۸۱ق)، ترجمه عیون اخبار الرضا(ع)، اتشارات علمیه اسلامیه، تهران، چاپ اول

۹۷- الصدوق(محمّد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه القمی) (م۳۸۱ق)، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، تحقیق: الغفاری، علی اکبر، کتابفروشی صداقت، تهران

۹۸- الصدوق(محمّد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه القمی) (م۳۸۱ق)، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، تحقیق: السید محمّد مهدی الخرسان، منشوراه الشریف الرضی، قم، چاپ دوم، ۱۳۶۸ ه.ش.

۹۹- الصدوق(محمّد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه القمی) (م۳۸۱ق)، علل الشرائع(۲جلد)، کتابفروشی داوری، قم، ۱۳۸۵ ه.ش.

۱۰۰- الصدوق(محمّد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه القمی) (م۳۸۱ق)، فضائل الاشهرالثلاثه(شهر رجب، شهر شعبان، شهر رمضان)، تحقیق: عرفانیان یزدی، میرزا غلامرضا، ناشر کتابفروشی داوری، قم، ۱۳۸۵ ه.ش.

۱۰۱- الصدوق(محمّد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه القمی) (م۳۸۱ق)، کمال الدین(۲جلد)، ترجمه پهلوان، منصور تصحیح غفاری، علی اکبر، دارالحدیث، قم، ۱۳۸۰ه.ش.

۱۰۲- الصدوق(محمّد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه القمی) (م۳۸۱ق)، من لایحضره الفقیه، تحقیق: الغفاری، علی اکبر، موسسه نشر اسلامی، قم، ۱۴۰۴ ه.ق.

۱۰۳- الطباطبائی الیزدی، سیّد محمّدکاظم(م۱۳۳۷ق)، العروه الوثقی(دوجلد)، موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۹ ه.ق.

۱۰۴- طباطبائی بروجردی، سیدحسین(م ۱۳۸۳)، جامع احادیث الشیعه، مطبعه مهر، قم، ۱۴۰۱ ه.ق.

۱۰۵- الطباطبائی، السیّد محمّد حسین(م۱۴۱۲ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، اسماعیلیان، قم، ۱۳۹۴ ه.ق.

۱۰۶- طباطبایی، محمّد حسین، تفسیرالمیزان، ترجمه موسوی همدانی، سید محمّد باقر، بنیاد علمی و فکری علّامه طباطبایی تهران، چاپ چهارم، ۱۳۷۰ ه.ش.

۱۰۷- طبرسی، فضل بن حسن(م۵۴۸ق)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن(۱۰جلد)، انتشارات ناصرخسرو، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۲

۱۰۸- طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین(۶ جلد)، کتابفروشی مرتضوی تهران، سوم، ۱۴۱۶ه.ق.

۱۰۹- الطوسی، ابوجعفر محمّد بن الحسن(۳۸۵-۴۶۰ق)، تحقیق موسسه البعثه، امالی، مرکز چاپ و نشر در موسسه بعثه، قم، اول، ۱۴۱۷ ه.ق.

۱۱۰- الطوسی، ابوجعفر محمّد بن حسن(۳۸۵-۴۶۰ق)، الاستبصار فیما اختلف من اخبار، تحقیق: السید حسن الموسوی، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳ ه.ش.

۱۱۱- الطوسی، ابوجعفر محمّد بن حسن(۳۸۵-۴۶۰ق)، النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی)، دارالکتاب العربی، بیروت، ۱۴۰۰ ه.ق.

۱۱۲- الطوسی، ابوجعفر محمّد بن حسن(۳۸۵-۴۶۰ق)، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه للشیخ المفید رضوان الله علیه(۱۰جلد)، تحقیق و تعلیق: موسوی، السیّد حسن، دارالکتب الاسلامیه تهران، ۱۳۶۴ ه.ش.

۱۱۳- عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی(م۹۰۵ق)، بلد الامین و الدرع الحصین، چاپ سنگی

۱۱۴- العاملی، بهاء الدین محمّد بن الحسین و الساوجی، نظام بن حسین(م۱۰۳۱ق)، جامع عباسی و تکمیل آن(محشی ط- جدید)، تصحیح و انتشار: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین قم، ۱۴۲۹ ه.ق.

۱۱۵- عبدالرحیم بن عبدالکریم صفی پوری شیرازی، منتهی الارب فی لغه العرب، ترجمه و تصحیح: دکتر محمدحسن فوادیان، دکتر علیرضا حاجیان نژاد، مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول،۱۳۹۰

۱۱۶- عثمانی، محمّدتقی، مترجم امراء، یار محمّد، مسائل و احکام اعتکاف، احمد جام، تربت جام، ۱۳۷۹ ه.ش.

۱۱۷- العروسی الحویزی، عبد علی بن جحد(۱۱۱۲ق)، تفسیر نورالثقلین(۵جلد)، تحقیق: رسولی محلاتی، هاشم، ناشر اسماعیلیان، قم، ۱۴۱۵ ه.ق.

۱۱۸- العسقلانی، احمد بن علی بن حجّر(۷۷۳-۸۵۲ق)، لسان المیزان، محقق: شیخ علامه ابی غده عبدالفتاح، مکتب المطبوعات الاسلامیه، ۱۴۲۳ ه.ق.

۱۱۹- علامه حلّی(۷۲۶ق)، تذکره الفقها(۲جلد)، منشوراه المکتبه المرتضویه لإحیاء الآثار الجعفریه، چاپ سنگی

۱۲۰- علیان نژادی، ابوالقاسم، اعتکاف عبادتی کامل، مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم، ۱۳۸۵ ه.ش.

۱۲۱- فاضل لنکرانی، محمّد، جامع المسایل(فارسی)(دو جلد)، انتشارات امیرقلم، قم، چاپ یازدهم

۱۲۲- فاضل لنکرانی، محمّد، اعتکاف و احکام آن(یک جلد)، مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام، قم، اول، ۱۴۲۷ه.ق.

۱۲۳- فاضل لنکرانی، محمّد، آیت الله حاج شیخ محمّد، الحواشی علی العروه الوثقی، مهر قم، ۱۴۱۵ ه.ق.

۱۲۴- فاضل لنکرانی، محمّد، رساله توضیح المسائل، انتشارات مطبوعاتی امیر، قم، ۱۳۷۸ ه.ش.

۱۲۵- الفتال النیسابوری، محمد بن احمد(م۵۰۸ق)، روضه الواعظین، تحقیق: السیّد محمّد مهدی السیّد حسن الخرسان، منشوراه الشریف الرضی، قم

۱۲۶- فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین(۹جلد)، انتشارات هجرت، قم، ۱۴۰۹ ه.ق.

۱۲۷- فلاح زاده، محمّدحسین، احکام اعتکاف، انتشارات دلیل ما، قم، ۱۳۸۳ ه.ق. (انتشارات نورالسجاد، قم، ۱۳۷۸ ه.ش.)

۱۲۸- فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی(م۱۰۹۱ق)، الوافی(۲۶جلد)، ناشر کتابخانه امام امیرالمومنین علیه السلام، اصفهان، ۱۴۰۶ ه.ق.

۱۲۹- الفیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر(۲جلد)، دارالهجره، ۱۴۱۴ ه.ق.

۱۳۰- قرشی بنایی، سید علی اکبر، قاموس قرآن(۷جلد)، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ ششم، ۱۴۱۲ ه.ق.

۱۳۱- قزوینی، ابن ماجه ابی عبدا... محمّد بن یزید بن ماجه(م۲۷۵ق)، سنن ابن ماجه، تحقیق: عبدالباقی، محمّد فواد، دارالاحیاء التراث، بیروت، ۱۳۹۵ ه.ق.

۱۳۲- قمی، شیخ عباس(م۱۳۵۹)، الغایه القصوی فی ترجمه العروه الوثقی(ترجمه فارسی العروه الوثقی)، انتشارات مکتب المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه، تهران

۱۳۳- قمی، شیخ عباس(م۱۳۵۹ق)، فوائد الرضویه فی احوال علماء المذهب الجعفریه(سرگذشت عالمان شیعه)(۲جلد)، دفتر تبلیغات اسلامی،قم، ۱۳۸۵ه.ش.

۱۳۴- قمی، شیخ عباس(م۱۳۵۹ق)، مفاتیح الجنان

۱۳۵- القیشیری النیشابوری، ابی حسین مسلم بن الحجّاج(م۲۶۱ق)، صحیح مسلم، تحقیق: عبدالباقی، محمّد فواد، دارالحدیث، قاهره، ۱۴۱۲ ه.ق.

۱۳۶- کلینی، محمّد بن یعقوب بن اسحاق(۳۲۹ق)، الکافی(ط-اسلامیه)(۸جلد)، تصحیح غفاری علی اکبر، آخوندی محمد، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ ه.ق.

۱۳۷- کلینی، محمّد بن یعقوب بن اسحاق(۳۲۹ق)، بهبودی، محمد باقر، گزیده کافی(۳جلد)، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۳ ه.ش.

۱۳۸- کلینی، محمّد بن یعقوب بن اسحاق(۳۲۹ق)-کمره ای، محمد باقر، اصول کافی(ترجمه کمره ای)(۶جلد)، اسوه، قم، ۱۳۷۵ ه.ش.

۱۳۹- کلینی، محمّد بن یعقوب بن اسحاق(م۳۲۹ق)، مصطفوی، سید جواد، اصول کافی(ترجمه مصطفوی)(۴جلد)، کتابفروشی علمیه اسلامیه، تهران، ۱۳۶۹ ه.ش.

۱۴۰- الکوفی(الراوی)، محمّدبن الاشعث(ق۴ق)، الجعفریات(الاشعثیات)، مکتبه نینوی، چاپ سنگی، تهران، ۱۲۷۱

۱۴۱- گرشاسبی، خدیجه، فرهنگ اعتکاف، موعود اسلام، قم، ۱۳۸۸ ه.ش.

۱۴۲- گروهی از پژوهشگران، اعتکاف ابرار، خُلُق، قم ۱۳۸۸ ه.ش.

۱۴۳- گلپایگانی(م۱۴۱۴ق)، مجمع المسائل، چاپ چهارم، دارالقرآن الکریم، قم، ۱۳۷۲ ه.ش.

۱۴۴- گلپایگانی(م۱۴۱۴ق)، هدایه العباد، چاپ اول، سپهر، قم، ۱۴۱۳ه.ق.

۱۴۵- مجلسی اصفهانی، محمد باقر بن محمد تقی(م۱۱۱۰ق)، بیست و پنج رساله فارسی، تصحیح رجائی، سید مهدی، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، ۱۴۱۲ ه.ق.

۱۴۶- المجلسی، محمّد باقر بن محمّد تقی(م۱۱۱۱ق)، بحارالانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار، موسسه دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ ه.ق.

۱۴۷- مجموعه استفتائات ستاد مرکزی اعتکاف قم و معاونت فرهنگی مسجد مقدّس جمکران

۱۴۸- محقق اردبیلی(م۹۹۳)، مجمع الفائده، تحقیق: العراقی، مجتبی، پناه الاشتهاردی، الشیخ علی، الیزدی الاصفهانی، حسین، ناشر موسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه، قم، ۱۴۰۶ ه.ق.

۱۴۹- المحقق النراقی(م ۱۲۴۴ق)، مستند الشیعه، تحقیق و نشر موسسه آل البیت علیهم السلام لاحیا التراث، قم، ۱۴۱۵ ه.ق.

۱۵۰- محمّد بن سعد بن منیع الزهری(م۲۳۰ق)، الطبقات الکبری، محقق: عمر، علی محمد، دار صادر، بیروت

۱۵۱- محمّدی ری شهری محمّد، میزان الحکمه(۴جلد)، تحقیق: دارالحدیث، ناشر دارالحدیث

۱۵۲- محمّدی ری شهری، محمّد، حکمت نامه پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم

۱۵۳- محمّدی، محمّدرضا، مناسک حجّ(محشی)(یک جلد)، نشر مشعر، تهران، ۱۴۲۹ ه.ق.

۱۵۴- محمودزاده حسینی، سید حمید، اعتکاف در خلوت انس، انتشارات قدس، قم، اول، ۱۳۷۵ ه.ش.

۱۵۵- مختاری، رضا، سیمای فرزانگان، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم،۱۳۷۶ ه.ش.

۱۵۶- مرکز آموزش و پژوهش سازمان تبلیغات اسلامی، اعتکاف مقدمه عرفان، دفتر بررسیهای اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۷ ه.ش.

۱۵۷- مروارید علی اصغر، الینابیع الفقیهه(۴۵ جلد)، موسسه فقه شیعه، بیروت، ۱۴۱۳ ه.ق.

۱۵۸- مصطفوی، حسن(۱۴۲۶ق)، التحقیق فی کلمات قرآن الکریم(۱۴جلد)، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۶۸ ه.ش.

۱۵۹- مظاهری، حسین، اعتکاف سلوک منتظران، موسسه فرهنگی مطالعاتی الزهرا، اصفهان، ۱۳۹۰ ه.ش.

۱۶۰- مفید، محمد بن حسن(م۴۱۳ق)، الامالی(للمفید)، ترجمه استاد ولی، حسین، آستانقدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۴ه.ش.

۱۶۱- مقدادی اصفهانی، علی، نشان از بی نشانها، انتشارات جمهوری (اسدی)، تهران، ۱۳۸۵ ه.ش.

۱۶۲- مقدسی امیری، حسین، اعتکاف سنّت حسنه، پیام مقدس، قم، ۱۳۸۸ ه.ش.

۱۶۳- مقریزی، احمد بن علی(م ۸۴۵ق)، السلوک لمعرفه دول الملوک(۷جلد)، تصحیح زیاده، محمد مصطفی، قاهره، ۱۳۳۷ ه.ق.

۱۶۴- مکارم شیرازی، ترجمه قرآن حکیم به همراه شرح آیات منتخب، محقق فقیهی رضایی محمّد، مرعشی حسین و ...، مرکز طبع و نشر قرآن ج اا، ۱۳۸۷ ه.ش.

۱۶۵- مکارم شیرازی، ناصر، احکام بانوان، انتشارات مدرسه امام علی بن ابیطالب علیه السلام،، قم، یازدهم، ۱۴۲۸ ه.ق.

۱۶۶- مکارم شیرازی، ناصر، استفتائات جدید(مکارم)(۳ جلد)، انتشارات مدرسه امام علی بن ابیطالب علیه السلام، قم، دوم، ۱۴۲۷ ه.ق.

۱۶۷- مکارم شیرازی، ناصر، تعلیقات علی العروه الوثقی، مدرسه امیرالمومنین، قم، ۱۴۱۳ ه.ق.

۱۶۸- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۴ ه.ش.

۱۶۹- ملکی تبریزی، میرزا جواد بن شفیع، مترجم: محدث بندرویگی، ابراهیم، المراقبات فی اعمال السنه، نشر اخلاق، قم، ۱۳۷۵ ه.ش.

۱۷۰- المنسوب الی الامام علی بن الحسین علیه السلام، الصحیفه السجادیه، تصحیح: انصاریان، علی، المستشاریه الثقافیه للجمهوریه الاسلامیه الایرانیه، دمشق، ۱۴۰۵ ه.ق.

۱۷۱- المنسوب للامام الصادق علیه السلام(م۱۴۸ق)، مصباح الشریعه، موسسه الاعلمی للمطبوعات بیروت، ۱۴۰۰ ه.ق.

۱۷۲- موظف رستمی، محمّد علی، آیین مسجد، انتشارات گویه تهران، ۱۳۸۲ ه.ش.

۱۷۳- موظف رستمی، محمّد علی، بایسته های اعتکاف، انتشارات گویه، چاپ اول

۱۷۴- موظف رستمی، محمّد علی، مسجد و اعتکاف(آنچه را که یک معتکف باید بداند)، انتشارات پرهیب، کرج، ۱۳۸۷ ه.ش.

۱۷۵- موظف رستمی، محمّدعلی، روشهای جذب نوجوانان و جوانان به مسجد و نمازجماعت، انتشارات پرهیب، کرج، چاپ سوم، ۱۳۸۷ ه.ش.

۱۷۶- مولوی، غیاث الدین محمد بن جلال الدین مصطفی آبادی رامپوری، غیاث اللغات، چاپ سنگی

۱۷۷- نفیسی، دکتر علی اکبرخان(۱۲۶۴-۱۳۴۲ ه.ق)، فرهنگ ناظم الاطباء

۱۷۸- نوبهار، رحیم، اعتکاف سنّت محمّدی، موسسه عمران مساجد، تهران، ۱۳۷۶

۱۷۹- النوری الطبرسی، الحاج میرزاحسین بن محمّدتقی(م ۱۳۲۰ ه.ق.)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل(۲۸ جلد)، تحقیق و تصحیح موسسه آل البیت لاحیاء التراث، نشر موسسه آل البیت علیهم السلام لاحیاء التراث، بیروت، چاپ اول، ۱۴۰۸ ه.ق.

۱۸۰- نوری همدانی، حسین، هزار و یک مساله فقهی(مجموعه استفتائات)، ناشر: موسسه مهدی موعود(عج)، قم

۱۸۱- هاشمی شاهرودی، سید محمود، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام(۳ جلد)، موسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، قم، چاپ اول، ۱۴۲۶ ه.ق.

۱۸۲- الهندی، علّامه علاءالدین علی المتقی بن حسام الدین(م۹۷۵)، کنزالعمال فی سنن الاقوال و الافعال، تحقیق و تفسیر حیانی، تصحیح: السقا، الشیخ صفوه، الشیخ بکری، مکتبه الرساله، بیروت، ۱۳۹۹ ه.ق.

۱۸۳- وحید خراسانی، حسین، توضیح المسایل(للوحید)، مدرسه باقرالعلوم علیه السلام، قم، نهم، ۱۴۲۸ ه.ق.

۱۸۴- وحید خراسانی، منهاج الصالحین(للوحید)(۳ جلد)، مدرسه امام باقر علیه السلام، قم، پنجم، ۱۴۲۸ ه.ق.

۱۸۵- ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی(م۶۰۵ق)، مجموعه ورّام(تنبیه الخواطر و نزهه النواظر)، مکتبه فقیه، قم، ۱۴۱۰ ه.ق.

۱۸۶- یحیی بن شرف النووی(م ۶۷۶)، ریاض الصالحین، دارالفکر المعاصر بیروت لبنان، ۱۴۱۱ ه.ق.

۱۸۷- یوسفی صراف، احمد، سلوک(ویژه نامه اعتکاف)، آستان قدس رضوی، تیرماه ۱۳۸۸ ه.ش.

۱۸۸- آیت الله العظمی بهجت www.mtb.ir/fa

۱۸۹- آیت الله العظمی خامنه ای www.farsi.khamenei.ir

۱۹۰- آیت الله العظمی سیستانی www.sistani.org

۱۹۱- آیت الله العظمی فاضل لنکرانی www.lankarani.org/far

۱۹۲- آیت الله العظمی مکارم www.makaremshirazi.org

۱۹۳- آیت الله العظمی نوری همدانی www.noorihamedani.com

۱۹۴- آیت الله العظمی وحید خراسانی www.vahid-khorasani.ir

۱۹۵- آیت الله فاضل،استفتا www.lankarani.ir/common/php/contactus

۱۹۶- آیت الله مکارم،استفتا www.persian.makarem ir/forms/efor ph

۱۹۷- www.hawzah.net

۱۹۸- www.labbaik.ir

## چکیده

تعریف اعتکاف: اعتکاف عبارت است از ماندن در مسجد و درنگ درآن به قصد اینکه بندگی خدا نماید. (امام خمینی)

سیره پیامبران و معصومین و نتایج حاصل از مطالعه آیات و روایات:

۱- خداوند در آیه ۱۲۵ بقره دستور داد تا بهترین مکان(کعبه) را بهترین انسانها یعنی حضرت ابراهیم و اسماعیل برای اعتکاف آماده سازند. مشخص میشود که اعتکاف سنّت پیامبران قبل از اسلام بوده که در ردیف طواف کعبه و رکوع و سجود آمده است و از این آیه(خانه مرا پاک و آماده سازید) معلوم میشود معتکفین میهمان خدا و مورد الطاف خاص خدا میباشند.

۲- پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیه السلام نسبت به اعتکاف در ماه رمضان اهتمام داشتند.

۳- بهترین اماکن یعنی مساجد جامع، جایگاه معتکف میباشد.

۴- اعتکاف جهاد اکبر و سبب سازندگی انسان و آمرزش گناهان است

۵- فضای اعتکاف، شبیه فضای روحانی احرام در حجّ و عمره است.

زمان اعتکاف: بهترین زمان اعتکاف دهه آخر ماه رمضان است و در ماه رجب به دلایلی مانند فضیلت ماه رجب و روزه آن و اعمال ام داود، رواج یافته است.

شرائط اعتکاف:

۱- عقل: بیهوشی، مستی و جنون باعث بطلان اعتکاف میشود.

۲- نیّت: اعتکاف باید به قصد تقرّب و اخلاص باشد. (ریا سبب بطلان میشود)

۳- روزه: هر چیزی که روزه را باطل کند موجب ابطال اعتکاف میشود.

۴- مدّت اعتکاف: حدّاقل مدّت اعتکاف سه روز از طلوع فجر روز اوّل تا غروب آفتاب روز سوّم است.

۵- مکان اعتکاف: اعتکاف در مسجدالحرام، مسجدالنبی، مسجد کوفه و مسجد بصره مستحّب و در مساجد جامع، جائز است.

۶- اجازه از کسی که اجازه اش معتبراست مانند اجازه زن از همسرش، فرزند از والدین، کارگر از کارفرما

۷- استمرار حضور: معتکف حق خروج ازمسجد را جز در موارد خاصّ، ندارد.

اعمال باطل کننده اعتکاف:

۱- امور جنسی شامل هرگونه بهره برداری جنسی

۲- انواع معامله و تجارت

۳- جدال و مناقشه به قصد اظهار فضل

۴- هر عاملی که یکی از شرائط اعتکاف را از بین ببرد.

جایگاه مسجد در آیات و روایات:

مساجد خانه های خدا در روی زمین و بهترین اماکن بوده و محل جلوس پیامبران و خانه متّقین و مؤمنین و پارسایان و باغهای بهشت و از بازارهای آخرت و انوار الهی در زمین هستند. اهل مسجد زائران خدا هستند و حضور در مسجد و عبادت در آن موجب ثواب فراوان خواهد شد.

مختصری از اعمال ایّام البیض ماه رجب:

اعمال مشترک ماه رجب:

خواندن دعای«یا من ارجوه لکل خیر...بعد از هر نماز

اعمال شب سیزدهم:

خواندن یک نماز دو رکعتی، در هررکعت حمد، یس، ملک و توحید یکمرتبه

اعمال شب چهاردهم:

خواندن دو نماز دو رکعتی، در هررکعت حمد، یس، ملک و توحید یکمرتبه

اعمال شب پانزدهم:

۱- غسل

۲- شب زنده داری به عبادت

۳- خواندن زیارت امام حسین علیه السلام

۴- خواندن سه نماز دورکعتی، درهر رکعت حمد، یس، ملك وتوحید یکمرتبه

۵- خواندن ۱۵ نماز دو رکعتی، در هر رکعت حمد یکمرتبه و توحید ۱۰مرتبه

۶- خواندن ۶ نماز دو رکعتی، در هر رکعت حمد، توحید، فلق، ناس، آیه الکرسی و قدر هرکدام چهار مرتبه

اعمال روز پانزدهم:

۱- غسل

۲- زیارت امام حسین علیه السلام

۳- خواندن نماز سلمان(صفحه۱۶۱)

۴- خواندن چهار رکعت نماز(صفحه۱۷۷)

۵- اعمال امّ داود(صفحه ۱۸۱)

توصیه هائی به معتکفین:

۱- قبل از اعتکاف، معتکف باید خود را ازنظر ظاهری و درونی و روحی آماده نماید و نسبت به اعتکاف مطالعه کافی داشته باشد.

۲- در حین اعتکاف، معتکف باید جهت بهره وری بیشتر نسبت به انجام اموری اهتمام لازم را بنماید.

۳- پس از اعتکاف، معتکف باید نسبت به ارزشیابی خود و حفظ آثار اعتکاف جدّیت لازم را بنماید.

آثار اعتکاف: اعتکاف دارای آثار فراوان فردی، اجتماعی میباشد.

## سیر مطالعاتی کتاب براساس فرصت زمانی مطالعه

آب دریا را اگر نتوان کشید هم به قدر تشنگی باید چشید

پیشنهاد میشود چنانچه فرصت ندارید کل کتاب را یکجا مطالعه نمائید، بر اساس زمانی که در اختیار دارید، به ترتیب ذیل کتاب را مطالعه نمائید:

الف-۱۵ دقیقه:

۱-چکیده: (صفحه ۳۷۴ تا ۳۷۶)

ب-یک ساعت:

۱-چکیده: (صفحه ۳۷۴ تا ۳۷۶)

۲-فقط فهرست فصل ۸(توصیه هائی به معتکفین)

ج-چندین ساعت:

۱-چکیده: (صفحه ۳۷۴ تا ۳۷۶)

۲-فقط فهرست فصل ۸(توصیه هائی به معتکفین)

۳-سیر عرفانی اعتکاف(قبل یا هنگام یا بعد از اعتکاف) (صفحه۲۳۴ تا ۲۴۰ – ۲۶۶تا ۲۷۴- ۲۷۹تا ۲۸۳)

د-یک روز

علاوه بر مطالب فوق

۱-قسمت مناسب فصل ۸(توصیه هائی به معتکفین، قبل یا هنگام یا بعد از اعتکاف) (صفحه ۲۳۳ تا ۲۴۰-۲۴۰ تا ۲۷۷- ۲۷۸تا ۲۸۳)

۲-توصیه هائی در خصوص مسجد و اعتکاف(صفحه ۱۹۴ تا ۲۲۰)

۳-فهرست فصل ۵ (زمان، اعمال، آداب و ادعیه)

۴-فصل ۳ (اعتکاف در اسلام)

## درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه ای




WWW